

۱/۲۵۱۱/۳

درسنامه فقه

مطابق با فتاویٰ مراجع معظم تقلید

محمدحسین فلاح زاده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه



درسنامه فقه

مطابق با فتاوی مراجع معظم تقلید

محمد حسین فلاح زاده

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه



فهرست مطالب
فصل اول: مقدمات

پیشگفتار.....	۳۳
درس ۱: شناخت احکام.....	۴۵
گستره احکام شرعی.....	۴۵
مفاهیم و اصطلاحات.....	۴۶
فقه (احکام).....	۴۶
اجتهاد.....	۴۶
فقیه.....	۴۶
مرجع تقلید.....	۴۶
عمل به احتیاط.....	۴۶
تقلید.....	۴۶
مکلف.....	۴۷
فتوا.....	۴۷
احتیاط.....	۴۷
رساله (توضیح المسائل).....	۴۷
درس ۲: اجتهاد و تقلید (۱).....	۴۸
مقدمات اجتهاد.....	۴۹

۵۰.....	شرایط مرجع تقلید.....
۵۱.....	راه‌های شناخت مرجع تقلید.....
۵۳.....	درس ۳: اجتهاد و تقلید (۲).....
۵۳.....	بقای بر تقلید میت.....
۵۳.....	تغییر مرجع تقلید.....
۵۴.....	عمل به احتیاط.....
۵۵.....	تفاوت احتیاط واجب با احتیاط مستحب (در مقام تشخیص و در مقام عمل برای مکلف).....
۵۷.....	درس ۴: اجرای احکام دین (۱).....
۵۷.....	ضرورت تشکیل حکومت اسلامی.....
۵۹.....	رهبری در نظام اسلامی.....
۶۱.....	درس ۵: اجرای احکام دین (۲).....
۶۱.....	ولایت فقیه.....
۶۲.....	اختیارات ولی فقیه.....
۶۴.....	تفاوت حکم با فتوا.....
۶۵.....	تعارض فتوا با حکم.....

فصل دوم: عبادت

۶۹.....	درس ۶: عبادت، طهارت.....
۶۹.....	عبادت و بندگی.....
۷۰.....	نماز.....
۷۱.....	مقدمات نماز.....
۷۱.....	طهارت.....
۷۱.....	وضو.....

۷۵	وضوی ارتماسی
۷۶	وضوی کسی که دست یا پایش قطع شده
۷۸	درس ۷: وضو (۱)
۷۸	شرایط وضو
۷۸	۱. شرایط آب و ظرف وضو
۷۹	۲. شرایط اعضای وضو
۷۹	۳. شرایط کیفیت وضو
۷۹	۴. شرایط وضوگیرنده
۷۹	۵. شرایط آب وضو
۸۰	۶. شرایط اعضای وضو
۸۱	۷. شرایط کیفیت وضو
۸۲	۸. شرایط وضو گیرنده
۸۴	درس ۸: وضو (۲)
۸۴	وضوی جبیرهای
۸۶	شکیات وضو
۸۷	مبطلات وضو
۸۷	آداب وضو
۸۷	برخی از مستحبات وضو
۸۸	مکروهات وضو
۹۰	درس ۹: غسل
۹۱	کیفیت غسل
۹۲	احکام غسل
۹۳	غسل جنابت
۹۳	کارهایی که بر جنب حرام است

درس ۱۰: تِیْمَم ۹۵

موارد تِیْمَم ۹۵

کیفیت تِیْمَم ۹۷

شرایط صَحْتِ تِیْمَم ۹۹

تِیْمَم کسی که دستش قطع شده ۹۹

درس ۱۱: نَجَاسَات (۱) ۱۰۱

نَجَس و مُتَنَجِّس ۱۰۱

نَجَاسَات ۱۰۲

نَجَاسَات ۱۰۲

ادرار و مدفوع ۱۰۲

انسان مرده ۱۰۳

حیوان مرده ۱۰۳

درس ۱۲: نَجَاسَات (۲) ۱۰۶

خون ۱۰۶

شراب ۱۰۷

کافر ۱۰۸

چگونه چیز پاک نجس می شود؟ ۱۰۸

درس ۱۳: مُطَهَّرَات (۱) ۱۱۱

آب ۱۱۱

اقسام آب ۱۱۱

تقسیمی دیگر برای آب ۱۱۲

احکام آب مضاف ۱۱۳

احکام آب قلیل ۱۱۳

احکام آب کثیر، جاری، چاه و باران ۱۱۳

۱۱۴	برخی از خصوصیات باران
۱۱۴	چگونگی تطهیر اشیای نجس با آب
۱۱۶	درس ۱۴: مُطَهَّرَات (۲)
۱۱۶	تطهیر ظرف نجس
۱۱۶	تطهیر آب نجس
۱۱۷	تطهیر زمین نجس
۱۱۷	تطهیر حبوبات
۱۱۸	زمین
۱۲۰	درس ۱۵: مُطَهَّرَات (۳)
۱۲۰	آفتاب
۱۲۰	شرایط مُطَهَّر بودن آفتاب
۱۲۱	استحاله
۱۲۲	انتقال
۱۲۲	اسلام
۱۲۲	تبعیت
۱۲۳	برطرف شدن عین نجاست
۱۲۴	غایب شدن مسلمان
۱۲۴	احکام تخلی (توالت رفتن)
۱۲۵	تطهیر مخرج بول و غائط
۱۲۹	درس ۱۶: نماز
۱۲۹	اقسام نماز
۱۳۰	وقت نماز
۱۳۳	قبله
۱۳۴	راه‌های تشخیص قبله



درس ۱۷: لباس و مکان نمازگزار ۱۳۶

لباس نمازگزار ۱۳۶

مقدار پوشش در نماز ۱۳۶

شرایط لباس نمازگزار ۱۳۷

شرایط مکان نمازگزار ۱۳۹

احکام مکان نمازگزار ۱۳۹

نماز بر مکان متحرك ۱۴۱

درس ۱۸: احکام مسجد ۱۴۳

مسجد سازی ۱۴۳

تعمیر و توسعه مسجد ۱۴۵

لوازم مسجد ۱۴۵

استفاده غیرعبادی از مسجد ۱۴۶

نماز خواندن در مسجد ۱۴۶

نماز تحیت مسجد ۱۴۷

حفظ حرمت مسجد ۱۴۷

درس ۱۹: واجبات نماز (۱) ۱۴۸

تفاوت رکن و غیررکن ۱۴۹

احکام واجبات نماز ۱۴۹

نیت ۱۴۹

قیام ۱۵۱

درس ۲۰: واجبات نماز (۲) ۱۵۳

تکبیرة الاحرام ۱۵۳

واجبات تکبیرة الاحرام ۱۵۳

قرائت ۱۵۴

۱۵۵	احکام قرائت
۱۵۶	ذکر
۱۵۶	رکوع
۱۵۷	• ذکر رکوع
۱۵۷	• آرامش بدن در رکوع
۱۵۷	• ایستادن و آرامش بعد از رکوع
۱۵۹	درس ۲۱: واجبات نماز (۳)
۱۵۹	سجود
۱۵۹	واجبات سجده:
۱۶۰	بر زمین بودن هفت عضو:
۱۶۰	گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است:
۱۶۱	ذکر
۱۶۲	آرامش
۱۶۲	مساوی بودن مواضع سجده
۱۶۴	درس ۲۲: واجبات نماز (۴)
۱۶۴	وظیفه کسی که نمی‌تواند به طور معمول سجده کند
۱۶۴	سجده واجب قرآن
۱۶۵	تشهد
۱۶۶	سلام
۱۶۶	ترتیب
۱۶۷	مُوالات
۱۶۸	درس ۲۳: آداب نماز
۱۶۸	آداب لباس نمازگزار
۱۶۸	آداب مکان نمازگزار

اذان و اقامه	۱۶۹
بعضی از مستحبات قرائت	۱۷۰
قنوت	۱۷۱
برخی از مستحبات رکوع	۱۷۱
برخی از مستحبات سجده	۱۷۲
تعقیب نماز	۱۷۲
برخی از مکروهات نماز	۱۷۳
درس ۲۴: مبطلات نماز	۱۷۴
از بین رفتن یکی از شرطهای نماز:	۱۷۴
احکام مبطلات نماز	۱۷۵
سخن گفتن	۱۷۵
خندیدن و گریستن	۱۷۶
رو از قبله برگرداندن	۱۷۶
برهم زدن صورت نماز	۱۷۷
دست ها را برهم گذاشتن	۱۷۸
آمین گفتن	۱۷۸
درس ۲۵: شکیات نماز (۱)	۱۷۹
شک در اجزای نماز	۱۸۰
شک در رکعات	۱۸۱
چند قانون کلی	۱۸۳
درس ۲۶: شکیات نماز (۲)	۱۸۵
شک هایی که نباید به آنها اعتنا کرد (غیر معتبر):	۱۸۵
شک بعد از سلام	۱۸۵
وظیفه کثیر الشک	۱۸۶

۱۸۶	 شک امام و مأموم
۱۸۷	 شک در نماز مستحب
۱۸۷	 شک در اصل نماز
۱۸۷	 شک در بجای آوردن نماز
۱۸۷	 شک در صحت نماز
۱۸۷	 حکم گمان در نماز
۱۸۹	 درس ۲۷: شکیات نماز (۳)
۱۸۹	 نماز احتیاط
۱۸۹	 تفاوت نماز احتیاط با نمازهای دیگر
۱۹۰	 سجده سهو
۱۹۱	 موارد سجده سهو
۱۹۱	 اجزای فراموش شده نماز
۱۹۳	 درس ۲۸: نماز مسافر (۱)
۱۹۴	 شرط اول
۱۹۵	 شرط دوم
۱۹۵	 شرط سوم
۱۹۶	 حد ترخص در پایان سفر
۱۹۷	 شرط چهارم
۱۹۸	 درس ۲۹: نماز مسافر (۲)
۱۹۸	 شرط پنجم
۱۹۸	 شرط ششم
۱۹۹	 شرط هفتم
۱۹۹	 شرط هشتم
۲۰۰	 وطن



درس ۳۰: نماز مسافر (۳).....	۲۰۳
قصد ده روز.....	۲۰۳
بیرون رفتن از محل اقامت.....	۲۰۴
وظیفه مسافری که نمازش را تمام خوانده.....	۲۰۵
وظیفه غیر مسافری که نمازش را شکسته خوانده.....	۲۰۵
اماکن تخییر.....	۲۰۶
درس ۳۱: نماز قضا.....	۲۰۷
موارد نماز قضا.....	۲۰۷
احکام نماز قضا.....	۲۰۷
نماز قضای پدر و مادر.....	۲۰۹
نماز استیجاری.....	۲۱۰
شرایط اجیر.....	۲۱۰
وظایف اجیر.....	۲۱۱
درس ۳۲: نماز جماعت (۱).....	۲۱۳
اهمیت نماز جماعت.....	۲۱۴
شرایط نماز جماعت.....	۲۱۵
شرایط امام جماعت.....	۲۱۶
درس ۳۳: نماز جماعت (۲).....	۲۱۹
نمازها و حالت های مختلفی که جماعت صحیح است.....	۲۱۹
مواردی که نماز جماعت صحیح نیست.....	۲۲۰
اقتدا به امام جماعت.....	۲۲۱
اقتدا در رکوع.....	۲۲۲
درس ۳۴: نماز جماعت (۳).....	۲۲۴
وظیفه مأموم در نماز جماعت.....	۲۲۴

۲۲۴.....	چگونگی پیروی مأموم از امام جماعت
۲۲۶.....	احکام نماز جماعت
۲۲۷.....	برخی از آداب نماز جماعت
۲۲۹.....	درس ۳۵: نماز جمعه
۲۲۹.....	اهمیت نماز جمعه
۲۳۰.....	وقت نماز جمعه
۲۳۰.....	چگونگی نماز جمعه
۲۳۱.....	شرایط نماز جمعه
۲۳۱.....	وظیفه امام جمعه هنگام ایراد خطبه‌ها
۲۳۲.....	محتوای خطبه‌ها
۲۳۲.....	خطبه اول
۲۳۲.....	خطبه دوم
۲۳۳.....	ویژگی‌های امام جمعه
۲۳۳.....	وظیفه نمازگزاران جمعه
۲۳۵.....	درس ۳۶: نماز آیات، نماز بر میت
۲۳۵.....	نماز آیات
۲۳۵.....	اسباب وجوب نماز آیات
۲۳۶.....	چگونگی نماز آیات
۲۳۷.....	وقت نماز آیات
۲۳۷.....	احکام نماز آیات
۲۳۸.....	نماز بر میت
۲۳۸.....	شرایط نماز میت
۲۳۹.....	احکام و آداب نماز میت
۲۴۰.....	مستحبات نماز میت

۲۴۲	درس ۳۷: نمازهای مستحب
۲۴۲	نمازهای مستحب
۲۴۳	نماز شب
۲۴۴	نماز غُفیلَه
۲۴۵	نماز عید
۲۴۶	نماز جعفر طیار
۲۴۷	نماز طلب باران
۲۴۹	نماز حاجت
۲۵۰	احکام کلی

فصل سوم: روزه و اعتکاف

۲۵۳	درس ۳۸: روزه
۲۵۳	تعریف روزه
۲۵۴	روزه‌های واجب
۲۵۴	روزه‌های حرام
۲۵۵	روزه‌های مستحب
۲۵۶	روزه‌های مکروه
۲۵۷	نیت روزه
۲۵۹	درس ۳۹: مبطلات روزه
۲۵۹	مبطلات روزه
۲۶۰	• خوردن و آشامیدن
۲۶۱	• رساندن غبار غلیظ به حلق
۲۶۱	• دروغ بستن به خدا و پیغمبر
۲۶۲	• فرو بردن تمام سردر آب
۲۶۳	• قی کردن

۲۶۳	• اِسْتِمْنَا
۲۶۳	• باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح
۲۶۴	• باقی ماندن بر حیض و نفاس
۲۶۴	• اماله کردن
۲۶۵	برخی از مکروهات روزه
۲۶۶	درس ۴۰: قضا و کفاره روزه
۲۶۶	روزه قضا
۲۶۶	کفاره روزه
۲۷۱	درس ۴۱: قضا و کفاره روزه و روزه مسافر
۲۷۱	احکام قضا و کفاره روزه
۲۷۲	در این موارد نه قضا واجب است و نه کفاره
۲۷۲	روزه قضای پدر و مادر
۲۷۳	روزه مسافر
۲۷۴	راه‌های ثابت شدن اول ماه
۲۷۶	درس ۴۲: اعتکاف
۲۷۶	شرایط اعتکاف
۲۷۷	نیت اعتکاف
۲۷۷	مدّت اعتکاف
۲۷۸	زمان اعتکاف
۲۷۸	مکان اعتکاف
۲۷۹	خارج شدن از مسجد
۲۸۰	روزه اعتکاف
۲۸۱	اجازه اعتکاف
۲۸۱	محرمات اعتکاف
۲۸۲	مبطلات اعتکاف

فصل چهارم: حج

درس ۴۳: حج (۱)	۲۸۵
شرایط وجوب حج	۲۸۶
نیابت در حج	۲۸۷
شرایط نایب	۲۸۷
اقسام حج	۲۸۷
اعمال عمره تمتع و سیر مکانی آن	۲۸۸
اعمال حج تمتع و سیر مکانی آن	۲۸۸
درس ۴۴: حج (۲)	۲۹۰
توضیح اعمال عمره	۲۹۰
احرام	۲۹۰
طواف	۲۹۱
نماز طواف	۲۹۱
سعی	۲۹۲
تقصیر	۲۹۲
احرام حج	۲۹۲
وقوف در عرفات	۲۹۳
وقوف در مشعر الحرام (مُزْدَلِفَه)	۲۹۳
درس ۴۵: حج (۳)	۲۹۴
اعمال روز عید قربان	۲۹۴
رمی جمره عَقَبَه	۲۹۴
قربانی	۲۹۵
حلق یا تقصیر	۲۹۵
بیتوته در منا	۲۹۵

۲۹۵	رمی جَمَرَات
۲۹۶	طواف نساء و نماز آن
۲۹۶	مُحَرَّمَات احرام
۲۹۶	محَرَّمَات مشترک بین زن و مرد
۲۹۷	محَرَّمَات ویژه مردان
۲۹۷	محَرَّمَات ویژه زنان
۲۹۸	اعمال عمره مفرده

فصل پنجم: امر به معروف و نهی از منکر و جهاد

۳۰۱	درس ۴۶: امر به معروف و نهی از منکر (۱)
۳۰۱	اهمیت امر به معروف و نهی از منکر
۳۰۲	تعریف معروف و منکر
۳۰۲	حکم امر به معروف و نهی از منکر
۳۰۲	شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۳۰۳	مراتب امر به معروف و نهی از منکر
۳۰۴	احکام امر به معروف و نهی از منکر
۳۰۶	آداب امر به معروف و نهی از منکر
۳۰۷	درس ۴۷: امر به معروف و نهی از منکر (۲)
۳۰۷	معروف ها
۳۰۷	طلب علم
۳۰۸	مبارزه با بدعت
۳۰۹	توبه از گناه
۳۰۹	سلام کردن
۳۱۰	حفظ نظام اسلامی
۳۱۱	رعایت قوانین و مقررات

درس ۴۸: امر به معروف و نهی از منکر (۳) ۳۱۳

منکرها ۳۱۳

دروغ ۳۱۳

غیبت ۳۱۴

فحش و لعن ۳۱۴

استهزاء ۳۱۵

غَصَب ۳۱۵

کمک به ستمکار ۳۱۶

رشوه ۳۱۷

مجسمه سازی ۳۱۷

قمار ۳۱۸

سقط جنین ۳۱۹

درس ۴۹: جهاد و دفاع ۳۲۱

اقسام جهاد ۳۲۱

اقسام دفاع ۳۲۱

آموزش فنون نظامی ۳۲۳

خدمت سربازی ۳۲۳

اجازه پدر برای رفتن به جبهه دفاع یا سربازی ۳۲۴

وظیفه بانوان ۳۲۴

فرار از جبهه ۳۲۵

غنایم جنگی ۳۲۵

اسیر و شهید ۳۲۵

فصل ششم: واجبات مالی

درس ۵۰: زکات (۱).....	۳۲۹
..... اقسام زکات	۳۳۰
..... زکات اموال	۳۳۰
..... وظیفه کشاورزان و باغداران	۳۳۰
..... کسر مخارج	۳۳۱
..... وقت پرداخت زکات غلات	۳۳۲
..... مقدار زکات غلات	۳۳۳
درس ۵۱: زکات (۲).....	۳۳۵
..... وظیفه دامداران	۳۳۵
..... توضیح شرایط	۳۳۵
..... الف. گذشت سال	۳۳۵
..... ب. بیکار بودن	۳۳۶
..... ج. بیابان چر بودن	۳۳۶
..... د. به نصاب رسیدن	۳۳۷
..... وظیفه سکه داران	۳۳۹
درس ۵۲: زکات فطره.....	۳۴۱
..... فطره میهمان	۳۴۲
..... احکام زکات فطره	۳۴۳
..... مصرف زکات	۳۴۴
درس ۵۳: خمس (۱).....	۳۴۷
..... موارد وجوب خمس	۳۴۸
..... ● منفعت کسب	۳۴۸
..... ● معدن	۳۵۱

درس ۵۴: خمس (۲) ۳۵۳

• گنج ۳۵۳

نصاب گنج ۳۵۳

گنج و محل آن ۳۵۳

• مال حلال مخلوط به حرام ۳۵۴

• جواهری که با غواصی به دست آمده ۳۵۵

• غنیمت ۳۵۵

• زمینی که کافر ذمی از مسلمانی بخرد ۳۵۵

پی آمدهای ندادن خمس ۳۵۵

مصرف خمس ۳۵۶

انفال ۳۵۶

درس ۵۵: کفارات، مظالم عباد ۳۵۸

کفارات ۳۵۸

اقسام کفاره ۳۵۸

احکام کفارات ۳۵۹

مظالم عباد ۳۶۰

فصل هفتم: معاملات

درس ۵۶: خرید و فروش (۱) ۳۶۵

اقسام خرید و فروش ۳۶۶

خرید و فروش واجب ۳۶۷

خرید و فروش مستحب ۳۶۷

خرید و فروش حرام ۳۶۷

آداب خرید و فروش ۳۶۹

مستحبات ۳۶۹

۳۶۹	مکروهات
۳۷۰	احکام خرید و فروش
۳۷۲	درس ۵۷: خرید و فروش (۲)
۳۷۳	احکام معامله نسیه
۳۷۳	شرایط معامله سلف (پیش فروش)
۳۷۴	احکام معامله سلف
۳۷۴	معامله ربوی
۳۷۵	احکام معامله ربوی
۳۷۷	درس ۵۸: خرید و فروش (۳)
۳۷۷	خیارات معامله
۳۷۹	احکام خیارات
۳۸۱	بیع شرط
۳۸۲	درس ۵۹: خرید و فروش (۴)
۳۸۲	تجارت الکترونیکی
۳۸۲	بازاریابی شبکه‌ای
۳۸۳	شرکت
۳۸۳	احکام شرکت
۳۸۵	شُفعه
۳۸۶	برخی از موارد شفعه:
۳۸۶	شماره
۳۸۶	نوع مال
۳۸۶	حکم
۳۸۶	اقاله

۳۸۸	درس ۶۰: اجاره، جعاله و سرقفلی
۳۸۸	اجاره
۳۸۸	قرارداد اجاره
۳۸۸	شرایط مال مورد اجاره
۳۸۹	احکام اجاره
۳۹۰	سرقفلی
۳۹۱	جعاله
۳۹۱	تفاوت اجاره با جعاله
۳۹۲	اقسام جعاله
۳۹۳	درس ۶۱: قرض، رهن، حواله
۳۹۳	قرض
۳۹۴	اقسام قرض
۳۹۴	احکام قرض
۳۹۴	قرض ربوی
۳۹۵	رهن
۳۹۶	رهن و اجاره
۳۹۷	حواله
۳۹۸	درس ۶۲: ضمانت، وکالت، حجر
۳۹۸	ضمان
۳۹۸	شرایط ضمان
۳۹۹	احکام ضمان
۳۹۹	وکالت
۳۹۹	شرایط وکالت
۴۰۰	احکام وکالت
۴۰۱	حجر

درس ۶۳: ودیعه، عاریه و لقطه.....	۴۰۳
ودیعه (امانت).....	۴۰۳
وظایف امانتدار.....	۴۰۳
عاریه.....	۴۰۴
لُقطه (اشیای پیدا شده).....	۴۰۵
جگونگی اعلام.....	۴۰۶
درس ۶۴: مُضاربه، مزارعه، مساقات.....	۴۰۸
مضاربه.....	۴۰۸
شرایط مضاربه.....	۴۰۸
احکام مضاربه.....	۴۰۹
ضمان عامل و عدم آن.....	۴۱۰
مزارعه.....	۴۱۰
شرایط مزارعه.....	۴۱۱
احکام مزارعه.....	۴۱۱
مُساقات.....	۴۱۲
شرایط مساقات.....	۴۱۲
درس ۶۵: صلح، هبه، صدقه.....	۴۱۴
صلح.....	۴۱۴
هبه.....	۴۱۵
صدقه.....	۴۱۶
احکام صدقه.....	۴۱۶
درس ۶۶: وقف.....	۴۱۸
وقف.....	۴۱۸
اقسام وقف.....	۴۱۸

۴۱۹	شرایط وقف
۴۲۰	احکام وقف
۴۲۰	متولی وقف
۴۲۱	فروش مال وقفی
۴۲۴	درس ۶۷: وصیت
۴۲۴	وصیت
۴۲۴	چگونگی وصیت
۴۲۵	متن وصیت نامه
۴۲۵	وصیت مالی
۴۲۶	احکام وصیت
۴۲۷	وصی میت
۴۲۷	قیم
۴۲۹	درس ۶۸: نذر، عهد، قسم
۴۲۹	نذر
۴۳۱	کفاره تخلف نذر
۴۳۱	عهد
۴۳۲	قسم
۴۳۴	درس ۶۹: بانک و بورس
۴۳۴	بانک
۴۳۵	سپرده گذاری در بانک
۴۳۶	وام بانکی
۴۳۶	کارمزد
۴۳۷	دریافت تسهیلات بانکی
۴۳۷	چک



۴۳۸	سفته
۴۳۸	پول
۴۳۹	بورس
۴۳۹	تعریف بورس
۴۴۰	اوراق قرضه

فصل هشتم: روابط اجتماعی

۴۴۳	درس ۷۰: ارتباط با همنوعان (۱)
۴۴۴	حقوق والدین
۴۴۵	حقوق فرزندان
۴۴۶	عقیقه
۴۴۷	حقوق همسر
۴۴۷	حقوق شوهر بر زن
۴۴۹	درس ۷۱: ارتباط با همنوعان (۲)
۴۴۹	ارتباط با ارحام
۴۵۰	محرم و نامحرم
۴۵۰	محارم نسبی
۴۵۰	محارم پسرها و مردها
۴۵۱	محارم دخترها و زنان
۴۵۱	محارم سببی
۴۵۲	محارم رضاعی
۴۵۵	درس ۷۲: ارتباط با همنوعان (۳)
۴۵۵	ارتباط با نامحرم
۴۵۶	ارتباط ذهنی با نامحرم
۴۵۶	ارتباط نوشتاری و گفتاری

۴۵۶	ارتباط دیداری
۴۵۹	احکام پوشش (حجاب)
۴۵۹	شرایط پوشش
۴۶۱	حقوق همسایگان
۴۶۲	حقوق میهمان
۴۶۴	درس ۷۳: آداب زندگی (۱)
۴۶۴	آداب فردی
۴۶۴	آداب لباس
۴۶۵	آداب انگشتی
۴۶۵	آداب کفش
۴۶۶	آداب مسکن
۴۶۷	استراحت و خواب
۴۶۷	آداب نظافت
۴۶۷	آداب دعا
۴۶۹	درس ۷۴: آداب زندگی (۲)
۴۶۹	آداب اجتماعی
۴۶۹	آداب معاشرت
۴۷۰	آداب مجالست
۴۷۱	آداب سفر و زیارت
۴۷۲	مجالس شادی و عزاداری
۴۷۳	غنا و موسیقی
۴۷۴	عزاداری

فصل نهم: خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

درس ۷۵: خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها.....	۴۸۱
احکام خوراکی‌ها.....	۴۸۲
غذاهای گیاهی.....	۴۸۲
غذاهای حیوانی.....	۴۸۲
غذاهای تولیدی کشورهای غیر اسلامی.....	۴۸۵
حرام خوری.....	۴۸۶
درس ۷۶: ذبح و شکار حیوانات.....	۴۸۸
شرایط ذبح.....	۴۸۸
شرایط ذبح حیوان.....	۴۸۸
شکار با اسلحه.....	۴۸۹
شکار با سگ شکاری.....	۴۹۰
صید ماهی.....	۴۹۱
آداب غذا خوردن.....	۴۹۱
آداب آب نوشیدن.....	۴۹۲

فصل دهم: نکاح و طلاق

درس ۷۷: نکاح.....	۴۹۷
لزوم ازدواج.....	۴۹۸
عقد ازدواج.....	۴۹۸
دستور خواندن عقد دائم.....	۴۹۸
دستور خواندن عقد غیر دائم.....	۴۹۹
مهریه.....	۴۹۹
ازدواج حرام.....	۵۰۰
عده‌ای از زنان که ازدواج با آنها حرام است.....	۵۰۱

درس ۷۸: طلاق.....	۵۰۵
تعریف طلاق.....	۵۰۵
اختیار طلاق.....	۵۰۵
شرایط طلاق.....	۵۰۶
اقسام طلاق.....	۵۰۷
عده طلاق.....	۵۰۷
عده وفات.....	۵۰۸
عده انقضای عقد موقت.....	۵۰۹

فصل یازدهم: قضاوت و شهادت

درس ۷۹: قضاوت و شهادت.....	۵۱۳
قضاوت.....	۵۱۳
شرایط قاضی.....	۵۱۳
وظایف قاضی.....	۵۱۵
شرایط مدعی.....	۵۱۵
شرایط مدعی علیه.....	۵۱۶
شرایط دعوا و مدعی به.....	۵۱۶
راه‌های ثبوت حق یا جرم.....	۵۱۶

فصل دوازدهم: حدود، قصاص، دیات و تعزیرات

درس ۸۰: حدود و تعزیرات.....	۵۲۱
حدود.....	۵۲۱
حد برخی از گناهان.....	۵۲۲
تعزیرات.....	۵۲۳
فرق حد و تعزیر.....	۵۲۴

درس ۸۱: قصاص و دیات	۵۲۵
..... قصاص	۵۲۵
..... شرایط قصاص نفس	۵۲۵
..... چگونگی قصاص نفس	۵۲۶
..... شرایط قصاص عضو	۵۲۶
..... دیات	۵۲۸
..... موجبات دیه	۵۲۸
..... دیه قتل	۵۲۸
..... دیه سقط جنین	۵۲۹
..... دیه اعضا	۵۳۰

فصل سیزدهم: احکام اموات

درس ۸۲: احکام اموات (۱)	۵۳۵
..... احکام محتضر	۵۳۵
..... وظیفه دیگران در برابر محتضر	۵۳۵
..... مستحبات	۵۳۵
..... مکروهات	۵۳۶
..... مستحبات پس از مرگ	۵۳۶
..... واجبات پس از مرگ	۵۳۷
..... غسل میت	۵۳۷
..... غسل من میت	۵۴۰
..... کیفیت تیمم دادن میت	۵۴۰
..... خنوط	۵۴۱
..... کفن میت	۵۴۱
..... نماز میت	۵۴۲

درس ۸۳: احکام اموات (۲)	۵۴۳
تشییع جنازه و آداب آن	۵۴۳
مستحبات	۵۴۳
مکروهات	۵۴۴
وظایف صاحبان عزا	۵۴۴
کیفیت دفن میت	۵۴۵
آداب دفن	۵۴۶
احکام شهید	۵۴۸
مخارج کفن و دفن	۵۴۸
نبش قبر	۵۴۹
درس ۸۴: ارث	۵۵۱
مصارف ترکه (اموال) میت	۵۵۱
طبقات ارث	۵۵۲
سهام ورثه	۵۵۳
انواع سهم	۵۵۳
توارث همسران	۵۵۴
ارث گروه اول	۵۵۴

«بسم الله الرحمن الرحيم»

«فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»^۱

یکی از درس های زنده و اساسی مدارس علوم دینی، علم فقه بوده و هست و فقیهان، از ارزشمندترین دانشمندان علوم اسلامی به شمار می روند و نام آنها همیشه بر تارک تاریخ حوزه های علمیه می درخشد و به گفته امام خمینی (ره):

«صدها سال که روحانیت اسلام تکیه گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده اند».^۲

حوزه های علمیه و فقهای بزرگوار اسلام، در طول تاریخ برای حفظ فقاقت اسلامی و دفاع از شریعت مقدس، تلخی ها و سختی های بسیار به جان خریده اند. چه بسیار کتاب ها که در وضعیت تقیه و یا گوشه زندان نگاشته شده،^۳ و چه بسیار کتابخانه ها که حاصل صدها سال رنج و تلاش آنان بوده، به تاراج رفته، یا در آتش خشم و کینه دشمنان سوخته است.^۴ و بالاتر از همه چه بسیار بزرگانی که در راه آرمان و حفظ دین خدا سیر و جان دادند و خون سرخشان، اوراق کتاب فقاقت را رنگین کرد و گاه اجسادشان را سوزاندند و خاکسترشان را به

۱. سوره توبه، آیه ۱۲۲.

۲. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۸۹.

۳. مانند کتاب «اللمعة الدمشقية» تألیف فقیه نامدار، محمد بن مکی العاملي، معروف به «شهید اول».

۴. مانند کتابخانه شیخ طوسی در بغداد.

باد دادند! اما آنان با همه این مشکلات و سختی‌ها، هرگز از پای ننشستند و دست از تلاش نکشیدند و مسائل فقهی را پس از استنباط از منابع آن، همچون گوهر گرانمایی حفظ کردند و به نسل‌های بعد از خود انتقال دادند. و همواره با تلاش فراوان و دقت بی‌نظیر، با کشف فروع مختلف فقهی و تبویب آنها و تطبیق بر عناوین و مصادیق آن، همیشه رهگشای امت اسلامی بوده و هستند.^۱

گفتنی است در صحنه نگارش و آموزش در حوزه‌های علوم دینی، برای رشته‌های مختلف علمی از جمله «فقه» کتاب‌های ویژه‌ای برای سطوح مختلف آموزشی به رشته تحریر درآمده است. آموزش فقه در حوزه‌های علمیه به سه مرحله تقسیم می‌شود و در هر مرحله کتاب‌هایی برای تدریس یا مطالعه نگاشته شده است:

- فقه غیر استدلالی؛ مانند: «رساله توضیح المسائل» و «تحریر الوسیله» و «العروة الوثقی».^۲
- فقه نیمه استدلالی؛ مانند: «الروضة البهیة»^۳ معروف به شرح لمعه و «شرایع الاسلام».^۴
- فقه استدلالی؛ مانند: «جواهر الکلام»^۵ و «الحدائق الناضرة».^۶

۱. همچون شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین، معروف به شهید اول.

۲. در پایان این مقدمه، فهرست کوتاهی از نام و مشخصات و آثار فقهای شیعه، از آغاز عصر غیبت امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه‌ش) تا زمان امام خمینی (ره) آمده است.

۳. کتابی است در فقه که بخش عمده مسائل فقهی را دربردارد و در حد خود، از نظر برخورداری از فروع مسائل، کم‌نظیر است. تألیف فقیه بزرگوار سید محمد کاظم یزدی.

۴. کتابی در فقه، تألیف دانشمند گرانقدر، زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی معروف به «شهید ثانی». این کتاب شرحی است بر کتاب «اللمعة الدمشقیة» تألیف شمس‌الدین محمد بن مکی معروف به «شهید اول».

۵. کتابی در فقه، تألیف علامه محقق، جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید معروف به «محقق حلی». نویسنده در این کتاب، تنظیم جدیدی برای مسائل فقه پدید آورده و سال‌ها از متون درسی حوزه علمیه بوده است.

۶. دائرة المعارف بزرگ فقه شیعه، تألیف فقیه سخت‌کوش، شیخ محمد حسن نجفی؛ این کتاب از مآخذ و منابع فقه شیعه است.

۷. تألیف محدث ارزشمند و فقیه گرانمایه، شیخ یوسف بحرانی، که یکی از کتاب‌های تفصیلی فقه شیعه است.

آنچه پیش روی دارید مرحله اول فقه آموزی است که با هدف آموزش به طلاب جدیدالورود به حوزه های علمیه نگاشته شده است و چندین سال در حوزه های علمیه تدریس شده و در این مدت پیشنهادهایی اصلاحی و تکمیلی از سوی اساتید معزز به دست رسید و در نهایت به دستور شورای عالی حوزه علمیه تغییر، حذف، اضافات و اصلاحاتی در آن صورت گرفت که به شکل موجود تقدیم می شود ولی هرگز آن را خالی از نقص نمی دانیم و نظرات اساتید محترم را بردیده می نهیم.

یادآوری چند نکته:

۱. متن این کتاب مطابق با فتاوی بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت آیه الله العظمی امام خمینی رحمه الله است و کتاب هایی که در تدوین این نوشته استفاده بیشتری از آنها شده است، عبارتند از:

- تحریر الوسیله - دار الانوار.
- توضیح المسائل - بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- استفتائات - دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- العروة الوثقی - المكتبة العلمية الاسلامية.

۲. در متن این کتاب، مسائلی که تفاوت فتوایی در آنها به حدی است که مقلدان سایر مراجع نمی توانند به آن فتوا عمل کنند، با علامت «□» مشخص شده است تا آن عزیزان برای شناخت نظر مرجع تقلید خود بتوانند به رساله وی مراجعه کنند، یا اساتید محترم در صورت صلاحدید، به موارد اختلاف اشاره نمایند. گفتنی است که همه اختلاف فتواها به گونه ای نیست که اگر مقلد به مسائل متن عمل کند، خلاف فتوای مرجع تقلیدش عمل کرده، یا واجب را ترک شده باشد؛ مثلاً اگر مسأله ای که در متن آمده، فتوا باشد و مرجع تقلید کسی در همان مسأله، احتیاط واجب داشته باشد، اگر مقلد به آن فتوا عمل کند، به همان احتیاط نیز عمل کرده است و مشکلی پیش نمی آید.

۳. این کتاب جنبه آموزشی دارد و توسط استادان محترم تدریس می شود و شاگردان نزد معلم خود، آن را می آموزند، گرچه در شیوه نگارش تلاش ما بر این بوده که مطالعه آن نیز مفید باشد و مسائل شرعی را به مطالعه کنندگان بیاموزد.

۴. برای اطمینان بیشتر و مراجعه به منابع اصلی - در صورت نیاز - مآخذ مسائل در پایان

هر صفحه آمده است.

۵. کتاب حاضر، قبل از چاپ، چند دوره تدریس شده و نواقص آن - در حدّ توان - برطرف گردیده است و افزون بر این، چند تن از دوستان فاضل حوزه، عنایت فرموده و بخش‌هایی از آن را مطالعه کرده و رهنمودهایی ارائه داده‌اند، که در اینجا از همه آن عزیزان تشکر می‌شود.

۶. جهت اختصار در مطالب، علائم زیر به کار رفته است:

ج = جلد ص = صفحه م = مسأله س = سؤال

سخنی با استادان محترم

۱. محتوای هر درس - با استفاده از تجربه چندین ساله - برای يك ساعت تدریس، تنظیم شده، که همراه با توضیحات استاد، این مقدار از زمان را دربر خواهد گرفت، ولی در چند درس از این کتاب، چون مطالب يك بحث ناقص می‌ماند، حجم بیشتری پیدا کرده و ممکن است وقت بیشتری بطلبد؛ که در صورت تمام نشدن مطالب، در يك جلسه، باقیمانده آن در جلسه بعد تدریس خواهد شد و در چند درس دیگر؛ از آنجا که يك بخش از مسائل، تمام شده و درس بعد، از ابتدای بحث جدید آغاز می‌شود، حجم کمتری دارد که باید فرصت باقیمانده را از درس بعد استفاده کرد.

۲. برای تدریس این کتاب، هرگز نباید به مطالعه مطالب آن اکتفا شود، بلکه بجاست استادان محترم، قبل از تدریس، علاوه بر مطالعه دقیق هر بحث، فروع مسائل و پاسخ پرسش‌هایی که ممکن است از سوی شاگردان مطرح شود، مورد ملاحظه قرار داده و با آمادگی کامل در کلاس حاضر شوند.

۳. استادان محترم در اولین جلسات درس از شاگردان خود بخواهند که نام مرجع تقلیدشان را نوشته و تحویل دهند تا بتوانند قبل از حضور در کلاس مسایلی را که با علامت مشخص شده با مراجعه به منابع فقهی، نظر مقلد شاگردان را به دست آورده و در ضمن درس یادآوری کنند، یا آنها را به رساله مرجعشان ارجاع دهند.

۴. در این نوشته سعی شده است بدون آن که حکم شرعی تغییر یابد، از لغات ساده و عبارت‌هایی روان و قابل فهم استفاده شود، گرچه از آشنا کردن دانش‌پژوهان با اصطلاحات فقهی هم غافل نبودیم، لذا استادان محترم اصل ساده‌گویی را فراموش نکرده، و از به کار گرفتن

اصطلاحات و لغات دشواری که ضرورتی ندارد و فهم مطالب را دشوار می‌سازد پرهیزند.
 ۵. یکی از اصول مهم تدریس احکام، بیان مثال و تطبیق حکم بر مصادیق آن است. آنچه مردم با آن سروکار دارند نمونه‌های عینی و عملی مسائل شرعی است. بنابراین، اگر برای هر مسأله، یک یا دو مثال آورده شود، به فهم مطالب کمک می‌کند و کاربردی بودن احکام شرعی معلوم می‌شود و علاقه شاگردان به فراگیری احکام بیشتر می‌شود در متن کتاب نیز برای بسیاری از مسائل، مثال آورده شده است و مثال، باید این شرایط را داشته باشد:

* متناسب با حکم.

* متناسب با فهم افراد.

* متناسب با شغل و موقعیت اجتماعی آنان.

* مورد نیاز مخاطبین.

* طولانی نشود؛ یعنی خلاصه و به اندازه نیاز باشد.

* زشت و مستهجن نباشد.

* تأثیر سوء نداشته باشد.

۶. اساتید محترم سعی کنند، خلاصه مطالب را بر تابلو بنویسند، این نیز در فراگیری افراد بسیار مؤثر خواهد بود.

۷. کسانی که توانایی نقاشی دارند، در آموزش برخی از مسائل احکام می‌توانند از این هنر بهره بگیرند.

۸. استاد، برخی از مسائل احکام را باید پس از توضیح، در عمل نمایش دهد تا شاگردان به خوبی آن را فراگیرند؛ مانند وضو، وضوی جبیره، تیمم، نماز آیات و... و در این برنامه می‌توان از شاگردان نیز کمک گرفت.

۹. برای هر درس، چند پرسش نوشته شده که بیشتر آنها از مصادیق و نمونه‌های احکام است که استادان محترم جواب آنها را از شاگردان بخواهند و آنها را در یافتن پاسخ‌ها به ویژه سؤال‌هایی که شاگردان را به کتب مفصل فقهی ارجاع می‌دهد، یاری دهند.

۱۰. استادان محترم بخشی از وقت را به پاسخگویی پرسش‌های حاضران اختصاص دهند.

۱۱. پاسخگویی به پرسش‌های حاضران را می‌توان به دو شیوه شفاهی یا کتبی انجام داد و

در فرض اول، می‌توان در ضمن درس، یا پایان هر درس، یا يك بحث به پرسش‌ها پاسخ داد و در فرض دوم که سؤال‌ها نوشته می‌شود و جمع‌آوری می‌گردد، در پایان هر درس یا در جلسه بعد، به آنها پاسخ داده خواهد شد.

۱۲. در برخی از درس‌ها، قسمتی از مطالب «برای مطالعه» می‌باشد، که اساتید محترم در صورت کمبود وقت برای تدریس، می‌توانند شاگردان را به مطالعه آنها راهنمایی کنند. در پایان، بار دیگر از تمامی برادرانی که با مطالعه این کتاب رهنمودهایی داده‌اند تشکر کرده و خدای را بر این توفیق سپاس می‌گوییم و از نظرات و پیشنهادهای سازنده عزیزان استقبال می‌کنم.^۱

«رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»

حوزه علمیه قم. محمد حسین فلاح‌زاده

تابستان ۱۳۹۵، ه.ش.

۱. مایه سپاس است اگر نظریات خود را به نشانی: قم - صندوق پستی ۳۶۹۸ - ۳۷۱۸۵ یا پست

الکترونیک amoozeshfigh@chmail.ir بفرستید.

فهرست فقیهان معروف شیعه

شماره	نام فقیه	لقب	وفات (هـ.ق)	تولد	کتاب فقهی مشهور
۱	علی بن بابویه	صدوق اول	۳۲۹	قم	الفقه الرضوی
۲	حسن بن علی بن عقیل	ابن عقیل عمانی	۳۲۹	عمان	الْمُنْتَسَبُ بِحَبْلِ أَلِ الرُّسُولِ رحمته الله
۳	محمد بن علی بن بابویه	شیخ صدوق	۳۸۱	قم	المقطع، من لا یحضره الفقیه
۴	محمد بن احمد بن جنید اسکافی	ابن جنید	۳۸۱	اسکاف (عراق)	تهذیب الشیعة لأحكام الشريعة
۵	محمد بن محمد بن نعمان	شیخ مفید	۴۱۳	بغداد	المقنعة
۶	علی بن حسین بن موسی	سید مرتضی	۴۴۶	بغداد	الاتصاف
۷	شیخ تقی بن نجم الدین بن عبدالله حلّی	ابوالصلاح حلّی	۴۴۷	حلب	الکافی
۸	ابو جعفر محمد بن حسن طوسی	شیخ الطائفة شیخ طوسی	۴۶۰	طوس	النهاية، المبسوط، الخلاف
۹	حمزة بن عبدالعزیز دیلمی	نسّار دیلمی	۴۶۳	طبرستان (مازندران)	المراسم
۱۰	شیخ ابوالقاسم عبدالعزیز بن بزّاج	ابن براج	۴۸۱	مصر	المهذب البارع
۱۱	حمزة بن علی بن زهره	ابوالمکارم ابن زهره	۵۸۵	حلب	الغنية
۱۲	محمد بن علی بن حمزه	ابن حمزه	۵۸۵	طوس	النسابة
۱۳	محمد بن ادریس حلّی	ابن ادریس	۵۹۸	حله	سرائر
۱۴	جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید حلّی	محقق حلّی	۶۷۶	حله	شرائع الاسلام، المختصر النافع
۱۵	حسن بن یوسف بن علی بن مُطهر حلّی	علامه حلّی	۷۲۶	حله	قواعد الاحکام، تذکره الفقهاء، مختلف الشیعة، نهاية الاحکام
۱۶	محمد بن حسن بن یوسف حلّی	فخر المحققین	۷۷۱	حله	ایضاح الفوائد، اللمعة الدمشقیة

١٧	شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین	شهید اول	٧٨٦	جزین لبنان	الدروس الشرعية، ذکر فی الشیعة
١٨	مقداد بن عبدالله بن محمد سیوری حلی	فاضل مقداد	٨٢٦	حله	کنز‌العرفان، التفتیح الرائع
١٩	ابوالعباس احمد بن فهد حلی	ابن فهد	٨٤١	حله	التحریر، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع
٢٠	علی بن حسین بن عبدالعالی کرکی	محقق ثانی محقق کرکی	٩٤٠	کرک لبنان	جامع المقاصد
٢١	(بن‌الدین بن علی بن احمد عاملی	شهید ثانی	٩٦٦	لبنان	الروضة البهیة (شرح لمعه)، مسالك الافهام
٢٢	احمد بن محمد اردبیلی	مقدس اردبیلی، محقق اردبیلی	٩٩٣	اردبیل	مجمع الفائدة و البرهان
٢٣	شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی	شیخ بهایی	١٠٣٠	لبنان	جامع عباسی، حیل المثنی فی احکام‌الدین
٢٤	ملا محمد باقر سبزواری	محقق سبزواری	١٠٩٠	سبزوار	کفاية اللغه، ذخیرة المعاد
٢٥	محسن بن مرتضی	فیض کاشانی	١٠٩١	کاشان	مفاتیح‌الشرایع
٢٦	حسین بن جمال‌الدین محمد خوانساری	محقق خوانساری	١٠٩٨	خوانسار	مشارق الشمس فی شرح الدروس
٢٧	جمال‌الدین محمد بن حسین خوانساری	آقا جمال خوانساری	١١٢٥	خوانسار	حاشیة شرح لمعه
٢٨	محمد بن حسین بن محمد اصفهانی	فاضل هندی	١١٣٥	اصفهان	کنف اللام
٢٩	یوسف بن احمد بن ابراهیم بحرانی	صاحب حدائق	١١٨٦	بهرین	الحدائق الناضرة
٣٠	محمد باقر بن محمد بهبهانی	وحید	١٢٠٥	بهبهان	شرح مفاتیح‌الشرایع

۳۱	محمد مهدی بن ابی‌ذر نراقی	نراقی اول	۱۲۰۹	نراقی کاشان	معتمد الشیعة
۳۲	سید محمد مهدی بحر العلوم	بحر العلوم	۱۲۱۲	کریلا	الذرة النجفية، المصابيح
۳۳	سید محمد جواد عاملی	صاحب مفتاح الکرامه	۱۲۲۶	نجف	مفتاح الکرامه
۳۴	شیخ جعفر کاشف الغطاء	کاشف الغطاء	۱۲۲۸	نجف	کشف الغطاء
۳۵	ابوالقاسم بن محمد حسن گیلانی	میرزای قمی	۱۲۳۱	گیلان	جامع الشتات
۳۶	احمد بن محمد نراقی	نراقی دوم	۱۲۴۴	نراق کاشان	مستند الشیعة
۳۷	شیخ محمد حسن نجفی	صاحب جواهر	۱۲۶۶	نجف	جواهر الکلام
۳۸	شیخ مرتضی انصاری	شیخ اعظم	۱۲۸۱	دزفول	المکاسب، الطهارة، الصلاة
۳۹	حاج میرزا محمد حسن شیرازی	میرزای شیرازی (اول)	۱۳۱۲	شیراز	حاشیه بر تجات العباد
۴۰	میرزا حبیب‌الله بن میرزا محمد علی خان گیلانی	محقق رشتی	۱۳۱۲	املش	الطهارة، الحاشیه علی المکاسب، کتاب الزکاة، کتف الاجارة
۴۱	سید محمد کاظم طباطبائی	فقیه یزدی	۱۳۲۸	یزد	العروة الوثقی، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری
۴۲	ملا محمد کاظم خراسانی	آخوند خراسانی	۱۳۲۹	مشهد	حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری
۴۳	میرزا محمد تقی شیرازی	میرزای شیرازی دوم	۱۳۳۸	شیراز	حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری، سلافة السیعة
۴۴	میرزا فتح‌الله بن محمد تمازی شیرازی	شیخ الشریعة اصفهانی	۱۳۳۹	اصفهان	افاضة القدير
۴۵	ملا حبیب‌الله بن ملاقلی مدد ساوجی	ملا حبیب‌الله شریف کاشانی	۱۳۴۰	کاشان	منتقد المتافع، منظومة مقام المجتهدین
۴۶	میرزا محمد حسین نائینی	میرزای نائینی	۱۳۵۵	نائین	حاشیه بر عروة

۴۷	شیخ عبدالکریم حائری یزدی	حاج شیخ مؤسس	۱۳۵۵	بیید	کتاب الصلاة
۴۸	محمدحسین بن محمدحسن نخجوانی	محمدحسین غروی اصفهانی	۱۳۶۱	اصفهان	بحوث فی الفقه، حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری
۴۹	سید ابوالحسن اصفهانی	محقق اصفهانی	۱۳۶۵	اصفهان	وسيلة النجاة
۵۰	سید حسین طباطبائی بروجردی	آیه الله بروجردی	۱۳۸۰	بروجرد	حاشیه بر تهیة الاحکام، حاشیه بر عروه
۵۱	سید محسن حکیم	آیه الله حکیم	۱۳۹۰	بنت جبیل لبنان	منهاج الصالحین، مستمسک العروة الوثقی
۵۲	سید روح الله موسوی خمینی	امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی	۱۴۰۹	خمین	تحریر الوسیلة، کتاب البیع، المكاسب المحرمة
۵۳	شهاب الدین بن شمس الدین محمود مرعشی	آیه الله نجفی مرعشی	۱۴۱۱	طبرستان	نخبة الاحکام، سبیل النجاة
۵۴	سید ابوالقاسم بن سید علی اکبر خویی	آیه الله خویی	۱۴۱۳	خوی	تکملة منهاج الصالحین و مبانی آن، حاشیه بر العروة الوثقی
۵۵	محمد رضا بن محمد باقر گلپایگانی	آیه الله گلپایگانی	۱۴۱۴	گلپایگان	حاشیه بر العروة الوثقی، حاشیه بر وسیلة النجاة، کتاب الطهارة
۵۶	محمد علی بن احمد فراهانی	آیه الله اراکی	۱۴۱۵	اراک	شرح العروة الوثقی، المكاسب المحرمة، النکاح و الطلاق

شایان ذکر است که، دانشمندان علوم دینی و فقهای بزرگوار تشیع، منحصر به این تعداد نیستند، بلکه در این مختصر، تنها فقیهان مشهور آمده است. شیعه در چند دهه گذشته شاهد فقیهان نامداری بوده که هر کدام خدمات و تألیفات ارزشمندی بر جای گذاشته‌اند. اکنون نیز در حوزه‌های علمیه، عالمان دین شناس و فقیهان بسیاری وجود دارند که رسالت انبیایی حراست از مکتب را بر دوش گرفته‌اند و علوم اهل بیت (علیهم السلام) را به نسل حاضر منتقل می‌کنند.



فصل اول

مقدمات

- شناخت احکام
- اجتهاد و تقلید
- حکم و فتوا

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه

شناخت احکام

(... لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا)^۱

«... برای هر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راه روشنی قرار دادیم».

گستره احکام شرعی

مجموعه برنامه‌های اسلام که وظیفه انسان‌ها را در رابطه اعمال آنها مشخص می‌کند احکام نام دارد و مشتمل بر «بایدها» و «نبایدها»یی است که با انجام دادن و ترک آنها (همراه با اعتقاد صحیح) اطاعت الهی تحقق می‌یابد؛ مانند خواندن نماز، پرداخت زکات و پرهیز از غیبت و سرقت.

بنابراین تمام اعمال انسان‌ها فردی و یا گروهی، از آغاز زندگی تا پایان، دارای حکمی است که مجموعه اینها احکام شرعی یا دینی یا فقهی نامیده می‌شود.

امام خمینی ره درباره گستره و اهمیت فقه چنین می‌فرمایند:

«فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان و جامعه از گهواره تا گور است».^۲

۱- مائده: ۴۸.

۲- صحیفه امام خمینی ره، جلد ۲۱، صفحه ۲۸۹.

مفاهیم و اصطلاحات

فقه (احکام)

علم به احکام شرعی را فقه گویند، بنابراین، دانشی که از احکام شرعی سخن می‌گوید و آنها را بیان می‌کند «فقه» نام دارد.

اجتهاد

اجتهاد در لغت به معنای کوشش و تلاش کردن است. و در اصطلاح فقه عبارت است از استنباط و استخراج مسائل شرعی از منابع مربوط به آن.

فقیه

به کسی که توانایی عملی او در حدی است که می‌تواند احکام شرعی (فقه) را از منابع آن استخراج کند فقیه یا مجتهد گفته می‌شود.

مرجع تقلید

به مجتهدی که مردم در احکام دینی به او مراجعه می‌کنند و براساس نظر عملی و فقهی او عمل می‌کنند مرجع تقلید گفته می‌شود.

عمل به احتیاط

عمل به احتیاط بدین معناست که مکلف طوری عمل کند که یقین داشته باشد به وظیفه خود عمل کرده، مثلاً در جایی که نمی‌داند وظیفه‌اش نماز قصر (شکسته) است یا تمام، اگر بخواهد به احتیاط عمل کند، باید هم تمام بخواند و هم شکسته.

تقلید

تقلید به معنای پیروی و دنباله روی از دیگری است و در اصطلاح فقهی به معنای عمل براساس نظر فقیه است. به کسی که در احکام دینی از مجتهد پیروی می‌کند «مقلد» گفته می‌شود.

مکلف

کسی که نسبت به احکام شرعی تکلیف دارد و باید براساس آنها عمل کند و در صورت تخلف بازخواست می شود مکلف است، شرایط تکلیف عبارت است از: عقل، بلوغ و قدرت؛ لذا انسان دیوانه و غیربالغ (کودک) و افراد ناتوان مکلف نیستند.

فتوا

به نظر فقهی مجتهد که تحت عنوان حکم شرعی بیان می شود فتوا می گویند و گاهی به نظر صریح مجتهد در احکام شرعی گفته می شود، مثلاً بگویند واجب است یا حرام است.

احتیاط

اگر مجتهد در مسأله ای نظر صریح نداده باشد، بلکه طریقی ارائه کرده باشد که مکلف با عمل به آن مطمئن باشد به وظیفه عمل کرده، احتیاط نام دارد.

رساله (توضیح المسائل)

رساله در لغت به معنای نامه و نوشته است، اما اکنون به کتابی گفته می شود که حاوی نظرات فقهی (فتاوی) مجتهد است و مقلد برای دستیابی به احکام شرعی به آن کتاب مراجعه می کند.

پرسش

- ۱- احکام شرعی کدام دسته از امور زندگی انسان را دربر می گیرد؟
- ۲- تفاوت فقیه با مرجع تقلید چیست؟
- ۳- اصطلاحات مکلف و مقلد را توضیح داده و تفاوت آنها را بیان کنید.
- ۴- امام خمینی ره گستره فقه چه فرمود؟

اجتهاد و تقلید (۱)

قال علی علیه السلام: «یا کمیل، ما من حركة إلا و أنت محتاج فیها إلى معرفة»^۱

«امیرمؤمنان علی علیه السلام به کمیل بن زیاد فرمود: ای کمیل، هیچ حرکتی نیست [یعنی هر عملی که انجام می‌دهی]، مگر این که نیاز به آگاهی داری».

دین داری بدون دین شناسی میسر نیست، شناخت دین، ممکن است به صورت تفصیلی و استدلالی باشد که در اصطلاح، دین شناسی اجتهادی، یا اجتهاد در دین گفته می‌شود، و گاهی تقلیدی و غیراستدلالی است.

این دو شیوه شناخت، اختصاص به مسائل دینی یا احکام اسلامی ندارد بلکه در تمام رشته‌های علمی، اینگونه است که عده‌ای متخصص و صاحب نظرند و دیگران در آن علم، مقلد و پیرو صاحب نظران و اندیشمندان هستند، لذا می‌توان راه‌های شناخت احکام دین را در دو طریق اجتهاد و تقلید خلاصه کرد.

مقدمات اجتهاد

علمی که به عنوان مقدمات اجتهاد و پیش نیاز استنباط احکام شرعی باید فراگرفت عبارتند از:

- صرف: علم به تغییر کلمات جهت به دست آمدن معانی مختلف؛
 - نحو: علم به ترکیب کلمه و ساختار جمله؛
 - معانی، بیان، بدیع: علم زیباسازی نوشتار و گفتار و شناخت آن زیبایی‌ها؛
 - لغت: شناخت معانی کلمات.
۱. علوم عربی مشتمل بر

- ۲. منطق: علم درست اندیشیدن و استدلال کردن.
 - ۳. اصول فقه: شناخت شیوه استنباط احکام.
 - ۴. رجال: آشنایی با شخصیت‌های حدیث، (اسناد روایات).
 - ۵. درایه: شناخت معانی و مفاهیم احادیث و درست آن از نادرست.
 - ۶. تفسیر و علوم قرآنی: شناخت دانش‌های مرتبط با قرآن و فهم دقیق آیات فقهی قرآن.
- افزون بر علمی که شمردیم، این موارد نیز لازم است:
- ۷. آشنایی به محاورات عرفی و زبان مردمی که مورد خطاب قرآن و سنت بوده‌اند.
 - ۸. آشنایی با گفته‌ها و نظریات پیشینیان، جهت عدم وقوع در خلاف شهرت و اجماع.
 - ۹. بررسی فتاوا و اخبار اهل سنت، به خصوص در موارد تعارض اخبار.
 - ۱۰. تلاش در جهت استنباط احکام و تمرین در آن، به حدی که ملکه استنباط

حاصل شود.^۱

با فراگرفتن علومی که گفته شد و با وجود شرایط لازم، شخص مجتهد باید طبق آنچه استنباط کرده عمل نماید و چنانچه در استنباط خود اشتباه کرده باشد معذور است.^۲

شرایط مرجع تقلید

۱. مرجع تقلید باید دارای این شرایط باشد:

* اجتهاد؛ * عدالت؛

* عقل و بلوغ؛ * زنده بودن؛

* مرد بودن؛ * شیعه دوازده امامی بودن؛

* حلال زادگی؛ * و بنا بر احتیاط واجب، اعلم بوده و حریص به دنیا نباشد.^۳

۲. عادل به کسی گویند که دارای قوه عدالت باشد. و عدالت حالتی نفسانی است که انسان را به تقوا واداشته و از ارتکاب گناهان کبیره^۴ و اصرار بر گناهان صغیره بازمی دارد.^۵

۳. اعلم کسی است که قواعد و مدارک مسأله را بهتر بشناسد و بر نمونه های آن مسأله و قرآن و روایات، اطلاع بیشتر داشته باشد و آنها را بهتر بفهمد. خلاصه، اعلم کسی است که در استنباط احکام، از دیگران استادتر باشد.^۶

۱. الرسائل، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۹۶.

۲. همان، ص ۹۹.

۳. توضیح المسائل، م ۲.

۴. گناهان کبیره، گناهایی است که بر آنها وعده عذاب و آتش داده شده یا به کبیره بودن آنها تصریح شده است؛ مانند دروغ، غیبت و سرقت و به گناهان دیگر صغیره گفته می شود.

۵. تحریر الوسیله، ج ۱، فی فروع التقلید، ص ۱۰، م ۲۸.

۶. همان، ص ۷، م ۱۳.

□ تقلید ابتدایی از مجتهدی که از دنیا رفته است جایز نیست؛ یعنی کسی که اکنون مکلف شده یا تاکنون تقلید نکرده، نمی‌تواند از مجتهدی که از دنیا رفته است تقلید کند. بلکه باید مقلد مجتهد زنده باشد.^۱

راه‌های شناخت مرجع تقلید

الف) آزمودن و شناخت شخصی، در صورتی که خودش اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را تشخیص دهد.

ب) شهرتی که مفید علم باشد؛ یعنی بین اهل خبره چنان به اجتهاد و اعلمیت مشهور باشد که موجب علم به اجتهاد یا اعلمیت آن فرد باشد.

ج) گواهی دونفر عالم عادل اهل خبره،^۲ به شرطی که دونفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند.^۳

چند مسأله

۱. بر مکلف واجب است که برای شناختن مجتهد اعلم جست‌وجو و تفحص کند.^۴

۲. چنانچه دو یا چند مجتهد از نظر علمی با هم مساوی باشند، شخص مقلد، مخیر است از هر کدام که بخواهد تقلید کند. همچنان که می‌تواند بعضی از مسایل را از یکی و بعضی دیگر را از دیگری تقلید کند.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، فی فروع التقلید، ص ۱۳۰، ۷. به فتوای برخی از فقها، تقلید ابتدایی از میت جایز است.

۲. افرادی که صلاحیت علمی تشخیص اجتهاد و اعلمیت را دارا باشند.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، فی فروع التقلید، ص ۸، ۱۹.

۴. همان، ص ۶، ۵.

۵. همان، ص ۶، ۸.

۳. اگر دو مجتهد، هریک در بخشی از احکام اعلم باشند، مثلاً یکی در احکام عبادات اعلم است و دیگری در معاملات، مکلف باید بنابر احتیاط واجب، در هر بخش، از اعلم تقلید کند.^۱

پرسش

۱. علم فقه با اصول فقه چه تفاوتی دارد؟
۲. علم رجال و درایه چه تفاوتی دارد؟
۳. دو شرط اجتهاد و عدالت مرجع تقلید را توضیح دهید.
۴. اعلم بودن مرجع تقلید به چه معناست؟
۵. در چه صورتی مکلف می‌تواند از دو یا چند نفر فقیه تقلید کند؟

۱. العروة الوثقی، ج ۱، فی التقلید، ص ۱۶، م ۴۷.

اجتهاد و تقلید (۲)

بقای بر تقلید میت

۱. بقای بر تقلید میت باید با اجازه مجتهد زنده باشد؛ یعنی چنانچه به فتوای مجتهد زنده بقای بر تقلید میت جایز باشد می‌تواند همچنان از او تقلید کند.^۱
۲. کسی که بر تقلید میت باقی مانده است، در مسایلی که میت فتوا نداده و همچنین در مسایل جدید باید از مجتهد زنده تقلید کند.^۲

تغییر مرجع تقلید

- عدول از مجتهدی به مجتهد دیگری یا تغییر مرجع تقلید در برخی از موارد جایز یا واجب است و در برخی موارد جایز نیست که به طور مختصر به آنها اشاره می‌شود:
- عدول از غیر اعلم به اعلم، بنا بر احتیاط، واجب است؛

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، فی التقلید، ص ۱۶، م ۴۷.

۲. استفتائات، ج ۱، ص ۱۲، س ۱۷.

- • عدول از مجتهد زنده به زنده مساوی، جایز نیست؛^۱
- عدول از اعلم به غیر اعلم، جایز نیست؛
- عدول از مجتهدی که مدتی از او تقلید می‌کرده و اکنون معلوم شده که اهلیت^۲ فتوا نداشته، به مجتهد جامع الشرایط واجب است؛
- عدول از مجتهدی که یکی از شرایط مرجعیت را از دست داده؛ مثلاً دیوانه شده یا فراموشی به او دست داده، به مجتهد جامع الشرایط، واجب است؛
- • عدول از مجتهدی که تاکنون از او تقلید می‌کرده و اکنون از دنیا رفته به مجتهد زنده، جایز، بلکه احتیاط مستحب است؛^۳
- عدول از مجتهد زنده به مجتهد مرده؛ بنابر احتیاط واجب، جایز نیست. هر چند قبلاً از او تقلید می‌کرده و پس از مرگ وی به مجتهد زنده رجوع کرده است.^۴

عمل به احتیاط

«عمل به احتیاط» در اصطلاح فقه، عبارت است از عمل کردن به احکام، به گونه‌ای که انسان یقین داشته باشد به وظیفه‌اش عمل کرده است.

۱. عمل به احتیاط برای همه (مجتهد یا غیر مجتهد) جایز است، ولی باید موارد احتیاط را بشناسد و البته افراد اندکی این موارد را می‌شناسند، چون شناخت آنها کار

۱. به فتوای برخی از فقها، عدول از مجتهد زنده به مساوی جایز است. توضیح: در برخی از چاپ‌های کتاب تحریر الوسیله، تعبیر «يجوز العدول...» آمده است ولی بارها از اعضای محترم شورای استفتای امام خمینی (ره) سؤال شد و فرمودند: به فتوای ایشان عدول در فتوا به مجتهد مساوی جایز نیست.

۲. یعنی شایستگی و شرایط فتوا دادن را از نظر علمی ندارد.

۳. به نظر عده‌ای از فقها، در صورتی که مجتهد از دنیا رفته اعلم باشد، عدول از تقلید او به تقلید مجتهد زنده جایز نیست.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، فی فروع التقلید، صص ۷۶ و ۸، م ۴-۵-۱۲-۱۳-۱۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، فی التقلید، صص ۱۲ و ۱۳، م ۳۳ و ۳۷.

- دشواری است و مستلزم اطلاع کامل بر کیفیت آن است.^۱
۲. عمل به احتیاط، گاهی موجب تکرار عمل است و گاهی موجب تکرار نیست.^۲
- مثال اول: شخصی که نمی‌داند وظیفه‌اش نماز تمام است یا شکسته، اگر بخواهد به احتیاط عمل کند باید نماز را هم تمام بجا آورد و هم شکسته.
- مثال دوم: شخصی که نمی‌داند اذان و اقامه برای نماز واجب است یا مستحب، اگر بخواهد به احتیاط عمل کند باید آن را بجا آورد.
۳. اگر مکلف بداند عملی حرام نیست، ولی نمی‌داند واجب است یا مستحب یا مکروه یا مباح، می‌تواند به امید مطلوب بودن (رجاءاً) آن عمل را انجام دهد، چون احتمال مطلوب بودن آن وجود دارد.^۳
۴. اگر مکلف بداند عملی واجب نیست ولی نمی‌داند حرام است یا مکروه یا مستحب یا مباح، می‌تواند آن عمل را ترک کند. چون احتمال مبعوض بودن آن وجود دارد.^۴

تفاوت احتیاط واجب با احتیاط مستحب (در مقام تشخیص و در مقام عمل برای مکلف)

تمام احتیاط‌هایی که در رساله‌ها آمده، یا وجوبی است یا استحبابی و تفاوت بین آنها از دو جهت است: یکی در مقام شناخت و تشخیص، که احتیاط از کدام قسم است و دیگری در مقام عمل، که وظیفه مکلف، نسبت به هریک از آنها چیست؟

تفاوت اول: احتیاط واجب، احتیاط بدون فتواست.

احتیاط مستحب، احتیاط همراه با فتواست.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، المقدمة، ص ۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳، م ۲.

۲. الفتاوی الواضحة، ج ۱، ص ۱۱۸. تحریر الوسیله، ج ۱، المقدمة، ص ۵، م ۱.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، فی التقلید، ص ۱۱، م ۳۰.

۴. همان.

اگر مجتهد در مسأله‌ای فتوا داده و احتیاط نیز داشته باشد، این احتیاط مستحب است. و اگر مجتهد در مسأله‌ای فتوا نداده و از ابتدا احتیاط کرده باشد، احتیاط واجب است که به آن «احتیاط مطلق» نیز می‌گویند.^۱

مثال احتیاط مستحب: «در غسل ارتماسی، اگر به نیت غسل ارتماسی، به تدریج در آب فرورود تا تمام بدن زیر آب قرار گیرد، غسل او صحیح است و احتیاط آن است که یک دفعه زیر آب رود».^۲

مثال احتیاط واجب: «اگر نذر کنند که به فقیر معینی صدقه بدهد، نمی‌تواند آن را به فقیر دیگری بدهد و اگر آن فقیر بمیرد، بنا بر احتیاط باید به ورثه او بپردازد».^۳

تفاوت دوم: در احتیاط مستحب، مقلد باید به همان احتیاط عمل کند، یا به فتوای همراه آن و نمی‌تواند در آن مسأله به مجتهد دیگر رجوع کند.

اما در احتیاط واجب، مقلد می‌تواند به همان احتیاط عمل کند، یا به فتوای مجتهد دیگری که پس از آن مجتهد، از دیگران اعلم است مراجعه کند.^۴

پرسش

۱. در چه صورتی تقلید از میت صحیح است؟
۲. در چه صورت، عدول از مجتهدی به مجتهد دیگر واجب است؟
- ۳ - با مراجعه به رساله توضیح المسائل برای احتیاط واجب و مستحب دو مثال دیگر بیاورید.
- ۴ - تفاوت احتیاط واجب با احتیاط مستحب در مقام عمل چیست؟
- ۵ - اگر مکلف بخواهد در ماه رمضان نسبت به نماز و روزه احتیاط کند، تکلیفش چیست؟

۱. همان، ص ۲۳، م ۶۴.

۲. توضیح المسائل، م ۳۶۷.

۳. همان، م ۲۶۵۹.

۴. همان، م ۷.

اجرای احکام دین (۱)

قال الامام الحسين عليه السلام: مجاری الامور والاحکام علی ایدی العلماء
بالله، الأمناء علی حاله و حرامه^۱
جریان امور و احکام به دست دانشمندان الهی است که بر حلال و
حرام آگاه و امینند.

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

با نگاهی اجمالی به احکام و قوانین اسلام، این واقعیت به دست می آید که این
آیین آسمانی، تنها در احکام عبادی و دستورات اخلاقی خلاصه نمی شود، بلکه
احکام سیاسی - اجتماعی اسلام که چگونگی ارتباط انسان ها با یکدیگر و کیفیت
بهره گیری از طبیعت و رسیدن به زندگی برتر را مشخص می کند، به مراتب گسترده تر از
احکام عبادی است که بیانگر وظایف خاص بندگان خدا در مقابل آفریدگار است و
عمل شدن آن احکام بدون تشکیل حکومت میسر نیست.

همانگونه که امام خمینی ره فرمود: «حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی
تمامی فقه است»^۲.

۱. تحف العقول، ص ۳۷۴.

۲. صحیفه نور، ج ۲۱.

تشکیل حکومت اگر براساس قانون اسلام نباشد، به یقین بسیاری از احکام دین معطل می‌ماند و ضمانت اجرایی نخواهد داشت. علاوه بر این، ادله دیگری نیز برای ضرورت تشکیل حکومت وجود دارد که می‌توان آنها را در موارد ذیل خلاصه کرد:

حفظ نظام و انسجام جامعه اسلامی از واجبات مورد تأکید شرایع الهی است و بی‌نظمی و پریشانی امور مسلمانان نزد خداوند و خلق، امری نکوهیده و ناپسند است. پرواضح است که حفظ نظام و جلوگیری از اختلال و هرج و مرج، جز با استقرار حکومت الهی در جامعه تحقق نمی‌پذیرد.

حفظ مرزهای کشور اسلامی از هجوم بیگانگان و جلوگیری از تسلط تجاوزگران بر آن، عقلاً و شرعاً واجب است و تحقق این امر نیز جز به تشکیل حکومت اسلامی میسر نیست.

بسط عدالت در جامعه و جلوگیری از ستم ظالمان و رساندن حقوق حق‌داران به آنها و کوتاه کردن دست متجاوزان به اموال عمومی، بدون حکومتی مقتدر و قانونمند امکان‌پذیر نیست.

جمع‌آوری خمس، زکات، خراج و سایر مالیات‌ها و رسیدگی به انفال و ثروت‌های عمومی و صرف بیت المال در امور مقرر شرعی، بدون برپایی نظام دینی با حاکمیت افراد صالح، ناشدنی است.

تعلیم و تربیت عمومی افراد جامعه و استفاده درست از ابزارهای پیشرفته آموزشی و سوق دادن افراد جامعه به خیر و صلاح و تربیت انسان‌های صالح و پرهیزکار که جزو اهداف انبیا و آرمان‌های مقدس ادیان الهی و مکتب نجات بخش اسلام است، هرگز بدون در دست داشتن آن ابزارها و امکانات که همیشه در دست حکومت‌ها بوده، تحقق‌پذیر نیست.

آیا می‌توان تصور کرد که آفریدگار حکیم، در مهم‌ترین نیاز جامعه بشری، اُمت اسلامی را به حال خود رها ساخته و تکلیفی برای آنان معین نکرده باشد؟ و آیا خردمندانه است که بگوییم خداوند حکیم به هرج و مرج امور مسلمانان و پریشانی احوال آنان رضایت داده است؟

آنچه بر شمردیم، جزو بدیهی‌ترین نیازهای مسلمانان است و از حکمت به دور است که خداوند مدبّر حکیم، آن نیازها را به کلی نادیده گرفته و از ارائه راه حلی برای تأمین آنها غفلت کرده باشد.

آری، آن دلایلی که لزوم امامت پس از نبوت را اثبات می‌کند، همان، لزوم حکومت در دوران غیبت حضرت ولی عصر^{علیه السلام} را نیز دربردارد، به ویژه پس از این زمان طولانی که از غیبت آن بزرگوار می‌گذرد و شاید این دوران هزاران سال دیگر نیز ادامه یابد.^۱ گذشته از این همه، عمل پیامبر^{صلی الله علیه و آله} و حضرت علی^{علیه السلام} خود دلیل قاطعی است بر ضرورت تشکیل حکومت دینی؛ افزون بر آن روایات بسیاری از پیشوایان معصوم^{علیهم السلام} صادر شده که همه آنها نشان‌دهنده لزوم حکومت و رهبری صحیح برای جامعه است که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست.^۲

رهبری در نظام اسلامی

پرسش این است که تشکیل حکومت اسلامی وظیفه کیست و چه کسی باید در زمان غیبت امام معصوم^{علیه السلام} عهده دار رهبری و زعامت این حکومت شود؟ تلاش برای تشکیل حکومت اسلامی، واجب کفایی است و وظیفه تمام افرادی است که توانایی چنین کاری را دارند، گرچه وظیفه عالمان دینی و فقهای جامع شرایط از آن

۱. برگرفته از ترجمه «کتاب البیع»، تألیف امام خمینی^{علیه السلام}، ج ۲، ص ۴۵۹.

۲. برای آشنایی با این روایات می‌توانید به «کتاب البیع»، تألیف امام خمینی^{علیه السلام}، ج ۲، ص ۴۶۲ مراجعه کنید.

جهت که رسالت انبیا و ائمه را در جهت برپایی قسط و عدل برعهده دارند، به مراتب بیش از دیگران خواهد بود و در هر حکومتی، «کاردانی» و «درستکاری» دو شرط اساسی رهبری است و آنان هستند که در تشکیل حکومت، مسؤولیتشان از دیگران سنگین تر است.

از آنجا که حکومت اسلامی، حکومتی مبتنی بر قانون الهی است و هدف آن اجرای احکام خدا و بسط عدالت در سراسر جهان است، زمامدار این حکومت، ناگزیر باید سه ویژگی مهم را، که اساس یک حکومت الهی است، دارا باشد:

علم به قانون؛

عدالت؛

کفایت و صلاحیت.

تحقیق قانون اسلام، تنها به دست حاکمی عالم و عادل و کاردان و با کفایت، میسر است و روشن است که خداوند هیچ گاه شخص نادان یا ستمگر و تبه‌کار و نالایق را به عنوان زمامدار مسلمانان بر نمی‌گزیند و او را به سر نوشت و مال و جان آنان حاکم نمی‌کند؛ زیرا شارع مقدس در حفظ این امور اهتمام بسیار دارد.^۱

پرسش

- ۱- رابطه فقه با حکومت، از نظر یک مجتهد چیست؟
- ۲- دو شرط اصلی حاکم اسلامی کدام است؟
- ۳- رابطه خمس و زکات و حکومت اسلامی چیست؟
- ۴- تشکیل حکومت اسلامی از نظر حکم شرعی چگونه است و وظیفه چه کسی است؟

۱. برگرفته از ترجمه «کتاب البیع»، ج ۲، ص ۴۶۴.

اجرای احکام دین (۲)

ولایت فقیه

پیشینه بحث در زمینه اصل ضرورت حکومت و رهبری آن، که در زمان غیبت به عهده فقهای جامع الشرایط است، بیشتر در علم کلام مطرح شده است، ولی فقهای بزرگوار نیز در کتب خود به مناسبت‌های مختلف، چه به طور عام و چه در بخش خاصی از احکام دینی به این مسأله پرداخته‌اند که به بیان آن موارد به نگاشتن رساله‌ای مستقل نیاز دارد و ما در این نوشته به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

شیخ محمد حسن نجفی رحمته‌الله در کتاب جواهر الکلام چنین نگاشته است: اگر به عموم ولایت فقیه معتقد نباشیم، بسیاری از امور شیعیان، معطل می‌ماند. باعث شگفتی است که بعضی افراد در این باره وسوسه می‌کنند که این افراد گویا طعم فقه را نچشیده‌اند و تعابیر و معنی و رمز کلمات امامان معصوم علیهم‌السلام را نفهمیده‌اند. اینان در عناوین «حاکم»، «قاضی»، «حجت»، «خلیفه» و غیر اینها که در کلمات امامان علیهم‌السلام درباره فقها آمده است، دقت نکرده‌اند. طرح این عناوین و مشابه آنها از

ائمه علیهم السلام دلالت دارد که آن بزرگواران در زمان غیبت، نظم و سامان یافتن امور شیعیان را خواستار بوده‌اند.^۱

مرحوم ملا احمد نراقی رحمته الله گوید:

بر همه آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان حاکم و رهبر و پاسدار اسلام ولایت دارد، فقیه نیز بر آنها ولایت دارد، مگر مواردی که دلیل، آن را استثنا کرده باشد.^۲

امام خمینی رحمته الله در کتاب البیع می‌نویسد:

امر ولایت و رهبری در عصر غیبت، به فقیه عادل سپرده شده و اوست که صلاحیت زعامت مسلمانان را دارد؛ زیرا والی و سرپرست مسلمانان باید فقیه و عادل باشد. بنابراین قیام برای تشکیل حکومت و دولت سالم، بر فقهای عادل، واجب کفایی است و اگر یکی از آنها موفق شد و حکومت تشکیل داد و رهبری آن را به دست گرفت، بر دیگران واجب است از او پیروی کنند.^۳

وی در جای دیگری می‌نگارد:

حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه، حتی نماز و روزه و حج است.^۴

اختیارات ولی فقیه

حکومت اسلامی نظامی است که بر پایه وحی الهی در تمام زمینه‌ها از قانون خدا مدد می‌گیرد و هیچ یک از زمامداران و سرپرستان امور جامعه استبداد رأی ندارند. تمام

۱. جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۹۷.

۲. عوائد الایام، صص ۱۸۷ و ۱۸۸.

۳. کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۶۵.

۴. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۴۵۱.

برنامه‌هایی که در زمینه زمامداری جامعه و شؤون و لوازم آن، برای رفع نیازهای مردم به اجرا درمی‌آید، باید بر اساس قوانین الهی باشد. این اصل کلی، حتی در مورد اطاعت از زمامداران و متصدیان امر حکومت نیز جاری است.

تمامی امور مربوط به حکومت و سیاست، که برای پیامبر ﷺ و ائمه مقرر شده، در مورد ولایت فقیه عادل نیز مقرر است و عقلاً نیز نمی‌توان فرقی میان این دو قائل شد؛ زیرا حاکم اسلامی، اجرا کننده احکام شریعت و برپادارنده حدود و قوانین الهی و گیرنده مالیات‌های اسلامی و مصرف کننده آن در راه مسلمانان است. پس اگر پیامبر ﷺ شخص زناکار را صد تازیانه می‌زد، فقیه نیز در مقام حکومت، همین حکم را اجرا می‌کند و همان‌گونه که پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام وجوه شرعی را، بر طبق مقررات خاصی از مردم می‌گرفتند، هم پایه رتبه پیامبران و امامان تلقی شود؛ زیرا هیچ‌کس در مقامات و فضایل، با آنان هم رتبه نیست، بلکه در اینجا سخن از اختیاراتی است که فقیه در مقام و منصب حکومت برخوردار است و در این خصوص، هر جا و هر زمان که مصالح مسلمان اقتضا کند، می‌تواند دستورهایی را صادر کند و پس از صدور حکم، همگان باید از او پیروی کنند و این همان «ولایت مطلقه فقیه» است. بنابراین:

□ حاکم می‌تواند، مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است، خراب کند و پول منزل را به صاحبش بپردازد.

□ حاکم می‌تواند به هنگام لزوم مسجد را تعطیل کند و مسجدی را که ضرر باشد، در صورتی که دفع آن بدون تخریب ممکن نشود، خراب کند.

□ حکومت می‌تواند قراردادهای شرعی را که خود با مردم بسته، اگر مخالف مصالح کشور و اسلام باشد یک جانبه لغو کند و می‌تواند از هرامری - چه عبادی یا غیر

عبادی - مادام که مخالف مصالح اسلام است، جلوگیری کند.
 □ حکومت می‌تواند از حج که یکی از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که رفتن به حج را مخالف صلاح کشور اسلامی بداند، به طور موقت جلوگیری کند.^۱

تفاوت حکم با فتوا

اُتمه معصوم علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و به هنگام حضور ظاهری، دو وظیفه مهم امامت را بر عهده داشته‌اند که طبق روایات و دیگر منابع فقهی در زمان غیبت آنها این دو وظیفه بر عهده فقیهان جامع شرایط نهاده شده است:

۱ - بیان فتوا و ابلاغ احکام الهی به مردم؛

۲ - رهبری و مدیریت جامعه انسانی و اجرای احکام دینی.

تفاوت در بیان فتوا و وجود مراجع متعدد، مشکل زیادی در جامعه پدید نمی‌آورد؛ چنان که در ادوار مختلف تاریخ تشیع، پس از غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام این امر وجود داشته است، ولی تشکیلات و دوگانگی در احکام اجرایی و حکومتی بخصوص اگر ارتباطات گسترده و آسان باشد، قطعاً سبب هرج و مرج و اختلاف و دودستگی در جامعه خواهد شد. حال پرسش این است که فرق این دو چیست و قلمرو هر یک کدام است؟ و در صورت تعارض فتوای مرجع تقلید با حکم حاکم (ولی فقیه)، وظیفه مردم چیست؟

«فتوا» در اصطلاح فقها بیان حکم خداست به وسیله فقیه؛ مثلاً: در رکعت سوم و چهارم نماز، تسبیحات را یک مرتبه خواندن کافی است.
 اگر روزه گرفتن برای بدن ضرر داشته باشد، صحیح نیست.
 در صورتی که خریدار در معامله فریب خورده باشد حق فسخ معامله را دارد و...

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۴۵۱.

«حکم حاکم» عبارت است از دستور به اجرای یک حکم شرعی، تعیین مصداق و یا موضوع و یا وقت و مکان اجرای حکم شرعی و نیز الزام بر انجام دادن یا ترک کردن به دلیل مصلحت، مانند:

- دستور به اینکه: فلان روز، اول ماه است.

- حکم به دریافت زکات یا خمس، با شرایط ویژه (در زمان یا مکان و یا مورد خاص)

- حکم به اجرای حدود و تعزیرات.

تعارض فتوا با حکم

به جهت جدا بودن حوزه نفوذ فتوا و حکم، معمولاً بین آنها تعارضی پیش نمی‌آید ولی گاهی ممکن است فتوای مرجع تقلید و حکم ولی فقیه خلاف یکدیگر باشد که در این صورت حکم ولی فقیه مقدم و مخالفت با آن حرام است، مثل آنکه مجتهدی فتوا دهد احتکار در غیر طعام اشکال ندارد، اما ولی فقیه حاکم با توجه به مشکلات اقتصادی جامعه، حکم کند که احتکار هر گونه کالای مورد نیاز جامعه ممنوع است. در اینجا دستور ولی فقیه اجرا می‌شود و بر مقلدان آن مرجع نیز تبعیت لازم است.^۱

در فتاوی فقیهان بزرگ آمده است:

نقض حکم حاکم جامع الشرایط جایز نیست، حتی برای دیگر مجتهدان، مگر در جایی که اشتباهش روشن باشد.^۲

۱. فقیه نامدار مرحوم شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر) در بحث احتکار چنین می‌نویسد:

«اگر محتکر، خود مجتهد باشد، حاکم می‌تواند او را به فروش کالای احتکار شده یا فروش به قیمت معینی وادار کند، هر چند حاکم نسبت به مجتهد محتکر از نظر علمی پایین‌تر باشد»؛ جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۸۷.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۷.

پرسش

- ۱- تفاوت «حکم» و «فتوا» را با ذکر مثال توضیح دهید و بیان کنید که وظیفه مکلف در آن مورد چیست؟
- ۲- در چه صورتی ولی فقیه می‌تواند دستور دهد مسجدی را تخریب کنند؟
- ۳- در تعارض حکم و فتوا وظیفه چیست؟
- ۴- به نظر مرحوم نراقی حدود اختیارات ولی فقیه چیست؟
- ۵- آیا تمام اختیارات حکومتی پیامبر ﷺ و امام ﷺ را می‌توان برای ولی فقیه نیز قائل شد؟ چرا؟

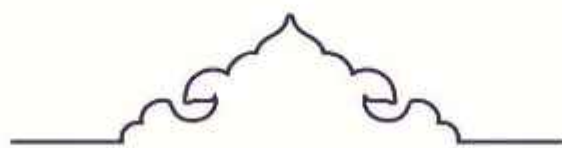


فصل دوم:

عبادت

- عبادت
- طهارت
- وضو
- غسل
- تیمم
- نجاسات
- مطهرات

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه



عبادت، طهارت

«وما خلقت الجن والانس إلا ليعبدون»^۱
جن و انس را نیا فریدیم مگر برای بندگی.

عبادت و بندگی

پرستش و بندگی، نیاز طبیعی بشر است. بندگی خدا، فلسفه خلقت است. انسانهای مؤمن، تنها خدای بزرگ و آفریننده جهان را شایسته پرستش و ستایش می‌دانند و هرگز در مقابل چیزهایی مانند خودشان که مخلوق خداوند، کرنش نمی‌کنند.

عبادت، تسلیم در برابر خداوند و اطاعت کامل از دستورهای اوست، و این اطاعت و بندگی، با انجام دادن کارهای واجب و پرهیز از کارهای حرام تحقق می‌یابد. عبادت باید با نیت خالص برای خداوند و به دور از هرگونه ریا و خودنمایی انجام شود و بدین سبب است که در تعریف عبادت گفته‌اند: هرکاری که به قصد اطاعت

فرمان خداوند و تقرب به او انجام شود، عبادت است. لذا انسان می‌تواند کاری کند که فعالیت‌های روزمره و عادی او هم عبادت و بندگی خداوند باشد.

نماز

نماز، بهترین حالت بندگی خداست و در میان اعمال واجب، دارای اهمیت ویژه‌ای است. نماز، دستور خداوند بزرگ برای انسان‌های پاک و وارسته است و نماز خواندن، اطاعت فرمان اوست.

نماز، بهترین شیوه ارتباط با خالق یکتا و جلوه‌ای از عبادت انسان در پیشگاه اوست.

نماز، مانند نهر آبی است که نمازگزار، روزی پنج مرتبه خود را در آن شست و شو می‌دهد.

و نمازگزار، بنده خالص خداست که با نماز، ارتباطی خالصانه با پروردگار خویش برقرار می‌کند و نماز به او آرامش روح می‌بخشد تا در جریان‌های زندگی، با امید به فردایی روشن، به تلاش بپردازد.

نماز مهم‌ترین عمل عبادی و عمود خیمه دین و دین‌داری و آزمون ورودی بهشت است.

مسائل مربوط به نماز را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. **مُقَدِّمات:** که نمازگزار باید پیش از نماز آنها را مراعات کند.

۲. **مُقَارَنَات:** که مربوط به متن نماز است، از تَکبِیرَةُ الاحْرَام تا سلام.

۳. **مُبْطَلَات:** چیزهایی است که نماز را باطل می‌کند.

مقدمات نماز

مقدمات نماز به طور فهرست وار عبارت است از:
طهارت؛ لباس نمازگزار؛ مکان نمازگزار؛ قبله؛ وقت نماز؛ اذان و اقامه.

طهارت

دین اسلام علاوه بر آنکه نظافت و تمیزی را از ایمان برشمرده و پیروان خود را به تمیز نگه داشتن بدن و لباس و محیط زندگی دعوت می‌کند، برای برخی کارها علاوه بر نظافت، طهارت را شرط می‌داند. طهارت در فرهنگ فقهی دو جنبه دارد: ظاهری و باطنی.

طهارت ظاهری؛ پاک بودن بدن و لباس و خوراک و نوشیدنی از آلودگی و نجاسات است و به آن طهارت از خَبَث نیز گفته می‌شود.

طهارت باطنی؛ با انجام دادن برخی اعمال، یعنی وضو، غسل و تیمم به دست می‌آید که به طهارت از حَدَث نیز می‌گویند.

به جهت اهمیت طهارت باطنی، ابتدا به احکام وضو، غسل و تیمم می‌پردازیم.

وضو

نمازگزار باید پیش از نماز «وضو» بگیرد و خود را برای این عبادت بزرگ آماده کند و در برخی از موارد باید «غسل» کند؛ یعنی تمام بدن را بشوید و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن، عمل دیگری به نام «تیمم» انجام دهد که احکام آنها در این درس و درس‌های آینده خواهد آمد.



شستن صورت و دست‌ها

۱. بنا بر احتیاط واجب، باید صورت و دست‌ها را از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.^۱
۲. اگر پوست صورت از لای موها (ریش، ابرو) پیدا باشد، باید آب را به پوست برساند و اگر پیدا نباشد، شستن موکافی است و رساندن آب به زیر مولزم نیست.^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الوضو، صص ۲۱ و ۲۳، ۱۴ و ۱۲ و ۱۳ به فتوای عده ای از فقها مسح یا باید تا

آخر روی پا (مفصل) کشیده شود.

۲. توضیح المسائل، م ۲۴۳.

۳. همان، م ۲۴۰.

۳. شستن داخل بینی و دهان و مقداری از لب و چشم که هنگام بستن دیده نمی‌شود، واجب نیست. ولی برای آنکه یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید.^۱

۴. شستن اعضای وضو: }
 بار اول: واجب
 بار دوم: جایز
 بار سوم: حرام^۲

۵. مقصود از شستن، آب ریختن نیست، بلکه شستن کامل است؛ یعنی اگر یک بار به طور کامل به نیت وضو تمام صورت یا دست را بشوید و بار دیگر هم به طور کامل بشوید، بار سوم آن حرام است. بنابراین اگر چندین مرتبه هم آب بریزد ولی به تمام جاهای عضو نرسد، یکبار محسوب نمی‌شود. و اگر با یک بار ریختن، یا یک بار فرو بردن در آب، تمام عضو را فراگیرد، یک بار شستن به حساب می‌آید.^۳

۶. سه بار شستن اعضای وضو علاوه بر آنکه حرام است، گاهی موجب بطلان وضو می‌شود و آن در صورتی است که آب مسح، از آب شستن سوم باشد، چون مسح باید با آب وضو انجام شود.^۴

مسح سر

۱. جای مسح: یک قسمت از چهار قسمت سر، که بالای پیشانی است (جلوی سر).
۲. مقدار واجب مسح: هر قدر باشد کافی است. (به مقداری که اگر کسی ببیند بگوید مسح کرد).

۱. توضیح المسائل، م ۲۴۲.

۲- همان، م ۲۴۸. به فتوای برخی از فقها، شستن بار دوم مستحب است.

۳. استفتاءات، ج ۱، ص ۳۴، س ۳۵.

۴. همان و توضیح المسائل، م ۲۴۸.

۳. احتیاط مستحب: به پهنای سه انگشت بسته و طول یک انگشت.

□ ۴. مسح با دست چپ: جایز است.^۱

۵. لازم نیست مسح بر پوست سر باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، مگر موی سر انسان به قدری بلند باشد که هنگام شانه زدن، به صورتش بریزد، که باید پوست سر یا قسمت پایین (بیخ) مورا مسح کند.

مسح پا

۱. جای مسح: روی پاست.

□ ۲. مقدار واجب مسح: طول؛ از سر انگشت تا برآمدگی روی پا.^۲

عرض؛ هر اندازه باشد کافی است هر چند به قدریک انگشت باشد.

۳. احتیاط مستحب آن: همه روی پا.

□ ۴. پای راست را باید پیش از پای چپ مسح کند، ولی لازم نیست پای راست را با

دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کند.^۳

مسائل مشترک مسح سر و پا

۱. در مسح باید دست را بر سر و پاها بکشد و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن

بکشد وضو باطل است، ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت

کند اشکال ندارد.^۴

۱. به فتوای برخی از فقها، مسح سر باید با دست راست باشد.

۲. به نظر عده‌ای از فقها، مسح پا باید تا آخر روی مفصل پا کشیده شود.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی افعال الوضوء، ص ۲۱۰. به فتوای برخی از فقها، مسح همزمان باها نیز صحیح

است و لازم است پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح شود.

۴. توضیح المسائل، م ۲۵۵.

□ ۲. اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند و نمی‌تواند دست را با آب غیروضو خیس کند و با آن مسح را انجام دهد.^۱

۳. محل مسح (سروروی پاها) باید خشک باشد، بنابراین اگر جای مسح تر باشد، باید آن را خشک کرد ولی اگر رطوبت آن به قدری کم باشد که مانع از تأثیر رطوبت دست، بر آن نباشد مانع ندارد.^۲

۴. بین دست و محل مسح، یعنی سر یا پاها نباید چیزی مانند چادر و کلاه، یا جوراب و کفش فاصله باشد. هر چند بسیار رقیق و نازک باشد و رطوبت به پوست برسد (مگر در حال ناچاری).^۳

وضوی ارتماسی

۱. وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دست‌ها را به قصد وضو در آب فرو برد و بیرون آورد، یا آنها را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد.^۴
۲. چون در وضوی ارتماسی نیز، باید ترتیب مراعات شود و دست و صورت از بالا به پایین شسته شود، بنابراین، وضوی ارتماسی به گونه‌های زیر انجام می‌شود:
 - به قصد وضو صورت را از پیشانی، و دست را از آرنج در آب فرو برد و تا موقعی که آنها را از آب بیرون می‌آورد و ریزش آب تمام می‌شود به نیت وضو باشد. [چون آبی که بردست می‌ماند و در مسح بکار می‌رود، باید آب وضو باشد].

۱. توضیح المسائل، م ۲۵۷. به فتوای برخی از فقها، باید از صورت و ریش خود آب بگیرد.

۲. همان، م ۲۶.

۳. همان، م ۲۷.

۴. همان، م ۲۶۱.

- بدون قصد وضو، صورت و دست را در آب فروبرد و به قصد وضو بیرون آورد، که صورت را باید ابتدا از پیشانی بیرون آورد و دست‌ها را از آرنج.^۱
- ۳. اگر بعضی از اعضای وضو را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکال ندارد.^۲

وضوی کسی که دست یا پایش قطع شده

۱. کسی که یک دست او پایین تر از آرنج قطع شده، باید در وضو قسمت باقیمانده آن را بشوید و اگر کف دست را ندارد با دست دیگر مسح سروپاها را انجام دهد و اگر از آرنج یا بالاتر قطع شده شستن آن دست ساقط است.^۳
۲. کسی که هر دو دست او قطع شده، اگر از یکی یا هر دو دست چیزی از آرنج به پایین باقی مانده است باید آن را بشوید و چنانچه با باقیمانده دست نتواند مسح کند، باید برای مسح نایب بگیرد.^۴
۳. کسی که پای او قطع شده و چیزی از محل مسح (هرچند کم باشد) باقی نمانده، مسح آن پا ساقط است.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۲۶۱ و ۲۶۲.

۲. همان، م ۲۶۳.

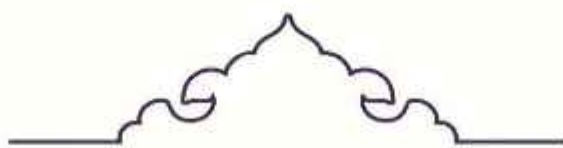
۳. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی افعال الوضوء، ص ۲۰۴، الثاني؛ استفتات، ج ۱، صص ۲۰-۲۴؛ ۲۶-۲۹، ۳۱.

۴. همان.

۵. همان.

پرسش

۱. تفاوت طهارت باطنی و ظاهری چیست؟
۲. کسی که نمی‌داند پوست صورتش از زیر موهای صورت پیداست یا نه، آیا هنگام وضو باید آب را به پوست صورت برساند؟
۳. در چه صورتی مسح بر موهای قسمت جلوی سر کافی نیست؟
۴. مقدار واجب و مستحب مسح سر و پاها چه اندازه است؟
۵. اگر محل مسح، نجس باشد و تطهیر آن ممکن نباشد تکلیف چیست؟
۶. تفاوت وضوی ترتیبی و ارتماسی چیست؟
۷. کسی که یک دست و یک پایش به طور کامل قطع شده، چگونه باید وضو بگیرد؟



وضو (۱)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون به عزم نماز برخیزید صورت و دست‌هایتان را تا آرنج بشویید و سروپاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین هر دو پا مسح کنید...»

شرایط وضو^۲

با شرایطی که خواهد آمد وضو صحیح است و با از بین رفتن هریک از آنها، وضو باطل است.

۱. شرایط آب و ظرف وضو

۱. آب وضو پاک باشد (نجس نباشد)؛
۲. آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد)؛

۱- سوره مائده، آیه ۶.

۲. توضیح المسائل، شرایط صحیح بودن وضو.

۳. آب وضو مطلق باشد (مضاف^۱ نباشد)؛

۴. ظرف آب وضو مباح باشد؛

۵. ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.

۲. شرایط اعضای وضو

۱. پاک باشد؛

۲. مانعی از رسیدن آب در آن نباشد.

۳. شرایط کیفیت وضو

۱. رعایت ترتیب (به همان ترتیب که در اعمال وضو گذشت)؛

۲. رعایت مولات (بین اعمال وضو فاصله نیفتد)؛

۳. خودش وضو بگیرد (از دیگری کمک نگیرد).

۴. شرایط وضوگیرنده

۱. استفاده از آب برای او مانعی نداشته باشد؛

۲. با قصد قربت وضو بگیرد (ریا نکند).

۵. شرایط آب وضو

۱. وضو گرفتن با آب نجس یا آب مضاف باطل است، خواه انسان، بداند آن آب

نجس یا مضاف است یا نداند، یا فراموش کرده باشد.^۲

۲. آب وضو باید مباح باشد، بنابراین در موارد زیر وضو باطل است:

* وضو گرفتن با آبی که صاحب آن راضی نیست (راضی نبودن او معلوم است)؛

۱. آب مضاف، آبی است که از چیزی گرفته شده باشد، مثل آب هندوانه؛ یا با چیزی مخلوط کرده باشند،

به طوری که به آن، آب گفته نشود؛ مثل شربت. آبی که مضاف نباشد مطلق است. توضیح این بحث در درس ۱۳ خواهد آمد.

۲. توضیح المسائل، م ۲۶۵.

- آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه.
- آبی که وقف افراد خاصی است؛ مانند وضوخانه برخی از مدارس، هتل‌ها، مسافرخانه‌ها و...^۱

۳. وضوگرفتن از نهرهای بزرگ، گرچه انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند یا نه، اشکال ندارد، اما اگر صاحبان آن از وضوگرفتن جلوگیری کنند، احتیاط واجب آن است که وضو نگیرند.^۲

۶. شرایط اعضای وضو

۱. اعضای وضو در مرقع شستن و مسح باید پاک باشد.^۳
۲. اگر در بین وضو، جایی که شسته یا مسح کرده، نجس شود وضو صحیح است؛ مثلاً هنگامی که مشغول شستن دست‌ها است، صورت وی نجس شود.^۴
۳. اگر غیر اعضای وضو، جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است ولی اگر مخرج بول یا غائط را تطهیر نکرده، بهتر آن است که اول آن را تطهیر کند، بعد وضو بگیرد.^۵
۴. خطوط قلم خودکار و لکه‌های رنگ و چربی و کرم در صورتی که رنگ بدون جرم باشد، مانع وضو نیست، ولی اگر جرم داشته باشد (روی پوست را گرفته) باید برطرف شود.^۶
۵. خال کوبی‌هایی که جرم ندارد و مانع از رسیدن آب به پوست نمی‌باشد، و صرفاً جوهر است و جذب پوست می‌شود برای وضو اشکال ندارد.^۷

۱. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی شرایط الوضوء، صص ۲۱۹ - ۲۲۵، م ۶، ۷، ۸؛ توضیح المسائل، م ۲۶۵.

۲. توضیح المسائل، م ۲۷۱. به فتوای برخی از فقها، در صورتی که وضوگرفتن از آن، بین مسلمین متعارف است اشکال ندارد و گرنه باطل است و همچنین اگر بدانند صاحبان آن راضی نیستند.

۳. توضیح المسائل، شرایط وضو، ص ۳۵، شرط ششم و م ۲۷۶ و ۲۷۷.

۴. همان.

۵. همان.

۶. استفتائات، ج ۱، صص ۳۶ و ۳۷، س ۴۰ تا ۴۵.

۷. همان.

۷. شرایط کیفیت وضو

□ ترتیب

کارهای وضو باید به ترتیبی که در بحث اعمال وضو گفته شد انجام داده شود و اگر ترتیب اعمال وضو به هم بخورد وضو باطل است.^۱

□ مؤالات

۱. مؤالات؛ یعنی پشت سر هم انجام دادن و فاصله نینداختن بین اعمال وضو.
۲. اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است ولی اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد، وضویش صحیح است.^۲
۳. راه رفتن بین وضو اشکال ندارد، بنابراین اگر پس از شستن صورت و دست ها، چند قدم راه برود [به قدری که مؤالات به هم نخورد] و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.^۳

□ کمک نگرفتن از دیگران

۱. کسی که می تواند اعمال وضو را خودش انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد، پس اگر دیگری صورت و دست او را بشوید یا مسح او را انجام دهد وضوی او باطل است، ولی اگر شخص دیگری آب را در دست وی بریزد و وضو گیرنده خودش آن را بر اعضا می ریزد و می شوید وضو باطل نیست ولی این گونه کمک گرفتن مکروه است.^۴

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی شرایط الوضو، ص ۲۸.

۲. همان، م ۱۵؛ توضیح المسائل، م ۲۸۳.

۳. توضیح المسائل، م ۲۸۵.

۴. العروة الوثقی، ج ۱، فی شرایط الوضو، التاسع، ص ۲۳۴.

□۲. کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید نایب بگیرد که او را وضو دهد و چنانچه مزه هم بخواهد، در صورتی که بتواند باید بدهد، ولی خود او باید نیت وضو کند.^۱

۳. کسی که در وضو از دیگری کمک می‌گیرد، هر کدام از کارهای وضو را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن عمل کمک بگیرد.^۲

۴. کسی که دیگری را وضو می‌دهد، در مسح باید دست او را بر سر و پاهایش بکشد، مگر آنکه ممکن نباشد، که در آن صورت باید از دست او رطوبت بگیرد و با دست خود، مسح او را انجام دهد و چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید.^۳

۸. شرایط وضو گیرنده

۱. کسی که می‌داند اگر وضو بگیرد مریض می‌شود یا می‌ترسد که مریض شود، باید تیمم کند و اگر وضو بگیرد باطل است. ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است.^۴

۲. وضو باید به قصد قربت انجام شود؛ یعنی برای انجام دادن فرمان خداوند عالم وضو بگیرد.^۵

۳. لازم نیست نیت را به زبان آورد، یا از قلب خود بگذراند، بلکه همین مقدار که می‌داند وضو می‌گیرد کافی است، به طوری که اگر از او پرسند چه کار می‌کنی؟ بگوید: وضو می‌گیرم.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۲۸۶. به نظر برخی از مراجع، نایب نیز باید نیت وضو کند.

۲. همان، م ۲۸۷.

۳. همان، م ۲۸۶.

۴. العروة الوثقی، ج ۱، فی شرایط الوضوء، السابع، ص ۲۳۲؛ توضیح المسائل، م ۲۸۸ و ۶۷۲.

۵. توضیح المسائل، شرایط وضو، شرط هشتم.

۶. همان، م ۲۸۲.

۴. چنانچه وقت نماز به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد، تمام نماز یا قسمتی از آن، بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند.^۱

کس پرسش

۱. کدام یک از شرایط، مشترک بین آب وضو و ظرف آب وضو است؟
۲. وضو گرفتن از نهرها و شیرهای آب کنار خیابان (جلوی مغازه ها) چه حکمی دارد؟
۳. وضو گرفتن از آب سردکنی که مخصوص نوشیدن است چه حکمی دارد؟
۴. چگونه موالات وضو به هم می خورد، با ذکر مثال بیان فرمایید.
۵. پرستار، بیماری را که قادر به وضو نیست، کمک می دهد، نحوه کمک او را بیان کنید.

۱. توضیح المسائل، م ۲۸۰.



وضوی جبیره‌ای

دوایی که بر زخم می‌گذارند و چیزی که با آن، زخم یا عضو شکسته را می‌بندند، «جبیره» نام دارد.

۱. شخصی که بر اعضای وضویش زخم یا شکستگی است، اگر بتواند به طور معمول وضو بگیرد، باید چنین کند؛ مثلاً: روی زخم باز است و آب برای آن ضرر ندارد.
- روی زخم بسته است، ولی باز کردن آن امکان دارد و آب ضرر ندارد.

۲. چنانچه زخم بر صورت یا دست‌هاست و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد و گذاشتن پارچه و امثال آن روی زخم ممکن نباشد، اگر اطراف آن را بشوید کافی است.^۱

۳. اگر زخم یا شکستگی در جلوسریا روی پاهاست و روی آن باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو

۱. توضیح المسائل، م ۳۲۴.

۲. همان، م ۳۲۵. به فتوای برخی از فقها، علاوه بر وضو، تیمم نیز لازم است.

که در دست مانده، مسح کند و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، باید به جای وضو تیمم کند و بهتر است یک وضو بدون مسح نیز بگیرد.^۱

چند مسأله:

۱. کسی که نمی‌داند وظیفه اش وضوی جبیره‌ای است یا تیمم، بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را انجام دهد.^۲

۲. کسی که در کف دست وانگشت‌ها جبیره دارد و در موقع وضو، دست تر روی آن کشیده است، می‌تواند سروپا را با همان رطوبت مسح کند، یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد.^۳

۳. اگر در صورت و دست‌ها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره‌ها در سربا روی پاها باشد باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جبیره است باید به دستور وضوی جبیره‌ای عمل کند.^۴

۱. اگر جبیره، تمام اعضای وضو گرفته باشد، باید تیمم کند.
۲. اگر جبیره، بعضی از اعضای وضو گرفته باشد؛ مثل تمام صورت یا تمام یک دست، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد.
۳. اگر جبیره، بیشتر اعضای وضو گرفته باشد، بنا بر احتیاط واجب باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و تیمم هم انجام دهد.
۴. اگر جبیره بیش از حد معمول اطراف زخم را پوشانده باشد و برداشتن آن ممکن نباشد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و بنا بر احتیاط واجب، تیمم هم بنماید.^۵

۴. مقدار جبیره و وظیفه وضوگیرنده

۱. توضیح المسائل، م ۳۲۶.

۲. همان، م ۳۴۳.

۳. همان، م ۳۳۲.

۴. همان، م ۳۳۴.

۵. همان، م ۳۳۰، ۳۳۱ و ۳۳۵. در فرض دوم به فتوای برخی از فقها، تیمم نیز لازم است.

شکایات وضو

۱. کسی که نمی‌داند وضو گرفته یا نه، باید وضو بگیرد.^۱
۲. کسی که نمی‌داند وضویش باطل شده یا نه، لازم نیست دوباره وضو بگیرد.^۲
۳. اگر انسان در بین نماز شک کند وضو گرفته یا نه، نمازش باطل است.^۳
۴. اگر پس از خواندن نماز، شک کند با وضو بوده یا نه، نماز خوانده شده صحیح است، ولی برای نمازهای بعدی باید وضو بگیرد.^۴
۵. اگر انسان پس از وضو شک کند، مانعی بر اعضای وضو بوده یا نه، به شک اعتنا نمی‌شود و وضو صحیح است.^۵
۶. اگر می‌داند چیزی بر اعضای وضو چسبیده ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را زیر آن برساند.^۶
۷. اگر پس از وضو چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند هنگام وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است، ولی اگر بداند که در وقت وضو گرفتن ملتفت آن مانع نبوده، احتیاط واجب است که دوباره وضو بگیرد.^۷
۸. کسی که در کارهای وضو و شرایط آن، مثل وجود داشتن مانعی بر اعضا، زیاد شک می‌کند، باید به شک خود اعتنا نکند.^۸

۱. توضیح المسائل، م ۳۰۱.

۲. همان، م ۳۰۱.

۳. همان، م ۳۰۴.

۴. همان، م ۳۰۳.

۵. همان، م ۲۹۸.

۶. همان، م ۲۹۰.

۷. همان، م ۲۹۷.

۸. همان، م ۲۹۹.

مبطلات وضو

- آنچه وضو را باطل می‌کند عبارتند از:
۱. خارج شدن ادرار یا مدفوع؛
 ۲. خارج شدن باد معده و روده از مخرج غائط؛
 ۳. خواب، به حدی که گوش نشنود و چشم نبیند؛ چرت زدن اگر در این حد نباشد وضو باطل نمی‌شود.
 ۴. چیزهایی که عقل را از بین می‌برد؛ مانند دیوانگی، مستی، بیهوشی.
 ۵. آنچه سبب غسل شود؛ مانند جنابت و مس میت.^۱
 ۶. استحاضه^۲ زنان.^۳

آداب وضو^۴

برخی از مستحبات وضو

۱. مصرف آب بیش از یک مُد نباشد (یک مُد حدود ۷۵۰ گرم است).
۲. مسواک کردن دندان‌ها، هر چند با انگشت.
۳. اگر از ظرف، وضو می‌گیرد، آن را سمت راست خود قرار دهد.
۴. شستن دست‌ها قبل از شروع وضو.
۵. مضمضه (آب در دهان گرداندن).
۶. استنشاق (آب در بینی کردن و بیرون ریختن).

۱. به فتوای برخی از فقها مس میت وضو را باطل نمی‌کند.

۲. استحاضه زنان وضو را باطل می‌کند و در برخی موارد نیازی به غسل ندارد.

۳. توضیح المسائل، م ۳۲۳.

۴. این بخش از درس را می‌توان به مطالعه شاگردان واگذار کرد.

- ۷ - گفتن «بسم الله» هنگامی که دست را در آب می برد یا آب را بر آن می ریزد و بهتر است بگوید «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».
۸. آب را در دست راست بریزد، هر چند برای شستن دست راست؛ بدین معنا که اول آب را در دست راست بریزد سپس در دست چپ و بعد بر دست راست بریزد.
۹. خواندن دعاها و وضو.
۱۰. ریختن آب، قسمت بالای عضو.
۱۱. ریختن آب بر عضو، نه فرو بردن عضو در آب.
۱۲. کشیدن دست بر اعضا، هر چند بدون کشیدن دست، شسته شود.
۱۳. انجام دادن تمام اعمال وضو با حضور قلب.
۱۴. خواندن سوره «قدر» هنگام وضو.
۱۵. خواندن «آیه الكرسي» پس از وضو.
۱۶. باز گذاشتن چشم ها هنگام شستن صورت.
۱۷. و نیز مستحب است برای شستن با راول دست ها، مردان آب را بر قسمت بیرونی آرنج، و زنان بر قسمت داخلی، جایی که دست خم می شود بریزند.^۱

مکروهات وضو

۱. کمک گرفتن از دیگران در مقدمات قریبه وضو؛ مثل ریختن آب در دست وضوگیرنده.
۲. وضو گرفتن در محل استنجاء، مثلاً در توالت.
۳. وضو گرفتن از ظرفی که طلاکوب یا نقره کوب است یا نقش صورت بر آن است.
۴. وضو گرفتن با این آب ها:
- * آبی که در آفتاب گرم شده؛
- * آبی که در غسل واجب بکار رفته؛

۱. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی بعض مستحبات الوضوء، صص ۱۹۸ تا ۲۰۰.

* آب متعقن. (ولی اگر مضاف باشد وضو باطل است و اگر ضرر داشته باشد، جایز نیست)
 * آب نیم خورده حیوان حرام گوشت.^۱

کسر پرسش

۱. اگر یک دست را به طور کامل جبیره پوشانده است و باز کردن جبیره هم ممکن نیست، وظیفه وضوگیرنده چیست؟
۲. اگر شست پا و دوانگشت دیگر را با جبیره پوشانده باشد، وظیفه وضوگیرنده برای مسح چیست؟
۳. اگر انسان بعد از نماز چیزی بر اعضای وضو ببیند و نداند مربوط به چه زمانی است تکلیف چیست؟
۴. کسی که به میتی دست زده، وظیفه اش برای نماز چیست (وضو یا غسل)؟
۵. اگر چیزی بر اعضای وضو است که نمی داند مانع رسیدن آب به پوست بدن است یا نه، تکلیف چیست؟
۶. کدام یک از مستحبات وضو مربوط به آب وضوست؟
۷. آیا بین وضوی مردان و زنان تفاوتی وجود دارد؟

۱. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی مکروهات الوضوء، صص ۲۰۰ تا ۲۰۲.



غُسل

«لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا»^۱

«ای کسانی که ایمان آورده اید، آنگاه که مست هستید گرد نماز نگردید، تا بدانید که چه می‌گویید و نیز در حال جنابت، تا غسل کنید.»

گاهی باید برای نماز (و هر کاری که نیاز به طهارت دارد) وضو گرفت، که موارد آن در درس‌های گذشته گفته شد، ولی گاهی باید غسل کرد؛ یعنی برای اطاعت فرمان خداوند تمام بدن را شست و گاهی علاوه بر غسل وضو نیز لازم است. غسل نیز مانند وضو گاهی واجب و گاهی مستحب است، اما هیچ‌گاه غسل به خودی خود نه واجب است نه مستحب؛ بلکه نیاز به سبب و موجب دارد، اکنون به بیان موارد غسل و چگونگی آن می‌پردازیم:

اقسام غسل	۱- واجب	۱- برای مردان و زنان	۱- جنابت
			۲- مس میت
	۲- ویژه بانوان		۳- میت
			۱- حیض
۲- مستحب		۱- زمانی، غسلی که برای زمان خاصی مستحب است، مانند: شب قدر و روز عرفة و غسل جمعه	۲- استحاضه
			۳- نفاس
			۲- مکانی، غسلی که به جهت رفتن به مکان معینی مستحب می‌شود، مانند: رفتن به مسجدالحرام
			۳- فعلی، غسلی که برای انجام دادن کار خاصی مستحب است، مانند: غسل احرام عمره یا حج ^۱

کیفیت غسل

در غسل باید تمام بدن و سر و گردن شسته شود، خواه غسل واجب باشد؛ مانند جنابت؛ یا مستحب؛ مانند غسل جمعه.

چگونگی غسل	۱. ترتیبی ^۲	اول سر و گردن را بشوید.
		و سپس نیمه راست بدن.
		و بعد از آن نیمه چپ بدن را.
	۲. ارتعاسی	* با نیت غسل، یک باره زیر آب می‌رود، به طوری که تمام بدن در آب قرار گیرد.
		* یا به تدریج زیر آب می‌رود، که در نهایت تمام بدن در آب قرار گیرد.
		* یا زیر آب رفته و در آب به نیت غسل بدن را حرکت می‌دهد.

۱ - تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی الاغسال، ص ۳۶، والقول فی الاغسال المندوبه، ص ۹۷.

۲. توضیح المسائل، م ۳۶۱، ۳۶۷ و ۳۶۸. به فتوای برخی از فقها بعد از شستن سر و گردن به احتیاط واجب ابتدا طرف راست و بعد طرف چپ باید شسته شود. به نظر برخی دیگر بین طرف راست و چپ بدن ترتیب شرط نیست و شستن کامل بدن بعد از سر و گردن کفایت می‌کند.

احکام غسل

۱. تمام شرط‌هایی که برای صحت وضو گفته شد، در صحت غسل هم شرط است، به جز موالات و از بالا به پایین شستن بدن.^۱
۲. کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند به نیت همه آنها یک غسل بجا آورد.^۲
۳. کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی با غسل‌های دیگر نمی‌تواند نماز بخواند و باید وضو هم بگیرد.^۳
۴. در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، و اگر هر قسمتی را پیش از غسل دادن همان قسمت تطهیر کند کافی است.^۴
۵. غسل جبیره‌ای مثل وضوی جبیره‌ای است، ولی بنا بر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی بجا آورد.^۵
۶. در غسل لازم نیست تمام بدن با دست شسته شود و اگر با نیت غسل، آب به تمام بدن برسد کافی است.^۶
۷. اگر در بین غسل، یکی از مبطلات وضو پیش آید غسل باطل نمی‌شود، ولی باید

۱. توضیح المسائل، م ۳۸۰.

۲. همان، م ۳۸۹.

۳. همان، م ۳۹۱. به فتوای برخی از مراجع تقلید، با سایر غسل‌های واجب، بلکه برخی از غسل‌های مستحب نیز می‌توان بدون وضو نماز خواند.

۴. همان، م ۳۷۲. به فتوای برخی از فقها، پاک بودن بدن قبل از غسل لازم نیست، بلکه اگر با فرو رفتن در آب یا آب ریختن بر بدن به قصد غسل، بدن پاک شود، غسل صحیح است.

۵. همان، م ۳۳۹. به فتوای برخی از فقها، غسل جبیره‌ای ارتماسی نیز صحیح است.

۶. استفتائات، ج ۱، ص ۵۶، س ۱۱۷.

برای نماز وضو بگیرد، هرچند غسل جنابت باشد.^۱
پس از تعریف و تقسیم غسل، به بیان مسائلی که از غسل‌های واجب می‌پردازیم:

غسل جنابت

- ۱- کسی که جنب شده باشد باید برای انجام دادن کارهایی که مشروط به طهارت است غسل جنابت انجام دهد.^۲
- ۲- چنانچه از انسان منی بیرون آید یا جماع (آمیزش) کند هرچند منی بیرن نیاید، جنب می‌شود.^۳

کارهایی که بر جنب حرام است

- * رساندن جایی از بدن به خط قرآن، اسم خداوند و بنا بر احتیاط واجب، اسامی پیامبران و ائمه علیهم‌السلام؛
- * رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هرچند از یک در وارد و از در دیگر خارج شود؛
- * توقف در مساجد؛

* گذاشتن چیزی در مسجد، هرچند از بیرون مسجد باشد؛

□ * خواندن سوره‌هایی از قرآن که سجده واجب دارد، حتی یک حرف از آن؛^۴

□ * توقف در حرم امامان علیهم‌السلام (بنا بر احتیاط واجب).^۵

۱. توضیح المسائل، م ۳۸۶. به فتوای برخی از فقها، باید غسل را از سر بگیرد.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الاغتسال، ص ۳۶، م ۱.

۳. همان.

۴. به فتوای برخی از فقها، فقط خواندن آیه سجده حرام است.

۵. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی احکام الجنب، صص ۳۸ و ۳۹. برخی از فقها حرم امامان را ملحق به مسجد النبی و توقف در آنها را حرام می‌دانند.

دو مسأله:

۱. اگر جنب از یک در مسجد وارد و از در دیگر خارج شود (عبور بدون توقف) مانع ندارد، بجز مسجد الحرام و مسجد النبی که عبور هم جایز نیست.^۱
۲. نمازخانه مؤسسات و ادارات حکم مسجد ندارد، مگر آنکه به عنوان مسجد وقف شده باشد. حرم امامزادگان نیز حکم حرم امامان را ندارد.^۲

سوره‌های سجده دار قرآن:

- سوره ۳۲ = سجده، آیه ۱۵ ﴿إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ...﴾
- سوره ۴۱ = فصلت، آیه ۳۷ ﴿وَمِنَ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ...﴾
- سوره ۵۳ = نجم، آیه آخر ﴿فَاسْجُدْ وَاقْبُدْ﴾
- سوره ۹۶ = غلق، آیه آخر ﴿كَلَّا لَا تُطِغُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ﴾

غسل میت و غسل مس میت

احکام این دو غسل در درس ۸۲ (احکام اموات) خواهد آمد.

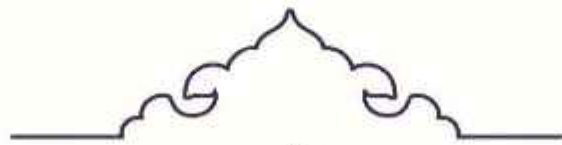
پرسش

۱. وجه افتراق و اشتراک غسل ترتیبی و ارتماسی چیست؟
۲. شرایط صحت غسل را برشمارید؟
۳. اگر شخصی در بین غسل جنابت ادرار کند، غسلش چه حکمی دارد و وظیفه اش نسبت به نماز چیست؟
۴. اگر انسان پس از غسل متوجه شود، مقداری از طرف راست بدن خشک مانده، تکلیف چیست؟
۵. در رابطه با قرآن چه کارهایی بر جنب حرام است؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی احکام الجنب، ص ۳۸.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، فی ما یحرم علی الجنب، ص ۲۸۸، م ۳: استفتائات، ج ۲، ص ۳۴۳.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی غسل الجنابة، القول فی احکام الجنب، صص ۳۸ و ۳۹.



تَيْمَم

وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ ۚ

«اگر بیمار، یا در سفر باشید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان نزدیکی کردید و آبی نیافتید، پس با خاک پاک تیمم کنید و از آن به صورت و دست هایتان بکشید...»

موارد تيمم

در این موارد باید به جای وضو و غسل تيمم کرد:

۱. آب نباشد، یا انسان دسترسی به آن نداشته باشد.
۲. آب برای انسان ضرر داشته باشد؛ مثلاً به سبب استفاده از آب، مرضی در او پیدا می‌شود.

۳. اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، بیم آن می‌رود که خود یا همسر یا فرزندان یا رفیق، یا کسانی که به وی مربوطند، از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد و همچنین کسی که حفظ جان او واجب است طوری تشنه باشد که اگر آب را به او ندهند تلف می‌شود.

۴. بدن یا لباس او نجس است و آب بیش از تطهیر آن ندارد، و لباس دیگری هم ندارد.

۵. وقت برای وضو گرفتن یا غسل کردن ندارد به طوری که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود.^۱

چند مسأله:

۱. اگر عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد، معصیت کرده ولی نماز او با تیمم صحیح است، گرچه احتیاط مستحب است قضای آن نماز را بخواند.^۲

۲. کسی که شک دارد اگر وضو بگیرد یا غسل کند وقت برای نماز او می‌ماند یا نه، باید تیمم کند.^۳

۳. اگر انسان به قدری وقت دارد که می‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحب آن؛ مثل اقامه و قنوت بخواند، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحب آن بجا آورد، بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند.^۴

۱. توضیح المسائل، تیمم.

۲. همان، م ۶۷۹.

۳. همان، م ۶۸۰.

۴. همان، م ۶۸۳.

استفتاء

س. اگر در جایی انسان، مانند منزل خود جنب شود و به عللی، مثل دور بودن حمام یا خجالت کشیدن یا... در حال جنابت بماند تکلیف چیست و همین طور در کوه و بیابان

که به موقع دسترسی به آب ندارد؟

ج. عذرهای ذکر شده، مجوز تیمم نیست و باید غسل کند، ولی اگر غسل کردن به واسطه نبودن آب یا دور بودن آب و دسترسی نداشتن به آن میسر نبود، باید برای نماز تیمم کند.^۱

کیفیت تیمم

□ برای تیمم، اعمال ذیل باید به ترتیب انجام داده شود:

- زدن کف دودست با هم بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است.
- کشیدن کف هر دو دست بر تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی و بنا بر احتیاط واجب باید دست‌ها روی ابروها هم کشیده شود.

• کشیدن کف دست چپ بر تمام پشت دست راست.

• کشیدن کف دست راست بر تمام پشت دست چپ.

تمام کارهای تیمم باید با قصد تیمم و برای اطاعت از دستور الهی انجام شود و نیز باید معلوم کند که تیمم به جای وضو است یا غسل و چه غسلی.^۲ چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است:

* خاك

* ريگ

۱. استفتاءات، ج ۱، ص ۹۲، س ۲۳۶.

۲. توضیح المسائل، م ۷۰۰. به فتوای برخی از فقها احتیاط آن است که یک بار دست‌ها را بر زمین زده و بر پیشانی و پشت دست‌ها بکشد و یک بار دیگر بر زمین بزند و بر دست‌ها بکشد.

- * اقسام سنگ‌ها؛ مانند سنگ سیاه، سنگ مرمر، سنگ گچ و سنگ آهک (پیش از پخته شدن) ولی تیمم بر جواهر، مانند عقیق و فیروزه باطل است.
- * گل پخته؛ مانند آجر و کوزه.^۱

چند مسأله:

۱. تیممی که به جای وضو است با تیممی که به جای غسل است، تفاوتی ندارد مگر در نیت.^۲
۲. کسی که به جای وضو تیمم کرده است؛ اگر یکی از چیزهایی که وضو را باطل می‌کند از او سر بزند تیممش باطل می‌شود.^۳
۳. کسی که به جای غسل تیمم کرده است، هرگاه یکی از موجبات غسل، مثل جنابت یا مس میت پیش آید تیممش باطل می‌شود.^۴
۴. تیمم در صورتی صحیح است که انسان نتواند وضو بگیرد، یا غسل کند، بنابر این اگر بدون عذر تیمم کند صحیح نیست و اگر عذر داشته باشد و برطرف شود؛ مثلاً آب نداشته و آب پیدا کند، تیمم او باطل می‌شود.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۶۸۴ و ۶۸۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی بیان ما یصح التیمم به، ص ۴۸۵. به فتوای برخی از فقها، تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک و گل پخته صحیح نیست و بعضی دیگر تیمم بر گچ و آهک را نیز صحیح می‌دانند.

۲. توضیح المسائل، م ۷۰۱.

۳. همان، م ۷۲۰.

۴. همان، م ۷۲۰.

۵. همان، م ۷۲۲.

□ ۵. اگر به جای غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر به جای غسل های دیگر تیمم کند، با آن تیمم نمی تواند نماز بخواند و باید برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری به جای وضو انجام دهد.^۱

□ ۶. اگر بدل از غسل، تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل می کند برای او پیش آید، چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید وضو بگیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد، باید بدل از وضو تیمم نماید.^۲

شرایط صحت تیمم

- * اعضای تیمم یعنی پیشانی و دست ها پاک باشد؛
- * پیشانی و پشت دست ها را از بالا به پایین مسح کند؛
- * چیزی که بر آن تیمم می کند پاک و مباح باشد؛
- * ترتیب را رعایت کند؛
- * موالات را رعایت کند؛
- * چیزی بین دست و پیشانی و دست و پشت دست، به هنگام مسح، فاصله نباشد.^۳

تیمم کسی که دستش قطع شده

۱. کسی که یک دستش قطع شده، برای تیمم باید دست دیگر را بر زمین بزند و بر

۱. همان، م ۷۲۳. به نظر برخی از فقها، تیمم بدل از وضو در این صورت، واجب نیست بلکه احتیاط مستحب است.

۲. توضیح المسائل، م ۷۲۴. به فتوای برخی از فقها، اگر برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید بدل از غسل تیمم کند و احتیاط مستحب است وضو هم بگیرد و به فتوای برخی از فقها باید وضو بگیرد و احتیاط آن است تیمم بدل از غسل نیز انجام دهد.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی کیفیة التیمم، ص ۴۹۵؛ توضیح المسائل، م ۶۹۲، ۶۹۴، ۷۰۴ تا ۷۰۶.

پیشانی بکشد و پس از آن پشت دست را بر زمین بکشد. چنانچه با یک بار کشیدن دست بر پیشانی تمام آن مسح نشد، دوبار دست را بر پیشانی بکشد.^۱

۲. کسی که دو دستش قطع شده، برای تیمم باید پیشانی را بر چیزی که تیمم صحیح است بکشد و چنانچه با یک بار تمام پیشانی مسح نشد تکرار می‌کند و اگر خودش نتواند تیمم کند، نایب می‌گیرد.^۲

کلیه پرسش

۱. در چه صورتی، در تنگی وقت، باید به جای وضو یا غسل، تیمم کرد؟
۲. تیمم بر موزاییک، بتون، خشت، کاشی و کوزه چه حکمی دارد؟
۳. کدام یک از شرایط وضو، شرط صحت تیمم نیز هست؟
۴. آیا جنب می‌تواند با تیمم بدل از غسل به مسجد برود؟
۵. کدامیک از شرایط صحت وضو و غسل با هم مشترکند؟

۱. استفتائات، ج ۱، ص ۹۴.

۲. همان.



نجاسات (۱)

«طهارت» غیر از «نظافت» و «نجاست» غیر از «کثافت» است. ممکن است چیزی تمیز باشد ولی از نظر احکام اسلام پاک نباشد، خواسته اسلام، هم طهارت است و هم نظافت؛ یعنی انسان باید به فکر پاکی و تمیزی خود و محیط و زندگی اش باشد و برای برخی اعمال، طهارت کسب کند، و اکنون سخن درباره طهارت است:

برای پاکی از نجاسات، شناخت آنها و راه پاک کردن اشیای نجس نیز لازم است.^۱

نجس و مُتَنَجِّس

نجس چیزی است که به خودی خود نجس است که به آن «عین نجس» نیز گفته می شود مانند خون و مردار.

مُتَنَجِّس چیزی است که به خودی خود نجس نیست ولی به واسطه برخورد با شیء نجس، نجس شده است، مثل فرش که با ادرار نجس شده باشد.

۱. پاک بودن بدن و لباس، اختصاص به نماز ندارد و در مواردی دیگر از جمله در حال احرام و طواف نیز لازم است و این بحث در ابواب دیگر فقهی نیز به تناسب مطرح خواهد شد.

انسان و حیوان های حرام گوشت خون جهنده دارا مانند گربه و موش.	}	←	۱. ادرار (بول)	نجاسات		
			۲. مدفوع (غائط)			
انسان و حیوانی که خون جهنده دارد؛ مانند گوسفند.	}	←	۳. منی			
			۴. مردار			
			۵. خون			
که در خشکی زندگی می کند، ولی دریایی آن نجس نیست.	}	←	۶. سنگ			
			۷. خوک			
۸. شراب و هر مایع مست کننده						
۹. آبجو (قُحَّاع)						
۱۰. کافر						
۱۱. عرق شتر نجاست خوار						

ادرار و مدفوع

۱. ادرار و مدفوع انسان و تمام حیوان های حرام گوشت که خون جهنده دارند، مثل گربه و روباه نجس است.
۲. ادرار و مدفوع حیوان های حلال گوشت، مانند گاو و گوسفند و حیوان هایی که خون جهنده ندارند، مانند: مار و ماهی پاک است.^۱
۳. بول و غائط حیوان هایی که گوشت آنها مکروه است؛ مانند اسب و الاغ پاک است.^۲
۴. فضله پرندگان حرام گوشت؛ مانند کلاغ نجس است.^۳

۱. حیوانی خون جهنده دارد که اگر رگ آن را بپزند، خون از آن جستن می کند.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، ص ۵۵.

۳. همان

۴. توضیح المسائل، م ۸۵، به فتوای اکثر مراجع تقلید، فضله پرندگان نجس نیست.

۵. بول و غائط حیوانی. مثلاً پرنده‌ای که معلوم نیست حلال گوشت است یا حرام گوشت، پاک است.^۱

۶. فضله‌ای که معلوم نیست از حیوان خون جهنده‌دار است، یا غیر آن؛ مثلاً معلوم نباشد از موش است یا سوسک، پاک است.^۲

انسان مرده

۱. انسان مرده هر چند تازه از دنیا رفته باشد و بدنش سرد نشده باشد (به جز اجزای بی روح او؛ مانند ناخن و مو و دندان) تمام بدنش نجس است، مگر آنکه:^۳
الف) شهید در میدان جنگ (معرکه) باشد.

ب) او را غسل داده باشند (سه غسل تمام شده باشد).

حیوان مرده‌ای که به طریق شرعی ذبح نشده باشد «مردار» است.

۲. کسانی که در بمب‌گذاری‌ها یا ترور دشمنان به شهادت می‌رسند یا افرادی که در جبهه نبرد مجروح می‌شوند و بیرون معرکه جان می‌دهند، مشمول این حکم نیستند.^۴
۳. معرکه، محدوده تیررس دشمن است، تا آنجایی که درگیری بین نیروهای دو طرف جریان دارد و اختصاص به خط مقدم یا هنگام پیش روی ندارد.^۵

حیوان مرده

حیوان مرده‌ای که به طریق شرعی ذبح نشده باشد «مردار» است.

۱. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، ص ۵۷، م ۳.

۲. توضیح المسائل، م ۸۵.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، ص ۵۸، الرابع و ص ۶۱، م ۱۲.

۴. استفتائات، ج ۱، ص ۸۳، س ۲۰۶.

۵. همان، ج ۱، ص ۵۰۴، س ۴۲.



۵. اجزایی که در حال حیات (قبل از مردن) از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد جدا می شود، در حکم طهارت و نجاست با اجزای مردار تفاوتی ندارد؛ یعنی اگر جزء بی روح باشد پاک است و اگر روح دار باشد نجس است.^۱

احکام اشیای چرمی

۱. اشیایی که از اجزای بی روح حیوان، غیر از سگ و خوک، تهیه شده پاک است، هر چند ذبح شرعی نشده باشد، بنابر این لباس های پشمی، کرکی، مویی، پاک است، هر چند غیر مسلمان آن را ساخته باشد، یا در بازار غیر مسلمین به فروش می رسد، ولی اگر از مردار یا حیوان حرام گوشت باشد، نماز خواندن با آن لباس باطل است.^۲

۲. اشیایی که از اجزای روح دار مردار حیوان خون جهنده دار تهیه شده باشد نجس است، مانند چیزهایی که از چرم تهیه می شود؛ مثل کفش، کیف، کلاه، کمربند، کاپشن، دستکش و بند ساعت.^۳

۳. چیزی که معلوم نیست چرم است یا نه، محکوم به طهارت است.^۴

۱. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، ص ۶۲، الرابع و م ۱.

۲. همان، ص ۵۸.

۳. همان.

۴. همان، ص ۶۲.

۴. چرمی که معلوم نیست از حیوان خون جهنده داراست یا نه، محکوم به طهارت است؛ مانند کمربندی که معلوم نیست از پوست مار است یا غیر آن.^۱

شیر و فرآورده های لبنی

۱. شیر و فرآورده های لبنی که از حیوان حلال گوشت زنده گرفته می شود؛ مانند ماست، پنیر، کشک، کره و خامه که از گاو و گوسفند است، همگی پاک و خوردن آنها حلال است، هر چند غیر مسلمان آن را تهیه کرده باشد، یا در بازار غیر اسلامی به فروش برسد، یا از کشورهای غیر اسلامی آورده باشند، مگر آنکه انسان یقین کند نجس شده است و شک و احتمال تأثیر ندارد و نیاز به تحقیق و جست و جو نیست.^۲
۲. شیر و فرآورده های لبنی حیوان حرام گوشت، حرام است.

پرسش

۱. ادرار و مدفوع و خون چه حیواناتی نجس است؟
۲. مردار این حیوانات چه حکمی دارد: مرغ، مرغابی، موش، میش، مار، ماهی، سوسک، مارمولک؟
۳. کیف و کفش و کلاهی که ساخت کشورهای غیر اسلامی است ولی در کشور اسلامی به فروش می رسد، پاک است یا نجس؟
۴. آیا از پشم گوسفند مرده می توان استفاده کرد؟
۵. اگر بدن انسان خراش بردارد و قسمتی از پوست آن کنده شود، آیا پوست جدا شده پاک است؟

۱. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی النجاسات، ص ۶۲.

۲. برای آشنایی بیشتر به درس ۷۵ مراجعه کنید.



نجاسات (۲)

خون

۱. خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است؛ مانند مرغ و گوسفند.
۲. خون حیوانی که خون جهنده ندارد، پاک است؛ مانند ماهی و پشه.
۳. □ خونی که گاهی در تخم مرغ دیده می شود نجس نیست، ولی بنابر احتیاط واجب باید از خوردن آن اجتناب کرد و اگر خون را با زرده تخم مرغ به هم بزنند که از بین برود، خوردن زرده هم مانعی ندارد.
۴. خونی که از لثه بیرون می آید، اگر با آب دهان مخلوط شده و از بین برود پاک است و در آن صورت فرو بردن آب دهان هم اشکال ندارد.
۵. خونی که به واسطه کوبیده شدن زیر ناخن یا زیر پوست می میرد، اگر به گونه ای عوض شود که به آن خون نگویند (استحاله شود) پاک است و اگر هنوز به آن خون گفته می شود، نجس است. تا زمانی که زیر ناخن یا پوست است و راهی به بیرون ندارد، بیرون آوردن لازم نیست و برای وضو و غسل هم اشکال ندارد.^۱

۱. توضیح المسائل، م ۹۶، ۹۸ تا ۱۰۱. به نظر برخی از مراجع تقلید، خون در تخم مرغ نجس است. و به نظر برخی دیگر پاک ولی خوردن آن حرام است و به نظر برخی دیگر برهیز از آن احتیاط مستحب است.

در موارد زیر حکم به طهارت می‌شود:

۱. شیء قرمز رنگی که معلوم نباشد خون است یا نه.^۱
۲. خونی که معلوم نباشد از حیوان خون جهنده داراست یا نه؟ مثل اینکه خونی در لباس خود می‌بیند و نمی‌داند خون پشه است یا بدن خودش.^۲
۳. خون حیوانی که معلوم نیست آن حیوان خون جهنده داراست یا نه.^۳
۴. زردآبه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود و معلوم نیست که با خون مخلوط شده است یا نه.^۴

شراب

۱. شراب و هر مایع مست‌کننده (که در اصل مایع است) گرچه به شکل جامد درآید نجس است.^۵
۲. شیء جامد مست‌کننده؛ مانند بنگ و خشیش نجس نیست، هر چند آن را ساییده و با آب مخلوط کنند و به صورت مایع درآورند.^۶
- ۳. آب انگور جوش آمده اگر مست‌کننده باشد، نجس است و اگر مست‌کننده نباشد، گرچه خوردن آن حرام است ولی نجس نیست.^۷
- ۴. خرما و کشمش را اگر همراه غذا (مثل برنج) پزند حرام نیست، هر چند به جوش آید.^۸

۱. العروة الوثقی، ج ۱، فی النجاسات، ص ۶۴، م ۷.

۲. همان.

۳. همان.

۴. توضیح المسائل، م ۱۰۴.

۵. همان، م ۱۱۱.

۶. همان.

۷. العروة الوثقی، ج ۱، فی النجاسات، ص ۶۹، م ۱. برخی از مراجع تقلید، آن را نجس دانسته‌اند.

۸. همان، ص ۷۰، م ۳. برخی از مراجع تقلید آن را نجس و حرام می‌دانند.

کافر

این افراد کافرو نجس هستند:

- منکر خدا (کسی که وجود خداوند را انکار کند؛
- منکر توحید (کسی که برای خدا شریک قرار دهد)؛
- منکر پیامبری حضرت محمد ﷺ، (کسی که نبوت پیامبر اکرم ﷺ را انکار کند)؛
- منکر ضروری دین؛^۱ در صورتی که بداند آن چیز ضروری دین است و انکار آن به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر ﷺ یا نقص دین بازگردد؛
- کسی که به ائمه اطهار علیهم السلام دشنام دهد یا با آنها دشمنی ورزد، هرچند با یکی از آنها باشد.^۲

چگونه چیز پاک نجس می شود؟

اگر شیء پاک به چیز نجس برخورد کند و یکی از آن دو (چیز پاک یا نجس) طوری تر باشد که رطوبت یکی از آن دو به دیگری برسد نجس می شود.^۳

- ۲. چیزی که نجس شده (مُتَنَجِّس) نیز نجس کننده است ولی واسطه چهارم هرچند خودش نجس است اما نجس کننده نیست؛ مثلاً اگر دست انسان به لباس نجس برخورد کند و سپس به دستگیره در بگذارد و خشک شود و دیگری دست خیس به دستگیره بگذارد هرچند دست او نجس می شود ولی چون دست او واسطه چهارم است نجس کننده چیزهای دیگر نخواهد بود.^۴

۱. ضروری دین، یعنی چیزی که مسلمانان جزء دین اسلام می دانند مانند نماز و روزه.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی النجاسات، ص ۱۱۸، العاشر.

۳. توضیح المسایل، م ۱۲۵.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، فی کیفیت التنجس، ص ۱۲۳، م ۹. به فتوای برخی از فقها، واسطه سوم نجس کننده نیست. و برخی از مراجع تمام واسطه ها را نجس می دانند و فرقی بین آنها نیست.

در موارد زیر حکم به پاکی می‌شود:

- * معلوم نباشد پاک و نجس به هم برخورد کرده‌اند یا نه؛
- * معلوم نباشد چیز پاک و نجس مرطوب بوده‌اند یا نه؛
- * معلوم نباشد رطوبت یکی به دیگری سرایت کرده است یا نه.^۱

چند مسأله:

۱. خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.^۲
۲. اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می‌خورد یا با لباس نجس نماز می‌خواند، لازم نیست به او تذکر دهد ولی اگر میزبان متوجه شود غذا نجس است باید به میهمان‌ها بگوید.^۳
۳. اگر انسان نداند چیز پاک نجس شده یا نه، پاک است و جست و جو و واری هم لازم نیست، هر چند بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد، بنابر این در مثال‌هایی که آورده خواهد شد، حکم به طهارت می‌شود و نیازی به سؤال کردن و تحقیق و پرهیز نیست.^۴
- وسایل منزل کسانی که به طور کامل مقید به طهارت و نجاست نیستند. حتی اگر مسلمان نباشند. در صورتی که یقین به نجس شدن آنها نباشد، پاک است.
- عطر و ادکلنی که غیر مسلمان ساخته است ولی معلوم نیست که با بدن وی تماس داشته یا نه، پاک است.

۱. توضیح المسائل، م ۱۲۶: العروة الوثقی، احکام النجاسات، ج ۱، ص ۷۹، م ۱.

۲. همان، م ۱۴۱.

۳. همان، م ۱۴۳.

۴. همان، م ۱۲۳ و العروة الوثقی، ج ۱، احکام النجاسات، ص ۷۹، م ۱.

- خوراکی‌هایی از قبیل: قند، شکر، بیسکویت، شکلات، آدامس و غیره، اگر در ساخت آنها غیرمسلمان دست داشته باشد، ولی یقین به تماس با بدن وی نداریم و به‌گونه‌ای دیگر نجس نشده، پاک است.

پرسش

۱. خون این حیوانات چه حکمی دارد: گنجشک، گوسفند، پشه، قورباغه؟
۲. پنیر، کره، نوشابه، روغن، قند و شکر که از کشورهای غیر اسلامی آورده می‌شود چه حکمی دارد؟
۳. تفاوت منکر خدا با منکر توحید در چیست؟
۴. این مسأله را توضیح دهید و دو مثال ذکر کنید. «کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه، پاک است ولی احکام سایر مسلمانان را ندارد.»
۵. اگر انسان ببیند کسی با لباس نجس نماز می‌خواند، آیا باید به او بگوید یا لازم نیست، چرا؟



مُطَهَّرَات (۱)

.... وَيَنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ....^۱

«خداوند به شما آب را از آسمان فرو می‌فرستد، تا شما را پاک سازد و پلیدی شیطان را از شما ببرد.

مُطَهَّرَات، جمع مطهرو به معنای پاک کننده‌هاست یعنی آنچه که نجاست را پاک می‌کند.

آب

آب، یکی از مطهرات است که بسیاری از چیزهای نجس را پاک می‌کند و اقسام مختلفی دارد که شناخت آنها ما را برای یاد گرفتن بهتر مسائل مربوط به آن کمک می‌کند.

اقسام آب

«آب» یا از آسمان می‌بارد، یا از زمین می‌جوشد، یا نه می‌جوشد و نه می‌بارد.

به آبی که از آسمان بیارد «باران» گویند.
 به آبی که از زمین می جوشد، اگر جریان داشته باشد «آب جاری» و اگر بدون جریان باشد، «آب چاه» گویند.^۱
 آبی که از زمین نمی جوشد و از آسمان نمی بارد، «آب راکد» است.
 اگر مقدار آب راکد به قدر گریا بیشتر از آن باشد «کثیر» است و کمتر از آن «قلیل» است.

حجم: ۴۲/۸۷۵ وجب. اگر ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هریک
 حداقل ۳/۵ وجب باشد پر از آب کنند به مقدار کراست.
 وزن: ۳۷۷/۴۱۹ کیلوگرم.

□ مقدار کُر:

مقدار آب قلیل: آبی که از زمین نمی جوشد اگر از مقدار کراست کمتر باشد قلیل است.^۲

تقسیمی دیگر برای آب

آب مضاف: آبی است که از چیزی گرفته شده باشد؛ مانند آب سیب و هندوانه، یا با چیزی مخلوط شده باشد، به طوری که دیگر به آن آب نگویند؛ مانند شربت.
 آب مطلق: آبی است که مضاف نباشد.^۳
 فقط، آب مطلق، چیز نجس را پاک می کند. گرچه ممکن است آب مضاف چیز کثیفی را تمیز کند، ولی همان گونه که پیشتر گفته شد، هرگز چیز نجس را پاک نمی کند.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی المیاء، ص ۱۳، م ۸.

۲. همان، ص ۱۴، م ۱۴؛ توضیح المسائل، م ۱۶. برخی از مراجع تقلید، مقدار کرا کمی بیشتر یا کمتر دانسته اند.

۳. همان، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی المیاء.

احکام آب مضاف

۱. آب مضاف چیز نجس را پاک نمی‌کند (از مطهّرات نیست).
۲. آب مضاف با برخورد به نجاست نجس می‌شود، هر چند نجاست کم باشد و بو یا رنگ یا مزه آب عوض نشود.
۳. وضو و غسل با آب مضاف باطل است.^۱

احکام آب قلیل

۱. آب قلیل با برخورد به نجاست، نجس می‌شود، خواه روی چیز نجس ریخته شود یا چیز نجس به آن برسد.^۲
۲. آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته می‌شود و از آن جدا می‌گردد نجس است و باید از آبی که پس از برطرف شدن عین نجاست برای تطهیر چیز نجس روی آن می‌ریزند و از آن جدا می‌شود اجتناب شود.^۳

احکام آب کثیر، جاری، چاه و باران

۱. تمام اقسام آب‌های مطلق به جز آب قلیل تا زمانی که بویا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد، پاک است و هرگاه بر اثر برخورد با نجاست، بویا رنگ یا مزه نجاست بگیرد نجس می‌شود. بنابراین، آب جاری، چاه، کثیر و حتی باران در این حکم مشترکند.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۴۷ و ۴۸.

۲. همان، م ۲۶.

۳. همان، م ۲۷.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی المیاه، ص ۱۳، م ۴.

۲. آب متصل به آب کثیر، در حکم آب کثیر است؛ بنابراین، آب لوله‌های ساختمان‌ها که متصل به منبع بزرگ شهر است حکم آب کثیر را دارد.^۱

برخی از خصوصیات باران

- اگر بر چیز نجسی که عین نجس در آن نیست یکبار ببارد پاک می‌شود.
 - اگر بر فرش و لباس نجس ببارد و خیس شود پاک می‌شود و فشار لازم ندارد.
 - اگر بر زمین نجس ببارد پاک می‌شود.
- هرگاه باران در جایی جمع شود، اگر چه کمتر از کر باشد، تا موقعی که باران می‌بارد حکم آب کر را دارد و چنانچه با نجس برخورد کند، مثلاً چیز نجسی را در آن بشویند، تا زمانی که بویا رنگ یا مزه نجاست نگرفته است، پاک است.^۲

چگونگی تطهیر اشیای نجس با آب

آب، از جمله مطهراتی است که همه روزه تمام افراد با آن سروکار دارند و در تطهیر بسیاری از چیزهای نجس به کار می‌برند.

تطهیر اشیای نجس	۱- ظرف	$\left[\begin{array}{l} ۱- با آب کثیر: یک مرتبه \\ ۲- با آب قلیل: سه مرتبه \end{array} \right]$	$\left[\begin{array}{l} به جز ظرفی که به شراب نجس شده یا سنگ یا خوک از آن چیز روان خورده است \end{array} \right]$
	۲- غیر ظرف	$\left[\begin{array}{l} ۱- به بول نجس شده \\ ۲- به غیر بول نجس شده \end{array} \right]$	$\left[\begin{array}{l} ۱- با آب کثیر: یک مرتبه \\ ۲- با آب قلیل: دو مرتبه \end{array} \right]$
		$\left[\begin{array}{l} ۱- با آب کثیر: یک مرتبه \\ ۲- با آب قلیل: یک مرتبه \end{array} \right]$	

۱. توضیح المسائل، م ۳۵.

۲. همان، م ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۴۲.

چند نکته:

الف: برای تطهیر اشیای نجس، ابتدا باید عین نجس را برطرف کرد سپس به همان تعداد که گفته شد آن را آب کشید؛ مثلاً ظرف نجس را بعد از برطرف کردن آلودگی، اگر یک مرتبه در آب کر بشویند کافی است؛

ب: فرش و لباس و چیزهایی مانند فرش و لباس که آب را به خود می‌گیرد و قابل فشردن است، چنانچه با آب قلیل تطهیر می‌کنند باید بعد از هر بار شستن، آن را بفشارند تا آب‌های داخلش بیرون بیاید، یا به گونه‌ای دیگر آب آن گرفته شود و در آب کثیر و جاری هم احتیاط واجب آن است که آب داخل آن گرفته شود؛

ج: آب جاری و جاه در احکامی که برای تطهیر اشیای نجس بیان شد، مانند آب کثیر است.

پرسش

۱. کدام یک از نجاسات با آب، قابل تطهیر نیست؟
۲. تفاوت آب چاه و جاری چیست؟
۳. در چه صورتی ممکن است مقداری از آب قلیل نجس و مقداری از آن پاک باشد؟
۴. ویژگی برتر باران نسبت به آب کثیر چیست؟
۵. فرشی که به بول نجس شده، با آب قلیل یا کثیر چگونه باید تطهیر کرد؟



تطهیر ظرف نجس

ظرف نجس را می‌توان این گونه آب کشید:

- با آب کثیر؛ یک بار در آب فرو برده، بیرون آورند.
- با آب قلیل؛ آن را سه مرتبه پراز آب کرده، خالی کنند، یا سه مرتبه قدری آب در آن بریزند و هر مرتبه آب را به طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس برسد و بیرون بریزند.^۱

تطهیر آب نجس

۱. برای تطهیر آب قلیلی که نجس شده، باید به آب کثیر، یا جاری، یا چاه متصل گردد یا باران بر آن بیارد و با آن مخلوط شود، و اگر بویا رنگ یا مزه نجاست گرفته، باید به اندازه‌ای آب با آن مخلوط شود تا بوی و رنگ و مزه نجاست از بین برود.^۲
۲. برای تطهیر آب کثیر، یا جاری، یا چاه، باید به اندازه‌ای آب کثیف یا چاه بر آن افزوده شود، یا باران بر آن بیارد که بوی و رنگ و مزه نجاست از بین برود، بنابراین اگر با

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۰ و ۱۵۵.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المیاء، ص ۴۳، م ۲؛ تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی المیاء، ص ۱۴، م ۱۱.

افزودن مواد شیمیایی، رنگ و بو و طعم آن عوض گردد، پاک نمی شود.^۱

تطهیر زمین نجس

۱- با آب کثیر: } ابتدا نجاست را برطرف کرده، سپس آب کثیر یا جاری بر آن گرفته، به مقداری که تمام جاهای نجس را فراگیرد.

۲- با آب قلیل: } ۱. اگر زمین به گونه ای است که آب بر آن جاری نمی شود (به اصطلاح آب را به خود گرفته و می خورد): با آب قلیل پاک نمی شود.
۲. اگر آب بر زمین جاری می شود: جایی که آب جاری شده، پاک می شود و جایی که آب جمع شده، نجس است.^۲

هنگام تطهیر زمین، اگر آب ها جاری شده و به داخل چاه می رود، یا از آن محل بیرون می رود، تمام جاهایی که آب جاری شده، پاک می شود.^۳

تطهیر حبوبات

۱. اگر ظاهر آن نجس شده: با فرو بردن در آب کثیر یا جاری، یا ریختن آب قلیل (جاری کردن) بر آن پاک می شود.

□ ۲. اگر باطن آن هم نجس شده: پاک نمی شود، نه با آب قلیل، نه با آب کثیر.^۴

□ ۳. اگر معلوم نیست باطن آن نیز نجس شده یا نه: تطهیر ظاهر آن کافی است.^۵

۱. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المیاء، ص ۴۳، م ۲؛ تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی المیاء، ص ۱۴، م ۱۱؛ استفتات، ج ۱، ص ۱۱۹، س ۳۲۴.

۲. توضیح المسائل، م ۱۷۹ و ۱۸۰.

۳. همان، م ۱۸۰.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی المپهّرات، ص ۱۲۸، م ۵ و ۶؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المپهّرات، ص ۱۱۵، م ۲۰. به فتوای برخی از فقها، اگر آن را در آب کثیر یا جاری بگذرانند که آب به درون آن نفوذ کند، پاک می شود.

۵. توضیح المسائل، م ۱۶۵.

استفتاء

س. اگر شخصی در عبادات یا طهارت و نجاست دچار وسواس شده باشد و زیاد شک کند تکلیف شرعی او چیست؟
ج. نباید به شك‌های خود اعتنا کند و اگر اعتنا کند کار حرامی کرده است و هر عمل را بیش از یک بار نباید انجام دهد و اگر انجام دهد حرام است و هرگاه شک در نجاست چیزی یا صحت عمل کرد، باید بنا بر طهارت و صحت بگذارد و اگر برخلاف آن عمل کرد جایز نیست.^۱

زمین

۱. اگر کف پا یا کف کفش، هنگام راه رفتن، نجس شود، و به سبب تماس با زمین، نجاست برطرف گردد، پاک می‌شود. پس زمین، فقط پاک کننده کف پا و کف کفش است، آن هم با این شرایط:

* زمین پاک باشد؛

* زمین خشک باشد، (تر نباشد)؛

زمینی پاک کننده است که خاک، شن، سنگ، آجر فرش و مانند اینها باشد.^۲

۲. اگر بر اثر تماس ته کفش یا کف پا با زمین، نجاست برطرف شود پاک می‌گردد، ولی بهتر است حداقل پانزده قدم راه برود.^۳

□۳. این اشیا پاک کننده نیست:

موزاییک، آسفالت، فرش، زمینی که با چوب فرش شده است، زمینی که سبزه و گیاه در آن روئیده است، مگر سبزه و گیاهش به قدری کم باشد که چیزی به حساب نیاید و عرفاً بگویند بر زمین راه می‌رود.^۴

۱. استفتائات، ج ۱، ص ۱۱۱، س ۲۹۸.

۲. توضیح المسائل، م ۱۸۳، ۱۹۲.

۳. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المظہرات، ص ۱۲۴.

۴. همان، ج ۱، فصل فی المظہرات، ص ۱۲۵. به فتوای برخی از فقها، موزاییک و آسفالت نیز پاک کننده است.

□ ۴. بنا بر احتیاط واجب، زمین، موارد زیر را پاک نمی‌کند:

- دست و زانوی معلولانی که با دست یا زانوراه می‌روند؛
- نعل چهارپایان؛
- نوک عصا؛
- جوراب (مگر جورابی که کف آن از پوست باشد)؛
- ته پای مصنوعی؛
- چرخ اتومبیل.^۱

پرسش

۱. اگر در ظرفی که مقداری برنج در آن خیسانده‌اند فضله موشی یافت شود، برنج‌ها و ظرف آن چگونه تطهیر می‌شود؟

۲. در تطهیر اشیای نجس با آب، چه چیزی را بیش از همه اشیاء باید شست و شوداد؟

۳. اگر گریه‌ای یا گوسفندی داخل چاهی بیفتد و بمیرد، آب چاه چه وقت پاک می‌شود؟

۴. اگر کف کفش بر اثر راه رفتن بر زمین مرطوب نجس شود، با راه رفتن پاک می‌شود یا نه؟

۱. العرفۃ الوثقی، ج ۱، فصل فی المَطَهَّرَات، ص ۱۲۶؛ توضیح المسائل، م ۱۸۸. به فتوای برخی از فقهاء، زمین، پالک‌کننده چیزهایی مثل چرخ اتومبیل نیز هست.



مُطَهَّرَات (۳)

آفتاب

آفتاب با شرایطی که خواهد آمد، این موارد را پاک می‌کند:

* زمین؛

* ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته است و جزو آن؛ مانند دروپنجره؛

* درخت و گیاه تا وقتی که از زمین و درخت قطع نشده.^۱

شرایط مُطَهَّر بودن آفتاب

* چیز نجس تر باشد؛ به قدری که اگر چیزی به آن برسد تر شود؛

* با تابش آفتاب خشک شود، اگر مرطوب بماند پاک نشده است؛

* چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نباشد، مگر آنکه رقیق و نازک باشد و از

تابش آفتاب جلوگیری نکند؛

* آفتاب به تنهایی آن را خشک کند؛ مثلاً با کمک باد خشک نشود؛

۱. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المَطَهَّرَات، ص ۱۲۹، الثالث من المَطَهَّرَات؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۰، ثالثها و م ۱۰.

* هنگام تابش آفتاب، عین نجاست^۱ در آن نباشد، پس اگر عین نجاست هست، پیش از تابش آفتاب برطرف شود؛

* قسمت بیرون و درون دیوار یا زمین را یکباره خشک کند، پس اگر روی آن بر اثر تابش آفتاب خشک شود و درون آن بعداً بر اثر تابش مجدد آفتاب خشک شود، تنها روی آن پاک می‌شود.^۲

استحاله

۱. اگر جنس چیز نجس به گونه‌ای عوض شود که به صورت چیز پاکی درآید، پاک می‌شود، و گویند استحاله شده است؛ مانند این موارد:
 - مردار تبدیل به خاک شود؛
 - دانه نجس تبدیل به گیاه گردد؛
 - چوب نجس بسوزد و خاکستر شود؛
 - مواد سوختنی نجس بسوزد و دود شود؛
 - شراب سرکه شود.^۳
۲. اگر جنس چیز نجس عوض نشود و فقط تغییر شکل دهد، پاک نمی‌شود؛ مثل اینکه:
 - گندم نجس را آرد کنند یا نان بپزند.
 - انگور نجس سرکه شود.^۴
۳. چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه، نجس است.^۵

۱. آنچه خود به خود نجس است مانند خون «عین نجاست» است.

۲. توضیح المسائل، م ۱۹۱.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۱؛ توضیح المسائل، م ۱۹۵.

۴. توضیح المسائل، م ۲۰۰.

۵. همان، م ۱۹۷.

انتقال

اگر خون بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد، به بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده ندارد، منتقل شود و جزء بدن آن حیوان به حساب آید، پاک می‌گردد و همچنین اگر جزئی از بدن انسان یا حیوان به بدن انسان دیگری یا حیوان زنده غیر نجس العین منتقل شود و جزء آن به حساب آید پاک می‌گردد؛ مثل این که:

خون بدن انسان به بدن پشه منتقل شود؛

عضوی از بدن حیوانی (مانند چشم) را جدا کرده و به بدن انسان پیوند بزنند؛

مقداری از گوشت بدن را بریده و به جای دیگر بدن پیوند بزنند.^۱

اسلام

۱. اگر کافر شهادتین بگوید، مسلمان می‌شود، و با اسلام، تمام بدن او (حتی عرق و آب دهانش) پاک می‌گردد؛ یعنی بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ. أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».^۲

۲. اگر کافر شهادتین بگوید و انسان نداند که قلباً مسلمان شده یا نه، پاک است، ولی اگر بداند که قلباً مسلمان نشده، بنا بر احتیاط واجب باید از او اجتناب کرد.^۳

۳. اگر بدن کافر با نجاست دیگری (عارضی) نجس شده باشد؛ مثلاً جایی از بدن او زخم شده و به خون آلوده است، آن نجاست با اسلام پاک نمی‌شود.^۴

تبعیت

۱. تبعیت آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز دیگری پاک شود.

۲. در موارد زیر، اشیای نجس به تبعیت پاک می‌شود.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۳۱: توضیح المسائل، م ۲۰۵.

۲. توضیح المسائل، م ۲۰۷.

۳. همان، م ۲۰۹.

۴. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی المظہرات، ص ۱۴۱، الثامن.

* کسی که چیزی را تطهیر می‌کند، اگر دست و آن چیز با هم آب کشیده شود، دست او هم پاک می‌شود و احتیاج به تطهیر مجدد ندارد.

* پس از اتمام سه غسل میت، تختی که میت را بر آن خوابانده‌اند و دست غسل و پارچه‌ای که بر میت انداخته‌اند (لنگ) پاک می‌شود.^۱

برطرف شدن عین نجاست

در دو مورد اگر عین نجس برطرف شود، چیز نجس پاک می‌شود و نیازی به آب کشیدن ندارد:

۱. بدن حیوان: مثلاً منقار مرغی که غذای نجس خورده، هنگامی که نجس برطرف شود منقارش پاک است.

۲. باطن بدن انسان: مانند داخل دهان و بینی و گوش؛ بنابراین اگر هنگام مسواک کردن دندان از لثه‌ها خون بیاید، یا شخصی غذای نجس بخورد، زمانی که در دهان غذای نجس و خون نباشد، یا به قدری کم باشد که با آب دهان مخلوط شده و از بین برود، پاک است و آب کشیدن داخل دهان لازم نیست.^۲

استفتاء

س. اگر دهان خونی شود و در دهان، دندان مصنوعی طوری باشد که به دندان طبیعی چسبیده باشد و نشود آن را برای آب کشیدن به بیرون از دهان آورد، آیا نحوه تطهیرش مانند دندان طبیعی است؟

ج. بنابر احتیاط واجب، حکم دندان طبیعی را ندارد و باید تطهیر شود.^۳

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی المَطَهَّرَات، ص ۱۳۱، ثامنھا: توضیح المسائل، م ۲۱۱ و ۲۱۵.

۲. توضیح المسائل، م ۲۱۶ و ۲۱۷.

۳. استفتاءات، ج ۱، ص ۹۹، س ۲۵۸.

غایب شدن مسلمان

اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که در اختیار اوست (مانند ظرف و فرش) نجس شود و آن مسلمان غایب گردد، اگر انسان احتمال بدهد آن چیز را تطهیر کرده، محکوم به طهارت است و اجتناب از آن لازم نیست.^۱

احکام تخلی (توالت رفتن)^۲

چون یکی از مسائل تخلی، تطهیر مخرج بول و غائط است، احکام تخلی را در پایان مبحث مطهرات می آوریم:

- واجب: پوشاندن عورت از دیگران حتی دیوانه و بچه متمیز (به جز همسر) یعنی در جایی باشد که کسی عورت را نبیند، مثلاً پشت دیوار یا تپه یا در جاله یا محل در بسته، مثل توالت.

- حرام: روبه قبله، یا پشت به قبله بودن.

- مستحب:
 ۱. جایی بنشیند که کسی او را نبیند.
 ۲. هنگام وارد شدن به توالت با پای چپ داخل شود.
 ۳. هنگام بیرون آمدن، اول پای راست را بیرون بگذارد.
 ۴. هنگام تخلی، سر را بپوشاند.
 ۵. سنگینی بدن را روی پای چپ بیندازد.

- مکروه:
 ۱. توقف زیاد
 ۲. روبروی خورشید یا ماه بودن.
 ۳. روبروی باد.
 ۴. سخن گفتن، مگر در حال ضرورت و گفتن ذکر.
 ۵. تطهیر با دست راست.
 ۶. خوردن و آشامیدن در حال تخلی.
 ۷. ایستاده بول کردن.^۳

۱. توضیح المسائل، م ۲۲۱؛ تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی المظہرات، ص ۱۳۲، عاشرها.

۲. این بخش از درس را می توان به مطالعه شاگردان واگذار کرد.

احتیاط واجب آن است که کودک را هنگام تخلی رو به قبله یا پشت به قبله نشانند، ولی اگر خود بچه بنشیند، جلوگیری از او واجب نیست.^۲

تطهیر مخرج بول و غائط

۱. مخرج بول با غیر آب (سنگ، کلوخ، پارچه و...) پاک نمی شود.
۲. برای تطهیر مخرج بول، پس از برطرف شدن بول، یک بار شستن آن کافی است.
- ۳. مخرج غائط به احتیاط واجب با غیر آب پاک نمی شود، ولی می توان با آن حال [پس از برطرف کردن نجاست و پیش از تطهیر با آب] نماز خواند.^۳
۴. بر مردان مستحب است، پس از بیرون آمدن بول، استبرا کنند و چنانچه بعد از بول استبرا کنند و سپس آبی از او خارج شود و شک کند بول است یا نه، حکم بول ندارد (کیفیت استبرا در رساله توضیح المسائل آمده است).^۴

پرسش

۱. آیا آفتاب، دری را که از چوب ساخته اند و گندمی را که از گاه جدا کرده اند، پاک می کند، یا نه؟
۲. برای استحاله، دو مثال، به جز مثال هایی که در کتاب آمده است، بیاورید.
۳. کدام یک از مُطَهَّرَات، تمام چیزهای نجس را پاک می کند؟
۴. در چه مواردی برطرف شدن عین نجاست مطهر است؟
۵. تبعیت را توضیح داده و دو مثال بزنید.
۶. برای غایب شدن مسلمان که جزو مطهرات است دو مثال بزنید.

۱. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی مستحبات التخلی و مکروهاته، صص ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲.

توضیح المسائل، م ۵۷، ۵۹، ۷۸، ۷۹، ۸۰.

۲. توضیح المسائل، م ۶۳.

۳. همان، م ۶۶ و ۶۸. به فتوای برخی از فقها، پاک می شود.

۴. همان، م ۷۲ و ۷۳.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه



فصل دوم:

نماز

• لباس و مکان نمازگزار

• احکام مسجد

• شکایات نماز

• نماز مسافر

• نماز قضا

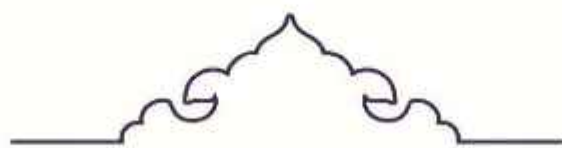
• نماز جماعت

• نماز جمعه

• نماز آیات

• نمازهای مستحب

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه



نماز

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنْ اللَّيْلِ....^۱

«نماز را در دو طرف روز و ساعات نزدیک شب بپای دار...»

اقسام نماز

نماز مهم‌ترین عمل عبادی انسان‌ها و یکی از ارکان اساسی دین اسلام است و با شناخت صحیح احکام آن و بجای آوردن به موقع و درست آن، بسیاری از امور زندگی معنوی انسان اصلاح خواهد شد.

برای آشنایی بهتر با مسایل نماز لازم است اقسام آن را بدانیم.

نماز، یا واجب است یا مستحب؛ نمازهای واجب هم دودسته‌اند: بعضی از آنها تکلیف هرروزه‌اند و در هر شبانه‌روز، در زمان‌های خاصی باید بجا آورده شوند و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی از اوقات به سببی خاص واجب می‌شوند و برنامه همیشگی و هرروزه نیستند.

۱. صبح	۱- هر روز (یومیه)	} نمازهای واجب
۲. ظهر		
۳. عصر		
۴. مغرب		
۵. عشا		
۱. آیات	۲- مقطعی	
۲. طواف واجب		
۳. میت		
۴. قضای پدر بر پسر بزرگتر ^۱		
۵. نمازی که با نذر و عهد و قسم واجب می شود.		

نمازهای مستحب بسیار است که در ادامه برخی از آنها آورده خواهد شد.

وقت نماز

برای نمازهای یومیه سه وقت است:

۱. وقت مخصوص

۲. وقت مشترك

۳. وقت فضیلت

برای آشنایی با اوقات نماز، شناخت این زمان ها لازم است:

ظهر مغرب نیمه شب و فجر دوم.

ظهر

اگر چوب یا چیزی مانند آن را عمود بر زمین قرار دهیم،^۱ وقتی که سایه آن به کمترین

مقدار رسید و روبه افزایش گذاشت، «ظهر شرعی» و ابتدای وقت نماز ظهر است.^۲

۱. به فتوای برخی از فقها نماز قضای مادر نیز بر پسر بزرگتر واجب است.

۲. به چنین چیزی، شاخص گفته می شود.

۳. توضیح المسائل، م ۷۲۹.

مغرب

«مغرب» موقعی است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از بین برود.^۱

نیمه شب

اگر فاصله بین غروب آفتاب و اذان صبح را دو نیم کنیم، وسط آن «نیمه شب»^۲ و آخر وقت نماز عشا است.^۳

فجر دوم

نزدیک اذان صبح، از طرف مشرق، سفیده‌ای روبه بالا حرکت می‌کند که آن را «فجر اول» گویند، هنگامی که آن سفیده پهن شد، «فجر دوم» و ابتدای وقت نماز صبح است.^۴

وقت مخصوص و مشترک نماز ظهر و عصر

□ ۱. از اذان ظهر تا مغرب، وقت خواندن نماز ظهر و عصر است که از اول آن به مقدار خواندن نماز ظهر وقت مخصوص نماز ظهر است و اگر نماز عصر در این وقت خوانده شود باطل است. و در آخر وقت، به مقدار خواندن نماز عصر به مغرب مانده وقت مخصوص نماز عصر است و فاصله بین این دو زمان، وقت مشترک بین ظهر و عصر است که هر دو نماز را می‌توان خواند، ولی نماز ظهر باید قبل از نماز عصر خوانده شود.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۷۳۵. حدود ۱۵ دقیقه پس از غروب، این سرخی برطرف می‌شود.

۲. تقریباً یازده ساعت و پانزده دقیقه که از ظهر شرعی بگذرد، نیمه شب و آخر وقت نماز مغرب و عشا است.

۳. احتیاط واجب آن است که برای نماز عشا همان گونه که در متن آمده است و برای نماز شب بین غروب تا طلوع آفتاب حساب شود توضیح المسائل، م ۷۳۹.

۴. توضیح المسائل، م ۷۴۱.

۵. همان، م ۷۳۱. به فتوای برخی از فقها پایان وقت نماز عصر، غروب آفتاب است.

۲. اگر کسی تا وقت مخصوص عصر، نماز ظهر را نخوانده باشد، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند.^۱

وقت مخصوص و مشترک نماز مغرب و عشا

۱. از اذان مغرب تا نصف شب وقت خواندن نماز مغرب و عشا است که از اول آن به مقدار خواندن یک نماز سه رکعتی، وقت مخصوص نماز مغرب است و در آخر وقت، به مقدار خواندن نماز عشا وقت مخصوص نماز عشا است و فاصله این زمان، وقت مشترک بین مغرب و عشا است که هر دو نماز را می‌توان خواند، ولی نماز عشا باید پس از نماز مغرب خوانده شود.^۲

۲. وقت مخصوص نمازهای چهار رکعتی برای مسافر به مقدار خواندن دو رکعت نماز است و برای کسی که مسافر نیست به اندازه خواندن چهار رکعت نماز است.^۳

□ ۳. اگر عمدأ یا به واسطه عذری مانند فراموشی یا خواب، نماز مغرب یا عشا را تا نصف شب نخواند، بنابر احتیاط واجب، باید تا قبل از اذان صبح بدون اینکه نیت ادا یا قضا کند بجا آورد.^۴

وقت نماز صبح

از اذان صبح (طلوع فجر دوم) تا طلوع آفتاب، وقت نماز صبح است و چون نماز دیگری در این وقت واجب نیست، وقت مشترکی ندارد.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۷۳۱.

۲. همان، م ۷۳۶.

۳. همان، م ۷۳۷.

۴. همان، م ۷۴۰. به فتوای برخی از فقها، اگر عمدأ نخوانده باشد باید به نیت قضا بخواند و اگر به واسطه عذری نخوانده باشد باید تا قبل از نماز صبح بجا آورد و نماز او ادا است.

۵. توضیح المسائل، م ۷۴۱.

وقت فضیلت نمازهای یومیه

وقت فضیلت، زمانی است که اگر نماز در آن وقت خوانده شود، ثواب بیشتری دارد.

وقت فضیلت نماز ظهر: از اول ظهر است تا زمانی که سایه پدید آمده شاخص به اندازه طول شاخص افزوده شود؛ مثلاً اگر طول شاخص یک متر باشد و هنگام ظهر ۲۰ سانتی متر سایه داشته باشد، پایان وقت فضیلت نماز ظهر وقتی است که سایه شاخص به ۱۲۰ سانتی متر برسد.

□ **وقت فضیلت نماز عصر:** پس از وقت مخصوص نماز ظهر است تا زمانی که سایه شاخص دو برابر طول آن اضافه شود.

وقت فضیلت نماز مغرب: از اول مغرب است تا زمانی که سرخی طرف مغرب از بین برود.

وقت فضیلت نماز عشا: شروع آن از پایان وقت فضیلت نماز مغرب است و پایان آن ثلث شب؛ به عبارت دیگر از هنگام برطرف شدن سرخی طرف مغرب تا گذشتن ثلث (۱/۳) شب.

وقت فضیلت نماز صبح: از اذان صبح است تا زمانی که هوا روشن شود.^۱

قبله

۱. خانه کعبه، «قبله» مسلمانان است و نمازگزار باید روبرو به آن نماز بخواند. دفن میت و ذبح حیوان نیز باید روبرو به قبله باشد.^۲

۲. کسی که بیرون شهر مکه و دور از آن است، اگر طوری بایستد که بگویند روبرو به قبله

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، فی اعداد النوافل و اوقاتها، ص ۱۳۷، م ۶. به فتوای برخی از فقها، وقت فضیلت نماز عصر پس از اتمام وقت فضیلت نماز ظهر آغاز می شود.

۲. توضیح المسائل، م ۷۷۶.

نماز می خواند، کافی است.^۱

□ ۳. کسی که نماز واجب را ایستاده می خواند، باید طوری بایستد که بگویند روبه قبله ایستاده است و لازم نیست زانوهای او و نوک پای او هم روبه قبله باشد.^۲

راه های تشخیص قبله

- خود انسان یقین کند؛ یعنی جهت قبله را بداند؛
- دو نفر عادل بگویند؛
- کسی بگوید که از روی قاعده علمی قبله را می شناسد و مورد اطمینان است.
- و اگر به جهت قبله اطمینان پیدا نکرد می تواند به گمانی که از محراب مساجد و قبور مسلمین حاصل شود اعتماد کند.^۳



شاخص

جهت قبله

تابش خورشید و تعیین قبله

در دو روز از سال؛ یعنی روزهای ۶ خرداد و ۲۴ تیر، هنگام ظهر، خورشید کاملاً عمود بر کعبه می تابد و در سایر مناطق جهان می توان به کمک خورشید جهت قبله را مشخص کرد؛ یعنی اگر

هنگام ظهر شرعی (به وقت مکه) روبه خورشید بایستیم، به سمت قبله قرار می گیریم و دقیق تر آنکه؛ اگر در آن دو روز، هنگام ظهر (به وقت مکه) در هر جای کره زمین شاخصی نصب کنیم، سایه آن از نوک سایه به سمت پایه شاخص، جهت قبله خواهد بود.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۷۷۶.

۲. همان، م ۷۷۷.

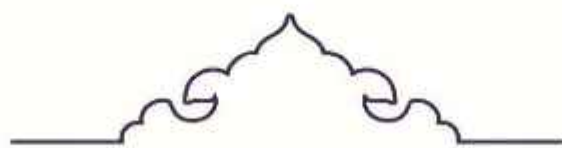
۳. همان، م ۷۸۲.

۴. مجله نور علم، ش ۸، ص ۹.

پرسش

۱. تفاوت وقت مخصوص با وقت فضیلت چیست؟
۲. وقت مخصوص و فضیلت نماز عشا چه زمانی است؟
۳. محاسبه کنید، امشب، پایان وقت نماز عشا چه ساعتی است؟
۴. در چه صورتی نماز عصر را باید قبل از نماز ظهر خواند؟

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه



لباس و مکان نمازگزار

لباس نمازگزار

یکی از مسائلی که قبل از شروع نماز توجه به آن لازم است، مسأله پوشش است؛ اکنون به بیان مقدار پوشش و شرایط آن می پردازیم:

مقدار پوشش در نماز

۱. مردان؛ باید عورت را بپوشانند و بهتر است از ناف تا زانو را بپوشانند.^۱

۲. زنان؛ باید تمام بدن را بپوشانند به جز:

* دست ها تا مچ.

* پاها تا مچ.

* صورت به مقداری که در وضو باید شسته شود.^۲

۳. بر زنان پوشاندن دست ها و پاها و صورت،^۳ به مقداری که در مسأله پیش گفته

۱. توضیح المسائل، م ۷۸۸.

۲. همان، م ۷۸۹.

۳. یادآوری می شود، برای بانوان پوشاندن پاها در نماز واجب نیست ولی از نگاه نامحرم باید بپوشانند. تفصیل احکام نگاه کردن در درس ۷۲ خواهد آمد.

شد، در نماز، واجب نیست، گرچه پوشاندن آن هم مانع ندارد.^۱

شرایط لباس نمازگزار

۴. لباس نمازگزار باید دارای این ویژگی‌ها باشد:

* پاک باشد (نجس نباشد).

* مباح باشد (غصبی نباشد).

* از اجزای روح‌دار مردار نباشد؛ مثلاً از پوست حیوانی که مطابق دستور اسلام ذبح نشده، تهیه نشده باشد، حتی کمر بند و کلاه.

* از حیوان حرام گوشت نباشد؛ مثلاً از پوست پلنگ یا خوک تهیه نشده باشد.

* اگر نمازگزار مرد است لباس او طلاباف یا ابریشم خالص نباشد.^۲

۵. اگر لباس نمازگزار از اجزای حیوان حرام گوشت تهیه شده باشد هر چند اجزای

بی‌روح آن، مانند پشم یا مو، نماز خواندن با آن باطل است.^۳

۶. هیچ جزئی از حیوان حرام گوشت نباید همراه نمازگزار باشد، هر چند لباس نباشد،

بنابراین اگر بند ساعت یا کمر بند از حیوان حرام گوشت باشد، نماز باطل است.^۴

۷. نماز خواندن با لباسی که از پشم و کرک و موی مردار حیوان حلال گوشت تهیه

شده، صحیح است، چون نه نجس است و نه از اجزای روح‌دار مردار و نه حیوان حرام

گوشت.^۵

۸. علاوه بر لباس، بدن نمازگزار نیز باید پاک باشد.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۷۸۹.

۲. همان، م ۷۹۸.

۳. همان، م ۸۲۴.

۴. همان.

۵. همان، م ۸۲۳.

۶. همان، م ۷۹۹ و ۸۰۰.

در این موارد، نماز خواندن با بدن یا لباس نجس، باطل است:

* عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

* در یاد گرفتن احکام شرعی کوتاهی کرده و به جهت ندانستن مسأله، با بدن یا

لباس نجس نماز خوانده است.^۱

* نجس بودن بدن یا لباس را می دانسته، ولی هنگام نماز فراموش کرده و با آن نماز

خوانده است.^۲

در این موارد، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند صحیح است:

* نداند بدن یا لباسش نجس است و پس از نماز متوجه شود.^۳

* بدن یا لباس نمازگزار بر اثر زخم بدن نجس شده و آب کشیدن یا عوض کردن آن

هم دشوار است.

* لباس یا بدن نمازگزار به خون نجس شده ولی مقدار آلودگی کمتر از درهم^۴ است.

* ناچار باشد که با بدن یا لباس نجس نماز بخواند؛ مثلاً آب برای تطهیر ندارد.^۵

مسأله

اگر لباس های کوچک نمازگزار؛ مانند دستکش و جوراب، نجس باشد، یا دستمال

کوچک نجسی در جیب داشته باشد، چنانچه از اجزای حیوان حرام گوشت یا اجزای

روح دار مردار نباشد اشکال ندارد.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۸۰۰.

۲. همان، م ۸۰۳.

۳. همان، م ۸۰۲.

۴. قطریک درهم، تقریباً ۲۳ میلی متر است.

۵. توضیح المسائل، م ۸۴۸.

۶. همان، م ۸۶۱.

شرایط مکان نمازگزار

مکان نمازگزار باید دارای شرایط زیر باشد:

- * مباح باشد؛
- * بی حرکت باشد؛
- * جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را صحیح انجام دهد؛
- * جایی که پیشانی را می‌گذارد پاک باشد؛
- * اگر مکان نمازگزار نجس است، به اندازه‌ای رطوبت نداشته باشد که به بدن یا لباس نمازگزار سرایت کند؛
- * جایی که پیشانی را می‌گذارد از جای زانوهای و بنا بر احتیاط واجب از جای انگشتان پا، بیش از چهار انگشت بسته پست‌تر یا بلندتر نباشد.^۱

احکام مکان نمازگزار

۱. یکی از شرایط مکان نمازگزار مباح بودن آن است، پس در این مکان‌ها نماز باطل است:

- * در ملک دیگران بدون اجازه صاحبش؛
- * در ملکی که منفعت آن از دیگری است؛ مثلاً نماز خواندن در خانه‌ای که اجاره داده شده، بدون اجازه مستأجر؛
- * در ملکی که شریک دارد و سهم او جدا نیست (ملک مُشاع) بدون اجازه شریک؛
- * در ملکی که با عین پول خمس و زکات نداده خریداری شده؛^۲
- * در ملک میتی که به مردم بدهکار است؛

۱. توضیح المسائل، مکان نمازگزار.

۲. چون امروزه معمولاً با عین پول خریداری نمی‌شود، بلکه به ذمه می‌خرند؛ یعنی ملک را می‌خرند و قیمت آن را بدهکار می‌شوند، سپس بدهی خود را از آن پول پرداخت می‌کنند، به فتوای برخی از فقها، نماز خواندن در آن اشکال ندارد.

* در ملک میتی که بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه هستند، ولی با اجازه قیم آنان اشکال ندارد؛

* در ملک میتی که بعضی از ورثه او غایبند.

* بر تخت و فرش غضبی.^۱

۲. کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند.^۲

۳. نماز خواندن و نشستن و خوابیدن در زمین بسیار وسیعی که دور از شهر یا روستا و چراگاه حیوانات است، اگر چه صاحبش راضی نباشد، اشکال ندارد.^۳

۴. نماز خواندن و عبور کردن و تصرفات جزئی در زمین های زراعتی که نزدیک شهر یا روستا است و دیوار ندارد، اگر چه صاحبان آن صغیر و دیوانه باشند اشکال ندارد، ولی اگر یکی از صاحبان ناراضی باشند تصرف در آن حرام و نماز باطل است.^۴

۵. نماز خواندن در جاهایی که غضبی بودن آن معلوم نیست اشکال ندارد.^۵

۶. اگر در جایی که نمی داند غضبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد غضبی بوده، نمازش صحیح است.^۶

استفتاء

س. نماز خواندن در بانک ها و ادارات و مدارس و امثال آن که اغلب وضعیت ملکی آنها مشخص نیست چه صورتی دارد؟

ج. اگر علم به غضب بودن محل ندارند اشکال ندارد.^۷

۱. توضیح المسائل، م ۸۶۶ تا ۸۷۷.

۲. همان، م ۸۶۸.

۳. همان، م ۸۷۹.

۴. همان.

۵. همان، م ۸۶۹؛ تحریر الوسیله، ج ۱، فی مکان المصلی، ص ۱۴۷، م ۱.

۶. همان، م ۸۷۰.

۷. استفتاءات، ج ۱، ص ۱۴۷، س ۶۹.

نماز بر مکان متحرك

یکی از شرایط مکان نمازگزار بی حرکت بودن آن است. بنابراین، نماز خواندن در هواپیما، کشتی، قطار و اتومبیل در حال حرکت اگر سبب تکان خوردن بدن بشود، مثلاً لرزش زیاد داشته باشد، صحیح نیست، ولی اگر انسان ناچار شود که در آن حال نماز بخواند، مثلاً اگر بخواهد صبر کند تا در هنگام توقف نماز بخواند وقت می‌گذرد و نماز قضا می‌شود، باید نماز را در همان حال بخواند، ولی سایر شرایط نماز را در حد امکان مراعات کند؛ یعنی این‌گونه عمل کند:

- برای نماز وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم کند، و چنانچه تیمم هم ممکن نباشد، احتیاطاً مستحب است نماز را بخواند و بعد قضای آن را باید بجا آورد.
- اگر می‌تواند باید نماز را ایستاده بخواند و اگر نه، در حال نشسته.
- جهت قبله را مراعات کند، پس اگر وسیله نقلیه به طرف دیگر بگردد، نمازگزار نیز باید به سمت قبله بگردد.
- سجده بر کاغذ نیز صحیح است، چنانچه مهر یا خاک یا سنگ برای سجده ندارد بر کاغذ سجده می‌کند.^۱
- اگر برخی از شرایط نماز را نتواند مراعات کند، باید به هر نحو که می‌تواند نماز را بخواند.^۲

چند مسأله

۱. در حال ناچاری نماز خواندن در مکان غصبی و در جایی که سقف آن کوتاه است، یا جایش تنگ است؛ مانند سنگر و در مکان ناهموار اشکال ندارد.^۳

۱. به فتوای برخی از فقها، سجده بر کاغذی صحیح است که از چیزهایی ساخته شده باشد که سجده بر آنها صحیح است، مثل چوب.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، فی مکان المصلی، ص ۱۵۱، م ۱۵.

۳. همان، ص ۱۴۷، م ۳؛ توضیح المسائل، م ۸۸۳.

- ۲. انسان باید رعایت ادب را بکند و جلوتر از قبر پیغمبر ﷺ و امام ﷺ نماز نخواند. ولی نماز باطل نیست.^۱
- ۳. بنابر احتیاط مستحب، زن باید عقب تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن مرد کمی عقب تر باشد.^۲
- ۴. اگر در نماز زن برابر مرد یا جلوتر باشد و پرده یا دیوار و مانند آن بین آنها فاصله نشود، و با هم وارد نماز شوند، بهتر است نماز را دوباره بخوانند.^۳
- ۵. بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست و احتیاط در نماز نخواندن در آن جاست، لیکن اگر خواند، نمازش باطل نیست.^۴
۶. کسی که در محل عبور مردم نماز می خواند، یا کسی روی اوست، مستحب است جلوی خود چیزی بگذارد، و اگر چوب یا ریسمان یا تسبیح هم باشد، کافی است.^۵

پرسش

۱. اگر تسبیح عاج همراه نمازگزار باشد، اشکال دارد یا نه؟ چرا؟
۲. اگر پس از نماز، نجس بودن بدن یادش بیاید، نماز خوانده شده چه حکمی دارد؟
۳. در چه مواردی، نماز با بدن یا لباس نجس صحیح است؟
۴. اگر کیف یا کمربندی که از پوست مار تهیه شده همراه نمازگزار باشد، نماز چه حکمی دارد، چرا؟
۵. اگر صاحب خانه بدون اجازه مستأجر در خانه خود نماز بخواند، نمازش چه حکمی دارد، چرا؟
۶. کدام قسمت از مکان نمازگزار باید پاک باشد؟

۱. توضیح المسائل، م ۸۸۴. به فتوای برخی از فقها، نماز باطل است.

۲. همان، م ۸۸۶. برخی از مراجع تقلید عقب تر ایستادن زن از مرد را در نماز لازم می دانند.

۳. همان، م ۸۸۷. به فتوای برخی از فقها، اعاده نماز لازم است.

۴. همان، م ۸۸۹. به فتوای برخی از فقها، در این فرض و فرض قبلی باید نماز را دوباره بخواند.

۵. همان.



«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُتَّقِينَ»^۱
 «مسجدهای خدا را کسانی عمارت می‌کنند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند و نماز می‌گزارند و زکات می‌دهند و جز از خدا نمی‌ترسند امید است که اینان از هادایت یافتگان باشند.»

مسجد پایگاه پیوند انسان با خدا و مرکز ارتباط انسان‌های مؤمن است. مسجد، جایگاه عبادت و عبادت، حرکت به سوی قلّه قرب الهی است. از نظر دینی مسجد دارای احترام و احکام خاصی است که بازشناسی آنها، ما را برای استفاده بهتر از این اماکن مقدس کمک می‌کند.

مسجد سازی

۱. اگر زمینی را به قصد قربت به نیت مسجد بودن بسازند و حداقل یک نفر یا اجازه بانی در آن نماز بخواند، مسجد می‌شود و باید احکام مسجد در مورد آن مراعات شود.^۲

۱. توبه: ۱۸.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۶، م ۱۹. برخی از فقها خواندن صیغه وقف را لازم دانسته‌اند.

۲. هر چند مطابق آنچه در مسأله قبل گفته شد، عنوان مسجد تحقق پیدا می‌کند، ولی مشهور بین فقها آن است که باید صیغه وقف خوانده شود، یعنی بگویند: «وَقَفْتُهَا مَسْجِداً قَرْبَةً إِلَى اللَّهِ»؛ یعنی این زمین یا ساختمان را برای رضای خداوند وقف کردم برای آنکه مسجد باشد.^۱

۳. در احکام مسجد، میان مساجد گروه‌های مختلف مسلمان، اعم از شیعه و غیر آن، فرقی نیست.^۲

۴. اگر انسان بداند واقف، سقف و صحن و دیوار مسجد را جزء مسجد قرار نداده، یا نداند جزء مسجد قرار داده یا نه و نشانه‌ای بر اینکه جزء مسجد است نباشد، احکام مسجد را ندارد، ولی در فرض دوم، احتیاط مستحب است که احکام مسجد را در مورد این مکان‌ها نیز مراعات کنند.^۳

۵. اگر مسجدی ویران شود، زمین آن از مسجد بودن خارج نمی‌شود و احکام مسجد در برخی موارد بر آن جاری است و نیز اگر تمام روستا یا شهری خراب شود، مکانی که مسجد بوده، همچنان احکام مسجد را دارد.^۴

۶. اگر از ابتدا بخشی از زمین را به عنوان مسجد و بخشی دیگر را به عنوان حسینیه یا کتابخانه یا فروشگاه و مانند آن بسازند و وقف کنند، اشکال ندارد، ولی پس از آنکه مکانی، عنوان مسجد را پیدا کرد، تغییر تمام یا بخشی از آن به حسینیه و مانند آن جایز نیست.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۶.

۲. العروة الوثقی، ص ۴۸، م ۱۵.

۳. همان، ص ۴۸، م ۱۶.

۴. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۷۳، م ۱۶.

۵. استفتائات، ج ۲، ص ۳۳۶، س ۵؛ صص ۳۶۵ و ۳۶۶، س ۷۷ و ۷۸؛ ص ۳۹۱، س ۹۳.

تعمیر و توسعه مسجد

تعمیر مسجدی که نزدیک به خراب شدن است، مستحب است و اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می‌توانند آن را خراب کنند و دوباره بسازند، بلکه می‌توانند مسجد خراب نشده را برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگ‌تر بسازند.^۱

لوازم مسجد

۱. اگر لوازم مسجد از قبیل فرش، ظرف، بلندگو حتی مهر، برای استفاده در مسجد وقف شده، بیرون بردن از مسجد و استفاده در غیر آن مسجد، حتی در مسجد دیگر جایز نیست.^۲

۲. لوازمی که مورد احتیاج مسجد نیست، مثل بخاری یا چراغ نفت سوز یا سماور ذغالی، چنانچه در مسجد دیگر مورد نیاز باشد، با نظر متصدی شرعی به مسجد دیگر بدهند و اگر مسجد دیگر نیاز به آنها نداشته باشد، می‌توانند آن را به لوازم مورد نیاز مسجد تبدیل کنند.^۳

۳. خرید و فروش چیزهایی که وقف مسجد شده، باطل است، ولی اگر به طوری خراب شود که نتوانند در موردی که برای آن وقف شده استفاده کنند، فروش آن اشکال ندارد و اگر ممکن باشد، باید پول آن را در همان مسجد به مصرفی برسانند که به مقصود واقف نزدیک تر است.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۹۱۱.

۲. استفتاآت، ج ۲، ص ۳۴۴، ص ۲۵، ص ۳۴۵، ص ۲۷.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۸۶، ص ۱۲۵.

۴. توضیح المسائل، م ۲۰۹۴.

استفاده غیرعبادی از مسجد

اگر مسجد را برای عزاداری، چادر بزنند و فرش بگسترانند و پارچه سیاه نصب کنند و وسائل جای و پذیرایی به مسجد ببرند در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود اشکال ندارد.^۱

نماز خواندن در مسجد

۱. نماز خواندن در مساجد مستحب است، بلکه حضور نیافتن در مسجد خصوصاً برای همسایگان مسجد در صورتی که عذری مثل بیماری و بارش برف و باران نباشد، مکروه است.^۲

۲. ترتیب اولویت مساجد برای نماز خواندن از نظر ثواب بدین شرح است:

- مسجد الحرام ← هر نماز، معادل یک میلیون نماز
- مسجد النبی ← هر نماز، معادل ده هزار نماز
- مسجد جامع کوفه ← هر نماز، معادل هزار نماز
- مسجد الاقصی ← هر نماز، معادل هزار نماز
- مسجد جامع هر شهر ← هر نماز، معادل یکصد نماز
- مسجد قبیله ← هر نماز، معادل بیست و پنج نماز
- مسجد بازار ← هر نماز، معادل دوازده نماز

۳. برای زنها نماز خواندن در خانه بهتر است، ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند.^۳

۱. توضیح المسائل، م ۹۰۷.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۵، م ۱۶.

۳. توضیح المسائل، م ۸۹۴.

نماز تحیت مسجد

وقتی انسان وارد مسجد می‌شود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند، کافی است.^۱

حفظ حرمت مسجد

۱. نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است.^۲
۲. احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند، مگر آنکه واقف، آن را جزء مسجد قرار نداده باشد.^۳
۳. نجس کردن فرش مسجد نیز بنا بر احتیاط واجب حرام است.^۴
۴. اگر مسجدی را غصب کنند و به جای آن، خانه و مانند آن بسازند که دیگری آن مسجد نگویند، باز هم بنا بر احتیاط واجب نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است.^۵

پرسش

۱. اگر انسان نداند حیاط مسجد را هنگام وقف جزء مسجد قرار داده‌اند یا نه، تکلیف چیست؟
۲. آیا می‌توان بخشی از مسجد را به حسینیه تبدیل کرد؟
۳. در بازسازی مسجد آیا می‌توان لوازم کهنه و قدیمی آن را فروخت؟
۴. برگزاری جلسه درس و بحث و مجلس شادی در مسجد چه حکمی دارد؟
۵. ترتیب فضیلت نماز در مساجد هر شهر یا روستا کدام است؟

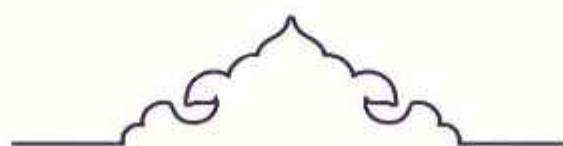
۱. توضیح المسائل، م ۹۱۳.

۲. همان، م ۹۰۰.

۳. همان، م ۹۰۰.

۴. العروة الوثقی، ص ۴۶، م ۲؛ توضیح المسائل، م ۹۰۵.

۵. توضیح المسائل، م ۹۰۳.



واجبات نماز (۱)

۱. واجبات نماز، یازده چیز است که برخی رکن و برخی غیر رکن است.

۱. نیت	رکن	واجبات نماز
۲. قیام		
۳. تکبیرة الاحرام		
۴. رکوع		
۵. سجود		
۱. قرائت	غیر رکن	
۲. ذکر		
۳. تشهد		
۴. سلام		
۵. ترتیب		
۶. مُوالات		

تفاوت رکن و غیر رکن

ارکان نماز، اجزای اساسی آن به شمار می آید و چنانچه یکی از آنها بجا آورده نشود، یا اضافه شود، هرچند بر اثر فراموشی هم باشد، نماز باطل است. واجبات دیگر، گرچه انجام دادن آنها لازم است ولی چنانچه از روی فراموشی کم یا زیاد شود نماز باطل نیست.^۱

احکام واجبات نماز

نیت

۱. نمازگزار از آغاز تا پایان نماز، باید بداند چه نمازی می خواند و آن را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد.^۲
۲. به زبان آوردن نیت لازم نیست، ولی چنانچه به زبان هم بگوید اشکال ندارد.^۳

عدول از نیت

۱. برگرداندن نیت از نمازی به نماز دیگر در موارد زیر واجب است:
 - از نماز عصر به نماز ظهر، در صورتی که بین نماز عصر متوجه شود نماز ظهر را نخوانده یا باطل بوده است.
 - از نماز عشا به مغرب، در صورتی که بین نماز عشا پیش از رکوع رکعت چهارم متوجه شود نماز مغرب را نخوانده یا باطل بوده؛ و اگر وارد رکوع رکعت چهارم شده باشد، نماز عشا صحیح است و پس از آن نماز مغرب را می خواند.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۹۴۲.

۲. همان، م ۹۴۳ و ۹۴۴.

۳. همان، م ۹۴۳.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلوة، فصل فی افعال الصلوة، ص ۱۵۹، م ۱۲.

۲. برگرداندن نیت در موارد زیر اشکال ندارد:

- از قضای عصر به قضای ظهر.
- از قضای عشا به قضای مغرب.
- از اداء به قضا.
- از جماعت به فرادا.

۳. برگرداندن نیت در موارد زیر صحیح نیست:

- از نماز ظهر به نماز عصر.
- از مغرب به عشا.
- از قضا به ادا.
- از فرادا به جماعت (بنابر احتیاط واجب).
- از مستحب به واجب.
- از مستحب به نماز مستحب دیگر.
- از واجب به مستحب، مگر در دو مورد:

الف) در ظهر روز جمعه، برای کسی که خواندن سوره جمعه را فراموش کرده و سوره دیگری شروع کرده و به نصف آن سوره رسیده یا از نصف گذشته است.

ب) مشغول نماز واجب باشد و داخل در رکوع رکعت سوم نشده باشد و نماز جماعت برپا شود و خوف آن داشته باشد که از جماعت عقب بماند.^۱

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، فصل فی افعال الصلاة، ص ۱۵۹، م ۱۲ و ۱۳ و فصل فی صلاة الجماعة، ص ۲۶۶، م ۶ و ۷.

قیام

قیام یعنی ایستاده بودن، که در بعضی موارد از ارکان نماز است و ترک آن، نماز را باطل می‌کند، ولی کسانی که نمی‌توانند ایستاده نماز بخوانند، وظیفه‌ای دارند که در مسائل آینده خواهد آمد.

۱. قیام هنگام تکبیرة الاحرام	رکن	اقسام قیام
۲. قیام پیش از رکوع (متصل به رکوع)		
۱. قیام هنگام قرائت	غیررکن	
۲. قیام بعد از رکوع ^۱		

احکام قیام

۱. بر نمازگزار واجب است پیش از گفتن تکبیرة الاحرام و بعد از آن، مقداری بایستد تا یقین کند که تکبیر را در حال قیام گفته است.^۱
۲. قیام متصل به رکوع بدان معنا است که در حالت ایستاده به رکوع برود، بنابراین اگر رکوع را فراموش کند و بعد از قرائت به سجده برود و قبل از وارد شدن به سجده یادش بیاید، باید کاملاً بایستد، سپس به رکوع برود، پس اگر از همان حالت به حد رکوع برگردد نماز باطل است.^۲
۳. نمازگزار باید هنگام ایستادن، هر دو پا را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد.^۳
۴. حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد اشکال ندارد، گرچه احتیاط مستحب است آنها را هم حرکت ندهد.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۹۵۹.

۲. همان، م ۹۶۰.

۳. همان، م ۹۶۳.

۴. همان، م ۹۶۷.

۵. کسی که به هیچ وجه . حتی با تکیه به چیزی . نتواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته و روبه قبله نماز بخواند و اگر نشسته هم نتواند، باید خوابیده بخواند.^۱
۶. کسی که خوابیده نماز می خواند باید به پهلوی راست، روبه قبله بخوابد و اگر نمی تواند، به پهلوی چپ روبه قبله بخوابد و اگر آن هم ممکن نیست، به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او، روبه قبله باشد.^۲
۷. بر نمازگزار واجب است پس از رکوع به طور کامل بایستد و سپس به سجده برود و چنانچه این قیام عمداً ترک شود نماز باطل است.^۳

پرسش

۱. تفاوت رکن با غیر رکن چیست؟
۲. برگرداندن نیت از نماز قضا به ادا و جماعت به فرادا و فرادا به جماعت و عصر به ظهر و مغرب به عشا چه حکمی دارد؟
۳. در چه صورتی می توان نیت را از نماز واجب به مستحب برگرداند.
۴. قیام های واجب نماز کدام است؟ و تفاوت اصلی آنها در چیست؟

۱. توضیح المسائل، م ۹۷۰ و ۹۷۱.

۲. همان، م ۹۷۱.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی القیام، ص ۱۶۲، م ۱؛ والعروة الوثقی، ج ۱، فصل فی الركوع، ص ۶۶۵، الرابع.

واجبات نماز (۲)

تکبيرة الاحرام

تکبیر اول نماز را «تکبيرة الاحرام» می‌گویند. چون با همین تکبیر است که برخی از کارها که قبل از نماز جایز بوده بر نمازگزار حرام می‌شود؛ مانند خوردن و آشامیدن، خندیدن و گریستن.

واجبات تکبيرة الاحرام

۱. به عربی صحیح گفته شود.
 ۲. هنگام گفتن «الله اکبر» بدن آرام باشد.
 ۳. تکبيرة الاحرام را طوری بگوید که اگر مانعی در کار نباشد خودش بشنود؛ یعنی بسیار آهسته نگوید.
 ۴. بنا بر احتیاط واجب آن را به چیزی که پیش از آن می‌خواند، وصل نکند.^۱
- بر نمازگزار مستحب است موقع گفتن تکبيرة الاحرام و تکبیرهای بین نماز دست‌ها را تا مقابل گوش‌ها بالا ببرد.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۱ و ۹۵۲.

۲. همان، م ۹۵۵.

استفتاء

- س ۱. برای شخص مریض که نشسته نماز می‌خواند قیام متصل به رکوع چه وضعی دارد؟
 ج. باید از حالت نشسته به رکوع رود.^۱
- س ۲. آیا تکان‌های مختصر، هنگام خواندن اذکار نماز، چنانچه سهواً انجام شود و نمازگزار نتواند مانع آن شود، باعث اشکال در نماز می‌شود؟
 ج. اشکال ندارد.^۲

قرائت

۱. در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، انسان باید اول سوره حمد و پس از آن یک سوره کامل دیگر از قرآن بخواند.^۳
- ۲. در رکعت سوم و چهارم نماز، باید سوره حمد، بدون سوره‌ای دیگر یا سه مرتبه تسبیحات اربعه خوانده شود و اگر یک مرتبه هم بخواند کافی است.^۴
۳. اگر نمازگزار، پس از حمد یکی از چهار سوره‌ای را که آیه سجده دارد^۵ عمداً بخواند، نمازش باطل است.^۶
۴. خواندن بیش از یک سوره پس از حمد، در نماز واجب مکروه است ولی در نماز مستحب اشکال ندارد.^۷

۱. استفتائات، ج ۱، ص ۱۵۳، س ۹۲.

۲. همان، ص ۱۵۴، س ۹۳.

۳. توضیح المسائل، م ۹۷۸.

۴. همان، م ۱۰۰۵. به فتوای برخی از فقها، سه بار باید تسبیحات اربعه را بخواند.

۵. سوره‌های فصلت، سجده، نجم و علق. (به درس ۹ رجوع شود)

۶. توضیح المسائل، م ۹۸۳.

۷. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی القراءة، ص ۳۴۸، م ۹.

۵. سوره‌های «قیل» و «ایلاف» برای نماز یک سوره به حساب می‌آید و نیز سوره «ضحی» و «انشراح» و خواندن یکی از این‌ها پس از حمد، در نماز کفایت نمی‌کند بلکه باید دو سوره با بسم‌الله در وسط خوانده شود.^۱

احکام قرائت

۱. در رکعت سوم و چهارم نماز، سوره حمد یا تسبیحات باید آهسته خوانده شود، و چنانچه سوره حمد بخواند بنابر احتیاط واجب، بسم‌الله آن را نیز باید آهسته بگوید؛ ولی حکم حمد و سوره در رکعت اول و دوم نماز به این شرح است:^۲

نماز	نمازگزار	حکم
ظهر و عصر	مرد و زن ^۳	باید آهسته بخوانند
مغرب، عشاء، صبح	مرد	باید بلند بخواند
	زن	□ اگر نامحرم صدای او را نمی‌شنود می‌تواند بلند بخواند و اگر می‌شنود، بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخواند ^۴

۲. در مواردی که باید حمد و سوره نماز بلند خوانده شود، اگر نمازگزار عمداً تمام یا بخشی از آن را آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته خوانده شود، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا نادانستن مسأله باشد نماز خوانده شده، صحیح است.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی القراءة، ص ۳۴۸، م ۹.

۲. توضیح المسائل، م ۹۹۲-۹۹۴، ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸.

۳. احکامی که برای مردان گفته می‌شود، پسرها هم همین احکام را دارند. و همچنین احکامی که برای بانوان گفته می‌شود، دختران هم همین احکام را دارند.

۴. به فتوای برخی از فقها اگر نامحرم صدای او را می‌شنود، بهتر است آهسته بخواند.

۵. توضیح المسائل، م ۹۹۵.

۳. اگر نمازگزار در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده است، (مثلاً می‌بایست بلند بخواند ولی آهسته خوانده است) لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند.^۱

۴. انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که اصلاً نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند و احتیاط مستحب است که نماز را به جماعت بجا آورد.^۲

۵. احتیاط مستحب آن است که در نماز، وقف به حرکت و وصل به سکون ننمایند.^۳

۶. اگر انسان کلمه‌ای را صحیح بداند؛ مثلاً کلمه «عَبْدُهُ» را در تشهد «عَبْدُهُ» می‌داند و در نماز همان‌طور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده است، لازم نیست نماز را دوباره بخواند.^۴

ذکر

یکی از واجبات رکوع و سجده ذکر است؛ که تفصیل آن خواهد آمد.

رکوع

۱. در هر رکعت بعد از خواندن حمد و سوره، یا تسبیحات اربعه، نمازگزار باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می‌گویند.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۹۹۵.

۲. همان، م ۹۹۷. به فتوای برخی از فقها، شرکت در نماز جماعت در این فرض بنا بر احتیاط واجب است.

۳. همان، م ۱۰۰۴. به فتوای برخی از فقها، در نماز وقف به حرکت و وصل به سکون جایز نیست.

۴. همان، م ۱۰۰۱. به فتوای برخی از فقها، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا کند.

۵. همان، م ۱۰۲۲. به فتوای برخی از فقها، باید دست‌ها را بر زانوهای بگذارد.

- | | | |
|---|---|-------------|
| ۱. گفتن ذکر
۲. آرامش بدن در حال گفتن ذکر.
۳. ایستادن بعد از رکوع.
۴. آرامش بدن بعد از رکوع. ^۱ | } | واجبات رکوع |
|---|---|-------------|

• ذکر رکوع

در رکوع، هر ذکری گفته شود کافی است، ولی احتیاط واجب آن است که به قدر سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.^۱

• آرامش بدن در رکوع

۱. در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد.^۲
۲. اگر نمازگزار پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد، عمداً ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.^۳
۳. اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است.^۴

• ایستادن و آرامش بعد از رکوع

بعد از تمام شدن ذکر رکوع، نمازگزار باید بایستد و پس از آرام گرفتن بدن به سجده برود و اگر عمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده برود نمازش باطل است.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۲۸.

۲. همان، م ۱۰۳۰.

۳. همان، م ۱۰۳۲.

۴. همان، م ۱۰۳۳.

۵. همان، م ۱۰۴۰.

وظیفه کسی که نمی‌تواند رکوع کند

۱. کسی که نمی‌تواند به مقدار رکوع خم شود، باید به هر اندازه که می‌تواند خم شود.
۲. کسی که در حالت ایستاده اصلاً نتواند خم شود، باید نشسته رکوع کند.
۳. کسی که نشسته رکوع می‌کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوهای برسد و بهتر است به قدری خم شود که صورتش نزدیک جای سجده برسد.

فراموش کردن رکوع

۱. اگر رکوع را فراموش کند و به سجده برود و پیش از آن که پیشانی را بر زمین بگذارد یادش بیاید، باید بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه نایستد و از همان حال به رکوع برگردد، نمازش باطل است، چون قیام متصل به رکوع ترک شده است.^۱
۲. اگر پس از رسیدن پیشانی به زمین، یادش بیاید که رکوع نکرده، بنابر احتیاط واجب باید بایستد و رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند.^۲

کجه پرسش

۱. اگر نمازگزار در حال قرائت، کمی حرکت کند تکلیف چیست؟
۲. بانوان در چه صورتی می‌توانند حمد و سوره نماز را بلند بخوانند؟
۳. در چه مواردی نمازگزار می‌تواند سوره‌ای که شروع کرده رها کند و سوره دیگری بخواند؟
۴. اگر نمازگزار در رکعت چهارم نماز، سوره حمد بخواند، تکلیف چیست؟
۵. نماز ظهر چند تکبیر واجب دارد؟

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۴۱.

۲. همان، م ۱۰۴۲.

واجبات نماز (۳)

سجود

۱. نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، پس از رکوع دو سجده بجا آورد.^۱
۲. سجده آن است که پیشانی و کف دو دست و سر زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها (شست) را بر زمین بگذارد؛ افزون بر این، واجباتی دارد که خواهد آمد.
۳. سجده کردن برای غیر خداوند حرام است؛ پس سجده در مقابل هر چیز و هر کس حتی در مقابل قبور معصومین علیهم السلام جایز نیست؛ مگر آنکه سجده برای خداوند و جهت شکر توفیق زیارت باشد.^۲

واجبات سجده

۱. گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است.
۲. گفتن ذکر.

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۴۵.

۲. همان، م ۱۰۹۰.

۳. آرامش بدن در حال ذکر سجده.
۴. بر زمین بودن هفت عضو در هنگام ذکر.
۵. مساوی بودن جاهای سجده (پست و بلند نبودن).
۶. پاک بودن جایی که پیشانی را می‌گذارد.
۷. سر برداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده.
۸. مراعات موالات بین دو سجده.^۱

● بر زمین بودن هفت عضو:

۱. اگر موقعی که ذکر سجده را می‌گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می‌شود، ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست اگر غیر از پیشانی، جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.^۲
۲. اگر همراه با انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم بر زمین باشد مانع ندارد.^۳

● گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است:

۱. در سجده باید پیشانی را بر زمین، یا آنچه از زمین می‌روید ولی خوراکی و پوشاکی نیست قرار دهد پس سجده بر روییدنی‌هایی که انسان آن را می‌خورد؛ مثل سبزی‌های خوراکی و میوه‌ها، یا در پوشاک از آنها استفاده می‌کنند مثل پنبه، صحیح نیست.^۴
- ۲. سجده بر گل پخته؛ مانند آجر و کوزه گلی اشکال ندارد.^۵

۱. العروة الوثقی، فصل فی السجود، ج ۱، ص ۶۷۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی السجود، ص ۱۷۲.

۲. توضیح المسائل، م ۱۰۵۴. به فتوای برخی از فقها، باید مجدداً ذکر را بگوید و نماز را تمام و اعاده کند.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی السجود، ص ۱۷۳، م ۲؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی السجود، ص ۶۷۶، م ۷.

۴. توضیح المسائل، م ۱۰۷۶.

۵. همان، م ۱۰۸۱. به فتوای برخی از فقها سجده بر گل پخته در حال اختیار صحیح نیست.

□ ۳. جایی که انسان باید تقیه کند می تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود.^۱

۴. سجده بر چیزهای معدنی؛ مانند طلا و نقره و عقیق و فیروزه، صحیح نیست.^۲

۵. سجده بر چیزهایی که از زمین می روید و خوراک حیوان است؛ مثل علف و کاه، صحیح است.^۳

□ ۶. سجده بر کاغذ، اگر چه از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد صحیح است.^۴

۷. برای سجده، بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) است و بعد از آن بدین ترتیب: خاک؛ سنگ؛ گیاه.^۵

□ ۸. اگر در سجده اول، مهر به پیشانی بچسبد و بدون اینکه مهر را بردارد دوباره به سجده رود، نماز باطل است.^۶

استفتاء

س. نماز خواندن بر مهر شکسته صحیح می باشد یا نه؟

ج. اشکال ندارد.^۷

• ذکر

در سجده هر ذکر بی گوید کافی است ولی احتیاط واجب آن است که مقدار ذکر از

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۷۲. به فتوای برخی از فقها، اگر می تواند باید به جایی برود که بتواند بر چیزی که سجده صحیح است سجده کند.

۲. همان، م ۱۰۷۶.

۳. همان، م ۱۰۷۸.

۴. همان، م ۱۰۸۲. به فتوای برخی از فقها، سجده بر کاغذی که از غیر چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است ساخته شده کفایت نمی کند.

۵. همان، م ۱۰۸۳.

۶. همان، م ۱۰۸۶. به فتوای برخی از فقها، نماز باطل نیست.

۷. استفتائات، ج ۱، ص ۱۶۵، س ۱۳۸.

سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» کمتر نباشد.^۱

• آرامش

۱. در سجده باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و موقع گفتن ذکر مستحب نیز اگر آن را به قصد ذکر که برای سجده دستور داده اند بگوید، آرام بودن بدن لازم است.^۲
- ۲. اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد و آرام گیرد، عمداً ذکر را بگوید، نماز باطل است و چنانچه از روی فراموشی باشد، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.^۳

• مساوی بودن مواضع سجده

۱. جای پیشانی نمازگزار باید از جای زانوهایش پست تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.^۴
۲. احتیاط واجب آن است که جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتان پایش هم پست تر و بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد.^۵
- سر برداشتن از سجده:

۱. بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشینند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.^۶
۲. اگر پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است.^۷
- ۳. اگر پیشانی بی اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد، و این یک سجده حساب می شود، چه ذکر

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۴۹.

۲. همان، م ۱۰۵۰.

۳. همان، م ۱۰۵۱ و ۱۰۵۲. به فتوای برخی از فقها، باید دوباره ذکر را بگوید و نماز را تمام و اعاده کند.

۴. همان، م ۱۰۵۷.

۵. همان، م ۱۰۵۷.

۶. همان، م ۱۰۵۶.

۷. همان، م ۱۰۵۱.

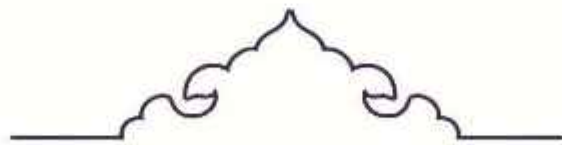
سجده را گفته باشد یا نه و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی اختیار دوباره به جای سجده برسد، با هم یک سجده حساب می شود و اگر ذکر نگفته باشد، باید بگوید: ^۱
کم یا زیاد شدن سجده:
• عمداً: نماز باطل است.



پرسش

۱. تفاوت سجده و ذکر سجده چیست؟
۲. اگر برای سجده، پیشانی بر مهر بخورد و بی اختیار بلند شود، تکلیف چیست؟
۳. سجده بر آجر، چوب، سنگ مرمر، مقوّا، موزاییک، پوست هندوانه چه حکمی دارد؟
۴. آیا نمازگزار می تواند در حال سجده یکی از دست ها را از زمین بردارد و دوباره به زمین بگذارد؟
۵. اگر نمازگزار در دو رکعت پشت سرهم هر کدام یک سجده بجا آورد نمازش چه حکمی دارد؟

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۷۱. به فتوای برخی از فقها، اگر ذکر را نگفته باشد دوباره به سجده برود و هر دو، یک سجده به حساب می آید.



واجبات نماز (۴)

وظیفه کسی که نمی تواند به طور معمول سجده کند

۱. کسی که نمی تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می تواند خم شود و مهر را بر جای بلندی؛ مثل بالش بگذارد و پیشانی را طوری بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است، ولی باید کف دست ها و زانو ها و انگشتان پا را به طور معمول بر زمین بگذارد.^۱

۲. اگر نمی تواند خم شود، باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، ولی احتیاط واجب آن است که مهر را بالا بیاورد و پیشانی را بر آن بگذارد.^۲

سجده واجب قرآن

۱. در چهار سوره قرآن، آیه سجده وجود دارد که اگر انسان آن آیه را بخواند یا وقتی که دیگری آن را می خواند به آن گوش دهد، بعد از تمام شدن آن آیه، باید فوری سجده کند.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۶۸.

۲. همان، م ۱۰۶۹.

۳. نام سوره های سجده دار قرآن و شماره آیات آن، در درس ۹ گذشت.

۴. توضیح المسائل، م ۱۰۹۳.

۲. چنانچه سجده را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده کند.^۱
- ۳. اگر انسان آیه سجده را از ضبط صوت بشنود، لازم نیست سجده کند.^۲
- ۴. اگر آیه سجده از بلندگوی رادیو یا تلویزیون شنیده شود، چنانچه صدای انسان به صورت زنده پخش می‌شود، سجده واجب است.^۳
۵. هنگام سجده برای این آیه‌ها، بر چیزهای خوراکی و پوشاکی نمی‌توان سجده کرد ولی مراعات سایر شرایط سجده، لازم نیست.^۴
۶. گفتن ذکر در این سجده واجب نیست، بلکه مستحب است و بهتر است بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَضَدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا، لَا مُسْتَكْبِرًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا، بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ^۵

تشهد

۱. نمازگزار در رکعت دوم و آخر نماز، باید بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند، یعنی بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ^۶

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۹۳.

۲. همان، م ۱۰۹۶.

۳. همان، م ۱۰۹۶. به فتوای برخی از فقها، اگر آیه سجده را از ضبط صوت یا رادیو یا تلویزیون بشنود، سجده واجب می‌شود.

۴. همان، م ۱۰۹۷.

۵. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی سجده التلاوة والشکر، ص ۱۷۸، م ۷: توضیح المسائل، م ۱۰۹۹.

۶. توضیح المسائل، م ۱۱۰۰.

□ ۲. اگر نمازگزار تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود، بخواند و نماز را تمام کند و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهد را قضا کند و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو بجا آورد.^۱

سلام

۱. نمازگزار باید در رکعت آخر هر نماز، پس از تشهد، سلام بگوید و نماز را پایان دهد.

۲. مقدار واجب سلام یکی از این دو جمله است:

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.^۲

۳. مستحب است قبل از این دو سلام بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

و نیز مستحب است هر سه را بگوید.^۳

ترتیب

۱. نماز باید بدین ترتیب خوانده شود: تکبیرة الاحرام، قرائت، رکوع، سجود، و در رکعت

دوم پس از سجود، تشهد بخواند و در رکعت آخر، پس از تشهد، سلام دهد.

۲. اگر رکعتی از نماز را فراموش کند و رکعت بعد از آن را بجا آورد؛ مثلاً پیش از رکوع، دو سجده نماید،^۴ نماز باطل است.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۰۲. به فتوای برخی از فقها، در فرض اول نیز باید پس از نماز دو سجده سهو بجا آورد.

۲. همان، م ۱۱۰۵. به فتوای برخی از فقها، اگر جمله اول را بگوید، احتیاط آن است جمله دوم را نیز بگوید.

۳. همان، م ۱۱۰۵.

۴. اگر در سجده اول باشد، احتیاط واجب آن است که بایستد و رکوع را بجا آورد و نماز را تمام کند و دوباره بخواند. توضیح المسائل، م ۱۰۴۲.

۵. توضیح المسائل، م ۱۱۰۹.

۳. اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست بجا آورد؛ مثلاً پیش از دو سجده، تشهد بخواند، باید رکن را بجا آورد و آنچه را که به اشتباه پیش از آن خوانده دوباره بخواند.^۱

□ ۴. اگر غیر رکنی را فراموش کند و رکن بعد را بجا آورد؛ مثلاً حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود، نمازش صحیح است.^۲

موالات

۱. موالات یعنی پشت سرهم بودن اجزای نماز و فاصله نینداختن بین آنها.
۲. اگر به قدری بین اجزای نماز فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است.^۳
۳. طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های بزرگ، موالات را به هم نمی زند.^۴

پرسش

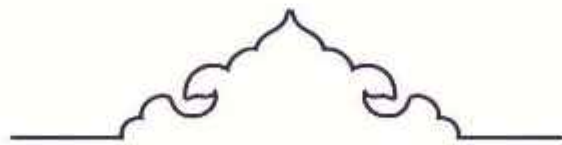
۱. کسی که نمی تواند برای سجده به طور کامل خم شود، اگر مهر را با دست بالا بیاورد و به پیشانی بگذارد چه حکمی دارد؟ چرا؟
۲. اگر در حال تشهد یادش بیاید که یک سجده بجا آورده، تکلیف چیست؟
۳. مراعات کدام یک از شرایط و واجبات سجده نماز در سجده واجب قرآن نیز لازم است؟
۴. اگر در رکعت سوم نماز متوجه شود، تشهد را فراموش کرده، تکلیف چیست؟
۵. فراموش کردن کدام یک از اجزای نماز قضا دارد؟

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۱۰.

۲. همان، م ۱۱۱۱. به فتوای برخی از فقها، برای هر واجب فراموش شده بنا بر احتیاط باید دو سجده سهو بجا آورد.

۳. همان، م ۱۱۱۴.

۴. همان، م ۱۱۱۶.



آداب نماز

در اصطلاح فقه، مجموعه مستحبات و مکروهات را «آداب» گویند. آداب نماز (اعم از مقدمات و مقارنات و تعقیبات) بسیار زیاد است اما در این درس به طور مختصر برخی از آنها را مرور می‌کنیم.

آداب لباس نمازگزار

۱. پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباس‌ها و استعمال بوی خوش و دست کردن انگشتی عقیق در نماز مستحب است.^۱
۲. پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباسی که نقش صورت دارد و باز بودن دکمه‌های لباس در نماز مکروه است.^۲

آداب مکان نمازگزار

۱. مستحب است، انسان نماز را در مسجد بخواند و در اسلام بر این مسأله سفارش بسیار شده است.^۳ احکام مسجد در درس آینده خواهد آمد.

۱. توضیح المسائل، م ۸۶۴.

۲. همان، م ۸۶۵.

۳. همان، م ۸۹۳.

۲. برای زنان نماز خواندن در خانه بهتر است، ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند.^۱

۳. در مکان های ذیل نماز خواندن مکروه است:

- حمام.
- زمین نمکزار.
- مقابل دری که باز است.
- در جاده و خیابان و کوچه، اگر برای کسانی که عبور می کنند زحمت نباشد و اگر زحمت باشد حرام است ولی نماز باطل نیست.
- مقابل آتش و چراغ.
- در آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشد.
- مقابل چاه و چاله ای که محل بول است.
- رویروی عکس و مجسمه انسان یا حیوان، مگر آن که روی آن پرده بکشند.
- در جایی که عکس باشد هر چند رویروی نمازگزار نباشد.
- در اطاقی که شخص جنب در آن باشد.
- مقابل قبر و روی آن و بین دو قبر.
- در قبرستان.^۲

اذان و اقامه

۱. بر نمازگزار مستحب است قبل از نمازهای یومیه، ابتدا اذان و بعد از آن اقامه بگوید.^۳

۲. اذان و اقامه باید در وقت نماز گفته شود و اگر قبل از وقت بگوید باطل است.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۸۹۴.

۲. همان، م ۸۹۸.

۳. همان، م ۹۱۸.

۴. همان، م ۹۳۵.

۳. اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگوید، صحیح نیست.^۱
۴. بین جمله های اذان و اقامه نباید زیاد فاصله شود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد.^۲
۵. اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.^۳
۷. مستحب است کسی را که برای گفتن اذان معین می کنند، عادل، وقت شناس و صدایش بلند باشد.^۴
۸. مستحب است در روزی که بچه به دنیا می آید، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.^۵

بعضی از مستحبات قرائت^۶

۱. در رکعت اول پیش از حمد بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».
۲. در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند بگوید.
۳. حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند؛ یعنی آن را به آیه بعد نچسباند.
۴. در حال خواندن حمد و سوره، به معنای آن توجه داشته باشد.
۵. در تمام نمازها، در رکعت اول، سوره «قدر» و در رکعت دوم، سوره «توحید» را بخواند.

۱. توضیح المسائل، م ۹۳۱.

۲. همان، م ۹۲۰.

۳. همان، م ۹۲۳.

۴. همان، م ۹۴۱.

۵. همان، م ۹۱۷.

۶. همان، م ۱۰۱۷ و ۱۰۱۸.

۶. اگر نماز را به جماعت می‌خواند، بعد از تمام شدن حمد امام و اگر فرادا می‌خواند، بعد از تمام شدن حمد خودش، بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».
۷. بعد از خواندن سوره «حمد»، یک یا دو یا سه مرتبه بگوید: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» یا سه مرتبه بگوید: «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا».

قنوت

۱. مستحب است در رکعت دوم نمازهای یومیه، بعد از حمد و سوره و پیش از رکوع، قنوت بخواند.

- در نماز جمعه، در هر رکعت یک قنوت،^۱

- در نماز آیات، پنج قنوت،^۲

- در نماز عید فطر و قربان، در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت.

و در نماز وتر که یک رکعت است، خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است.^۳

۲. در قنوت، هر دعا یا ذکر بگوید، اگر چه یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد کافی است و می‌تواند این دعا را بخواند.

« رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ »^۴

۳. هنگام قنوت، بنا بر احتیاط واجب باید دست‌ها را بلند کند و مستحب است دست‌ها را تا مقابل صورت بالا آورد و کف دست‌ها روبه آسمان باشد.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۱۰۲۹ و ۱۰۴۳.

۲. تفصیل آن در درس ۳۶ خواهد آمد.

۳. توضیح المسائل، م ۱۱۱۷ و م ۱۵۱۲.

۴. همان، م ۱۱۱۹.

۵. همان، م ۱۱۱۸.

برخی از مستحبات رکوع

- * ذکر رکوع را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگوید.
- * پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید.
- * در حال رکوع بین دو قدم (روی زمین) را نگاه کند.
- * پیش از ذکر رکوع یا بعد از آن صلوات بفرستد.
- * بعد از رکوع، هنگامی که ایستاد و بدن آرام گرفت بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ»^۱.

برخی از مستحبات سجده

- ۱- تکبیر گفتن در این موارد:
 - * پس از رکوع و پیش از سجده اول.
 - * پس از سجده اول، در حالی که نشست و بدن آرام گرفت.
 - * پیش از سجده دوم، در حالی که نشسته است و بدنش آرام است.
 - * بعد از سجده دوم.
- ۲- طول دادن سجده ها.
- ۳- گفتن «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» بعد از سجده ی اول، در حالی که بدن آرام گرفت.
- ۴- صلوات فرستادن در سجده ها.^۲

تعقیب نماز

- مستحب است انسان پس از نماز مشغول تعقیب شود؛ یعنی ذکر و دعا و قرآن بخواند.
۱. بهتر است در حال تعقیب روبرو به قبله باشد.
 ۲. لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی بهتر است آنچه را که در کتاب های دعا دستور داده اند بخواند.

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۱۸.

۲. همان، م ۱۰۹۱.

۳. گفتن تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام)؛ یعنی ۳۴ مرتبه «الله اکبر» و ۳۳ مرتبه «الحمد لله» و ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» مستحب است.^۱

استفتاء

س. آیا بعد از نمازها شعارهای اسلامی بگوییم یا تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) را با توجه به تأکید فراوان روایات درباره تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) بعد از نماز. ج. اختیار با نمازگزار است و جمع بین هر دو بهتر است.^۲

برخی از مکروهات نماز

۱. برهم گذاشتن چشم‌ها؛
۲. بازی کردن با انگشتان و دست‌ها؛
۳. سکوت هنگام خواندن حمد یا سوره یا ذکر، برای شنیدن حرف کسی؛
۴. هرکاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد؛
۵. گرداندن صورت به طرف راست یا چپ به مقدار کم (اگر زیاد باشد نماز باطل می‌شود).^۳

کجه پرسش

- ۱- گفتن اذان و اقامه پیش از کدامیک از نمازها مستحب است؟
- ۲- نماز چند تکبیر مستحب دارد؟
- ۳- کدام نماز بیشترین قنوت را دارد؟
- ۴- تکرار کدام یک از آیات سوره حمد، مستحب است؟
- ۵- صلوات فرستادن در نماز چه حکمی دارد؟

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۲۲.

۲. استفتاءات، ج ۱، صص ۱۶۷ و ۱۴۸.

۳. توضیح المسائل، م ۱۱۵۷.

مُبطّلات نماز

آنگاه که نمازگزار، تکبیرة الاحرام می گوید، تا پایان نماز، بعضی کارها براو حرام می شود و اگر یکی از آنها را انجام دهد نمازش باطل می شود، مبطلات نماز عبارتند از:

• از بین رفتن یکی از شرط های نماز:

- پیش آمدن چیزی که وضو یا غسل را باطل می کند؛
- خوردن و آشامیدن؛
- سخن گفتن؛
- خندیدن؛
- گریستن؛
- رواز قبله برگرداندن؛
- کم یا زیاد شدن ارکان نماز؛
- برهم زدن صورت نماز؛
- دست ها را برهم گذاشتن؛
- آمین گفتن بعد از حمد؛
- پیش آمدن شکی که مبطل نماز است.^۱

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۲۶، شک هایی که نماز را باطل می کند در درس ۲۵ خواهد آمد.

احکام مبطلات نماز

۱. اگر در بین نمازیکی از شرایط صحیح بودن آن از بین برود نماز باطل می‌شود؛ مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است.^۱
۲. اگر در بین نماز وضو باطل شود یا یکی از موجبات غسل پیش آید، نماز باطل است.^۲

• سخن گفتن

- ۱. اگر نمازگزار عمداً کلمه‌ای بگوید و بخواهد مطلبی را بفهماند، نمازش باطل است، اگرچه آن کلمه معنایی نداشته باشد یا یک حرف باشد.^۳
۲. سرفه و آروغ و آه کشیدن نماز را باطل نمی‌کند ولی گفتن «آخ» و «آه» و مانند این‌ها که دو حرف دارد، اگر عمدی باشد نماز را باطل می‌کند.^۴
- ۳. در نماز نباید به کسی سلام کرد، ولی اگر کسی به نمازگزار سلام کند جواب او واجب است و باید «سلام» را مقدم بدارد؛ مثلاً بگوید: «سَلامٌ عَلَیْکَ» یا «سَلامٌ عَلَیْکُمْ» و نباید «عَلَیْکُمُ السَّلام» بگوید.^۵
۴. اگر کلمه‌ای را به قصد ذکر بگوید؛ مثلاً بگوید: «الله اکبر» و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد ولی چنانچه به قصد

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۲۶.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۵۴. به فتوای برخی از فقها، اگر کلمه معنا دار باشد، هر چند نخواهد مطلبی را بفهماند، نماز باطل است.

۴. همان، م ۱۱۳۳.

۵. همان، م ۱۱۳۷. به فتوای برخی از فقها، در پاسخ سلام باید همان طور که سلام کرده جواب بدهد.

اینکه چیزی به کسی بفهماند بگوید، اگرچه قصد ذکر هم داشته باشد، نماز باطل می‌شود، چون قصد اصلی غیر ذکر است و قصد ذکر فرع بر آن است.^۱

استفتاء

س. اگر کسی به نمازگزار سلام کند و فقط بگوید: «سلام» نمازگزار چگونه باید پاسخ دهد؟
ج. جواب واجب است و در جواب یا باید به لفظ «سلام» اکتفا کند، یا بگوید: «سلام علیکم».^۲

• خندیدن و گریستن

۱. خنده عمدی و با صدا نماز را باطل می‌کند.
۲. لبخند زدن نماز را باطل نمی‌کند.
۳. اگر نمازگزار برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند نمازش باطل می‌شود.
- ۴. گریه بی صدا و گریه از ترس خدا یا برای آخرت - هر چند با صدا باشد - نماز را باطل نمی‌کند.^۳

• رو از قبله برگرداندن

۱. اگر نمازگزار عمداً روی خود را از قبله برگرداند، به طوری که نگویند رو به قبله است، نمازش باطل می‌شود.
۲. اگر سهواً تمام صورت را به طرف راست یا چپ قبله برگرداند، به احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند. ولی اگر به طرف راست یا چپ قبله نرسیده است، نماز صحیح است.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۳۴.

۲. استفتائات، ج ۱، ص ۳۰۰، س ۵۶۰.

۳. توضیح المسائل، هفتم و هشتم از مبطلات نماز. به فتوای برخی از فقها، گریه برای کار دنیا هر چند بی صدا باشد، نماز را باطل می‌کند.

۴. همان، م ۱۱۳۱.

• برهم زدن صورت نماز

۱. اگر در بین نماز، کاری کند که صورت نماز را برهم زند؛ مثل دست زدن، به هوا پریدن و مانند اینها، هر چند از روی فراموشی باشد، نماز باطل می شود.^۱
۲. اگر نمازگزار به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل می شود.^۲
۳. رها کردن نماز واجب (شکستن نماز) از روی اختیار، حرام است، ولی برای حفظ جان خود یا کسی که حفظ جاننش واجب است یا حفظ مالی که نگهداری آن واجب است یا حفظ آبروی خود، مانعی ندارد و گاهی واجب است.^۳
۴. شکستن نماز برای پرداخت بدهی با این شرایط اشکال ندارد:
* طلبکار، طلب خود را بخواهد.
* وقت نماز تنگ نباشد؛ یعنی بتواند پس از پرداخت بدهی، نماز را در وقت آن بخواند.
* در بین نماز نتواند بدهی را بپردازد.^۴
۵. □ اگر در بین نماز متوجه شود که مسجد نجس است و:
• وقت نماز تنگ است: باید نماز را تمام کند و پس از نماز، مسجد را تطهیر کند.
• وقت نماز وسعت دارد: اگر نمی تواند در بین نماز مسجد را تطهیر کند، باید نماز را رها کند و مسجد را تطهیر نماید و بعد نماز را بخواند.^۵
۶. شکستن نماز برای مالی که اهمیت ندارد مکروه است.^۶

۱. توضیح المسائل، ص ۱۵۶، نهم از مبطلات نماز.

۲. همان، م ۱۱۵۲.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی مبطلات الصلاة، ص ۱۹۱، م ۱۰؛ توضیح المسائل، م ۱۱۵۹ و ۱۱۶۰.

۴. توضیح المسائل، م ۱۱۶۱.

۵. همان، م ۱۱۶۲. به فتوای برخی از فقها، چنانچه بعد از نماز تطهیر مسجد ممکن باشد، شکستن نماز جایز نیست، بلکه باید نماز را تمام کند و بعد از نماز مسجد را تطهیر کند.

۶. همان، م ۱۱۶۰.

• دست‌ها را برهم گذاشتن

اگر نمازگزار مثل بعضی غیرشیعیان در حال نماز دست‌ها را روی هم بگذارد نماز باطل است.^۱

• آمین گفتن

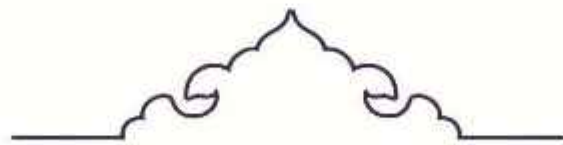
اگر نمازگزار پس از سوره حمد عمداً «آمین» بگوید نماز باطل می‌شود، ولی اگر سهواً یا از روی تقیه بگوید نماز باطل نمی‌شود.^۲

کجه پرسش

۱. اگر نمازگزار سهواً کلمه‌ای معنادار بگوید، نمازش چه حکمی دارد؟
۲. اگر کسی به نمازگزار بگوید: «سلام» آیا جواب آن واجب است و در صورت وجوب چگونه باید جواب دهد؟
۳. اگر در بین قرائت برای متوجه کردن کسی، «الله اکبر» بگوید، نماز چه حکمی دارد؟
۴. در چه صورت می‌توان برای پرداختن بدهی نماز را رها کرد؟
۵. اگر مسافر در بین نماز متوجه شود قطار آماده حرکت است، آیا می‌تواند نماز را رها کند؟

۱. توضیح المسائل، ص ۱۵۳، سوم از مبطلات نماز.

۲. همان، چهارم از مبطلات نماز.



شکایات نماز (۱)

در برخی موارد ممکن است نمازگزار نسبت به آنچه در نماز می‌خواند یا بجای می‌آورد دچار تردید شود، مثلاً نداند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، یا کلمه‌ای را درست خوانده یا نه که در این صورت باید مطابق وظیفه‌ای که گفته خواهد شد عمل کند. برای شناخت وظیفه نمازگزار لازم است اقسام شک دانسته شود، چون هر کدام از اقسام آنها حکم خاص خود را دارد.

- | | | |
|-------------------------|-----------------------|--------------------|
| • شک در انجام دادن جزء | } ۱- شک در اجزای نماز | } اقسام شک در نماز |
| • شک در صحت جزء | | |
| معتبر | } ۲- شک در رکعات نماز | |
| • غیر معتبر | | |
| • شک در بجای آوردن نماز | } ۳- شک در اصل نماز | |
| • شک در صحت نماز | | |

۱ احکام شکایات نماز به جز آنچه از توضیح المسائل است از تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی الشک، صص ۱۸۹-۲۰۰ آورده شده است.

شک در اجزای نماز

۱. اگر نمازگزار شک کند که جزئی از نماز واجب را بجا آورده یا نه، اگر جزء بعدی را شروع نکرده؛ یعنی هنوز از محل آن جزء نگذشته است؛ باید آن را بجا آورد. ولی اگر از محل آن گذشته، به چنین شکي اعتنا نمی‌شود و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است؛ مثلاً اگر پس از سجده، قبل از شروع کردن تشهد، شک کند یک سجده بجا آورده یا دو سجده، باید یک سجده دیگر بجا آورد ولی اگر تشهد را شروع کرده باشد، لازم نیست سجده دیگری انجام دهد و نماز صحیح است.^۱
۲. اگر هنگام رفتن به سجده شک کند که رکوع کرده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.^۲
۳. اگر در حال برخاستن شک کند که سجده را بجا آورده یا نه باید برگردد و بجا آورد ولی اگر شک کند تشهد بجا آورده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.^۳
۴. اگر نمازگزار در صحت جزئی از نماز شک کند؛ یعنی نمی‌داند جزئی که بجا آورده، صحیح انجام شده یا نه، بنا می‌گذارد بر صحیح بودن آن و نماز را ادامه می‌دهد و صحیح است؛ مثلاً اگر در صحت کلمه یا آیه‌ای که خوانده است شک کند، به شک خود اعتنا نمی‌کند.^۴
۵. حکم شک در اجزای نماز مستحب، همان حکم شک در اجزای نماز واجب است.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، فی الشک فی عدد الركعات، ص ۲۰۰؛ توضیح المسائل، م ۱۱۶۸.

۲. توضیح المسائل، م ۱۱۷۱.

۳. همان، م ۱۱۷۲.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، فی الشک فی عدد الركعات، ص ۲۰۰؛ توضیح المسائل، م ۱۱۶۸.

۵. همان، فی الشکوک التي لا اعتبار لها، ص ۲۰۸، م ۴.

شک در رکعات

شك هایی که نماز را باطل می‌کند (مُبطِل):^۱

* شك در تعداد رکعات نمازهای دورکعتی؛ مثل نماز صبح و نماز مسافر.

* شك در تعداد رکعات نماز مغرب.

* شك بین یک و بیشتر از یک.

* شك بین دو و بیشتر از آن، پیش از سر برداشتن از سجده دوم.

* نداند چند رکعت خوانده است.

مسأله: اگر یکی از شك های باطل کننده برای نمازگزار پیش آید، نمی‌تواند نماز را به هم بزند ولی اگر قدری فکر کند و چیزی یادش نیاید و شك از بین نرود، به هم زدن نماز مانعی ندارد.^۲

شك هایی که نماز را باطل نمی‌کند (غیر مبطل):

اگر در بین نماز چهار رکعتی یکی از این شك ها برای نمازگزار پیش آید در برخی از موارد، شك معتبر است و باید طبق وظیفه‌ای که در نمودار خواهد آمد عمل کند و نمازش صحیح است.^۳

۱. این قسم از شك مربوط به نمازهای واجب است، چون شك در رکعات نماز مستحب نماز را باطل نمی‌کند، بلکه به آن اعتنا نمی‌شود.

۲. همان، م ۱۱۶۶.

۳. همان، م ۱۱۹۹؛ العروة الوثقی، ج ۲، الشک فی عدد الركعات، ص ۲۱، م ۱ تا ۱۵، ص ۲۰، م ۳.

شک	در حال قیام	در رکوع	بعد از رکوع	در سجده	بعد از سجده دوم	وظیفه نمازگزار در مواردی که نماز صحیح است.
شک بین ۳ و ۲	مُطْل	مُطْل	مُطْل	مُطْل	غیر مُطْل	بنا بر سه گذاشته و یک رکعت دیگر می خواند و پس از سلام، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته می خواند.
شک بین ۴ و ۲	مُطْل	مُطْل	مُطْل	مُطْل	غیر مُطْل	بنا بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده می خواند.
شک بین ۳ و ۲ و ۴	مُطْل	مُطْل	مُطْل	مُطْل	غیر مُطْل	بنا بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته بجا می آورد.
شک بین ۴ و ۳	غیر مُطْل	غیر مُطْل	غیر مُطْل	غیر مُطْل	غیر مُطْل	بنا بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می خواند.
شک بین ۴ و ۵	غیر مُطْل	مُطْل	مُطْل	مُطْل	غیر مُطْل	اگر در حال قیام شک پیش آمده، بدون رکوع می نشیند و نماز را تمام می کند و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته می خواند و اگر در حالت نشسته پیش آمده است، بنا بر چهار می گذارد و نماز را تمام می کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا می آورد. ^۱

به جز مواردی که در جدول آمده، موارد دیگری نیز هست که کمتر اتفاق می افتد و حکم آنها از آنچه بیان شد و قواعدی که خواهد آمد روشن می شود.

۱. برخی از فقها، بجا آوردن دو سجده سهو را در فرض اول نیز واجب می دانند و برخی بنا بر احتیاط اعاده نماز را لازم می دانند.

چند قانون کلی

۱. اگر در نمازی یکی از شك های غیر مبطل پیش آید نماز گزار نباید نماز را بشکند، بلکه باید مطابق وظیفه اش عمل کند و اگر نماز را به هم بزند، معصیت کرده است.^۱
۲. اگر یکی از شك های غیر مبطل پیش آید، باید مقداری فکر کند، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف پیدا کرد همان طرف را می گیرد و نماز را تمام می کند و گرنه به دستور هایی که گفته شد عمل می کند.
۳. در شك های صحیح باید بنا را بر بیشتر گذاشت، مگر آنکه یکی از اطراف شك، از چهار گذشته باشد؛ مثلاً در شك بین ۴ و ۵ بنا بر بیشتر گذاشته نمی شود.
۴. نماز احتیاط، برای جبران کمبود احتمالی نماز است، بنابراین در شك بین ۳ و ۴، که احتمال کمبود، یک رکعت است، یک رکعت نماز احتیاط لازم است ولی در شك بین ۲ و ۴، دو رکعت نماز احتیاط لازم است.
۵. سجده سهو، در موارد احتمال زیادی سهوی است، پس در شك بین ۴ و ۵ بعد از سجده دوم و شك بین ۵ و ۶ در حالت ایستاده، سجده سهو لازم است.
۶. در مواردی که یک رکعت نماز احتیاط، واجب است می توان به جای آن، دو رکعت نشسته خواند.
۷. در مواردی که دو رکعت نماز احتیاط، واجب است، نمی توان به جای آن چهار رکعت نشسته خواند.
۸. اگر برای نماز گزار در حالت ایستاده، یکی از شك های غیر مبطل پیش آید، به جز شك ۳ و ۴، در بقیه موارد، باید بدون رکوع بنشیند و پس از نشستن، از هر طرف شك، یک عدد کم می شود؛ مثلاً در شك بین ۴ و ۵ در حالت ایستاده، پس از نشستن، به شك ۳ و ۴ برمی گردد و همان وظیفه شك بین ۳ و ۴ را باید انجام دهد.^۲

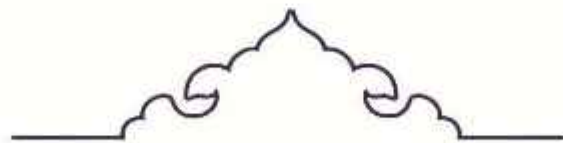
۱. توضیح المسائل، م ۲۰۰۰.

۲. همان، م ۱۱۹۹.

پرسش

۱. اگر نمازگزار موقع خواندن تشهد شك کند يك سجده بجا آورده يا دو سجده، تكليف چيست؟
۲. اگر پس از ادای حرفی از يك كلمه، در صحت آن شك کند، تكليف چيست؟
۳. اگر مسافر در نماز ظهر شك بين ۲ و ۳ برایش پیش آید وظیفه اش چيست؟
۴. حکم شك بين ۴ و ۵ در حالت ایستاده چيست؟
۵. حکم شك بين ۲ و ۳ در نماز چهار رکعتی در حال قیام پس از رکوع، چيست؟
۶. در کدام موارد شك، دو رکعت نماز احتیاط واجب می شود؟

دفتر نشر اسلامیه
مکتون درسی حوزه های علمیه



شکایات نماز (۲)

شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد (غیر معتبر):

- شک بعد از محل توضیح آن در «شک در اجزا» گذشت.
- شک پس از سلام.
- شک کثیر الشک.
- شک امام و مأموم در نماز جماعت.
- شک در نماز مستحب.^۱

اگر برای نمازگزاری یکی از این شک‌ها پیش آید، اعتباری نخواهد داشت و به آن اعتنا نمی‌شود و نماز صحیح است.

• شک بعد از سلام

۱. اگر پس از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه؛ مثلاً شک کند در رکعت دوم یک سجده بجا آورده یا دو سجده، یا پس از سلام نماز چهار رکعتی شک

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۶۷.

کند چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شک خود اعتنا نمی‌کند و لازم نیست نماز را دوباره بخواند.^۱

۲. اگر پس از سلام شک کند و دو طرف شک باطل باشد؛ مثل آنکه شک کند نماز چهار رکعتی را سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.^۲

• وظیفه کثیر الشک

کثیر الشک کسی است که در یک نماز، سه مرتبه شک کند، یا در سه نماز پشت سر هم، مثلاً نماز صبح، ظهر و عصر، شک کند و وظیفه او بدین شرح است:^۳

- | | | |
|---|---|---------------------|
| <p>۱. اگر طرف بیشتر شک، نماز را باطل نمی‌کند؛ مثلاً در نماز چهار رکعتی شک بین سه و چهار برایش پیش می‌آید؛ بنا را بر بیشتر می‌گذارد.</p> <p>۲. اگر طرف بیشتر شک، نماز را باطل می‌کند؛ بنا را بر کمتر می‌گذارد؛ مثلاً در شک بین چهار و پنج، بنا را بر چهار می‌گذارد.</p> | } | ۱- شک در رکعات نماز |
| <p>۱. اگر انجام دادن آن نماز را باطل نمی‌کند؛ باید بنا بگذارد که آن را بجا آورده؛ مثلاً شک کند یک سجده بجا آورده یا دو سجده؛ بنا می‌گذارد بر انجام دادن دو سجده.</p> <p>۲. اگر انجام دادن آن نماز را باطل می‌کند؛ باید بنا بگذارد که آن را انجام نداده؛ مثلاً شک کند یک رکوع بجا آورده یا دو رکوع؛ بنا می‌گذارد بر انجام یک رکوع.^۴</p> | } | ۲- شک در اجزای نماز |

• شک امام و مأموم

در نماز جماعت اگر امام جماعت شک کند ولی مأموم شک نداشته باشد و مثلاً با بلند گفتن ذکر امام را مطلع کند، امام جماعت به شک خود اعتنا نمی‌کند و

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۷۹.

۲. همان، م ۱۱۷۹.

۳. همان، م ۱۱۸۴.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی الشکوک التي لا اعتبار بها، ص ۲۰۷؛ توضیح المسائل، م ۱۱۸۵.

همچنین اگر مأموم شک کند ولی امام جماعت شک نداشته باشد، همانند امام جماعت، عمل می‌کند و صحیح است.^۱

• شک در نماز مستحب

اگر نمازگزار در رکعات نماز مستحب شک کند: مانند وظیفه‌ای که برای کثیرالشک گفته شد عمل می‌کند.^۲

• شک در اصل نماز

• شک در بجای آوردن نماز

• پیش از گذشتن وقت ← باید نماز را بخواند.

• پس از گذشتن وقت ← لازم نیست آن نماز را بخواند.^۳

مسئله: کسی که در بجای آوردن نماز، کثیرالشک است حکم افراد عادی را دارد ولی وسواسی به شک خود اعتنا نمی‌کند، هر چند در وقت نماز شک کند.^۴

• شک در صحت نماز

اگر نمازگزار در صحت نماز خوانده شده شک کند، اعتنا نمی‌کند و خواندن دوباره نماز لازم نیست، چه پیش از گذشتن وقت نماز باشد یا پس از آن.^۵

• حکم گمان در نماز

• در اصل نماز: حکم شک را دارد.^۶

• در رکعات نماز: حکم یقین را دارد.^۷

۱. توضیح المسائل، م ۱۱۸۵.

۲. همان، م ۱۱۹۳ و ۱۱۹۵.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، القول في الشك، صص ۱۹۸ و ۲۰۶.

۴. همان، ص ۲۰۰، م ۸.

۵. همان، القول في الشكوك التي لا اعتبار لها، ص ۲۰۶.

۶. همان، ج ۱، کتاب الصلاة، القول في الشك، صص ۱۹۸ و ۲۰۶.

۷. همان، ص ۲۰۹، م ۱.

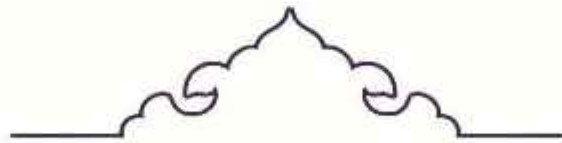
□ • در اجزا و افعال نماز: در مواردی که با وظیفه شک مخالف است، باید احتیاط کند؛ مثلاً اگر در حال قیام، پیش از رفتن به سجده گمان به انجام رفتن رکوع دارد ولی یقین ندارد، رکوع را به جا می آورد و نماز را هم اعاده می کند. اما اگر در سجده گمان پیدا کند رکوع را به جا آورده است ولی یقین ندارد، وظیفه او با کسی که شک دارد، تفاوتی نخواهد داشت، چون اگر شک داشته باشد، اعتنا نمی کند، پس اگر گمان داشته باشد به طریق اولی اعتنا نمی شود.^۲

پرسش

۱. مورد اشتراک شک بعد از وقت و شک بعد از سلام چیست؟
۲. اگر کثیر الشک، در رکعت اول پس از سجده، شک کند که یک سجده بجا آورده یا دو تا، تکلیفش چیست؟
۳. اگر در نماز مستحب شک بین ۱ و ۲ پیش آید، وظیفه چیست؟
۴. اگر انسان ساعت ۴ بعد از ظهر شک کند نماز عصر را خوانده یا نه تکلیف چیست؟
۵. اگر نمازگزار پس از برداشتن سر از سجده و پیش از شروع تشهد گمان کند یک سجده بجا آورده وظیفه اش چیست؟

۱. در این فرض اگر شک می داشت، می بایست رکوع را به جا آورد و نماز صحیح است، پس وظیفه کسی که شک دارد، انجام دادن رکوع است ولی کسی که گمان دارد رکوع را انجام داده، چون احتمال می رود رکن تکرار شود، نمی توان گفت حتماً همان وظیفه شک را دارد و باید رکوع را به جا آورد، بلکه باید احتیاط کند به انجام دادن رکوع و اعاده نماز، چون ممکن است با انجام دادن رکوع، تکرار رکن پیش آمده باشد و نماز باطل شده باشد، پس باید نماز را هم اعاده کند.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، القول فی حکم اللفظ فی افعال الصلاة و رکعاتها، ص ۲۰۹، م. ۱. به فتوای برخی از فقها گمان در افعال و اجزای نماز حکم شک را دارد.



شکایات نماز (۳)

نماز احتیاط

در مواردی که نماز احتیاط واجب می‌شود؛ مثل شک بین ۳ و ۴، نمازگزار باید بعد از سلام نماز، پیش از به هم خوردن صورت نماز یا انجام دادن مبطلی، برخیزد و بدون اذان و اقامه، تکبیر بگوید و نماز احتیاط را بخواند.^۱

تفاوت نماز احتیاط با نمازهای دیگر:

* نیت آن را نباید به زبان آورد.

* سوره و قنوت ندارد (هر چند دو رکعتی باشد).

* سوره حمد حتی بسم الله الرحمن الرحيم را باید آهسته بخواند (بنابر احتیاط واجب).^۲

۱. اگر یک رکعت نماز احتیاط، واجب باشد، پس از سجده‌ها، تشهد می‌خواند و سلام می‌دهد و اگر دو رکعت واجب شده باشد، نباید در رکعت اول تشهد و سلام بخواند، بلکه باید یک رکعت دیگر هم (بدون تکبیرة الاحرام) بخواند و در پایان رکعت دوم، تشهد خوانده، سلام می‌دهد.^۳

۱. تحریر الوسیله، القول فی رکعات الاحتیاط، ص ۲۱۰، م ۱ و ۲.

۲. توضیح المسائل، م ۱۲۱۵.

۳. همان، م ۱۲۱۵ و ۱۲۱۶.

۲. اگر پس از سلام نماز، نماز احتیاط را عمدتاً یا سهواً نخواند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز احتیاط را بخواند و نماز را هم اعاده کند.^۱

۳. کسی که نشسته نماز می‌خواند اگر شکی برایش پیش آید که باید دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، یا شکی کند که باید برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند، باید دو رکعت نشسته بجا آورد.^۲

استفتاء

س. کسی که وظیفه‌اش خواندن نماز به طور خوابیده است، اگر شک بین ۳ و ۴ کند باید یک رکعت نماز احتیاط بخواند یا دو رکعت؟ یا بستگی به نیت دارد؟
ج. مخیر است بین یک رکعت خوابیده به جای یک رکعت ایستاده یا دو رکعت خوابیده به جای دو رکعت نشسته.^۳

سجده سهو

□ ۱. در مواردی که سجده سهو واجب می‌شود، باید بعد از سلام نماز، به سجده رود و بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبِهِتَر است بگوید: بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ و بعد بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهای بالا را بگوید، سپس بنشیند و تشهد و سلام را بجا آورد.^۴
۲. برای سجده سهو، گفتن تکبیرة الاحرام واجب نیست، ولی احتیاط مستحب است.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی رکعات الاحتیاط، ص ۲۱۰، م ۱.

۲. توضیح المسائل، م ۱۲۱۲.

۳. استفتاءات، ج ۱، ص ۱۶۸، س ۱۵۵.

۴. توضیح المسائل، م ۱۲۵۰، به فتوای برخی از فقها بنا بر احتیاط باید جمله دوم را بگوید.

۵. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی سجود السهو، ص ۲۱۴، م ۵.

موارد سجده سهو

- | | |
|--|--------|
| ۱. در بین نماز سهواً حرف بزند.
۲. یک سجده را فراموش کند و در رکوع رکعت بعد، یا پس از آن یادش بیاید.
۳. در نماز چهار رکعتی، شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته یا ۵ و ۶ در حالت ایستاده پیش آید. ^۱ | } واجب |
|--|--------|

- | | |
|---|---------------|
| ۱. سلام بی جا؛ مثلاً در رکعت سوم نماز چهار رکعتی سهواً سلام بدهد.
۲. تشهد را فراموش کند. | } احتیاط واجب |
|---|---------------|

احتیاط مستحب: مقداری از سلام واجب نماز بی جا گفته شود.^۲

۱. اگر چیزی را که غلط خوانده دوباره صحیح بخواند، سجده سهو واجب نیست.^۳
۲. اگر در نماز سهواً مدتی حرف بزند و تمام آن یک مرتبه حساب شود، دو سجده سهو کافی است.^۴

اجزای فراموش شده نماز

۱. اگر یکی از اجزای واجب نماز را عمدتاً ترک کند، نماز باطل است و اگر واجبات غیر رکنی سهواً ترک شود، نماز باطل نمی شود و قضا کردن آن لازم نیست، به جز تشهد و یک سجده که سهواً ترک شده باشد.^۵

۱. یادآوری می شود اگر در حالت ایستاده، شک بین ۵ و ۶ پیش آید، نماز گزار باید بدون رکوع بنشیند که در این صورت به شک بین ۴ و ۵ در حالت نشسته برگشت می کند.

۲. توضیح المسائل، م ۱۲۳۶ و ۱۲۴۲. برخی از فقها، موارد سجده سهو را بیشتر از این می دانند؛ مثلاً برای قیام بی جا سجده سهو واجب می دانند.

۳. همان، م ۱۲۳۹.

۴. همان، م ۱۲۴۰.

۵. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی الاجزاء المنسبة، ص ۲۱۲، م ۱.

۲. اگر نمازگزار، سجده یا تشهد را فراموش کند، بنابر احتیاط واجب، پس از سلام نماز، پیش از به هم خوردن صورت نماز، باید قضای آن را بجا آورد و سپس سجده سهو را انجام دهد.^۱

□ ۳. اگر بین نماز و قضای تشهد یا سجده، کاری کند که عمدی و سهوی آن، نماز را باطل می‌کند؛ مثلاً پشت به قبله کند، باید قضای سجده را بجا آورد و نمازش صحیح است.^۲

۴. کسی که باید سجده یا تشهد را قضا کند، اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شده باشد، باید بعد از نماز، سجده یا تشهد را قضا کند، بعد سجده سهو را بجا آورد.^۳

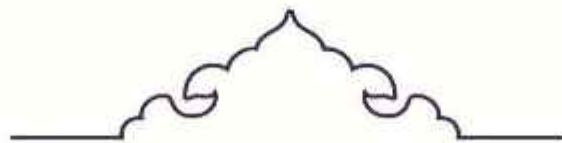
پرسش

۱. اگر نمازگزار پس از اتمام نماز، نماز احتیاط یا سجده سهو را سهواً انجام ندهد، تکلیف چیست؟
۲. در چه صورتی ممکن است نماز احتیاط و سجده سهو، هر دو واجب شود؟ مثالی بزنید.
۳. اگر نماز احتیاط و سجده سهو، هر دو واجب شود، کدام را باید مقدم بدارد؟ چرا؟
۴. در چه مواردی بدون شک در نماز سجده سهو واجب می‌شود؟
۵. اگر نمازگزار شک بین ۳ و ۴ برایش پیش آید و یک سجده را نیز فراموش کرده باشد چه وظیفه‌ای دارد؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی الاجزاء المنسبة، ص ۲۱۲، م ۱.

۲. توضیح المسائل، م ۱۲۵۵. به فتوای برخی از فقها، بنابر احتیاط واجب باید نماز را نیز اعاده کند.

۳. همان، م ۱۲۶۱.



نماز مسافر (۱)

«وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ...»^۱

«هرگاه در زمین راه می‌پیمایید (به سفر می‌روید) بر شما باکی نیست که نماز را کوتاه کنید...»

انسان باید در سفر، با شرایطی که خواهد آمد، نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت (یعنی شکسته)^۲ بجا آورد:

۱. سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی^۳ نباشد.
۲. از اول مسافرت، قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد.
۳. به حدّ ترخیص برسد.
۴. در بین راه، پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود بزرگردد.

۱. نساء: ۱۰۲.

۲. تعبیر صحیح «نماز قصر» است ولی با اندک مسامحه «نماز شکسته» گفته می‌شود.

۳. هشت فرسخ شرعی تقریباً ۴۵ کیلومتر است و برخی از فقهاء، کمتر از این مقدار دانسته‌اند.

۵. نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد، یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند.
۶. برای کار حرام سفر نکند و خود سفر هم حرام نباشد.
۷. بیابانگرد نباشد.
۸. شغل او مسافرت نباشد.^۱

شرط اول

- ۱ □. کسی که رفت و برگشت او هشت فرسخ است، اگر رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد باید نماز را شکسته بخواند، ولی اگر رفتن، کمتر از چهار فرسخ باشد، مثلاً سه فرسخ می‌رود و پنج فرسخ برمی‌گردد، باید نماز را تمام بخواند.^۲
۲. اگر شهر دیوار دارد، باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار شهر حساب کند و اگر دیوار ندارد باید از خانه‌های آخر شهر حساب کند.^۳
۳. اگر انسان شک کند که سفرش هشت فرسخ است یا کمتر:
الف) اگر تحقیق کردن برایش مشقت ندارد: بنابر احتیاط واجب باید تحقیق کند.
ب) اگر تحقیق کردن برایش مشقت دارد: باید نمازش را تمام بخواند.^۴
۴. اگر به جایی می‌رود که دوراه دارد، یک راه کمتر از هشت فرسخ است و راه دیگر هشت فرسخ یا بیشتر، اگر از راهی که هشت فرسخ است برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود، باید نماز را چهار رکعتی بخواند.^۵

۱. توضیح المسائل، نماز مسافر.

۲. همان، م ۱۲۷۲، به فتوای برخی از فقها، هر چند مسافت رفت کمتر از چهار فرسخ باشد ولی مجموع سفر هشت فرسخ باشد، نماز شکسته است.

۳. همان، م ۱۲۸۰.

۴. همان، م ۱۲۷۴.

۵. همان، م ۱۲۷۹.

شرط دوم

۱. اگر انسان از ابتدا قصد مسافرت هشت فرسخ نداشته باشد و به جایی مسافرت کند که کمتر از هشت فرسخ است و بعد از رسیدن به آن جا، تصمیم بگیرد که سفر را ادامه دهد، پس اگر بخواهد:

- هشت فرسخ دیگر برود یا چهار فرسخ برود و برگردد، و مجموع رفت و برگشت، کمتر از هشت فرسخ نباشد، باید نماز را شکسته بخواند.

- به جایی برود که با مقدار راه آمده، هشت فرسخ می شود و خود به تنهایی هشت فرسخ نیست، چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته، نمازش تمام است.^۱

۲. کسی که در سفر به اختیار دیگری است، مانند فرزند که همراه پدر و مادر به سفر می رود یا سربازی که با فرمانده است، چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است، باید نماز را شکسته بخواند.^۲

شرط سوم

۱. مسافر با رسیدن به حدّ ترخص باید نماز را شکسته بخواند؛ حدّ ترخص فاصله ای است که دیوارهای محل شروع سفر دیده نمی شود و اذان آنجا هم شنیده نمی شود؛^۳ بنابراین اگر پیش از رسیدن به این حدّ بخواهد نماز بخواند، شکسته نیست.^۴

۲. هرگاه شهر یا روستا در بلندی باشد که از دور دیده شود، یا به قدری گود باشد

۱. توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط دوم.

۲. همان، م ۱۲۸۴.

۳. طبق محاسبه ای که در تاریخ ۲۱ و ۲۲ خرداد ماه ۱۳۹۳ هـ ش توسط چند تن از علمای حوزه علمیه قم و مشهد انجام شده حد ترخص حدود ۱۳۵۰ متر است.

۴. توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط هشتم. در تعیین حدّ ترخص نظرات فقها، متفاوت است؛ برخی ندیدن دیوارها را کافی می دانند و برخی دیگر دیدن یا ندیدن دیوارها را مؤثر نمی دانند، بلکه ندیدن کسی که به مسافرت می رود ملاک است.

که اگر انسان کمی دور شود دیوار آن را نمی بیند، کسی که از آن شهر یا روستا مسافرت می کند، وقتی به اندازه ای دور شود که اگر آن شهر و زمین هموار بود، دیوارش از آنجا دیده نمی شد، باید نماز را شکسته بخواند و نیز اگر پستی و بلندی خانه ها بیشتر از معمول باشد، باید ملاحظه معمول را بنماید.^۱

۳. اگر از محلی مسافرت می کند که خانه و دیوار ندارد، وقتی به جایی برسد که اگر آن محل دیوار داشت، از آنجا دیده نمی شد، و اذان آنجا را نیز نمی شنوید، باید نماز را شکسته بخواند.^۲

۴. کسی که به سفر می رود، اگر به جایی برسد که اذان را نشنود ولی دیوار شهر را ببیند، یا دیوارها را نبیند اما صدای اذان را بشنود، چنانچه بخواند در آنجا نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند.^۳

حد ترخص در پایان سفر

۱. مسافری که به وطنش می رود، وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود، باید نماز را تمام بخواند.

□ ۲. اگر مسافر به جایی می رود که وطن او نیست؛ ولی می خواهد ده روز در آنجا بماند، در فاصله بین حد ترخص آن محل و منزل اگر بخواند نماز بخواند بنا بر احتیاط باید نماز را تأخیر بیندازد تا به منزل برسد، یا نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند.

۳. اگر مسافر به جایی می رود که وطن او نیست و تصمیم ندارد در آنجا ده روز بماند،

۱. توضیح المسائل، م ۱۳۲۰.

۲. همان، م ۱۳۲۱.

۳. همان، م ۱۳۱۸.

در هر صورت، چه پیش از رسیدن به حدّ ترخص، چه پس از آن، باید نماز را شکسته بخواند.^۱

شرط چهارم

اگر در بین راه از ادامه سفر منصرف شود:

الف) پیش از پیمودن چهار فرسخ منصرف شود، باید نماز را تمام بخواند.

ب) پس از پیمودن چهار فرسخ (پس از رسیدن به هشت فرسخ)

$\left\{ \begin{array}{l} ۱. \text{ بخواند همانجا بماند و بعد از ده روز برگردد.} \\ ۲. \text{ مردّد شود که بماند یا برگردد.} \\ ۳. \text{ بخواند برگردد، باید نماز را شکسته بخواند.} \end{array} \right.$	نماز را تمام بخواند
---	---------------------

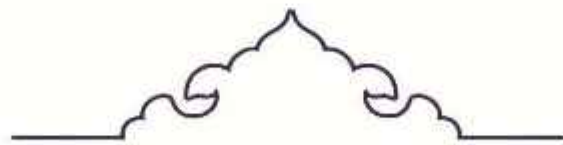
ج) پس از پیمودن هشت فرسخ یا بیشتر، از سفر منصرف شود، باید نماز را شکسته بخواند.^۲

کجه پرسش

- ۱ - سربازی که در پادگانی بیرون شهر خدمت می‌کند چنانچه به سفر برود مبدأ سفر را از کجا باید محاسبه کند؟
- ۲ - مأمور بررسی قطع سیم برق برای یافتن محل قطع از محل خود حرکت می‌کند و بدون قصد ۵۸ کیلومتر از شهر دور می‌شود، نماز او در این مأموریت، از آغاز تا پایان، تمام است یا شکسته؟
- ۳ - اگر مسافر در بین راه از قصد سفر منصرف شود در چه صورتی در برگشت به محل خود باید نماز را شکسته بخواند؟
- ۴ - شخصی پس از پیمودن پنج فرسخ از راه به علت نقص فنی وسیله نقلیه خود، تصمیم به برگشت می‌گیرد، اگر همانجا یا در برگشت بخواند نماز بخواند، نمازش تمام است یا شکسته؟

۱. توضیح المسائل، م ۱۳۱۹. به فتوای برخی از فقها، در فرضی که بخواند ده روز در آنجا بماند، رسیدن به حدّ ترخص آن محل کافی است.

۲. همان، نماز مسافر، شرط سوم و مسأله ۱۲۸۷ و ۱۲۸۸.



نماز مسافر (۲)

شرط پنجم

۱. کسی که می خواهد، در بین راه، پیش از پیمودن هشت فرسخ، از وطن خود عبور کند یا ده روز در محلی بماند، باید نماز را تمام بخواند، چون با رسیدن به وطن یا جایی که ده روز می ماند، سفر تمام می شود و این سفر کمتر از هشت فرسخ است.^۱
۲. اگر در سفر، پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد یا ده روز در محلی بماند، اگر باقیمانده سفر هشت فرسخ باشد، یا چهار فرسخ باشد و بخواهد برود و برگردد، باید در باقیمانده سفر، نماز را شکسته بخواند.^۲

شرط ششم

۱. اگر سفر، به خودی خود حرام باشد؛ مثل فرار از جبهه جهاد، یا برای کار حرام باشد؛ مانند سفر برای ستم به دیگران، در چنین سفری نماز تمام است.^۳

۱. توضیح المسائل، نماز مسافر، شرط چهارم.

۲. همان، م ۱۲۹۴.

۳. همان، نماز مسافر، شرط پنجم.

- ۲. کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمی‌کند، اگر چه معصیتی انجام دهد؛ مثلاً غیبت کند، باید نماز را شکسته بخواند.^۱

شرط هفتم

۱. صحرانشینانی که در بیابان‌ها گردش می‌کنند و هر جا آب و خوراک برای خود و حیوان‌هایشان پیدا کنند، می‌مانند و بعد از چندی به جای دیگر می‌روند، در این سفرها باید نماز را تمام بخوانند.^۲

- ۲. اگر صحرانشین برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند اینها مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند.^۳

شرط هشتم

۱. کسی که شغل او مسافرت است، مانند خلبان، ملوان و راننده، یا شغل او در سفر است، مثل میهماندار هواپیما و قطار در سفرهایی که شغل اوست باید در غیر سفر اول نماز را تمام بخواند، ولی در سفر اول، هر چند طول بکشد، نمازش شکسته است.^۴
- ۲. کسی که شغلش مسافرت است، اگر برای کار دیگری؛ مثلاً برای زیارت یا حج، مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر مثلاً راننده، مسافران را می‌برد و کرایه می‌گیرد و خودش نیز زیارت می‌کند، باید نمازش را تمام بخواند.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۱۲۹۶.

۲. همان، نماز مسافر، شرط ششم.

۳. همان، م ۱۳۰۶. به باورقی ۳ مراجعه شود.

۴. همان، نماز مسافر، شرط هفتم. به فتوای برخی از فقها، افرادی که برای شغلشان مسافرت می‌روند، هر چند شغلشان سفر نباشد، مانند کسی که محل کارش در فاصله چهار فرسخ یا بیشتر است و هر روز برای کار به آنجا می‌رود و برمی‌گردد، نمازش در این سفرها تمام است. و برخی دیگر نماز کسی را که زیاد به سفر می‌رود، هر چند برای کار نباشد تمام می‌دانند.

۵. همان، م ۱۳۰۷.

۳. راننده و دوره‌گردی که در دوسه فرسخی شهر رفت و آمد می‌کند، شغل او مسافرت نیست و چنانچه اتفاقاً سفر هشت فرسخی برود، باید نماز را شکسته بخواند.^۱
۴. کسی که شغلش مسافرت است، اگر در روز یا بیشتر در وطن یا غیر وطن بماند، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می‌رود، نماز را شکسته بخواند.^۲

در این مکان‌ها نماز تمام است:

- الف) در وطن، هر چند مدت کوتاهی در آنجا بماند.
- ب) در جایی که می‌داند ده روز می‌ماند، یا تصمیم دارد بماند.
- ج) در جایی که سی روز با تردید مانده؛ یعنی معلوم نبوده است که می‌ماند یا می‌رود و تا سی روز به همین حالت مانده و از آنجا به جایی هم نرفته است، در این صورت باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.^۳

وطن

۱. وطن، جایی است که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده است، مثلاً یک شهر یا روستا، خواه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد یا خودش آن جا را برای زندگی اختیار کرده باشد.^۴
- ۲. تا انسان قصد ماندن همیشگی در غیر وطن اصلی خودش را نداشته باشد، آنجا وطن او نیست؛ مانند دانشجویی که مدتی برای تحصیل در جایی می‌ماند.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۱۳۱۱.

۲. همان، م ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳.

۳. همان، شرط چهارم و مسأله ۱۳۲۸، ۱۳۳۵ و ۱۳۵۳.

۴. همان، م ۱۳۲۹.

۵. همان، م ۱۳۳۱. به فتوای برخی از فقها، قصد ماندن همیشگی شرط نیست، بلکه اگر تصمیم دارد چند سالی در آنجا بماند؛ مثل کارمندی که محل کار و مأموریت او به شهری منتقل شده که چند سالی باید در آنجا بماند، حکم وطن را دارد.

□ ۳. کسی که در دو محل زندگی می‌کند؛ مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر می‌ماند و هر دو را برای زندگی همیشگی اختیار کرده است، هر دو وطن اوست. اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد اشکال دارد و باید احتیاط مراعات شود.^۱

۴. اگر انسان بدون قصد ماندن همیشگی در جایی، آن قدر بماند که مردم، او را اهل آنجا بدانند، آنجا برای او حکم وطن را دارد.^۲

۵. اگر به جایی برود که پیشتر وطن او بوده ولی هم اکنون از آنجا صرف نظر کرده است، نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.^۳

استفتاء

س. همسر، یا فرزندی که مکلف شده و در منزل تابع شوهر و یا پدر خود می‌باشند، آیا در مسأله ترک وطن تابع پدر و یا شوهر خود هستند و اگر پدر و یا شوهر ترک وطن نمود، آنها هم همان حکم را پیدا می‌کنند و یا باید مستقلاً تصمیم بگیرند؟

ج. زن و فرزندی که از حد تبعیت بالطبع بیرون آمده و صاحب اراده است، در اتخاذ وطن و اعراض از آن و قصد اقامه تابع نیست و میزان، تصمیم خود او است.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۱۳۳۲، به فتاوی برخی از فقها، اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد، همه آنها وطن او محسوب می‌شود.

۲. همان، م ۱۳۳۱.

۳. همان، م ۱۳۳۴.

۴. استفتائات، ج ۱، ص ۲۶۴، س ۴۲۸.

پرسش

۱. آیا افراد ذیل شغلشان مسافرت است؟
 - * مأمور خرید یک وزارتخانه که از شهرهای مختلف خرید می‌کند.
 - * آموزگاری که هر روز برای تدریس به شهر دیگر می‌رود و برمی‌گردد.
 - * مهمانداران هواپیما، کشتی و قطار.
۲. کارمندانی که چندین سال در شهری کار می‌کنند، آیا آنجا وطن آنان محسوب می‌شود؟
۳. در چه صورت ممکن است جایی که زادگاه انسان نیست و قصد ماندن همیشگی را نیز ندارد، حکم وطن داشته باشد؟
۴. در چه صورتی وطن پدر و مادر، وطن فرزند هم خواهد بود؟

دفتر نشر نیون درسی حوزه های علمیه

نماز مسافر (۳)

قصد ده روز

۱. مسافری که قصد دارد ده روز پشت سر هم در محلی بماند یا می‌داند که بدون اختیار ده روز در محلی می‌ماند؛ مثل سربازی که اختیارش با فرمانده است، در آن محل باید نماز را تمام بخواند.^۱
۲. مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیش از ده روز بماند، تا وقتی که مسافرت نکرده، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.^۲

۳. اگر انسان از قصد ده روز برگردد:

الف) قبل از خواندن نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: باید نماز را شکسته بخواند.

ب) بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد: تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.^۳

۱. توضیح المسائل، م ۱۳۳۵.

۲. همان، م ۱۳۴۷.

۳. همان، م ۱۳۴۲.

۴. مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند در صورتی که تصمیم دارد تمام ده روز را در یک جا بماند نمازش تمام است، ولی اگر بخواند در دو محل یا بیشتر بماند مثلاً در نجف و کوفه یا تهران و کرج بماند، باید نماز را شکسته بخواند.^۱

بیرون رفتن از محل اقامت

□ مسافری که قصد ماندن ده روز در محلی را دارد، چنانچه به اطراف آنجا کمتر از چهار فرسخ برود و برگردد تنها در یک فرض نمازش شکسته است و آن در صورتی است که در ابتدا قصد بیرون رفتن در بین ده روز از آنجا را دارد و می‌داند بیشتر از دو ساعت طول می‌کشد. بنابراین در موارد ذیل نماز کامل است:

* جایی که می‌رود جزو آن محل به حساب می‌آید.

* جای جدایی است ولی بنا دارد پس از آنکه ده روز در یک محل ماند برود.

□ * بنا دارد در بین ده روز مدت کوتاهی مثلاً دو ساعتی برود و برگردد؛ هر چند موقعی که رفت بیشتر طول بکشد.

* از اول بنا نداشت برود و پس از خواندن یک نماز چهار رکعتی تصمیم گرفت برود و برگردد؛ در این فرض هم اگر بیشتر از دو ساعت طول بکشد، نماز کامل است.^۲

استفتاء

س. عده‌ای که سال‌هاست در منطقه‌ای ساکن عمارات و ساختمان‌های دولتی بوده و خود نیز از کارکنان دولت هستند، اخیراً در بین آنان شایع شده که چون شما نمی‌دانید چند مدت در اینجا خواهید بود نماز و روزه شما قصر است و بعضی هم اکنون در

۱. توضیح المسائل، م ۱۳۲۷.

۲. همان، م ۱۳۳۸ و ۱۳۴۹. به فتوای برخی از فقها، اگر تصمیم داشته باشد تا شش، هفت ساعت برود و برگردد ضرری ندارد و به فتوای برخی دیگر تا نصف روز هم اشکال ندارد. و برخی دیگر فائند که اگر همان روز برمی‌گردد و شب را در جای دیگر نمی‌ماند اشکال ندارد.

خانه‌های مسکونی خود نمازهای خود را شکسته می‌خوانند، آیا در فتاوی‌ای امام امت، چنین موردی هست یا خیر؟
ج. اگر وطن اصلی آنها نیست و قصد ماندن همیشه در آنجا ندارند بدون قصد ماندن ده روز در آنجا، حکم مسافر دارند.^۱

□ وظیفه مسافری که نمازش را تمام خوانده:

الف) اگر نمی‌دانست که مسافر باید نماز را شکسته بخواند: نمازی که خوانده صحیح است.^۲

ب) اگر حکم سفر را می‌دانست ولی بعضی از جزئیات را نمی‌دانست، یا نمی‌دانست که مسافر است: نمازی را که خوانده، باید دوباره بخواند.^۳

ج) اگر فراموش کند مسافر است و نماز را تمام بخواند، باید دوباره نمازش را شکسته بخواند.^۴

وظیفه غیر مسافری که نمازش را شکسته خوانده:

کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته بجا آورد، در هر صورت نمازش باطل است.^۵

۱. استفتائات، ج ۱، ص ۲۶۰، س ۴۱۷. به فتوای برخی از فقها، قصد ماندن همیشگی لازم نیست بلکه اگر تصمیم داشته باشد چند سالی در آنجا بماند حکم وطن را دارد.

۲. توضیح المسائل، م ۱۳۵۹.

۳. همان، م ۱۳۶۰، ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲. به فتوای برخی از فقها، اگر برخی از جزئیات احکام سفر را نمی‌دانست و نماز را تمام خواند در حالی که وظیفه‌اش شکسته خواندن نماز است چنانچه در وقت نماز متوجه شود باید نماز را اعاده کند و اگر بعد از وقت متوجه شود قضا لازم نیست.

۴. همان، م ۱۳۵۸.

۵. همان، م ۱۳۶۳.

اماکن تخییر

□ مسافر در این مکان‌ها می‌تواند نماز را تمام یا شکسته بخواند:

* مسجد الحرام	* مسجد النبی ﷺ
* مسجد کوفه	* حرم امام حسین ﷺ ^۱

یادآوری:

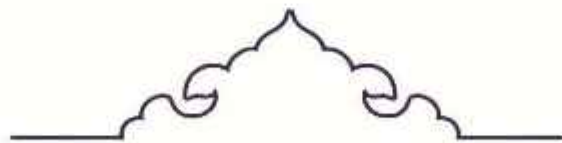
این حکم اختصاص به نماز دارد و مسافر در این مکان‌ها نمی‌تواند روزه بگیرد، به جز در مدینه منوره که سه روز روزه گرفتن برای برآورده شدن حاجت مستحب است، و مسافر هم می‌تواند این روزه‌ها را بجا آورد و احتیاط آن است که روزه‌های چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه باشد.^۲

پرسش

۱. شخصی برای کاری به شهری مسافرت می‌کند و می‌داند که کار او بیش از ده روز طول می‌کشد، ولی پس از گذشت سه روز متوجه می‌شود که پنج روز دیگر، کارش به انجام می‌رسد و از آنجا خواهد رفت، تکلیف نمازهای خوانده شده و پنج روز آینده چیست؟
۲. شخصی به گمان آنکه سفرش کمتر از هشت فرسخ است، نماز را تمام خوانده و پس از نماز متوجه می‌شود که بیش از هشت فرسخ بوده، نمازهای خوانده شده چه حکمی دارد؟
۳. آیا در سفری که نماز شکسته است می‌توان قضای نماز چهار رکعتی خواند؟
۴. شخصی برای زیارت به مشهد می‌رود و قصد ماندن ده روز در آنجا را دارد ولی در بین ده روز به طریقه، شاندیز، طوس و بهشت رضا می‌رود، حکم نماز و روزه وی در این مدت چیست؟

۱. توضیح المسائل، م ۱۳۵۶. در این مسأله تفاوت فتوای زیاد وجود دارد؛ به فتوای برخی از فقها، تمام شهر مکه و مدینه جزو اماکن تخییر است. و برخی فقط در قسمت قدیمی این دو شهر و عده‌ای تنها قسمت قدیمی مسجد را جزو اماکن تخییر می‌دانند و برخی از مراجع این مسأله را قائل نیستند.

۲. همان، م ۱۷۱۸.



نماز قضا

انسان باید نمازهای واجب را در وقت خود بخواند و تأخیر آن جایز نیست و پس از وقت باید آن را به نیت قضا بجا آورد.

موارد نماز قضا

۱. در دو مورد بجا آوردن قضای نماز واجب است:
 - نماز واجب را در وقت آن نخوانده باشد.
 - بعد از وقت متوجه شود نمازی که خوانده، باطل بوده است.^۱

احکام نماز قضا

- ۱. کسی که نماز قضا دارد، نباید در خواندن آن کوتاهی کند، ولی واجب نیست فوری آن را بجا آورد.^۲
- ۲. قضای نمازهای یومیه لازم نیست به ترتیب خوانده شود؛ مثلاً کسی که یک روز

۱. توضیح المسائل، م ۱۳۷۰، ۱۳۷۱.

۲. همان، م ۱۳۷۲. به فتوای برخی از فقها، اگر یک یا دو نماز پیش از نماز همان روز باشد احتیاط آن است که اول نماز قضا را بجا آورد.

نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده، لازم نیست اول نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا کند. ولی در نمازهایی که ادای آنها باید به ترتیب خوانده شود؛ مثل نماز ظهر و عصر یک روز، باید قضای آن را نیز به ترتیب بجا آورد.^۱

۳. نماز قضا را با جماعت می‌توان خواند؛ چه نماز امام جماعت ادا باشد و چه قضا، و لازم نیست هر دو، یک نماز را بخوانند؛ مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.^۲

۴. اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشا از او قضا شود، باید آن را دو رکعتی بجا آورد، اگر چه در غیر سفر بخواند قضای آن را بجا آورد.^۳

۵. در سفر نمی‌توان روزه گرفت، حتی روزه قضا،^۴ ولی نماز قضا می‌توان بجا آورد و تفصیل این مسأله در بحث روزه مسافر خواهد آمد.^۵

۶. اگر در سفر بخواند نمازهایی را که در غیر سفر قضا شده، بجا آورد، باید نمازهای ظهر و عصر و عشا را چهار رکعتی قضا کند.^۶

۷. نماز قضا را در هر وقت می‌توان بجا آورد؛ یعنی قضای نماز صبح را می‌توان ظهر یا شب و قضای نماز مغرب و عشا را در روز خواند.^۷

۸. کسی که نماز قضا دارد، می‌تواند نماز مستحب بخواند.^۸

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۲۵، م ۸؛ توضیح المسائل، م ۱۳۷۵. به فتوای برخی از فقهاء، در صورتی که ترتیب قضا شدن آنها را بداند باید به ترتیب بجا آورد.

۲. توضیح المسائل، م ۱۳۸۸.

۳. همان، م ۱۳۶۸.

۴. روزه گرفتن در سفر در چند مورد استثنا شده و صحیح است که از جمله آنها روزه نذری است به شرط آن که نذر کرده باشد در سفر بگیرد یا روز معینی را نذر کرده روزه بگیرد و آن روز مسافر است.

۵. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة القضاء، ص ۲۲۴، م ۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی صلاة القضاء، ص ۷۳۴، م ۱۰.

۶. توضیح المسائل، م ۱۳۶۸.

۷. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة القضاء، ص ۲۲۳، م ۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی صلاة القضاء، ص ۷۳۴، م ۱۰.

۸. توضیح المسائل، م ۱۳۷۳.

نماز قضای پدر و مادر

۱. تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز خود عاجز باشد، شخص دیگری نمی‌تواند نماز او را بخواند.^۱
۲. پس از مرگ پدر، نمازها و روزه‌هایی را که بجا نیاورده، بر پسر بزرگ‌تر او واجب است آن نمازها و روزه‌ها را قضا کند، هر چند از روی نافرمانی ترک کرده باشد، و احتیاط مستحب است نماز و روزه‌هایی را که از مادرش قضا شده، بجا آورد.^۲
۳. قضای نمازهایی که بر خود میت واجب بوده بر پسر بزرگ او واجب است، و نمازهایی که به واسطه استیجار یا از پدرش بر او واجب شده بر پسر او واجب نیست.^۳
۴. اگر پسر بخواهد نماز پدر یا مادر را بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند؛ مثلاً نماز قضای صبح و مغرب و عشا را باید بلند بخواند.^۴
۵. اگر پس از مرگ پدر، پسر بزرگ‌تر، پیش از آنکه نماز و روزه پدر را قضا کند، از دنیا برود، بر پسر دوم چیزی واجب نیست.^۵

استفتاء

- س ۱. کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد، آیا می‌تواند نماز و روزه استیجاری به عهده بگیرد و در صورت توانستن، آیا از دو نفر هم می‌تواند قبول کند؟
- ج. مانع ندارد.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۱۳۸۷.

۲. همان، م ۱۳۹۰. به فتوای برخی از فقها، نماز قضای مادر نیز بر پسر بزرگ وی واجب است و نمازهایی که پدر از روی نافرمانی ترک کرده بر پسر واجب نیست.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة القضاء، ص ۲۲۷، م ۱۶.

۴. توضیح المسائل، م ۱۳۹۵.

۵. همان، م ۱۳۹۸.

۶. استفتائات، ج ۱، ص ۱۹۲، س ۲۳۲.

س ۲- پدر و مادر من پسری بزرگ‌تر از من داشتند که در سنین کودکی (دو سالگی) مرده است و بعد از مرگ او اولاد ارشد پدر و مادر، من هستم، آیا بعد از مرگ پدر و مادرم طبق مسائل موجود در توضیح المسائل نماز و روزه قضای پدرم بر من (که پسر دوشم هستم) واجب است یا نه؟

ج - در فرض مرقوم، شما پسر بزرگ‌تر هستید.^۱

نماز استیجاری

برای نماز و عبادات دیگر میت، مثل روزه و حج که در زندگی بجا نیاورده، می‌توانند دیگری را اجیر کنند؛ یعنی به او مزد بدهند تا آنها را بجا آورد و اگر کسی بدون مزد هم آنها را انجام دهد صحیح است.^۲

شرایط اجیر

۱. کسی که اجیر می‌شود تا نماز قضای میت را بجا آورد باید شرایط زیر را داشته باشد:

* بتواند نماز را به طور صحیح بخواند.

* مورد اطمینان باشد که نماز را به طور صحیح بجا می‌آورد.

* معذور نباشد، بنابراین کسی که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند نمی‌تواند اجیر شود.

* بنا بر احتیاط واجب با وضوی جبیره یا تیمم نماز نخواند.

* بنا بر احتیاط مستحب بالغ باشد.^۳

□ ۲. اجیر گرفتن کودک ممیز و نیابت او در صورتی که بدانیم نماز را به طور صحیح

می‌خواند، اشکال ندارد، اما احتیاط مستحب است بالغ باشد.^۴

۱. همان، ج ۱، ص ۱۸۷، س ۲۱۸.

۲. توضیح المسائل، م ۱۵۳۳.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة الاستیجار، ص ۲۲۹، م ۴۰۳ و ۵.

۴. همان.

۳. زن می‌تواند برای بجای آوردن نماز مردی که از دنیا رفته اجیر شود و همچنین مرد می‌تواند برای بجای آوردن نماز زن اجیر شود.^۱

وظایف اجیر

۱. در نیت نماز، میت را معین کند ولی لازم نیست اسم او را بداند، پس اگر نیت کند که از طرف کسی نماز می‌خوانم که برای او اجیر شده‌ام کافی است.^۲
۲. اجیر باید خود را به جای میت فرض کند، و عبادت‌های او را قضا کند و اگر عملی را انجام دهد و ثواب آن را برای او هدیه کند کافی نیست.^۳
۳. نایب در آهسته یا بلند خواندن نماز، مطابق وظیفه خود عمل می‌کند، پس اگر مردی به نیابت زنی نماز می‌خواند باید حمد و سوره نماز صبح، مغرب و عشا را بلند بخواند.^۴
- ۴. لازم نیست قضای نمازهای میت به ترتیب خوانده شود، هر چند بدانند که میت ترتیب نمازهای خود را می‌دانسته، مگر نمازهایی که شرعاً ترتیب در آنها شرط است، مثل نماز قضای ظهر و عصر یک روز که نمی‌توان قضای عصر آن روز را پیش از قضای ظهر خواند.^۵
۵. اگر با کسی که اجیر می‌شود شرط کنند تا نمازهای میت را با مقداری از مستحبات آن بخواند، باید مقداری از مستحبات نماز را که معمول است بجا آورد.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۴۲.

۲. همان، م ۱۵۳۶.

۳. همان، م ۱۵۳۷.

۴. همان، م ۱۵۴۲.

۵. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة القضاء، ص ۲۲۵، م ۸: توضیح المسائل، م ۱۵۴۳. به فتوای برخی از فقها، اگر بدانند نمازهای میت به ترتیب قضا شده ترتیب را در قضای آنها نیز مراعات کنند.

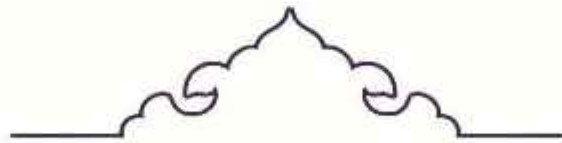
۶. توضیح المسائل، م ۱۵۴۵.

۶. اگر با اجیر برای بجای آوردن نمازهای میت، مدت را معین کنند، مثلاً شش ماه یا یک سال و در آن مدت نمازها را نخواند، بعد از آن بدون اجازه کسی که او را اجیر کرده نمی تواند نمازها را بخواند و چنانچه بخواند، استحقاق اجرت ندارد.^۱

کجه پرسش

۱. در حادثه ای پدر و پسر بزرگ او فوت می کنند، آیا نماز قضای پدر، بر پسر بعدی او واجب است؟
۲. اگر پسر بخواند در مسافرت نماز قضای پدر را بجا آورد، باید تمام بخواند یا شکسته؟
۳. اگر کودکی نماز قضای پدرش را بجا آورد کفایت می کند یا نه؟
۴. شخصی برای بجای آوردن نمازهای قضای میت اجیر شده ولی اسم او را فراموش کرده، تکلیف چیست؟
۵. کسی که اول وقت نماز در وطن بوده و سپس به سفر رفته و فراموش کرده نماز ظهر و عصر را بخواند قضای نماز را باید تمام بخواند یا شکسته؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة الاستیجار، ص ۲۳۰، م ۱۰.



نماز جماعت (۱)

«قال رسول الله ﷺ: «صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! صَلَاةُ يَوْمٍ؟ قَالَ ﷺ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ»^۱

«پیامبر اکرم ﷺ فرمود: یک نماز با جماعت، بهتر از چهل سال نماز فرادا در خانه است. پرسیدند: آیا یک روز نماز؟ فرمود: بلکه یک نماز».

وحدت امت اسلامی از مسائلی است که اسلام به آن اهمیت بسیار داده است و برای حفظ و ادامه آن، برنامه‌های ویژه‌ای دارد که یکی از آنها نماز جماعت است. نماز جماعت تجلی وحدت مسلمانان و تشکل آنان در هر صبح و شام است. در روایات اسلامی برای شرکت در نماز جماعت، ثواب بسیاری شمرده شده است، تا جایی که اگر تعداد نمازگزاران، بیش از ده نفر باشد، ثواب آن قابل شمارش نیست.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۶۶.

اهمیت نماز جماعت

گذشته از آنکه در روایات، برای نماز جماعت اجر و پاداش بسیاری وارد شده است، با دقت در برخی از مسائل فقهی، به اهمیت این عبادت پی می‌بریم و در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. مستحب است نمازهای واجب، به خصوص نمازهای یومیه را به جماعت بخوانند.

۲. شرکت در نماز جماعت برای هر کس مستحب است، به ویژه برای همسایه مسجد.

۳. سزاوار نیست انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

۴. حاضر نشدن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنائی، جایز نیست.

۵. مستحب است، انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

□ ۶. نماز جماعت، هر چند اول وقت خوانده نشود، از نماز فردای اول وقت بهتر است.^۱

۷. نماز جماعتی که مختصر خوانده می‌شود، از نماز فردای طولانی بهتر است.

۸. وقتی که جماعت برپا می‌شود، مستحب است کسی که نمازش را فردا خوانده دوباره به جماعت بخواند.

□ ۹. امام یا مأوم می‌تواند نمازی را که به جماعت خوانده، دوباره به جماعت بخواند، در صورتی که جماعت دوم و اشخاص آن غیر از جماعت اول باشند.^۲

۱. به فتوای برخی از فقها در صورتی جماعت دیر وقت از نماز فردای افضل است که نماز جماعت بعد از وقت فضیلت خوانده نشود.

۲. توضیح المسائل، م ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴. به فتوای برخی از فقها، امام جماعت نمی‌تواند یک نماز را دو بار امامت کند ولی اگر یک بار فردا خوانده، بار دیگر می‌تواند همان نماز را امامت کند.

استفتاء

س. اگر کسی در نماز جماعت توجه کافی نداشته باشد ولی در منزل و به طور فرادا نمازش از توجه بیشتری برخوردار باشد، آیا می‌تواند به جای جماعت، در منزل نماز بخواند؟
ج. مانع ندارد و جماعت بهتر است.^۱

شرایط نماز جماعت

- در نماز جماعت، شرایط زیر باید مراعات شود:
- مأموم از امام جلو تر نبایستد و بنا بر احتیاط واجب باید کمی عقب تر بایستد.
 - جایگاه امام جماعت از جایگاه مأمومین بالاتر نباشد.
 - فاصله امام و مأموم و فاصله صف‌ها، زیاد نباشد. یعنی بیش از یک گام نباشد.
 - بین امام و مأموم و همچنین بین صف‌ها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد، ولی نصب پرده بین صف مردها و زن‌ها اشکال ندارد.^۲

توضیح:

مأمومین باید با امام جماعت مرتبط باشند. ارتباط آنها یا بدون واسطه است که بین امام و مأموم نباید بیش از یک گام فاصله باشد؛ یعنی از محل سجده مأموم تا محل ایستادن امام، یا با واسطه سایر مأمومین که از جلو یا سمت راست یا چپ باید این ارتباط برقرار باشد، و این ارتباط دو شرط دارد:

* بین نمازگزار و صف جلو یا کسی که طرف راست یا چپ او قرار دارد، بیش از یک گام فاصله نباشد.

* اگر در صف اول ایستاده است، نباید مقابل او مانعی باشد که نتواند امام جماعت را ببیند، پس اگر امام جماعت در محراب باشد، کسانی که دو طرف محراب پشت دیوار

۱. استفتائات، ج ۱، ص ۲۷۷، س ۴۷۶.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، فی شرائط الجماعة، صص ۷۷۷ و ۷۷۸، فصل ۴۶؛ توضیح المسائل، م ۱۴۱۵، ۱۴۳۲ و ۱۴۳۳.

می ایستند و امام جماعت را نمی بینند، نمی توانند اقتدا کنند. ولی اگر مانعی در کار نباشد و به جهت طولانی بودن صف، امام جماعت را نبینند، اشکال ندارد.

□ اگر در صفوف بعدی ایستاده است، باید مانعی از دیدن صف جلوی خودش وجود نداشته باشد، پس اگر صفوف جماعت تا در شبستان برسد، کسی که بیرون شبستان مقابل در ایستاده که صف جلو را می بیند و کسانی که پشت سر او ایستاده اند نمازشان صحیح است ولی کسانی که دو طرف پشت دیوار ایستاده اند و از صف جلو، کسی (حتی یک نفر) را نمی بینند، نمازشان باطل است.^۱

استفتاء

س. طبقه دوم مسجد، مأمومین زن یا مرد اقتدا می نمایند و لبه این طبقه یک دیوار نیم متری وجود دارد، آیا وجود این دیوار ضرری به جماعت آنها می زند یا خیر؟
ج. اشکال ندارد.^۲

شرایط امام جماعت

□ امام جماعت باید این شرایط را دارا باشد:

- بلوغ و عقل؛
- عدالت؛^۳
- مرد بودن؛
- صحیح خواندن نماز؛

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۱۱ تا ۱۴۱۴ و ۱۴۳۵ و ۱۴۳۶. به فتوای برخی از فقها، اگر اتصال برقرار باشد جماعت اشکال ندارد.

۲. استفتائات، ج ۱، ص ۲۸۳، س ۴۹۸.

۳. به درس ۲ مراجعه شود.

- مسلوس و مبطلون^۱ نبودن، بنا بر احتیاط واجب؛
- نداشتن بیماری خوره یا پیسی، بنا بر احتیاط واجب؛
- با لباس نجس نماز نخواندن، بنا بر احتیاط واجب؛^۲

چند مسأله

۱. کسی که ایستاده نماز می خواند نمی تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می خواند اقتدا کند.^۳
- ۲. اگر امام جماعت به واسطه عذری با تیمم یا با وضوی جبیره ای نماز بخواند، می شود به او اقتدا کرد.^۴
- ۳. اگر امام جماعت به واسطه عذری با لباس نجس نماز می خواند، بنا بر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد.^۵

استفتاء

- س ۱. آیا مأمومی که قرائتش فصیح تر از امام جماعت است، می تواند برای نماز جماعت به این امام اقتدا کند؟
- ج. اقتدا صحیح است.^۶
- س ۲. آیا می شود به مأمومی که در نماز چهار رکعتی دو رکعت آن را به جماعت خوانده و دو رکعت باقی مانده را فرادا می خواند اقتدا کرد؟
- ج. مانع ندارد.^۷

۱. مسلوس کسی است که کنترل ادرار ندارد و مبطلون کسی است که مدفوع را نمی تواند کنترل کند.
 ۲. توضیح المسائل، م ۱۴۵۳، ۱۴۵۵، ۱۴۵۷ تا ۱۴۵۹. به فتوای برخی از فقها، مرد بودن جزو شرایط امام جماعت نیست، بلکه زن نیز می تواند با وجود سایر شرایط برای زنان امامت کند و به فتوای برخی نیز امامت بجه ممیز اشکال ندارد.
 ۳. توضیح المسائل، م ۱۴۵۵.
 ۴. همان، م ۱۴۵۷.
 ۵. همان. به فتوای برخی از فقها اقتدای به او اشکال ندارد.
 ۶. استفتائات، ج ۱، ص ۲۸۰، س ۴۸۹.
 ۷. همان، ص ۲۹۴، س ۵۳۷. به فتوای برخی از فقها، اقتدا به چنین فردی جایز نیست.

پرسش

۱. در چه صورتی شرکت نکردن در نماز جماعت حرام است؟
۲. وجود مانع بین صفوف نماز جماعت در چه صورتی به جماعت ضرر نمی زند؟
۳. شرایط نماز جماعت از نظر جایگاه امام و مأوم چیست؟
۴. نماز کسانی که در نماز جماعت حتی یک نفر از صف جلوی خود را نمی بینند، چه حکمی دارد؟
۵. آیا کسی که دستش مجروح شده است و با وضوی جبیره‌ای نماز می خواند، می تواند امام جماعت باشد؟

نماز جماعت (۲)

نمازها و حالت‌های مختلفی که جماعت صحیح است

توضیح	نماز مأموم	نماز امام جماعت	
هر کدام از نمازهای یومیه را می‌توان به دیگری اقتدا کرد؛ مثلاً نماز ظهر را به عصر ^۱	ادای یومیه	ادای یومیه	۱
هر چند هماهنگ نباشد، مثلاً امام جماعت قضای ظهر را می‌خواند و مأموم قضای صبح را ^۲	قضای یومیه	قضای یومیه	۲
هر کدام از قضای یومیه را می‌توان به نماز ادا اقتدا کرد؛ مثلاً نماز قضای صبح را به ادای ظهر ^۳	قضای یومیه	ادای یومیه	۳
هر کدام که باشد، هر چند هماهنگ نباشد	ادای یومیه	قضای یومیه	۴
هر چند آیات متحد نباشد؛ مثلاً یکی نماز برای زلزله می‌خواند، دیگری برای صاعقه ^۴	آیات	آیات	۵
□ به قصد رجاء در زمان غیبت اشکال ندارد ^۵	عیدین	عیدین	۶
صحیح، ولی مکروه است؛ یعنی ثوابش کمتر است.	شکسته	تمام	۷
	تمام	شکسته	۸
صحیح است. ^۶	میت	میت	۹

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۰۸.

۲. همان، م ۱۳۸۸ و ۱۴۰۹.

۳. همان، م ۱۳۸۸.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، القول فی صلاة الآیات، م ۱۲.

۵. توضیح المسائل، م ۱۴۰۷. به فتوای برخی از فقها خواندن نماز عیدین به جماعت صحیح است و قصد رجاء لازم نیست.

۶. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، القول فی الصلاة علی الميت، ص ۷۹.

مسأله

اگر امام جماعت نماز قضای یومیه خود یا دیگری را می‌خواند، در صورتی که نماز قضای قطعی باشد اقتدای به او اشکال ندارد ولی در صورتی که احتیاطاً نماز را قضا می‌کند، اقتدای به او اشکال دارد، اما مأموم می‌تواند نماز قضای احتیاطی را به امام جماعت اقتدا کند.^۱

مواردی که نماز جماعت صحیح نیست

۱. نمازهای مستحب به جماعت صحیح نیست، به جز نماز طلب باران و نمازهای واجب که به جهتی مستحب شده است؛ مانند نماز عیدین در زمان غیبت، که به قصد رجاء به جماعت صحیح است.
۲. هیچکدام از نمازهای یومیه را نمی‌توان به نمازهای آیات، اموات و احتیاط، اقتدا کرد و عکس آن نیز صحیح نیست.^۲
- ۳. صحیح بودن نماز طواف نیز به جماعت، محل اشکال است.^۳
۴. اگر انسان نداند نمازی را که امام جماعت می‌خواند نماز واجب یومیه است یا نماز مستحب، نمی‌تواند به او اقتدا کند.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۰۹.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، صص ۷۶۵ و ۷۶۶، کتاب الصلاة، فصل فی صلاة الجماعة، م ۴ و ۶. برخی از فقها، نماز طواف را به جماعت صحیح می‌دانند.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی صلاة الجماعة، ص ۲۶۵، م ۱.

۴. توضیح المسائل، م ۱۴۱۰.

اقتدا به امام جماعت

□ رکعت اول

۱. در بین قرائت ← مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و بقیه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد

۲. در رکوع ← رکوع و بقیه اعمال را با امام جماعت بجا می‌آورد.^۱

□ رکعت دوم

۱. در بین قرائت ← مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و با امام، قنوت و رکوع و سجده را بجا می‌آورد و آنگاه که امام جماعت تشهد می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب باید به صورت نیم‌خیز، بنشیند؛ اگر نماز دو رکعتی است یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوم که امام جماعت در رکعت سوم است، حمد و سوره بخواند (هر چند امام جماعت تسبیحات بخواند) و آنگاه که امام جماعت رکعت سوم را تمام کرد و برای رکعت چهارم برمی‌خیزد، مأموم باید پس از دو سجده، تشهد بخواند و برخیزد و حمد یا تسبیحات را بخواند و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد یک رکعت دیگر می‌خواند.^۲

۲. در رکوع: ← رکوع را با امام جماعت بجا می‌آورد و بقیه نماز را همان گونه که گفته شد، انجام می‌دهد.

۳. در قنوت: ← قنوت را با امام جماعت می‌خواند و همانند آنچه برای اقتدای در بین قرائت گفته شد، عمل می‌کند.

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۲۷.

۲. همان، م ۱۴۳۹ و ۱۴۴۰.

□ رکعت سوم

۱. در بین حمد یا تسبیحات ← چنانچه می‌داند که اگر اقتدا کند برای خواندن حمد و سوره یا حمد تنها وقت دارد، می‌تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره یا حمد را بخواند، و اگر می‌داند فرصت ندارد، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.
۲. در رکوع ← چنانچه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام جماعت بجا می‌آورد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است، و بقیه نماز را همان گونه که قبلاً بیان شد بجا می‌آورد.^۱

□ رکعت چهارم

۱. در بین حمد یا تسبیحات ← حکم اقتدا در رکعت سوم را دارد، و آنگاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تشهد و سلام می‌نشیند، مأوم می‌تواند برخیزد و نمازش را به تنهایی ادامه دهد و می‌تواند نیم خیز بنشیند تا تشهد و سلام امام جماعت تمام شود و سپس برخیزد.
۲. در رکوع ← رکوع و سجده‌ها را با امام بجا می‌آورد (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اول مأوم است) و بقیه نماز را همان گونه که گذشت انجام می‌دهد.^۲

اقتدا در رکوع

اگر مأوم، موقعی که امام جماعت در رکوع است اقتدا کند، ممکن است یکی از این حالت‌ها را داشته باشد:

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۴۲ و ۱۴۴۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی احکام الجماعة، صص ۲۷۱ و ۲۷۲، م ۵،

۸۰۶.

۲. همان.

* قبل از تمام شدن ذکر رکوع امام جماعت به رکوع برسد ← نمازش به جماعت صحیح است.

* وقتی به حد رکوع رسید، ذکر رکوع امام جماعت تمام شده ولی هنوز امام در رکوع است ← نمازش به جماعت صحیح است.

□ * به رکوع رود ولی به رکوع امام هم نرسد ← نمازش به طور فردی صحیح است و باید آن را تمام کند.^۱

* به رکوع رود و شک کند به رکوع امام جماعت رسیده یا نه ← نمازش به طور فردی صحیح است و باید آن را تمام کند.^۲

* پیش از آنکه به اندازه رکوع خم شود امام جماعت سر از رکوع بردارد ← می تواند نیت فرادا کند و خودش نماز را بخواند یا صبر کند تا امام جماعت برای رکعت بعد برخیزد و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند. ولی اگر نماز امام زیاد طول بکشد که نگویند این شخص نماز جماعت می خواند باید نیت فرادا کند.^۳

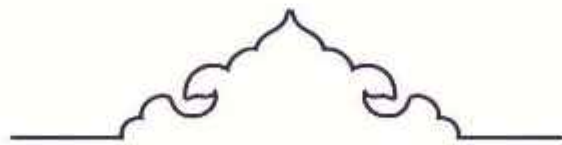
پرسش

۱. کدامیک از نمازهای مستحب را می توان به جماعت خواند؟
۲. اگر مأموم تکبیرة الاحرام بگوید و به رکوع برود و شک کند رکوع امام جماعت را درک کرد یا نه نمازش چه حکمی دارد؟
۳. اگر مأموم در نماز متوجه شود امام جماعت مشغول خواندن نافله است تکلیفش چیست؟
۴. کدامیک از نمازهای واجب را نمی توان به جماعت خواند؟

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۲۷. به فتوای برخی از فقها، در این صورت نمازش باطل است.

۲. همان، م ۱۴۲۸.

۳. همان، م ۱۴۲۹.



نماز جماعت (۳)

وظیفه مأوم در نماز جماعت

۱. مأوم نباید تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید، بلکه بنا بر احتیاط واجب تا تکبیر امام تمام نشده، نباید تکبیر بگوید.^۱
۲. مأوم باید غیر از حمد و سوره، همه چیز نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اول یا دوم او رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند و چنانچه فرصت نکند باید حمد را بخواند و سوره را نمی خواند.^۲

چگونگی پیروی مأوم از امام جماعت

- * در احوال؛ مانند ذکر رکوع یا سجده یا تسبیحات اربعه یا تشهد، جلوافتادن از امام یا عقب افتادن از او اشکال ندارد، مگر در تکبیره الاحرام.
- * در اعمال؛ مانند رکوع، سر برداشتن از رکوع و سجده، پیش افتادن جایز نیست، پس اگر عمداً قبل از امام به رکوع برود یا از رکوع برخیزد، یا به سجده برود معصیت کرده،

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۶۷.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی احکام الجماعه، ص ۲۷۵، م ۵؛ توضیح المسائل، م ۱۴۶۱.

اگرچه نمازش صحیح است، ولی عقب افتادن از امام جماعت اگر زیاد نباشد اشکال ندارد.^۱

۱. به رکوع رود ← واجب است برخیزد و با امام جماعت به رکوع برود.

۲. از رکوع برخیزد ← چنانچه امام در رکوع باشد باید به رکوع برگردد و با امام سر از رکوع بردارد و در این دو صورت زیاد شدن رکوع که رکن است، نماز را باطل نمی‌کند.

۳. به سجده رود ← واجب است، سر از سجده بردارد و با امام به سجده رود.

۴. سر از سجده بردارد ← باید به سجده برگردد.

اگر مأموم، سهواً پیش از امام:

در هر صورت اگر از امام تبعیت نکند؛ مثلاً اگر پیش از امام جماعت به رکوع رفته، در حال رکوع بماند تا امام جماعت به رکوع برود، نمازش باطل نیست ولی احتیاط مستحب است نماز را اعاده کند.^۲

دو مسأله

۱. اگر مأموم سهواً پیش از امام جماعت سر از رکوع بردارد و دوباره به رکوع برگردد، اما پیش از آنکه به رکوع برسد، امام سر بردارد، نمازش باطل است.^۳
۲. اگر مأموم سهواً پیش از امام جماعت سر از سجده بردارد و دوباره به سجده برگردد و هنوز به سجده نرسیده، امام سر بردارد، نمازش صحیح است، ولی اگر در هر

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۶۷، ۱۴۶۹ و ۱۴۷۰، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۸۵، م ۷. به فتوای برخی از فقها، سلام را جلوتر

از امام نباید بگوید و در اعمال نماز نیز اگر عمداً از امام جماعت جلو بیفتد نمازش باطل است.

۲. همان، م ۱۴۷۱، ۱۴۷۲ و ۱۴۷۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۸۶، م ۱۲.

۳. همان، م ۱۴۷۱.

دوسجده این اتفاق بیفتد، نمازش باطل است.^۱

احکام نماز جماعت

۱. اگر جای مأموم بلندتر از امام باشد، در صورتی که بلندی آن به مقدار متعارف باشد، اشکال ندارد؛ مثل آنکه امام در صحن مسجد و مأموم در پشت بام به نماز بایستد، ولی اگر مثل ساختمان‌های چند طبقه این زمان باشد، جماعت اشکال دارد.^۲

□ ۲. اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند، بچه ممیز، یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد، فاصله شود و فاصله بیش از یک گام باشد و:

- می‌دانند نماز او صحیح است ← می‌توانند اقتدا کنند.
- می‌دانند نماز او باطل است ← نمی‌توانند اقتدا کنند.
- نمی‌دانند نمازش صحیح است یا باطل ← می‌توانند اقتدا کنند.^۳

۳. بعد از تکبیر امام جماعت، اگر صف جلو آماده نماز و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد، کسی که در صف بعد ایستاده، می‌تواند تکبیر بگوید.^۴

۴. اگر نماز کسانی که در صف جلو هستند تمام شود یا نیت فرادا کنند، اگر فاصله به اندازه یک قدم بزرگ نباشد، نماز صف بعد به طور جماعت صحیح است و اگر بیشتر از این مقدار باشد، نماز آنان فرادا می‌شود و صحیح است.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۷۳.

۲. همان، م ۱۴۱۶.

۳. همان، م ۱۴۱۷. به فتوای برخی از فقها، در صورتی که بدانند نماز کودک صحیح است اشکال ندارد ولی اگر شک داشته باشند یا بدانند نمازش صحیح نیست و فاصله زیاد باشد، اقتدا صحیح نیست.

۴. همان، م ۱۴۱۸.

۵. همان، م ۱۴۳۸.

۵. اگر امام ایستاده باشد و مأموم نداند که در کدام رکعت است، می تواند اقتدا کند، ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و چنانچه بعد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده، نمازش صحیح است.^۱

استفتاء

س. در صف جماعت اگر در یک صف یا صف ها بین مردان که در یک طرف قرار دارند و زنان که در طرف دیگرند، حجابی نباشد، آیا نماز آنها اشکال ندارد؟
ج. اشکال ندارد.^۲

برخی از آداب نماز جماعت

۱. مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و تقوا در صف اول بایستند.

۲. مستحب است صف های جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده اند، فاصله نباشد.

۳. مستحب است بعد از گفتن «قد قامت الصلاة» مأمومین برخیزند.

۴. مستحب است امام جماعت حال ضعیف ترین مأموم را رعایت کند و عجله نکند، تا افراد ضعیف برسند و قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد، مگر آنکه بداند همه مأمومین به طولانی شدن مایلند.

۵. اگر در صف های جماعت جا باشد، مکروه است مأموم تنها بایستد.

۶. مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.^۳

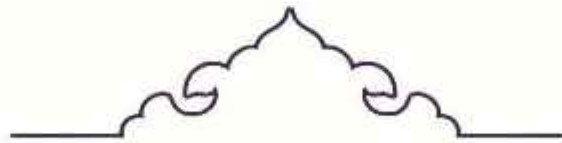
۱. توضیح المسائل، م ۱۴۴۶.

۲. استفتائات، ج ۱، ص ۲۸۰، س ۴۹۰. به فتوای برخی از فقها وجود پرده لازم است.

۳. توضیح المسائل، صص ۱۹۷ و ۱۹۸.

پرسش

۱. در رکعت سوّم و چهارم نماز چه وقت می‌توان اقتدا کرد؟
۲. تقدّم و تأخر از امام جماعت در افعال نماز چه حکمی دارد؟
۳. اگر نماز نمازگزاران صف جلو فرادا شود، نماز افراد در صف‌های بعد چه حکمی دارد؟
۴. اگر انسان به نماز جماعت حاضر شود و نداند رکعت چندم است، آیا می‌تواند اقتدا کند؟



نماز جمعه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.^۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز جمعه ندا داده می‌شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را رها کنید، اگر بدانید، این برای شما بهتر است.»

□ یکی از اجتماعات هفتگی مسلمانان، نماز جمعه است و نمازگزاران در روز جمعه می‌توانند به جای نماز ظهر، نماز جمعه بخوانند.^۲

اهمیت نماز جمعه

امام خمینی ره در اهمیت نماز جمعه چنین نگاشته‌اند:

«نماز جمعه و دو خطبه آن، مانند حج و نماز عید فطر و قربان، از مراسم بزرگ مسلمانان است، ولی متأسفانه، مسلمانان از وظایف مهم سیاسی این عبادت، غافل

۱. جمعه: ۹.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، البحث فی صلاة الجمعة، ص ۲۳۱، م ۱. به فتوای برخی از فقها، بنا بر احتیاط خواندن نماز ظهر نیز لازم است.

و ناآگاه‌اند، در حالی که انسان، با اندک مطالعه و دقت در احکام کشوری، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام درمی‌یابد که اسلام دین سیاست است و کسی که دین را از سیاست جدا می‌داند، نادانی است که نه اسلام را می‌شناسد و نه سیاست را.^۱

وقت نماز جمعه

□ وقت نماز جمعه، اول ظهر است و احتیاط واجب آن است که از اوایل وقت تأخیر نیشدازند.^۲

چگونگی نماز جمعه

□ واجبات:

نماز جمعه دو رکعت است؛ مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه، قبل از نماز ایراد می‌شود.^۳

□ مستحبات:

۱. خواندن حمد و سوره با صدای بلند (توسط امام جمعه).
۲. خواندن سوره «جمعه» بعد از حمد، در رکعت اول (توسط امام جمعه).
۳. خواندن سوره «منافقون» پس از حمد، در رکعت دوم (توسط امام جمعه).
۴. خواندن دو قنوت؛ یکی در رکعت اول پیش از رکوع، دیگری در رکعت دوم پس از رکوع.^۴

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شرایط صلاة الجمعة، ص ۲۳۴، م ۹.

۲. توضیح المسائل، م ۷۳۴. به فتوای برخی از فقها وقت نماز جمعه از ظهر تا یک ساعت (۱/۳) است و به فتوای

برخی به اندازه اذان و ایراد خطبه‌ها و خواندن نماز به طور متعارف است.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، فروع تلحق بصلاة الجمعة، الخامس.

۴. همان.

شرایط نماز جمعه

۱. باید به جماعت برگزار شود و افراداً صحیح نیست؛ بنابراین تمام شرایطی که در نماز جماعت باید رعایت شود، در نماز جمعه هم معتبر است؛ مثل اتصال صفوف.
۲. حداقل تعداد افراد برای برپایی نماز جمعه پنج نفر است؛ یک نفر امام و چهار نفر مأموم.
۳. پیش از نماز دو خطبه خوانده شود.
۴. بین دو نماز جمعه، حداقل باید یک فرسخ فاصله باشد.^۱

وظیفه امام جمعه هنگام ایراد خطبه‌ها

۱. باید ایستاده خطبه بخواند.
 ۲. بنا بر احتیاط واجب، با صدای بلند خطبه بخواند؛ به طوری که همه شرکت‌کنندگان بشنوند و می‌تواند از بلندگو استفاده کند.
 ۳. باید بین دو خطبه کمی بنشیند.
 ۴. مستحب است:
- * عمامه بر سر بگذارد؛
 - * نظیف‌ترین لباس‌ها را بپوشد و خود را معطر کند؛
 - * در آغاز خطبه به مستمعین سلام کند؛
 - * روبه مردم باشد؛
 - * بر چوب یا عصا یا شمشیری تکیه کند؛
 - * هنگام ایراد خطبه نیز با طهارت باشد.^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شرایط صلاة الجمعة، ص ۲۳۱، الرابع.

۲. توضیح المسائل، م ۱۲ - ۱۴.

محتوای خطبه‌ها

خطبه اول:

۱. حمد و سپس ثنای الهی را بجا آورد.
۲. صلوات بر پیامبر و آل او بفرستد (بنا بر احتیاط واجب).
۳. مردم را به تقوا توصیه کند.
۴. سوره کوتاهی از قرآن بخواند.

خطبه دوم:

۱. حمد و سپاس الهی را بجا آورد.
۲. بر پیامبر و آل او صلوات بفرستد.
۳. مردم را به تقوا توصیه کند (بنا بر احتیاط واجب).
۴. سوره کوتاهی از قرآن بخواند (بنا بر احتیاط واجب).
۵. برائمه مسلمین علیهم‌السلام درود بفرستد و برای مردان و زنان مؤمن طلب آمرزش کند (بنا بر احتیاط مستحب).^۱

سزاوارست این مطالب را نیز بگویند:

۱. آنچه مسلمانان در زندگی دنیا و آخرت به آن نیاز دارند.
۲. آنچه در جهان می‌گذرد و به سود و زیان مسلمانان است.
۳. مسائل سیاسی و اقتصادی که در استقلال و آزادی آنان دخالت دارد و چگونگی رفتار آنها با سایر ملت‌ها.
۴. دخالت دولت‌های ستمگر و استعمارگر در امور سیاسی و اقتصادی مسلمانان که منجر به بهره‌کشی از آنان می‌شود.^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلاة، القول فی شرائط صلاة الجمعة، م ۷.

۲. همان، القول فی شرائط صلاة الجمعة، صص ۲۳۳ و ۲۳۴، م ۸، ۷، ۹.

ویژگی های امام جمعه

سزاوار است امام جمعه این ویژگی ها را داشته باشد:

* خطیب بلیغ باشد و مقتضای حال را با عبارت های فصیح و خالی از پیچیدگی بیان کند.

* نسبت به آنچه در کشورهای اسلامی به ویژه کشور خودش می گذرد، آشنا باشد.

* مصالح اسلام و مسلمین را بداند.

* شجاع باشد و سرزنش هیچ کس او را از طریق الهی باز ندارد.

* در اظهار حق و ابطال باطل صریح باشد.

* آنچه سبب تأثیر کلامش در نفوس می شود، مراعات کند؛ از جمله:

* در شکل و شمایل صالحان باشد.

* کردارش با موعظه هایش هماهنگ باشد.

* از آنچه سبب می شود دیگران او را سرزنش یا کلامش را مسخره کنند، حتی زیاد

حرف زدن و مزاح کردن پرهیزد و همه این ها را برای رضای خدا و به دور از حب

دنیا و ریاست مراعات کند.^۱

وظیفه نمازگزاران جمعه

۱. واجب است نمازگزاران به خطبه ها گوش دهند.

۲. احتیاط مستحب است از سخن گفتن پرهیزند و چنانچه سخن گفتن، سبب از بین رفتن فایده خطبه ها و یا گوش ندادن به آنها شود، ترک آن واجب است.

۳. احتیاط مستحب است، شنوندگان هنگام ایراد خطبه ها، رو به امام جمعه بنشینند و بیش از مقداری که در نماز اجازه داده شده، به اطراف نگاه نکنند.^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۵، م ۱۴.

۲. همان.

پرسش

۱. تفاوت نماز جمعه با نماز ظهر چیست؟
۲. شرایط نماز جمعه علاوه بر شرایط نماز جماعت چیست؟
۳. چه چیزی در هر دو خطبه باید خوانده شود؟
۴. داشتن چه آگاهی‌هایی برای امام جمعه شایسته است؟
۵. بر امام جمعه و نمازگزاران هنگام ایراد خطبه‌ها چه چیزهایی واجب است؟
۶. اگر به رکعت دوم نماز جمعه برسیم، برای اقتدا تکلیف چیست؟ آیا خواندن نماز ظهر لازم است؟

نماز آیات، نماز بر میت

نماز آیات

وقتی خورشید یا ماه بگیرد یا زلزله ای رخ دهد، نماز آیات واجب است، هر چند هیچ کس نترسد.

اگر حوادث دیگر طبیعی، مثلاً صاعقه شود یا بادهای زرد و سرخ بوزد و بیشتر مردم بترسند، واجب است همگی روبه سوی خدا کرده و دو رکعت نماز، که نامش «آیات» است بخوانند. گزاردن چنین نمازی، کنایه از این است که این گونه حوادث نشانه‌هایی از قدرت الهی و نظم و حساب دقیق عالم طبیعی است.

خواندن این نماز، انسان را از خرافات و خیال‌های پیهوده باز می‌دارد و متوجه آفریدگار هستی می‌کند و همچنین سبب آرامش دل‌ها و فرونشستن ترس می‌شود.

اسباب وجوب نماز آیات

- | | | |
|-------------------------|---|------------------------|
| هر چند کسی از آن نترسد. | { | * زلزله |
| | | * خسوف (ماه گرفتگی) |
| | | * کسوف (خورشید گرفتگی) |

* زعد و برق و بادهای زرد و سرخ و سیاه و مانند آن. اگر بیشتر مردم بترسند.^۱

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۹۱: تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة الآیات، م ۱.

چگونگی نماز آیات

۱. نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد.
۲. در نماز آیات، قبل از هر رکوع، سوره حمد و سوره دیگری از قرآن خوانده می‌شود، که در این صورت، در دو رکعت، ده حمد و ده سوره خوانده می‌شود. ولی می‌توان یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از هر رکوع یک قسمت از آن را خواند، که در این صورت، در دو رکعت دو حمد و دو سوره خوانده می‌شود.^۱
- در اینجا با تقسیم سوره «اخلاص» چگونگی نماز آیات مختصراً می‌آوریم:

* رکعت اول

- حمد و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ← رکوع.
- «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ← رکوع.
- «اللَّهُ الصَّمَدُ» ← رکوع.
- «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» ← رکوع.
- «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» ← رکوع.

و سپس سجده‌ها را بجا آورده، برای رکعت دوم برمی‌خیزد.

* رکعت دوم

- رکعت دوم را نیز مانند رکعت اول بجا می‌آورد و سپس با تشهد و سلام، نماز را به پایان می‌برد.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۰۷ و ۱۵۰۸.

۲. همان، م ۱۵۰۸. به فتوای برخی از فقها، گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» به تنهایی کافی نیست، بلکه باید بخشی از سوره را نیز بخواند. و به فتوای برخی از فقها، خواندن کمتر از یک آیه هم اشکال ندارد ولی برخی جمله کامل بودن را شرط نمی‌دانند؛ هر چند یک آیه کامل نباشد.

وقت نماز آیات

۱. خورشید یا ماه گرفتگی ← از شروع گرفتگی تا شروع به باز شدن.
۲. سایر آیات، مثل زلزله و رعد و برق ← وقت معین ندارد و همیشه ادا است.^۱

احکام نماز آیات

۱. اگر یکی از سبب‌های نماز آیات در شهری اتفاق بیفتد، فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست.^۲
۲. اگر در یک رکعت از نماز آیات، پنج مرتبه حمد و پنج سوره خوانده شود و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند صحیح است. نماز آیات را به گونه‌های دیگر نیز می‌توان خواند که در کتاب‌های مفصل فقهی آمده است.^۳
۳. مستحب است پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر فقط یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند کافی است.^۴
۴. هر یک از رکوع‌های نماز آیات رکن است، که اگر عمداً یا سهواً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.^۵
۵. نماز آیات را می‌توان به جماعت خواند، که در این صورت حمد و سوره‌ها را تنها امام جماعت می‌خواند.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۹۵ و ۱۴۹۸.

۲. همان، م ۱۴۹۴.

۳. همان، م ۱۵۰۹؛ العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی صلاة الآیات، ص ۷۲۷، م ۱.

۴. همان، م ۱۵۱۲.

۵. همان، م ۱۵۱۵.

۶. العروة الوثقی، فصل فی صلاة الآیات، ج ۱، ص ۷۳۰، م ۱۳.

۶. مأموم در هر رکعت از نماز آیات، وقتی که امام جماعت در رکوع اول است می‌تواند اقتدا کند، و پس از آن، اقتدا صحیح نیست.^۱

۷ - اگر سبب وجوب نماز آیات تکرار شود، باید به تعداد همه آنها نماز آیات خوانده شود، مثلاً چندین بار زلزله شود.^۲

نماز بر میت

پس از غسل و حنوط و کفن کردن میت، باید بر او نماز بخوانند و سپس او را دفن کنند.

کسی که بر میت نماز می‌خواند باید بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ».

بعد از تکبیر دوم بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

بعد از تکبیر سوم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ».

بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُذَا الْمَيِّتِ» و اگر زن

است بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ» و بعد تکبیر پنجم را بگوید.^۳

بہتر است نماز میت را به تفصیلی که در رساله‌های توضیح المسائل آمده است بخوانند، اگرچه همین مقدار نیز کفایت می‌کند.

شرایط نماز میت

* قصد قربت و اخلاص.

* تعیین میت به طوری که ابهام برطرف شود؛ مثلاً نیت کند نماز می‌خوانم بر میت حاضر، قربةً إلى الله.

۱. تخریر الوسیلہ، ج ۱، القول فی صلاة الآیات، ص ۱۹۵، م ۱۲.

۲. العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی صلاة الآیات، ص ۷۳۱، م ۲۱.

۳. توضیح المسائل، م ۶۰۸.

* روبه قبله بودن نمازگزار.

* ایستاده خواندن، (نشسته صحیح نیست)، مگر کسی که بتواند ایستاده نماز بخواند، نباشد.

* میت را مقابل نمازگزار به پشت بخوابانند به طوری که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او به طرف چپ باشد.

* بین میت و نمازگزار، پرده و دیوار یا چیزی مانند اینها فاصله نشود، ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد.

* نمازگزار از میت دور نباشد. اگر نماز میت به جماعت خوانده می شود و صفها متصل است، دور بودن مأموم اشکال ندارد.

□ * مکان نمازگزار از جای میت، بلندتر یا پایین تر نباشد؛ ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد.

* نماز پس از غسل و حنوط و کفن باشد، مگر نماز بر شهید معرکه که این امور (غسل، حنوط و کفن) نسبت به او ساقط است.^۱

احکام و آداب نماز میت

۱. در نماز میت، باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخوانند که نماز از صورت خود خارج نشود.^۲

۲. نماز میت به جماعت نیز صحیح است؛ ولی امام و مأموم هر دو باید تکبیرها و دعاها را بخوانند.^۳

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شرایط صلاة الميت، ص ۸۳؛ توضیح المسائل، م ۵۹۷ تا ۶۰۴، در فتاوی برخی از فقها آمده است که علاوه بر این شرط، مکان نمازگزار نباید غصبی باشد.

۲. توضیح المسائل، م ۶۰۹.

۳. همان، م ۶۱۰.

۳. کسی که نماز بر میت می خواند، لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمم باشد و بدن و لباسش پاک و مباح باشد، اگرچه احتیاط مستحب، رعایت تمام چیزهای واجب در نمازهای دیگر است.^۱

□ ۴. اگر میت وصیت کرده باشد که شخص معینی بر او نماز بخواند، احتیاط واجب است که آن شخص از ولی میت اجازه بگیرد و بنابر احتیاط واجب بر ولی هم واجب است که اجازه بدهد.^۲

۵. اگر بخواهند بر چند میت نماز بخوانند بهتر است که جدا جدا خوانده شود، هر چند خواندن یک نماز بر چند جنازه نیز مانعی ندارد.^۳

مستحبات نماز میت

۱. کسی که بر میت نماز می خواند با طهارت باشد.
۲. اگر میت مرد است، امام جماعت یا کسی که فرادا بر او نماز می خواند، مقابل وسط قامت او بایستد و اگر میت زن است، مقابل سینه اش بایستد.
۳. پابرنه نماز بخواند.
۴. برای هر تکبیر دست ها را بلند کند.
۵. فاصله او با میت به قدری کم باشد که اگر باد لباسش را حرکت دهد به جنازه برسد.
۶. نماز را به جماعت بخواند.
۷. امام جماعت، تکبیر و دعاها را بلند و مأمومین آهسته بخوانند.
۸. مأموم پشت سر امام بایستد، نه در ردیف امام جماعت، هر چند مأموم یک نفر باشد.

۱. توضیح المسائل، م ۵۹۶.

۲. همان، م ۶۰۵. برخی از فقها، این احتیاط را واجب ندانسته اند.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شرایط صلاة الميت، ص ۸۶، م ۹.



۹. نمازگزار برای میت و مؤمنان بسیار دعا کند.
۱۰. پیش از نماز سه مرتبه گفته شود: «الصلوة».
۱۱. نماز را در جایی بخوانند که مردم برای نماز میت بیشتر به آنجا می‌روند.
۱۲. زن حائض اگر در نماز جماعت میت شرکت کرده، در صفی تنها بایستد.^۱
- خواندن نماز میت در مساجد مکروه است، به جز مسجد الحرام.^۲

پرسش

- ۱- آیا باران شدید و جاری شدن سیل موجب نماز آیات است یا نه؟
- ۲- معمولاً بعد از یک زلزله شدید، پس لرزه‌هایی نیز رخ می‌دهد، آیا برای هر کدام آنها به طور جداگانه نماز آیات واجب است؟
- ۳- برای کیفیت نماز آیات چهار نمونه دیگر بیان کنید.
- ۴- نماز بر میت و دفن آن در مسجد چه حکمی دارد؟
- ۵- اگر مأموم در نماز میت به تکبیر سوم امام جماعت پرسد وظیفه‌اش چیست؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی آداب الصلوة علی المیت، ص ۸۶: توضیح المسائل، م ۶۱۱.

۲. همان، م ۶۱۲.

نمازهای مستحب

نمازهای مستحب^۱

۱. نماز مستحب را «نافله» گویند.
۲. نمازهای مستحب بسیار است و این نوشته گنجایش تمام آنها را ندارد، اما برخی از آنها را که اهمیت بیشتری دارد می‌آوریم:^۲

نام نماز	تعداد رکعات نافله	وقت نافله
نماز صبح	دو رکعت	قبل از نماز صبح و احتیاط آن است که قبل از فجر اول نخوانند.
نماز ظهر	چهار نماز دو رکعتی (۸ رکعت)	قبل از نماز ظهر، از ظهر تا وقتی که سایه پدید آمده شاخص به مقدار $\frac{2}{7}$ آن برسد.
نماز عصر	چهار نماز دو رکعتی (۸ رکعت)	پیش از نماز عصر، تا وقتی که سایه پدید آمده شاخص به مقدار $\frac{4}{7}$ آن برسد.
نماز مغرب	دو نماز دو رکعتی (۴ رکعت)	پس از نماز مغرب تا وقتی که سرخی طرف مغرب که پس از غروب آفتاب پدید می‌آید از بین برود.
نماز عشا	دو رکعت نشسته ^۳	پس از نماز عشا تا نصف شب. ^۴

۱. برخی از مطالب نمازهای مستحب برای مطالعه است.

۲. توضیح المسائل، م ۷۶۴.

۳. به نافله نماز عشا، نماز و تیره گفته می‌شود و بنا بر احتیاط واجب باید نشسته خوانده شود.

۴. توضیح المسائل، م ۷۶۴ و ۷۶۸ تا ۷۷۲.

نافله‌های نمازهای یومیه (در غیر سفر و روز جمعه)، ۲۳ رکعت است که به علاوه ۱۱ رکعت نماز شب، جمعا ۳۴ رکعت می‌شود؛ یعنی دو برابر تعداد رکعت‌های نماز واجب.

دو مسأله

۱. در روز جمعه بر شانزده رکعت نافله ظهر و عصر، چهار رکعت اضافه می‌شود.^۱
۲. نافله ظهر و عصر را در سفر نباید خواند ولی نافله عشا را به نیت این که شاید مطلوب باشد (به قصد رجاء) می‌توان خواند.^۲

نماز شب

نماز شب ۱۱ رکعت است که بدین ترتیب خوانده می‌شود:

- دو رکعت ← به نیت نافله شب.
- دو رکعت ← به نیت نافله شب.
- دو رکعت ← به نیت نافله شب.
- دو رکعت ← به نیت نافله شب.
- دو رکعت ← به نیت نافله شفع.
- یک رکعت ← به نیت نافله وُتر.^۳

وقت نماز شب

۱. وقت نماز شب از نصف شب است تا اذان صبح و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۷۶۴.

۲. همان، م ۷۶۷.

۳. همان، م ۷۶۵.

۴. همان، م ۷۷۳. به فتوای برخی از مراجع از اول شب است، ولی احتیاط مستحب است بعد از نصف شب بجا آورد.

۲. مسافرو کسی که برای اوسخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می‌تواند در اول شب بجا آورد.^۱

نماز غفیله

یکی از نمازهای مستحب، نماز «غفیله» است که پس از نماز مغرب خوانده می‌شود.

کیفیت نماز غفیله

نماز غفیله دو رکعت است، در رکعت اول، پس از حمد، به جای سوره، این آیه خوانده می‌شود:^۲

«وَذَاكُمُ إِذْ أَهَبْتُمْ مُضَاهِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ يَنْقُذَكُمْ عَلَيْهِ فِتْنَتَايَ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَجَنَّبَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ»^۳
و در رکعت دوم، پس از حمد، به جای سوره، این آیه خوانده می‌شود:
«وَعِندَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ يُعَلِّمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتٍ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»^۴
در قنوت آن این دعا خوانده می‌شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمِفْتَاحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي ۝ اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلَى طَلِبَتِي فَاعْلَمْ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي»^۵

۱. توضیح المسائل، م ۷۷۴.

۲. همان، م ۷۷۵.

۳. انبیاء: ۸۷.

۴. انعام: ۵۹.

۵. به جای جمله «أَنْ تُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي» می‌تواند حاجت دیگری از خدا بخواهد.

۶. توضیح المسائل، م ۷۷۵.

نماز عید

در دو عید فطر و قربان خواندن نماز مخصوص عید مستحب است.^۱

وقت نماز عید

۱. وقت نماز عید از طلوع آفتاب تا ظهر است.^۲

۲. مستحب است نماز عید قربان را اول روز پس از بالا آمدن خورشید بخوانند.^۳

چگونگی نماز عید

□ ۱. نماز عید فطر و قربان دو رکعت است با ثنه قنوت و این گونه خوانده می شود:

* در رکعت اول پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت پنجم تکبیر دیگری و سپس رکوع و دو سجده.

* در رکعت دوم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته می شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت و بعد از قنوت چهارم تکبیر دیگر و سپس رکوع و دو سجده و تشهد و سلام.^۴

* در قنوت های نماز عید هر دعا و ذکر بخوانند کافی است، ولی بهتر است به امید ثواب این دعا را بخوانند:

اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَ اَهْلَ الْجُودِ وَ الْمَجْدِ وَ اَهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ وَ اَهْلَ الثَّقْوَى وَ الْمُتَّقِيْنَ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِيْنَ عِيْدًا وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ دُخْرًا وَ سَرَفًا وَ كَرَامَةً وَ مَزِيْدًا، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُدْخِلَنِيْ فِيْ كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيْهِ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُخْرِجَنِيْ مِنْ كُلِّ شُوْءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۱۶.

۲. همان، م ۱۵۱۷.

۳. همان، م ۱۵۱۸.

۴. همان، م ۱۵۱۹. به فتوای برخی از فقها در نماز عید در هر رکعت سه تکبیر کافی است ولی احتیاط مستحب است در رکعت اول پنج تکبیر و پنج قنوت و در رکعت دوم چهار تکبیر و چهار قنوت بجا آورد.

عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَ أَعُوذُ بِكَ بِمَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلَصُونَ^۱

نماز جعفر طیار

از جمله نمازهای مستحب که ثواب بسیاری دارد و شیعه و سنی استحباب آن را قبول دارند، نمازی است که پیامبر اکرم ﷺ پس از بازگشت از حبشه به پسرعموی خود، جعفر بن ابی طالب، تعلیم فرمودند.

۲. این نماز چهار رکعت است که به صورت دو نماز دو رکعتی خوانده می شود و در هر رکعت ۷۵ بار تسبیحات اربعه «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر» به ترتیب زیر خوانده می شود:

- پس از حمد و سوره: ۱۵ مرتبه.
- در رکوع: ۱۰ مرتبه.
- پس از رکوع در حال ایستاده: ۱۰ مرتبه.
- در سجده اول: ۱۰ مرتبه.
- بین دو سجده: ۱۰ مرتبه.
- در سجده دوم: ۱۰ مرتبه.
- پس از سجده دوم در حالت نشسته: ۱۰ مرتبه.

خواندن ذکر دیگر بجز تسبیحات اربعه در رکوع و سجده لازم نیست؛ ولی احتیاط مستحب است به تسبیحات اکتفا نکنند و ذکر رکوع و سجده را نیز بگویند.

در نماز حضرت جعفر، خواندن سوره خاصی لازم نیست؛ ولی بهتر آن است که در رکعت اول، سوره «زلزال» و در رکعت دوم، سوره «عادیات» و در رکعت سوم، سوره «فتح» و در رکعت چهارم، سوره «توحید» بخوانند.

کسی که فرصت خواندن نماز حضرت جعفر همراه با مستحبات را ندارد، می‌تواند اصل نماز را بخواند و مستحبات را پس از آن بخواند و همچنین می‌تواند دو رکعت آن را بخواند و کار خود را انجام دهد و سپس دو رکعت دیگر را به جا آورد. بهترین وقت نماز حضرت جعفر علیه السلام، روز جمعه، هنگام بالا آمدن خورشید است.

نماز طلب باران

مطابق آنچه در سخنان معصومین علیهم السلام آمده است، هنگام گسترش گناهان و کفران نعمت‌ها و نپرداختن زکات و حقوق دیگران و کم‌فروشی و مکرو حيله و ستم و ترک امر به معروف و نهی از منکر و حکم کردن به غیر دستور خداوند و هر کار دیگری که موجب غضب الهی شود از بارش باران و برف کاسته می‌شود که در این حال خواندن نماز طلب باران مستحب است.^۱

چگونگی نماز باران

نماز باران مانند نماز عید است؛ در رکعت اول پس از حمد پنج تکبیر گفته می‌شود و پس از هر تکبیر یک قنوت و در رکعت دوم، چهار تکبیر و چهار قنوت و در هر قنوت آن هر دعایی می‌توان خواند و بهتر است در دعای قنوت، درخواست باران و نعمت و نزول رحمت باشد و پیش از دعا نیز صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او فرستاده شود.^۲

مستحبات نماز باران

پیش از خواندن نماز باران موارد زیر مستحب است:

۱. سه روز مردم روزه بگیرند و روز سوم برای نماز بیرون روند.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲. همان، ص ۲۳۱.

۲. روزهای شنبه، یکشنبه و دوشنبه روزه بگیرند و روز دوشنبه برای نماز بیرون بروند و اگر این روزها ممکن نبود، روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه بگیرند و همان روز جمعه هم برای نماز بیرون بروند.

۳. امام جماعت و مردم با آرامش و وقار و خشوع برای خواندن نماز به صحرا بروند و بهتر است با حالتی که جلب رحمت خداوند را می کند، مثلاً پا برهنه بیرون روند.

۴. در صحرا، جای تمیزی را برای نماز انتخاب کنند.

۵. منبر را برای خواندن خطبه نماز با خود به صحرا ببرند.

۶. مؤذن ها نیز پیشاپیش امام حرکت کنند.

۷. پیران و کودکان و افراد ناتوان و حتی حیوان ها را با خود به صحرا ببرند و کودکان را از مادرانشان جدا کنند تا با گریه آنان، خداوند بر مردم ترحم کند.

۸. از آمدن غیرمسلمان به صحرا، جلوگیری کنند.^۱

در نماز نیز مستحب است، امام جماعت قرائت را بلند بخواند و سوره هایی که در نماز عید مستحب است بخواند.

پس از نماز موارد زیر مستحب است:

۱. امام جماعت ردای خود را برگرداند و بالای منبر رفته رو به قبله بایستد و با صدای بلند صد مرتبه تکبیر بگوید.

۲. سپس رو به مردمی که سمت راست او هستند برگردد و صد مرتبه «سبحان الله» بگوید.

۳. بعد رو به مردمی که سمت چپ او هستند، برگردد و صد مرتبه «لا اله الا الله» بگوید.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۱.

۴. در پایان روزه روی مردم (پشت به قبله) صد مرتبه «الحمد لله» بگویند و مانعی ندارد که اینها را نیز بلند بگویند و مردم نیز به دنبال او همین ذکرها را بگویند.

۵. پس از این اذکار، امام جماعت دستها را بالا ببرد و دعا کند و مردم نیز دعا کنند و مانع ندارد که امام، دعا کند و مردم آمین بگویند و بهتر است که دعاهای وارده از معصومین علیهم السلام را بخوانند، مانند دعایی که از امیرمؤمنان علی علیه السلام وارد شده و اول آن این است «الحمد لله سابع النعم...»^۱.

۶. بهتر است که امام جماعت دو خطبه بخواند.

۷. نماز باران وقت معینی ندارد؛ ولی بهتر است هنگام بالا آمدن آفتاب بخوانند.^۲

نماز حاجت

در وقت سختی و مشکلات، برای برآمدن حاجت، خواندن دو رکعت نماز، مستحب است.

پس از خواندن دو رکعت نماز، حمد و ثنای الهی را به جای آورده و بر پیامبر صلی الله علیه و آله، صلوات می فرستد و پس از آن، آیه آخر سوره «حشر» و شش آیه اول سوره «حدید» و دو آیه ۲۵ و ۲۶ از سوره «آل عمران»، یعنی از «قل اللهم مالک المملک... تا بغیر حساب» را می خواند و سپس حاجت خود را از خداوند می خواهد.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، صلاة الاستسقاء، ص ۵۲۷.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۱، م ۱.

احکام کلی

۱. تمام نمازهای مستحب، دو رکعت است، مگر نماز وتر.
۲. هیچ کدام از نمازهای مستحب اذان و اقامه ندارد.
۳. در هیچ کدام از نمازهای مستحب خواندن سوره پس از حمد لازم نیست، مگر آنکه خواندن سوره یا آیه معینی در آن شرط شده باشد.

پرسش

۱. نوافل نماز عصر و عشا چند رکعت است و چه وقت خوانده می شود؟
۲. نماز عید چند قنوت و چند رکوع دارد؟
- ۳ - نسبت نمازهای مستحب شبانه روزی به نمازهای واجب شبانه روزی چیست؟
- ۴ - بهترین اوقات برای خواندن نماز حضرت جعفر طیار علیه السلام چه زمانی است؟
- ۵ - دو نمونه از نمازهای مستحب که حتماً باید پس از حمد، سوره یا آیه مخصوصی خوانده شود نام ببرید.



فصل سوم:

روزه و اعتکاف

- تعریف و اقسام روزه
- نیت و مبطلات روزه
- قضا و كفاره و روزه مسافر
- اعتکاف

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه

روزه

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۱

«ای مؤمنان، روزه بر شما واجب شده، چنانچه بر پیشینیان شما نیز واجب بود، تا پرهیزکار (باتقوا) شوید.»

تعریف روزه

روزه آن است که انسان، از هنگام اذان صبح تا اذان مغرب برای اطاعت دستور خداوند از برخی کارها که شرح آن خواهد آمد پرهیز کند. هرچند با ترک آن کارها تکلیف روزه‌داری از عهده انسان برداشته می‌شود، اما روزه کامل و حقیقی، تنها نخوردن و نیاشامیدن و انجام ندادن برخی کارهای دیگر نیست، بلکه حقیقت روزه پرهیز از گناه و هرکاری است که نفس انسان به آن علاقه دارد و او را از خدا دور می‌کند. و این روزه معمول، راهی است برای رسیدن به آن مقام محمود.

- | | |
|-----------------------|--------------|
| ۱- واجب؛ | } اقسام روزه |
| ۲- حرام | |
| ۳- مستحب؛ | |
| ۴- مکروه ^۲ | |

روزه‌های واجب

* روزه ماه مبارک رمضان؛

* روزه قضا؛

* روزه کفاره؛

* روزه استیجاری؛^۱

* روزه روز سوم ایام اعتکاف؛^۲

* روزه بدل قربانی حج؛^۳

* روزه‌ای که به سبب نذر و عهد و قسم واجب شود؛

□ * روزه قضای پدر که بر پسر بزرگ‌تر واجب است.^۴

روزه‌های حرام^۵

* روزه عید فطر (روز اول شوال)؛

* روزه عید قربان (روز دهم ماه ذی حجه)؛

* روزه نذر معصیت؛

* روزه ایام تشریق (۱۱، ۱۲ و ۱۳ ذی الحجه) برای کسی که در منا است؛

* روزه سکوت؛^۶

۱. روزه استیجاری: روزه‌ای است که شخص مزد می‌گیرد و به نیابت از میت انجام می‌دهد.

۲. بحث اعتکاف در درس ۴۲ خواهد آمد.

۳. اگر حج گزار نتواند قربانی کند، باید به جای آن، سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج روزه بگیرد.

۴. العروة الوثقی، ج ۲، فصل فی اقسام الصوم، صص ۲۴۰ و ۲۴۱؛ توضیح المسائل، م ۱۳۹۰. به فتوای برخی از فقها، اگر پدر از روی نافرمانی روزه را ترک کرده قضای آن بر پسر بزرگ وی واجب نیست.

۵. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الصوم، فصل ۱۵، صص ۲۴۳ و ۲۴۴.

۶. روزه سکوت، روزه گرفتن با این نیت که با کسی سخن نگوید.

* روزه وصال؛^۱

* روزه آخر شعبان به نیت اول ماه رمضان؛

* روزه مستحب فرزند که سبب اذیت و آزار پدر یا مادر یا پدر بزرگ شود؛

* روزه مستحب فرزند که پدر یا مادر یا پدر بزرگ او را از آن نهی کرده باشند (به

احتیاط واجب)؛

* روزه مستحب زن که شوهرش او را از آن نهی کرده باشد (به احتیاط واجب).

* روزه مستحب زن که سبب ازین رفتن حق شوهرش شود (به احتیاط واجب).^۲

روزه‌های مستحب

روزه گرفتن در تمام ایام سال. به جز روزه‌های حرام و مکروه. مستحب است، ولی نسبت به بعضی از روزه‌ها تأکید و سفارش بیشتری شده است، که برخی از آنها بدین شرح است:

* هر هفته
 ۱- پنج شنبه
 ۲- جمعه

* در هر ماه قمری
 ۱. اولین چهارشنبه بعد از دهه اول؛
 ۲. سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم؛
 ۳. پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر ماه.

۱. روزه وصال، روزه گرفتن دو روز پی در پی بدون آنکه در بین آنها مبطلی انجام دهد، البته با قصد وصال نه به طور اتفاقی.

۲. تحریر الوسیلة، ج ۱، القول فی اقسام الصوم، ص ۳۰۳؛ توضیح المسائل، م ۱۷۳۹ تا ۱۷۴۲.

۱. اول وسوم ماه محرم؛
۲. روز میلاد پیامبر ﷺ (۱۷ ربیع الاول)؛
۳. تمام ماه رجب وشعبان؛
۴. روز مبعث پیامبر ﷺ (۲۷ رجب)؛
۵. روز دحوالارض (۲۵ ذی قعدة)؛
۶. اول تانهم ذی حجه؛
۷. روز عرفه بشرط آنکه روزه گرفتن سبب بازماندن از دعای آن روز نشود.

*درسال

* روز اول فروردین^۱

استفتاء

س. کسی که نماز مغربش را بخواند و نماز عشا را فراموش کند، فردای آن شب [در غیر ماه رمضان]، روزه براو واجب است یا نه؟

ج. واجب نیست، اگر چه موافق احتیاط است.^۲

روزه‌های مکروه

- * روزه مستحب میهمان بدون اجازه میزبان؛
- * روزه مستحب میهمان با نهی میزبان؛
- * روزه مستحب فرزند بدون اجازه پدر یا مادر؛
- * روزه عاشورا؛
- * روزه عرفه اگر سبب بازماندن از دعاهای آن روز بشود؛
- * روزه روزی که نمی‌داند عرفه است یا عید قربان.^۳

۱. توضیح المسائل، م ۱۷۴۸؛ تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی اقسام الصوم، ص ۳۰۲؛ العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الصوم، فصل فی اقسام الصوم، ص ۲۴۰.

۲. استفتاآت، ج ۱، ص ۳۲۷، س ۷۰. به فتوای برخی از فقها، روزه گرفتن فردای آن شب بنا بر احتیاط لازم است.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی اقسام الصوم، ص ۳۰۳؛ توضیح المسائل، م ۱۷۴۷.

نیت روزه

۱. روزه باید با قصد قربت و اطاعت دستور الهی و نیت خالص و به دور از هرگونه ریا و خودنمایی بجا آورده شود.^۱
۲. انسان می‌تواند در هر شب ماه رمضان برای روزه فردای آن، نیت کند. و بهتر است که شب اول ماه هم روزه همه ماه را نیت کند.^۲
۳. در روزه واجب، نیت روزه نباید بدون عذر از اذان صبح تأخیر بیفتد.^۳
۴. در روزه واجب، اگر به سبب عذری، مانند فراموشی یا سفر، نیت روزه نکرده، اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، تا ظهر می‌تواند نیت روزه کند و پس از آن صحیح نیست.^۴
۵. لازم نیست نیت روزه را به زبان بگوید بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند، از اذان صبح تا اذان مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام ندهد کافی است.^۵
۶. وقت نیت روزه مستحب، از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب مانده باشد، که اگر تا این وقت، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحب کند، صحیح است.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۵۰.

۲. همان، م ۱۵۵۱.

۳. همان، م ۱۵۵۴ و ۱۵۶۱.

۴. همان، م ۱۵۵۴ و ۱۵۶۱.

۵. همان، م ۱۵۵۰.

۶. همان، م ۱۵۵۳.

۷. کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد، نمی‌تواند روزه مستحب بگیرد و چنانچه فراموش کرده باشد و قبل از ظهر یادش بیاید، می‌تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند و اگر بعد از ظهر یادش بیاید، روزه‌اش باطل است.^۱

۸. کسی که برای بجا آوردن روزه میت اجیر شده، اگر روزه مستحب بگیرد اشکال ندارد.^۲

۹. اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول ماه رمضان، به نیت روزه قضا و مانند آن روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است باید نیت روزه رمضان کند و اگر بعد معلوم شود رمضان بوده، از ماه رمضان حساب می‌شود.^۳

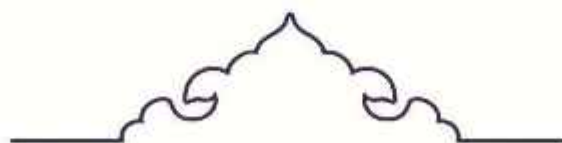
پرسش

۱. در این ایام، روزه گرفتن چه حکمی دارد؟
- ۱۲ فروردین، دوازدهم ذی حجه، دهم محرم، نهم ذی حجه، اول فروردین و اول شوال
- ۲ - در چه صورتی فرزند نمی‌تواند روزه مستحب بجا آورد؟
- ۳ - در روز عرفة روزه داری افضل است یا خواندن دعاهاى آن روز؟
- ۴ - در چه صورتی روزه مستحب زن تبدیل به روزه حرام می‌شود؟

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۶۳.

۲. همان، م ۱۵۶۳.

۳. همان، م ۱۵۶۸ و ۱۵۶۹.



مبطلات روزه

مبطلات روزه

روزه‌دار باید از اذان صبح تا مغرب از برخی کارها بپرهیزد و اگر پرهیز نکند، روزه‌اش باطل می‌شود، به این کارها «مبطلات روزه» گفته می‌شود، که عبارت‌اند از:

- * خوردن و آشامیدن؛
- * دروغ بستن به خدا و پیغمبر ﷺ و جانشینان آن حضرت ﷺ؛
- * رساندن غبار غلیظ به حلق؛
- * فرو بردن تمام سردر آب؛
- * قی کردن؛
- * آمیزش؛
- * استمناء؛

* باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح؛

* اماله کردن با چیزهای روان.^۱

۱. اماله = وارد کردن داروی مایع از طریق مخرج غائط به داخل بدن.

۲. توضیح المسائل، م ۱۵۷۲.

• خوردن و آشامیدن

۱. اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل می شود هر چند خوردن و آشامیدن آن معمول نباشد؛ مانند خاک و نفت.^۱
۲. اگر کسی عمداً چیزی را که لای دنداننش مانده است فرو ببرد، روزه اش باطل می شود.^۲
۳. فرو بردن آب دهان، روزه را باطل نمی کند، هر چند زیاد باشد.^۳
۴. اگر روزه دار به سبب فراموشی (نمی داند روزه است) چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود.^۴
۵. انسان نمی تواند به خاطر ضعف، روزه را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی توان آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.^۵
۶. فرو بردن اخلاط سرو سینه، تا به فضای دهان نرسیده روزه را باطل نمی کند، ولی اگر داخل فضای دهان شود، بنا بر احتیاط واجب آن را فرو نبرد.^۶

تزریق آمپول

- آمپول اگر به جای غذا نباشد تزریق آن، روزه را باطل نمی کند، هر چند عضورا بی حس کند ولی احتیاط واجب آن است که روزه دار از آمپولی که به جای غذا به کار می رود پرهیز کند.^۷

۱. توضیح المسائل، م ۱۵۷۳.

۲. همان، م ۱۵۷۷.

۳. همان، م ۱۵۷۹.

۴. همان، م ۱۵۷۵.

۵. همان، م ۱۵۸۳.

۶. همان، م ۱۵۸۰.

۷. همان، م ۱۵۷۶. به فتوای برخی از فقها، آمپول هایی که در رگ تزریق می شود و انواع سرم ها نیز روزه را باطل می کند و به فتوای برخی دیگر تزریق آمپول روزه را باطل نمی کند.

• رساندن غبار غلیظ به حلق

۱. اگر روزه‌دار غبار غلیظی به حلق برساند، روزه‌اش باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکی‌ها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی مانند خاک.

۲. در این موارد، روزه باطل نمی‌شود:

□ * غبار غلیظ نباشد؛

* به حلق نرسد. (فقط به داخل دهان برسد)؛

* بی‌اختیار به حلق برسد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد؛

* نمی‌داند روزه است؛

* شک کند غبار غلیظ به حلق رسیده است یا نه.^۱

استعمال دخانیات

بنابر احتیاط واجب روزه‌دار نباید دود سیگار و قلیان و مانند اینها را به حلق برساند.^۲

• دروغ بستن به خدا و پیغمبر

۱. در تمام موارد زیر، دروغ بستن از روی عمد، به خدا، پیغمبر ﷺ یا امام ﷥ روزه را باطل می‌کند. و بنابر احتیاط واجب دروغ بستن به حضرت زهرا ﷥ و سایر پیامبران ﷺ همین حکم را دارد:

۱. با گفتار باشد یا نوشتار یا اشاره یا انجام کاری که از آن، نسبت دروغ فهمیده شود؛

۲. به صراحت باشد یا کنایه؛

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصوم، القول فیما یجب الإمساک عنه، حصص ۲۸۵ و ۲۸۶، الثامن؛ توضیح المسائل، م ۱۶۰۳ تا ۱۶۰۷، به فتوای برخی از فقها، غبار غیر غلیظ هم اگر به حلق برسد روزه را باطل می‌کند و به فتوای برخی دیگر هرگاه در حلق تبدیل به گل شود و فرو رود روزه باطل می‌شود و در غیر این صورت روزه باطل نیست.

۲. توضیح المسائل، م ۱۶۰۵.

۱. دروغ را خودش ساخته باشد یا دیگری؛
 ۲. اخبار باشد یا پاسخ به سؤال دیگری؛^۱
 ۳. بازگویی دروغی که دیگری ساخته یا گفته، بوجه نقل قول یا حکایت اشکال ندارد؛^۲ مثلاً در حالی که روزه است بگوید: یزید گفت:
 لَعِبْتُ هَاشِمٌ بِالْمُلْكِ فَلَا خَبْرُ جَاءَ وَلَا وَحْيٌ نَزَلَ^۳

• فرو بردن تمام سردر آب

- ۱. اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب مطلق فروبرد، روزه اش باطل می شود.
 ۲. در این موارد روزه باطل نیست:
 * سهواً سر را زیر آب ببرد.
 * قسمتی از سر را زیر آب ببرد.
 * نصف سر را یکبار و نصف دیگر را بار دیگر در آب فروبرد.
 * بی اختیار در آب بیفتد.
 * شخص دیگری به زور سر او را در آب فروبرد.
 * شک کند تمام سر زیر آب رفته است یا نه.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۱۶۰۵.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فیما یجب الإمساک منه، صص ۲۸۴ و ۲۸۵؛ توضیح المسائل، م ۱۵۹۶ تا ۱۶۰۲.

۳. یعنی: هاشمیان با حکومت بازی کردند، نه خبری از آسمان غیب آمده و نه وحی نازل شده است. اصل شعر از ابن زبیری است، ولی یزید بن معاویه پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) هنگامی که عترة او را به اسارت به شام آورده بودند با غرور و سر مستی آن را خواند. (فرهنگ عاشورا، ص ۴۲۱) به نقل از حیات الامام الحسین (علیه السلام)، ج ۲، ص ۱۸۷، ج ۳، ص ۳۷۷.

۴. توضیح المسائل، م ۱۶۱۰، ۱۶۱۳، ۱۶۱۴، ۱۶۱۵؛ العروة الوثقی، القول فیما یجب الإمساک منه، ج ۲، ص ۱۸۷، م ۳۶. به فتوای برخی از فقهاء، فرو بردن سردر آب روزه را باطل نمی کند ولی مکروه است.

۳ - اگر در حال روزه ماه رمضان برای غسل سر را در آب فروبرد، غسل و روزه او باطل است، مگر آنکه زیر آب توبه کند و در حال خارج شدن از آب نیت غسل کند که در این صورت، غسل او صحیح و روزه باطل است.^۱

• قی کردن

۱. هرگاه روزه دار عمدآقی کند، هر چند به سبب بیماری باشد، روزه اش باطل می شود.^۲
۲. اگر روزه داری اختیاری یا سهوا قی کند، روزه اش باطل نمی شود.^۳

• استمنا

۱. اگر روزه دار استمنا کند؛ یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید، روزه اش باطل می شود.^۴
۲. اگر بی اختیار منی از او بیرون آید؛ مثلاً در خواب جنب شود، روزه اش باطل نمی شود.^۵

• باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

اگر شخص جنب، تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه او تیمم است، تیمم نکند، در برخی موارد روزه اش باطل می شود؛ برخی از مسائل آن چنین است:

۱. اگر عمدآ تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه اش تیمم است، تیمم نکند:

* در روزه ماه رمضان { روزه اش باطل است. }
* در قضای آن

* در بقیه روزه ها ← روزه اش صحیح است.*

۱. توضیح المسائل، م ۱۶۱۷.

۲. همان، م ۱۶۴۶.

۳. همان، م ۱۶۴۶.

۴. همان، م ۱۵۸۸.

۵. همان، م ۱۵۸۹.

۶. همان، م ۱۶۱۹ تا ۱۶۳۱.

□ ۲. اگر جنب در روزه ماه رمضان غسل یا تیمم را فراموش کند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید، باید آن روزه‌ها را قضا کند.^۱

۳. اگر روزه‌دار، در خواب جنب شود، واجب نیست فوراً غسل کند و روزه‌اش صحیح است.^۲

۴. اگر شخص جنب در شب ماه رمضان می‌داند قبل از اذان صبح، برای غسل بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد و اگر بخوابد و بیدار نشود، روزه‌اش باطل است.^۳

• باقی ماندن بر حیض و نفاس

۱. اگر در ماه رمضان زن قبل از اذان صبح از خون پاک شود و عمداً تا اذان غسل نکند، یا اگر وظیفه‌اش تیمم است تیمم نکند، روزه‌اش باطل است.^۴

□ ۲. اگر مستحاضه غسل‌های خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه گفته شده بجا آورد روزه‌اش صحیح است.^۵

• اماله کردن

۱. اماله کردن با چیز روان اگرچه از روی ناچاری و برای معالجه بیماری باشد روزه را باطل می‌کند.^۶

۲. استعمال شیاف‌های مُسکن و درمانی روزه را باطل نمی‌کند.^۷

۱. توضیح المسائل م ۱۶۲۲. به فتوای برخی از فقها، اگر در بین ماه رمضان متوجه شود باید قضای آن روزه‌ها را بجا آورد و اگر پس از ماه رمضان یادش بیاید قضا واجب نیست.

۲. همان، م ۱۶۳۲.

۳. همان، م ۱۶۲۵.

۴. همان، م ۱۶۳۷.

۵. همان، م ۱۶۲۵. به فتوای برخی از فقها، چنانچه غسل‌ها را بجا نیاورد نیز روزه‌اش صحیح است.

۶. همان، م ۱۶۴۵.

۷. همان.

برخی از مکروهات روزه

۱. انجام دادن هرکاری که سبب ضعف شود؛ مانند خون دادن.
۲. بوییدن گیاهان معطر (عطر زدن مکروه نیست).
۳. خیس کردن لباسی که برتن دارد.
۴. مسواک کردن با چوب تر.
۵. کشیدن دندان و هرکاری که به سبب آن از دهان خون بیاید.^۱

پرسش

- ۱ - در چه صورتی خوردن و آشامیدن مبطل روزه نیست؟
۲. مسواک کردن در حال روزه چه حکمی دارد؟
۳. اگر با لباس غواصی، محفظه‌ای که به سر تپسید، زیر آب برود، روزه باطل می‌شود یا نه؟
۴. آیا نقل مطالب غیر واقع، روزه را باطل می‌کند؟
۵. شنا کردن در حال روزه چه حکمی دارد؟
۶. اگر شخص روزه دار غسل ارتماسی بجا آورد غسلش باطل است یا روزه، یا هر دو؟
۷. شخصی پس از چند سال متوجه می‌شود که غسلش باطل بوده روزه‌هایش چه حکمی دارد؟



قضا و كفاره روزه

«...فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَ مَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ
فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»^۱

پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد، و کسی
که بیمار یا در سفر است، تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد].
خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد.

روزه قضا

اگر کسی روزه را در وقت آن نگیرد، باید روز دیگری، به جای آن روزه بگیرد، پس
روزه‌ای که بعد از وقت آن، بجا آورده می‌شود، «روزه قضا» نام دارد.

کفاره روزه

۱. اگر عمدتاً روزه ماه رمضان را نگیرد، یا عمدتاً آن را باطل کند، قضا و کفاره واجب
می‌شود.^۲

۱. بقره: ۱۸۵.

۲. توضیح المسائل، م ۱۶۵۸ و ۱۷۱۰.

۲. کفاره، همان جریمه‌ای است که برای باطل کردن روزه معین شده است و عبارت است از:

* آزاد کردن یک برده؛

* دوماه روزه گرفتن که سی و یک روز آن باید پی در پی باشد؛

* طعام دادن به شصت فقیر به مقداری که یک وعده غذا بخورند و سیر شوند، یا دادن یک مَد طعام به هریک از آنها.^۱

۳. کسی که کفاره بر او واجب شود، باید یکی از این سه را انجام دهد و چون امروزه، برده به معنای فقهی آن یافت نمی‌شود، مورد دوم یا سوم را انجام می‌دهد. اگر هیچ یک از اینها برایش مقدور نیست، هر مقدار که می‌تواند باید به فقیر طعام بدهد و اگر اصلاً نتواند طعام بدهد، باید استغفار کند.^۲

۴. کسی که می‌خواهد دوماه کفاره روزه ماه رمضان را بگیرد، باید ابتدا سی و یک روز آن را پی در پی بگیرد و اگر بقیه آن پی در پی نباشد اشکال ندارد.^۳

□ در این موارد بجا آوردن قضای روزه واجب است ولی کفاره ندارد:

۱. روزه دار عمدتاً قی کند.

۲. در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت، یک یا چند روز روزه بگیرد.

۳. در ماه رمضان، بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه؟ کاری کند که روزه را باطل می‌کند؛ مثلاً آب بخورد و بعداً معلوم شود صبح بوده است.

۱. توضیح المسائل، م ۱۶۶۰.

۲. همان.

۳. همان، م ۱۶۶۱.

۴. کسی بگوید: صبح نشده و روزه دار با اعتماد به گفته او، کاری کند که روزه را باطل می‌کند، و بعداً معلوم شود صبح بوده است.^۱
۵. روزه‌هایی که به سبب سفر، باطل شده است.^۲
۶. روزه‌های ایام حیض و نفاس بانوان.^۳
۷. برائندگانستن مسأله، مبطلی انجام داده ولی نمی‌توانسته مسأله را یاد بگیرد، یا اصلاً متوجه نبوده.^۴
۸. به سبب بیماری روزه نگیرد و بیماریش پس از ماه رمضان برطرف شود.^۵
- مواردی که فقط باید برای هریک روز، یک مد طعام به فقیر داده شود**
۱. به سبب بیماری نتواند روزه بگیرد و تا سال بعد طول بکشد و چنانچه بیماری او تا چندین سال طول بکشد قضای سال آخر را باید بجا آورد و سال‌های گذشته را برای هریک روز یک مد طعام به فقیر بدهد.^۶
۲. کسی که به سبب پیری، روزه گرفتن برایش مشقت دارد و بعد از ماه رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را بجا آورد.^۷
۳. مرضی دارد که زیاد تشنه می‌شود و روزه گرفتن برایش مشقت دارد و بعد از ماه رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را بجا آورد.^۸

۱. توضیح المسائل، م ۱۶۸۸. به فتوای برخی از فقها، در بعضی از این موارد كفارة هم واجب می‌شود.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۹۸، م ۴.

۳. العروة الوثقی، ج ۲، فصل فی شرایط وجوب الصوم، الخامس، ص ۳۹۰، م ۳.

۴. توضیح المسائل، م ۱۶۵۹.

۵. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی قضاء صوم شهر رمضان، ص ۲۹۹، م ۹.

۶. توضیح المسائل، م ۱۷۰۳ و ۱۷۰۷.

۷. همان، م ۱۷۲۶.

۸. همان، م ۱۷۲۷.

- مواردی که باید قضای روزه را بجا آورد و برای هر یک روز، یک مد طعام به فقیر بدهد
۱. با عذر، مثلاً در سفر، روزه نگرفته و بعد از ماه رمضان عذر برطرف شده و تا ماه رمضان سال بعد عمداً قضای آن را بجا نیاورده است ولی اگر سال‌های بعد هم بجا نیاورد چیزی اضافه بر قضا و یک مُد طعام واجب نیست.^۱
 ۲. موقعی که عذر دارد، تصمیم او بر این است که بعد از برطرف شدن عذر، قضای روزه را بجا آورد و عذر برطرف شود و پیش از آنکه قضا کند در تنگی وقت عذری برایش پیدا شود، قضای آن واجب و یک مد طعام احتیاط واجب است.^۲
 ۳. در قضای روزه کوتاهی کند و وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری برایش پیش آید.^۳
 ۴. مرضی دارد که زیاد تشنه می‌شود و روزه گرفتن برایش مشقت دارد؛ اگر می‌تواند قضای آن را بجا آورد باید اضافه بر یک مد طعام، بنا بر احتیاط واجب قضای آن را هم بجا آورد.^۴
 ۵. زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد و نمی‌تواند روزه بگیرد.^۵
 ۶. زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای خودش ضرر دارد و نمی‌تواند روزه بگیرد قضای آن را باید بجا آورد و بنا بر احتیاط واجب برای هر یک روز، یک مد طعام به فقیر بدهد.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۱۷۰۵ و ۱۷۰۹.

۲. همان، م ۱۷۰۶.

۳. همان، م ۱۷۰۶.

۴. همان، م ۱۷۲۷.

۵. همان، م ۱۷۲۸.

۶. همان، م ۱۷۲۸.

۷. زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای بچه ای که شیر می دهد ضرر دارد.^۱

۸. زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه برای خودش ضرر دارد، قضای روزه را باید بجا آورد و بنا بر احتیاط واجب برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.^۲

۹. به واسطه عذری، غیر بیماری مانند مسافرت، روزه ماه رمضان را نگیرد و عذراو تا ماه رمضان سال بعد طول بکشد، قضای آن را باید بجا آورد و بنا بر احتیاط مستحب برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.^۳

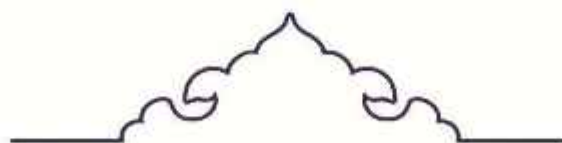
پرسش

۱. روزه قضا با کفاره چه تفاوتی دارد؟
۲. در چه صورتی کفاره جمع واجب می شود؟ دو مثال بزنید.
۳. شخصی در بجا آوردن قضای روزه ماه رمضان کوتاهی کرده و نزدیک ماه رمضان نیز بیمار شده و نتوانسته آنها را بجا آورد تکلیفش نسبت به قضا و کفاره چیست؟
۴. زنی که در ماه رمضان به سبب حمل نتوانست روزه بگیرد و تا رمضان سال بعد نیز به واسطه شیر دادن بچه نتوانست قضای آن را به جا آورد، وظیفه اش نسبت به قضا و کفاره روزه آن سال چیست؟

۱. توضیح المسائل، م ۱۷۲۹.

۲. همان، م ۱۷۲۹.

۳. همان، م ۱۷۰۳.



قضا و كفاره روزه و روزه مسافر

احكام قضا و كفاره روزه

۱. لازم نیست قضای روزه را فوری بجا آورد، ولی بنا بر احتیاط واجب باید تا ماه رمضان سال بعد انجام دهد.^۱
۲. اگر از چند ماه رمضان روزه قضا دارد، هر کدام را اول بگیرد اشکال ندارد، ولی اگر وقت قضای روزه آخرین ماه رمضان تنگ است؛ مثلاً ده روز از ماه رمضان آخر، قضا دارد و ده روزه ماه رمضان بعد مانده است، باید اول قضای آن را بگیرد.^۲
۳. انسان نباید در انجام كفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوری آن را انجام دهد.^۳
۴. اگر كفاره بر انسان واجب شود و بجا نیاورد و چند سال بر آن بگذرد چیزی بر آن اضافه نمی شود.^۴

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی قضاء شهر رمضان، ص ۲۹۸، م ۴. به فتوای برخی فقها احتیاط مستحب است.

۲. توضیح المسائل، م ۱۶۹۸. به فتوای برخی از فقها، در فرض دوم نیز احتیاط مستحب است اول قضای ماه رمضان آخر را بجا آورد.

۳. همان، م ۱۶۸۴.

۴. همان، م ۱۶۸۵.

□ ۵. اگر روزه خود را با کار حرامی؛ مانند استمنا باطل کند، بنا بر احتیاط واجب کفاره جمع لازم می‌شود؛ یعنی باید یک برده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و به شصت فقیر طعام بدهد. اگر هر سه برایش ممکن نیست، هر کدام از آنها را که می‌تواند باید انجام دهد.^۱

۶. کسی که قضای روزه ماه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً آن را باطل کند، باید به ده فقیر، هر کدام یک مد طعام بدهد و اگر نمی‌تواند طعام بدهد، بنا بر احتیاط واجب باید سه روز پی در پی روزه بگیرد.^۲

در این موارد نه قضا واجب است و نه کفاره

۱. روزه‌های ایام کفر برای تازه مسلمان؛ یعنی اگر کافری مسلمان شود قضای روزه‌های گذشته واجب نیست.^۳

□ ۲. کسی که به سبب پیری نمی‌تواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان هم نمی‌تواند قضای آن را انجام دهد. ولی اگر روزه گرفتن برایش دشوار است، باید برای هر روز، یک مد طعام به فقیر بدهد.^۴

روزه قضای پدر و مادر^۵

□ پس از مرگ پدر، پسر بزرگ او باید نمازها و روزه‌های قضا شده او را بجا آورد و احتیاط مستحب است قضای نماز و روزه‌های مادر را هم بجا آورد.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۱۶۶۵. به فتوای برخی از فقها، کفاره جمع واجب نیست لکن احتیاط مستحب است.

۲. همان، م ۱۶۸۷.

۳. همان، م ۱۶۹۵.

۴. همان، م ۱۷۲۵، ۱۷۲۶. به فتوای برخی فقها در فرض اول نیز باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

۵. این بحث به تفصیل در درس ۳۱ گذشت.

۶. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة القضاء، ص ۲۲۷ م ۱۶؛ توضیح المسائل، م ۱۷۱۲ و ۱۳۹۰. به فتوای برخی از فقها، نمازها و روزه‌های قضای مادر نیز بر او واجب است.

روزه مسافر

۱. مسافری که باید نمازهای چهاررکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نباید در آن سفر روزه بگیرد ولی باید قضای آن را بجا آورد و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند؛ مثل کسی که شغل او سفر است، باید در سفر روزه بگیرد.^۱
۲. مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی اگر برای فرار از روزه باشد مکروه است.^۲



در برگشت از سفر، رسیدن به حد ترخص، برای روزه اثری ندارد؛ بنابراین اگر پیش از ظهر به حد ترخص برسد ولی هنوز به وطن یا جایی که می‌خواهد ده روز بماند نرسیده ظهر شود، نمی‌تواند نیت روزه کند.

۱. توضیح المسائل، م ۱۷۱۴.

۲. همان، م ۱۷۱۵.

۳. همان، م ۱۷۱۴، ۱۷۲۱، ۱۷۲۲، ۱۷۲۳.

□ راه‌های ثابت شدن اول ماه

۱. خود انسان ماه را ببیند.
۲. عده‌ای که ازگفته آنان یقین پیدا می‌شود بگویند ماه را دیده‌ایم و همچنین است هر چیزی که به واسطه آن یقین پیدا شود.
۳. دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده‌ایم.
۴. سی روز از اول شعبان بگذرد، اول ماه رمضان ثابت می‌شود و سی روز از اول ماه رمضان بگذرد اول شوال ثابت می‌شود.
- ۵. حاکم شرع حکم کند که اول ماه است.^۱

چند مسأله

۱. اول ماه با پیشگویی منجمان ثابت نمی‌شود، ولی اگر انسان ازگفته آنان یقین پیدا کند باید به آن عمل نماید.^۲
- ۲. بزرگ بودن ماه یا دیر غروب کردن آن، دلیل نمی‌شود که شب پیش، شب اول ماه بوده است.^۳
- ۳. اگر در جایی، مثلاً در کشوری یا شهری، اول ماه ثابت شود، برای جای دیگر فایده ندارد؛ مگر آن دوجا به هم نزدیک باشند یا انسان بداند که افق آنها یکی است.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۱۷۳۰. به فتوای برخی از فقها، حکم حاکم شرع یکی از راه‌های ثابت شدن اول ماه نیست ولی چنانچه حکم کند که اول ماه است تبعیت از حکم وی واجب است.

۲. همان، م ۱۷۳۲.

۳. همان، م ۱۷۳۳. به فتوای برخی از فقها، اگر ماه پیش از ظهر دیده شود دلیل بر آن است که آن روز اول ماه است.

۴. همان، م ۱۷۳۵. به فتوای برخی از فقها، اگر در جایی ماه دیده شود برای سایر شهرها و کشورهای که با آنجا در شب مشترک باشند هر چند اول شب یکی آخر شب دیگری باشد، کافی است.

۴. روزی را که انسان نمی‌داند آخر ماه رمضان است یا اول شوال، باید روزه بگیرد، ولی اگر پیش از مغرب بفهمد که اول شوال است باید افطار کند.^۱
۵. اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است، کسی هم که از او تقلید نمی‌کند باید به حکم او عمل کند ولی کسی که می‌داند حاکم شرع اشتباه کرده است نمی‌تواند به حکم او عمل کند.^۲

پرسش

۱. باطل کردن قضای روزه ماه رمضان چه حکمی دارد؟
۲. در چه مواردی قضای روزه فردی بر شخص دیگر واجب می‌شود؟
۳. کسی که از سفر به وطن برمی‌گردد و مطمئن است پیش از ظهر به وطن می‌رسد، آیا مجاز است مبطلی انجام دهد؟
۴. وظیفه انسان نسبت به روزه یوم الشک آخر ماه رمضان چیست؟
۵. در چه صورتی می‌توان برای روزه داری ماه رمضان براساس تقویم عمل کرد؟

۱. توضیح المسائل، م ۱۷۳۷.

۲. همان، م ۱۷۳۱.

اعتكاف

یکی از کارهای مستحب «اعتكاف» است و اعتكاف عبارت است از ماندن در مسجد برای عبادت خداوند با شرایطی که خواهد آمد.^۱

شرایط اعتكاف

اعتكاف با شرایط زیر صحیح است و با نبود یکی از آنها اعتكاف باطل است:

۱. مُعتكف عاقل باشد.
۲. به قصد قربت و اخلاص مُعتكف شود.
۳. مدت اعتكاف از سه روز کمتر نباشد.
۴. در مسجد مُعتكف شود.
۵. مُعتكف از مسجد خارج نشود.
۶. در مدت اعتكاف، روزها را روزه بگیرد.
۷. برای اعتكاف اجازه بگیرد (تفصیل این شرایط خواهد آمد).^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصوم، خاتمة فی الاعتكاف، ص ۳۰۴.

۲. همان، القول فی شروط الاعتكاف.

نیت اعتكاف

۱. اعتكاف همانند سایر عبادت‌ها باید با نیت و قصد قربت باشد و هرگونه ریا و خودنمایی و قصد غیر الهی آن را باطل می‌کند.^۱
۲. انسان می‌تواند اعتكاف را برای خود یا دیگری بجا آورد؛ که به قِسم دوم، اعتكاف نیابتی گفته می‌شود.^۲
۳. اعتكاف به نیابت از دو یا چند نفر صحیح نیست، ولی می‌تواند اعتكاف را به نیت خود بجا آورد و ثواب آن را به دیگران اهدا کند.^۳

مدت اعتكاف

۱. مدت اعتكاف حداقل سه روز است و کمتر از آن صحیح نیست ولی درزیاده حدی ندارد، و اگر پنج روز معتكف شود، روز ششم نیز واجب است بماند، بلکه بنابر احتیاط واجب هرگاه دو روز اضافه کرد، روز ششم هم باید بماند، پس اگر هشت روز معتكف شد، ماندن روز نهم نیز بنابر احتیاط واجب لازم است.^۴
۲. این سه روز از طلوع فجر روز اول تا مغرب روز سوم است، بنابراین اگر بعد از طلوع فجر هر چند، دقیقه‌ای با تأخیر به مسجد برسد، آن روز جزو اعتكاف به حساب نمی‌آید.^۵
۳. سه روز اعتكاف با شب‌های آن است که حداقل سه روز و دو شب در وسط است، بنابراین نمی‌تواند شب‌ها را از مسجد خارج شود.^۶

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصوم، خاتمه فی الاعتكاف، الثاني.

۲. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتكاف، ص ۲۴۶.

۳. همان.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، خاتمه فی الاعتكاف، القول فی شروطه، الرابع، ص ۳۰۵.

۵. همان.

۶. همان، ص ۳۰۶، م ۴.

۴. رها کردن اعتکاف مستحب و نذر غیر معین در روزهای اول و دوم اشکال ندارد، ولی اگر تا مغرب روز دوم ماند واجب است روز سوم را نیز بماند.^۱

زمان اعتکاف

در طول سال هر زمانی که انسان بتواند حداقل سه روز در مسجد بماند و روزه بگیرد اعتکاف صحیح است، اما بهترین زمان برای اعتکاف، ماه مبارک رمضان به ویژه دهه آخر آن است.^۲

مکان اعتکاف

۱. اعتکاف در یکی از این مساجد صحیح است:
مسجد الحرام، مسجد النبی ﷺ، مسجد کوفه، مسجد بصره
و در غیر این چهار مسجد، تنها در مسجد جامع هر شهر، به قصد رجاء مانع ندارد.
و در سایر مساجد جایز نیست.^۳
۲. اگر در یک شهر، دو یا چند مسجد جامع وجود داشته باشد، در هر کدام که بخواهد می تواند به قصد رجاء معتکف شود.^۴
۳. اگر کسی در خانه خود یا تکیه یا حسینیه یا حرم و حتی مسجد غیر جامع معتکف شود صحیح نیست.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، خاتمة فی الاعتکاف، القول فی شروطه، الرابع، ص ۳۰۶، م ۳.

۲. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، ص ۲۴۶.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شروط الاعتکاف، الخامس، ص ۳۰۵. به فتوای برخی از فقها، اعتکاف در مسجد جامع هم صحیح است و برخی اعتکاف در مسجد غیر جامع را نیز رجاءاً صحیح می دانند.

۴. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، فی شرایط الاعتکاف، السادس.

۵. همان.

۴. اعتکاف باید در یک مسجد باشد، پس اعتکاف در دو مسجد که بخشی از وقت را در یکی و بخشی از آن را در دیگری بماند صحیح نیست.^۱
۵. اگر در مسجدی معتکف شود ولی مانعی از ادامه ماندن در آن مسجد پیش آید، اعتکاف باطل است.^۲

خارج شدن از مسجد

۱. مُعتکف نباید از مسجد خارج شود، مگر در موارد ذیل:
 - * برای گواهی دادن.
 - * برای تشییع جنازه، در صورتی که میت، طوری وابستگی به مُعتکف داشته باشد که شرکت در تشییع جنازه او از ضرورت‌های عرفی او به حساب می‌آید.
 - * برای سایر کارهای ضروری عرفی یا شرعی، خواه واجب باشد یا مستحب، خواه مربوط به امور دنیوی باشد یا اخروی، ولی مصلحتی در آن نهفته باشد.^۳
۲. اگر معتکف جنب شود واجب است برای غسل از مسجد بیرون برود و اگر بیرون نرود اعتکاف باطل است.^۴
۳. اگر معتکف به جهتی از مسجد خارج شد، این امور را باید مراعات کند:
 - * بیش از مقدار ضرورت و نیاز بیرون مسجد نماند.
 - * در صورت امکان زیر سایه ننشیند، بلکه مطلقاً نشیند، مگر در حال ضرورت.
 - * بنا بر احتیاط واجب نزدیکترین راه را انتخاب کند.^۵

۱. تخریر الوسيله، ج ۱، القول في شروط الاعتكاف، ص ۳۰۷، م ۶.

۲. همان، السابع، ص ۳۰۶.

۳. همان، ص ۳۰۶، السابع و ص ۳۰۷، م ۹.

۴. همان، ج ۱، القول في شروط الاعتكاف، ص ۳۰۸، م ۱۰.

۵. همان، ص ۳۰۷، م ۹.

۴. اگر مُعتکف به جهت ضرورت از مسجد بیرون رود و به قدری طول بکشد که صورت اعتکاف به هم بخورد اعتکاف باطل است.^۱
۵. اگر به سبب فراموشی از مسجد خارج شود اعتکافش باطل نیست ولی باید فوراً به مسجد برگردد.^۲

روژه اعتکاف

۱. انسان در ایام اعتکاف باید روزه بگیرد، بنابراین، اعتکاف کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد مانند مسافر، مریض و زن حائض یا نفساء و کسی که عمداً روزه نگیرد صحیح نیست.^۳
۲. اعتکاف در روز عید فطر و قربان یا دو روز قبل از عید به طوری که روز سوم آن عید باشد صحیح نیست.^۴
۳. لازم نیست که روزه، مخصوص به اعتکاف باشد، بلکه هر روزه‌ای باشد صحیح است، مثلاً در ایام اعتکاف می‌تواند روزه قضا یا نذری یا استیجاری بجا آورد.^۵
۴. اگر انسان نذر کند در سفر روزه بگیرد می‌تواند بدون قصد ماندن ده روز معتکف شود.^۶ یادآوری می‌شود نذر روزه ماه رمضان و قضای آن در سفر صحیح نیست.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شروط الاعتکاف، ص ۳۰۸، م ۱۲.

۲. همان، السابع.

۳. همان، ص ۳۰۵، الثالث.

۴. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، فی شرایط الاعتکاف، الرابع.

۵. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شروط الاعتکاف، الثالث، ص ۳۰۵.

۶. همان.

اجازه اعتکاف

افراد ذیل با توضیحی که خواهد آمد بدون اجازه نمی‌توانند مُعتکف شوند:

- * زن بدون اجازه شوهرش.
- * فرزند بدون اجازه والدین.
- * کسی که در استخدام دیگری است.

توضیح:

۱. اگر اعتکاف زن موجب از بین رفتن حق شوهر باشد، بنابر احتیاط واجب باید از او اجازه بگیرد و همچنین برای بیرون رفتن از منزل نیز باید از شوهرش اجازه بگیرد.
۲. اگر اعتکاف فرزند سبب اذیت و آزار والدین باشد صحیح نیست و در صورتی که سبب اذیت و آزار آنها هم نباشد احتیاط مستحب است اجازه بگیرد.
۳. کسی که در استخدام دیگری است؛ مانند برخی از کارگران و کارمندان، در صورتی که قرارداد استخدامی و کاری به گونه‌ای است که منفعت مدت اعتکاف را نیز دربر می‌گیرد؛ یعنی اعتکاف با عمل به اجازه منافات دارد باید از صاحب کار اجازه بگیرد یا از اداره مطابق مقررات مرخصی بگیرد.^۱

محرمات اعتکاف

انسان در حال اعتکاف باید از این کارها پرهیز کند:

- * بوییدن چیزهای خوشبو و عطریات حتی گیاهان خوشبو، همراه با لذت.
- * خرید و فروش.
- * سایر انواع تجارت؛ مثل صلح و اجاره و غیر اینها (بنابر احتیاط واجب).
- * جدال در امور دینی و دنیوی برای غلبه بردیگری و اظهار فضل و برتری بر او.

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شروط الاعتکاف، السادس.

* امور جنسی و شهوت آمیز؛ مانند بوسه، لمس، آمیزش.

* استمناء^۱ (بنا بر احتیاط واجب).^۲

مبطلات اعتکاف

۱. اگر معتکف، روزه خود را باطل کند، اعتکافش باطل می شود.^۳

۲. آمیزش جنسی هر چند سهوا باشد اعتکاف را باطل می کند.^۴

۳. اگر معتکف از روی شهوت، دیگری را ببوسد یا بدن او را لمس کند یا یکی دیگر از محرمات اعتکاف را عمداً یا سهواً مرتکب شود، احتیاط واجب آن است که اعتکاف را به پایان برساند و چنانچه اعتکاف واجب شده باشد؛ مثلاً نذر کرده باشد یا روز سوم اعتکاف باشد، مجدداً باید بجا آورد.^۵

پرسش

۱. آیا در حال اعتکاف برای شرکت در نماز جمعه می توان از مسجد خارج شد؟

۲. اعتکاف فرزند بدون اجازه پدر چه حکمی دارد؟

۳. در چه صورتی می توان اعتکاف را قطع کرد؟

۴. در چه صورتی مسافر می تواند معتکف شود؟

۵. کدامیک از محرمات اعتکاف، در غیر حال اعتکاف جایز است؟

۱. استمناء در هر حال حرام و از گناهان بزرگ است و بنا بر احتیاط واجب جزو محرمات اعتکاف نیز هست،

لذا اگر کسی در حال اعتکاف چنین عملی را مرتکب شود، گناهی بیشتر و عذابش افزون تر است.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی احکام الاعتکاف، ص ۳۰۹.

۳. همان، م ۲.

۴. همان.

۵. همان.

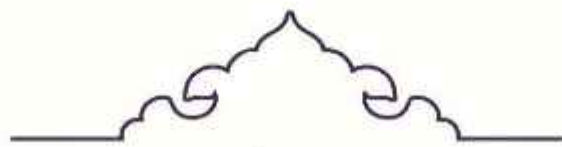


فصل چهارم:

حج

- مقدمات حج
- اعمال حج

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه



حج (۱)

... وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ
فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ عَلِيمٌ^۱

«... و برای خدا، حج آن خانه برعهده مردم است. [البته بر] کسی
که بتواند به سوی آن راه یابد و هر که کفر ورزد، یقیناً خداوند از
جهانیان بی نیاز است»

حج، یکی از وظایف مهم مسلمانان و اعمال حج، از مهم ترین مراسم عبادی-
سیاسی اسلام است.

حج، یکی از پایه های اساسی دین اسلام شمرده می شود و به عنوان يك عبادت
سیاسی و اجتماعی، دارای شکوه و عظمتی خاص می باشد.

در حج، تمام مسلمانها از سراسر جهان برای شرکت در این مراسم بزرگ به مکه می روند
و همه آنها از هر رنگ و نژاد، برادرانه در کنار هم لباس احرام می پوشند، به دور کعبه طواف
می کنند، در مسجد الحرام نماز می خوانند و یاد پیامبران خدا، حضرت ابراهیم علیه السلام و
اسماعیل علیه السلام - بنیانگذاران خانه توحید - را گرامی می داند و به یاد مادر اسماعیل و

حضرت هاجر - از صفا تا مروه را راهپیمایی می‌کنند و سپس در روزهای نهم تا دوازدهم ذی حجه، در اجتماع بزرگ «عرفات»، «مشعر» و «منا» شرکت می‌کنند و با انجام اعمال مخصوص، قدرت عظیم خود را به نمایش می‌گذارند.

کسانی که خرج سفر حج را داشته باشند و بتوانند در زمان معین آن به مکه روند و اعمال مخصوص حج را انجام دهند، حج بر آنها واجب می‌شود. حج، بر کسانی که دارای شرایط باشند، در عمریک بار واجب می‌شود.

شرایط وجوب حج

حج، بر کسی واجب است که دارای شرایط ذیل باشد:

* بالغ و عاقل باشد.

* برای حج مجبور نشود کار واجبی را که اهمیتش از حج بیشتر است ترک کند، یا کار حرامی را که ترک آن مهم‌تر از حج است مرتکب شود.^۱

* مستطیع باشد و استطاعت اقسامی به این شرح دارد:

- بدنی (صحت و توانایی)
- طریقی (باز بودن و امنیت راه)
- زمانی (داشتن زمان کافی)^۲
- مالی یعنی داشتن:

- هزینه رفت و برگشت به حج

- ضروریات زندگی

- شغل یا مال یا راه کسب دیگری که پس از بازگشت به سختی زندگی نکنند.^۳

۱. مناسک حج، شرایط وجوب حجة الاسلام، ص ۳.

۲. توضیح المسائل، م ۲۰۳۶ و تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۲.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۳۷۲ و ۳۷۳.

نیابت در حج

کسی که حج براو مستقر شده، یعنی شرایط وجوب حج را داشته و ترک کرده اگر به واسطه پیری یا مرض، قدرت رفتن به حج را ندارد و یا رفتن به حج برای او حرج و مشقت دارد و امید خوب شدن و قدرت پیدا کردن را نداشته باشد، واجب است نایب بگیرد.^۱

شرایط نایب

در نایب اموری شرط است:

- بلوغ (بنابر احتیاط واجب)
- عقل
- وثوق و اطمینان به انجام دادن اعمال
- شناخت وی نسبت به افعال و احکام حج، هر چند با راهنمایی دیگری، هنگام عمل
- واجب نبودن حج بر خودش
- معذور نبودن از انجام اعمال به طوری که برخی از آنها را ترک کند یا محتاج به نایب باشد.

اقسام حج

حج به تناسب موقعیت و محل زندگی افراد سه قسم است:

۱. قرآن ۲. افراد ۳. تمتع

نوع اول و دوم، ویژه اهالی مکه و اطراف آن، تا فاصله شانزده فرسخی است که احکام و شرایط آن در کتاب های مفصل فقهی آمده است. ولی دیگران، باید نوع سوم را انجام دهند و پیش از اعمال حج «عمره تمتع» بجا آورند.^۲

۱. مناسک حج (محشی)، م ۱۱۶.

۲. همان، ص ۴۰۳؛ کتاب الحج، القول فی اقسام الحج.

اعمال عمره تمتع و سیر مکانی آن

عمره تمتع پنج عمل است بدین ترتیب:

۱. احرام؛ درمیقات.^۱
۲. طواف و نماز طواف؛ در مسجد الحرام.
۳. سعی؛ بین صفا و مروه.
۴. تقصیر؛ که جای معینی ندارد.^۲

اعمال حج تمتع و سیر مکانی آن

حج تمتع سیزده عمل است بدین ترتیب:

۱. احرام حج تمتع؛ در مکه.
 ۲. وقوف در عرفات؛ روز عرفه (نهم ذی حجه).
 ۳. وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه)؛ شب عید قربان.
 ۴. رمی جمره عقبه و قربانی و حلق یا تقصیر؛ در منا، روز عید قربان.
- پس از اعمال روز عید، برای بیتوته؛ در منا می ماند، یا برای اعمال پس از منا به مکه می رود.

۱. طواف حج و نماز آن؛ در مسجد الحرام.

۵- اعمال پس از منا ۲. سعی؛ بین صفا و مروه.

۳. طواف نساء و نماز آن؛ در مسجد الحرام.

۶. پس از انجام دادن این اعمال، به منا برمی گردد برای ماندن شب های یازدهم و

دوازدهم در آنجا و رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم ذی حجه.

۱. «میقات» مکانی است که برای احرام مشخص شده است و آن پنج محل است: «مسجد شجره» «جحفه» «وادی عقیق» «قرن المنازل» و «یلملم».

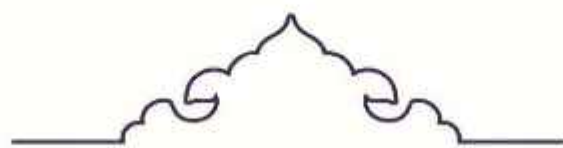
۲. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول فی صورة الحج الشمع اجمالاً.

۷. بعد از ظهر روز دوازدهم از منّا خارج می‌شود و اعمال حج به پایان می‌رسد. کسی که تا ظهر روز دوازدهم، اعمال مکه (طواف حج، نماز طواف، سعی، طواف نساء و نماز طواف نساء) را انجام نداده، پس از بازگشت به مکه انجام می‌دهد.^۱

تمرین پرسش

۱. مکان‌های اعمال عمره تمتع را به ترتیب برشمارید.
۲. اقسام استطاعت را نام برده، توضیح دهید.
۳. حج قرآن وظیفه چه کسانی است؟
۴. اعمال حج تمتع را برشمارید.
۵. حجاج شب‌های ۱۰ تا ۱۲ ذی الحجه را در کجا بسر می‌برند؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول فی صورة الحج المتمتع اجمالاً.



حج (۲)

توضیح اعمال عمره

احرام

- مردان باید تمام لباس های دوخته را از تن درآورند و دوتکه لباس غیردوخته برتن کنند که یکی را مانند لنگ به کمر می بندند و دیگری را برشانه می اندازند و با نیت احرام می گویند:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

□ احتیاط مستحب است، پس از آن بگویند:

«إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

- بانوان می توانند لباس دوخته بپوشند و بیرون آوردن لباس هایی که برتن دارند و پوشیدن دوتکه پارچه ندوخته، بر آنها واجب نیست.^۱

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی کیفیت الاحرام، ص ۴۱۳. به فتوای برخی از فقها، جمله دوم لبیک ها هم باید گفته شود.

طواف

- یکی از اعمال عمره و حج، طواف است؛ یعنی هفت مرتبه به دور کعبه گشتن.
- ۱ - طواف باید از مقابل گوشه‌ای از کعبه که حجرالاسود در آن قرار دارد آغاز و در همان جا به پایان برسد.
- ۲ - خانه کعبه، در حال طواف باید در طرف چپ طواف کننده باشد؛ بنابراین اگر در حال حرکت روبه کعبه باشد یا عقب عقب یا برخلاف مسیر طواف کنندگان برود، باطل است.
- ۳ - طواف کننده باید به دور حجر اسماعیل^۱ هم بگردد، یعنی هنگام طواف، داخل حجر نرود.
- ۴ - طواف کننده باید با طهارت طواف کند؛ یعنی با وضو باشد و غسلی بر عهده او نباشد و نیز بدن و لباس وی پاک باشد.
- (در بین اعمال عمره و حج، تنها در طواف و نماز طواف، باید با طهارت باشد).^۲

نماز طواف

- ۱ - پس از طواف، باید دو رکعت نماز، به نیت نماز طواف بخواند.
- ۲ - نماز طواف، مانند نماز صبح است؛ ولی اذان و اقامه ندارد و مردان می‌توانند حمد و سوره را بلند یا آهسته بخوانند، ولی زنان در صورتی که تا محرم صدایشان را می‌شنود، باید آهسته بخوانند.

۱. حجر اسماعیل: فضایی است بین کعبه و نیم دایره‌ای به عرض حدود ده متر که از زاویه شمالی تا زاویه غربی کعبه امتداد دارد. هرگاه باران بر پام کعبه ببارد از ناودان رحمت در این قضا می‌ریزد، آنجا مدفن حضرت اسماعیل^{علیه السلام} و مادرش هاجر^{علیها السلام} و بسیاری از پیامبران^{علیهم السلام} است.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۳۰، القول فی واجبات الطواف.

۳ - نماز طواف را باید در مسجد الحرام، نزد مقام ابراهیم عليه السلام^۱ بخواند و بنا بر احتیاط واجب باید پشت مقام بجا آورد به طوری که سنگ مقام بین او و خانه کعبه واقع شود.^۲

سعی

- ۱ - پس از نماز طواف، باید هفت مرتبه فاصله بین صفا و مروه را که امروزه به صورت راهرو سربویشیده ساخته شده و کنار مسجد الحرام قرار دارد بپیماید.
- ۲ - سعی باید از صفا آغاز و به مروه ختم شود.
- ۳ - بپیمودن فاصله صفا تا مروه یک مرتبه و برگشتن از مروه به صفا مرتبه دوم به حساب می آید، بنابراین هفت شوط سعی به مروه ختم می شود.^۳

تقصیر

در عمره تمتع، پس از سعی باید تقصیر کند؛ یعنی مقداری از ناخن یا موی سر یا صورت خود را بچیند. و در عمره مفرده مردان می توانند به جای تقصیر، سربتراشند.^۴

احرام حج

۱. حجاج، برای بجا آوردن اعمال حج باید در شهر مکه محرم شوند و بهتر است در مسجد الحرام و روز هشتم ذی حجه باشد.^۵
۲. احرام حج با احرام عمره تفاوتی ندارد به جز در نیت.^۶

۱. مقام ابراهیم: سنگی است که حضرت ابراهیم عليه السلام هنگام ساختن کعبه زیر پای خود می گذاشته و اثر پای آن حضرت بر سنگ مانده است و اکنون در مسجد الحرام، نزدیک کعبه در یک محفظه بلورین نگهداری می شود.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صلاة الطواف، ص ۴۳۶.

۳. همان، القول فی سعی، ص ۴۳۷.

۴. همان، القول فی التقصیر، ص ۴۳۹.

۵. همان، القول فی صورة حج التمتع اجمالاً، ص ۴۰۶، م ۱، رابعها.

۶. همان.

وقوف در عرفات

حجّاج باید از ظهر روز نهم ذی حجّه تا مغرب همان روز در عرفات بمانند و از آنجا خارج نشوند.^۱

وقوف در مشعر الحرام (مُزْدَلِفَه)

- ۱ - بعد از مغرب روز نهم ذی حجّه (شب عید قربان) حاجیان از عرفات خارج می‌شوند و برای عملی دیگر از اعمال حج به طرف مشعر الحرام حرکت می‌کنند.
- ۲ - بنا بر احتیاط واجب، باید شب دهم را تا اذان صبح برای اطاعت امر الهی در مشعر بمانند و از اذان صبح، نیت وقوف در مشعر الحرام کنند و تا طلوع آفتاب در آنجا بمانند.
- ۳ - در عرفات و مشعر، به جز ماندن در آنجا کار دیگری واجب نیست گرچه مستحبات بسیاری دارد.^۲

پرسش

- ۱ - تفاوت احرام مردان و زنان در چیست؟
- ۲ - تفاوت نماز طواف و نماز صبح چیست؟
- ۳ - کدام یک از اعمال عمره باید با طهارت بجا آورده شود؟
- ۴ - مکان احرام عمره تمتع و حج تمتع کجاست؟
- ۵ - وقت وقوف عرفات و مشعر الحرام چه زمانی است؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی الوقوف بعرفات، ص ۴۴۰.

۲. همان، القول فی صورة حج التمتع اجمالاً و ص ۴۴۱، القول فی الوقوف بالمشعر الحرام.



حج (۳)

اعمال روز عید قربان

پس از طلوع آفتاب روز دهم ذی حجه (عید قربان) حجاج برای بقیه اعمال از مشعرالحرام بیرون آمده روانه مینا می شوند.

اعمال روز عید در مینا عبارت است از:

* رمی جمره عقبه؛

* قربانی؛

* تراشیدن سر یا تقصیر.^۱

رمی جمره عقبه

وقتی که از مشعرالحرام به مینا وارد شویم در آخر مینا، بعد از مسجد خیف، جمرات^۲ قرار دارد که اولی «جمره اولی» و دومی «جمره وسطی» و سومی را «جمره عقبه» می نامند. اولین کار واجب در روز عید قربان، زدن هفت سنگ به جمره عقبه است.^۳

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۴۴، القول فی واجبات منی.

۲. جمرات، در سابق به صورت سه ستون سنگی بوده که اخیراً به سبب ازدحام جمعیت و آسیب دیدن برخی از حاجیان، این ستون ها را توسعه داده اند به دیوار تبدیل شده است.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی صورة حج النمتع اجمالاً، و ص ۴۴۴، القول فی واجبات منی.

قربانی

پس از سنگ زدن به جمره عقبه، حجاج برای یکی دیگر از واجبات حج، به قربانگاه می‌روند و یک شتر، یا گاو، یا گوسفند، ذبح می‌کنند یا به دیگری نیابت می‌دهند تا این عمل را از طرف آنها انجام دهد.^۱

حلق یا تقصیر

۱ - پس از قربانی، حاجی باید سربتراشد (حلق) یا مقداری از ناخن یا موی خود را بچیند (تقصیر).

□ ۲ - کسانی که سال اول حج آنهاست، بنا بر احتیاط واجب باید سربتراشند و تقصیر کفایت نمی‌کند؛ ولی افرادی که بار اول آنها نیست می‌توانند تقصیر کنند یا سربتراشند.^۲

بیتوته در منا

۱ - یکی دیگر از واجبات حج، بیتوته (ماندن در شب) به منا است.

□ ۲ - حاجیان باید شب یازدهم ذی حجه و شب دوازدهم را از غروب آفتاب تا نیمه شب، با قصد قربت در منا باشند.^۳

رمی جمرات

۱ - در روز یازدهم و دوازدهم ذی حجه، حجاج باید به هریک از جمرات، هفت سنگ بزنند.

۲ - در رمی جمرات، ابتدا باید به جمره اولی، سپس به وسطی و بعد از آن به جمره عقبه سنگ بزنند.^۴

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی واجبات منی، ص ۴۴۶.

۲. همان، ص ۴۵۰. به فتوای برخی از فقها، افرادی که سال اول حج آنهاست بین حلق و تقصیر مخیرند ولی حلق افضل است.

۳. همان، ص ۴۵۴، القول فی المبیته بمعنی. به فتوای برخی از فقها، حاجی مخیر است بین نیمه اول شب یا نیمه دوم.

۴. همان، القول فی رمی الجمار الثلاث.

طواف نساء و نماز آن

- ۱ - یکی از اعمال حج، طواف نساء و نماز آن است.
- ۲ - طواف نساء و نماز آن، اختصاص به مردان ندارد، بلکه بر تمام کسانی که عمره مفرده یا حج به جا می آورند واجب است.
- ۳ - پس از طواف نساء و نماز آن، زن و مردی که به سبب احرام بر یکدیگر حرام شده بودند، حلال می شوند.^۱

مَحْرَمَاتِ احْرَام

زائرس از پوشیدن لباس احرام و نیت و گفتن لبیک، مُحْرَم است و در مدت احرام باید از بیست و چهار کار پرهیز کند. چهارتای آنها فقط بر مردان حرام است و دوتای آنها بر زنان و بقیه، بر هر دو حرام است.

□ محرمات مشترک بین زن و مرد:

۱. استعمال عطریات و گرفتن بینی از بوی بد؛
۲. سرمه کشیدن؛
۳. نگاه کردن در آینه؛
۴. فسوق (دروغ گفتن و فحش دادن و فخر فروشی)؛
۵. جدال (گفتن «لا والله» و «بلی والله»؛
۶. کشتن جانورانی که در بدن ساکن می شوند؛
۷. انگشتر به دست کردن برای زینت؛
۸. روغن مالیدن به بدن؛
۹. زدودن مو از بدن؛

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فیما یجب بعد اعمال منی، ص ۴۵۲، م ۵.

۱۰. بیرون آوردن خون از بدن؛
۱۱. ناخن گرفتن؛
۱۲. کندن دندان؛
۱۳. کندن درخت یا گیاهی که در محدوده حرم^۱ روییده باشد؛
۱۴. سلاح به تن داشتن؛
۱۵. شکار حیوان صحرایی؛
۱۶. عقد کردن زن، برای خود یا دیگری؛
۱۷. آمیزش یا هرگونه عمل شهوانی دیگر؛
۱۸. استمناء.^۲

□ محرمات ویژه مردان

۱. پوشیدن جامه دوخته؛ مانند پیراهن؛
۲. پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بگیرد؛ مانند کفش و جوراب؛
۳. پوشاندن سر؛
۴. سایه بان قرار دادن بالای سر.^۳ در حال حرکت بین دو منزل؛ مثلاً از میقات تا مکه با ماشین سقف دار حرکت کند.

□ محرمات ویژه زنان

۱. پوشیدن زیور برای زینت.
۲. پوشاندن روی خود با نقاب یا روبند.^۴

۱. شهر مکه و قسمتی از اطراف آن که حدود معینی دارد «حرم» است و دارای احکام خاصی است.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول فی تزوک الاحرام، ص ۴۱۸.

۳. همان.

۴. همان.

اعمال عمره مفرده

در طول سال کسانی که به مکه مشرف می‌شوند و حج بر آنها واجب نیست و قصد بجا آوردن آن را ندارند یا وقت حج نیست، باید عمره مفرده را انجام دهند که اعمال آن عبارت است از:

۱. احرام؛
۲. طواف؛
۳. نماز طواف؛
۴. سعی؛
۵. تقصیر یا حلق؛
۶. طواف نساء؛
۷. نماز طواف نساء.^۱

پرسش

۱. کارهایی که فقط بر مردان مُحرم حرام است چیست؟
- ۲ - سعی و رمی را توضیح داده و مکان هریک را بیان کنید؟
۳. کدام یک از اعمال حج باید در منا انجام شود؟
- ۴ - تفاوت فسوق و جدال چیست؟
۵. تفاوت اعمال عمره تمتع با عمره مفرده چیست؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الحج، القول فی صورة حج التمتع اجمالاً، ص ۴۰۸، م ۹.



فصل پنجم:

امر به معروف و نهی از منکر و جهاد

• ۱ - امر به معروف و نهی از منکر

• ۲ - جهاد

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه

امر به معروف و نهی از منکر (۱)

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ
عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۱

«باید از شما گروهی باشند که مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار
نیکو امر کنند و از کار ناشایست بازدارند و اینان رستگارانند».

هر انسانی نسبت به کارهای ناپسند افراد جامعه و کارهای نیک و پسندیده آنان،
مسئولیت دارد. بنابراین اگر کار واجبی ترک شود یا حرامی اتفاق بیفتد، سکوت و
بی تفاوتی در مقابل آن جایز نیست و تمام افراد جامعه باید برای برپایی واجب و
جلوگیری از حرام اقدام کنند، که این عمل، امر به معروف و نهی از منکر نام دارد.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

در برخی از سخنان امامان معصوم علیهم السلام آمده است:

* امر به معروف و نهی از منکر، از مهم ترین واجبات و شریف ترین آنهاست.^۲

۱. آل عمران: ۱۰۴.

۲. کافی، ج ۴، ص ۵۵.

* واجبات دینی به سبب امر به معروف و نهی از منکر استوار می‌گردد.^۱
 * اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند، افراد پست و غیر لایق بر آنها مسلط می‌شوند و دعاها مستجاب نمی‌شود.^۲

تعریف معروف و منکر

در احکام دین، به تمام واجبات و مستحبات «معروف» و به تمام محرمات و مکروهات «منکر» گفته می‌شود. بنابراین، واداشتن افراد جامعه به انجام دادن کارهای واجب و مستحب «امر به معروف» و بازداشتن آنها از کارهای حرام و مکروه «نهی از منکر» است.

حکم امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، واجب کفایی است که اگر افرادی - به قدر کفایت - به آن اقدام کنند، از دیگران ساقط می‌شود و اگر با فراهم بودن شرایط، همه افراد آن را ترک کرده باشند، همه آنها ترک واجب کرده‌اند.^۳

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر با وجود برخی شرایط، واجب می‌باشد و در صورت نبود آن شرایط، تکلیف ساقط است. آنها عبارتند از:
 ۱. کسی که امر یا نهی می‌کند، بداند آنچه را که دیگری انجام می‌دهد حرام است و آنچه را ترک کرده، واجب است. پس بر کسی که نمی‌داند کاری که دیگری انجام می‌دهد حرام است یا نه، جلوگیری واجب نیست.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۴.

۲. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، القول فی اقسامهما و کیفیه وجوبهما، ص ۴۶۳، م ۲.

۲. احتمال بدهد امریانهی او تأثیر دارد؛ بنابراین اگر می‌داند تأثیر ندارد امر و نهی واجب نیست.

۳. شخص گناهکار اصرار بر ادامه داشته باشد. پس اگر معلوم شود یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که گناهکار بنای ترک عمل را دارد و دوباره تکرار نمی‌کند یا موفق به تکرار نمی‌شود، امر و نهی واجب نیست.

۴. امر و نهی، سبب ضرر جانی یا آبرویی یا ضرر مالی قابل توجه، به خودش یا نزدیکان و یاران و همراهانش، یا سایر مؤمنان نشود.^۱

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

برای امر به معروف و نهی از منکر، مراتبی است که اگر با عمل به مرتبه پایین‌تر، مقصود حاصل می‌شود، عمل به مرتبه بعدی جایز نیست و آن مراتب چنین است: اول: با معصیت‌کارطوری عمل شود که بفهمد به سبب ارتکاب آن گناه، با او این گونه عمل می‌شود؛ مثل اینکه از او رو برگرداند یا با چهره عبوس با او برخورد کند یا با او رفت و آمد نکند.

دوم: امر و نهی با زبان؛ یعنی به کسی که واجبی را ترک کرده است بگوید که واجب را بجا آورد و به گناهکار دستور بدهد که گناه را ترک کند.

□ سوم: استفاده از زور^۲ برای جلوگیری از منکر و برپایی واجب؛ یعنی زدن گناهکار.^۳

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، القول فی شرائط وجوبها.

۲. نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای. دام ظلّه. نسبت به مرتبه سوم این است: با توجه به اینکه در زمان قدرت حکومت اسلامی امکان ارجاع مرتبه سوم از امر به معروف و نهی از منکر، به قوه قضائیه و نیروی انتظامی وجود دارد به ویژه در مواردی که جلوگیری از منکر متوقف بر تصرف در اموال مرتکب شونده می‌باشد یا لازم است تعزیر شود یا او را زندانی کنند، بنابراین بر مکلف واجب است در امر به معروف و نهی از منکر به دو مرتبه اول اکتفا کنند و در صورتی که اثر نکرد و نیاز به توسل به زور وجود داشت، مسأله را به نیروی انتظامی و قضایی ارجاع دهند. اجوبة الاستفتائات، ج ۱، ص ۳۳۷، س ۱۹۰.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی مراتب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، ص ۴۷۶؛ توضیح المسائل، م ۲۸۱۸ و ۲۸۲۳.

احکام امر به معروف و نهی از منکر

۱. فراگیری شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد آن واجب است تا انسان در امر و نهی، مرتکب خلاف نشود.^۱
۲. اگر بداند امر و نهی، بدون خواهش و نصیحت و موعظه اثر نمی‌کند، واجب است که امر و نهی را با نصیحت و موعظه و خواهش همراه کند و اگر بداند که درخواست و موعظه به تنهایی (بدون امر و نهی) مؤثر است، باید به همین گونه عمل کند.^۲
۳. اگر بداند یا احتمال دهد که امر و نهی اش با تکرار مؤثر است، واجب است تکرار کند.^۳
۴. مراد از اصرار برگناه، مداومت بر انجام دادن نیست، بلکه ارتکاب آن عمل هر چند یکبار دیگر است، پس اگر یک بار نماز را ترک کرد و بار دیگر هم بنای ترک دارد، امر به معروف واجب است.^۴
۵. در امر به معروف و نهی از منکر زخمی کردن و کشتن معصیت کار بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست، مگر آنکه منکر از اموری باشد که در اسلام اهمیت بسیار زیادی دارد؛ مثل آنکه شخصی بخواهد انسان بی‌گناهی را بکشد و جلوگیری از او بدون مجروح کردن وی ممکن نباشد.^۵
۶. در امر به معروف و نهی از منکر قصد قربت شرط نیست، بلکه غرض از این واجب، عمل به معروف و ترک منکر است؛ ولی اگر قصد قربت کند، دو پاداش دارد.^۶
۷. در وجوب نهی از منکر فرقی بین گناه بزرگ (معصیت کبیره) و گناه کوچک

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی شرائط وجوبهما، ص ۴۶۸، م ۸.

۲. همان، الشرط الثانی، م ۳.

۳. همان، م ۵.

۴. همان، الشرط الثالث، م ۴.

۵. همان، القول فی مراتب امر بالمعروف والنهی عن المنکر، المرتبة الثالثة، ص ۴۶۸، م ۱۱ و ۱۲.

۶. همان، القول فی اقسامهما و کیفیة وجوبهما، ص ۴۶۹، م ۱۳.

(معصیت صغیره) نیست، پس اگر کسی مرتکب گناه صغیره هم بشود نهی او واجب است.^۱

۸. اگر شخصی به قصد انجام کار حرام، مقدمات آن را شروع کند، پس اگر انسان:

* بداند به انجام آن موفق می‌شود نهی او واجب است.

* بداند به انجام آن موفق نمی‌شود نهی او واجب نیست، مگر از آن باب که مقدمه حرام هم منکر است یا جرأت کردن بر کار حرام هم معصیت است و باید جلوگیری شود.

* نمی‌داند به آن موفق می‌شود یا نه حکم فرض قبلی را دارد.^۲

۹. اگر بداند یا احتمال دهد که نهی او در حضور جمع مؤثر است (نه تنهایی)، اگر انجام دهنده، آن عمل را آشکارا انجام می‌دهد، جایز بلکه واجب است او را در جمع نهی کند و اگر چنین نیست، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.^۳

۱۰. اگر بداند که امر شخص دیگری به گناهکار مؤثر است، واجب است به آن شخص امر کند تا او را بدان کار وادارد.^۴

۱۱. اگر تأثیر امر و نهی متوقف بر ارتکاب حرام یا ترک واجب باشد، جایز نیست و وجوب ساقط است، مگر از امور بسیار مهمی باشد که شارع مقدس راضی به تخلف از آن نباشد و آنچه را برای جلوگیری از آن کار مرتکب می‌شود بدان اهمیت نباشد؛ مثل اینکه برای جلوگیری از قتل یک انسان بی‌گناه لازم باشد، بدون اجازه وارد خانه دیگران شود.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، م ۱۴.

۲. همان، م ۱۵.

۳. همان، القول فی شرائط وجوبهما، الشرط الثاني، ص ۴۶۸، م ۶.

۴. همان، م ۱۰.

۵. همان، م ۱۲.

آداب امر به معروف و نهی از منکر

سزاوار است، امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر:

* مانند طبیبی دلسوز و پدری مهربان باشد.

* قصد خود را خالص کند و تنها برای رضای خداوند اقدام کند و عمل خود را از

هرگونه برتری جویی پاک گرداند.

* خود را پاک و منزّه نداند، چه بسا همان شخصی که اکنون خطایی از او سرزده

است، دارای صفات پسندیده‌ای باشد که مورد محبت الهی است، هر چند این عمل

او هم اکنون ناپسند و مورد غضب الهی باشد.^۱

پرسش

۱. معروف و منکر را توضیح داده و برای هریک چهار مثال بزنید.

۲. آیا نهی از منکر نسبت به گناهی است که انجام شده یا گناهی که در شرف انجام است؟

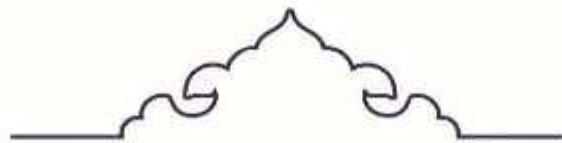
۳. اگر انسان ببیند کسی با لباس نجس نماز می خواند یا غذای نجس می خورد آیا واجب است به او تذکر دهد؟ چرا؟

۴. اگر دیدیم دو نفر شطرنج بازی می کنند، آیا واجب است آنها را از این کار نهی کنیم؟

۵. آیا امر به معروف و نهی از منکر از عبادات است؟ چرا؟

۶. خرید کالا از قاچاق فروش، محترک و دروغگو، چه حکمی دارد؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، فی مراتب امر بالمعروف والنهی عن المنکر، المرتبة الثالثة، ص ۴۸۱، م ۸۴.



امر به معروف و نهی از منکر (۲)

معروف ها

در اصطلاح فقهی، کلیه واجبات و مستحبات معروف هستند، لذا در دروس گذشته برخی از آنها مطرح شده و در ضمن درس های آینده نیز تعداد زیادی از آنها مطرح خواهد شد، اما در این درس بعضی از معروف هایی که در اثناء مطالب کتاب، احکام آنها مطرح نشده یا تنها اشاره ای به آن شده باشد آورده می شود.

طلب علم

دانش آموختن و طلب علم از جمله مهم ترین خواسته های دین اسلام است و جزو با فضیلت ترین اعمال شمرده شده است و در برخی موارد به عنوان فریضه از آن یاد شده است.

- ۱- یاد گرفتن مسائلی را که انسان غالباً به آن نیاز دارد و واجب است.
- ۲- فراگیری علمی که ضروری جامعه اسلامی است، مانند دانش فقه، طب و برخی از علوم طبیعی واجب کفایی است و بر افرادی که شرایط تحصیل آن و برطرف کردن نیاز جامعه را دارند واجب است اقدام کنند.

۳- یاد دادن احکام و مسائل ضروری دیگری به افراد جاهل در صورتی که جاهل آنها سبب ترک واجب یا ارتکاب حرام بشود واجب است.

مبارزه با بدعت

بدعت عبارت است از انجام دادن عملی که جزء دین نیست یا از دین بودن آن ثابت نیست به نام دین یا آموختن آن به دیگران، خواه از عبادات باشد یا غیر آنها، مانند تحریف قرآن.

۱- مبارزه با بدعت به اظهار علم بر عالمان دینی واجب است. در روایت آمده است: «اگر عالم به رویارویی با بدعت ها برنخیزد و دانش خود را به منظور روشن کردن افکار عمومی عرضه نکند دچار نفرین خداوند می شود».

۲- یبزاری جستن از بدعت گزاران و ترک تعظیم آنان و بر حذر داشتن حرام از نزدیک شدن و ارتباط ایشان واجب است.

۳- اگر در اسلام بدعتی واقع شود و سکوت علمای دین و رؤسای مذهب (اعلی الله کلماتهم) موجب هتک اسلام و تضعیف اعتقادات مسلمین شود بر آنان واجب است به هر وسیله ای که ممکن است انکار نمایند چه انکار آنها در ریشه کن ساختن فساد مؤثر باشد یا نباشد.

۴- ارشاد جاهل به احکام شرعی، واجب است، ولی ارشاد به موضوع واجب نیست. به طور مثال کسی که می داند نماز خواندن با لباس نجس باطل است ولی نمی داند لباسش نجس شده است لازم نیست به او بگوید و همچنین اگر یکی از میهمان ها بفهمد غذا نجس است لازم نیست به سایر میهمان ها بگوید در حالی که خودش نباید غذای نجس را بخورد، ولی در امور مهمی که شارع مقدس به آن اهمیت زیادی داده است، مثل آتش زدن قرآن یا اموری که مفسده مهمی بر آن مترتب است،

مثل آن که موجب تفرقه بین مسلمانان و آدم کشی خواهد شد، در اینگونه موارد ارشاد به موضوع واجب است.

۵- اگر شخصی بخواهد انسان بی گناهی را به خیال آنکه محارب است بکشد یا با کسی که خواهر رضاعی اوست بخواهد ازدواج کند، چون این گونه امور دارای اهمیت بسیار زیادی است یا مفسده مهمی بر آن مترتب خواهد شد، ارشاد وی واجب است.

توبه از گناه

۱- توبه از گناه، واجب فوری است.

۲- توبه از اهم واجبات الهی است که در قرآن کریم و روایات با تأکید فراوان به آن سفارش شده است.

۳- توبه از گناه به معنای پشیمانی از گناه همراه با تصمیم بر ترک آن است و چنانچه وظیفه‌ای به دنبال داشته باشد آن وظیفه را نیز عمل کند، بدین شرح:

الف) در حقوق الهی، مثل ترک نماز، روزه، حج و مانند آن، قضا آن را نیز بجا آورد.

ب) در حقوق مردم (حق الناس) صاحب حق را راضی کند و چنانچه دسترسی به وی ندارد و حق مالی است به عنوان مظالم عباد به افراد فقیر بپردازد و احتیاط آن است که از حاکم شرع اجازه بگیرد.

سلام کردن

سلام و احترام به دیگران از سنن رایج پیامبر ﷺ بوده و به آن امر فرموده و بهترین و ساده ترین و کم هزینه ترین شیوه ارتباط با همنوعان به ویژه مؤمنان و احترام به آنان است، سلام موجب الفت و وحدت و همدلی و برطرف کننده کدورت و اختلاف و بددلی است.

درباره سلام و فضیلت آن و اجر و ثواب بسیار زیاد و آثار مفید آن، روایات بسیار زیادی وارد شده است و شاید بتوان آن را یکی از بدیهی‌ترین معروف‌ها دانست، چرا که همه مسلمانان بلکه همه انسان‌ها خوبی آن را درک می‌کنند، هر چند خودشان به آن عمل نکنند.

- ۱- سلام کردن به دیگران مستحب ولی پاسخ به آن واجب است.
- ۲- پاسخ سلام، واجب فوری است یعنی انسان بدون تأخیر باید جواب سلام کننده را بدهد حتی اگر در حال نماز باشد.
- ۳- جواب سلام باید طوری باشد که اگر مانعی در کار نیست سلام کننده بشنود.
- ۴- اگر دو نفر همزمان به یکدیگر سلام کنند، هریک واجب است جواب سلام دیگری را بدهد.

- ۵- جواب سلام کسی که از روی شوخی یا مسخره کردن سلام داده واجب نیست.
- ۶- جواب سلام گویندگان رادیو و تلویزیون، هر چند پخش زنده باشد، واجب نیست.

حفظ نظام اسلامی

در اندیشه امام خمینی ره، «فقه تئوری و کامل اداره انسان و جامعه از گهواره تا گور است» و «حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه علمی تمامی فقه در تمام زوایای زندگی است».^۱

اگر احکام اجتماعی اسلامی برای اداره جامعه است بی شک بدون تشکیل حکومت چنین امری امکان پذیر نخواهد بود، و چنانچه حکومتی براساس مبانی اسلام تشکیل شد حفظ آن واجب قطعی است و بی درنگ یکی از معروف‌هایی است که امر به آن واجب و غفلت از آن گناه بزرگی است، لذا به فرموده امام را حل: اگر حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرائض، یعنی هیچ فریضه‌ای در

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست، اگر حفظ اسلام جزء فریضه های بزرگ است و بزرگترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون، حفظ این جمهوری اسلامی، از اعظم فرائض است.

۱- حفظ نظام اسلامی، واجب عینی است.

۲- اعمالی که موجب حفظ نظام اسلامی می شود عبارت اند از:

- حفظ و تقویت باورهای دینی مردم
- حفظ وحدت امت اسلامی و حضور در صحنه های مختلف، مثل انتخابات
- اطاعت از رهبری

۳- اعمالی که موجب تضعیف نظام اسلامی خواهد شد نقطه مقابل اموری است که در مساله قبل گفته شد؛ یعنی اعمالی که موجب تضعیف اعتقادات و ایمان مردم نسبت به مبانی دینی خواهد شد و نیز:

• ایجاد اختلاف و تفرقه بین احاد ملت

• سرپیچی از اوامر ولی فقیه و رهبر امت اسلامی

رعایت قوانین و مقررات

شاید کمتر کسی است که نداند رعایت قوانین و مقررات، امری لازم و تخلف از آن موجب هرج و مرج و بی بند و باری در جامعه خواهد بود، برای هر نظام سیاسی مهم تر از قوانین مرقی، مراعات قانون است لذا این امر نه تنها یک معروف شرعی بلکه معروف عادی و مردمی است، یعنی حتی کسانی که معتقد به ادیان الهی نیستند، مطلوب بودن بلکه ضرورت آن را درک می کنند.

- ۱- مراعات مقررات دولت اسلامی لازم و تخلف از آن جایز نیست.^۱
- ۲- به طور کلی قوانین و مقرراتی که جهت حفظ نظم و برای جلوگیری از اختلال نظام و ناامنی تصویب و اعلام شده، لازم است رعایت شود و تخلف از آنها جایز نیست و اگر کسی تخلف کرد و آنها را نادیده گرفت تعزیر او به هر نحو که حاکم شرع صلاح دانست، اعم از جزای نقدی یا شلاق، مشروع و بلامانع است.
- ۳- خرید و فروش اجناسی که از سوی دولت اسلامی، قاچاق اعلام شده، باید مطابق مقررات اعلام شده باشد.^۲
- ۴- استفاده از دفترچه خدمات درمانی دیگران، یا در اختیار گذاشتن دفترچه خود برای استفاده دیگران در صورتی که برخلاف مقررات دولت اسلامی باشد جایز نیست.

کلمه پرسش

۱. چهار نمونه از معروف‌هایی که در کتاب نیامده، نام ببرید.
۲. در چه صورتی فراگیری یک رشته علمی واجب و در چه صورتی حرام است؟
۳. اگر انسان ببیند دو نفر در حال بازی شطرنج هستند، آیا نهی کردن آنها واجب است؟ چرا؟
۴. بدعت را توضیح داده، مثال بزنید.
۵. آیا می‌دانید سزائیکه سلام به دیگران از جواب سلام ثواب بیشتری دارد چیست؟
۶. چرا حفظ نظام اسلامی از نماز مهم‌تر است؟

۱. استفتائات، ج ۱، ص ۷۴، س ۱۷۷، به فتوای برخی از فقهاء، تخلف از مقررات اگر موجب هرج و مرج یا بی‌هم خوردن انتظام عمومی بشود جایز نیست.

۲. استفتائات، ج ۱، ص ۴۷، س ۱۳۲.

۲. همان، ص ۵۴، ص ۱۴۸.

امر به معروف و نهی از منکر (۳)

منکرها

به طور کلی همه گناهان اعم از کبیره و صغیره و مکروه‌ها، جزو منکرات هستند ولی بررسی و ارائه احکام تمام آنها از گنجایش این کتاب بیرون است، لذا به برخی از آنها که دارای اهمیت بسیاری است و بیشتر مورد ابتلا است می‌پردازیم.

دروغ

۱. دروغ از کارهای حرام و از گناهان بزرگ است.^۱
۲. انسان در حال ناچاری هم تا می‌تواند نباید دروغ بگوید، بلکه باید توریه کند، یعنی چیز دیگری غیر از آنچه شنونده متوجه می‌شود، قصد کند. مثلاً شخصی او را به خوردن غذایی دعوت می‌کند که خوردن آن غذا برایش حرام است، ولی نمی‌تواند واقعیت را بگوید و در جواب می‌گوید میل ندارم و قصدش این است که به غذای حرام میل ندارد، در حالی که شنونده خیال می‌کند که او غذا خورده و سیراست.^۲

۱. استفتاآت: ج ۲، ص ۶۱۶، س ۴ و ۲.

۲. المکاسب المحرمه، مرتضی‌النصاری، ج ۱، ص ۴۷، فی حرمة الکذب.

۳. اگر امر بسیار مهمی در پیش باشد، مثل کشته شدن یک فرد یا از هم پاشیدن نظام خانواده، گفتن دروغی که از آن جلوگیری کند، اشکال ندارد.^۱

غیبت

اگر صفتی ناروا در شخصی باشد یا کاری انجام داده باشد که خلاف است و دیگران از آن بی اطلاعند و دوست ندارد کسی آن را برای دیگران بازگو کند، بازگو کردن آن پشت سر او نزد دیگران، «غیبت» است.^۲

۱. غیبت، هم برای گوینده و هم برای شنونده حرام است.^۳

۲. اگر انسان از کسی غیبت کرده باشد، باید از آن گناه توبه کند، و لازم نیست به او بگوید.^۴

۳. اگر شخصی نماز نمی خواند، ولی این گناه خود را آشکار نمی کند، غیبت او جایز نیست، اگر چه باید او را امر به معروف کرد.^۵

فحش و لعن

۱- فحش و ناسزا گفتن به مؤمن حرام است.

۲- شوخی هایی که گاهی در آن الفاظ توهین آمیز به کار می رود حرام است.

۳- در توبه از فحش علاوه بر پشیمانی و تصمیم بر ترک، باید کسی را که به او

۱. استفتائات؛ ج ۲، ص ۶۱۶، س ۱.

۲. همان، ص ۶۱۸، س ۹.

۳. همان.

۴. همان، ص ۶۲۰، س ۱۵ و ۱۶. به فتوای برخی از فقها، در صورتی که مفسده ای نداشته باشد باید رضایت غیبت شونده را به دست آورد.

۵. همان، س ۱۸.

فحش داده است راضی کند؛ ولی اگر راضی نشد یا دسترسی به او نداشت و یا مفسده‌ای بر آن مترتب باشد، گرچه لازم نیست ولی باید جبران آن اهانت را به وسیله تعریف نمودن از او در میان مردم و به واسطه دعا و استغفار برای او بنماید.

۴- لعن مؤمن، زنده یا مرده، حرام است.

استهزاء

استهزاء آن است که آدمی گفتار یا کردار یا صفات دیگران را با سخن یا عمل یا اشاره یا کنایه طوری نقل و حکایت کند که سبب خنده دیگران شود. استهزای مؤمن حرام است و چنانچه در حضور او نباشد غیبت نیز خواهد بود.

غصب

غصب آن است که انسان به ناحق و از روی ظلم، بر اموال یا حقوق دیگران مسلط شود.

شخصی؛ مانند سرقت از منزل یا مغازه کسی. عمومی؛ مانند برداشتن لوازم اداره، نپرداختن خمس و زکات.	۱. اموال؛	
شخصی؛ مانند نماز خواندن در مکانی که دیگری در مسجد برای خود گرفته است تا زمانی که به طور متعارف این حق را برای او قائل هستند. عمومی؛ مانند جلوگیری از استفاده مردم از مسجد یا پل و خیابان و سده معبر^۱.	۲. حقوق؛	اقسام غصب؛

۱. تحریر الوسيله؛ ج ۲، کتاب الغصب، ص ۱۷۳، م ۱.

احکام غصب

۱. تمام اقسام غصب حرام است و از گناهان بزرگ به شمار می‌رود.^۱
۲. اگر انسان چیزی را غصب کند، مرتکب کار حرام شده و باید آن را به صاحبش باز گرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد.^۲
۳. اگر مال غصبی را خراب کند، باید آن را با مزد ساختش به مالک آن بدهد و اگر تفاوت قیمت ساخته و نساخته آن بیشتر از مزد ساخت باشد، باید تفاوت قیمت آن را هم بدهد.^۳
۴. اگر در چیزی که غصب کرده، تغییری داده که از صورت اولش بهتر شده (مثلاً از طلایی که غصب کرده، گوشواره ساخته)، چنانچه صاحب مال بگوید که آن را به همین صورت بده، غاصب باید آن را به او بدهد و نمی‌تواند برای زحمتی که کشیده، مزد بگیرد و نیز غاصب حق ندارد آن را به شکل اولش برگرداند.^۴

کمک به ستمکار

۱. ظلم و یاری ظالم درستم به دیگران، بلکه در هر کار حرامی که مرتکب می‌شود، حرام است.^۵
۲. کمک به ستمگران در غیر کار حرام تا وقتی که جزء اعوان و اطرافیان و منسوبان آنها به حساب نیاید و اسمش در دفتر آنها ثبت نشود و سبب زیادی قدرت و شوکت آنان نباشد، جایز است.^۶

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۶۵، م ۳.

۲. همان، ص ۱۶۵، م ۳.

۳. همان، توضیح المسائل؛ م ۲۵۵۳.

۴. همان، م ۲۵۵۴.

۵. همان، تحریر الوسیله؛ ج ۱، ص ۴۷۳، م ۱۴.

۶. همان، ص ۴۷۳، م ۱۴.

رشوه

۱. گرفتن و دادن رشوه برای صدور حکم باطل، قطعاً حرام است، ولی چنانچه کسی برای رسیدن به حقش چاره‌ای جز پرداخت رشوه نداشته باشد، برای رشوه‌دهنده، جایز، ولی برای گیرنده، حرام است.^۱
۲. تغییر عنوان رشوه سبب حلال شدن آن نمی‌شود، مثلاً به عنوان هدیه، بخشش، شیرینی یا هر عنوان دیگر.^۲
۳. کسی که رشوه گرفته، واجب است آن را به صاحبش برگرداند.^۳

مجسمه سازی

۱. ساختن مجسمه دو گونه است:
 - مجسمه انسان و حیوان، حرام است.
 - مجسمه غیر آنها، مانند درختان و گل‌ها، اشکال ندارد.^۴
۲. کسب از راه مجسمه سازی و مزد گرفتن برای ساخت آن حرام است.
۳. خرید، فروش، نگهداری و استفاده از مجسمه اشکال ندارد.
۴. نقاشی کردن تصویر انسان و حیوان، اشکال ندارد، هر چند احتیاط مستحب ترک آن است.^۵

۱. تحریر الوسیله: ج ۲، ص ۳۸۵، م ۶.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان، ج ۱، ص ۴۷۲، م ۱۲. به فتوای برخی از فقها، ساختن مجسمه انسان و حیوان اگر به قصد تمثیل به فعل الهی و بت سازی و بت پرستی نباشد اشکال ندارد.

۵. همان، ص ۴۷۲، م ۱۲.

قمار

۱- هر نوع بازی، که شرط کنند شخص برنده از کسی که بازی را باخته پول یا چیز دیگری بگیرد، قمار و حرام است، به جز در مسابقات اسب دوانی (سبق) و تیراندازی (رمایه)^۱

۲- مسابقه ورزشی یا غیر آن. اگر همراه با حرام نباشد، از نظر اسلام بی اشکال و گاهی پسندیده است. آنچه موجب مسابقات می شود، معمولاً دو امر است:
الف) به کار گرفتن ابزار قمار در مسابقات.

ب) شرط برد و باخت و گرفتن چیزی از طرف مقابل^۲
بنابراین، احکام مسابقات و بازی ها را می توان اینگونه خلاصه کرد:

بازی	۱- با ابزار قمار: حرام، چه بدون برد و باخت و چه با آن.
	۲- بدون ابزار قمار
	۱. بدون برد و باخت. جایز. ۲. با برد و باخت. حرام. ^۳

استفتاء

س ۱. بازی های سرگرم کننده ولی بدون شرط بندی؛ مانند شطرنج و تخته نرد و غیره، چگونه است؟
ج. بازی با آلات قمار، مطلقاً حرام است.^۴

۱- استفتائات، ج ۲، ص ۹ و ۱۰.

۲- مقصود از برد و باخت آن است که از برنده از بازنده چیزی یا خدمتی بگیرد، بنابراین اگر فقط برنده و بازنده اعلام می شود و گرفتن چیزی و خدمتی در بین نیست، یا مؤسسه و سازمانی به برنده جایزه ای می دهد اشکال ندارد.

۳- استفتائات، ج ۲، ص ۹ و ۱۰ و ۱۱.

۴- همان، ص ۱۸.

س ۲- اگر شطرنج، آلت قمار بودن خود را به کلی از دست داده باشد و چون امروزه، تنها به عنوان يك ورزش فکری از آن استفاده گردد، بازی با آن چه صورتی دارد؟
ج - بر فرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد اشکال ندارد.^۱

س ۳- وضع بازی بلیارد از لحاظ شرعی چگونه است؟
ج - هر چه که از آلات قمار محسوب باشد بازی با آن حرام است.^۲

سقط جنین

حکم از بین بردن جنین به این شرح است:

الف. پیش از چهار ماهگی (پیش از روح دار شدن):

۱. باقی ماندن جنین برای مادر خطر دارد ← جایز است.

۲. باقی ماندن جنین برای مادر خطر ندارد ← حرام است.

ب. پس از روح دار شدن ← جایز نیست، هر چند باقی ماندن آن برای مادر خطر داشته باشد یا ناقص الخلقه و عقب افتاده باشد.

سقط جنین دیه اگر روح دار باشد، کفاره نیز واجب است.^۳

۱- استفتائات، ج ۲، ص ۱۰، س ۲۱. به فتوای برخی از فقهاء، بازی با شطرنج مطلقاً حرام است.

۲- همان، ج ۳، ص ۸، س ۱۵.

۳- همان، صص ۲۸۶ تا ۲۹۲ و تحریر الوسیله، کتاب الدیات، ص ۵۹۸، م ۲.

پرسش

- ۱- مراعات نکردن نوبت، غصب است یا نه؟ کدام نوع آن؟
- ۲- اگر شخصی قبل از بلوغ چیزی را غصب کند و سپس صاحب آن بمیرد و غاصب قیمت آن را هم نداند تکلیف چیست؟
- ۳- با مراجعه به کتاب‌های مفصل فقهی، موارد استثنای غیبت را برشمارید.
- ۴- چه اعمالی ملحق به سحر و حرام است؟
- ۵- شخصی مسئول خرید یک وزارتخانه است، برخی از شرکت‌ها و فروشندگان، برای جذب مشتری هدیه‌ای به این شخص می‌دهند، که گاهی بسیار ارزشمند است، حکم آن را بیان کنید.
- ۶- در چه صورت سقط جنین جایز است؟

جهاد و دفاع

اقسام جهاد

تلاش برای پیشبرد اسلام و مبارزه با کسانی که از پذیرش آن سرباز زده‌اند «جهاد ابتدایی» نام دارد، جهاد دارای تاکتیک‌ها و شیوه‌های ویژه‌ای است که فقط به امر پیامبر اکرم ﷺ و جانشینان وی که از هرگونه لغزش و اشتباه در امان هستند، عملی می‌گردد و اختصاص به زمان حضور معصومین ﷺ دارد و در زمان ما، که عصر غیبت امام معصوم ﷺ است، واجب نیست. ولی نوع دیگر مبارزه با دشمنان که «جهاد دفاعی» یا «دفاع» نام دارد، حق مسلم همه مسلمانان است که در هر زمان و در هر جا که مورد هجوم دشمنان قرار گرفتند، یا آیین و مذهبشان در خطر بود، برای حفظ جان و نگهداری از آیین خود، با دشمنان مبارزه کنند و زمینه اصلاح جامعه و کمال افراد انسانی را فراهم آورند.

اقسام دفاع

- | | |
|-----------------------------------|--------------|
| ۱. دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی | } اقسام دفاع |
| ۲. دفاع از جان و حقوق شخصی | |

دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی

اگر دشمن بر کشورهای اسلامی هجوم آورد،
یا نقشه تسلط بر منابع اقتصادی یا نظامی مسلمانان را کشیده باشد،
یا نقشه تسلط سیاسی بر کشورهای اسلامی را داشته باشد، بر همه مسلمانان
واجب است هرگونه که بتوانند در مقابل هجوم دشمنان بایستند و با نقشه‌های آنان
مخالفت کنند.^۲

دفاع از جان و حقوق شخصی

۱. جان و مال مسلمانان محترم است و چنانچه کسی بر انسان حمله آورد یا به
خویشان وی، مانند پسر، دختر، پدر، مادر و برادرش، هجوم آورد، دفاع و جلوگیری از او
واجب است، هر چند منجر به قتل مهاجم شود.^۳
۲. اگر دزدی برای دزدیدن اموال انسان هجوم آورد، دفاع و جلوگیری از او واجب
است.^۴
۳. اگر کسی برای دیدن نامحرم به خانه دیگران نگاه کند، جلوگیری او از آن کار
واجب است، هر چند با زدن او باشد.^۵
۴. دفاع از اسلام یا جان، مشروط به حضور امام معصوم علیه السلام و اجازه آن حضرت یا
نایب خاص یا عام او (فقیه جامع الشرایط) نیست؛ یعنی در همه وقت و همه جا دفاع
واجب است.^۶

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الدفاع، ص ۴۸۵.

۲. توضیح المسائل، م ۲۸۲۶ تا ۲۸۲۹.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی الدفاع، القول فی القسم الثانی، ص ۴۸۷، م ۳.

۴. همان، م ۵.

۵. همان، م ۳۰.

۶. همان، م ۲.

آموزش فنون نظامی

در این زمان که مسائل نظامی پیشرفت بسیاری کرده و دشمنان اسلام به انواع سلاح‌های پیشرفته مجهز شده‌اند، دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی بدون فراگیری فنون نظامی ممکن نیست و از آنجا که دفاع، بدون آموزش نظامی امکان ندارد، بر تمام افرادی که توانایی و قدرت یادگیری آن را دارند و احتمال می‌رود که به شرکت آنها در جبهه دفاع از اسلام و کشور اسلامی نیاز باشد، آموزش نظامی واجب است.^۱

خدمت سربازی

دفاع از کشورهای اسلامی و حفظ آنها از خطر هجوم دشمنان، اختصاص به زمان جنگ و درگیری ندارد، بلکه در هر حال، افراد زیادی باید با آمادگی کامل رزمی در مرزهای کشور برای جلوگیری از هجوم احتمالی دشمن، حاضر باشند و گروهی دیگر برای مبارزه با دشمن داخلی و تبهکاران اقدام کنند. بنابراین بر تمام افرادی که توانایی دارند، لازم است که در برهه‌ای از عمر خود این خدمت مقدس را انجام دهند.

استفتاء

س: نظر امام راجع به سربازی کسانی که مشمول قانون نظام وظیفه هستند و در این زمان حساس به سربازی نمی‌روند چیست؟
ج: باید به سربازی بروند و تخلف از مقررات جایز نیست.^۲

س: آیا رفتن به سربازی برای مشمولینی که مشکلاتی دارند، از نظر شرعی لازم است؟
ج: باید به سربازی بروند و یا مطابق مقررات معافی بگیرند و تخلف جایز نیست.^۳

۱. استفتاء.

۲. استفتائات، ج ۱، ص ۵۰۲، س ۳۴.

۳. همان، ص ۴۶۱، س ۲.

اجازه پدر برای رفتن به جبهه دفاع یا سربازی

۱. اگر دشمن به کشور اسلامی هجوم آورد و جبهه دفاع به نیرو نیاز داشته باشد، برای رفتن به جبهه، نیاز به اجازه والدین نیست.^۱

استفتاء

س: پدر من اجازه نمی‌دهد به خدمت اعزام شوم؛ یعنی به سربازی بروم، وظیفه شرعی من چیست؟

ج: اگر مشمول نظام وظیفه هستید باید بروید و رضایت پدر در آن اعتبار ندارد.^۲

س: اینجانب تنها پسر خانواده هستم، اکنون که تکلیف شرعی شده که به جبهه بروم، والدینم مخالفت می‌کنند، البته ایشان معتقد به اسلام و انقلابند، ولی چون مادرم دچار ناراحتی قلبی است مرا از رفتن منع می‌کنند، آیا مجاز هستم که بدون توجه آنان به جبهه بروم؟

ج: تا موقعی که جبهه‌ها نیاز به نیرو دارند، شرکت در جبهه واجب است و اذن والدین شرط نیست.^۳

وظیفه بانوان

هرچند جهاد ابتدایی، حتی در زمان حضور امام معصوم علیه السلام بر زنان واجب نیست ولی دفاع بر هر شخصی - حتی بانوان - در هر زمان و هر جا در حد توانایی و امکانات واجب است.^۴

۱. چند استفتاء، ص ۱۹، س ۷.

۲. استفتاآت، ج ۱، ص ۴۹۳، س ۶ و ص ۴۹۶، س ۱۵.

۳. همان، س ۱۴.

۴. همان، ج ۳، ص ۴۳، س ۷.

فرار از جبهه

فرار از جبهه، از گناهان بزرگ شمرده شده و در هیچ حالی جایز نیست.^۱

غنایم جنگی

در دوران هشت سال دفاع مقدس که سربازان اسلام در یک جنگ تحمیلی و نابرابر در برابر دشمن متجاوز، بلکه جهان شرک و کفر ایستادند، بنا به تقیدی که رزمندگان جبهه حق به احکام شرع داشتند و ضرورتی که ایجاب می‌کرد، برخی از احکام موضوعات نوظهور در جنگ‌های امروز، از محضر بنیانگذار جمهوری اسلامی و فرماندهی کل قوا امام خمینی ره استفتاء شد تا راهگشای فرماندهان و رزمندگان باشد. با استفاده از پرسش‌ها و پاسخ‌های آن دوران غنائم را می‌توان به دودسته تقسیم کرد:

- الف) غنائم عمومی: مانند اسلحه و مهمات و ادوات جنگی، که باید به مسئولان نظامی تحویل شود و جزو بیت‌المال قرار گیرد و مربوط به نظام اسلامی است.
- ب) غنائم شخصی: مانند لباس و ساعت و رادیو و پول، که برداشتن آنها برای رزمندگان اشکال ندارد.^۲

اسیر و شهید

هرچند احکام مربوط به اسیرانی که از نیروهای دشمن گرفته می‌شود و شهیدان نیروهای اسلام، بسیار است که بخشی از احکام مربوط به شهدا در درس «احکام درگذشتگان» خواهد آمد، اما نسبت به اسیران دشمن، چه آنها که تسلیم شده‌اند و چه آنها که دستگیر شده‌اند، هرگونه آزار و اذیت آنان جایز نیست و مسئله آزادی یا

۱. استفتائات، ص ۴۲، س ۳.

۲. همان، ص ۴۸، س ۲۸-۲۷ و ص ۵۱، س ۴۰.

نگهداری یا مبادله آنها به ولی فقیه و فرماندهی کل قوا مربوط است و او هرگونه صلاح بدانند عمل می کند.

استفتاء

س. گرفتن اموال شخصی اسیران و نیز اموال غیرشخصی آنان صحیح است یا خیر؟
ج. اموال شخصی اسرا را نباید از آنان بگیرند و ادوات جنگی را باید از چنگ آنان درآورند و به مسئولین مربوطه تحویل دهند.^۱

پرسش

۱. تفاوت جهاد و دفاع چیست؟
۲. در چه صورتی مبارزه با سارق و دزد واجب است؟
۳. دلیل واجب بودن خدمت سربازی چیست؟
۴. در چه صورت، رفتن به سربازی باید با رضایت والدین باشد؟
۵. حکم غنائم جنگی در حال حاضر چیست؟

۱. استفتائات، ج ۳، ص ۵۲، س ۴۱.



فصل ششم:

واجبات مالی

- زکات
- خمس
- انفال
- کفارات
- مظالم عباد

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه

زکات (۱)

«... وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ يَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا...»^۱
 «... و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و قرض نیکوبه خدا بدهید
 و هر کار خوبی برای خویش پیش فرستید، آن را نزد خداوند بهتر و با
 پاداشی بیشتر باز خواهید یافت.»

احکام دین، برای اداره زندگی انسان‌هاست. برای عملی ساختن این هدف والا، تشکیل حکومت اسلامی ضروری است. وظیفه اساسی حکومت اسلامی «اداره جامعه بزرگ اسلامی» است و برای انجام این مسئولیت، هزینه و سرمایه لازم است و یکی از راه‌های تأمین آن ادای واجبات مالی است. پرداختن زکات، یکی از واجبات دینی و از وظایف مهم اقتصادی مسلمانان است. در آیات بسیاری از قرآن کریم^۲ پرداختن زکات در کنار اقامه نماز قرار گرفته و از ویژگی‌های مؤمنان و حکومت صالحان شمرده شده است. معصومان (علیهم‌السلام) نیز در روایات متعددی بر این وظیفه مهم تأکید کرده و اهمیت و آثار آن را بیان فرموده‌اند.^۳

۱. مزمل: ۲۰.

۲. مانند آیه ۱۷۷ سوره بقره، آیه ۱۱ سوره توبه، آیه ۴ سوره مؤمنون و آیه ۷۸ سوره حج.

۳. در کتاب شریف وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۸ تعدادی از این روایات نقل شده است.

زکات، باید مانند نماز و روزه با نیت و به قصد قربت و اطاعت دستور خداوند پرداخت شود و اگر با این قصد نباشد، زکات محسوب نمی‌شود و وظیفه انجام نشده است. پس زکات رنگ معنوی و الهی دارد و از عبادات شمرده می‌شود.

اقسام زکات

زکات بر دو قسم است: یک قسم آن زکات بدن و حیات است که هر سال یک مرتبه در روز عید فطر پرداخت می‌شود و به نام زکات فطره معروف است و بر تمام کسانی که فقیر نباشند، واجب است. قسم دوم زکات اموال است که موارد معینی دارد.

زکات اموال

اموالی که زکات دارند و در اصطلاح فقهی به آنها «مُتَعَلِّقات زکات» گفته می‌شود، بدین شرح است:

الف. غلات: گندم، جو، خرما، کشمش؛

ب. دام‌ها: گوسفند، گاو، گاومیش، شتر؛

ج. سکه‌ها: طلا و نقره.^۱

پس زکات با شرایطی بر کشاورزان، باغداران، دامداران و سکه‌داران واجب است که احکام و شرایط هر کدام را در ادامه خواهیم گفت.

وظیفه کشاورزان و باغداران

کسانی که گندم یا جو کشت می‌کنند یا درختان خرما و انگور دارند، چنانچه محصول و میوه به دست آمده کمتر از ۸۴۷ کیلو و ۲۰۷ گرم^۲ نباشد، باید زکات آن را بپردازد و اگر از این مقدار کمتر باشد، زکات ندارد. به این مقدار حد «نصاب» گفته

۱ توضیح المسائل، م ۱۸۵۳.

۲ برخی از فقها، نصاب غلات را کمی بیشتر از این مقدار دانسته‌اند.

می‌شود. البته می‌توانند هزینه‌های به دست آمدن محصول را از آن کسر کنند و زکات باقیمانده آن را بپردازند.^۱

کسر مخارج

هزینه‌ها را به طور خلاصه می‌توان به مخارج کاشت، داشت و برداشت تقسیم کرد.

- **مخارج کاشت؛** مانند بذر، کود، مزد تراکتور و شخم زدن زمین، مزد تسطیح و آماده‌سازی زمین، پول نهال و درخت خریداری شده، مزد بذرپاشی و نهال‌کاری، مخارج کانال‌کشی، جوی‌سازی، لایروبی، حفر چاه و قیمت وسیله‌ای که برای کاشت همان محصول خریداری شده است، مثل موتورپمپ و لوله. اما چنانچه از وسیله خریداری شده، در فعالیت‌های دیگر کشاورزی یا باغداری استفاده می‌کند و یا در سال‌های دیگر نیز از آن استفاده می‌شود، تنها قیمت استهلاک مقداری که برای کاشت همین محصول در همین سال بوده، محاسبه می‌شود؛ ولی احتیاط آن است که قیمت استهلاک دستگاه‌ها را محاسبه نکنند.

- **مخارج داشت؛** مانند مزد آبیاری، نگهداری، سم‌پاشی، قیمت سم، مزد زدودن علف‌های هرز و هرس و اصلاح درختان و مزد آفت‌زدایی، قیمت آب خریداری شده و قیمت وسایل آبرسانی و مخارج حفاری و لایروبی قنات که برای همین محصول صرف شده، همان‌گونه که در مخارج کاشت گفته شد.

- **مخارج برداشت؛** مانند مزد میوه‌چین، دروگر و کمباین، هزینه جدا کردن دانه از کاه، و خشک کردن خرما.

مزد کار صاحب محصول جزء مخارج به حساب نمی‌آید؛ یعنی نباید برای کار خودش مزدی قرار دهد و آن را از محصول کسر کند و نیز کرایه زمین و وسایلی که از

۱ توضیح المسائل، م ۱۸۶۴، به فتاوی برخی از فقها، ملاحظه نصاب پس از کسر مخارج است.

خودش است، محاسبه نمی‌شود؛ مثلاً اگر با تراکتور خودش زمین را شخم زده، نمی‌تواند بگوید اگر تراکتور اجاره می‌کردم، فلان مبلغ می‌گرفت و آن مبلغ را از مخارج این محصول به حساب آورد.^۱

دومسأله

۱. اگر انسان، مزرعه گندم و جو را پیش از دانه بستن، خرما را پیش از سرخ شدن و انگور را پیش از غوره شدن، خریداری کند یا از راه دیگریه ملکیت او درآید، مثلاً به او ببخشند یا به اوارث برسد، باید زکات آن را بپردازد؛ ولی اگر پس از آن باشد، زکات آنها بر او واجب نیست، بلکه بر عهده مالک قبلی است؛ ولی اگر بداند مالک قبلی زکات آن را نپرداخته، مقدار زکات آن مال را مالک نمی‌شود.^۲

۲. آنچه از گندم و جو، پیش از خوشه بستن چیده می‌شود - مثلاً برای خوراک دام - یا از غوره و انگور یا خرما، اگر پیش از چیدن تمام آنها مصرف کند، مقدار مصرف شده، زکات ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب است زکات همین مقدار را نیز بپردازد. ولی اگر از انگور و خرما یا گندم و جو که زکات آن واجب شده مصرف کند، باید زکات مقدار مصرف شده را نیز بپردازد.^۳

وقت پرداخت زکات غلات

۱. زمان پرداخت زکات گندم و جو، پس از درو کردن و جدا کردن آنها از کاه است و زمان پرداختن خرما و انگور پس از چیدن آنهاست.^۴

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۱۳، ۲؛ توضیح المسائل، م ۱۸۸۰ و ۱۸۸۲، نسبت به کسریخی از این هزینه‌ها مراجع تقلید نظرات متفاوتی دارند که تفصیل آن در رساله توضیح المسائل و کتب مفصل فقهی آمده است.

۲. همان، ص ۳۰۹، ۷؛ همان، م ۱۸۶۲ و ۱۸۶۹.

۳. همان، ص ۳۰۹، ۷؛ همان، م ۱۸۶۸ و ۱۸۶۹.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۸، ۴؛ توضیح المسائل، م ۱۸۶۵.

۲. پس از جدا کردن زکات از اموال لازم نیست فوراً آن را بپردازد؛ ولی اگر به کسی که می‌توان به او زکات داد دسترسی دارد، احتیاط مستحب است تأخیر نیندازد و چنانچه تأخیر انداخت و زکات تلف شد، ضامن است و باید بپردازد.^۱

مقدار زکات غلات

مقدار زکات غلات بدین شرح است:

الف. اگر دیم بوده و از باران یا نم زمین استفاده کرده یا از آب رودخانه و نهر و چشمه و قنات و امثال اینها که بدون هزینه و زحمت است، مشروب شده، زکات آن یک (۱/۴) است؛ یعنی یک کیلو از هر ده کیلو، محصول زکات است.

ب. اگر با آب دستی یا موتور پمپ آبیاری شده، زکات آن یک بیستم (۱/۲۰) است..

ج. اگر به هر دو شیوه، آبیاری شده است، مسأله سه صورت دارد:

۱. بیشتر با یکی از اینها آبیاری شده؛ مثلاً همیشه آب موتور پمپ خورده و گاهی هم باران باریده؛ زکات آن یک بیستم (۱/۲۰) است یا بیشتر باران باریده و مثلاً یکی دوبار هم با آب چاه آبیاری شده، زکات آن یک دهم (۱/۱۰) است.

۲. با هر دو مشروب شده؛ زکات نصف محصول یک دهم (۱/۲۰) و زکات نصف دیگر، یک بیستم (۱/۲۰) است.

۳. اگر از هر دو آبیاری شده، ولی معلوم نیست کدام یک بیشتر بوده؛ زکات آن یک بیستم (۱/۲۰) است.^۲

دو مسأله

۱. گندم و جو و خرما و کشمش که زکات آن را داده‌اند، اگر چند سال هم بماند، مجدداً زکات ندارد.^۳

۱ توضیح المسایل، م ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳

۲ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۱۴، المطلب الثالث؛ توضیح المسائل، م ۱۸۷۵ و ۱۸۷۷.

۳ توضیح المسائل، م ۱۸۷۴.

۲. اگر گندم و جو و خرما و کشمش که زکاتش واجب شده، خوب و بد دارد، باید زکات هر کدام از خوب و بد را از خود آن پردازند و یا زکات همه را از جنس خوب بدهند و به احتیاط واجب نمی‌توانند زکات همه را از جنس بد پردازند.^۱

کجه پرسش

۱. نصاب خرما و گندم چقدر است؟
۲. اگر مزعه گندم را خریداری کند، زکات آنها بر عهده اوست یا فروشنده؟
۳. زکات گندمی که با موتور پمپ از رودخانه آبیاری شده است، است $\frac{1}{10}$ یا $\frac{1}{20}$ ؟
۴. نصاب غلات قبل از کسر مخارج محاسبه می‌شود یا پس از آن؟



زکات (۲)

وظیفه دامداران

دامدارانی که گوسفند یا گاو یا گاو میش یا شتر نگهداری میکنند، با وجود شرایطی که گفته می شود، پرداخت زکات دام بر آنها واجب می شود:

الف. یک سال مالک آنها باشند.

ب. حیوان در تمام سال بیکار باشد.

ج. حیوان در تمام سال بچرد و از علف بیابان تغذیه کند.

د. تعداد دام به حد نصاب برسد.^۱

توضیح شرایط

الف. گذشت سال

□ ۱. زکات دام در صورتی واجب می شود که صاحب آن یک سال مالک آن باشد؛ پس اگر پیش از آنکه یک سال بگذرد^۲، دام را بفروشد، مثلاً گوسفند یا گوساله پروازی

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸۹، فی زکاة الانعام؛ توضیح المسائل، م ۱۸۵۶ و ۱۹۰۸.

۲. به نظری برخی از فقها پس از گذشت یازده ماه، زکات واجب می شود.

را هفت - هشت ماه نگه میدارد و می‌فروشد یا به خرید و فروش دام اشتغال دارد و هیچ‌گاه دام‌ها را یک سال نگه نمی‌دارد، زکات واجب نیست؛ ولی اگر یازده ماه نگه داشته و در ماه دوازدهم فروخته باشد، زکات آن واجب می‌شود که پس از گذشت ماه دوازدهم باید پردازد.

ب. بیکار بودن

□ یکی از شرایط وجوب زکات دام آن است که حیوان در طول سال بیکار باشد. پس شتری که برای بارکشی یا گاوی که در شخم زدن زمین به کار گرفته می‌شود، زکات ندارد؛ ولی اگر در طول سال، یکی دوروزه کار گرفته شود، زکات آن واجب است.^۱

ج. بیابان چربودن

□ ۱. دام‌هایی که علف دستی می‌خورند یا از علف کاشته شده استفاده می‌کنند، خواه صاحب دام آن را کاشته باشد یا دیگری کاشته و او خریده یا اجاره کرده است، زکات ندارند.^۲

۲. اگر دام، گاهی در بیابان می‌چرد و گاهی علف دستی می‌خورد یا در بخشی از سال، مثلاً تابستان در بیابان می‌چرد و در بخش دیگری، مثلاً پاییز و زمستان علف دستی می‌خورد، زکات ندارد.

۳. اگر دام، در تمام سال می‌چرد، ولی چند روزی علف دستی بخورد که عرفاً به آن حیوان بیابان چربگویند، زکات دارد.^۳

۱ توضیح المسائل، م ۱۹۰۸. برخی از فقها این شرط را لازم نمی‌دانند و چنانچه حیوان در شخم زدن و حمل بار یا امثال آن به کار گرفته شود، احتیاط واجب آن است که زکاتش پرداخت شود.

۲ همان. برخی از فقها این شرط را لازم نمی‌دانند و زکات حیوان‌هایی را که علف دستی می‌خورند نیز واجب دانسته‌اند.

۳ همان، م ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴.

د. به نصاب رسیدن

نصاب دام، تعداد معینی است که اگر حیوان‌های موجود کمتر از آن تعداد باشد، زکات ندارد. نصاب گوسفند، گاو، شتر و مقدار زکات آنها بدین شرح است.

نصاب گوسفند

اولین نصاب گوسفند، چهل رأس است و زکات آن یک گوسفند است؛ پس اگر تعداد گوسفندان کمتر از چهل رأس باشد، زکات ندارد و نصاب‌های بعدی آن بدین شرح است:

شماره	نصاب	مقدار زکات
۱	۱۲۱ گوسفند	۲ گوسفند
۲	۲۰۱ گوسفند	۳ گوسفند
۳	۳۰۱ گوسفند	بنابر احتیاط واجب، ۴ گوسفند
۴	۴۰۰ گوسفند و بیشتر از آن	هر صد رأس آن یک گوسفند

مقدار فاصله بین دو نصاب، زکات ندارد؛ یعنی اگر تعداد گوسفندان از یک نصاب بگذرد، ولی به نصاب بعدی نرسد، زکات نصاب پایین را باید بپردازد؛ مثلاً زکات ۱۱۱ گوسفند، یک گوسفند است.

نصاب گاو

اولین نصاب گاوسی رأس است و زکات آن یک گوساله است که یک سال آن تمام شده و وارد سال دوم شده باشد و نصاب‌های بعدی بدین شرح است:

۱- به نظر برخی از فقها، نصاب گاو دو تاست، ۳۰ و ۴۰ و بیشتر از ۴۰ با همین دو عدد محاسبه می‌شود، مثلاً زکات ۶۰ رأس گاو، دو گوساله است که وارد سال دوم شده باشد.

شماره	نصاب	مقدار زکات
۱	۴۰ گاو	یک گوساله ماده که وارد سال سوم شده باشد.
۲	۶۰ گاو	دو گوساله یک ساله
۳	بیشتر از ۶۰ گاو	برای هر ۳۰ رأس یک گوساله دو ساله و هر ۴۰ رأس تا یک گوساله سه ساله ^۱

نصاب شتر

شتر دوازده نصاب دارد، بدین شرح:

نصاب	مقدار زکات
۵ شتر	۱ گوسفند
۱۰ شتر	۲ گوسفند
۱۵ شتر	۳ گوسفند
۲۰ شتر	۴ گوسفند
۲۵ شتر	۵ گوسفند
۲۶ شتر	یک شترکه وارد سال دوم شده باشد.
۳۶ شتر	یک شترکه وارد سال سوم شده باشد.
۴۶ شتر	یک شترکه وارد سال چهارم شده باشد.
۶۱ شتر	یک شترکه وارد سال پنجم شده باشد.
۷۶ شتر	دو شترکه وارد سال چهارم شده باشد.
۹۱ شتر	دو شترکه وارد سال چهارم شده باشد.
۱۲۱ شتر و بیشتر	برای هر چهل شتر، یک شترکه وارد سال سوم شده باشد. ^۲

۱. یادآوری می‌شود در این محاسبه باید طوری عمل شود که چیزی باقی نماند و اگر چیزی باقی ماند از ۹ رأس بیشتر نباشد.

۲. توضیح المسائل، م ۱۹۱۰.

دو مسأله

۱. اگر همه حیوان‌ها سالمند، دادن حیوان ناقص و مریض به عنوان زکات آنها کافی نیست. و نیز اگر حیوانات همه جوانند، حیوان پیرو فرتوت کافی نیست، ولی اگر همه آنها همان‌گونه باشند، اشکال ندارد.^۱

۲. در زکات، نر یا ماده بودن حیوان شرط نیست. بنابر این می‌تواند زکات حیوان‌های نر را از جنس ماده بدهد، هرچند همه آنها نر نباشند؛ یا از جنس ماده بدهد، گرچه همه آنها ماده نباشند.^۲

وظیفه سکه‌داران

از آنجا که امروزه سکه طلا و نقره، چندان رواج ندارد و کمتر کسی است که زکات سکه بر او واجب شود، تنها به شرایط وجوب زکات سکه و نصاب و مقدار زکات آن می‌پردازیم. کسانی که طلا و نقره دارند، با شرایط زیر زکات آن واجب است:

- به نصاب لازم برسد.
- یک سال بر آن بگذرد.
- مسکوک رایج باشد.^۳

توضیح شرایط

۱. نصاب طلا ۱۵ مثقال و نصاب نقره ۱۰۵ مثقال است و کمتر از این مقدار زکات ندارد.^۴

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۳، م ۱.

۲. همان

۳. همان، ج ۱، ص ۳۰۴ و ۳۰۵، الفصل الثانی، توضیح المسائل، م ۱۸۹۹.

۴. همان، ص ۳۰۴؛ همان، م ۱۸۹۷.

۲. اگر یازده ماه سکه‌ها را نگه داشته باشد، زکات آن واجب می‌شود که در پایان ماه دوازدهم باید بپردازد؛ ولی اگر پیش از ماه یازدهم تعدادی از آنها را بفروشد یا ببخشد که وزن مجموع باقیمانده آنها کمتر از نصاب باشد، زکات واجب نیست.^۱
۳. طلا و نقره در صورتی که به صورت سکه رایج باشد^۲، زکات دارد؛ ولی طلای شمش یا زیورآلات که به صورت سکه رایج نیست، زکات ندارد.^۳

مقدار زکات طلا و نقره

۱. مقدار زکات طلا و نقره، همیشه یک چهلیم ($\frac{1}{40}$) است؛ یعنی اگر از نصاب گفته شده کمتر نباشد، یک چهلیم آن به عنوان زکات باید پرداخت شود.^۴
۲. اگر زکات طلا و نقره را بپردازد و تا سال دیگر آنها را نگه دارد و از نصاب کمتر نباشد، مجدداً باید زکات آن را بپردازد و همچنین در سال‌های آینده.^۵

کج پرسش

۱. اولین نصاب گوسفند و مقدار زکات آن چقدر است؟
۲. شخصی اول اردیبهشت ۲۵ رأس گوسفند و اول مهر ماه همان سال ۲۰ رأس دیگر می‌خرد. زمان پرداخت زکات این گوسفندان چه وقت است؟
۳. زکات ۵۳ رأس گاو چیست؟
۴. یک شتر یک ساله، زکات چند شتر است؟

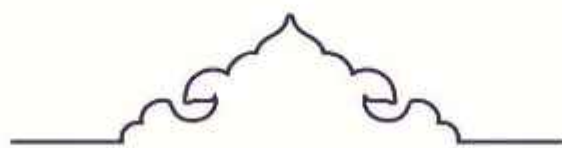
۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۵؛ توضیح المسائل، م ۱۹۰۲.

۲. به فتوای برخی از فقها سکه طلای بهار آزادی، اگر به حد نصاب برسد زکات دارد.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، م ۳۰۵؛ همان ۱۸۹۹ و ۱۹۰۰.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۰۴.

۵. توضیح المسائل، م ۱۸۹۸.



زکات فطره

قال الصادق عليه السلام: «ان من تمام الصوم اعطاء الزكاة يعني الفطرة كما

ان الصلوة على النبي صلى الله عليه وآله من تمام الصلوة.»^۱

«تکمیل روزه به پرداخت زکات یعنی فطره است، همچنان که
صلوات بر پیامبر ﷺ کمال نماز است.»

شب عید فطر، بر افراد واجد شرایط، زکاتی واجب می شود به نام زکات فطره، که
مقدار و موارد مصرف آن خواهد آمد.

فردی که در شب عید فطر دارای این شرایط باشد زکات فطره بر او واجب است:

۱. بالغ باشد؛
۲. عاقل باشد؛
۳. بنده کسی نباشد؛
۴. فقیر نباشد.
۵. نان خور دیگران نباشد.^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۲۱، ح ۵.

۲. توضیح المسائل، م ۱۹۹۱.

چنین شخصی، باید زکات خود و کسانی را که در مغرب شب عید فطر نان خور او هستند، پردازد؛ کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا غیرمسلمان، خرج آنان بر او واجب باشد یا نباشد، در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر (یعنی حتی اگر فرزند او که نان خور اوست به مسافرت رفته باشد باید زکات او را بدهد).^۱

مقدار زکات فطره: هر نفر یک صاع که تقریباً ۳ کیلو است.^۲

جنس زکات فطره: گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند این‌ها یا پول این‌ها.^۳

وقت وجوب زکات فطره: شب عید فطر.^۴

وقت پرداخت زکات فطره: از شب عید تا ظهر روز عید فطر و بهتر است که در روز عید پردازد و اگر نماز عید می‌خواند بنابر احتیاط واجب قبل از نماز عید پردازد.^۵

فطره میهمان

□ ۱. فطره میهمانی که پیش از غروب شب عید فطر، وارد می‌شود، در صورتی که نان خور^۶ میزبان حساب شود، بر میزبان واجب است و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده‌اند که خرجی او را بدهد.^۷

۱. توضیح المسائل، م ۱۹۹۱.

۲. همان.

۳. همان.

۴. تحریر الوسیله، ج ۱، فی زکاة الابدان، القول فی وقت وجوبها، ص ۳۴۸.

۵. همان؛ توضیح المسائل، م ۲۰۲۹.

۶. میهمانی که تنها برای یک شب وارده شده نان خور میزبان به حساب نمی‌آید، مگر آنکه بخواهد چند شب دیگر نیز بماند.

۷. تحریر الوسیله، ج ۱، فی زکاة الابدان، م ۳، ص ۳۴۶؛ توضیح المسائل، م ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶. به فتوای برخی از فقها، اگر بدون دعوت و رضایت صاحبخانه آمده است زکات فطره بر او واجب نیست و اگر میزبان فطره میهمان را پردازد بر خودش واجب است.

۲. فطره میهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می شود، بر صاحبخانه واجب نیست، اگرچه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند.^{۱)}

احکام زکات فطره

۱. کسی که مخارج سال خود و اهل و عیالش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و اهل و عیالش را تأمین کند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.^{۲)}

□ ۲. کسی که دیگری باید فطره او را بدهد واجب نیست فطره خود را بدهد، هر چند آن دیگری فطره او را نپردازد.^{۳)}

۳. غیر سید نمی تواند به سید فطره بدهد، حتی اگر سیدی نان خور او باشد نمی تواند فطره او را به سید دیگر بدهد؛ مثلاً کسی که همسرش سید است، ولی خودش سید نیست، زکات فطره همسرش را نیز نمی تواند به سید بپردازد.^{۴)}

۴. اگر فطره را کنار بگذارد، نمی تواند آن را برای خودش بردارد و مالی دیگر را برای فطره بگذارد.^{۵)}

۵. اگر در محل خودش مستحق پیدا شود احتیاط واجب آن است که فطره را به جای دیگر نبرد و اگر به جای دیگر ببرد و تلف شود باید عوض آن را بدهد.^{۶)}

۱. توضیح المسائل، م ۱۹۹۷.

۲. همان، م ۱۹۹۲.

۳. همان، م ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶. به پاورقی قبلی مراجعه شود.

۴. همان، م ۲۰۰۹.

۵. همان، م ۲۰۳۲.

۶. همان، م ۲۰۳۵.

مصرف زکات

مصرف زکات در هشت جا است که می‌توان آن را در تمام یا برخی از این موارد، مصرف کرد. مصارف هشت‌گانه زکات در آیه ۶۰ سوره توبه آمده است:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾

توضیح مصارف زکات

۱. کسانی که مخارج زندگی خود را نمی‌توانند تأمین کنند. «فقراء»
۲. آنان که به کلی درمانده و بینوايند. «مساکين»
۳. کسانی که از طرف امام علیه السلام یا نایب او مأمور جمع‌آوری و نگهداری و توزیع زکاتند. «عاملين»
۴. برای الفت دادن دل‌ها به اسلام و مسلمانان؛ مانند غیر مسلمانان که اگر به آنها کمکی بشود، به دین اسلام می‌گروند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند. «مؤلفه قلوبهم»
۵. خریداری برده‌ها و آزاد کردن آنان. «فی الرقاب»
۶. بدهکارانی که نمی‌توانند قرض خود را بدهند. «غارمین»
۷. در راه خدا؛ یعنی در کارهایی که نفع آن به عموم می‌رسد و مورد رضایت خداست؛ مانند ساختن جاده، پل و مسجد. «فی سبیل الله»
۸. مسافری که در سفر درمانده است و خرج برگشت به وطن را ندارد، هر چند در وطن خود فقیر نباشد. «ابن السبیل»^۱

احکام مصرف زکات

۱. فقیری که زکات دریافت می‌کند باید دارای این شرایط باشد:

۱. توضیح المسائل، م ۱۹۲۵.

* شیعه دوازده امامی باشد؛

* واجب النفقه زکات دهنده نباشد؛ مانند همسر و فرزند؛

* اگر زکات دهنده سید نیست، زکات گیرنده نیز سید نباشد؛

* زکات را در معصیت مصرف نکند؛

* بنا بر احتیاط واجب، شرابخوار نباشد و آشکارا معصیت کبیره نکند.^۱

۲. به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارج او بر زکات دهنده واجب باشد، می‌توان زکات داد.^۲

□ ۳. اگر فرزند به کتاب‌های علمی دینی احتیاج داشته باشد، پدر می‌تواند برای خریدن آن کتاب‌ها به او زکات بدهد.^۳

۴. پرداخت زکات از عبادات است و باید به قصد قربت؛ یعنی برای اطاعت دستور خداوند پردازد و در نیت معین کند که زکات مال است یا زکات فطره.^۴

□ ۵. مصرف زکات فطره، همان مصرف زکات مال است، گرچه احتیاط مستحب است که فقط به فقرا و مؤمنان^۵ و اطفال آنها^۶ و به مساکین پردازد.^۷

۶. وقت پرداخت زکات:

باید به فقیر پردازد یا از مال خود جدا کند.	}	زکات طلا و نقره و دام‌ها را پس از تمام شدن یک سال.
		زکات گندم و جو را موقعی که از کاه جدا می‌کنند.
		زکات خرما و انگور را موقع خشک شدن.

۱. توضیح المسائل، م ۲۰۱۶، ۱۹۴۲، ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ و ۱۹۵۶.

۲. همان، م ۱۹۴۷.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی اوصاف المستحقین للزکاة، ص ۳۱۱، م ۱؛ توضیح المسائل، م ۱۹۵۰. به فتوای برخی از فقها، بدون اجازه حاکم شرع نمی‌تواند به پسرش برای خرید کتاب، زکات بدهد.

۴. همان، م ۱۹۵۷.

۵. مؤمن در فرهنگ فقهی، شیعه دوازده امامی است.

۶. توضیح المسائل، م ۲۰۱۴. برخی از فقها، این احتیاط را واجب دانسته‌اند.

پس از جدا کردن زکات، لازم نیست فوری آن را به مستحق بدهد، ولی اگر به مستحق دسترسی دارد، احتیاط مستحب آن است که پرداخت زکات را تأخیر نیندازد.^۱

۷. اگر زکات را از اموال خود جدا کند، می‌تواند در بقیه آن تصرف کند و اگر قیمت آن را کنار بگذارد (نه از خود آن) می‌تواند در تمام آن مال تصرف کند.^۲

۸. انسان نمی‌تواند زکاتی را که از اموالش جدا کرده، برای خود بردارد و چیز دیگری به جای آن بگذارد.^۳

مستحبات پرداخت زکات

۱. خویشان خود را بر دیگران، و اهل علم و کمال را بر غیر آنان، و کسانی را که گدایی نمی‌کنند بر گدایان مقدم دارد.
۲. زکات دام‌ها را به فقیرهای آبرومند بدهد.
۳. زکات را آشکارا و صدقه مستحب را پنهانی پردازد.^۴

کج پرسش

۱. زکات فطره یک خانواده پنج نفره چه مقدار است؟
۲. آیا زکات فطره را از یک شهر می‌توان به شهر دیگر برد؟
۳. تفاوت فقیر و مسکین چیست؟
۴. برای مصرف سبیل الله، ده مثال بزنید.
۵. در چه صورتی پدر می‌تواند به فرزند خودش زکات بدهد؟

۱. توضیح المسائل، م ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲.

۲. همان، م ۱۹۶۵.

۳. همان، م ۱۹۶۶.

۴. همان، م ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴.



خمس (۱)

«... وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ...»^۱

«بدانید هر چیزی را که به دست آوردید، پنج یک آن برای خدا و رسول خدا و خویشان او و یتیمان و مسکینان و راه ماندگان است.»

برخی می‌پندارند، خمس و زکات، تنها بر عهده کسانی است که ثروت فراوان دارند و در رفاه کامل به سر می‌برند و در مقابل، برخی بر این باورند که تمام افراد باید خمس پردازند و همه اموال انسان مشمول خمس خواهد بود. اما این پندار صحیحی نیست؛ بلکه هر انسان عاقل و بالغی که یکی از موارد خمس را داشته باشد، باید آن را برای مصارفی که مشخص شده است، پردازد و افرادی که هیچ کدام از موارد خمس یا زکات را نداشته باشند، تکلیفی ندارند؛ بلکه در برخی موارد باید به آنها خمس یا زکات داده شود.

موارد وجوب خمس

* آنچه از خرج سال زیاد بیاید (منفعت کسب)؛

* معدن؛

* گنج؛

* غنائم جنگی؛

* جواهری که با فرورفتن در دریا به دست آید؛

* مال حلال مخلوط به حرام؛

* زمینی که کافر ذمی^۱ از مسلمانی بخرد.^۲

پرداخت خمس، مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که مالک یکی از موارد هفتگانه باشند باید به تفصیلی که گفته می شود یک پنجم آن را بپردازند.

● منفعت کسب

یکی از موارد هفتگانه خمس که بر بیشتر افراد جامعه واجب می شود، خمس چیزی است که از خرج سال انسان و خانواده اش زیاد بیاید. برای روشن شدن این مسأله باید به پاسخ دو پرسش بپردازیم:

۱. مراد از خرج سال چیست؟

۲. آیا یک سال با ماه های قمری محاسبه می شود یا شمسی و ابتدای آن چه وقت است.

مخارج سال (مؤونه)

مراد از مخارج، تمام چیزهایی است که انسان در زندگی خود و خانواده اش بدان

۱. ذقه = عهد و پیمان، غیر مسلمانی که در ممالک اسلامی زندگی می کنند و با آنان پیمان بسته اند که مقررات اجتماعی مسلمانان را مراعات کنند و مالیات معینی هم بپردازند و در مقابل، جان و مال آنها در امان باشد، کافران ذمی هستند.

۲. توضیح المسائل، م ۱۷۵۱.

نیاز دارد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

* خوراک و پوشاک؛

* اثاثیه منزل مانند ظرف، فرش و...؛

* وسیله نقلیه‌ای که برای کسب و کار نیست؛

* مخارج میهمانی؛

* مخارج ازدواج؛

* کتاب‌های مورد نیاز؛

* آنچه در راه زیارت مصرف می‌کند؛

* جوایز و هدایایی که به کسی می‌دهد؛

* صدقه، نذریا کفاره‌ای که پرداخت می‌کند.^۱

بنابراین هرکس در طول سال می‌تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال، اگر چیزی اضافه نیامد، پرداخت خمس واجب نیست، ولی پس از آنکه به طور متعارف و در حد نیاز خود زندگی را گذراند، اگر در پایان سال چیزی اضافه آمد، یک پنجم آن را باید برای مصارف شخصی بپردازد و چهار پنجم آن را می‌تواند مصرف یا برای خود پس انداز کند.

سال خمسی

انسان از اولین روز بلوغ خود باید نماز بخواند و در اولین ماه رمضان روزه بگیرد و پس از گذشت یک سال از اولین درآمدی که به دست آورده است، خمس اضافه بر مخارج سال گذشته را بپردازد؛ بنابراین در محاسبه خمس، ابتدای سال، اولین درآمد و پایان آن گذشتن یک سال شمسی از آن تاریخ است.

۱. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، فصل ۱، ص ۳۹۴.

پس؛ ابتدای سال برای:

* کشاورز ——— اولین محصولی است که برداشت می‌کند.

* کارمند ——— اولین حقوقی است که دریافت می‌کند.

* کارگر ——— اولین مزدی که می‌گیرد.

* مغازه‌دار ——— اولین معامله‌ای که انجام می‌دهد.^۱

وکسی که سالیانی از بلوغ او گذشته و در این مدت درآمدهایی داشته ولی خمس نمی‌پرداخته، باید با مراجعه به مرجع تقلید خود یا نماینده وی، خمس مالش را محاسبه و بدهی خود را بپردازد و روز حسابرسی و پرداخت خمس، اول سال خمس او خواهد بود.

چند مسأله

۱. اگر انسان با قناعت چیزی از مخارج سال زیاد بیاورد، باید خمس آن را بپردازد.^۲

□ ۲. اگر اثاثیه‌ای که از درآمد بین سال . پیش از پرداختن خمس آن . برای منزل خریده، نیازش از آن برطرف شود، واجب است خمس آن را بدهد، مثل آنکه یخچال بزرگ‌تری بخرد و به یخچال قبلی نیاز نداشته باشد.^۳

۳. آذوقه‌ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده؛ مانند برنج، روغن و چای، اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.^۴

□ ۴. اگر کودک غیر بالغ سرمایه‌ای داشته باشد و از آن سودی به دست آید، بنابر احتیاط واجب باید پس از بلوغ، خمس آن را بدهد.^۵

۱. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، فصل ۱، م ۶۰.

۲. توضیح المسائل، م ۱۷۵۶.

۳. همان، م ۱۷۸۱. به فتوای برخی از فقها، پرداختن خمس در این صورت واجب نیست.

۴. همان، م ۱۷۸۰.

۵. همان، م ۱۷۹۴. به فتوای برخی از فقها، خمس آن واجب نیست.

□ ۵. مالی که به انسان برسد ولی درآمد کسب و در مقابل کار نباشد، خمس ندارد؛ مانند: ارث، هدیه، جایزه، مهریه و مالی که به عنوان خمس یا زکات یا صدقه دریافت کرده است.^۱

خمس سرمایه

- ۱. سرمایه کسب و ابزار کار اگر از درآمد کسب و حقوق، تهیه شده خمس دارد.^۲
 ۲. اگر زمین موات را برای کشاورزی احیا کند، اصل زمین نیز خمس دارد.^۳

● معدن

هرچه که در عرف مردم «معدن» نامیده شود، اگر محصول آن به حد نصاب برسد خمس دارد از جمله معادن می‌توان: طلا، نقره، سرب، مس، نفت، ذغال سنگ، فیروزه، عقیق و نمک را نام برد.^۴

نصاب معدن

اگر قیمت آنچه از معدن به دست آمده پس از کسر مخارج به قیمت ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، بنابر احتیاط واجب باید یک پنجم آن به عنوان خمس پرداخت شود.^۵

۱. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب الخمس، فصل ۱، ص ۳۸۹، السایع، ص ۳۹۰، م ۵۱؛ توضیح المسائل، م ۱۷۵۳ و ۱۷۵۴. به فتوای برخی از فقها، اگر در بین سال از آن استفاده نشود باید خمس آن را بپردازد.

۲. همان، ص ۳۴۹، س ۱۵. به فتوای برخی از فقها، سرمایه کسب و ابزار کار به مقداری که برای تأمین مخارج زندگی به آن نیاز است خمس ندارد.

۳. همان، ص ۳۴۷، س ۶.

۴. توضیح المسائل، م ۱۷۹۸.

۵. همان، م ۱۷۹۹.

پرسش

۱. کدام یک از موارد خمس، بر اکثر افراد جامعه واجب می‌شود؟
۲. کدام یک از این موارد جزو مخارج زندگی به حساب می‌آید: کتاب، تلفن، اتومبیل، عینک، مغازه؟
۳. آیا حقوق بازنشستگی و عیدی کارمندان دولت خمس دارد؟
۴. آیا پولی که برای ازدواج یا خرید منزل پس انداز شده خمس دارد؟
۵. آیا معادن نفت و مس و منگنز که دولت آنها را استخراج می‌کند خمس دارد؟

دفتر نشرین متون درسی حوزه های علمیه



• گنج

گنج، مالی است که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد و کسی آن را پیدا کند و طوری باشد که به آن «گنج» بگویند.^۱

نصاب گنج

اگر قیمت گنج یافت شده، پس از کسر مخارج به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، خمس دارد.^۲

گنج و محل آن^۳

۱. در ملک خودش یافت شود مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد.
۲. در جایی که ملک کسی نیست؛ مثلاً در بیابان یا کوه یافت شود مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد.
۳. در ملک دیگران پیدا کند متعلق به صاحب ملک است.

۱. توضیح المسائل، م ۱۸۰۶.

۲. همان، م ۱۸۰۸.

۳. چنانچه نظام اسلامی قانون و مقررات خاصی نسبت به گنج داشته باشد، باید رعایت شود.

۱. بداند از صاحبان قبلی آن ملک نیست، برای خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد.
۲. احتمال دهد که مال یکی از آنان است، باید به او اطلاع دهد و اگر معلوم شود مال او نیست باید به مالکین قبلی اطلاع دهد و اگر معلوم شود مال هیچ یک از آنان نیست، مال خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد.
- در ملکی که از دیگران خریده پیدا شود:

● مال حلال مخلوط به حرام

۱. اگر اموال انسان با اموال دیگران مخلوط شود، ممکن است یکی از این حالت‌ها را داشته باشد:

- الف) صاحب آن معلوم
- ← مقدار آن معلوم ← باید آن مقدار را به صاحبش برگرداند.
 - ← مقدار نامعلوم ← باید یکدیگر را راضی کنند.
- ب) صاحب آن نامعلوم
- ← مقدار معلوم ← باید آن مقدار را به نیت صاحب صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اجازه بگیرد.
 - ← مقدار نامعلوم ← باید خمس آن را بپردازد و بقیه حلال می‌شود^۱.

۲. اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیشتر از خمس بوده، چنانچه مقدار زیادی معلوم باشد، بنابر احتیاط واجب باید مقداری را که می‌داند از خمس بیشتر بوده، از طرف صاحب آن صدقه بدهد.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۱۸۰۷ و ۱۸۰۹.

۲. همان، م ۱۸۱۳ تا ۱۸۱۵.

۳. همان، م ۱۸۱۶.

● جواهری که با غواصی به دست آمده

اگر کسی با غواصی و فرورفتن در دریا جواهری به دست آورد و پس از کسر مخارجی که برای بیرون آوردن آن شده، قیمتش به ۱۸ نخود طلا برسد، باید خمس آن را بدهد.^۱

● غنیمت

اگر مسلمانان به امر امام معصوم علیه السلام با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند، غنیمت است و پس از کسر مخارج حمل و نقل و نیز مقداری که امام علیه السلام صلاح می‌داند به مصرفی برساند و کنار گذاشتن آنچه سهم خاص امام معصوم علیه السلام است، بقیه آن خمس دارد.^۲

● زمینی که کافر ذمی از مسلمانی بخرد

کافر ذمی، غیر مسلمانی است که تحت شرایطی تحت حمایت حکومت اسلامی زندگی می‌کند، چنین کسی اگر زمینی را از مسلمانی خریداری کند، باید یک پنجم آن را به عنوان خمس تحویل دهد.^۳

پی آمدهای ندادن خمس

۱. انسان، تا خمس مالش را ندهد نمی‌تواند در آن تصرف کند؛ یعنی غذایی که در آن خمس باشد نمی‌تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده، نمی‌تواند چیزی بخرد.^۴
- ۲. اگر با پول خمس نداده، خرید و فروش کند (بدون اجازه حاکم شرع) یک پنجم آن معامله باطل است.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۱۸۱۹.

۲. همان، م ۱۸۲۸.

۳. همان، م ۱۸۲۹.

۴. همان، م ۱۷۹۰.

۵. همان، م ۱۷۶۰. به فتوای برخی از فقها، معامله صحیح است ولی خمس آن را باید بپردازد.

۳. اگر با پول خمس نداده آب بخرد و با آن وضو بگیرد یا غسل کند، باطل است.^۱
۴. اگر با پول خمس نداده خانه بخرد، نماز خواندن در آن باطل است.^۲
۵. اگر چیزی را که خمس آن داده نشده، به کسی ببخشد، يك پنجم آن چیز را مالک نمی‌شود.^۳

مصرف خمس

- خمس مال را باید دو قسمت کرد: نصف آن را، که سهم امام زمان علیه السلام است، به مجتهد جامع الشرایطی که از او تقلید می‌کند، یا به نماینده او بپردازد و نصف دیگر را باید یا به مجتهد جامع الشرایط بدهد، یا با اجازه او به سادات دارای شرایط بپردازد.^۴
- شرایط سیدی که می‌توان به او خمس داد:
- * فقیر باشد یا در سفر مانده باشد، هر چند در شهر خود فقیر نباشد.
 - * شیعه دوازده امامی باشد.
 - * آشکارا معصیت نکند (بنابر احتیاط واجب) و دادن خمس، کمک برگناه او نباشد.
 - * از افرادی که مخارج آنان بر عهده اوست؛ مانند همسر و فرزند نباشد (بنابر احتیاط واجب).^۵

انفال

انفال جمع نفل، به معنای زیاده و بخشش است و در اصطلاح فقه، اموال عمومی است که در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشین وی قرار دارد تا در مصالح عمومی جامعه به

۱. توضیح المسائل، م ۳۸۳.

۲. همان، م ۸۷۳.

۳. همان، م ۱۷۶۳.

۴. همان، م ۱۸۳۴.

۵. همان، م ۱۸۳۵ تا ۱۸۴۱.

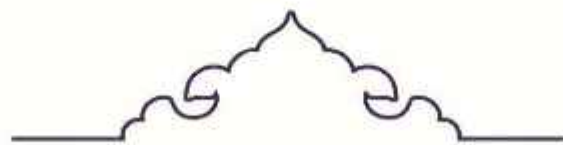
کارگیرند و در زمان غیبت، این اموال در اختیار حاکم اسلامی خواهد بود و موارد آن بدین شرح است:

۱. فیء، و آن چیزی است که بدون لشکرکشی و جنگ به دست مسلمانان افتاده است، خواه زمین باشد یا غیر آن.
۲. اراضی موات، که جز با احیا و آباد کردن قابل استفاده نیست.
۳. شهرها و روستاهایی که اهالی آن کوچ کرده‌اند.
۴. سواحل دریاها و رودخانه‌ها، بلکه هر زمین بی صاحب.
۵. جنگل‌ها، نیزارها و قلل کوه‌ها.
۶. اموال پادشاهان.
۷. غنائم برجسته و ارزشمند.
۸. غنائم به دست آمده در جنگی که بدون اجازه امام علیه السلام باشد.
۹. ارث بدون وارث.
۱۰. معادنی که در زمین شخصی کسی نیست یا کسی آن را احیا نکرده است.^۱

پرسش

۱. نصاب معدن و گنج چه مقدار است؟
۲. در گمرک یکی از بنادر مقدار زیادی کالا که از سال‌ها قبل مانده است با کالای دیگران مخلوط شده، تکلیف این کالاها چیست؟
۳. آیا سهم سادات را می‌توان به عمو، عمه، عمه‌زاده و فرزندزاده داد؟
۴. رابطه خمس و نماز چیست؟
۵. کدام دسته از غنائم جنگی جزو انفال است؟
۶. چهار نمونه از معادنی که جزو انفال می‌باشد، نام ببرید.

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الخمس، القول فی الانفال، ص ۳۶۸ و کتاب البیع، ج ۳، ص ۱۴.



کفّارات، مظالم عباد

کفّارات

کفّاره، جریمه‌ای است برای ارتکاب برخی از گناهان و این غیر از حدّ و تعزیر و دیه و قصاص است و به دست خود گناهکار انجام می‌شود و نیازی به حکم حاکم ندارد. برخی از موارد کفّاره در بحث روزه و حج گذشت و برخی نیز مربوط به ایام حیض بانوان است که احکام مربوط به آن در کتب مفصل فقهی و در رساله‌های عملیه آمده است و برخی دیگر از گناهانی که کفّاره دارد، همراه با نوع و مقدار و کیفیت ادای آن در این درس خواهد آمد.

کفّاره اقسام و احکامی دارد که مکلف با شناخت آنها باید به وظیفه خود عمل کند.

اقسام کفّاره

۱. مُرتبه ← کفّاراتی که در صورت ناتوانی از اولی نوبت به بعدی می‌رسد.
۲. مخیره ← کفّاراتی که مکلف در انتخاب یکی از آنها اختیار دارد.
۳. مخیره و مرتبه ← کفّاراتی که قسم اول و دوم، هر دو در آن وجود دارد.
۴. جمع ← مواردی که گناهکار تمام موارد کفّاره را باید انجام دهد.^۱

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الکفّارات، ص ۱۲۵.

برخی از گناهان کفاره دار و کفاره هریک^۱

نوع	گناه	کفاره
مرتبه	۱. باطل کردن روزه قضای ماه رمضان، بعد از ظهر	ده مسکین طعام و در صورت ناتوانی، سه روز روزه پی در پی
	۲. قتل خطایی	آزاد کردن برده، دو ماه روزه، شصت مسکین طعام
مخیره	۱. باطل کردن عمدی روزه ماه رمضان؛ ۲. تخلف نذر (عمل نکردن به نذر)؛ ۳. تخلف عهد (عهد شکنی)؛ ۴. زنی که در مصیبت موی خود را پریشان کند.	کفاره تمام این موارد عبارت است از: * آزاد کردن برده، * یا دو ماه روزه، * یا اطعام شصت مسکین
مخیره و مرتبه	۱. تخلف از قسم (شکستن قسم)؛ ۲. کندن زن، موی سر خود در مصیبت یا خراشاندن صورت؛ ۳. چاک دادن مرد، لباس خود در سوگ فرزند یا همسر.	در تمام این موارد، مخیر است بین: * آزاد کردن برده و اطعام یا لباس دادن به ده مسکین و در صورت ناتوانی از همه اینها، سه روز روزه بگیرد.
جمع	۱. قتل عمد؛ ۲. افطار عمدی روزه ماه رمضان با عمل حرام.	بنابر احتیاط واجب، در هر دو مورد باید: * یک برده آزاد کند، * و دو ماه روزه بگیرد، * و به شصت مسکین طعام بدهد؛ و در صورت ناتوانی از برخی، باید بقیه را انجام دهد.

احکام کفارات

۱. پرداختن کفاره باید به نیت کفاره و با قصد قربت باشد.^۲
۲. مسکینی که می توان به او کفاره داد، همان فقیری است که مستحق زکات است.^۳
۳. در اطعام مسکین، تفاوتی نیست بین اینکه طعام را به خودش تحویل دهد یا او را

۱. همان. به فتوای برخی از فقها، کفاره تخلف نذر همان کفاره تخلف قسم است.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الکفارات، ص ۱۲۷، م ۲.

۳. همان، ص ۱۳۱، م ۱۸.

دعوت کند و به او غذا بدهد تا سیر شود؛ ولی اگر بخواهد غذا را به خودش تحویل دهد، حداقل باید یک مدّ (حدود ۷۵۰ گرم) باشد و احتیاط مستحب دو مدّ است.^۱

استفتاء

س ۱. بر شخصی که کفاره جمع تعلّق گرفته، آیا بنده آزاد کردن از او در این زمان ساقط است؟
ج. ساقط است.^۲

س ۲. آیا از گوشت گوسفندی که حاجی به عنوان کفاره می دهد خودش هم می تواند بخورد یا نه؟
ج. نمی تواند بخورد.^۳

مظالم عباد

۱. مظالم عباد در اصطلاح به اموال و بدهی هایی گفته می شود که انسان از روی ظلم و بی عدالتی از بندگان خدا گرفته و نپرداخته است.^۴
 ۲. وظیفه انسان نسبت به مظالم عباد:
- الف) اگر صاحبش را می شناسد باید رضایت او را جلب کند.
 - ب) اگر صاحبش را نمی شناسد.
- اگر عین آن مال موجود است، مثلاً کالایی است که هنوز از بین نرفته، باید همان را به فقیر بدهد.
 - اگر عین آن موجود نیست و مثل آن یافت می شود باید مثل آن را تهیه کند و به فقیر بدهد.

۱. همان، ص ۱۲۹، م ۱۱.

۲. استفتائات، ج ۲، ص ۴۸۹، س ۱۵.

۳. همان، ص ۴۸۷، س ۸.

۴. جامع المسائل، آیت الله فاضل، ج ۲، ص ۴۲۶، س ۱۲۰۰.

- اگر نمونه آن یافت نمی شود، قیمت آن را به ارزش فعلی باید به فقیر بدهد.^۱

استفتاء

س ۱. اگر کسی در کوچکی از کسی پول یا چیزی برداشته باشد و حالا خواسته باشد از این گناه بزرگ بری‌الذمه شود، آیا می‌تواند آن را از طرف صاحبش به فقیر بدهد؟ و اگر جواب منفی است چگونه باید آن را جبران کند؟

ج. اگر صاحب آن را می‌شناسد باید رضای او را تحصیل کند، و اگر او را نمی‌شناسد از طرف او به فقیر صدقه دهد.^۲

س ۲. پول‌هایی که به جبهه و مستمندان و درالایتم داده می‌شود می‌توانیم رد مظلالم حساب کنیم؟

ج. مظلالم باید به فقرا داد شود.^۳

پرسش

۱. تفاوت کفاره تخلف نذر و تخلف قسم چیست؟

۲. اگر فقیر به پول نیاز داشته باشد آیا می‌توان پول کفاره را به او داد؟

۳. آیا کفاره را می‌توان به مؤسساتی مثل کمیته امداد و بهزیستی داد؟

۴ - در چه مواردی، روزه، کفاره برخی از گناهان است؟

۵ - مصرف مظلالم عباد چیست؟

۱. جامع المسائل، آیت الله فاضل، ج ۲، ص ۴۲۶، س ۱۲۰۰.

۲. همان، ج ۳، ص ۵۷۶، به فتوای اکثر فقها، مظلالم عباد باید با اجازه حاکم شرع به فقیر پرداخت شود.

۳. همان، ج ۳، ص ۵۷۷، س ۲۷.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه



فصل هفتم:

معاملات

- خرید و فروش
- اجاره سرقفلی و جعاله
- قرض و رهن
- ضمانت و کفالت
- شرکت و حجر
- ودیعه و عاریه و لقطه
- مضاربه
- مزارعه و مساقات

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه

خرید و فروش (۱)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ الْآنَ تَكُونُ
تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ...»^۱

«ای مؤمنان در اموال یکدیگر تصرف ناروا نکنید، مگر آنکه داد و
ستدی از روی رضایت باشد...»

در تعالیم اسلام، نسبت به کار و تلاش برای تأمین معاش تأکید فراوان شده و بیکاری و
تنبلی و سربار دیگران بودن به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. در سخنان پیامبر
خدا ﷺ آمده است که: «جوان بیکار مورد غضب خداوند است و کسی که به جهت تنبلی
و بیکاری سربار جامعه باشد، از رحمت خدا به دور و مورد لعن و نفرین اوست»^۲
همان گونه که در آموزه های دین آموختن دانش و طلب علم به عنوان فریضه و کاری
ضروری و واجب شمرده شده، به دنبال کار رفتن و کسب درآمد حلال نیز وظیفه و
تکلیف الهی است:

۱. نساء: ۲۹.

۲. فروع کافی، ج ۵، ص ۷۳.

قال رسول الله ﷺ: «طلب الحلال فريضة على كل مسلم ومسلمة»^۱ «در پی روزی حلال رفتن، بر هر مرد و زنی لازم است.»

چنانچه این تلاش، به قصد خیر و به نیت رفع نیاز خود و افراد تحت تکفل و نیز کمک به مستمندان صورت گیرد، عبادتی بزرگ است.

هر چند اسلام انسان‌ها را به کار و تلاش تشویق کرده، ولی هرکاری را مجاز و هر درآمدی را مشروع نمی‌داند؛ لذا برای قانون‌مند شدن فعالیت‌های اقتصادی و به سامان رسیدن تلاش‌های درآمدزا، مقررات ویژه‌ای دارد و درآمدهایی که مطابق آنها به دست بیاید، مشروع و خلاف آن را نامشروع می‌داند؛ مثلاً درآمدی را که از راه فعالیت شخصی در کشتزارها و بیستان‌ها به دست آید، یا از راه تجارت و خرید و فروش یا اجاره و استخدام، یا مزارعه و مساقات و مانند اینها کسب شود، درآمد حلال می‌داند و آنچه از راه سرقت، ربا، رشوه و امثال اینها به دست آید، درآمد حرام می‌داند.

یکی از راه‌های متداول کسب درآمد و معاملات متعارف بین افراد جامعه، خرید و فروش (بیع) است که دانستن اقسام و احکام آن برای مصون ماندن از ربا و... اکل مال به باطل، لازم است.

۱. واجب	اقسام خرید و فروش
۲. حرام	
۳. مستحب	
۴. مکروه	
۵. مباح	

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹.

خرید و فروش واجب

تلاش برای تحصیل مخارج زندگی، واجب است و کسانی که به جز از راه خرید و فروش نتوانند مخارج خود را تأمین کنند، واجب است با خرید و فروش، خرج زندگی خود را به دست آورند و محتاج دیگران نشوند.^۱

خرید و فروش مستحب

خرید و فروش برای توسعه در مخارج زندگی خود و خانواده و نفع رساندن به مسلمانان مستحب است؛ مثلاً کشاورزی که با کاشتن محصول خرج خود را به دست می‌آورد، چنانچه در اوقات فراغت به خرید و فروش بپردازد تا از این راه بتواند به مستمندان کمک کند، ثواب دارد.^۲

خرید و فروش حرام

۱. خرید و فروش نجاسات، بنا بر احتیاط واجب، مگر مواردی که استثنا شده است؛ مثل فروش خون برای درمان بیمار.
۲. خرید و فروش چیزهایی که منافع معمولی آنها حرام است؛ مانند ابزار قمار.
۳. خرید و فروش چیزی که از راه قمار یا دزدی به دست آمده باشد.
۴. معامله‌ای که در آن ربا باشد. (معامله ربوی)
۵. خرید و فروش کتاب‌های گمراه‌کننده.
۶. فروش سلاح یا چیز دیگر به دشمنان اسلام که موجب تقویت آنان بر ضد مسلمانان باشد.^۳

خرید و فروش حرام، موارد دیگری هم دارد که اکنون مورد ابتلا نیست.

۱. توضیح المسائل، م ۲۰۵۳.

۲. همان، م ۲۰۵۳.

۳. تحریر الوسیله، کتاب المکاسب والمتاجر، ص ۴۹۳، م ۹، ۱۱ و ۱۵؛ توضیح المسائل، م ۲۰۵۵ و ۲۰۷۰.

استفتاء

س. استفاده مرد از طلای زرد حرام است. خرید و فروش انگشتر طلای زرد برای مردان توسط طلافروشی‌ها چه حکمی دارد؟
ج. جایز نیست.^۱

در این موارد خرید و فروش مکروه است:

- * معامله با مردم پست؛
 - * خرید و فروش بین اذان صبح و طلوع آفتاب؛
 - * برای خریدن کالایی که دیگری می‌خواهد بخرد وارد معامله او شدن.^۲
- چنانچه خرید و فروش، یکی از احکام چهارگانه قبل را نداشته باشد، مباح است؛ مانند بسیاری از مواد مصرفی که هر روز خریداری می‌شود.
- برخی از شرایط خرید و فروش

۱. خریدار و فروشنده، قصد معامله داشته باشند؛ پس اگر کسی به شوخی بگوید: «این کالا را فروختم»، معامله باطل است.
۲. فروشنده و خریدار با اختیار معامله کنند و کسی آنها را مجبور نکند.
۳. فروشنده، کالا را و خریدار، قیمت آن را مالک باشد، یا اختیار معامله آن را داشته باشد.
۴. شیء مورد معامله معلوم باشد؛ یعنی اگر کالا است، با وزن یا پیمانه یا شماره، مقدار آن معلوم شود و اگر ملک است، قطعه آن مشخص گردد.

۱. استفتائات، ج ۲، ص ۸، س ۱۴.

۲. توضیح المسائل، م ۲۰۵۴.

۵. اگر چیز مورد معامله خصوصیتی دارد که به سبب آن خصوصیات، رغبت مردم نسبت به معامله فرق می‌کند، یعنی ممکن است نخرند یا گران‌تر یا ارزان‌تر بخرند، معین نمایند.

۶. فروشنده و خریدار قدرت تحویل کالا و قیمت را داشته باشند. پس فروش مال به سرقت رفته صحیح نیست.

۷. دیگری در آن جنس یا عوض آن، حقی نداشته باشد. پس چیزی را که گرو گذاشته، بدون اجازه گروگیرنده نمی‌تواند بفروشد.^۱

آداب خرید و فروش

■ مستحبات

* بین مشتری‌ها در قیمت فرق نگذارد؛

* در قیمت جنس، سخت‌گیری نکند؛

* در صورتی که طرف مقابل از معامله پشیمان شد و تقاضای فسخ معامله را کرد،

از او بپذیرد و این در اصطلاح «اقاله» نام دارد.^۲

■ مکروهات

* تعریف کردن از کالا؛

* بدگویی کردن مشتری از کالای فروشنده؛

* قسم راست خوردن در داد و ستد (قسم دروغ حرام است)؛

* قبل از همه برای خرید و فروش وارد بازار شدن و دیرتر از همه خارج شدن؛

* وزن کردن یا متر کردن کالا، در مواردی که وزن کردن و متر کردن را خوب نمی‌دانند.

* تقاضای کم کردن قیمت پس از معامله.^۳

۱. توضیح المسائل، م ۲۰۸۱ و ۲۰۹۰.

۲. تحریر الوسیله، کتاب المکاسب و المتاجر، ص ۵۰۰، م ۲۲.

۳. همان.

احکام خرید و فروش

۱. فروختن و اجاره دادن خانه یا چیز دیگر برای استفاده حرام، کار حرامی است و معامله هم باطل است.^۱
۲. خرید و فروش، نگهداری، نوشتن، خواندن و درس دادن کتاب‌های گمراه‌کننده حرام است، مگر زمانی که برای هدفی صحیح باشد؛ مثلاً برای پاسخ دادن به اشکال‌های آن.^۲
۳. غش در معامله به معنی مخلوط کردن جنسی که می‌فروشد با چیزی که ارزش ندارد یا ارزش آن کمتر است، حرام است؛ مثل آنکه برنج اعلا را با غیراعلا مخلوط کند و به عنوان برنج خوب بفروشد یا شیر را با آب مخلوط کند و بفروشد.^۳
۴. جنس وقف شده را نمی‌توان فروخت، مگر در صورتی که خراب شده باشد و قابل استفاده نباشد؛ مانند فرش مسجد که قابل استفاده برای آن مسجد یا مسجد دیگر نباشد.^۴
۵. خرید و فروش خانه یا چیز دیگری که به کسی اجاره داده، اشکال ندارد؛ ولی استفاده آن در مدت اجاره برای اجاره‌کننده است.^۵
۶. خرید و فروش دوکالای همجنس که با وزن یا پیمانه می‌فروشند به زیادت‌ر «ربا» و حرام است؛ مثلاً یک تن گندم بدهد و یک تن و ۲۰۰ کیلوگرم بگیرد.^۶

۱. تحریر الوسیله، کتاب المکاسب و المتاجر، ص ۵۰۰، م ۱۰.

۲. همان، م ۱۵.

۳. توضیح المسائل، م ۲۰۵۵.

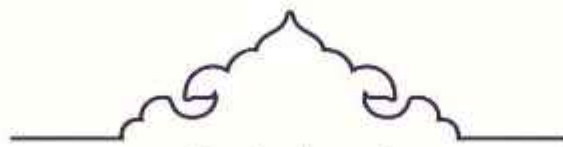
۴. همان، م ۲۰۹۴.

۵. همان، م ۲۰۹۶.

۶. همان، م ۲۰۷۲ و ۲۲۸۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب البیع، القول فی الربا، ص ۵۳۶.

پرسش

۱. در چه صورت خرید و فروش به عنوان یک شغل، واجب خواهد بود؟
۲. خرید و فروش کیف و کفش چرمی ساخت کشورهای غیر اسلامی چه حکمی دارد؟ چرا؟
۳. خرید و فروش زیورآلات طلای مردانه چه حکمی دارد؟ چرا؟
۴. چه زمانی خرید و فروش مکروه است؟
۵. اقاله را توضیح دهید.
۶. برای غش در معامله چهار مثال بزنید.



خرید و فروش (۲)

هنگام خرید و فروش، طرفین معامله (فروشنده و خریدار) ممکن است مال و قیمت آن را نقد تحویل دهند یا به زمان دیگری موکول کنند. بنابراین معامله از این جهت ممکن است یکی از چهار حالت زیر را داشته باشد:

- کالا نقد و قیمت آن هم نقد ← یعنی فروشنده هم اکنون مال را می دهد و خریدار هم قیمت آن را تحویل می دهد که به آن «معامله نقدی» می گویند.
- کالا نسیه و قیمت آن هم نسیه ← یعنی صیغه معامله را اجرا می کنند و تحویل قیمت و کالا را به آینده موکول می کنند. چنین معامله ای را «دین به دین» می گویند.
- کالا نقد و قیمت آن نسیه ← یعنی فروشنده کالا را تحویل می دهد که قیمت آن را در آینده بگیرد. به آن «معامله نسیه» می گویند.
- کالا نسیه و قیمت نقد ← یعنی خریدار قیمت کالا را می پردازد تا در آینده جنس را تحویل بگیرد که «معامله سلف» نام دارد.^۱

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۰۴ و ۲۱۱۰؛ تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب البیع، صص ۵۳۵ و ۵۳۹ و ۵۴۳.

احکام معامله نسیه

۱. در معامله نسیه باید مدت کاملاً معلوم باشد. پس اگر جنسی را بفروشد که قیمت آن را هر وقت از سفر برگشت بگیرد، چون مدت آن کاملاً مشخص نشده، معامله باطل است.^۱

۲. اگر جنسی را نسیه بفروشد بعد از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته اند می تواند پول آن را مطالبه نماید، ولی اگر خریدار نتواند بپردازد باید به او مهلت دهد.^۲

۳. اگر به کسی که قیمت جنسی را نمی داند مقداری نسیه دهد و قیمت آن را به او نگوید، معامله باطل است؛ ولی اگر به کسی که قیمت نقدی جنس را می داند نسیه بدهد و گران تر حساب کند؛ مثلاً بگوید: جنسی را که به تو نسیه می دهم ده درصد گران تر از نقد حساب می کنم و او قبول کند، اشکال ندارد.^۳

۴. اگر در معامله نسیه فروشنده در ضمن شرط کند که اگر مشتری زودتر از وقت معین قیمت را پرداخت کرد مقداری از آن را کم کند اشکال ندارد.^۴

شرایط معامله سلف (پیش فروش)

معامله سلف در صورتی صحیح است که دارای این شرایط باشد:

* خصوصیتی که در قیمت جنس تأثیر دارد مشخص نمایند.

* قبل از آنکه خریدار و فروشنده از هم جدا شوند خریدار تمام قیمت را به فروشنده بدهد (یا به مقدار آن از فروشنده طلبکار باشد).

* مدت را مشخص کنند.

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۰۵.

۲. همان، م ۲۱۰۷.

۳. همان، م ۲۱۰۸.

۴. استفتائات، ج ۲، ص ۹۰، س ۵۲.

* وقتی که برای تحویل جنس قرار می‌دهند، زمانی نباشد که جنس در آن وقت نایاب باشد؛ مثلاً اگر بگوید: در اسفند ماه ده کیلوگیلاس تازه به شما می‌دهم، صحیح نیست؛ چون در اسفند ماه گیلاس تازه نایاب است.

* بنابراین احتیاط واجب جای تحویل جنس را معین کنند ولی اگر از حرف‌های آنان جای تحویل جنس معلوم باشد، لازم نیست اسم آن جا را بگویند.
* در صورتی که جنس، وزنی یا پیمانه‌ای است، وزن یا پیمانه را مشخص کنند.^۱

احکام معامله سلف

۱. شخصی که جنسی را به سلف خریده، قبل از تمام شدن مدّت مقرر نمی‌تواند جنس را به دیگری بفروشد؛ اما پس از تمام شدن مدّت، هر چند جنس را تحویل نگرفته باشد، فروش آن اشکال ندارد.

۲. اگر سلف فروش، جنسی غیر از آنچه در قرارداد معین شده، یا جنس پست‌تر بیاورد، مشتری می‌تواند آن جنس را قبول نکند، ولی اگر به همان راضی شود، اشکال ندارد.

۳. جنسی که به سلف فروخته، اگر در موقعی که باید آن را تحویل دهد، نایاب شود و نتواند آن را تهیه کند، مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا منتظر بماند تا تهیه نماید.^۲

معامله ربوی

انواع ربا
 ۱. معاملی
 ۲. قرضی

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۱۲؛ تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب البیع، القول فی السلف، ص ۵۴۳.

۲. همان، م ۲۱۱۳، ۲۱۱۶، ۲۱۱۷.

۳. بحث ربای قرضی در درس ۶۱ خواهد آمد.

- شرایط ربای معاملی
۱. عرفاً اجناس مورد معامله از یک جنس شناخته شوند.
 ۲. اجناس مورد معامله از چیزهایی باشند که با وزن کردن یا پیمانه کردن خرید و فروش می شوند.

احکام معامله ربوی

۱. اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می فروشند، زیادتر از همان جنس بفروشد، مثلاً یک تن برنج را به یک تن و دو بیست کیلو بفروشد، ربا و حرام است. حتی اگر یکی از دو جنس، سالم و دیگری معیوب، یا جنس یکی خوب و جنس دیگر بد باشد، یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند، چنانچه بیشتر از مقداری که می دهد بگیرد باز هم ربا و حرام است.^۱

- خرید و فروش
- در آلومینیومی با ← آلومینیوم نساخته
 - برنج درجه یک با ← برنج درجه دو
 - طلای ساخته با ← طلای نساخته
 - روغن حیوانی با ← پنیر
- در صورتی که اضافه بگیرد ربا و حرام است.

۲. اگر چیزی را که اضافه می گیرد، غیر از جنسی باشد که می فروشد؛ مثلاً یک تن گندم را به یک تن و هزار تومان پول بفروشد، باز هم ربا و حرام است؛ بلکه اگر چیزی زیادتر نگیرد ولی شرط کند که خریدار عملی برای اوانجام دهد ربا و حرام خواهد بود.^۲

۳. جنسی را که در بعضی از شهرها با وزن یا پیمانه می فروشند و در بعضی از شهرها با شماره معامله می کنند؛ مانند گردو که اکنون در بعضی مناطق دانه ای و در بعضی

۱. توضیح المسائل، م ۲۰۷۲.

۲. همان، م ۲۰۷۳.

دیگر کیلویی می‌فروشند، اگر در شهری که آن را با وزن یا پیمانه می‌فروشند زیادتر بگیرند ربا و حرام است و در شهر دیگر ربا نیست.^۱

۴. در مثل اسکناس (پول کاغذی) ربای غیر قرضی تحقق پیدا نمی‌کند و جایز است معاوضه نقدی بعضی از آنها با بعضی دیگر به زیاده و کم؛ مثلاً یکصد هزار تومان را با هزار دینار معاوضه کند؛ اما ربای قرضی در تمام آنها تحقق پیدا می‌کند و جایز نیست قرض دادن هزار دینار به دوازده هزار دینار.^۲

۵. اگر جنسی را که می‌فروشند و عوض می‌گیرند از یک چیز به عمل آمده باشد باید در معامله، زیادی نگیرند. پس اگر ده کیلوروغن حیوانی بفروشد و در عوض، بیست کیلو پنیر بگیرد ربا و حرام است و بنا بر احتیاط واجب اگر میوه رسیده را با میوه نارس معامله می‌کند، نباید زیادی بگیرد.^۳

پرسش

۱. معامله نسیه با سلف چه تفاوتی دارد؟
۲. شرط اول از شرایط معامله سلف را توضیح داده، دو مثال بزنید.
۳. در معامله سلف در چه صورت، مشتری قبل از تحویل گرفتن کالا می‌تواند آن را بفروشد؟
۴. آیا معامله کشک با پشم گوسفند به زیادتر، رباست؟ چرا؟
۵. برای ربای معاملی، چهار مثال دیگر بیاورید.

۱. توضیح المسائل، م ۲۰۷۶.

۲. همان، م ۲۸۴۵.

۳. همان، م ۲۰۷۸.

خرید و فروش (۳)

در برخی موارد، خریدار یا فروشنده یا هر دو می‌توانند معامله انجام شده را برهم بزنند. حق به هم زدن معامله را «خيار فسخ» یا «اختيار فسخ» گویند و گاهی به اختصار «خيار» گفته می‌شود.

- | | |
|---------------------|-----------------|
| ۱. خيار مجلس |] خيارات معامله |
| ۲. خيار غبن | |
| ۳. خيار شرط | |
| ۴. خيار تدليس | |
| ۵. خيار تخلف شرط | |
| ۶. خيار عيب | |
| ۷. خيار شركت | |
| ۸. خيار رؤيت | |
| ۹. خيار تأخير | |
| ۱۰. خيار حيوان | |
| ۱۱. خيار تعذر تسليم | |

۱. اختیار مجلس: تا زمانی که دو طرف معامله از مجلس داد و ستد متفرق نشده باشند، و جلسه معامله به هم نخورده باشد، می‌توانند معامله را فسخ کنند.
۲. اختیار غبن: در صورتی که خریدار یا فروشنده گول خورده باشد، می‌تواند معامله را فسخ کند.
۳. اختیار شرط: در صورتی که در معامله قرار بگذارند که تا مدت معینی هر دو یا یکی حق فسخ داده باشد، طبق قرارداد می‌توانند معامله را فسخ کنند.
۴. اختیار تدلیس: زمانی که خریدار یا فروشنده مال خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد و در نظر مردم ارزشمندتر جلوه کند، طرف مقابل می‌تواند معامله را به هم بزند؛ مثلاً با رنگ‌کاری و آراستن آن، مشتری به اشتباه بیفتد ولی اگر در آن کاری انجام دهد که ارزشمندتر شود، مثلاً تعمیراتی در ساختمان انجام دهد یا یک طبقه دیگر روی آن بسازد، تدلیس نیست.
۵. اختیار تخلف شرط: اگر فروشنده یا خریدار شرط کند که کاری انجام دهد یا شرط کند مالی را که می‌دهد طور مخصوصی باشد و به آن شرط عمل نکند، طرف دیگر می‌تواند معامله را فسخ کند.
۶. اختیار عیب: اگر پیش از معامله در جنس یا عوض آن عیبی باشد و نمی‌دانسته، و پس از معامله متوجه شود، می‌تواند معامله را به هم بزند یا تفاوت قیمت معیوب با سالم را بگیرد.
۷. اختیار شرکت: اگر معلوم شود که مقداری از جنسی که فروخته‌اند مال دیگری است؛ یعنی شریک دارد، اگر صاحب آن مقدار، به معامله راضی نشود خریدار می‌تواند معامله را به هم بزند یا پول آن مقدار را از فروشنده بگیرد، و همچنین نسبت به جنسی که مشتری داده است.

۸. **خيار رؤيت:** اگر خريدار يا فروشنده خصوصيات جنس معينى را كه طرف ديگر ندیده به او بگويد و بعد معلوم شود آن گونه كه گفته، نبوده است، مى تواند معامله را فسخ كند.

۹. **خيار تاخير:** در صورتى كه مشتري پول جنسى را كه نقد خريده تا سه روز ندهد و فروشنده هم جنس را تحويل ندهد در صورتى كه تاخير آن، شرط نشده باشد فروشنده مى تواند معامله را به هم بزند؛ ولى در اجناسى كه اگر يك روز بماند فاسد مى شود، مثل برخى ميوه ها، تاخير تا شب است.

۱۰. **خيار حيوان:** اگر حيوانى را خريده باشد، خريدار تا سه روز بعد حق دارد معامله را فسخ كند و حيوان را پس بدهد.

۱۱. **خيار تعذر تسليم:** در صورتى كه فروشنده نتواند جنسى را كه فروخته تحويل دهد؛ مثلاً اسبى را كه فروخته فرار كند، مشتري مى تواند معامله را به هم بزند.^۱

احكام خيارات

۱. اگر خريدار قيمت جنس را نداند، يا در وقت معامله غفلت كند و جنس را گران تر از قيمت معمولى آن بخرد، چنانچه به قدرى گران خريده كه مردم او را مغبون بدانند و به كمى وزياى آن اهميت بدهند، اختيار فسخ معامله را دارد و همچنين نسبت به فروشنده.^۲

□ ۲. اگر بعد از معامله، عيب مال را بفهمد و فوري معامله را فسخ نكند، ديگر حق فسخ معامله را نخواهد داشت.^۳

۱. توضيح المسائل، م ۲۱۲۴.

۲. همان، م ۲۱۲۵.

۳. همان، م ۲۱۳۲. به فتاوى برخى از فقها، اگر فوراً فسخ نكند حق اواز بين نمى رود و بعداً هم حق فسخ دارد.

۳. هرگاه بعد از خریدن جنس، عیب آن را بفهمد، اگر چه فروشنده حاضر نباشد، می‌تواند معامله را فسخ کند.^۱
- ۴. در این موارد اگر خریدار بفهمد مال معیوب است حق فسخ و گرفتن تفاوت قیمت ندارد:
- * موقع خریدن، عیب مال را بداند.
- * به عیب مال راضی شود.
- * وقت معامله بگوید: اگر مال عیبی داشت پس نمی‌دهم و تفاوت قیمت هم نمی‌گیرم.
- * فروشنده در وقت معامله بگوید: این مال را با هر عیبی که دارد می‌فروشم.^۲
۵. اگر فروشنده هنگام معامله عیب کالا را معین کند و بگوید: آن را با این عیب می‌فروشم، ولی پس از معامله معلوم شود عیب دیگری هم دارد، خریدار می‌تواند به خاطر عیبی که فروشنده معین نکرده کالا را پس دهد یا تفاوت قیمت را بگیرد.^۳
۶. در مواردی که خواهد آمد اگر خریدار بفهمد مال معیوب بوده فقط می‌تواند تفاوت قیمت بگیرد، ولی حق فسخ معامله را ندارد:
- * بعد از معامله تغییری در کالا بدهد که مردم بگویند: کالا مانند زمانی که خریداری و تحویل داده شده، باقی نمانده است.
- * پس از معامله بفهمد کالا معیوب است و تنها حق برگرداندن آن را ساقط کرده باشد.
- * بعد از تحویل گرفتن کالا، عیب دیگری در آن پیدا شود، به جز در خرید حیوان که تا سه روز می‌تواند برگرداند.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۳۳.

۲. همان، م ۲۱۳۴. به فتوای برخی از فقها، تنها در مورد اول و چهارم این حکم جاری است.

۳. همان.

۴. همان، م ۲۱۳۵.

بیع شرط

۱. بیع شرط آن است که فروشنده کالایی را بفروشد و شرط کند که اگر تا فلان مدت، خودش قیمت کالا را به خریدار بدهد، بتواند معامله را فسخ کند.^۱
۲. بیع شرط در صورتی صحیح است که خریدار و فروشنده قصد خرید و فروش داشته باشند، هر چند کالای خود را به کمتر از قیمت معمولی آن بفروشد؛ مثلاً شخصی که به پول نیاز دارد، خانه خود را به قیمت کمتر (با قصد) می‌فروشد، ولی شرط می‌کند که اگر تا سه ماه دیگر توانستم پول خانه را برگردانم، خانه برای خودم باشد.^۲
۳. در بیع شرط، هر چند فروشنده مطمئن باشد که اگر پول را ندهد، باز هم خریدار کالا را به او می‌دهد، معامله صحیح است؛ ولی چنانچه سرمدت پول را ندهد، حق مطالبه کالا را ندارد و اگر خریدار بپذیرد، نمی‌تواند از ورثه او مطالبه کند.^۳

پرسش

۱. تفاوت خيار غبن با خيار عيب چیست؟
۲. تفاوت خيار شرط با خيار تخلف شرط چیست؟
۳. در چه مواردی فروشنده حق فسخ معامله را ندارد ولی می‌تواند تفاوت قیمت بگیرد؟
۴. خيار تعذر تسليم را توضیح دهید.
۵. برای خيار رؤيت دو مثال ذکر کنید.

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۲۶.

۲. همان، م ۲۱۲۶.

۳. همان، م ۲۱۲۷.

خرید و فروش (۴)

تجارت الکترونیکی

دست یابی انسان به فن آوری جدید به خصوص اینترنت، سبب شده بسیاری از کارهای فردی و فعالیت های اجتماعی خود را با استفاده از آن به انجام رسانند که از جمله آنها فعالیت اقتصادی و مبادلات مالی و تجارت کالا است که در ماده یک قانون تجارت الکترونیکی آمده است. « مجموعه اصول و قواعدی که برای مبادله آسان و ایمن اطلاعات در واسطه های الکترونیکی و با استفاده از سیستم های ارتباطی جدید به کار می رود. »

بنابراین تجارت الکترونیک که گاه به بازاریابی الکترونیکی یا بازاریابی اینترنتی نیز از آن یاد می شود، صرفاً استفاده از فن آوری های جدید در فروش کالا است، لذا چنانچه شرایط بیع و سایر عقود اسلامی در آن رعایت شود اشکال ندارد.

بازاریابی شبکه ای

بازاریابی شبکه ای یک روش فروش محصول است که شرکت هایی که از این روش استفاده می کنند افرادی را به عنوان بازاریاب به دور از یک مکان ثابت تجاری برای فروش محصول به طور مستقیم به مصرف کننده نهایی به کار می گیرند. این در حالی

است که بازاریاب توانایی تشکیل گروه فروش چند سطحی و دریافت پورسانت از فروش آنها را دارد. لذا در صورتی که فعالیت شرکت‌های بازاریابی شبکه‌ای که موارد ذیل را واقعی رعایت کنند مجاز می‌باشند:

- ۱- شرکت مجوزهای لازم را از مراجع ذیصلاح داشته باشد.
- ۲- کالاهایی که خرید و فروش می‌شود مجاز شرعی و مورد نیاز متعارف جامعه باشد.
- ۳- قیمت کالاها در حدود متعارف همان بازار واقعی باشد.
- ۴- فعالیت و افراد واسطه واقعی باشد.^۱

شرکت

شرکت بر دو نوع است: ۱. شرکت عقدی (قراردادی) ۲. شرکت غیرعقدی. شرکت عقدی: آن است که دو یا چند نفر با هم قراردادی ببندند که با مال مورد اشتراک خود معامله کنند. به این نوع شرکت «شرکت اکتسابی» هم می‌گویند. شرکت غیرعقدی: آن است که یک چیز بدون قرارداد برای دو یا چند نفر باشد؛ مثل آنکه مالی از کسی به چند نفر به ارث برسد یا شخصی، فرد دیگری را در مال خود شریک کند.^۲

احکام شرکت

۱. شرکت عقدی، فقط در اموال صحیح است نه در اعمال؛ پس اگر دو نفر قرار بگذارند که هر چه کارشان درآمد داشت با هم شریک باشند هر چند هر کدام مالک مزد خود است ولی شرکت نیست، خواه عمل آنها همانند باشد؛ مثلاً دو نفر خیاط با هم قرار بگذارند که هر چه درآمد داشتند با هم شریک باشند؛ یا عمل آنها متفاوت

۱. موضوع شناسی بازاریابی شبکه‌ای، مؤسسه موضوع شناسی احکام فقهی.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الشریکه، ص ۶۲۳، م ۳.

باشد؛ مانند خیاط و نساج. بلی اگر یکی از آنها نصف منفعت خود را به دیگری مصالحه کند به چیزی و آن دیگری هم نصف منفعت خود را به همان چیز مصالحه کند، اشکال ندارد.^۱

۲. اگر در عقد شرکت شرط کنند که هر دو با هم با مال مورد شراکت خرید و فروش کنند یا هر کدام به تنهایی معامله کند یا فقط یکی از آنها معامله کند، باید به قرارداد عمل نمایند.^۲

۳. اگر معین نکنند کدام یک از آنها با سرمایه خرید و فروش کند، هیچ یک از آنان بدون اجازه دیگری نمی تواند با آن سرمایه معامله کند.^۳

۴. هر وقت یکی از شریکان تقاضا کند که سرمایه شرکت را قسمت کنند، اگر چه شرکت مدت داشته باشد، باید دیگران قبول کنند، مگر آنکه تقسیم مشتمل بر رد یا مستلزم ضرر بر شریک دیگر باشد.^۴

۵. اگر یکی از شریکان بمیرد یا دیوانه یا بیهوش یا سفیه شود یا حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع کند، سایر شرکا نمی توانند در مال شرکت تصرف کنند.^۵

۶. اگر شریک چیزی را نسیه برای خود بخرد، نفع و ضررش مال خود اوست ولی اگر برای شرکت بخرد و شریک دیگر به آن معامله راضی باشد، نفع و ضررش برای هر دو است.^۶

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الشریکه، ص ۶۲۴، م ۵؛ توضیح المسائل، م ۲۱۴۳.

۲. توضیح المسائل، م ۲۱۴۹.

۳. همان، م ۲۱۵۰.

۴. همان، م ۲۱۵۶.

۵. همان، م ۲۱۵۷.

۶. همان، م ۲۱۵۸.

شُفَعَه

اگر دو نفر ملکی را با هم شریک باشند و یکی از آنها سهم خود را بفروشد، با شرایطی که در کتب مفصل فقهی آمده است، شریک دیگر حق دارد سهم شریک را تملک کند و قیمتی را که مشتری پرداخته است به او بدهد. به این حق «حَقَّ شُفَعَه» می‌گویند.^۱

۱. حق شفعه تنها در صورت فروش ملک است. بنابراین اگر یکی از دو شریک سهم خود را به دیگری ببخشد یا مصالحه کند یا مهریه همسرش قرار دهد، حق شفعه برای شریک دیگر وجود ندارد.^۲

۲. حق شفعه تنها در ملکی که دو نفر شریک هستند وجود دارد نه بیشتر. بنابراین اگر مثلاً یکی از سهامداران یک شرکت که افراد متعددی در آن شریک هستند سهم خود را بفروشد، برای سایر شریکان حق شفعه وجود ندارد.^۳

۳. حق شفعه در مالی است که به صورت مشاع با هم شریک هستند؛ بنابراین اگر یکی از همسایه‌ها ملک خود را بفروشد، برای همسایه حق شفعه وجود ندارد.^۴

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الشفعه، ص ۵۵۵، م ۱.

۲. همان، ص ۵۵۶، م ۵.

۳. همان، م ۶.

۴. همان، م ۳.

برخی از موارد شفعه:^۱

شماره	نوع مال	حکم
۱	غیرمنقولات قابل تقسیم؛ مانند باغ و مزرعه و خانه	حق شفعه در آن وجود دارد.
۲	غیرمنقولات غیرقابل تقسیم؛ مانند راه‌ها و جوی‌ها و دهلیزهای باریک	وجود حق شفعه محل اشکال است و احتیاط آن است که شفیع رضایت مشتری را فراهم کند و مشتری هم درخواست او را اجابت نماید.
۳	اموال منقول؛ مانند اتومبیل، حیوان، لباس و لوازم منزل	وجود حق شفعه محل اشکال است و احتیاط آن است که شفیع رضایت مشتری را فراهم کند و مشتری هم درخواست او را اجابت نماید.
۴	ملک تقسیم شده؛ مانند باغی که تقسیم شده هر چند هنوز با دیوار و امثال آن سهم هر کدام از هم جدا نشده باشد	حق شفعه وجود ندارد.

اقاله

اقاله، فسخ قرارداد از سوی هر دو طرف است؛ مثلاً کالای خریده را پس بدهد، یا اینکه حق فسخ ندارد، و فروشنده هم بپذیرد.

۱. اقاله در تمام قراردادها - به جز نکاح - قابل اجرا است و به هر لفظی باشد، صحیح است حتی اگر لفظی در کار نباشد، بلکه یک طرف معامله، آنچه را که به او منتقل شده، پس بدهد و طرف مقابل هم بگیرد، اقاله شده است.^۲

۱. تحریر الوسیله، ص ۵۵۵، م ۲.

۲. همان، القول فی الاقاله.

۲. اقاله معامله به بیش از قیمت مقرر یا کمتر از آن جایز نیست. پس اگر مشتری چیزی روی کالا بگذارد تا فروشنده قبول کند یا فروشنده چیزی از قیمت کم کند و قبول کند، صحیح نیست و اقاله صورت نگرفته و مال فروخته شده در ملک مشتری و قیمت در ملک فروشنده باقی می ماند.^۱

۳. اقاله کردن بخشی از مال یا قیمت مورد معامله نیز صحیح است. پس اگر پنج کیسه از ده کیسه برنج خریداری شده را پس بدهد و فروشنده قبول کند و قیمت آن را پس بدهد، صحیح است.^۲

۴. در مال مشترک، یکی از شریکان می تواند سهم خود را با فروشنده اقاله کند و موافقت شریک نیز شرط نیست.^۳

پرسش

۱. فرق اساسی شفعه با بیع چیست؟
۲. آیا در ساختمان های چند طبقه که هر طبقه را یک نفر مالک است، با فروش یک طبقه از آن برای دیگران حق شفعه وجود دارد؟ چرا؟
۳. آیا حق شفعه در پارکینگ و آسانسور مشترک وجود دارد؟
۴. تفاوت اقاله با خيار چیست؟ توضیح دهید.
۵. در صورتی که مشتری معامله را اقاله کند، با بیع می تواند مقداری از قیمت کالا را کم کند و پس بگیرد؟
۶. شرکت های تعاونی مصرف، جزو کدامیک از اقسام شرکت می باشند؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، القول فی الاقاله، م ۱.

۲. همان، م ۳.

۳. همان، م ۳.



اجاره

هرگاه شخصی منفعت چیزی را ملک دیگری کند و در مقابل آن چیزی بگیرد، به این عمل «اجاره» می‌گویند.

قرارداد اجاره

اگر اجاره دهنده به مستأجر بگوید: «ملک خود را به تو اجاره دادم» و او بگوید: «قبول کردم» صحیح است، حتی اگر چیزی هم نگویند، بلکه صاحب مال به قصد اجاره دادن، آن را به مستأجر تحویل دهد و او هم به قصد اجاره کردن بگیرد، صحیح است؛ مثلاً کلید خانه را به او بدهد و او هم بگیرد.^۱

شرایط مال مورد اجاره

چیزی که اجاره داده می‌شود باید دارای شرایطی باشد، از جمله:

* معین باشد، پس اگر بگوید: یکی از اتاق‌های این خانه را به تو اجاره می‌دهم، صحیح نیست.

* مستأجر باید آن را ببیند یا طوری خصوصیات آن گفته شود که کاملاً معلوم باشد.
 * از چیزهایی نباشد که با استفاده از آن، اصل مال از بین می‌رود، پس اجاره دادن نان و میوه و سایر خوراکی‌ها صحیح نیست.^۱

احکام اجاره

۱. در اجاره باید مدت استفاده از مال، معین شده باشد؛ مثلاً بگوید: یک سال یا یک ماه.^۲

۲. اگر صاحب مال چیزی را که اجاره داده تحویل دهد، اگر چه مستأجر تحویل نگیرد یا تحویل بگیرد ولی تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکند، باید اجاره بها را بپردازد.^۳

۳. اگر کسی کارگری بگیرد که در روز معینی کاری را انجام دهد؛ مثلاً آجرها را داخل ساختمان ببرد و آن کارگر سرکار حاضر شود، اما کاری به او محول نکند؛ مثلاً آجر نباشد که داخل ساختمان ببرد، باید مزد او را بدهد.^۴

۴. هرگاه صنعتگر چیزی را که گرفته، ضایع کند، باید خسارت آن را بپردازد، مثل آنکه تعمیرکار خسارتی بر ماشین وارد کند.^۵

۵. اگر مثلاً خانه یا دکانی را اجاره کند و صاحب آن شرط کند که فقط خودش از آن استفاده کند، مستأجر نمی‌تواند آن را به دیگری اجاره بدهد.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۸۴.

۲. همان، م ۲۱۸۷.

۳. همان، م ۲۱۹۶.

۴. همان، م ۲۱۹۷.

۵. همان، م ۲۲۰۰.

۶. همان، م ۲۱۸۰.

استفتاء

س. کارمند دولت جمهوری اسلامی گاهی از محل خدمت، بدون اجازه آن سازمان، برای تشییع جنازه یا مجلس ختم خارج می‌شود؛ حقوقش چه صورت دارد؟

ج. اگر از وظیفه کوتاهی نموده به مقداری که کوتاهی کرده مدیون است.^۱

س. آموزگاری پیمان بسته که در مقابل خدمت موظف ۲۴ ساعت در هفته حقوق دریافت نماید، حال اگر بعضی ساعت‌ها کارهای شخصی انجام داده و دانش‌آموزان بدون معلم بوده‌اند. یا معلم دیگری جایش بوده. آیا حق استفاده از حقوق دارد و اگر بگیرد جایز است یا خیر؟ و اگر چنانچه مریض شود و آن ساعتی که می‌بایست کار موظف انجام دهد که در مقابلش حقوق بگیرد، گرفتن آن مقدار پولی که در برابرش هیچگونه کاری انجام نداده است جایز و قابل تصرف است یا خیر؟

ج. تابع مقررات استخدامی است و اگر برخلاف [مقررات عمل] نموده استحقاق اجرت ندارد.^۲
 س. کارهای غیرمستقلی را که فرزند در خانه و برای امرار معاش انجام می‌دهد (چه در زمان بلوغ، یا غیربلوغ) حق ادعای اجرت از پدر دارد یا نه؟
 ج. اگر به دستور پدر نیست یا به قصد مآنان انجام می‌دهند، استحقاق اجرت ندارد.^۳

سرقفلی

به پول یا چیزی که کسی به شخص دیگری می‌دهد تا مثلاً خانه یا دکانی را که در اجاره او است در اختیار او بگذارد، «سرقفلی» گفته می‌شود.
 ۱. اگر محلی را از شخصی اجاره کرده و حق داشته باشد که در مدت اجاره مکان را به دیگری اجاره دهد و در این مدت، اجاره محل، ترقی کرده می‌تواند آن محل را به

۱. استفتائات، ج ۲، ص ۵۰، س ۱۳۷.

۲. همان، ص ۲۱۷، س ۵۵.

۳. همان، ص ۲۱۳، س ۴۶.

شخصی به همان قیمت که اجاره کرده اجاره دهد و چیزی هم به عنوان سرقفلی دریافت کند.^۱

۲. اگر شخصی محلی را اجاره کند و با صاحبش شرط کند که مثلاً تا بیست سال اجاره محل را بالا نبرد و باز با او شرط کند که اگر محل را به دیگری اجاره داد او هم همین گونه عمل کند و همچنین شخص ثالث هم اگر خواست محل را به دیگری اجاره دهد همین گونه عمل کند و اجاره را بالا نبرد، در این صورت مستأجر اول می تواند محل را به دیگری اجاره دهد و مبلغی به عنوان سرقفلی از او بگیرد که محل را به او تحویل دهد و سرقفلی به این صورت حلال است و دومی به سومی و سومی به چهارمی برحسب قرار تحویل دهد و از او به این عنوان سرقفلی بگیرد.^۲

جُعالة

جُعالة آن است که انسان قرار بگذارد در مقابل کاری که برای او انجام می دهند، مال معینی بدهد؛ مثلاً بگوید: هر کس گمشده مرا پیدا کرد هزار تومان به او می دهم. جاعل: کسی است که ملتزم می شود در مقابل انجام دادن کاری چیزی بدهد. عامل: کسی که آن کار را انجام می دهد.^۳

تفاوت اجاره با جُعالة

۱. اجاره، قرارداد دو طرفه (عقد) است ولی جُعالة قرارداد یک طرفه (ایقاع) است. ۲. در اجاره پس از عقد اجاره (قرارداد بستن)، اجیر، مالک اجرت است و مستأجر عمل او را مالک است؛ مثلاً اگر مالک وسایل را برای او آماده نکرد، باید مزد او را بپردازد. ولی در جعالة، پس از انجام عمل، یکی صاحب کار و دیگری صاحب اجرت می شود.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۲۸۴۹.

۲. همان، م ۲۸۵۰.

۳. همان، م ۲۲۱۸.

۴. توضیح المسائل، م ۲۲۱۸.

اقسام جعالة

الف) عام: در جعالة عام، عامل معین نیست؛ مثلاً می‌گوید: به هرکس کتاب مرا پیدا کند، صد تومان می‌دهم.

ب) خاص: در جعالة خاص، عامل معین است؛ مثلاً به شخصی می‌گوید: اگر کتاب مرا پیدا کردی صد تومان به تو می‌دهم.^۱

دومسأله

۱. اگر جاعل پس از شروع کار توسط عامل، دست از جعالة بردارد، باید مزد همان مقدار کار او را به اندازه‌ای که نزد مردم ارزش دارد، بپردازد.^۲

۲. هر زمان عامل بخواهد می‌تواند از انجام عمل صرف نظر کند و مستحق اجرتی نیست هر چند در اثنای آن باشد، ولی اگر کار را شروع کرده باشد و با ترک آن ضرری متوجه جاعل می‌شود، باید آن را به پایان برساند.^۳

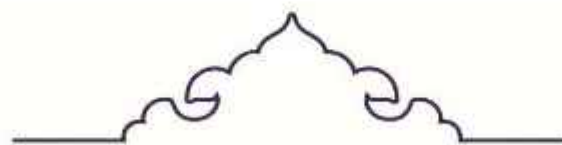
پرسش

۱. آیا مستأجر می‌تواند ملک را به شخص دیگر اجاره دهد؟
۲. در چه صورت مستأجر می‌تواند در مقابل تحویل مال مورد اجاره، از مستأجر دوم سرقفلی بگیرد؟
۳. اگر شخصی اعلام کند: «هرکس یک میلیون تومان یک ساله به من قرض دهد، در پایان دو بیست هزار تومان به او اجرت می‌دهم»، این جعالة صحیح است یا نه؟ چرا؟
۴. شهرداری، ساخت یک بزرگراه را بین شرکت‌های راه‌سازی به مناقصه می‌گذارد، آیا این مناقصه، جعالة است؟ چرا؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الجعالة، ص ۵۸۶.

۲. توضیح المسائل، م ۲۲۲۵.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الجعالة، ص ۵۸۶؛ توضیح المسائل، م ۲۲۲۶.



قرض، رهن، حواله

قرض

قرض، آن است که انسان، مالی را، به دیگری تملیک کند تا در آینده همان را یا قیمت یا مثل آن را به او برگرداند.^۱

۱. قرض دادن به دیگران مستحب است و در قرآن و روایات، نسبت به آن سفارش فراوان شده است و قرض دهنده در روز قیامت پاداش بسیاری خواهد داشت.^۲

۲. قرض گرفتن بدون نیاز مکروه است و در صورت نیاز کراهت آن کمتر است و هرچه نیاز بیشتر باشد، کراهت کمتر می شود و اگر نیاز شدید باشد کراهت برطرف می شود و اگر اضطرار باشد، مثل آنکه برای حفظ جان یا آبرو ناچار شود قرض بگیرد، نه تنها مکروه نیست بلکه واجب است.^۳

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۵۱، القول فی القرض.

۲. توضیح المسائل، ص ۳۱۰، احکام قرض.

۳. همان، م ۱.

اقسام قرض

* مدت دار: قرضی است که هنگام قرض دادن، زمان پرداخت بدهی مشخص شده باشد.

* بدون مدت: قرضی است که زمان پرداخت، در آن مشخص نشده باشد.

احکام قرض

۱. اگر قرض مدت دار باشد، طلبکار نمی‌تواند پیش از تمام شدن آن مدت، طلب خود را درخواست کند و اگر قرض مدت دار نباشد، طلبکار هر وقت بخواهد می‌تواند طلب خود را درخواست کند.^۱

۲. اگر طلبکار طلب خود را درخواست کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است، مگر آنکه قرض مدت دار باشد و مدت به پایان نرسیده باشد.^۲

۳. اگر بدهکار غیر از خانه‌ای که در آن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد، چیزی نداشته باشد، طلبکار نمی‌تواند طلب خود را از او مطالبه کند، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.^۳

قرض ربوی

۱. اگر مقداری پول به کسی بدهد و شرط کند که پس از مدتی؛ مثلاً یک سال دیگر، زیادتر بگیرد، ربا و حرام است؛ مثلاً یک صد هزار تومان بدهد و شرط کند که پس از یک سال صد و بیست هزار تومان بگیرد.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۲۳۰۶.

۲. همان، م ۲۲۷۶.

۳. همان، م ۲۲۷۷.

۴. همان، م ۲۲۸۸.

۲. ربا دادن، مثل ربا گرفتن حرام است.^۱
۳. کسی که قرض ربایی گرفته، اگر چه کار حرامی کرده ولی اصل قرض صحیح است و می‌تواند در آن تصرف کند.^۲
۴. اگر بدهکار بدون شرط قبلی چیزی اضافه به طلبکار بدهد، اشکال ندارد، بلکه مستحب است.^۳

استفتاء

- س ۱. شخصی مبلغی به عنوان قرض از دیگری گرفته و بعد از آن، دیگر او را ندیده است و خیلی هم دنبالش گشته است، می‌خواهد بداند که آیا می‌تواند آن مبلغ پول را به حساب ۱۰۰ یا به حساب سهم امام یا به حساب جنگ‌زدگان بدهد یا نه؟
- ج. اگر مایوس از پیدا کردن صاحب پول باشد، از طرف او به فقرا صدقه بدهد.^۴
- س ۲. در ارتباط با پرداخت حق الناس در صورت عدم حضور فرد طلبکار و بی‌اطلاعی از زنده بودن وی نظر امام چیست؟
- ج. اگر طلبکار را می‌شناسد باید تحقیق کند تا حق او را به خودش یا به ورثه‌اش تسلیم نماید.^۵

رهن

- رهن آن است که بدهکار مقداری از مال خود را نزد طلبکار بگذارد تا اگر طلب او را نداد از آن مال طلب خود را به دست آورد.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۲۲۸۴.

۲. همان، م ۲۲۸۴.

۳. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الدین والقرض، ص ۶۵۴، س ۱۱.

۴. استفتاآت، ج ۲، ص ۲۸۵، س ۱۵.

۵. همان، س ۱۳.

۶. توضیح المسائل، م ۲۳۰۰.

۱. استفاده چیزی که گرو (رهن) می‌گذارند، مال گرو دهنده است. بنابراین گرو گیرنده، بدون اجازه صاحب مال نمی‌تواند از آن استفاده کند.^۱
۲. طلبکار (گروگیرنده) و بدهکار (گرو دهنده) نمی‌توانند مالی را که در رهن است، بدون اجازه یکدیگر ملک کسی کنند؛ مثلاً بفروشند یا ببخشند. ولی اگر یکی از آنان، آن را بفروشد یا ببخشد و بعد دیگری بگوید: «راضی هستم»، اشکال ندارد.^۲
۳. اگر مالی را که بدهکار گرو گذاشته، خانه و اثاثیه منزل هم باشد، طلبکار می‌تواند بفروشد و طلب خود را بردارد.^۳

رهن و اجاره

۱. آنچه، امروزه در خصوص اجاره ملک (منزل، مغازه و...) مبلغی را به عنوان رهن به مالک پرداخت می‌شود، هر چند رهن نیست ولی اگر اجاره به مبلغ کمتر از قیمت متداول باشد و در ضمن اجاره شرط شود که پولی به صاحب منزل یا مغازه به عنوان ودیعه یا قرض داده شود اشکال ندارد.^۴
۲. اگر مالک، ضمن اجاره شرط کند چنانچه مبلغی به عنوان قرض یا ودیعه به او داده شود، مقداری از اجاره بها را کم می‌کند، ربا و حرام است.^۵

استفتاء

- س. شخصی مبلغ پنجاه هزار تومان به صاحبخانه‌ای داده که دو اتاق را رهن کند و دیگر اجاره نمی‌دهد، چه صورت دارد؟
- ج. محکوم به رباست و اگر در اتاق تصرف کند، اجرت المثل را ضامن است.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۲۳۰۵.

۲. همان، م ۲۳۰۶.

۳. همان، م ۲۳۰۹.

۴. استفتائات، ج ۲، ص ۲۰۵، س ۳۴ و ۳۵.

۵. همان.

۶. همان، ص ۲۹۳، س ۳۲.

حواله

حواله آن است که بدهکار بدهی خود را به عهده دیگری بگذارد و طلبکار قبول کند.^۱

۱. موقعی که انسان حواله می‌دهد، باید بدهکار باشد؛ پس اگر بخواهد چیزی از شخصی قرض بگیرد، تا وقتی که قرض نگرفته نمی‌تواند آن را به شخص دیگری حواله کند که آنچه را بعداً قرض می‌دهد، از آن شخص بگیرد.^۲

۲. طلبکار می‌تواند حواله را نپذیرد، اگر چه فردی که به او حواله شده، فقیر نباشد و در پرداختن حواله هم کوتاهی نکند.^۳

۳. بعد از انعقاد حواله، حواله دهنده و کسی که به او حواله شده نمی‌توانند حواله را به هم بزنند، مگر آنکه یکی از آنان برای خود حق به هم زدن حواله را قرار دهد، که در این صورت مطابق قرار می‌توانند حواله را به هم بزنند.^۴

پرسش

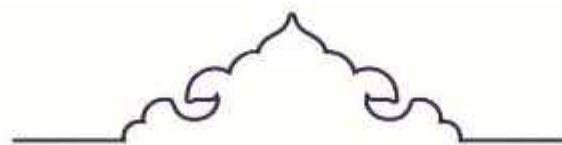
۱. رهن مصطلح کنونی جامعه که در اجاره منزل یا مغازه مرسوم است، چه اشکالی دارد؟
۲. فردی به شخصی بدهکار است و از دیگری طلبکار، اگر بدهی خود را به بدهکار حواله کند، آیا بر بدهکار واجب است، بدهی را به حواله‌شونده بپردازد؟
۳. در چه مواردی قرض دهنده حق مطالبه قرض را ندارد؟
۴. رهن کامل منزل (بدون اجاره بها) صحیح نیست، چرا؟
۵. چه چیزهایی را واجب نیست بدهکار برای پرداخت بدهی خود بفروشد؟

۱. توضیح المسائل، م ۲۲۸۹.

۲. همان، م ۲۲۹۲.

۳. همان، م ۲۲۹۵.

۴. همان، م ۲۲۹۷ و ۲۲۹۹.



ضمانت، وکالت، حجر

ضمان

ضمان آن است که انسان متعهد شود بدهی کسی را بپردازد و طلبکار قبول کند.^۱

شرایط ضمان

* ضامن و طلبکار، بالغ، عاقل، رشید و دارای اختیار باشند.

* طلبکار به سبب ورشکستگی، از طرف حاکم شرع، از تصرف در اموالش منع نشده باشد.

* بدهی بدهکار قطعی باشد، پس اگر بخواهد از کسی قرض کند، تا قرض نکرده ضمان صحیح نیست.

* طلبکار و بدهکار و جنس بدهی مشخص باشد؛ یعنی مبهم و مردّد نباشد.

* بنابر احتیاط واجب، ضمان، منجز باشد؛ یعنی ضمانت خود را وابسته به امر دیگری نکند، پس اگر بگوید: «چنانچه تا فلان تاریخ بدهی خود را نپرداخت من خواهم پرداخت»، احتیاط واجب آن است که به ضامن شدن او ترتیب اثر ندهند.^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الضمان، ص ۲۵.

۲. همان، م ۱ و ۲.

احکام ضمان

۱. اگر طلبکار طلب خود را به ضامن ببخشد، ضامن نمی‌تواند از بدهکار چیزی بگیرد و اگر مقداری از آن را ببخشد، نمی‌تواند آن مقدار را مطالبه کند.^۱
۲. ضامن نمی‌تواند از ضامن شدن خود برگردد.^۲
۳. ضامن و طلبکار می‌توانند شرط کنند که هر وقت بخواهند، ضمانت ضامن را به هم بزنند.^۳
۴. اگر شخصی بدون اجازه بدهکار، ضامن شود که بدهی او را بدهد، نمی‌تواند چیزی از او مطالبه کند، اما اگر با اجازه او ضامن شده و همان چیزی را که بدهکار بوده بپردازد می‌تواند از او مطالبه کند.^۴

وکالت

وکالت آن است که انسان کاری را که می‌تواند در آن دخالت کند، به دیگری واگذارد تا از طرف او انجام دهد؛ مثلاً کسی را وکیل کند که خانه‌اش را بفروشد.^۵

شرایط وکالت

- * متعلق وکالت مقدور وکیل باشد.
- * متعلق وکالت معلوم باشد.
- * وکیل و موکل، عاقل، بالغ^۶ و مختار باشند و قصد وکالت داشته باشند.
- * موکل، ممنوع‌التصرف در متعلق وکالت نباشد و انجام دادن آن برای خودش جایز باشد.

۱. توضیح المسائل، م ۲۳۱۵، به فتوای برخی از فقها، ضامن می‌تواند مقدار بخشیده شده را از بدهکار بگیرد.

۲. همان، م ۲۳۱۶.

۳. همان، م ۲۳۱۷.

۴. همان، م ۲۳۲۰ و ۲۳۲۱.

۵. توضیح المسائل، ص ۳۰۷.

۶. اگر کودک را فقط برای اجرای عقد بیع و امثال آن وکیل کنند صحیح است.

* بنابر احتیاط واجب، اصل وکالت منجز باشد.^۱

احکام وکالت

۱. در وکالت لازم نیست صیغه بخوانند و اگر انسان به دیگری بفهماند که او را وکیل کرده و او هم بفهماند قبول کرده، صحیح است.^۲
۲. کاری را که انسان نمی‌تواند انجام دهد، یا شرعاً نباید انجام دهد، نباید برای انجام دادن آن از طرف دیگری وکیل شود؛ مثلاً کسی که در احرام حج است نمی‌تواند وکیل در اجرای صیغه عقد نکاح شود.^۳
۳. اگر انسان کسی را برای انجام دادن کارهای خویش وکیل کند، صحیح است؛ ولی اگر برای یکی از کارهای خود وکیل کند و آن کار را معین نکنند وکالت صحیح نیست.^۴
۴. وکیل، لازم نیست مسلمان باشد، مگر در اموری که از غیر مسلمان صحیح نیست. بنابراین انسان می‌تواند برای فروش خانه خود، به کافر وکالت بدهد.^۵
- ۵ - نمی‌توان کافراً وکیل کرد تا علیه مسلمان اقامه دعوی کند.^۶
۶. وکیل می‌تواند از وکالت کناره‌گیری کند؛ هر چند موكّل غایب باشد.^۷
۷. وکیل نمی‌تواند برای کاری که به او واگذار شده، دیگری را وکیل کند، ولی اگر موكّل به او اجازه داده باشد که وکیل بگیرد، طبق دستور می‌تواند رفتار نماید، پس اگر گفته باشد: «برای من وکیل بگیر»، باید از طرف او وکیل بگیرد و نمی‌تواند کسی را از طرف خودش وکیل کند.^۸

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الوکاله، ص ۳۹، م ۱ و ۲.

۲. توضیح المسائل، م ۲۲۵۷.

۳. همان، م ۲۲۶۰.

۴. همان، م ۲۲۶۱.

۵. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۰.

۶. همان.

۷. توضیح المسائل، م ۲۲۶۳.

۸. همان، م ۲۲۶۴.

۸. اگر انسان کسی را برای کاری وکیل کند و چیزی برای اقرار بگذارد، بعد از انجام دادن کار، آن چیز را باید به او بدهد.^۱

□ ۹. اگر وکیل یا موکل بمیرد یا دیوانه همیشگی شود، وکالت باطل می شود و نیز اگر گاه گاهی دیوانه یا بیهوش شود، بنابر احتیاط واجب باید به معامله ای که انجام می دهد ترتیب اثر ندهند و نیز اگر چیزی که برای تصرف در آن وکیل شده است، از بین برود؛ مثلاً گوسفندی که برای فروش آن وکیل شده بمیرد، وکالت باطل می شود.^۲

۱۰. اگر مال نزد وکیل تلف شود مسأله دو صورت دارد:

الف) اگر در نگهداری آن کوتاهی یا در استفاده از آن زیاده روی کرده، باید عوض آن را بدهد.

ب) اگر کوتاهی یا زیاده روی نکرده، لازم نیست عوض آن را بدهد.^۳

حجر

حجر به معنای منع است و در فقه، منع شرعی، نسبت به تصرف در اموال می باشد.^۴

۱. این افراد محجورند؛ یعنی نمی توانند در اموال خود تصرف کنند:

* کودک غیر بالغ؛

* دیوانه؛

* سفیه (کسی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می کند)؛

* ورشکسته اقتصادی (مُفلس).

۲. ولایت بر تصرف در اموال کودک غیر بالغ و دیوانه، با پدر و جد پدری اوست.

۱. توضیح المسائل، م ۲۲۶۹.

۲. همان، م ۲۲۶۸. به فتوای برخی از فقهاء، دیوانگی مقطعی ادواری موجب بطلان وکالت نمی شود، هر چند در آن مدت، وکالت اثری ندارد.

۳. همان، م ۲۲۷۰ و ۲۲۷۱.

۴. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الحجر، ص ۱۲.

* اگر پدر و جد پدری ندارد، قیمی که با وصیت آنان مشخص شده است، ولایت دارد.

* اگر قیم هم ندارد، با حاکم شرع است.

* اگر حاکم شرع نباشد، با مؤمنان است و بنا بر احتیاط واجب باید عادل باشند.^۱
□ ۳. ولایت بر سفیه:

اگر از دوران کودکی سفیه بوده و با همان حال به حد بلوغ رسیده، شرعاً محجور است و ولایت بر او مانند دیوانه، با پدر یا جد پدری است و با نبود آنها، با قیم است.

اگر قبلاً سفیه نبوده و پس از بلوغ سفیه شده، حاکم شرع بر او ولایت دارد و حاکم او را از تصرف در اموالش منع می‌کند.^۲

۴. ورشکسته اقتصادی را نیز حاکم شرع با شرایطی که در کتب مفصل فقهی آمده، از تصرف در اموالش منع می‌کند و ولایت در تصرف با حاکم است.^۳

پرسش

۱. ضمان را توضیح داده و تفاوت آن را با حواله بیان فرمایید.

۲. در صورتی که متهم پرونده‌ای مسلمان باشد، آیا شاکی می‌تواند فرد غیر مسلمانی را وکیل خود قرار دهد؟ چرا؟

۳. آخرین شرط از شرایط وکالت را با ذکر مثال توضیح دهید.

۴. تفاوت سفیه و دیوانه چیست؟

۵. در چه صورتی پدر یا جد پدری سفیه بر او ولایت ندارند؟

۱. همان، ص ۱۳، م ۵.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الحجر، القول فی السفیه، ص ۱۵، به فتوای برخی از فقها، ولایت بر سفیه با پدر و جد پدری اوست.

۳. برای آشنایی با شرایط جواز حجر می‌توانید به کتاب تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۸ «القول فی المفلس» مراجعه کنید.



ودیعه، عاریه و لقطه

ودیعه (امانت)

ودیعه آن است که انسان مالی را به دیگری بسپارد تا برایش نگه دارد.^۱
اگر انسان مالی خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند، باید به احکام امانتداری عمل کند.^۲

وظایف امانتدار

۱. کسی که نمی‌تواند از امانت نگهداری کند، بنابر احتیاط واجب نباید قبول کند. مگر آنکه صاحب مال در نگهداری آن عاجزتر باشد و کسی که بهتر حفظ کند یافت نشود.^۳

۲. کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند.^۴

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الودیعه، ص ۵۹۶.

۲. توضیح المسائل، م ۲۳۲۷.

۳. همان، م ۲۳۳۰.

۴. همان، م ۲۳۳۲.

۳. اگر امانتدار برای امانت، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسبی تهیه کند؛ مثلاً اگر پول است و در خانه نمی‌تواند نگهداری کند، باید به بانک بسپارد.^۱
۴. امانتدار باید طوری از امانت نگهداری کند که مردم نگویند: «در امانت خیانت یا در نگهداری آن کوتاهی کرده است».^۲
۵. در صورتی که امانت مردم از بین برود:
- * اگر امین در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد، باید عوض آن را به صاحبش بدهد.
- * اگر در نگهداری آن کوتاهی نکرده و به طور اتفاقی آن مال از بین رفته؛ مثلاً سیل برده است، امانتدار ضامن نمی‌باشد و لازم نیست عوض آن را بدهد.^۳

عاریه

- عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد تا از آن استفاده کند و در عوض، چیزی از او نگیرد؛ مثلاً کتاب خود را به کسی می‌دهد تا مطالعه کند و برگرداند.^۴
۱. کسی که چیزی را عاریه داده هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه گرفته هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس دهد.^۵
۲. چیزی را که عاریه گرفته بدون اجازه صاحبش نمی‌تواند به دیگری عاریه یا اجاره دهد.^۶
۳. چنانچه مالی را که عاریه کرده، از بین برود یا معیوب شود:

۱. توضیح المسائل، م ۲۳۳۴.

۲. همان.

۳. همان، م ۲۳۳۵.

۴. همان، م ۲۳۴۴.

۵. همان، م ۲۳۵۳.

۶. همان، م ۲۳۵۸.

- * اگر در نگهداری آن کوتاهی یا در استفاده از آن زیاده‌روی نکرده، ضامن نیست؛ مگر آنکه شرط کند که اگر تلف شود ضامن باشد یا مورد عاریه، طلا یا نقره باشد.
- * اگر کوتاهی یا زیاده‌روی کرده باشد، باید خسارت آن را بپردازد.^۱
۴. اگر از پیش، شرط کرده باشند که اگر خسارتی بر آن وارد شود، عاریه‌کننده ضامن است، باید آن خسارت را بپردازد.^۲

لقطه (اشیای پیدا شده)

۱. برداشتن چیزی که پیدا شده، مکروه است.
 ۲. اگر انسان چیزی پیدا کند و بردارد:
- الف) اگر صاحبش معلوم است، باید به صاحبش بدهد.
- ب) اگر صاحبش معلوم نیست:
- نشانه‌ای ندارد که از روی آن بتواند صاحبش را پیدا کند بنابر احتیاط واجب از طرف صاحبش صدقه بدهد.

باید اعلام کند. پس:		
اگر صاحبش پیدا شد، باید به او بدهد.		
- اگر صاحبش پیدا نشد، می‌تواند برای خود بردارد، به قصد اینکه هر وقت صاحبش پیدا شد عوض آن را به او بدهد یا برای صاحبش نگهداری کند تا هر وقت پیدا شد به او بدهد.	قیمت آن یک درهم یا بیشتر است	• نشانه دارد
می‌تواند به قصد آنکه برای خودش باشد از آن استفاده کند یا اعلام کند تا صاحبش پیدا شود. ^۲	قیمت آن یک درهم کمتر است	

۱. توضیح المسائل، م ۲۳۴۹.

۲. همان.

چگونگی اعلام

اگر از روزی که آن را پیدا کرده تا یک هفته، روزی یک مرتبه و بعد از آن تا یک سال، هفته‌ای یک مرتبه در محل اجتماع مردم اعلام کند، کافی است.^۱

چند مسأله

۱. کسی که مالی را پیدا کرده، اگر عمداً به دستوری که گفته شد، اعلام نکند، گذشته از اینکه معصیت کرده، باز هم اعلام واجب است.^۲
۲. اگر کودک نابالغ چیزی پیدا کند، ولی او باید اعلام کند.^۳
۳. اگر قیمت چیزی که پیدا کرده به ۱۲/۶ نخود نقره سکه دار برسد، چنانچه اعلام نکند و در مسجد یا جای دیگری که محل اجتماع مردم است بگذارد و آن چیز از بین برود، یا دیگری آن را بردارد، پیداکننده ضامن است.^۴
۴. هرگاه چیزی پیدا کند که اگر بماند فاسد می‌شود باید تا مقداری که ممکن است آن را نگه دارد بعد قیمت کند و خردش بردارد یا بفروشد و پولش را نگه دارد و اعلام کند.^۵

گم شدن کفش

- اگر کفش کسی را ببرند و کفش دیگری به جای آن بگذارند، با چند شرط می‌تواند آن را برای خود بردارد:
- * بدانند کفشی که مانده، مال کسی است که کفش او را برده.

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب اللقطة، ص ۲۲۵، م ۶: توضیح المسائل، م ۲۵۶۶.

۲. توضیح المسائل، م ۲۵۷۰.

۳. همان، م ۲۵۷۱.

۴. همان، م ۲۵۷۸.

۵. همان، م ۲۵۷۹.

* از پیدا کردن صاحبش مأیوس شود یا برایش مشقت داشته باشد.
 * ارزش آن مساوی با کفش خودش یا کمتر از آن باشد، ولی اگر قیمت آن از کفش خودش بیشتر باشد، باید هر وقت صاحب آن پیدا شد، زیادی قیمت را به او بدهد و چنانچه از پیدا شدن او ناامید شود، باید با اجازه حاکم شرع زیادی قیمت را از طرف صاحبش صدقه بدهد.^۱

کجه پرسش

۱. اگر امانت تلف شود، آیا امانتدار ضامن است یا نه؟
۲. برای ودیعه و عاریه هر کدام دو مثال بزنید.
۳. اگر شخصی یک اسکناس هزار تومانی پیدا کند، وظیفه‌اش چیست؟
۴. یک جعبه میوه در جاده از روی ماشینی افتاده و راننده دیگری آن را برداشته، وظیفه‌اش نسبت به آن چیست؟
۵. اگر کفش کسی را ببرند و کفش ارزشمندتری به جای آن مانده، تکلیف چیست؟

۱. توضیح المسائل، م ۲۵۸۱. به فتوای برخی از فقها، علاوه بر شرایطی که گفته شد باید بداند راضی است کفشش را عوض کفشی که برده است بپردازد.

مُضاربه، مزارعه، مساقات

مضاربه

اگر دو نفر با هم قرارداد ببندند که یکی از آنها مالی را به دیگری بدهد تا با آن مال معامله کند و اگر سودی به دست آمد با هم تقسیم کنند، به چنین قراردادی «مضاربه» می‌گویند. به صاحب سرمایه (پول) «مالک» و به کسی که مال را تحویل گرفته تا با آن معامله کند «عامل» می‌گویند.^۱

شرایط مضاربه

برخی از شرایط مضاربه عبارتند از:

۱. مورد مضاربه پول باشد، پس مضاربه دادن کالا صحیح نیست؛

۲. اوصاف و مقدار مال مورد مضاربه معلوم باشد.

۳. مقدار سهم طرفین از سود حاصله معلوم باشد؛

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب المضاربة، ص ۶۰۸.

۴. سهم آنان از سود مشاع کسری باشد؛ مثل $\frac{1}{3}$ ؛ اگر مثلاً بگوید: ده هزار تومان برای تو صحیح نیست؛

۵. مال مورد مضاربه در خرید و فروش مصرف شود. اگر در کار دیگری غیر معامله و تجارت خرج کند، صحیح نیست.^۱

احکام مضاربه

۱. اگر صاحب مال دو نفر یا بیشتر باشند و مال خود را به یک نفر مضاربه بدهند مانع ندارد.^۲

۲. در تجارت، کارهایی را که معمولاً به دیگران می سپارند، مانند وزن کردن بار و حمل آن و امثال اینها، می تواند به اهلش بسپارد و مزد آنها را از سرمایه بردارد و اگر خودش آن را انجام داد می تواند مزد خود را از سرمایه بردارد و اما برای کارهایی که معمولاً عامل باید انجام دهد، نمی تواند مزد بردارد.^۳

۳. اگر قرارداد مضاربه مطلق باشد؛ یعنی شرطی در آن نباشد، عامل هرگونه صلاح بداند می تواند تجارت کند اما نمی تواند نسبه بدهد، مگر اینکه بین تجار نسبه دادن مرسوم باشد. ولی اگر عقد مضاربه مشروط باشد، عامل باید به شرط عمل کند و اگر به شرط عمل نکرد و خسارتی به بار آمد ضامن است و اگر سودی به دست آمد صاحب سرمایه شریک است.^۴

۴. عامل نمی تواند بدون اجازه مالک، مال را به شخص دیگری به مضاربه بدهد یا دیگری را در مضاربه شریک کند و اگر اجازه هم بدهد باید مضاربه اولی را فسخ کنند

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب المضاربه، م ۱۰.

۲. همان، م ۱۵.

۳. همان، ص ۶۱۲، م ۱۶ و ۱۸.

و مالک با شخص دوم عقد مضاربه ببندد یا قرارداد مضاربه بین مالک و عامل و شخص دیگری به اشتراک بسته شود.^۱

ضمان عامل و عدم آن

اگر اموالی که در اختیار عامل است تلف شود یا خسارتی بر آن وارد شود یا مضاربه سودی نیاورد یا ضرر کند، در برخی موارد عامل ضامن است و در برخی موارد ضامن نیست که حکم صورت‌های مختلف آن بدین شرح است:

- بدون تقصیر عامل، تمام مال یا مقداری از آن تلف شود ← عامل ضامن نیست.

- با تقصیر عامل، مال تلف شود ← عامل ضامن است.

- تجارت سود نیاورد ← عامل ضامن سود صاحب مال نیست.

- تجارت ضرر نیاورد ← عامل ضامن ضرر صاحب مال نیست.

- شرط کرده باشند که خسارت بر عهده مالک باشد ← عامل خسارت را ضامن نیست.

- شرط کرده باشند که اگر ضرری به سرمایه وارد شد، عامل هم؛ مثلاً $\frac{۱}{۳}$ یا $\frac{۱}{۴}$ از آن را بدهد ← در صورت ضرر، او هم ضامن است.^۲

مزارعه

مزارعه آن است که صاحب زمین، با زارع قرارداد ببندند که زمین را در اختیار زارع بگذارد تا زراعت کند و مقداری از حاصل آن را به صاحب زمین بدهد.^۳

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب المضاربه، ص ۶۱۵، م ۲۵.

۲. همان، ص ۶۱۱، م ۱۴.

۳. توضیح المسائل، م ۲۲۲۸.

شرایط مزارعه

- صاحب زمین، زمین مورد مزارعه را مشخص کند.
- زمین، قابل کاشت باشد یا بتوانند کاری کنند که زراعت ممکن شود؛ مثلاً با شخم زنی و کود دادن و تسطیح کردن.
- مدت مزارعه معین باشد.
- مدت مزارعه به قدری باشد که در آن مدت حاصل زمین به دست آید.
- نوع زراعت معین باشد، مگر در محلی باشد که فقط یک نوع زراعت کاشت می شود یا زراعت خاصی معمول و متعارف باشد که در این صورت نام بردن لازم نیست.
- خرجی را که هر کدام باید عهده دار شود مشخص کنند؛ مثلاً زمین و بذرازیکی و سایر مخارج از دیگری.
- همه حاصل زمین به یک نفر اختصاص داده نشود.
- سهم هر کدام از محصول، به طور مشاع معین باشد؛ مثلاً $\frac{۱}{۳}$ ، $\frac{۱}{۴}$ ؛ پس اگر قرار بگذارند، مثلاً یک تن گندم بدهد، یا بگوید حاصل این قطعه از زمین برای من و آن قطعه برای تو، مزارعه صحیح نیست.^۱

احکام مزارعه

۱. اگر زراعت در زمین به سبب پیش آمدی، مثلاً باریدن برف زیاد، ممکن نشود: اگر مقداری از زراعت به دست آمده، حتی علفی که بتوان به حیوان داد، همان مقدار، مطابق قرارداد از هر دو است و نسبت به بقیه، مزارعه باطل است.
- اگر اصلاً زراعت به دست نیامده، مزارعه باطل است.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۲۲۲۹.

۲. همان، م ۲۲۳۲؛ تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب المزارعه، ص ۶۳۷، م ۶. به فتوای برخی از فقها، مزارعه در هر دو صورت باطل است.

- ۲ - اگر بر اثر کوتاهی زارع چیزی به دست نیاید، باید اجاره زمین را به قدر متعارف به صاحب زمین بپردازد.^۱
- ۳ - زارع نمی‌تواند بدون اجازه صاحب زمین، زمین را در اختیار شخص دیگری بگذارد.^۲

مُساقات

مُساقات، قراردادی است میان صاحب باغ و باغبان که در مدت معینی به آبیاری و پرورش درختان بپردازد و مطابق قرارداد، سهمی از میوه‌ها به باغبان داده شود.^۳

شرایط مساقات

برخی از شرایط مساقات عبارتند از:

- مورد مساقات درخت میوه باشد؛ نه مانند درختان بید و صنوبر و کاج و سپیدار؛ مگر درختانی که از گل یا برگ آنها استفاده می‌کنند؛ مانند درخت سدر.
- مدت مساقات معلوم باشد.
- سهم هر کدام از میوه معین باشد.
- سهم آنها، مُشاع باشد؛ مثلاً $\frac{۱}{۴}$ ، $\frac{۱}{۳}$ ، $\frac{۱}{۲}$ ؛ بنابر این اگر قرار بگذارند که باغبان، آبیاری کند و در پایان یک تُن میوه بگیرد، این قرارداد مساقات نیست.^۴

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب المزارعة، ص ۶۳۷، م ۶.

۲. همان.

۳. توضیح المسائل، م ۲۲۳۸.

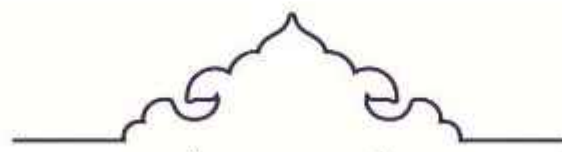
۴. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب المساقات، ص ۶۴۲؛ توضیح المسائل، م ۲۲۳۸ تا ۲۲۴۵. به فتوای برخی از فقهاء، قرارداد مساقات روی درختانی که از گل و برگ آنها استفاده می‌شود و میوه‌ده نیست اشکال دارد.

چند مسأله

۱. در قرارداد مساقات می‌توان مدت آن را تا پایان رسیدن میوه‌ها قرارداد، در صورتی که زمان شروع آن (ابتدای مساقات) مشخص باشد.
۲. قرارداد مساقات بر نهال‌هایی که تازه غرس شده و هنوز زمان میوه دادن آنها نرسیده، اشکال ندارد؛ به شرط آنکه مدت مساقات به قدری باشد که نهال میوه‌دار شود.
۳. قرارداد مساقات بر درختی که از آب باران یا رطوبت زمین استفاده می‌کند و به آبیاری نیازی ندارد، اگر به کارهای دیگری؛ مانند بیل زدن و کود دادن نیازمند باشد، صحیح است.

پرسش

۱. اگر مبلغی را به یک کارگاه تولیدی بدهد که مثلاً ۳۱٪ از سود تولیدات را به او بدهد صحیح است یا نه؟
۲. در مضاربه، عامل چه نوع مخارجی را می‌تواند از سرمایه بردارد؟
۳. اگر تجارت ضرر بیاورد، در چه صورت، عامل، ضامن ضرر صاحب مال خواهد بود؟ در قرارداد مزارعه، بذر، کود، سم و مالیات دولتی بر عهده کیست؟
۴. در مزارعه، گاه و علوفه به دست آمده برای چه کسی است؟
۵. شخصی آب و زمین را در اختیار کشاورز قرار داده تا در آن کشت کند و پس از برداشت محصول، مبلغ یکصد هزار تومان به صاحب زمین بدهد؛ این قرارداد چه نام دارد و حکم آن چیست؟
۶. شخصی باغ خود را در اختیار باغبان می‌گذارد تا کارهای آن را انجام دهد و پس از برداشت محصول، یک تن میوه به او بدهد، نام این قرارداد چیست و چه حکمی دارد؟
۷. مزارعه و مساقات چه تفاوت‌هایی دارند؟



صلح، هبه، صدقه

صلح

انسان می‌تواند تمام یا مقداری از اموال یا منافع اموال خود را در مقابل چیزی یا بدون عوض، به دیگری واگذار کند یا طلبی که دارد، نگیرد. به این واگذاری یا اسقاط دین «صلح» گفته می‌شود.^۱

۱. صلح، قراردادی مستقل است و احکام سایر قراردادها در آن جاری نیست؛ پس خیاریع و حق شفعه در آن ثابت نیست.^۲

۲. در قرارداد صلح، صیغه خاصی شرط نیست بلکه با هر لفظی که بیانگر واگذاری مال یا اسقاط دین باشد، صحیح است.^۳

۳. صلح کننده باید عاقل، بالغ و مختار باشد و قصد صلح نیز داشته باشد و حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع نکرده باشد.^۴

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۶۰.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الصلح، ص ۵۶۱، م ۱.

۳. همان، ص ۵۶۲، م ۳.

۴. همان، ص ۵۶۳، م ۹.

۴. اگر بخواهند دو چیز همجنس را به یکدیگر صلح کنند:

• اگر وزن آنها معلوم است $\left\{ \begin{array}{l} ۱. هر دو مساوی است: صلح صحیح است. \\ ۲. یکی بیشتر است: صلح صحیح نیست. \end{array} \right.$

• وزن آنها معلوم نیست: صلح صحیح است، هر چند احتمال بدهند که وزن یکی بیشتر از دیگری است.^۱

۵. اگر دو نفر چیزی را با هم صلح کنند، با رضایت یکدیگر می توانند صلح را به هم بزنند و همچنین اگر برای یکی از آنها حق فسخ قرارداد داده باشند.^۲

هبه

هبه یا بخشش، عبارت است از: خارج ساختن مالی از ملکیت خود و بدون دریافت چیزی آن را، به ملکیت دیگری درآوردن.^۳

۱ - هبه کننده و کسی که چیزی به او هبه خواهد شد، باید بالغ و عاقل و دارای قصد و اختیار باشند. آری، ولی طفل و دیوانه می تواند از طرف آنها قبول کند.^۴

۲ - مواردی که نمی توان هبه را پس گرفت:

- هبه به ارحام؛ مانند پدر، مادر، فرزند، در صورتی که تحویل آنان داده باشد.
- هبه به غیر ارحام، در صورتی که آن مال باقی نباشد و مصرف کرده یا تلف شده باشد، اما اگر هنوز آن مال باقی است پس گرفتن آن اشکال ندارد.

۱. توضیح المسائل، م ۲۱۶۶.

۲. همان، م ۲۱۶۹.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الهبة، ص ۵۶.

۴. همان.

• هبه معوضه؛ یعنی بخششی که مشروط باشد به پرداخت چیزی یا انجام کاری در مقابل آن؛ مثلاً چیزی را به کسی می‌بخشد به شرط آن‌که او هم چیزی به او بدهد.^۱

• اگر بخشنده، پس از تحویل دادن چیزی که بخشیده، از دنیا برود، ورثه بخشنده نمی‌توانند آن را پس بگیرند و اگر کسی که چیزی به او بخشیده‌اند از دنیا برود، بخشنده، نمی‌تواند آن را از ورثه او مطالبه کند.^۲

□ ۳. در بحث هبه، زن و شوهر حکم ارحام را ندارند، ولی احتیاط آن است که اگر یکی از آنها چیزی به دیگری بخشید پس نگیرد.^۳

صدقه

صدقه عمل مستحبی است که در آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) تأکید بسیاری به آن شده و ثواب بی‌شماری برای آن بیان گشته است تا آنجا که فرموده‌اند: «صدقه، در دنیا مانع پیشامدهای ناگوار و مرگ‌های ناگهانی است و در آخرت گناهان بزرگ را می‌زداید و حسابرسی قیامت را آسان می‌کند».^۴

احکام صدقه

۱. انسان باید در پرداخت صدقه، قصد قربت داشته باشد؛ یعنی تنها برای رضای خدا بپردازد و از هرگونه ریا و خودنمایی دور باشد.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الهبة، ص ۵۸، م ۸ و ۱۱.

۲. همان، م ۸.

۳. همان. به فتوای برخی از فقها، زن و شوهر نیز در بحث هبه حکم ارحام را دارند.

۴. بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۲۴، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۸.

۵. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته القول فی الصدقة، ص ۹۰، م ۱.

۲. پس گرفتن صدقه جایز نیست.^۱
۳. صدقه برسید هم حلال است، گرچه زکات غیرسید برسید حرام است.^۲
۴. صدقه دادن به کافری که در حال جنگ با مسلمانان نباشد و به پیامبر ﷺ یا امام ﷺ دشنام نمی دهد، اشکال ندارد.^۳
۵. صدقه را بهتر است پنهانی بدهد، مگر آنکه بخواهد دیگران هم تشویق شوند، ولی زکات، بهتر است آشکارا داده شود.^۴

پرسش

۱. آیا پدر می تواند تمام یا نصف اموال خود را برای پس از مرگ خود به یکی از فرزندان صلح کند؟
۲. اگر دو نفر، دو کالای همجنس را که وزن یکی بیش از دیگری است به یکدیگر صلح کنند، چه حکمی دارد؟ چرا؟
۳. تفاوت صدقه با هبه چیست؟
۴. در چه صورت پس گرفتن هبه جایز است؟
۵. مردی همسر خود را طلاق می دهد، آیا می تواند زیورآلاتی که برایش خریده از او پس بگیرد؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخوانه القول فی الصدقه، مسأله ۲.

۲. همان، ص ۹۱، م ۳.

۳. همان، م ۵.

۴. همان، م ۶.



وقف

وقف، آن است که انسان، ملکیت خود را از مالی سلب کند و منفعت آن را در راه خدا و خیر قرار دهد.^۱

اقسام وقف

- وقف به اعتبار کسانی که مال برای آنها وقف می شود بدو نوع است:
- وقف عام: استفاده کنندگان از آن مال، فرد یا گروه خاصی نیستند؛ بلکه وقف بر جهت و مصلحت عامی است؛ چون وقف زمین برای مسجد.
 - وقف خاص: استفاده کننده از آن مال، فرد یا افراد خاصی می باشند؛ چون وقف چیزی برای امام جماعت مسجد یا دانشجویان یک مدرسه.^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخواته، ص ۶۲.

۲. همان، صص ۷۰، م ۳۴.

شرایط وقف

۱. شرایط واقف

۱. بالغ و عاقل باشد.
۲. با اختیار وقف کند و کسی او را مجبور نکرده باشد.
۳. ممنوع از تصرف در اموالش نباشد.

۲. شرایط مال موقوف

۱. ملک وقف کننده باشد.
۲. عین دارای منفعت حلال باشد.
۳. با استفاده از منافع آن، اصل مال باقی بماند.
۴. قابل تملیک و تحویل باشد

۳. شرایط موقوف علیه^۲

۱. معین باشد.
۲. اگر وقف خاص است، هنگام وقف موجود باشد.
۳. اگر وقف عام است، هنگام وقف امکان موجود شدن آنها باشد.

۴. سایر شرایط:

- صیغه وقف باید با الفاظی باشد که بیانگر اراده وقف است.
- وقف، دائمی باشد نه موقت.
- بنا بر احتیاط، منجز باشد و معلق و مشروط به شرطی نباشد.
- برای دیگران باشد نه برای خودش.^۱

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخوانه، م ۳۱.

۲. همان، ص ۶۲، ۶۴، ۶۵ و ۶۷، م ۱، ۱۵، ۲۲ و ۲۴.

احکام وقف

۱. کسی که زمین یا ساختمانی را وقف مسجد، پل، راه و مانند آن کند و در اختیار مردم بگذارد و مردم از آن استفاده کنند؛ مثلاً عده‌ای در آن مسجد نماز بخوانند یا از آن پل یا راه عبور کنند، کافی است و جزء اموال موقوف، به حساب می‌آید.^۱
۲. واقف باید مال وقف شده را به موقوف علیهم یا متولی وقف یا حاکم اسلامی تحویل دهد و اگر قبل از تحویل بمیرد، وقف باطل می‌شود و آن مال به وارث می‌رسد.^۲
۳. پس از آنکه مالی را وقف کرد واقف نمی‌تواند عنوان آن را تغییر دهد؛ مثلاً وقف برای حسینیّه را به وقف برای مسجد تغییر دهد.^۳
۴. واقف می‌تواند، خود یا شخص دیگری را هنگام اجرای صیغه وقف، متولی قرار دهد، یا حق برکناری متولی را برای خودش شرط کند.^۴

متولی وقف

۱. اگر واقف، متولی را مشخص کرده باشد، همان شخص متولی وقف است.
۲. □ اگر واقف، متولی را مشخص نکرده و وقف عام است، حاکم اسلامی یا نماینده او متولی وقف می‌باشد. و در وقف خاص نیز در اموری که به مصلحت وقف و مراعات حال نسل‌های بعدی است؛ مثل تعمیر و حفظ اصل آن، اختیار با حاکم اسلامی است. ولی نسبت به بهره‌ور کردن و اصلاحات جزئی که بهره‌دهی آن متوقف بر آنهاست، مثل حفر جوی و لایروبی آن و درو کردن محصول، تصمیم با موقوف علیهم است.^۵

۱. تخریر الوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخوانه، ص ۶۳، م ۳.

۲. همان، ص ۶۴، م ۸ و ۱۴.

۳. همان، ص ۷۴، م ۶۹.

۴. همان، ص ۸۲، م ۷۹.

۵. همان، ص ۸۴، م ۸۷. به فتوای برخی از فقها، در وقف خاص، متولی وقف، همان موقوف علیهم هستند.

فروش مال وقفی

- فروش مال وقفی، چه خاص باشد و چه عام، جایز نیست؛ مگر در این موارد:
- * به طوری خراب و غیر قابل استفاده شده که تعمیر آن ممکن نباشد.
 - * بر اثر خرابی، استفاده چندانی از آن نشود و با فروش آن بتوان مالی تهیه کرد که منافع قبلی آن مال را داشته باشد.
 - * واقف شرط کرده باشد که هنگام ضرورت و نیاز فروخته شود.^۱

استفتاء

- س ۱. زمینی در بیش از بیست سال قبل برای مسجد داده شده و با پول مردم مسجد ساخته شده؛ آیا صاحب قبلی زمین یا وارث او می‌تواند بگوید: من راضی نیستم کسی در این مسجد نماز بخواند یا خیر؟
- ج. بعد از ساختن مسجد و تحویل به نمازگزاران نمی‌تواند رجوع کند و رضایت او معتبر نیست.^۲
- س ۲. آیا جایز است لوازم مسجد از قبیل کولر، بلندگو و فرش جهت استفاده شخصی فاتحه و عروسی و یا استفاده پیش نماز مسجد از مسجد خارج شود؟
- ج. تابع کیفیت وقف است. اگر برای استفاده در مسجد وقف شده بیرون بردن از مسجد جایز نیست.^۳
- س ۳. ساختن مهدیه و حسینیه در قبرستانی که قسمتی از آن به حالت تعطیل درآمده چه صورتی دارد؟
- ج. قبرستان، اگر برای دفن اموات باشد، جایز نیست.^۴

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخوانه، ص ۷۹، م ۷۳.

۲. استفتاآت، ج ۲، ص ۳۳۹، س ۱۲.

۳. همان، ص ۳۴۴، س ۲۵.

۴. همان، ص ۳۵۸، س ۵۹.

برخی از نمونه های وقف و حکم هر يك^۱

ردیف	نمونه وقف	حکم
۱	مسلمان، چیزی را بر فقرای شهر وقف کند	به فقیران مسلمان می رسد.
۲	چیزی را بر فقرای قبیله وقف کند و در جاهای مختلف زندگی می کنند.	به همه آنها می رسد، نمی توان تنها به حاضرین آنها داد.
۳	وقف «فی سبیل الله» یا «کار خیر».	در هر کاری که ثواب داشته باشد خرج می شود.
۴	وقف بر ارحام و اقارب به طور مطلق.	به کسانی که عرف مردم آنها را از ارحام و اقارب بدانند می رسد.
۵	وقف بر اقوام و ارحام، با قید الأقرب فالأقرب.	مطابق طبقات تقسیم ارث عمل می شود.
۶	وقف بر اولاد، بدون قید.	به دختر و پسر می رسد و به طور مساوی تقسیم می شود.
۷	وقف بر علما.	به عالمان دینی می رسد.
۸	وقف بر مسجد، بدون قید و شرط.	صرف نور و فرش و خادم و تعمیر و سایر مخارج مسجد می شود.
۹	وقف بر سید الشهدا علیه السلام	صرف برپایی عزاداری آن حضرت می شود.

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الوقف و اخوانه، حصص ۷۱ تا ۷۴، م ۴۰ تا ۴۶ و ۵۳، ۵۶ و ۵۸. در برخی موارد مصرف وقف که در جدول آمده تفاوت فتوای جزئی وجود دارد.

پرسش

۱. وقف میوه‌های باغ صحیح است یا نه؟ چرا؟
۲. برای هر کدام از دو قسم وقف، سه مثال بزنید.
۳. آیا وقف باغ برای پس از مرگ خود صحیح است؟ چرا؟
۴. متولی وقف عام چه کسی است؟
۵. در بازسازی یک مسجد، جای حیاط با شبستان تغییر می‌کند؛ این مسأله چه حکمی دارد؟
۶. اگر چیزی را وقف امام رضا علیه السلام کند، چگونه باید صرف شود؟

وصیت

«كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ»
 «هرگاه یکی از شما را مرگ فرا رسد و مالی بر جای گذارد، مقرر شد که درباره پدر و مادر و خویشاوندان، از روی انصاف وصیت کند و این شایسته پرهیزگاران است»^۱

وصیت

وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کاری انجام دهند یا بگوید بعد از مرگش چیزی از اموال او برای کسی باشد یا برای فرزندان خود قیم (سرپرست) تعیین کند.^۲

چگونگی وصیت

- * با گفتار؛ یعنی وصیت خود را به زبان آورد.
- * با نوشته‌ای که مقصود وصیت کننده را برساند.

۱. بقره: ۱۸۰

۲. توضیح المسائل، م ۲۶۹۴.

* با اشاره‌ای که مقصود را بفهماند.^۱

کسی که انسان به او وصیت می‌کند «وصی» نام دارد. وصی باید مسلمان، عاقل، بالغ و مورد اطمینان باشد، بنابراین انسان نمی‌تواند فرزند غیر بالغ خود یا کسی را که به او اطمینان ندارد، وصی خود قرار دهد.^۲

متن وصیت‌نامه

آنچه باید در مورد آنها وصیت کرد، بدین شرح است:

۱. نماز و روزه‌های قضا شده (در صورتی که خودش نتواند آنها را بجا آورد) و چنانچه پسر بزرگ دارد که پس از مرگ بروی واجب می‌شود، باید به او اطلاع دهد.
۲. خمس، زکات و سایر بدهی‌ها (در صورتی که نمی‌تواند بپردازد) چنانچه از خودش مال دارد یا احتمال می‌دهد که کسی آنها را پرداخت می‌کند.
۳. اگر حج بر او واجب شده و نتواند آن را بجا آورد.
۴. اگر فرزندان او با نداشتن سرپرست، اموالشان از بین می‌رود یا خودشان ضایع می‌شوند، باید برای آنها قیمی امین قرار دهد.^۳

وصیت مالی

اگر انسان نسبت به اموال خود وصیت کند، یعنی مصرفی را برای آن تعیین کند، چنانچه بیش از یک سوم کل اموالش نباشد باید مطابق وصیت عمل کنند و اگر بیش از یک سوم اموال وی باشد، وصیت او در بیش از ثلث در صورتی صحیح است که ورثه

۱. توضیح المسائل، م ۲۶۹۵ و ۲۶۹۶.

۲. همان، م ۲۷۰۴.

۳. همان، م ۲۷۰۰ تا ۲۷۰۳.

او، حرفی بزنند یا کاری کنند که معلوم شود عملی شدن وصیت را اجازه داده‌اند و تنها راضی بودن آنها کافی نیست. اگر بعد از مردن او هم اجازه بدهند، صحیح است.^۱

احکام وصیت

۱. اگر انسان از وصیت خود برگردد؛ مثلاً بگوید ثلث مالش را به کسی بدهند بعد بگوید به او ندهند، وصیت باطل می‌شود.^۲

۲. اگر انسان وصیت خود را تغییر دهد باید به وصیت دوم عمل شود.^۳

۳. اگر انسان کاری کند که معلوم شود از وصیت خود برگشته؛ مثلاً خانه‌ای را وصیت کرده به کسی بدهند بفروشد، یا دیگری را برای فروش آن وکیل کند وصیت باطل می‌شود.^۴

۴. اگر وصیت کند که ثلث مال او را بفروشند و مایه آن را به مصرف برسانند، باید مطابق آن عمل کنند.^۵

۵. کسی را که انسان وصیت می‌کند، چیزی به او بدهند باید داشته باشد پس اگر وصیت کند به بچه‌ای که ممکن است فلان زن حامله شود چیزی بدهند باطل است، ولی اگر وصیت کند به بچه‌ای که در شکم مادر است چیزی بدهند، هر چند هنوز روح نداشته باشد وصیت صحیح است و اگر زنده به دنیا بیاید باید آن مال را به او بدهند و اگر مرده به دنیا آمد وصیت باطل می‌شود.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۲۷۲۱.

۲. همان، م ۲۷۰۶.

۳. همان.

۴. همان، م ۲۷۰۷.

۵. همان، م ۲۷۱۰.

۶. همان، م ۲۷۱۲.

وصی میت

وصی کسی است که از طرف شخصی برای انجام دادن برخی کارهای پس از مرگ وی مشخص شده است.^۱

شرایط وصی

۱- وصی انسان باید دارای شرایط زیر باشد:

- مسلمان باشد؛
- بالغ و عاقل باشد؛
- مورد اطمینان باشد.

۲. اگر میت چند نفر را وصی خود قرار داده باشد، چنانچه اجازه داده باشد هر کدام به تنهایی به وصیت عمل کنند لازم نیست در عمل به وصیت به یکدیگر اجازه بگیرند و اگر اجازه نداده باشد، باید با نظریکدیگر به وصیت عمل کنند.^۲

قیم

قیم کسی است که از طرف پدر یا جد پدری یا حاکم شرع به عنوان سرپرست و عهده دار امور کودک مشخص شده است.

شرایط قیم

قیم باید دارای شرایط زیر باشد:

- بالغ
- عاقل و رشید
- امانتدار و مورد اعتماد^۳

۱. تخریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۱، م ۱۹.

۲. توضیح المسائل، م ۲۷۱۳.

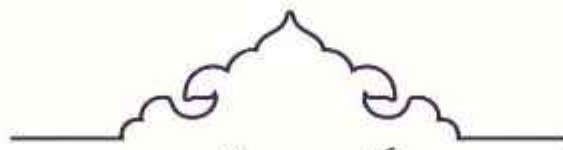
۳. استفتاءات، ج ۲، ص ۴۴۹، س ۸۹.

قیم در صورتی می‌تواند در اموال یتیم تصرف کند که تصرفش نه تنها مفسده نداشته باشد، بلکه دارای مصلحت نیز باشد.^۱

پرسش

۱. در وصیت نامه جوانی که هنوز ازدواج نکرده و چیزی جز تعدادی کتاب ندارد، چنین آمده است: «کتاب‌هایم را به کتابخانه دانشگاه بدهید»، پس از مرگ او تکلیف چیست؟
۲. در چه صورتی تعیین وصی لازم است؟
۳. وصی با قیم چه تفاوتی دارد و آیا ممکن است وصی میت، قیم فرزندان او هم باشد؟
۴. شرایط مشترک قیم و وصی کدام است؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۱، م ۱۹ و استفتاآت، ج ۲، ص ۴۴۹، س ۸۸ و ۸۹.



نذر، عهد، قسم

«يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا»
 «نیکان، به نذر وفا می‌کنند و از روزی که گزند آن فراگیر است
 می‌ترسند».^۱

نذر

نذر آن است که انسان ملتزم شود کار خیری را برای خدا به جا آورد یا کاری که انجام
 ندادنش بهتر است برای خدا ترک کند.^۲

۱. در نذر باید صیغه خوانده شود و لازم نیست انسان آن را به عربی بخواند؛ پس اگر
 بگوید: «چنانچه مریض من خوب شود برای خدا بر عهده من است که هزار تومان به
 فقیر بدهم» نذر او صحیح است.^۳

۲. نذرکننده باید مکلف باشد و با قصد و اختیار خود نذر کند، بنابراین، نذر کسی که
 او را مجبور کرده‌اند یا در حال عصبانیت بی اختیار نذر کند، صحیح نیست.^۴

۱. انسان: ۷

۲. توضیح المسائل، م ۲۶۴۰.

۳. همان، م ۲۶۴۱.

۴. همان، م ۲۶۴۲.

□ ۳. نذر زن بدون اجازه شوهر باطل است.^۱

۴. انسان کاری را می‌تواند نذر کند که انجام دادن آن برایش ممکن باشد، بنابراین کسی که مثلاً نمی‌تواند پیاده به حج برود، اگر نذر کند که پیاده برود، نذر او صحیح نیست.^۲

۵. انسان می‌تواند انجام دادن کارهای واجب یا مستحب و ترک کارهای حرام یا مکروه را نذر کند؛ و اما نذر کار مباح مثل غذا خوردن یا نخوردن را چنانچه با آن، قصد امر مطلوبی داشته باشد، مثل اینکه نذر می‌کند غذا بخورد تا برای عبادت خداوند نیرو پیدا کند یا کم بخورد تا شهوت خود را کنترل کند، اشکال ندارد ولی نذر کار خلاف یا کار مباحی که هیچگونه رجحانی ندارد صحیح نیست.^۳

۶. اگر انسان نذر کند کاری را انجام دهد، باید همان طور که نذر کرده عمل کند؛ پس اگر نذر کند روز اول ماه روزه بگیرد، چنانچه روز قبل یا بعد از آن به جا آورد، کفایت نمی‌کند.^۴

۷. اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد، نمی‌تواند آن را به فقیر دیگری بدهد و اگر آن فقیر بمیرد، بنابر احتیاط باید به ورثه او صدقه بدهد.^۵

۸. اگر نذر کند که به زیارت یکی از امامان علیهم‌السلام برود، چنانچه به زیارت امام دیگر برود، کافی نیست و چنانچه به سبب عذر نتواند آن امام را زیارت کند، چیزی بر او واجب نیست.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۲۶۴۴. به فتوای برخی از فقها، نذر زن اگر با حق شوهر منافات نداشته باشد نیاز به اجازه شوهر ندارد.

۲. توضیح المسائل، م ۲۶۴۷.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الایمان والنذور، ص ۱۱۸، م ۵.

۴. توضیح المسائل، م ۲۶۵۱.

۵. همان، م ۲۶۵۹.

۶. همان، م ۲۶۶۰.

۹. اگر برای حرم یکی از امامان (علیه السلام) یا امامزادگان چیزی نذر کند، باید آن را به مصارف حرم برساند، از قبیل فرش، پرده و روشنایی.^۱
۱۰. اگر برای خود امام (علیه السلام) یا امامزاده چیزی نذر کند، چنانچه مصرف معینی را قصد کرده، باید به همان مصرف برساند و اگر مصرف معینی را قصد نکرده، باید به فقیران و زائران بدهد یا مسجد و مانند آن بسازد و ثواب آن را به امام (علیه السلام) هدیه کند.^۲

استفتاء

- س. کسی که نذر کرده مبلغی در موردی نظیر اطعام و غیره صرف نماید، آیا می تواند این مبلغ را به یکی از حساب های ضروری تر، نظیر جبهه یا جنگ زدگان واریز نماید؟
- ج. اگر نذر با صیغه معتبر شرعی بوده، باید بر طبق نذر عمل شود و اگر صیغه نداشته، اختیار با خود شماست.^۳

کفاره تخلف نذر

- اگر انسان بدون عذر به نذر خود عمل نکند کفاره واجب می شود؛ یعنی باید:
- * یک برده آزاد کند.
 - * یا به شصت فقیر طعام دهد.
 - * یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد که حداقل ۳۱ روز آن باید پی در پی باشد.^۴

عهد

عهد، پیمانی است که به سبب آن مکلف خود را ملزم می کند برای خداکاری را انجام دهد.

۱. توضیح المسائل، م ۲۶۶۲.

۲. همان، م ۲۶۶۳.

۳. استفتاءات، ج ۲، ص ۴۶۴، س ۲۰.

۴. توضیح المسائل، م ۲۶۵۴. به فتوای برخی از فقها، کفاره تخلف نذر همان کفاره تخلف قسم است.

۱. در عهد. مانند نذر. نیت به تنهایی کافی نیست بلکه باید صیغه خوانده شود و صیغه آن «عاهدتُ الله» یا «علی عهد الله» است یا به فارسی بگویند: «با خدا عهد می‌بندم که فلان کار را انجام دهم».^۱
۲. عهد نیز مانند نذر ممکن است بدون شرط باشد یا با شرط و چنانچه مشروط باشد تا وقتی که شرط تحقق نیافته عمل به عهد واجب نیست، مثلاً اگر بگویند با خدا عهد بستیم که اگر از این بیماری شفا یافتیم سه روز روزه بگیریم، پس از شفا یافتن، روزه گرفتن بر او واجب می‌شود.^۲
۳. آنچه را که عهد می‌بندد لازم نیست طاعت خدا باشد، بلکه اگر مباح هم باشد اشکال ندارد ولی اگر عهد بندد که کار حرام یا مکروهی را انجام دهد یا کار واجب یا مستحبی را ترک کند، صحیح نیست.^۳
۴. اگر انسان به عهد خود عمل نکند کفاره بر او واجب می‌شود که همان کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان است.^۴

قسم

۱. اگر کسی به یکی از اسامی خداوند عالم که به غیر از ذات مقدس او گفته نمی‌شود؛ مانند «خدا» و «الله» قسم بخورد که کاری را که حرام یا مکروه نباشد انجام دهد یا کاری را که واجب یا مستحب نیست ترک کند؛ مثلاً بگویند بخورد که روزه بگیرد یا سیگار نکشد، واجب است به آن عمل کند.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی العهد، ص ۱۲۴.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. توضیح المسائل، م ۲۶۷۰ و ۲۶۷۱.

- ۲ - کسی که قسم می خورد باید این شرایط را داشته باشد:
- * بالغ و عاقل باشد.
 - * از روی قصد و اختیار قسم بخورد.
 - * اگر می خواهد نسبت به مال قسم بخورد، حاکم شرع او را از تصرف در اموالش ممنوع نکرده باشد.^۱
- ۳ - اگر عمداً به سوگند خود عمل نکند، باید کفاره بدهد و کفاره آن یکی از این سه چیز است:
- * آزاد کردن یک برده.
 - * طعام دادن به ده فقیر.
 - * پوشاندن ده فقیر؛ یعنی به هر کدام یک دست لباس دادن.
- اگر هیچکدام از اینها را نتواند انجام دهد، باید سه روز روزه بگیرد.^۲
- ۴ - کسی که قسم می خورد - چه از گذشته خبر دهد یا برای آینده باشد - اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان بزرگ است.^۳

کجه پرسش

۱. نذر مطلق و مشروط را با ذکر مثال توضیح دهید.
۲. کفاره تخلف نذر، همان کفاره است.
۳. شخصی گفته است: «خدا یا اگر در امتحان قبول شدم یک ماه روزه می گیرم» آیا پس از قبولی، یک ماه روزه بر او واجب است؟ چرا؟
۴. آیا قسم خوردن به قرآن، احکام قسم به الله را دارد؟
۵. تفاوت کفاره نذر و قسم چیست؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الایمان والنذور، ص ۱۱۳، م ۸.

۲. همان.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۱۶، م ۱۷؛ توضیح المسائل، م ۲۶۷۵.

بانک و بورس

بانک

امروزه می‌توان بانک را به عنوان یک مؤسسه فعال اقتصادی در تمام جهان نامید که برنامه و سیاست‌های پولی کشورها و درآمدها و معاملات مالی و ذخایر آنها به بانک پیوند خورده به طوری که جدا کردن آن از سیستم اقتصادی جهان شاید امری غیرممکن باشد. از آنجا که طراحان اصلی و مجریان و دست اندرکاران مؤسسات مالی جهانی از جمله بانک‌ها اغلب غیرمسلمان بوده‌اند، مقررات بانکی در جهان نیز خالی از اشکال نیست و بهره پولی یا به تعبیر دیگر ربا یکی از ارکان اصلی درآمدزایی برای بانک‌ها و همچنین سپرده‌گذاران در بانک‌ها بوده و هست اما در کشور ایران طبق قانون مجلس شورای اسلامی مصوب ۸ شهریور ۱۳۶۲ مقررات بانک بدون ربای جمهوری اسلامی ایران با اهداف ذیل تدوین شده است:

- ۱- استقرار نظام پولی و اعتباری براساس حق و عدالت و گردش پول برای رسیدن به اقتصاد سالم اسلامی و رشد آن.
 - ۲- تلاش در راه تحقق اهداف و سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی
 - ۳- ایجاد تسهیلات لازم برای توسعه دایره تعاونی‌ها و قرض الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه آزاد و پس اندازها و سپرده‌ها.
- در این درس به طور اجمال و کلی به بررسی عملکرد بانک‌ها می‌پردازیم.

قراردادهایی که بین بانک و افراد سپرده‌گذار یا وام‌گیرنده برقرار می‌شود و همچنین سایر فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها، اگر مطابق یکی از قراردادهای شرعی باشد، جایز است و اشکالی ندارد.^۱

سپرده‌گذاری در بانک

پولی که به بانک داده می‌شود، ممکن است یکی از عناوین زیر را داشته باشد:
الف. قرض بدون سود (قرض الحسنه): بدون اشکال است و بانک می‌تواند در آن پول تصرف کند اشکال ندارد.

ب. قرض به شرط سود: نه به عنوان شرکت یا مضاربه یا قراردادی دیگر: در این صورت هرچند اصل قرض صحیح است و بانک می‌تواند در آن پول تصرف کند، ولی قرارداد سود، باطل و پرداخت و دریافت آن حرام است و این همان «ربای قرضی» است.

ج. ودیعه و امانت: که در این صورت تصرف در آن پول باید با اجازه صاحب سپرده باشد و اگر بانک چیزی اضافه بر ودیعه به صاحب آن بپردازد (بدون شرط قبلی)، حلال است.

د. نه قرض و نه ودیعه یا امانت: بلکه به صورت سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و دراز مدت مطابق یکی از قراردادهای شرعی؛ مانند مضاربه، مزارعه، مساقات، اجاره، جعاله یا شرکت باشد و مطابق همین قراردادها نیز عمل شود: در این صورت سودی که به صاحب پول داده می‌شود، حلال است.

استفتاء

س - سودی که بانک‌ها به پس‌اندازها می‌دهند حلال است یا حرام؟ و اگر حرام است چرا دولت مردم را به گذاشتن پول در بانک‌ها تشویق می‌کند؟

ج - سپردن پول به بانک اشکال ندارد ولی بهره پول ربا و حرام است و گرفتن آن جایز نیست و اگر گرفته و از برگرداندن به صاحب واقعی آن مأیوس است از طرف او به فقرا صدقه بدهد.^۲

۱ - تحریر الوسیله، ج ۲، المسائل المستحدثة، ص ۶۴۶، م ۲؛ توضیح المسائل، م ۲۸۵۳.

۲ - استفتاءات، ج ۲، ص ۱۴۳.

وام بانکی

۱- آنچه مردم از بانک به عنوان وام (قرض الحسنه) دریافت می‌کنند چنانچه قرض بدون سود باشد، یعنی شرط پرداختن سود نشده باشد و بنای بر این هم نباشد، حلال است و قرض گیرنده‌ی می‌تواند در آن تصرف کند، مگر آنکه بداند پولی که دریافت کرده تمام یا مقداری از آن حرام است در این صورت تصرف در آن جایز نیست، ولی اگر بداند در بانک پول‌های حرامی هست و احتمال بدهد که شاید پولی را که گرفته از حرام باشد، اشکالی ندارد و تصرف در آن جایز است.^۱

۲- اگر برای وام قرض الحسنه سودی قرار داده باشند، چه آنکه هنگام گرفتن وام طرفین تصریح به آن بکنند یا قانون بانک این باشد که کسانی که از بانک قرض می‌گیرند سودی بدهد (هرچند شرط نشود) داد و ستد قرض براساس آن قانون صورت بگیرد، قرض صحیح است و آن سود حرام است.^۲

۳- اگر شخصی پولی را به بانک قرض داده باشد (حساب قرض الحسنه) بدون آنکه شرط سود گرفتن باشد یا بنابر پرداختن سود باشد و بانک خودش چیزی اضافه بدهد، گرفتن آن جایز است و همچنین اگر شخص وام گیرنده به بانک چیزی اضافه بر قرض (بدون شرط) بپردازد.^۳

کارمزد^۴

گرفتن کارمزد برای کارهایی که بانک انجام می‌دهد از قبیل اخذ اسناد و ثبت آنها و صدور دفترچه و اجاره ساختان و حقوق کارمندان و غیره، در صورتی که حبله‌ای

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، المسائل المستحدثة، ص ۶۴۶، م ۱ و توضیح المسائل، م ۲۸۵۳.

۲- همان، م ۴.

۳- همان، م ۵.

۴ کارمزد، کلمه‌ای مقلوب است و همان مزد کار است.

برای فرار از ربا و بهره پول نباشد، جایز است.^۱

استفتاء

س - وام هایی که از طرف صندوق داده می شود نوعاً صدی یک به عنوان کارمزد گرفته می شود، چنانچه صندوق در آمد دیگری داشته باشد، در این صورت کارمزد گرفتن چه صورت دارد؟

ج: اگر واقعاً حق الزحمه و کارمزد به مقدار متعارف می گیرند مانع ندارد، ولی مجرد تغییر اسم، بهره را حلال نمی کند.^۲

دریافت تسهیلات بانکی

پولی که بانک به افراد یا مؤسسات می پردازد، اگر قرض بدون سود یا مطابق یکی از قراردادهای شرعی باشد، مثلاً قرارداد مضاربه بین بانک و آن فرد یا مؤسسه باشد، اشکال ندارد.^۳

۴. اگر بانک برای نگهداری پول افراد یا سایر خدماتی که به آنها می دهد مزدی دریافت کند، مثلاً پولی را می گیرد و حواله می کند تا صاحب پول آن را از شعبه ای دیگر یا بانکی دیگر دریافت کند و در مقابل این خدمت مبلغی از وی می گیرد اشکال ندارد، هر چند مزد خود را از همان پول بردارد و فرقی نیست که بانک، پول را به عنوان قرض بگیرد یا به عنوانی دیگر.^۴

چک

۱- چک های بانکی مانند سایر اوراق تجاری مالیت ندارد، بلکه نشانگر مبلغ معینی در بانک است و خرید و فروش آن جایز نیست، آری چک تضمینی مانند

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، المسائل المستحدثة، م ۱۲.

۲- استفتاءات، ج ۲، ص ۱۴۳.

۳- تحریر الوسیله، ج ۲، المسائل المستحدثة، م ۳ و ۴ و توضیح المسائل، م ۲۸۵۴ تا ۲۸۵۷.

۴- همان.

اسکناس، از اوراق نقدی است و خرید و فروش آن صحیح است و کسی که آن را تلف کند ضامن است.^۱

۲- اگر طلبکار مبلغ چک مدت دار را به طور نقدی به قیمت کمتر به بدهکار بفروشد، اشکال ندارد؛ ولی فروش آن به شخص سوم به قیمت کمتر صحیح نیست.^۲

سفته

۱- سفته پول نیست و معامله بر خود آن واقع نمی شود و با دادن آن به طلبکار، ادای دین یا پرداخت قیمت کالا محسوب نمی شود، برخلاف پول که معامله بر خود آن واقع می شود.^۳

۲- کسی که سفته در اختیار دارد، اگر از دیگری پول قرض بگیرد و سفته بدهد که در وعده مقرر بیشتر از آنچه قرض گرفته بدهد ربا و حرام است؛ ولی اصل قرض صحیح است؛ یعنی قرض گیرنده می تواند در آن پول تصرف کند.^۴

پول

۱. معاوضه نقدی پول اشکال ندارد؛ مثلاً یکصد هزار تومان را با هزار دینار معاوضه کند و اضافه گرفتن در این فرض ربا محسوب نمی شود. اما اگر قرض بدهد و اضافه بگیرد ربا و حرام است.^۵

۲. خرید و فروش پول از یک نوع مثل آنکه ۱۰۰ هزار تومان را به ۱۰۵ هزار تومان بفروشد، چنانچه غرض عقلایی در آن باشد، مثلاً آنکه پول نو را به پول کهنه

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، المسائل المستحدثة، ص ۶۴۸، م ۱۱.

۲. استفتائات؛ ج ۲، ص ۱۷۵، س ۲۲۵. به فتوای برخی از فقها، اگر چک صوری نباشد و در قبال بدهی واقعی شخص بدهکار صادر شده باشد، واگذاری آن به کمتر از قیمت درج شده اشکال ندارد.

۳. توضیح المسائل، م ۲۸۴۰.

۴. همان، م ۲۸۴۱.

۵- توضیح المسائل، م ۲۸۴۵.

می‌فروشد، اشکال ندارد.^۱

بورس

گسترده شدن فعالیت اقتصادی بشر و دست یابی به فن آوری جدید تمام عرصه‌های زندگی وی را فرا گرفته و در بسیاری از موارد داد و ستدها از شکل سنتی و متداول قدیمی بیرون آمده و اشکال جدیدی به خود گرفته، که در حقیقت تبدیل موضوع یا پدید آمدن موضوع جدیدی است که با تطبیق احکام شرعی بر آنها وظیفه مکلفان روشن خواهد شد که در صورت مجاز بودن آنها می‌توانند اقدام کنند و سودی به دست آورند و در صورت عدم جواز باید از آن پرهیز کنند.

تعریف بورس

«بورس» واژه‌ای فرانسوی (برگرفته از یک نام یونانی است) و در اصطلاح به نوعی معامله گفته می‌شود که در آن اسناد، اوراق مالی، پول‌های کشورهای مختلف، فلزات، طلا و نقره و امثال آنها مبادله می‌شود، این واژه به طور معمول همراه با اضافه به کار می‌رود؛ مانند بورس اوراق بهادار، بورس فلزات، بورس جواهرات؛ و اگر به صورت مطلق استفاده شود، منظور بورس اوراق بهادار است.^۲

به طور کلی فعالیت در بورس و خرید سهام و تعیین سود سالانه برای آن بر طبق مصوبه مجلس شورای اسلامی که به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسیده انجام می‌گیرد محکوم به صحت و حلیت است.

۱. همان.

۲. ابرارهای مالی اسلامی، سید عباس موسویان، ص ۳۲، به نقل از نگرش اسلام به فعالیت‌های بازار بورس اوراق بهادار، غلامرضا سرآبادی.

اوراق قرضه

ورقه قرضه، ورقه بهادار قابل معامله است که معترف مبلغی وام با بهره می باشد که کلاً یا جزءاً در موعد یا مواعد تعیین شده باید توسط ناشر به دارنده اش مسترد گردد، ممکن است ورقه قرضه علاوه بر بهره، حقوق دیگری نیز به همراه داشته باشد.^۱

پرسش

۱. جوایزی که بانک ها به صاحبان حساب های قرض الحسنه می دهند، چه حکمی دارد؟
۲. سپرده گذاری در بانک در چه صورتی صحیح است؟
۳. دو نمونه از قراردادهای شرعی که بر اساس آن افراد می توانند تسهیلات دریافت کنند با ذکر مثال توضیح دهید.
۴. تفاوت فروش و مبادله اسکناس با فروش چک چیست؟
۵. فعالیت در بورس اوراق بهادار در چه صورتی می تواند بدون اشکال باشد؟
۶. کارمزد نادرست کدام است؟ توضیح دهید.

۱. ابزارهای مالی اسلامی، سید عباس موسویان، ص ۳۲، به نقل از نگرش اسلام به فعالیت های بازار بورس اوراق بهادار، غلامرضا سرآبادی، ص ۳۳.

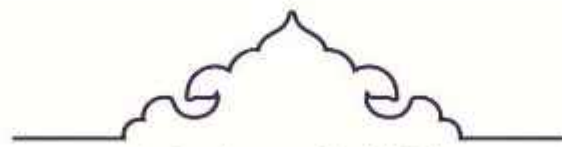


فصل هشتم:

روابط اجتماعی

- ارتباط با هم‌نوعان
- آداب زندگی

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

ارتباط با همنوعان (۱)^۱

ارتباط با همنوعان یکی از مظاهر وحدت امت اسلامی است، در آموزه های دینی، به ویژه احکام فقهی، دستور العمل های زیادی برای حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه و همچنین برطرف کردن اختلافات وارد شده است، که از جمله آن ها دستور ارتباط با سایر انسان ها به ویژه مؤمنان و خویشاوندان است که برای هر کدام نیز حقوق متقابلی را قائل است.

در یک دسته بندی مختصر می توان آن دستور العمل ها را به ترتیب اولویت اینگونه مرتب کرد.

۱. حفظ کانون خانواده و ارتباط با والدین، فرزندان و برادران و خواهران.

۲. ارتباط با ارحام و پرهیز از قطع ارتباط با آنان.

۳. مراعات حقوق همسایگان.

۴. مراعات حال اهل بلد و محل سکونت.

۱. برای طلاب پایه اول، می توان از تدریس این درس صرف نظر کرد و آن را به مطالعه شاگردان واگذار کرد.

۵. مراعات حقوق همکیشان. (اهل اسلام و ایمان)
 ۶. ارتباط صحیح و سالم با هموعیان (انسان ها، غیردشمنان)
- پس از این شش مرتبه و جدای از این گروه ها دشمنان قرار دارند که آنان نه تنها حقوقی ندارند بلکه به شدت باید مراقب توطئه ها و فتنه گری های آنان بود تا از ایداء و ستم آنان در امان بود و چنانچه به تحرکی علیه مسلمانان دست زنند به دفع و مقابله با آنان پرداخت.
- در این بخش به طور مختصر به بخشی از حقوق این افراد پرداخته می شود.

حقوق والدین

۱. حفظ احترام پدر و مادر واجب و هرگونه بی احترامی به آنان حرام است.
۲. یکی از گناهان کبیره عقوق والدین است، یعنی آزار رسانی و فراهم کردن اسباب ناخشنودی آنان.
۳. پدر و مادر و حتی جد و جدّه جزو افراد واجب النفقه هستند که در صورت نیاز و ناتوانی از تأمین هزینه زندگی، بر فرزند واجب است مخارج زندگی آنها را نیز تأمین کند.

استفتاء

- س ۱: اختیارات پدر و مادر تا چه اندازه است آیا می توانند حتی مانع افعال مستحب (مثل غسل مستحب) شوند یا نه؟
- ج: احترام والدین لازم است و کاری که موجب اذیت آنها می شود باید ترک شود، ولی در انجام تکالیف شرعی اطاعت والدین لازم نیست.^۱

۱. استفتائات؛ ج ۳، ص ۵۹۷، س ۸۷.

س ۲: اطاعت از پدر و مادر تا چه حد بر فرزند لازم است و آیا اجداد و جدّات هم حکم پدر و مادر را دارند؟

ج: در اموری که انجام [دادن] آن موجب ناراحتی آنها است از حیث شفقت پدر و مادری اطاعت شود و فرقی بین پدر و مادر و اجداد نیست.^۱

حقوق فرزندان

همانگونه که والدین بر فرزندان حقوقی دارند که مراعات آنها بر فرزندان لازم است، فرزندان نیز حقوقی دارند که والدین باید آنها را مراعات کنند که از نظر احکام شرعی، برخی مستحب است که در این بخش به تعدادی از حقوق واجب فرزندان بر والدین اشاره می‌شود.

۱ - شیر دادن به نوزاد بر مادر مستحب است اما در موارد ذیل واجب است:

۱. آغوز شیر (شیردهی در روزهای اول تولد نوزاد)

۲. زمانی که نگهداری نوزاد با غذای غیر از شیر مادر ممکن نباشد، یا غذای دیگر برایش زیان داشته باشد.

۳. زمانی که شیر دهنده‌ای غیر از مادر وجود نداشته باشد.^۲

۲ - فرزندان واجب النفقه پدر و مادر هستند و واجب است در صورتی که بتوانند هزینه زندگی فرزندان و نوه‌ها و نتیجه‌های خود و فرزندان آنها را که فقیر باشند و توانایی کسب و کار ندارند بدهند، خواه کوچک باشد یا بزرگ، مسلمان باشد یا غیر مسلمان.^۳

۳ - تنها هزینه زندگی فرزند و اولاد فرزند بر پدر و مادر واجب است ولی هزینه زندگی همسر فرزندان بر آنها واجب نیست.^۴

۱. ۱. استفتات؛ ج ۳، ص ۴۳۲، س ۸۵.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۱۲، م ۱۱.

۳. همان، ص ۳۱۹، م ۱.

۴. همان، ص ۳۲۱، م ۱۰.

۴ - بر ولی کودک واجب است او را از کارهایی که باعث زیان خودش یا زیان دیگران است و کارهایی که از نظر دین اسلام وجود آنها در جامعه ممنوع است مانند، زنا، لواط، غیبت و غنا جلوگیری کند.^۱

عقیقه

۱. عقیقه، گوسفند یا حیوان دیگری است که برای نوزاد ذبح می‌کنند.
۲. مستحب است عقیقه پسر، حیوان نرو عقیقه دختر، حیوان ماده باشد.
۳. مستحب است عقیقه را روز هفتم تولد کودک بدهند و اگر از روز هفتم تأخیر افتاد، همچنان مستحب است؛ حتی اگر فرزند بالغ شد و برایش عقیقه نداده باشند، مستحب است برای خودش عقیقه بدهد.
۴. حیوان‌های عقیقه، گوسفند یا گاو و یا شتر است؛ یعنی همان حیوان‌هایی که می‌توان در حج ذبح کرد و زکات به آنها تعلق می‌گیرد و کفار و محرمات احرام عمره و حج است.
۵. صدقه دادن پول حیوان به جای عقیقه هر چند مستحب است ولی عقیقه حساب نمی‌شود.
۶. مستحب است، پاچه و ران عقیقه را به «ماما» بدهند.^۲
۷. در عقیقه مخیرند بین این که گوشت خام یا پخته شده را تقسیم کنند یا بپزند و عده‌ای از مؤمنین - حداقل ده نفر - را دعوت کنند و به آنها غذا بدهند.^۳

۱. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۴۲.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فی استحباب العقیقه، ص ۳۱۱، م ۹.

۳. همان، م ۱۰.

حقوق همسر

۱. از جمله حقوق زن بر شوهر خود در ازدواج دائم، تأمین مخارج زندگی (نفقه) اوست.^۱
۲. مخارج زندگی مقدار معینی ندارد؛ بلکه بر شوهر واجب است آنچه را که همسرش در زندگی نیاز دارد - مانند خوراک، پوشاک، مسکن، لوازم منزل برای پخت و پز، خوردن، آشامیدن، نظافت، خوابیدن و استراحت کردن - تأمین کند.^۲
۳. در پرداخت نفقه، فقیر بودن و نیاز همسر شرط نیست، بنابراین زن بر شوهر حق نفقه دارد، هرچند خودش درآمدی داشته باشد و جزء بی‌نیازترین مردم باشد.^۳
۴. اگر شوهر مبلغی به صورت روزانه یا ماهانه برای مخارج مشترک زندگی در اختیار همسر می‌گذارد، او نمی‌تواند بدون اجازه و رضایت شوهر به دیگران هدیه یا صدقه دهد، ولی چنانچه مخارج خودش را به صورت وجه نقد می‌پردازد یا آن مبلغ را به او می‌بخشد یا برای مصرف به او اختیار کامل داده است، بخشش و صدقه و صرف در امور دیگر، نیاز به اجازه او ندارد.^۴

حقوق شوهر بر زن

۱. زنی که عقد دائمی شده، نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود، هرچند برای دیدن اقوام و خویشان و پدر و مادر باشد.^۵

۱. تحریر الوسیله؛ ج ۲، ص ۲۹۸، م ۱، کتاب النکاح، فصل فی النفقات.

۲. همان، ص ۲۹۹، م ۸.

۳. همان، ص ۳۰۲، م ۱۹.

۴. تحریر الوسیله؛ ج ۲، ص ۳۰۱، م ۱۰ و ۱۲.

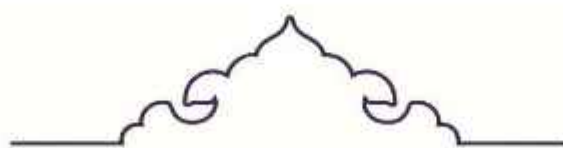
۵. توضیح المسائل؛ م ۲۴۱۲. به فتوای برخی از فقها، رضایت شوهر برای بیرون رفتن از منزل کافی است.

۲. اگر زن بدون اجازه همسرش به سفری برود که بر او واجب نباشد، سفر معصیت است و باید در آن سفر نماز را تمام بخواند، ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، هر چند بدون اجازه برود سفر معصیت نیست و باید نماز را شکسته بخواند.^۱ بجز آنچه که گفته شد، زن و شوهر حقوق دیگری نیز دارند که در کتب مفصل فقهی آمده است.

کج پرسش

۱. آیا اطاعت از پدر و مادر در کارهایی که معصیت خدا نباشد واجب است؟
۲. در چه صورتی بر مادر واجب است نوزاد خود را شیر بدهد؟
۳. آیا تامین هزینه تحصیل همسر بر شوهر واجب است؟
۴. آیا زن می‌تواند از پولی که شوهرش برای هزینه زندگی در اختیارش قرار می‌دهد به دیگران هبه کند؟
۵. ادامه تحصیل دختر پس از ازدواج چه حکمی دارد؟

۱. توضیح المسائل؛ پس از مسأله ۱۲۹۴.



ارتباط با همنوعان (۲)

ارتباط با ارحام

۱- ارتباط با اقوام نسبی (ارحام) مانند برادر و خواهر و عم و عمو لازم است و قطع ارتباط کامل با آنان حرام است.

۲- ارتباط با ارحام به معنای رفت و آمد به منزل آنان نیست، هرچند اگر بتوانند رفت و آمد کنند و مستلزم ارتکاب حرام مثل اختلاط محرم و نامحرم نباشد و مفسده‌ای بر آن مترتب نشود، بسیار پسندیده است، اما با ارتباط تلفنی و احوالپرسی هم، این ارتباط محقق می‌شود ولی قطع رابطه کامل به طوری که مانند بیگانگان باشند، جایز نیست.^۱

استفتاء

س ۱. آیا انسان می‌تواند از نظر شرعی با خویشاوندانی که بی‌تقوا و بی‌نماز و ضد انقلابند،

از قبیل پدر، مادر، خواهر و غیره قطع رحم نماید؟

ج: قطع رحم جایز نیست، ولی باید آنها را با مراعات موازین، امر به معروف و نهی از منکر نمایند.^۲

۱. استفتاءات، ج ۲، ص ۴۸۸.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۸۸، ص ۱۸.

محرم و نامحرم

محرم کسی است که در نگاه به او و نگاه او محدودیتی که برای نامحرم وجود دارد، نیست و ازدواج با او حرام است، به جز همسر که محرمیت او با ازدواج است و احکام خاص خود را دارد.

- | | |
|--|---------------|
| ۱. نسب (خویشاوندی پدری و مادری)؛
۲. سبب (خویشاوندی با ازدواج)؛
۳. رضاع (خویشاوندی با شیر خوردن). | اسباب محرمیت: |
|--|---------------|

محارم نسبی

هفت دسته از زن‌ها و مردها به سبب خویشاوندی نسبی با یکدیگر محرمند و نمی‌توانند با هم ازدواج کنند.

محارم پسرها و مردها

۱. مادر و مادر بزرگ، هرچه بالا رود؛
۲. دختر و دختر فرزند، هرچه پایین رود (نوه، نتیجه، نبیره و...)
۳. خواهر؛
۴. خواهرزاده (دختر خواهر)؛
۵. برادرزاده (دختر برادر)؛
۶. عمه (عمه خود و عمه پدر و مادر)؛
۷. خاله (خاله خود و خاله پدر و مادر).^۱

دو مسأله

- ۱ - عمه و عمه و عمه و عمه و خاله و خاله و خاله دایی در صورتی که عمه و خاله پدر یا مادر نباشند، محرم نیستند؛ مثل اینکه عمه انسان با پدر وی، فقط از طریق مادر منسوب باشد که در این صورت عمه و عمه، عمه پدر نیست.^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.

۲. همان.

۲ - به جز افراد مذکور و برخی افراد دیگر که به سبب شیر خوردن محرم می‌شوند،^۱ زن‌ها و دخترهای دیگر نامحرمند، حتی همسر برادر و خواهر همسر، اگرچه ازدواج با خواهر زن تا مدتی که خواهرش همسر است حرام است؛ یعنی ازدواج با دو خواهر جایز نیست، مگر اولی را طلاق بدهد یا از دنیا برود.^۲

محارم دخترها و زنان

۱. پدر و پدر بزرگ، هرچه بالا رود؛
۲. پسر و پسر فرزند، هرچه پایین رود (نوه، نتیجه، نبیره و...);
۳. برادر؛
۴. خواهرزاده (پسر خواهر)
۵. برادرزاده (پسر برادر)؛
۶. عمو (عموی خود و عموی پدر و مادر)؛
۷. دایی (دایی خود و دایی پدر و مادر).^۳

یاد آوری

عموی عمو و عموی عمه و دایی دایی و دایی خاله، اگر عمو و عمه و دایی و خاله پدر یا مادر انسان نباشند، محرم نیستند.

محارم سببی

• افرادی که به سبب ازدواج، برپسرها و مردها محرم می‌شوند، عبارتند از:

- ۱ - همسر؛
۲. مادر همسر و مادر بزرگ او؛
۳. دختر همسر، هر چند دختر خودش نباشد و نوه او.^۴

۱. در ادامه همین درس خواهد آمد.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۸۰، م ۱۵.

۳. همان، صص ۲۶۳ و ۲۶۴.

۴. دختر همسر در صورتی محرم می‌شود که با آن زن آمیزش کرده باشد و عقد به تنهایی سبب محرمیت نمی‌شود ولی برای محرمیت پسر شوهر بر همسر این شرط نیست.

۴. زن پدر (نامادری)؛

۵. زن پسر (عروس).^۱

• افرادی که با ازدواج بر دخترها وزن‌ها محرم می‌شوند، عبارتند از:

۱. شوهر؛

۲. پدر شوهر و پدر بزرگ‌های او؛

۳. پسر شوهر، هر چند فرزند خودش نباشد و نوه او؛

۴. شوهر مادر؛^۲

۵. شوهر دختر (داماد).^۳

به جز این افراد و برخی که به سبب شیر خوردن محرم می‌شوند، دیگر مردها نامحرمند، حتی شوهر خواهر و برادر شوهر.^۴ ولی چنان که گذشت ازدواج با شوهر خواهر حرام است؛ مگر وقتی که خواهر بمیرد یا از شوهرش طلاق بگیرد.

محارم رضاعی

اگر کودکی با شرایطی که خواهد آمد، از زنی شیر بخورد، موجب محرمیت برخی افراد می‌شود.

شرایط شیردانی که سبب محرمیت می‌شود:

*كودك، شیر زن زنده را بخورد؛

* شیر آن زن از حرام نباشد (شیر مادری که از زنا حامله شده سبب محرمیت

نمی‌شود)؛

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول فی المصاهرة، ص ۲۷۷، م ۱.

۲. به شرط آنکه آن زن و شوهر با هم آمیزش کرده باشند.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول فی المصاهرة، ص ۲۷۷، م ۱.

۴. همان، ص ۲۸۰، م ۱۵.

□ *کودک، شیر را از پستان بمکد (اگر بدوشند و به او بدهند سبب محرمیت نمی‌شود)؛
 *شیر خالص باشد (با چیزی مخلوط نکرده باشند)؛
 *دو سال بچه تمام نشده باشد (یعنی ۲۴ ماه قمری)؛
 *شیر، از یک شوهر باشد (زنی که از شیر خود کودکی را چند مرتبه شیر دهد، بعد شوهر دیگری اختیار کند و از آن شوهر نیز شیردار شود و شیر دادن را تکمیل کند، سبب محرمیت نمی‌شود)؛

*کودک، به سبب بیماری شیر را قی نکند؛

*حداقل یک شبانه روز شیر سیر بخورد و در بین آن، غذا یا شیر زن دیگری را نخورد یا پانزده مرتبه شیر بخورد و در بین پانزده مرتبه، شیر زن دیگری را نخورد. یا مقداری شیر بخورد که باعث رویش گوشت و محکم شدن استخوان کودک شود.^۱

اگر کودکی که شیر خورده، پسر باشد با این افراد محرم می‌شود:

۱. زنی که به او شیر داده؛

۲ - مادر و مادر بزرگ آن زن؛

۳ - خواهران آن زن؛

۴ - دختران و نوه‌های او؛

۵ - عمه و خاله او.

شوهر آن زن که از او شیردار شده نیز پدر رضاعی این کودک به حساب می‌آید. بنابراین، زنانی که با آن شوهر محرم هستند با این کودک محرم می‌شوند، مثلاً خواهر او عمه این کودک است.^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۶۵؛ توضیح المسائل، م ۲۴۷۴. به فتوای برخی از فقها، علاوه بر شرایط ذکر شده، شیر آن زن از ولادت باشد. بنابراین اگر بدون تولد فرزندی شیردار بشود و کودک از آن شیر بخورد، سبب محرمیت نمی‌شود. و همچنین اگر شیر را در گلوئی بچه بریزند احتیاط آن است که با آن زن و محارم او ازدواج نکنند.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول فی الرضاع، ص ۲۶۸، م ۷.

اگر کودکی که شیر خورده، دختر باشد، با این افراد محرم می‌شود:

۱ - شوهر زنی که کودک را شیر داده و شیر از اوست؛

۲ - پدر آن شوهر؛

۳ - پسر ها و نوه های او؛

۴ - برادران او؛

۵ - عم و دایی او؛

۶ - برادران زن شیرده؛

۷ - فرزندان و نوه های آن زن؛

۸ - پدر و پدر بزرگ های او؛

۹ - عم و دایی او.

زنی که به او شیر داده مادر رضاعی او به حساب می‌آید.

افرادی که گفته شد، فقط به کردگی که شیر خورده است محرم می‌شوند، نه با

خویشاوندان او، حتی به پدر و مادر و برادران و خواهران وی هم محرم نمی‌شوند.^۱

کجه پرسش

۱. در چه صورتی قطع ارتباط کامل با اقوام و خویشان واجب می‌شود؟

۲. آیا امکان دارد دو نفر نسبا و سببا با هم محرم باشند؟ چرا؟

۳. تمام افرادی که ممکن است به یک پسر محرم باشند چه کسانی هستند؟

۴. شخصی دو پسر و یک دختر شیر خوار دارد، دخترش از مادری که دارای دو دختر و یک پسر شیر خوار

است شیر می‌خورد، آیا برادران آن دختر با خواهران آن پسر و همچنین مادر او محرم هستند یا نه؟

۵. کدام یک از این افراد محرمند؟ مادر بزرگ همسر، خواهر زن، خاله و عمه همسر، زن برادر، زن پدر، مادر زن پدر.

ارتباط با هم‌نوعان (۳)

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئاً وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

و خداوند شما را از شکم مادرانتان، در حالی که چیزی نمی‌دانستید، بیرون آورد، و برای شما گوش و چشمان و دل‌ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید.^۱

ارتباط با نامحرم

ارتباط با نامحرم به یکی از شکل‌های زیر متصور است:

* ارتباط ذهنی

* ارتباط نوشتاری

* ارتباط گفتاری

* ارتباط دیداری

* تماس بدنی

ارتباط ذهنی با نامحرم

فکر کردن در مورد نامحرم و تخیل و تصور او و علاقه مند شدن به وی، چنانچه از روی لذت و شهوت باشد یا موجب تحریک شود حرام است. اما صرف تفکر و تخیل و به ذهن آوردن نامحرم اشکال ندارد و علاقه‌مندی نیز اگر به جهت علم، ایمان، شجاعت و امثال اینها باشد حرام نیست.

ارتباط نوشتاری و گفتاری

ارتباط نوشتاری و گفتاری با نامحرم چه از طریق تماس تلفنی یا پیامک و نامه یا اینترنت و فضای مجازی باشد یا گفت و گوی حضوری، چنانچه مطالبی که رد و بدل می‌شود:

* باطل و مبتذل باشد.

* تحریک کننده شهوت جنسی باشد.

* به قصد لذت و شهوت باشد.

* یا مفسده‌ای بر آن مترتب شود.

حرام است و در غیر این صورت، مثل سؤال علمی، یا گفت و گوی متعارف بین زن و مرد متدین، اشکال ندارد.

ارتباط دیداری

یکی از نعمت‌های الهی، قدرت بینایی است، انسان باید از این نعمت بزرگ در راه کمال و ترقی خود و هم‌نوعان استفاده کند و آن را از نگاه به نامحرمان بازدارد، ولی حفظ دیده از نگاه به دیگران و حفظ خود از نگاه نامحرمان، احکام خاصی دارد که در این بخش به برخی از آنها می‌پردازیم:

احکام نگاه کردن

۱. زن و شوهر به تمام بدن یکدیگر می‌توانند نگاه کنند، هرچند برای لذت بردن باشد.^۱

۲. به جز زن و شوهر، نگاه کردن به دیگران، حتی به غیرانسان مثل فیلم و عکس اگر برای لذت بردن باشد حرام است، خواه همجنس باشد مانند نگاه مرد به مرد دیگری یا غیر همجنس مانند نگاه مرد به زن، و خواه از محارم باشد یا غیر محارم و به هر جای بدن باشد همین حکم را دارد.^۲



۳. معالجه زن یا مرد نامحرم توسط جنس مخالف، در صورتی که پزشک همجنس نباشد و ناچار باشد او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد، ولی اگر با نگاه

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۴۳ م ۱۵ تا ۱۹.

۲. همان.

۳. طبق فتوای برخی از مراجع معظم تقلید، نگاه کردن زن به موی سر و گردن مرد نامحرم به مقداری که به طور متعارف نمی‌پوشانند، بدون قصد لذت اشکال ندارد.

۴. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، صص ۲۴۲، ۲۴۳، م ۱۵ تا ۱۹؛ استفتات، ج ۳، ص ۲۸۵، س ۱ و ۶؛ توضیح المسائل، م ۲۴۳۳. به فتوای برخی از فقها، مرد و زنی که با هم محرم هستند، حتی بدون قصد لذت نباید به بدن دیگری از ناف تا زانو نگاه کنند. و به فتوای برخی از فقها، بنا بر احتیاط، مرد نباید به صورت و دست زن نامحرم بدون قصد لذت نگاه کند.

اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید او را نگاه کند.^۱

۴ - نگاه کردن به زن غیر مسلمان، بدون قصد لذت اشکال ندارد و احتیاط آن است که به جاهایی از بدن که به طور متعارف نمی پوشانند اکتفا شود.^۲

□ ۵. مردی که تصمیم دارد با زنی ازدواج کند می تواند به او نگاه کند به شرط آنکه:

* با قصد لذت نگاه نکند و هدف او ازدواج باشد.

* احتمال توافق ازدواج را بدهد.

* زنی باشد که اکنون بتواند با او ازدواج کند؛ مثلاً شوهردار یا در عده نباشد.

* با نگاه کردن شناختش نسبت به وی افزوده شود.

با شرایطی که گذشت، مرد می تواند به تمام بدن زن مورد خواستگاری (به جز عورت) نگاه کند، اگرچه احتیاط مستحب آن است که تنها به صورت و دست ها و زیبایی های او اکتفا کند و همچنین مستحب است که از پشت لباس نازک نگاه کند.^۳

۶ - لمس بدن نامحرم حرام است حتی لمس دست و صورت، بدون قصد لذت.^۴

□ ۷. زن و مرد نامحرم نمی توانند به هم دست بدهند (مصافحه کنند) مگر از روی

لباس، که در آن صورت هم بنابر احتیاط واجب نباید دست یکدیگر را بفشارند.^۵

دو مسأله

۱. نگاه کردن به عکس نامحرمی که حجاب لازم را رعایت نکرده، در صورتی که

صاحب عکس را شناسد و مفسده ای نداشته باشد. مثلاً تحریک شهوت نکند.

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۴۳، م ۲۲؛ توضیح المسائل، م ۲۴۴۱.

۲. همان، ص ۲۴۴، م ۲۷.

۳. همان، ص ۲۴۵، م ۲۸. به فتوای برخی از فقها، از ناف تا زانوی او را نباید نگاه کند.

۴. همان، ص ۲۴۳، م ۲۰.

۵. همان. به فتوای برخی از فقها، در این فرض نیز جایز نیست.

اشکال ندارد.^۱

۲. نگاه به فیلم، حکم نگاه به شخص را ندارد و در صورتی که حجاب لازم را مراعات نکرده باشد و صاحب فیلم را نشناسد، نگاه به آن بدون قصد لذت، چنانچه مفسده‌ای نداشته باشد، مانع ندارد.^۲

احکام پوشش (حجاب)

□ ۱. بر زن واجب است تمام بدن خود را از نامحرم بپوشاند؛ ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود و دست‌ها تا مچ اگر آرایش و زیور نداشته باشد، واجب نیست.^۳

۲. انسان باید عورتین خود را از تمام افراد، به جز همسر بپوشاند.^۴

۳. بچه غیر ممیز از احکامی که در باب نگاه کردن و پوشش بیان شد، خارج است، ولی بنا بر احتیاط واجب زن باید بدن و موی خود را از پسری که بالغ نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است بپوشاند.^۵

شرایط پوشش

لباس که انسان برای پوشاندن خود از نگاه نامحرم به تن می‌کند باید شرایط ذیل را داشته باشد:

* به مقدار لازم بدن را بپوشاند.

۱. استفتائات، ج ۳، ص ۲۵۹، س ۶.

۲. همان.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۴۴، م ۲۳؛ استفتائات، ج ۳، ص ۲۵۶، س ۳۲ و ۳۳. به فتوای برخی از فقها، صورت و دست‌ها نیز بنا بر احتیاط واجب باید از نگاه نامحرم پوشانده شود.

۴. همان، م ۲۵.

۵. همان، م ۲۶.

* نازک و بدن نما نباشد.

* برجستگی های بدن را بپوشاند.

* لباس شهرت نباشد.

* لباس جنس مخالف نباشد.

* مروج فرهنگ ابتذال و دشمنان نباشد.

* لباس مردان، از حریر و زربفت نباشد.^۱

۱. پوشیدن لباس شهرت - چه برای مرد و چه برای زن - بنا بر احتیاط جایز نیست؛ و لباس شهرت، لباسی است که پوشیدن آن برای انسان به خاطر رنگ یا کیفیتِ دوخت یا مندرس بودن آن و علت های دیگر، مناسب نیست؛ به طوری که اگر آن را در برابر مردم بپوشد، توجّه آنان را به خود جلب نموده و انگشت نما می شود.^۲

۲. پوشیدن لباس مخصوص بانوان - مانند چادر - برای مردان و پوشیدن لباس مخصوص مردان - مانند کت و شلوار مردانه - برای بانوان، بنا بر احتیاط واجب حرام است.^۳

۳. پوشیدن لباس هایی که ترویج کننده فرهنگ غیر اسلامی دشمن است، اشکال دارد.^۴

۴. پوشیدن لباس ابریشم خالص و زینت کردن به طلا - مثل آویختن زنجیر طلا به سینه، انگشتر یا حلقه طلا به دست کردن - برای مردان حرام است.^۵

۱. رساله اجوبة الاستفتائات، صص ۳۰۴ و ۳۰۵.

۲. توضیح المسائل، م ۸۴۵؛ رساله اجوبة الاستفتائات، ص ۳۰۴.

۳. همان، م ۸۴۶.

۴. رساله اجوبة الاستفتائات، ص ۳۰۷، س ۱۳۷۷.

۵. توضیح المسائل، م ۸۳۲، شرط پنجم لباس نمازگزار.

حقوق همسایگان

مراعات حقوق همسایگان مورد تأکید و سفارش بسیار زیاد دین اسلام است، امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله آنقدر سفارش همسایه را می‌فرمود که تصور کردیم برای آنان سهمی از ارث قرار خواهد داد.^۱

استفتاء

س ۱: مالک زمینی می‌خواهد در محله مسکونی مغازه آهنگری بسازد، همسایه‌ها اعتراض کرده‌اند، ولی مالک توجه نمی‌کند، هرچند آنان حاضر هستند در مسافتی دورتر برای این کار زمینی به او بدهند اما او نمی‌پذیرد. لطفاً تکلیف شرعی را بیان فرمائید؟

ج: حق ندارند از ساختمان کردن مالک در ملک خودش جلوگیری کنند، ولی مالک باید از کاری که موجب اذیت یا ضرر همسایه باشد احتراز کند.^۲

س ۲: در شهر ما رانندگانی هستند که اغلب دارای ماشین‌های سنگین بوده و غالباً ماشین‌های خود را در جلو خانه‌های خویش پارک می‌کنند و هر موقع از شب دلشان بخواهد ماشین را روشن کرده و یا احیاناً مشغول شست و شوی آن می‌شوند و خیابان و کوچه را آلوده می‌کنند، آیا شرعاً عمل آنها مجاز است یا خیر؟

ج: مزاحمت عابرین و همسایگان نباید بکنند.^۳

س ۳: اگر درخت شخصی فضای ملک دیگری را اشغال نماید آیا صاحب ملک مجاز است همان مقدار از درخت همسایه را که به فضای ملک او وارد شده قطع نماید؟

ج: می‌تواند از صاحب درخت مطالبه رفع مزاحمت کند و اگر نکرد با مراجعه به محاکم صالحه، مقدار مزاحم را که داخل ملک او شده قطع نماید.^۴

س ۴: همسایه ما روی منزل خود دو طبقه دیگر ساخته است، اما به بهانه این که یک متر حیاط خلوت به طرف حیاط ما دارد، در هر دو طبقه پنجره گرفته است و شیشه‌های

۱. نهج البلاغه، نامه شماره ۴۷.

۲. رساله اجوبة الاستفتائات، ص ۵۹۹، س ۹۴.

۳. همان، ص ۶۰۰، س ۹۶.

۴. رساله اجوبة الاستفتائات، ص ۶۰۱، س ۹۸.

پنجره را ساده انداخته که کاملاً بر حیاط ما اشراف دارد و آرامش ما را سلب کرده، آیا این همسایه چنین حقی را دارد یا نه؟
ج: ساختمان در ملک خودش اشکال ندارد، ولی چنانچه ساده بودن شیشه‌ها موجب مزاحمت همسایه است باید طوری عمل کند که مزاحمت مرتفع شود.^۱

حقوق میهمان

دعوت از مؤمنان به میهمانی مستحب است و درآموزه‌های دینی برای میهمان حقوقی وارد شده که از جمله آنهاست:

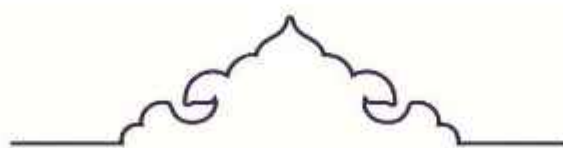
۱. اگر میهمان چند شب می‌ماند، مستحب است دو شب اول به خوبی از او پذیرایی کنند و در شب‌های بعد غذای او مانند اهل خانه است؛ یعنی هر چه برای اهل خانه مهیا می‌شود، بخورد و چیز اضافه‌ای برای او تهیه نکنند.
۲. ولیمه و میهمانی دادن در بازگشت از سفر حج، رفتن به خانه جدید و برای عروسی و عقیقه و ختنه فرزند، مستحب است.
۳. در میهمانی تنها از ثروتمندان دعوت کردن بدون آنکه از فقرا کسی دعوت شود، مکروه است.
۴. برای اهل شهر یا روستا مستحب است، کسی که به آن شهر یا روستا وارد می‌شود، تا وقتی که در آنجا است، از او پذیرایی کنند.
۵. مستحب است صاحب خانه برای میهمان غذا بیاورد و اگر غذا نخورد، آب یا نوشیدنی دیگر بیاورد.
۶. مستحب است میزبان غذای خوب برای میهمان بیاورد، ولی مکروه است خود را به زحمت بیندازد و بیش از توان خود چیزی تهیه کند، بلکه هر چه دارد، برایش بیاورد و از آنچه دارد، دریغ نکند.

۱. همان، ج ۲، ص ۵۸۲، س ۳۲.

۷. بر میزبان مستحب است برای آمدن میهمان او را کمک کند، ولی برای رفتن او را کمک نکند، مگر آنکه به کمک نیاز داشته باشد.
۸. بر میزبان مکروه است که آنچه را برای میهمان آورده، کم بشمارد و برای ناچیز بودن غذا عذرخواهی کند.

کلیه پرسش

۱. تماس تلفنی و ارسال پیامک به نامحرم چه حکمی دارد؟
۲. دیدن فیلم‌هایی که زنان بی حجاب یا بدحجاب در آن نقش ایفا می‌کنند، چه حکمی دارد؟
۳. از کدام یک از شرایط لباس، حفظ استقلال مسلمانان استفاده می‌شود؟
۴. لباس شهرت چه لباسی است و آیا مد جدید لباس می‌تواند مصداق لباس شهرت باشد؟
۵. قطع درخت همسایه که برگ‌هایش داخل حیاط می‌ریزد چه حکمی دارد؟
۶. در آداب میهمانی کدام یک از حقوق شهروندی استفاده می‌شود؟



آداب زندگی (۱)

احکام عملی اسلام، برنامه زیستن است که در قالب واجبات، محرمات، و آداب عرضه می‌شود. درس‌های پیشین با برخی از واجبات و محرمات آشنا شدید. آداب در اصطلاح «فقه» به مجموعه مستحبات و مکروهات گفته می‌شود که بسیاری از آنها در خلال درس‌های گذشته آمد و برخی هم در آینده خواهد آمد و برخی دیگر را که بیشتر در کتاب‌های «اخلاق» به آن پرداخته‌اند و دارای اهمیت ویژه‌ای است، در دو بخش «آداب شخصی» و «آداب اجتماعی» می‌آوریم.

آداب فردی

آداب لباس

۱. مستحب است لباس انسان همیشه پاک و تمیز باشد.
۲. مستحب است لباس، سفید و از جنس پنبه باشد.
۳. مستحب است هنگام پوشیدن لباس، ابتدا سمت راست آن را بپوشد.

۴. بر سر گذاشتن عمامه با تحت الحنك^۱، به ویژه در نماز، مستحب است.
۵. پوشیدن لباس سیاه مکروه است، مگر عمامه، عبا و چادر.
۶. پوشیدن لباس بلند، که از برآمدگی روی پا بگذرد، مکروه است.
۷. باز بودن تکمه های لباس مکروه است.

آداب انگشتی

۱. انگشتی را به دست راست کردن مستحب و به دست چپ کردن مکروه است.
۲. مستحب است انگشتی را به انگشت کوچک دست کند و اگر در انگشت دیگر انگشتی دارد، این انگشت را نیز از انگشتی خالی نگذارد.
۳. بهتر است انگشتی را به انگشت میانه و سبابه نکنند.
۴. بهتر است انگشتی سر انگشت دست نباشد.
۵. به دست کردن انگشتی عقیق مستحب است و نماز با آن ثواب بیشتر دارد و فرقی بین عقیق سرخ و زرد و سفید نیست.

آداب کفش

۱. پوشیدن کفش سفید یا زرد مستحب است.
۲. پوشیدن کفش سیاه مکروه است، مگر چکمه سیاه.
۳. پوشیدن کفشی که کف آن صاف است و پاشنه ندارد، مکروه است.
۴. هنگام پوشیدن کفش یا لباس و بیرون آوردن لباس، خواندن دعاهایی مستحب است که در کتاب های آداب و ادعیه آمده است.

۱. از آنجا که آداب زندگی، بیشتر در کتب اخلاقی آمده است و در کتاب های فقهی متداول کمتری به آن پرداخته اند آنچه در این درس و درس بعدی آمده، از کتاب های سراج الشیعه فی آداب الشریعه تألیف علامه بزرگوار شیخ عبدالله مامقانی و حلیه المتقین تألیف علامه پرنالاش محمد باقر مجلسی و چند کتاب دیگر نقل شده است.

آداب مسکن

۱. در ساخت و خرید منزل مسکونی، امور زیر مستحب است:

- زود به زود خانه را عوض نکنند، مگر آنکه در منزل اول راحت نباشند؛
- وسیع باشد، نه تنگ؛
- به قدر نیاز باشد، نه زیادتر از آن؛
- پشت بام آن حفاظی داشته باشد؛
- آن را به تصویر انسان یا حیوان نقاشی نکنند؛
- وقتی خانه‌ای ساختند یا خریدند، گوسفند چاقی ذبح کنند، غذا بپزند و یا گوشت آن را به فقرا بدهند.

۲. برخی از مستحبات خانه داری بدین شرح است:

- داخل منزل و جلو در آن را جارو و نظافت کنند؛
- خاکروبه و زباله را در خانه و پشت در نباشته نکنند؛
- خاکروبه و زباله را پیش از فرا رسیدن شب بیرون ببرند؛
- اتاق‌ها را از تار عنکبوت پاک کنند؛
- بیشتر از نیاز، چراغ روشن نکنند؛
- چراغ خانه را پیش از غروب و تاریک شدن هوا روشن کنند؛
- هنگام وارد شدن به اتاق، اگر کسی داخل اتاق است، بگویند: «السلام علیکم» و اگر کسی داخل اتاق نیست، بگویند: «السلام علینا من ربنا» یا بگویند: «السلام علی محمد بن عبدالله خاتم النبیین، السلام علی الائمة الهادین المهدیین، السلام علینا و علی عباد الله الصالحین».
- برای وارد شدن به منزل و بیرون رفتن از آن و روشن کردن چراغ منزل، دعاهایی نیز وارد شده است.

استراحت و خواب

برخی از مستحبات خوابیدن بدین شرح است:

۱. وضو گرفتن پیش از خواب
۲. خواندن دعاهایی که از معصومان علیهم السلام رسیده است و نیز خواندن تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام آیه الکرسی، سوره های توحید، فلق و کافرون.
۳. مسواک کردن دندان ها پیش از خواب.
۴. پیش از خواب، اعمال خود را محاسبه کند و خواب را مرگ انگارد.

آداب نظافت

دین اسلام برای نظافت انسان و محیط زندگی او اهمیت بسیار زیادی قائل است؛ به طوری که پاکیزگی را جزء ایمان می داند و برای آن، احکام و آداب خاصی دارد. در اینجا به برخی از مستحبات آن اشاره می کنیم:

- عطر زدن و خوشبو بودن؛
- مسواک کردن دندان ها که در اسلام تأکید زیادی بر آن شده است؛
- شانه زدن موهای سرو صورت؛
- کوتاه کردن ناخن ها؛
- زدودن موهای زاید بدن؛
- نگاه کردن به آینه و مرتب کردن سرو صورت خود؛
- یک روز در میان حمام رفتن، ولی هر روز حمام رفتن مکروه است؛

آداب دعا

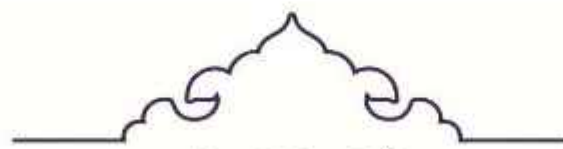
برخی از آداب دعا و حاجت خواستن از خداوند عبارت است از:

۱. هنگام دعا با طهارت باشد
۲. پیش از دعا، حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمت های خداوندی را یاد کند و شکر آن را به جا آورد.

۳. دعا را با نام خدا شروع کند.
۴. در ابتدا و انتهای دعا صلوات بفرستد
۵. ابتدا برای دیگران دعا کند، سپس برای خودش.
۶. با حضور قلب و خضوع و خشوع و اطمینان به استجاب، دعا کند.
۷. برای دعا، مؤمنان جمع شوند که اگر چهل نفر گرد هم آیند و چیزی از خداوند بخواهند، زودتر مستجاب می شود.
۸. در اوقات و اماکنی که دعا زودتر مستجاب می شود دعا کند؛ مانند وقت اذان، پس از نماز، در سجده، هنگام ظاهر شدن یکی از نشانه های قدرت الهی مثل خورشید گرفتگی یا ماه گرفتگی، هنگام بارش باران، هنگام درگیر شدن لشکر حق و باطل، در حال بیماری و درد، در وقت سحر و طلوع و غروب آفتاب، در مسجد، به ویژه مسجد الحرام، در عرفات، در کنار قبر اولیای الهی.

پرسش

۱. آداب لباس از جهت رنگ کدام است؟
۲. آداب مشترک کفش و لباس را نام ببرید؟
۳. آداب معماری منزل مسکونی کدام است؟
۴. خواندن کدام یک از سوره های قرآن، پیش از خواب مستحب است؟
۵. آداب محتوایی دعا را برشمارید.



آداب زندگی (۲)

آداب اجتماعی

بسیاری از احکام دین، مربوط به زندگی اجتماعی مسلمانان است. بخش عمده‌ای از این احکام شامل واجبات و محرمات است که در این کتاب آمده است. در این درس با برخی از آداب مستحب و مکروه اجتماعی، آشنا خواهید شد.

آداب معاشرت

۱. خوش اخلاقی و خوش رفتاری با دیگران، به ویژه با خانواده و اقوام و خویشان
۲. گرمی داشتن مؤمنان به ویژه سالمندان و صاحبان علم و فضیلت و شرف؛
۳. دوستی و مراوده و رفت آمد با دیگران؛
۴. معانقه و مصافحه با مؤمن و بوسیدن پیشانی وی؛^۱
۵. سلام کردن به مؤمن هنگام وارد شدن بروی؛

۱. مصافحه به معنای دست یکدیگر را گرفتن و دست دادن است و معانقه، یعنی گردن به گردن نهادن، یکدیگر را در آغوش گرفتن.

واضح است که مصافحه و معانقه با محرمان و همجنس مستحب است، نه با نامحرمان.

۶. خدا حافظی هنگام جدا شدن از مؤمن؛
 ۷. تبسم و خوش رویی با مؤمن، مگر تبسم بر روی نامحرم؛
 ۸. دعا و استغفار برای مؤمن؛
 ۹. کمک به مؤمن با دست و زبان و مال؛
 ۱۰. راهنمایی مؤمن در مواقع نیاز او؛
 ۱۱. عیادت کردن از بیماران؛
 ۱۲. شرکت در تشییع جنازه مؤمن و تسلیت گویی به بازماندگان؛
 ۱۳. هر چه برای خود دوست دارد، برای دیگران نیز دوست داشته باشد؛
- در معاشرت با دیگران سزاوار است از این امور پرهیز کند:
۱. برای احترام، دست بسته در مقابل دیگری ایستادن یا ایستادن در مقابل کسی که نشسته است؛
 ۲. بوسیدن زمین در مقابل دیگری برای احترام وی؛
 ۳. زیاد و بیش از حد سخن گفتن؛
 ۴. خنده بی جهت و قهقهه؛
 ۵. نجوا و درگوشی صحبت کردن با کسی در حضور دیگران.

آداب مُجالست

- برخی از آداب همنشینی (مجالست) با دیگران بدین شرح است:
۱. سزاوار است بیشتر با فقرا مجالست و همنشینی داشته باشد، نه با اغنیاء؛
 ۲. با کسانی که برایش نفع دینی دارد همنشینی داشته باشد؛
 ۳. وقتی وارد مجلسی می شود، هر جای مجلس که جا برای نشستن هست، بنشیند؛ یا در جایی که برای او آماده کرده اند یا هر جایی که با تواضع تناسب دارد، بنشیند؛

۴. اگر به خانه کسی وارد می‌شود، هر جا که صاحب خانه می‌گوید، بنشیند؛
۵. برای ورود سادات و ذریه پیامبر خدا ﷺ به احترام از جای خود برخیزد؛
۶. سزاوار است با افراد فاسق، دروغ‌گو، بخیل، احمق و کسی که با اقوام و خویشان خود قطع رابطه کرده است (قاطع رحم)، همنشینی نکند؛
۷. از نشستن بر سر کوچه و سر راه مردم پرهیز کند؛
۸. از رفتن به مجلس گناه و مجلسی که مورد اتهام قرار می‌گیرد، پرهیز کند.

آداب سفر و زیارت

هر چند آداب سفر را می‌توان جزء آداب شخصی شمرد، ولی از آنجا که هم اکنون بیشتر مسافرت‌ها دیگر جنبه شخصی ندارد و با فعالیت‌ها و روابط اجتماعی همراه شده و جنبه شغل برای کسب روزی در عرصه اجتماع پیدا کرده، به طور مختصر در اینجا برخی از آداب آن را می‌آوریم:

۱. بستگان و دوستان خود را از سفر با خبر و با آنان خدا حافظی کند؛
۲. وصیت کند، به ویژه در مورد کارهای واجب و امور مالی خود؛
۳. هنگام سفر صدقه بدهد و دعاهایی را که وارده شده، بخواند؛
۴. آنچه در سفر به آن نیاز دارد، همراه بردارد؛
۵. با یاد خدا و توکل بر او، با حمد و شکر الهی، سفر را آغاز کند؛
۶. خواندن سوره‌های حمد، توحید، قدر و آیه الکرسی مستحب است.

برای زیارت قبور اولیا الهی، مستحب است امور ذیل مراعات شود:

۱. برای رفتن به حرم، غسل کند؛
۲. پاکیزه‌ترین لباسها را بپوشد؛
۳. خود را خوشبو کند؛ مثلاً عطر بزند. البته برای رفتن به حرم امام حسین ﷺ خوشبو کردن خود مستحب نیست؛

۴. با طهارت و وضو به حرم برود؛
 ۵. هنگام رفتن به حرم گامها را کوتاه بردارد و با وقار و آرام حرکت کند و به ذکر الهی مشغول باشد؛
 ۶. هنگام ورود به حرم، ابتدا پای راست را داخل بگذارد؛
 ۷. اگر مزاحمت برای دیگران نیست، به ضریح نزدیک شود و ابتدا، گونه راست و پس از آن گونه چپ را بر ضریح بگذارد و دعا بخواند؛
 ۸. زیارت‌های مأثور را بخواند، مثل زیارت جامعه و امین الله؛
 ۹. هنگام خواندن زیارت روبه قبله بایستد؛
 ۱۰. پس از زیارت دو رکعت نماز زیارت بخواند؛
 ۱۱. پس از نماز زیارت برای خود و دیگران دعا کند، به ویژه برای ستمدیدگان و بر ضد ستمکاران؛
 ۱۲. از گناهان خود توبه و استغفار کند؛
 ۱۳. قرآن به ویژه سوره «قدر» را بخواند و آن را به صاحب مزار هدیه کند.
- سفر حج و زیارت بیت الله الحرام، آداب دیگر و بیشتری دارد که در کتب ادعیه و مناسک آمده است.

مجالس شادی و عزاداری

اسلام شاد بودن و شاد زیستن را مورد تأیید و تأکید قرار داده است؛ بلکه شاد کردن دیگران با کارهای مستحب مثل دستگیری از مستمندان یا فعل مباح امری است پسندیده و گاهی موجب اجر و ثواب می‌باشد اما انسان برای شاد بودن و شاد کردن دیگران مجاز به ارتکاب حرام نمی‌باشد.

برخی از کارهای حرام که در مجالس شادی صورت می‌گیرد عبارتند از:

- * مسخره کردن دیگران
- * دروغ‌گویی
- * لقب بد دادن به دیگران
- * غیبت از دیگران
- * آزار و اذیت دیگران از جمله همسایه‌ها
- * طعنه زدن به مؤمنان
- * سداً معبر
- * غنا و موسیقی

غنا و موسیقی

«غنا» فقط زیبا خواندن نیست، بلکه کشیدن صدا و بالا و پایین کردن آن است که با کیفیت خاصی که طرب آور و مناسب با مجالس لهو و محافل طرب و ابزار لهو و ادوات موسیقی باشد.^۱

۱. اشتغال به غنا و شنیدن آن و کسب درآمد از این راه حرام است.^۲
۲. غنای زنان آوازه خوان در عروسی‌ها استثنا شده است و احتیاط واجب آن است که به شب زفاف و مجلسی که پیش از آن تدارک شده اکتفا شود، نه هر مجلسی، بلکه احتیاط این است که مطلقاً و به طور کلی از آن اجتناب شود.^۳
۳. یاد گرفتن و یاد دادن غنا حرام است.^۴
۴. گوش دادن به صداهای مشکوک که غنا بودن آن معلوم نیست، اشکال ندارد.^۵

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۷۳، م ۱۳.

۲. همان.

۳. استفتائات، ج ۲، ص ۶۲۰، س ۱۸. برخی از فقها این مورد را نیز جایز نمی‌دانند.

۴. همان، ص ۱۲، س ۲۶.

۵. همان، س ۲۵ - ۲۹. به فتوای برخی از فقها در این مورد نیز باید احتیاط کرد و به چنین صداهایی گوش نداد.

استفتاء

س ۱. بعضی از سرودهای صدا و سیمای جمهوری اسلامی، آهنگ تندى دارد که انسان را از حالت طبیعى خارج می‌کند. شنیدن این نوع سرودها چه حکمی دارد؟ آیا شنیدن کلیه آهنگ‌هایی که از رادیو پخش می‌شود، مشروع است؟ حکم نواختن آهنگ چیست؟ آیا شخصی که مثلاً آهنگ‌های سرود شهید مطهری را به طور غم‌انگیز می‌نوازد نیز همین حکم را دارد؟

ج: موسیقی مطرب، حرام است و صداهاى مشکوک مانع ندارد.^۱

□ س ۲. موزیک نظامی و سرودهای رادیو و تلویزیون و همچنین سرودهایی که خانم‌ها در حضور مردها اجرا می‌کنند، شرعاً جایز است یا خیر؟

ج: اشکال ندارد، مگر آنکه محرز شود که موسیقی مُطرب است.^۲

س: منظور از موسیقی مُطرب و لَهوی چیست؟ و راه تشخیص موسیقی مطرب و لَهوی از غیر آن چیست؟

ج: موسیقی مطرب و لَهوی آن است که به سبب ویژگی‌هایی که دارد، انسان را از یاد خدای متعال و فضایل اخلاقی دور نموده به سمت بی بند و باری و گناه سوق دهد و مرجع تشخیص موضوع، عرف است.^۳

عزاداری

گریستن در عزای امام حسین و گریانیدن دیگران و برپایی مجالس سوگواری سالار شهیدان از جمله کارهای مستحب مؤکد و از افضل قُرَبات و دارای ثواب بسیاری است

۱. استفتائات، ج ۲، ص ۱۷، س ۴۰. با مراجعه به حاشیه مسأله قبل فتوای برخی از فقها در این مسأله و مسائل بعد روشن می‌شود.

۲. همان، ص ۱۸، س ۴۴. به فتوای برخی فقها موسیقی غیر مطرب نیز حرام است.

۳- اجوبة الاستفتائات، ص ۲۴۷.

ولی از آنجا که برخی افراد گاهی در عزاداری دچار افراط یا تفریط می‌شوند، توجه به چند شرط از شرایط عزاداری قابل توجه است:

- الف) آنچه خوانده می‌شود؛ مشتمل بر مطالب دروغ و باطل نباشد.
- ب) همراه با کار حرام؛ مثلاً موسیقی لهوی نباشد.
- ج) همراه با مطالبی که وهن مذهب یا تنقیص و تحقیر آن حضرت است نباشد.
- د) موجب اضرار به نفس (ضرر قابل توجه) نباشد.
- ه) سبب ترك واجب نباشد، که گاهی سبب ترك نماز یا قضا شدن آن می‌شود.^۱

استفتاء

س: نظر مبارك خود را در مورد خواندن دعاهاى كمیل، ندبه، سمات، زیارت عاشورا و جامعه، عزاداری حضرت امام حسین علیه السلام از قبیل روضه خوانی، سینه زنی و غیره مرقوم فرمایید تا رفع ابهام و شبهه از دسائس مغرضین شود و نیز شیعیان راستین اغفال نشوند؟

ج) خواندن ادعیه مأثوره و عزاداری برای حضرت سید الشهداء علیه السلام از افضل قُرَبات و آدم ساز است.^۲

س: لطفاً نظر خود را در مورد تعزیه‌ای که با شرایط ذیل خوانده می‌شود و مرسوم محل می‌باشد، مرقوم فرمائید تا به آن عمل شود؟

۱. از طبل و شیپور و سائر ادوات طرب انگیز هیچ گونه استفاده نمی‌شود.
۲. تعزیه را با صدای ساده که غنا به آن گفته نمی‌شود می‌خوانند.
۳. اجتماع مرد و زن به صورتی است که زنها و مردها جداگانه و با فاصله پنجاه متر از هم می‌نشینند.

۱- استفتائات، ج ۳، ص ۵۷۹. اجوبه الاستفتائات، صص ۲۲۲ و ۲۲۳.

۲- همان، ص ۵۸۲، س ۳۹.

۴. کسی که نسخه زنانه را می‌خواند فقط عبا به دوش دارد و يك دستمال سیاه به سر می‌پیچد.

۵. اشعار معمولی به زبان محلی (که در اغلب مجالس مرسوم است) خوانده می‌شود.

۶. مزاحم وقت نماز و روضه خوانی و مانع وعظ نیست و خواننده هم اهل محل است. (ج) با خصوصیات مذکوره اشکالی ندارد.^۱

س - در بعضی از هیئت‌های مذهبی، مصیبت‌هایی خوانده می‌شود که مستند به مقتل معتبری نیست و از هیچ عالم یا مرجعی هم شنیده نشده است و هنگامی که از خواننده مصیبت از منبع آن سؤال می‌شود، پاسخ می‌دهند که اهل بیت علیهم‌السلام اینگونه به ما فهمانده‌اند و یا ما را راهنمایی کرده‌اند و واقعه کربلا فقط در مقاتل نیست و منبع آن هم فقط به گفته‌های علما نمی‌باشد بلکه گاهی بعضی از امور برای مدّاح یا خطیب حسینی از راه الهام و مکاشفه مکشوف می‌شود، سؤال من این است که آیا نقل وقایع از این طریق صحیح است یا خیر؟ و در صورتی که صحیح نباشد، تکلیف شنوندگان چیست؟

(ج) نقل مطالب به صورت مزبور بدون اینکه مستند به روایتی باشد و یا در تاریخ ثابت شده باشد وجه شرعی ندارد مگر آنکه نقل آن به عنوان بیان حال به حسب برداشت متکلم بوده و علم به خلاف بودن آن نداشته باشد و تکلیف شنوندگان نهی از منکر است به شرطی که موضوع و شرایط آن نزد آنان ثابت شده باشد.^۲

استفاده از ابزار موسیقی در عزاداری

از آنجا که در برخی از هیئت‌های عزاداری از شیپور و طبل و سنج و دیگر وسائل موسیقی استفاده می‌شود، توجه به چند استفتاء لازم است:

۱- استفتائات، ج ۳، ص ۵۷۹، س ۳۲

۲- اجوبة الاستفتاءات، ص ۳۲۳، س ۱۴۴۶

س : استفاده از طبل و سنج و شیپور و همچنین زنجیرهایی که دارای تیغ هستند در مجالس و دسته های عزاداری چه حکمی دارد؟

ج (اگر استفاده از زنجیرهای مزبور موجب وهن مذهب در برابر مردم شود و یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد جایز نیست ولی استفاده از شیپور و طبل و سنج به نحو متعارف اشکال ندارد.^۱

س : استفاده از آلات موسیقی مانند ارگ (از آلات موسیقی و شبیه پیانو است) و سنج و غیر آنها در مراسم عزاداری چه حکمی دارد؟

ج (استفاده از آلات موسیقی، مناسب با عزاداری سالار شهیدان نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده برگزار شود.^۲

قمه زنی

از جمله اعمالی که در عصر حاضر سبب توهین دیگران به مذهب تشیع شده و سابقه تاریخی و توجیه عقلانی ندارد قمه زنی یا تیغ زنی است. این عمل در فتاوی بسیاری از فقها حرام شمرده شده که به برخی از آنها اشاره می شود:

س : قمه زنی و سینه زنی با بدن برهنه در انظار عمومی چه حکمی دارد؟

ج) در شرایط و اوضاع کنونی از قمه زدن خودداری شود و عزاداری و سینه زدن مانعی ندارد.^۳

س : آیا قمه زنی به طور مخفی حلال است یا اینکه فتوای شریف جناب عالی عمومیت دارد؟

ج) قمه زنی علاوه بر اینکه از نظر عرفی از مظاهر حزن و اندوه حساب نمی شود و سابقه ای در عصرنامه الکلی و زمان های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم علیه السلام در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می شود، بنابراین در هیچ حالتی جایز نیست.^۴

۱- اجوبة الاستفتاءات، ص ۳۲۳، س ۱۴۴۱.

۲- همان، س ۱۴۴۹.

۳- استفتائات، ج ۳، ص ۵۸۳، س ۴۲.

۴- اجوبة الاستفتاءات، ص ۳۲۶، س ۱۴۶۱.

س: آیا قمه زنی جایز است؟ چنانچه در این مورد نذری و جود داشته باشد، وظیفه چیست؟

ج: با توجه به گرایشی که نسبت به اسلام و تشیع بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اکثر نقاط جهان پیدا شده و ایران اسلامی به عنوان ام القری جهان اسلام شناخته می شود و اعمال و رفتار ملت ایران به عنوان الگو و بیانگر اسلام مطرح است، لازم است در رابطه با مسائل سوگواری و عزاداری سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) به گونه ای عمل شود که موجب گرایش بیشتر و علاقمندی شدیدتر به آن حضرت و هدف مقدس وی گردد، پیداست در این شرایط مسأله قمه زدن نه تنها چنین نقشی ندارد، بلکه به علت عدم قابلیت پذیرش و نداشتن هیچگونه توجیه قابل فهم مخالفین، نتیجه سوء برآن مترتب خواهد شد. لذا لازم است شیعیان علاقه مند به مکتب امام حسین (علیه السلام) از آن خودداری کنند و چنانچه در این مورد نذری وجود داشته باشد، نذر واجد شرایط صحت و انعقاد نیست.^۱

پرسش

۱. در چه مواردی خندیدن ناپسند است؟
۲. همنشینی با چه افرادی تأکید و سفارش شده است؟
۳. آدابی که شایسته است میزبان مراعات کند، کدام است؟
۴. در چه مواردی ولیمه مستحب است؟
۵. آداب زیارت، پیش از تشرف به حرم کدام است؟
۶. چه نوع خوانندگی و نوازندگی حرام است؟ توضیح دهید.
۷. عزاداری چه ویژگی هایی باید داشته باشد.

۱- جامع المسائل، آیت الله فاضل لنکرانی (رحمته الله)، ج ۱، ص ۶۲۲، س ۲۱۷۲.



فصل نهم:

خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

- خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها
- ذبح و شکار حیوانات

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه

خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم به‌خورید و اگر تنها خدا را می‌پرستید او را شکر کنید.^۱

برای حفظ جان انسان‌ها و سلامتی جسم و روح آنها و بقای نسل‌ها و احترام به حقوق دیگران، قوانین و مقرراتی در مورد خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در فقه اسلامی وجود دارد که به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:

میوه‌ها	۱- گیاهی	اقسام خوراکی
سبزیجات		
حبوبات		
چهارپایان	۲- حیوانی	
پرندگان		
آبزیان (دریایی)		
حشرات		
۳- صنعتی، که غالباً با تغییراتی		

احکام خوراکی‌ها

غذاهای گیاهی

تمام میوه‌ها و سبزیجات و حبوبات حلال است، مگر آنچه برای بدن ضرر^۱ داشته باشد.

غذاهای حیوانی

۱. حلال گوشت؛ مانند: گوسفند، گاو و شتر.

۲. مکروه؛ مانند: اسب، قاطر و الاغ.

۳. حرام گوشت؛ مانند: سگ و گربه.

۱. چهارپایان اهلی

چهارپایان

۱. حلال گوشت؛ مانند: آهو، بزکوهی و گورخر.

۲. حرام گوشت؛ مانند: گرگ و پلنگ.

۲. چهارپایان وحشی

چند مسأله

۱. تمام حیوان‌های درنده حرام گوشت هستند، هر چند از نظر قدرت درندگی ضعیف باشند؛ مانند روباه.^۲

۲. خوردن گوشت خرگوش حرام است.^۳

۳. تمام انواع حشرات به جز ملخ^۴، حرام‌اند.^۵

۱. البته، مقصود از ضرر، ضررهای جزئی غیر قابل اعتنا نیست.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمه و الاشریه، ص ۱۵۶، م ۵.

۳. همان.

۴. همان.

۵. در اصطلاح فقه، تمام خزندگان، مثل مار و مارمولک و حتی لاک‌پشت جزو حشرات به حساب می‌آید.

۶. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمه و الاشریه، ص ۱۵۶، م ۵؛ توضیح المسائل، م ۲۶۲۲.

۱. حلال؛ مانند مرغ، خروس، مرغابی، اردک، شترمرغ، کبوتر، فاخته، گنجشک، بلبل.
۲. حرام؛ مانند کلاغ، زاغ، خفاش، طاووس و هر پرنده‌ای که جنگال دارد.
۳. مکروه؛ مانند پرستو و هُدُهد.

الف) حلال یا حرام بودن
آنها تصریح شده

پرندگان

- ۱- حلال گوشت
(با وجود یکی از دو شرط)
 - ۲- حرام گوشت
- الف) داشتن
- ۱) بال زدن بیشتر در پرواز
 - ۲) چینه‌دان
 - ۳) سنگ‌دان
 - ۴) جنگک عقب پا
- ب) حلال یا حرام بودن
آنها تصریح نشده
- ۱) بال زدن کمتر در پرواز (در پرواز بالشان بیشتر ساکن است و گاهی حرکت می‌دهند)
 - ۲) نداشتن
- ۱) چینه‌دان
 - ۲) سنگ‌دان
 - ۳) جنگک عقب پا

دو مسأله

۱. داشتن یکی از نشانه‌ها برای پرندگان کافی است، پس اگر پرنده‌ای که معلوم نیست جزو کدام دسته است، یکی از این علامت‌ها را داشته باشد، مثلاً در پرواز بال زدنش زیاد است یا چینه‌دان دارد حلال گوشت است.^۱
۲. تخم پرندگان حلال گوشت، حلال و تخم پرندگان حرام گوشت، حرام است.^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمه والاشربه، صص ۱۵۶ و ۱۵۷، م ۶ و ۷ و ۸.

۲. همان، م ۸.

۳. همان، ص ۱۵۸، م ۱۲.

آبزیان

۱. از حیوان های دریایی، تنها ماهی پولک دار و پرندگانی که یکی از نشانه های پرنده حلال را داشته باشند، حلال گوشت است.^۱

۲. میگو، از جنس ماهیان پولک دار و حلال گوشت است.^۲

اجزای حرام حیوان های حلال گوشت^۳

- خون؛
- فضله (ادرار و مدفوع)؛
- بیچه دان؛
- غده، که آن را دُشُول می گویند؛
- بیضه، که آن را دُنبلان می گویند؛
- چیزی که در مغز کله است و به شکل نخود است؛
- مغز حرام که در میان مهره های کمر است؛
- پی که در دو طرف مهره های کمر است؛
- نری (آلت تناسلی حیوان مذکر)؛
- فرج (آلت تناسلی حیوان مؤنث)؛
- زهره دان؛
- طحال (سپترز)

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمه والاشربه، ص ۱۵۵، م ۲.

۲. همان، م ۳.

۳. ابونصر فراهی در کتاب نصاب الصبیان برخی از آنها را این گونه به شعر آورده است:
 غدد ذات اشجاع حلق و فرج و قضیت انثیان و دم و غلبا و نخاعست و طحال
 پس مثانه است و مراره است و مشیمه خرزه یاد گیر اینکه تورا باز رهاند ز وبال
 نقل از لغت نامه دهخدا، حرف ذ، کلمه ذات اشجاع

- مثانه (بول‌دان)؛

- خدقه چشم؛

چیزی که در میان سُم حیوان است و به آن ذات الاشاجع می‌گویند.^۱
این اجزا مخصوص شتر و حیوان‌هایی است که ذبح می‌شوند، لذا در ماهی و میگو و ملخ حرام نیست.^۲

غذاهای تولیدی کشورهای غیر اسلامی

غذاهای غیرگوشتی، که در کشورهای غیر اسلامی تولید شده است؛ اعم از سبزیجات، حبوبات، میوه‌ها و فرآورده‌های لبنی، مانند: پنیر، ماست، کره، خامه، که از حیوان حلال گوشت گرفته می‌شود، تخم پرندگان حلال گوشت، نان، بیسکویت، شکلات، آدامس، شیرینی و سایر خوردنی‌هایی که از گوشت حیوان نیست، پاک و خوردن آنها حلال است، مگر آنکه انسان یقین کند نجس شده است. بنابراین مسأله چند صورت دارد:

الف: می‌داند که با بدن کافر تماس نداشته و به نحو دیگری نیز نجس نشده است پاک و حلال است.

ب: نمی‌داند نجس شده است یا نه، پاک و حلال است.

ج: احتمال می‌دهد نجس شده باشد ولی یقین ندارد، پاک و حلال است.

د: می‌داند بر اثر تماس با بدن کافر یا به گونه‌ای دیگر نجس شده است، نجس و حرام است.^۳

۱. توضیح المسائل، م ۲۶۲۶.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمه و الاثربه، ص ۱۶۱، م ۲۸.

۳. استفتاءات، ج ۲، صص ۵۰۷، ۵۰۸ و ۵۰۹.

حرام خوری

۱. خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است و خوردن عین نجس به اطفال حرام است ولی خوردن غذا یا مَتَنَجَس به اطفال حرام نیست.^۱
۲. خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد حرام است، مثلاً خوردن غذای چرب برای مریضی که غذای چرب برایش ضرر دارد حرام است.^۲
۳. نوشیدن شراب و هر مایع مست‌کننده دیگر حرام است.^۳
۴. خوردن گِل حرام است.^۴
۵. خوردن کمی از تربت سیدالشهدا (علیه السلام) برای شفا یافتن از بیماری اشکال ندارد.^۵
۶. در موارد زیر خوردن و آشامیدن چیزهای حرام اشکال ندارد:
 - * حفظ جان متوقف بر حرام باشد؛ مثلاً در موقعیتی قرار گیرد که به جز غذای حرام چیز دیگری نیست و اگر نخورد از گرسنگی می‌میرد.
 - * مداوای مرضی که تحمل آن به طور معمول ممکن نیست، متوقف بر خوردن یا آشامیدن حرام باشد و به تشخیص پزشکان ماهر و مورد اطمینان، معالجه آن منحصر در استفاده از همان خوردنی یا نوشیدنی حرام باشد.
 - * او را به خوردن یا آشامیدن حرام وادار کنند، به گونه‌ای که اگر نخورد جان یا آبرویا مقدار قابل توجهی از اموالش به خطر می‌افتد، و همچنین اگر جان یا آبروی افراد محترمی در خطر باشد.

۱. توضیح المسائل، م ۱۴۱، به فتوای برخی از فقها، خوردن غذا یا مَتَنَجَس به کودکان نیز حرام است.

۲. همان، م ۲۶۳۰.

۳. همان، م ۱۱۱ و ۲۶۳۳.

۴. همان، ج ۲، کتاب الاطعمة والاشربة، ص ۱۵۷، م ۷.

۵. همان، م ۲۶۲۸.

* در مقام تقیه که خوف از جان و مال و آبرو داشته باشد، همان گونه که در فرض قبل گذشت.^۱

۷. در تمام مواردی که خوردن یا آشامیدن حرام، جایز می‌شود، باید به مقدار ضرورت اکتفا کند و بیشتر از آن جایز نیست.^۲

کسر پرسش

۱. کدام دسته از غذاهای گیاهی حرامند؟
۲. این حیوانات حلال گوشت هستند یا حرام گوشت؟
کلاغ و الاغ، مار و مورچه، گاو و گربه، موش و میش
۳. کدام یک از این پرندگان حرام گوشت نیستند؟
قُمری، زاغ، بلبل، پرستو، هُدُهد
۴. کدام دسته از آبزیان حلال گوشت هستند؟
۵. کدام دسته از غذاهای تولید کشورهای غیراسلامی حرامند؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الاطعمه و الاشربه، م ۳۰ تا ۳۴.

۲. همان.

ذبح و شکار حیوانات

شرایط ذبح

اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که بعداً گفته می‌شود، سر ببرند، چه وحشی باشد چه اهلی، بعد از جان دادن گوشت آن حلال و بدنش پاک است.^۱

شرایط ذبح حیوان

- کسی که سر حیوان را می‌برد، مسلمان باشد؛
- با آهن سر حیوان را ببرد، ولی در حال ناچاری با چیز تیز دیگری مانند شیشه و سنگ تیز هم مانع ندارد؛
- هنگام سربردن، قسمت جلوبدن حیوان روبه قبله باشد؛
- وقتی که می‌خواهد سر حیوان را ببرد، نام خدا را ببرد و همین قدر که بگوید: «بسم الله» کافی است؛
- حیوان بعد از سربردن حرکتی نکند تا معلوم شود زنده بوده است.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۲۵۸۳.

۲. همان، م ۲۵۹۴.

□ **مسئله:** ذبح حیوان با غیر آهن یا آنچه آهن بودن آن مشکوک است، صحیح نیست.^۱

دستور سربردن حیوان

دستور سربردن حیوان (به جز شتر) آن است که چهار رگ بزرگ گردن آن را از پایین برآمدگی زیر گلوبه طور کامل ببرند و اگر آنها را بشکافند کافی نیست.^۲

دستور کشتن (نحر) شتر

برای کشتن شتر، باید با پنج شرطی که برای سربردن حیوان گفته شد، کارد یا چیز دیگری را که از آهن و برنده باشد، در گودی بین گردن و سینه اش فرو کنند. پس اگر مانند گوسفند آن را سر ببرند، حرام و نجس است.^۳

شکار با اسلحه

اگر حیوان حلال گوشت وحشی را با سلاح شکار کنند، با پنج شرط، حلال و بدنش پاک است:

- سلاح شکار، مانند کارد و شمشیر برنده باشد، یا مثل نیزه و تیر، تیز باشد که بدن حیوان را پاره کند؛
- سلاح را برای شکار کردن به کار ببرد، پس اگر جایی را نشان کند و به طور اتفاقی حیوانی را بکشد، آن حیوان، پاک و حلال نیست؛
- در وقت به کار بردن سلاح، نام خدا را ببرد؛

۱. استفتائات، ج ۲، ص ۴۹۷، س ۱۰: مناسک حج، مسائل متفرقه هدی، س ۱۸: مناسک محشی، م ۱۰۹۴.

به نظر کارشناسان، استیل نوعی آهن فولاد ضد زنگ است و ذبح با آن به فتوای برخی از فقها مانع ندارد.

۲. همان، م ۲۵۹۱.

۳. توضیح المسائل، م ۲۵۹۵.

- وقتی به حیوان برسد که مرده باشد یا اگر زنده است، به مقدار سر بریدن آن وقت نباشد، ولی چنانچه به مقدار سر بریدن وقت باشد و سر حیوان را نبرد تا بمیرد، حرام است؛
- کسی که شکار می‌کند مسلمان باشد یا بچه مسلمانی باشد که خوب و بد را بفهمد.^۱

شکار با سگ شکاری

- اگر سگ شکاری، حیوان وحشی حلال گوشتی را شکار کند، پاک بودن و حلال بودن آن حیوان شش شرط دارد:
- آن سگ برای شکار تربیت شده باشد، به طوری که هر وقت آن را برای گرفتن شکار بفرستند، برود و هر وقت از رفتن جلوگیری کنند، بایستد.
 - صاحبش آن را برای شکار بفرستد و اگر از پیش خود حیوانی را شکار کند، خوردن آن حیوان حرام است.
 - کسی که سگ را برای شکار می‌فرستد، مسلمان باشد.
 - وقت فرستادن، نام خدا را ببرد.
 - شکار به سبب زخمی که از دندان سگ پیدا کرده بمیرد؛ پس اگر سگ، شکار را خفه کند، یا شکار از دویدن یا ترس بمیرد، حلال نیست.
 - کسی که سگ را فرستاده، وقتی برسد که حیوان مرده باشد یا اگر زنده است به اندازه سر بریدن آن وقت نباشد، ولی اگر وقت باشد و حیوان را سر نبرد تا بمیرد، حلال نیست.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۲۶۰۱.

۲. همان، م ۲۶۰۹.

صید ماهی

۱. اگر ماهی فلس دار را زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد، پاک و خوردن آن حلال است اما اگر در آب بمیرد، چون خون جهنده ندارد، پاک است ولی خوردن آن حرام است.^۱

۲. صیاد ماهی لازم نیست مسلمان باشد و در موقع گرفتن، نام خدا را ببرد؛ ولی مسلمانی که از آن ماهی استفاده می‌کند، باید بداند که آن را زنده گرفته‌اند و در خارج آب مرده است.^۲

۳. خوردن ماهی زنده، اشکال ندارد.^۳

آداب غذا خوردن^۴

مستحبات

۱. دست‌ها را پیش از غذا و پس از آن بشوید؛
۲. در اول غذا «بسم الله» و در پایان «الحمد لله» بگوید؛
۳. با دست راست غذا بخورد؛
۴. لقمه را کوچک بردارد؛
۵. غذا را خوب بجود؛
۶. میوه را پیش از خوردن، با آب بشوید؛
۷. اگر چند نفر سفره نشسته‌اند، هرکسی از غذای جلو خودش بخورد؛
۸. میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و پس از همه دست بکشد.^۵

۱. توضیح المسائل، م ۲۶۱۵. به فتوای برخی از فقها، اگر ماهی فلس دار در تور ماهیگیری هم بمیرد حلال است.

۲. همان، م ۲۶۱۷.

۳. همان، م ۲۶۱۹. به فتوای برخی از فقها، خوردن ماهی زنده بنا بر احتیاط جایز نیست.

۴. این بخش را می‌توان به مطالعه شاگردان واگذار کرد.

۵. توضیح المسائل، م ۲۶۳۶.

مکروهات

۱. در حال سیری غذا خوردن؛
۲. پرخوری؛
۳. نگاه کردن به صورت دیگران هنگام غذا خوردن؛
۴. خوردن غذای داغ؛
۵. قوت کردن به غذایی که می خورد؛
۶. پاره کردن نان با چاقو؛
۷. گذاشتن نان زیر ظرف غذا؛
۸. دور انداختن میوه، پیش از خوردن کامل.^۱

آداب آب نوشیدن

مستحبات:

۱. در روز، ایستاده آب بخورد؛
۲. پیش از آشامیدن آب «بِسْمِ اللَّهِ» و بعد از آن «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید؛
۳. به سه نفس آب بیاشامد؛
۴. پس از آشامیدن آب، حضرت امام حسین علیه السلام و خاندان و یاران او را یاد و قاتلانشان را لعن کند.^۲

۱. همان، م ۲۶۳۷.

۲. همان، م ۲۶۳۸.

مکروهات

۱. زیاد آشامیدن؛
۲. آشامیدن آب بعد از غذای چرب؛
۳. با دست چپ آب نوشیدن؛
۴. در شب، ایستاده آب نوشیدن.^۱

پرسش

۱. کدام دسته از مایعات حرام است؟
۲. این مسأله را با ذکر مثال توضیح دهید: «خوردن هر نجسی حرام است ولی هر حرامی نجس نیست».
۳. استفاده از نان، پنیر، شیر و تخم مرغ در رستوران‌های کشورهای غیر اسلامی چه حکمی دارد؟
- ۴ - موارد اشتراک آداب خوردن و آشامیدن کدام است؟
۵. کدام یک از شرایط ذبح حیوان و شکار با سلاح، مشترک است؟
۶. ماهیانی که در کشورهای غیر اسلامی صید می‌شود حلال است یا نه؟
۷. اگر ماهی را زنده از دریا یا رودخانه بگیرند و درون ظرف آبی بیندازند و در آن ظرف بمیرد حلال است یا نه؟

۱. توضیح المسائل، م ۲۶۳۹.

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه



فصل دهم:

نکاح و طلاق

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه

نکاح

﴿وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِيمَانِكُمْ إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

بی همسران خود و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید، اگر فقیرند، خداوند آنان را از فضل خودش بی نیاز خواهد کرد و خدا گشایشگر دانا است.^۱

ازدواج، سرآغاز فصل جدید در زندگی انسان است.

آدمی با ازدواج جایگاهی ویژه می یابد و نگرش انسان ها نسبت به او دگرگون می شود و عضو فعال و مؤثر جامعه به حساب می آید؛ او نیز مسئولیت خطیر و جدیدی را عهده دار می شود و با شناخت صحیح وظایف جدید می تواند بهار شیرین زندگی خود را شروع کند و در ادامه، آثار و برکات زیاد آن را ببیند.

اسلام، ازدواج را حافظ نصف دین می داند. در حقیقت، با پیوند زنشویی نیمی از دیانت کامل می شود و تکمیل نیمه دوم بر عهده خود انسان است که اگر راه صحیح دینداری را بشناسد و مطابق آن رفتار کند، بی شک به نیم دیگر کمال نیز دست خواهد یافت.

در اسلام تمام رفتارهای فردی و گروهی انسان‌ها و روابط خانوادگی و اجتماعی آنان بر اساس قانون الهی تنظیم می‌شود و این قانون‌مداری سبب حفظ کانون خانواده و پیوندهای درست اجتماعی و بهره‌مندی صحیح از محبت متقابل یکدیگر و ادامه زندگی سالم و شیرین خواهد بود.

لزوم ازدواج

کسی که به سبب نداشتن همسر به حرام می‌افتد؛ مثلاً به نامحرم نگاه می‌کند، واجب است ازدواج کند.^۱

عقد ازدواج

۱. در ازدواج باید صیغه مخصوص آن خوانده شود و فقط راضی بودن دختر و پسر و علاقه داشتن کافی نیست، بنابراین، خواستگاری تا زمانی که صیغه ازدواج خوانده نشده، سبب محرم شدن نیست و با سایر زنان نامحرم تفاوتی ندارد.^۲
۲. اگر یک حرف از عقد ازدواج غلط خوانده شود که معنای آن عوض شود، عقد باطل است.^۳

دستور خواندن عقد دائم

اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند و اول زن بگوید: زَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصِّدَاقِ الْمَغْلُومِ (یعنی خود را زن تو نمودم به مهری که معین شده)؛ پس از آن بدون فاصله، مرد بگوید: قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ (یعنی قبول کردم ازدواج را)، عقد صحیح است و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنها صیغه عقد را بخواند چنانچه مثلاً اسم مرد

۱. توضیح المسائل، م ۲۴۴۳.

۲. همان، م ۲۳۶۳.

۳. همان، م ۲۳۷۱.

احمد واسم زن فاطمه باشد و وکیل زن بگوید: زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ مُوَكَّلِكَ أَحْمَدَ عَلَى الصِّدَاقِ الْمَغْلُومِ، پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قَبِلْتُ لِمُوَكَّلِي أَحْمَدَ عَلَى الصِّدَاقِ صَحِيحٌ مِی باشد.^۱

دستور خواندن عقد غیر دائم

اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم را بخوانند، بعد از آنکه مدت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید:

زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ، بعد بدون فاصله مرد بگوید: قَبِلْتُ، صحیح است. و اگر دیگری را وکیل کنند و اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: مَتَّعْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلَكَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ، پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قَبِلْتُ لِمُوَكَّلِي هَكَذَا صَحِيحٌ مِی باشد.^۲

مهریه^۳

هر چه را که مسلمانان بتوانند مالک آن شوند، می توان مهریه قرار داد و آنها عبارتند از:

۱. عین؛ مانند، باغ پول نقد، طلا و نقره
۲. دین؛ مانند طلب، چک، سفته، برات؛ مثلاً مبلغی را که از کسی طلب دارد مهریه همسر قرار دهد یا چک و سفته به او بدهد.
۳. منفعت؛ مانند منافع خانه، باغ، حیوان، ماشین؛ مثلاً استفاده از باغ یا ماشین را مهریه او قرار دهد.

۱. توضیح المسائل، م ۲۳۶۸.

۲. همان، م ۲۳۶۹.

۳. مطالب این درس با استفاده از کتاب «رساله نوین»، جلد ۳، تألیف دانشمند گرانمایه دکتر بی آزار شیرازی، بالذکر تغییر و حذف و اضافه آورده شده است چون آن را در ترجمه استوار و در تنظیم زیبا یافتیم.

۴. کار مباح؛ مانند ساختن خانه، دامداری، مثلاً مدت معینی برای همسر کار کنند.
 ۵. آموزش؛ مانند آموختن قرآن، صنعت و حرفه؛ مثلاً مهریه همسرش آموزش قرآن به وی باشد.

۶. حقوق مالی؛ مانند حق سرقفلی یا تحجیر و نشان گذاری زمین؛ مثلاً سرقفلی مغازه یا حقی که به واسطه علامت گذاری نسبت به زمین بی صاحب پیدا کرده مهریه همسرش قرار دهد.^۱

مقدار مهریه

مهریه مقدار معینی ندارد؛ بلکه هر مقدار که مورد رضایت و توافق زن و مرد قرار گیرد خواه کم باشد یا زیاد، البته نه به آن اندازه که در اثر کمی از مالیت خارج باشد. مستحب است که بیشتر از مهرالسنه یعنی ۲۵۰۰ درهم نباشد.^۲

ازدواج حرام

در برخی موارد به عللی زن و مرد بر یکدیگر حرام می باشند و نمی توانند با هم ازدواج کنند. که در اینجا به برخی از آنها اشاره می شود:

محرمیت

یکی از موانع ازدواج محرمیت است؛ یعنی دختر و پسر یا زن و مردی که با هم محرم باشند، نمی توانند با یکدیگر ازدواج کنند و در این مسأله فرقی بین محارم نسبی و

۱. تحریر الوسیله؛ ج ۲، کتاب نکاح، ص ۲۹۷، م ۱.

۲. درهم و دینار در گذشته دو واحد پولی رایج و دارای وزن و قیمت معین بوده، اولی از نقره و دومی از طلا؛ ولی اکنون از رواج افتاده و سکه ها بر اساس وزن طلا و نقره آن ارزش گذاری می شوند و اکنون قیمت هر درهم (۲ / ۵ گرم) حدود ۱۵۰۰۰ تومان است. (تابستان ۱۳۹۳ هـ. ش)

۳. استفتاءات، ج ۱، ص ۱۸۱، س ۱۱.

سببی و رضاعی نیست. اسباب محرمیت و کسانى که به یکدیگر محرمند در بحث‌های گذشته، معین شد.

زنا و لواط

در موارد زیر، زنا و لواط موجب حرمت دائمی ازدواج می‌شود:

۱. زنا با زن شوهردار، موجب حرمت ابدی بر مردی که زنا کرده می‌شود^۱ یعنی اگر مردی با زن شوهردار زنا کند، سپس آن زن از شوهر خود طلاق بگیرد یا شوهرش بمیرد، نمی‌تواند با مرد زانی ازدواج کند.^۲

۲. زنا با زنی که طلاق رجعی گرفته است و در عده به سر می‌برد، سبب حرمت می‌شود.^۳

۳. زنا با زنی که در عده طلاق بائن یا وفات یا متعه است، سبب حرمت ازدواج با او نمی‌شود.^۴

۴. اگر با زن بی‌شوهری که در عده نیست زنا کند، سبب حرمت ازدواج با او نمی‌شود ولی احتیاط آن است که پیش از آنکه زن یک بار حائض شود، با آن زن ازدواج نکند.^۵

۵. ازدواج با مادر، خواهر یا دختر کسی که با وی لواط کرده، حرام است.^۶

۶. مادر و خواهر و دختر کسی که لواط کرده، برکس که لواط داده، حرام نمی‌شود.

۱. به فتوای برخی از فقها، موجب حرمت ابدی نمی‌شود.

۲. تحریر الوسیله؛ ج ۲، کتاب نکاح، ص ۲۸۱، م ۲۲.

۳. توضیح المسائل، م ۲۳۹۸.

۴. همان.

۵. همان، م ۲۳۹۹.

۶. همان، تحریر الوسیله؛ ج ۲، کتاب النکاح، ص ۲۸۱، م ۲۴. به فتوای برخی از فقها، چنانچه این عمل پیش از بلوغ صورت گرفته باشد، موجب حرمت ازدواج مادر و دختری نخواهد بود.

کفر

۱. ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان جایز نیست؛ چه به طور موقت چه دائم.^۱
۲. ازدواج موقت مرد مسلمان با زن های اهل کتاب (یهودی، مسیحی و زرتشتی) جایز است؛ اما ازدواج دائم جایز نیست.^۲

سه طلاق

اگر مردی زنش را سه مرتبه طلاق دهد و زن در بین آنها با مرد دیگری ازواج نکرده باشد و دوباره شوهرش به او رجوع کرده باشد، یعنی همسرش را طلاق می دهد و به او رجوع می کند و دو مرتبه او را طلاق می دهد و مجدداً به او رجوع می کند. بعد از آن برای بار سوم او را طلاق می دهد، دیگر نمی تواند با او ازدواج کند، مگر آنکه مرد دیگری، (با شرایطی که در بحث طلاق خواهد آمد) با وی ازدواج کند.^۳

ازدواج با خواهر زن

۱. ازدواج با خواهر زن تا مدتی که خواهرش همسر اوست، حرام است.^۴
۲. اگر همسر دائم خود را طلاق رجعی بدهد تا زمانی که عده اش تمام نشده، نمی تواند با خواهرش ازدواج کند.^۵
۳. اگر همسر دائم خود را طلاق بائن بدهد، احتیاط مستحب است تا زمانی که عده اش تمام نشده با خواهرش ازدواج نکند.^۶

۱. تحریر الوسیله؛ ج ۲، کتاب نکاح، ص ۲۸۵.

۲. همان. به فتوای برخی از فقها، صابین نیز اهل کتابند و به فتوای برخی دیگر، ازدواج دائم با زنان اهل کتاب باطل نیست، ولی مکروه است.

۳. تحریر الوسیله؛ ج ۲، کتاب نکاح، ص ۲۸۴، م ۱۲.

۴. همان، توضیح المسائل، م ۲۳۹۱.

۵. همان، م ۲۳۹۱.

۶. همان.

زوجیت (شوهر دار بودن)

اگر انسان بداند زنی شوهر دارد و با او ازدواج کند، باید از او جدا شود و بعداً هم نمی‌تواند او را برای خود عقد کند.^۱

درعده دیگری بودن

حکم ازدواج با زنی که درعده دیگری است:

الف - زن و مرد یا یکی از آنها بدانند عده تمام نشده و بدانند عقد کردن زن درعده حرام است: آن دو برهم حرام می‌شوند؛ هرچند آن مرد بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد.

ب - نمی‌دانستند زن درعده بوده و نمی‌دانستند که عقد کردن درعده حرام است:

۱. با او نزدیکی کرده باشد: آن دو برهم حرام می‌شوند.

۲. نزدیکی نکرده باشند: حرام ابدی نمی‌شود، اما عقد صحیح نیست. اگر تصمیم

به ازدواج داشته باشند، باید پس از عده، مجدداً صیغه نکاح را بخوانند.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۲۴۰۲.

۲. توضیح المسائل، م ۲۴۰۰ و ۲۴۰۱.

پرسش

۱. آیا مرد می‌تواند نصف خانه‌ای را که در آینده خریداری خواهد کرد به عنوان مهریه قرار دهد. چرا؟
۲. محرمیت و زوجیت هر دو از موانع ازدواجند، تفاوت این دو چیست؟
۳. در چه صورتی زنای با زن موجب حرمت ازدواج با او نمی‌شود؟
۴. در چه صورتی ازدواج با خواهر زن جایز است؟
۵. در چه صورتی ازدواج با زنی که در عده به سر می‌برد، موجب حرمت ابدی می‌شود؟

طلاق

تعریف طلاق

طلاق در لغت به معنای آزاد کردن و در اصطلاح فقهی به معنای جدایی زن و شوهر از یکدیگر، با شرایط آن می باشد.

اسلام برای ازدواج، برقراری بنیان خانواده و دوام آن اهمیت بسیار زیادی قائل شده است و برای جلوگیری از طلاق های بی مورد، سفارش های بسیاری درباره دقت در انتخاب همسر در آغاز و خوشرفتاری زن و شوهر در طول زندگی کرده است. بعد از آن مراحل، اگر بر اثر برخی موانع و مشکلات، چاره ای جز اجرای طلاق نبود، شرایط سنگینی قرار داده است، تا حتی المقدور، طلاق کمتر واقع شود و کانون گرم خانواده، با اندک کدورت و ناراحتی به هم نخورد.

اختیار طلاق

اختیار طلاق با شوهر است، ولی می تواند به شخص دیگری، حتی همسر خود برای ط وکالت دهد؛ مثلاً بگوید: اگر مخارج تو را تأمین نکردم یا به مسافرت طولانی بیش از یک سال رفتم از طرف من وکیل هستی که خودت را مطلقه کنی.^۱

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الطلاق، القول فی الصیغه، ص ۳۳۰، م ۵.

شرایط طلاق

۱. مردی که زن خود را طلاق می دهد باید:

* عاقل و بنابر احتیاط واجب بالغ باشد؛

* به اختیار خود طلاق دهد و او را بر طلاق مجبور نکرده باشند؛

* قصد طلاق داشته باشد و به شوخی صیغه طلاق را نگوید؛

۲. زن، در وقت طلاق باید:

* از حیض و نفاس پاک باشد؛^۱

* شوهرش در مدتی که از آخرین خون (حیض یا نفاس) پاک شده یا در مدت

حیض یا نفاس که پیش از این پاک بود با او آمیزش نکرده باشد؛

* همسر دائمی شوهرش باشد؛^۲

مسأله

در ازدواج موقت طلاق نیست و جدا شدن زن و شوهر به تمام شدن مدت عقد است یا اینکه مرد مدت را به او ببخشد، به این ترتیب که بگوید: مدت را به تو بخشیدم و شاهد گرفتن و پاک بودن از حیض لازم نیست.^۳

۳. صیغه طلاق باید:

* به عربی صحیح خوانده شود؛

* هنگام اجرای آن، دو مرد عادل حاضر باشند و صیغه طلاق را بشنوند؛

۱. طلاق در برخی موارد استثنایی، در حال حیض یا نفاس نیز صحیح می باشد که در کتاب های مفصل فقهی آمده است.

۲. توضیح المسائل، م ۲۴۹۸ و ۲۴۹۹ و ۲۵۰۸؛ تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الطلاق، ص ۳۲۵، م ۱ و ص ۳۳۱، م ۱۰.

۳. همان، القول فی النکاح المنقطع، ص ۲۹۱، م ۱۴.

اقسام طلاق

طلاق بر دو نوع است: رجعی و بائن.

طلاق رجعی، آن است که بعد از طلاق تا مدت معینی که زن در عده است مرد می‌تواند به اورجوع کند؛ یعنی بدون خواندن عقد مجدد می‌تواند او را به همسری قبول کند.

طلاق بائن، آن است که بعد از طلاق، مرد حق ندارد بدون خواندن عقد نکاح جدید به اورجوع کند.

در شش صورت اگر زنی را طلاق دهند، بائن است:

۱. زنی که نه سالش تمام نشده باشد.
۲. زنی که یائسه باشد.
۳. زنی که شوهرش بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد.
۴. زنی که او را سه مرتبه طلاق داده باشند.
۵. زنی که به ادامه زندگی با شوهر مایل نیست و با بخشیدن مهر خود یا مال دیگر به شوهرش از اوتقاضای طلاق می‌کند که به این، طلاق «خلع» گفته می‌شود.
۶. زنی که به سبب بی‌میلی هر دو طرف به ادامه همسری، طلاق داده می‌شود و زن، مالی به مرد بدهد که او را طلاق بدهد، به این طلاق «مُبارات» گفته می‌شود.^۱

عده طلاق

«عده» مدت زمانی است که زن، پس از جدایی از همسر خود، نمی‌تواند شوهر کند.

زنی که طلاق داده شده اگر دارای شرایطی باشد که خواهد آمد، نگه داشتن عده بر او واجب است:

۱. توضیح المسائل، م ۲۵۲۲، ۲۵۲۸، و ۲۵۳۱.

- نه سالش تمام شده باشد؛
- یائسه نباشد؛
- شوهرش با او آمیزش کرده باشد.^۱

مدت عده طلاق

الف: زن باردار تا به دنیا آمدن یا سقط شدن کودک باید صبر کند؛ پس اگر یک ساعت پس از طلاق، بچه به دنیا بیاید، عده تمام می شود.

ب: اگر باردار نیست ولی حیض می بیند تا ابتدای حیض سوم باید عده نگه دارد، یعنی پس از آنکه دوبار حیض دید و پاک شد، همین که حیض سوم را ببیند، عده او تمام می شود.

ج: اگر نه حامله است و نه یائسه ولی خون حیض نمی بیند، باید تا سه ماه صبر کند.^۲

عده وفات

چون عده طلاق به تناسب بحث مطرح شد، بجاست عده زنی که شوهرش از دنیا رفته نیز در اینجا آورده شود.

مدت عده وفات

الف: اگر زن آبستن نیست، چهار ماه و ده روز.

ب: اگر زن آبستن است تا موقع زاییدن، ولی اگر وضع حمل، قبل از چهار ماه و ده روز اتفاق افتاد، باید تا چهار ماه و ده روز پس از وفات شوهر صبر کند.^۳

۱. توضیح المسائل، م ۲۵۱۱.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الطلاق، فصل فی عده الفراق، ص ۳۳۵، م ۴ و ۵، توضیح المسائل، م ۲۵۱۰ تا ۲۵۱۲ و ۲۵۱۴.

۳. توضیح المسائل، م ۲۵۱۷.

چند مسأله

۱. زنی که در عده وفات است این کارها براو حرام است:
 * ازدواج (چه دائم و چه موقت)؛
 * پوشیدن لباس های رنگارنگ؛
 * سرمه کشیدن و هرکاری که زینت حساب شود.^۱
۲. ابتدای عده وفات از موقعی است که زن از مرگ شوهر خود مطلع می شود.^۲
۳. زنی که شوهرش گم شده، اگر بخواهد به دیگری شوهر کند، باید نزد مجتهد عادل برود و به دستور او عمل کند.^۳
۴. در عده وفات تفاوتی بین زن یائسه و غیر یائسه و همسر دائم و موقت نیست و تمام اینها باید پس از مرگ شوهر تا مدتی که گفته شد عده نگه دارند.^۴
۵. زن یائسه و زنی که شوهرش با او نزدیکی نکرده، عده ندارند، مگر عده وفات.^۵

عده انقضای عقد موقت

عده زنی که مدت ازدواج موقت او به پایان رسیده یا شوهرش بقیه مدت را بخشیده به این شرح است:

- الف: باردار نیست
- حائض می شود؛ باید دوبار حائض شود و پس از پاک شدن از حیض دوم عده اش تمام می شود.
 - حائض نمی شود و یائسه هم نیست؛ باید چهل و پنج روز عده نگه دارد.

۱. توضیح المسائل، م ۲۵۱۸.

۲. همان، م ۲۵۴۰.

۳. همان، م ۲۵۲۰.

۴. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الطلاق، القول فی عده الفراق، ص ۳۳۸، م ۱.

۵. همان، ص ۳۳۵، م ۱.

۶. همان، القول فی النکاح المنقطع، ص ۲۹۱، م ۱۶ و فصل فی عده الفراق، ص ۳۳۷، م ۱۴.

ب: باردار است؛ پس از به دنیا آمدن یا سقط شدن بچه، عده وی تمام می‌شود، ولی چنانچه پیش از چهل و پنج روز یا دیدن دو حیض بچه به دنیا آمد یا سقط شد احتیاط آن است که مدت بیشتر را لحاظ کند و تا آن زمان عده نگه دارد.^۱

پرسش

۱. فرق طلاق رجعی و بائن چیست؟
۲. طلاق مُبارات را توضیح دهید.
۳. عده طلاق نسبت به زنی که خون حیض نمی‌بیند چه مدت است؟
۴. مدت عده وفات چقدر است؟
۵. در ازدواج غیر دائم، جدایی زن و شوهر چگونه حاصل می‌شود؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، فصل فی عده الفراق، ص ۳۳۵، م ۱.



فصل یازدهم:

قضاوت و شهادت

- قضاوت
- شهادت

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه

قضاوت و شهادت

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ
النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحب آنها بدهید
و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدل حکم دهید.^۱

قضاوت

برقراری قسط و عدل در جامعه، بدون قوانین مدون و مجریان درستکار امکان‌پذیر نیست.
فقه اسلامی برای رفع خصومت‌ها و پایان دادن به نزاع‌ها و بررسی دعاوی و رساندن
حقوق از دست رفته حقداران به آنها، قوانینی دقیق و قابل اجرا دارد و برای پیاده کردن
آن قوانین نیز مجریان عادل و دارای شرایط خاص، تعیین کرده است. در این بحث به
شرایط قاضی و برخی از مسائل قضا می‌پردازیم:

شرایط قاضی

قضاوت، امری بس خطیر و دارای اهمیت بسیار زیادی است. تنها کسانی می‌توانند عهده‌دار این امر مهم شوند که اوصاف و شرایط ویژه‌ای داشته باشند.

شرایط قاضی	واجب	عقل و بلوغ
		ایمان و عدالت
		اجتهاد مطلق واجب
		مرد بودن
شرایط قاضی	بنابر احتیاط واجب ^۱	حلال زاده بودن
		داناترین فرد شهر و حومه آن باشد دارای قدرت حافظه و فراموشکار نبودن

۱. کسی که شرایط قضاوت را ندارد، قضاوت کردن بر او حرام است.^۱
۲. کسی که شرایط قضاوت را دارد، اگر هیچ کس نباشد که به این کار بپردازد، بر او واجب عینی است.^۲
۳. کسی که به خود اطمینان دارد که می‌تواند تکالیف قضاوت را به خوبی انجام دهد، عهده‌دار شدن امر قضاوت برای او مستحب است، ولی اگر به قدر کفایت باشند، به جهت خطرهای و تهمت‌هایی که دارد، ترک آن بهتر است.^۳

استفتاء

س. چون بعضی دوستان با توجه به کتاب «تحریر الوسیله» از پذیرفتن پست قضاوت شرعی خودداری می‌کنند، جواب سؤال زیر مورد نیاز است، آیا در قاضی شرع دادگاه‌های

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب القضاء، ص ۴۰۷، م ۱.

۲. همان، ص ۴۰۵، م ۱.

۳. همان.

۴. همان، م ۳.

انقلاب اسلامی اجتهاد شرط است؟ و یا هر کس که صلاحیت علمی و عملی اش احراز شود ولو این که مجتهد نباشد می تواند متصدی قضاوت گردد؟
ج. در این موقع می تواند از طرف مجتهد منصوب شود.^۱

وظایف قاضی

۱. رعایت مساوات بین طرفین دعوا در سلام کردن، جواب سلام، نشستن، نگاه کردن به آنها، گفتار با آنها، خوشرویی و مراعات انصاف و عدالت در حکم.
۲. سؤال کردن از کسی که ابتدا وارد دادگاه شده است؛ مگر اولی رضایت دهد که از دیگری سؤال شود.
۳. اگر قاضی از کسی سؤال نکند، هر کدام شروع کرد، به سخنانش توجه می شود و اگر هر دو با هم شروع کردند، ابتدا به سخنان کسی که سمت راست طرف دعوا نشسته گوش داده می شود.
۴. اگر مدعی علیه، کلام مدعی را قطع کند، به گفتار مدعی علیه توجه نمی شود، تا پاسخ جواب مدعی را بدهد و بین آنها حکم شود مگر با رضایت مدعی.
۵. برای قاضی جایز نیست به یکی از طرفین دعوا، مطلبی را تلقین کند تا بر طرف دیگر غلبه کند؛ مثل اینکه مطلبی را به نحو احتمال ادعا می کند، قاضی به او بگوید: باید ادعای توقطعی باشد تا به آن ترتیب اثر داده شود؛ همچنین جایز نیست شیوه احتجاج و غلبه بر طرف مقابل را به یکی از آنها یاد دهد.^۲

۱. استفتائات، ج ۳، ص ۶۸، س ۲۰.

۲. مدعی = خواهان، کسی است که امری را علیه دیگری ادعا می کند. مدعی علیه (خوانده)، کسی است که امری علیه او از طرف مدعی ادعا می شود و مدعی به، چیزی است که مدعی در مقام اثبات آن است.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی وظائف القاضی، ص ۴۰۹.

شرایط مُدعی

۱. بالغ و عاقل باشد.
۲. اگر ادعای او مستلزم تصرف در مال است، به جهت سفاهت از تصرف در اموالش ممنوع نشده باشد.
۳. ادعا، مربوط به خودش یا کسی باشد که بر او ولایت یا از او وکالت دارد.
۴. به ادعای خود یقین داشته باشد.

شرایط مُدعی علیه

۱. موجود باشد؛ پس مدعی نمی‌تواند چیزی را ادعا کند، بدون اینکه طرف نزاعی وجود داشته باشد.
۲. معلوم باشد که ادعا، علیه چه کسی است.

شرایط دعوا و مدعی به

۱. دعوا مؤثر باشد؛ پس اگر کسی ادعا کند زمین متحرک است و دیگری انکار کند، قابل پیگیری نیست.
۲. مدعی به معلوم باشد؛ مثلاً نمی‌تواند بگوید: چیزی از من نزد فلانی است.^۱

راه‌های ثبوت حق یا جرم

۱. بینه (دو شاهد).
۲. اقرار مدعی علیه.
۳. قسم خوردن.
۴. علم قاضی.

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی وظائف القاضی، صص ۴۱۰ و ۴۱۱.

شرایط شهادت

۱. شهادت صریح باشد.
۲. تعداد شهود متناسب با مورد شهادت باشد.
۳. در صورت تعدد شهود، همگی حاضر شوند و با هم شهادت دهند.^۱

شرایط شهود

بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، حلال زادگی، غیرمتهم (شاهد مورد اتهام نباشد)؛ یعنی در موردی که شهادت می دهد ذی نفع نباشد یا ضرری را از خود دفع نکند.^۲

شرایط اقرار

۱. اقرار از روی اختیار باشد.
۲. در حال مستی، خواب و بیهوشی نباشد.
۳. صریح باشد.
۴. متناسب با مورد اقرار تکرار شود.^۳

شرایط مُقَر

- * بلوغ و عقل؛
- * حریت (برده نباشد)؛
- * اختیار (به اجبار اقرار نکرده باشد)؛
- * قصد (بدون قصد اقرار نکرده باشد).^۴

۱. همان، کتاب الحدود، فیما قیت به الزنا، ص ۴۶۱، م ۱۰.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الشهادات، فیما یعتبر فی الشهود، ص ۴۲۱.

۳. همان، کتاب القضاء، القول فی الجواب بالاقرار، ص ۴۱۵.

۴. همان، ص ۴۶۶.

شرایط قسم

- * با لفظ «الله» یا اسما و صفات خداوند باشد؛ مانند رحمان و خالق.
- * خود شخص قسم بخورد؛ یعنی برای قسم خوردن نه وکیل بگیرد و نه نایب معین کند.
- * قسم، در مجلس قضاوت باشد.^۱
- * قسم، برای جرائمی نافذ است که حدود الهی برای آنها مقرر نشده باشد، و برای آن گونه جرایم نیاز به اقرار یا بینه است.^۲

پرسش

۱. موارد مشترک شرایط قاضی و مرجع تقلید کدام است؟
۲. پذیرفتن منصب قضاوت بر چه کسانی واجب و بر چه کسانی حرام است؟
۳. نحوه برخورد قاضی با طرفین دعوا چگونه باید باشد؟
۴. مواردی که به ادعای مدعی ترتیب اثر داده نمی شود کدام است؟
۶. موارد مشترک شرایط شاهد با مُقَرَّ چیست؟
۷. برای جرایمی که با قسم اثبات می شود، چهار مثال بزنید.

۱. همان، القول فی احکام الحلف، صص ۳۸۵ و ۳۸۶.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۸۷، م ۱۳.

فصل دوازدهم :

حدود، قصاص، دیات و تعزیرات

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

حدود و تعزیرات

پیامبر اعظم ﷺ فرمود:

«إِقَامَةُ حَدٍّ خَيْرٌ مِنْ مَطَرٍ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا»:

اجرای یکی از حدود، از چهل شبانه روز باران باریدن بهتر است.

در روایات بسیاری از پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام بر اجرای حدود الهی تأکید و آثار اجتماعی زیادی نیز برای آن بیان شده که با اندک دقتی، اهمیت بسیار آن روشن می‌شود.^۱

حدود

حدّ کیفری است که از سوی خداوند برای برخی از جرائم مقرر شده است که حاکم شرع آن را اجرا می‌کند.

در این درس به بیان برخی از گناهانی که دارای حد خاص است، می‌پردازیم.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۰۸، کتاب الحدود.

حد برخی از گناهان

شماره	گناه	حد
۱	سرقت	در مرتبه اول: قطع کامل چهار انگشت دست راست در مرتبه دوم: قطع پا تا برآمدگی روی پا در مرتبه سوم: حبس ابد در مرتبه چهارم: قتل
۲	نوشیدن مسکرات	هشتاد ضربه شلاق
۳	زنا با محارم نسبی یا با زن پدر یا کافریا زن مسلمان و زنای به عتف که زن از خود اختیاری نداشته باشد.	قتل
۴	زنا با محصنه (زنای مرد همسر دار با زن عاقل بالغ یا زنای زن شوهر دار با مرد عاقل و بالغ)	رجم (سنگسار)
۵	زنا با غیر محصنه و غیر محرم (نسبی)	صد ضربه شلاق
۶	زنا با مردی که ازدواج کرده، ولی با همسرش آمیزش نکرده است.	صد ضربه شلاق و تراشیدن سرو تبعد از مح
۷	زنا با محصنه پیرمرد یا پیرزن	صد ضربه شلاق و سپس رجم
۸	لواط	قتل
۹	سُحْق (همجنس بازی دوزن)	صد ضربه شلاق
۱۰	قیادت (دلالتی در زنا یا لواط)	مرد ۳۵ ضربه شلاق و تبعد از محل. زن ۲۵ ضربه شلاق
۱۱	قذف (نسبت زنا یا لواط به دیگری دادن)	هشتاد ضربه شلاق

شماره	گناه	حد
۱۲	تفخیذ (آمیزش بدون ادخال)	اگر هردو مسلمان باشند، هر کدام صد ضربه شلاق و اگر فاعل کافر باشد، فاعل کشته می‌شود.
۱۳	محاربه (کشیدن سلاح و ترساندن مردم)	قتل
۱۴	ارتداد (کافر شدن زن مسلمان)	چه فطری، چه ملی؛ از شوهرش جدا می‌شود، او را زندانی می‌کنند و در اوقات نماز او را می‌زنند و بر او سخت می‌گیرند تا توبه کند و اگر توبه نکرد، تا ابد در حبس می‌ماند.
۱۵	ارتداد (کافر شدن مرد مسلمان)	مرتد فطری؛ زنش از او جدا می‌شود، اموالش بین ورثه تقسیم می‌گردد، توبه او پذیرفته نمی‌شود و حکم او اعدام است. ^۱ مرتد ملی؛ زنش از او جدا می‌شود، او را توبه می‌دهند و بنابر احتیاط تا سه روز توبه می‌دهند، اگر توبه نکرد، در روز چهارم کشته می‌شود. ^۲

تعزیرات

تعزیر در لغت به معنای تأدیب است و در اصطلاح فقه، مجازاتی است که از سوی حاکم شرع برای گناه، مشخص و اجرا می‌شود. این مجازات از حد کمتر است و در مورد گناهایی است که حد ندارد.

۱. ممکن است توبه‌اش نزد خداوند پذیرفته شود، ولی از نظر برگشت اموال و همسرش و اجرای حد، فایده ندارد.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۴۶۹ و ۴۷۰، القول فی الارتداد.

- مرتد فطری، کسی است که هنگام انعقاد نطفه‌اش، پدر و مادرش یا یکی از آنها مسلمان بوده‌اند و فرزند آنان پس از بلوغ مسلمان و سپس کافر شده است.

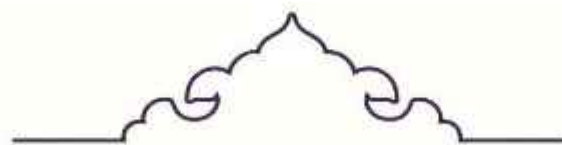
- مرتد ملی، کسی است که هنگام انعقاد نطفه‌اش، پدر و مادرش هردو کافر بوده و فرزند تا هنگام بلوغ هم کافر بوده، سپس اسلام آورده و بعد کافر شده است.

فرق حد و تعزیر

۱. حد مقدار معین دارد؛ ولی تعزیر مقدار معینی ندارد، مگر در چند مورد؛ مثلاً کسی که آشکارا روزه خواری کند، ۲۵ ضربه شلاق دارد.
 ۲. تعزیر تابع مفسده است، اگر چه کار او معصیت نباشد، مانند تعزیر طفل یا دیوانه. اما حد مجازاتی است که برخورد گناه است.
 ۳. توبه از گناهی که موجب تعزیر است، پذیرفته می شود، اما در برخی از حدود توبه پذیرفته نمی شود.
 ۴. حد، حق الله است، اما تعزیر منحصر به حق الله نیست، مثلاً کسی که سب معبر کند، حاکم می تواند او را تعزیر کند.
 ۵. در تعزیر، بنده و آزاد، مساوی هستند، ولی در حد چنین نیست.
- هر گناهی ممکن است موجب تعزیر باشد، ولی تعیین گناه و مشخص کردن مقدار تعزیر - در مواردی که مقدار مشخص ندارد - با حاکم شرع است و او مقدار آن را طبق مصالحی که تشخیص می دهد، تعیین می کند.

پرسش

۱. بالاترین و پایین ترین مقدار حد چیست و برای چه گناهایی است؟
۲. اگر دختری که در یک خانواده مسلمان بزرگ شده، مرتد شود، مجازاتش چیست؟
۳. در چه مواردی حدی که برای مرد مشخص شده، شدیدتر از زن است؟
۴. حد چه گناهایی صد ضربه شلاق است؟
۵. در چه مواردی حد گناه مرد و زن تفاوت دارد؟



قصاص و دیات

قصاص

قصاص مجازات از سوی کسی است که مورد جنایت واقع شده یا از سوی ورثه او، با اجازه حاکم شرع، علیه مجرم اعمال می شود.

انواع قصاص:

۱. قصاص نفس ← برای کشتن عمدی دیگران (قتل عمد).
۲. قصاص عضو ← خساراتی که به عضوی از اعضای بدن وارد می شود.

اقسام قتل:

۱. عمد: قصاص دارد؛ یعنی او را می کشند.
۲. شبه عمد: قصاص ندارد.
۳. خطا: قصاص ندارد.

شرایط قصاص نفس

- تساوی در دین؛ پس مسلمان را برای قتل کافر نمی کشند؛
- تساوی در حریت و بندگی؛ هردو آزاد یا هردو برده باشند یا قاتل برده باشد؛
- قاتل، پدر مقتول نباشد؛ پدری اگر فرزند خود را بکشد، پدر قصاص نمی شود؛
- قاتل و مقتول عاقل باشند؛ اگر عاقل، دیوانه ای را کشته باشد، قصاص نمی شود؛

- قاتل، بالغ باشد؛ اگر کودکی، دیگری را بکشد، او را قصاص نمی‌کنند؛
- مقتول، مهدورالدم نباشد؛ مثلاً به پیامبر ﷺ دشنام نداده باشد.^۱

چگونگی قصاص نفس

هنگامی که قاتل بودن شخصی نزد حاکم ثابت شد، از ورثه مقتول خواسته می‌شود که قاتل را عفو یا قصاص کنند. اگر راضی به عفو نشدند، می‌توانند قاتل را بکشند. ولی اگر مقتول زن و قاتل مرد باشد، در صورت قصاص، ورثه مقتول باید نصف دیه مرد را به ورثه قاتل بپردازند؛ چون دیه مرد دو برابر دیه زن است. اگر قاتلان متعدد باشند و بخواهند همه را قصاص کنند، باید دیه افراد اضافه بر مقتول را به ورثه قاتلان بپردازند.^۲

شرایط قصاص عضو

۱. تساوی در دین؛
۲. تساوی در حریت و بندگی؛
۳. تساوی در عقل (هر دو عاقل باشند)؛
۴. تساوی در سلامت، عضو سالم در مقابل عضو معیوب قصاص نمی‌شود ولی عضو معیوب در مقابل عضو سالم قصاص می‌شود؛
۵. جنایتکار بالغ باشد؛
۶. جانی، پدر مجنی علیه نباشد.

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۴۹۳ و ۴۹۷، القول فی الشرائط المعتبرة فی القصاص.

۲. همان، صص ۵۰۷ و ۵۱۳، القول فی کیفیة الاستیفاء.

همچنین در قصاص اعضا این امور نیز باید رعایت شود:

- تساوی در طول و عرض و عمق در جراحات برای قصاص جراحات؛ یعنی باید قصاص از نظر طول و عرض و عمق با جنایت مساوی باشد.
- تساوی اعضا در محل (دست راست برای دست راست، و دست چپ برای دست چپ).
- تساوی در ابزار جنایت (وسیله‌ای که با آن جنایت کرده است).
- اگر محکوم به قصاص، زن حامله باشد، تا زمانی که حامله است، قصاص نمی‌شود.
- گرمی و سردی هوا موجب سرایت زخم یا موجب آزاری اضافه بر قصاص نشود؛ مثلاً هوا به قدری سرد نباشد که هنگام قصاص یخ بزند یا سرما بخورد.^۱

مسأله:

در قصاص اعضا، زن و مرد با هم مساویند؛ اما اگر جانی مرد باشد و عضوی که قصاص می‌کنند، از اعضایی باشد که یک سوم دیه آن از دیه کشتن بیشتر است، تفاوت دیه را باید بپردازند؛ چون در دیه اعضا، زن و مرد تا یک سوم دیه کشتن مساوی هستند و بیشتر از آن، دیه زن نصف دیه مرد است.^۲

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۵۱۳ و ۵۲۴، فی قصاص مادی النفس.

۲. همان، ص ۵۳۱، م ۲۷ و ص ۵۹۶، م ۷.

دیات

دیه خون بهای جنایت است که جانی باید به ورثه مقتول یا به مَجْنُنِ علیه بپردازد.

موجبات دیه

اعمالی که سبب پرداخت دیه می شود:

- قتل؛
- نقص عضو؛
- جراحت.

دیه قتل

۱. در قتل عمد، ورثه مقتول با شرایطی که گذشت، می توانند عفو یا قصاص کنند یا دیه بگیرند؛ ولی در دو قسم (قتل شبه عمد و خطا) دیگر حق قصاص ندارند، بلکه می توانند عفو کنند یا دیه بگیرند.^۱

پرداخت کننده دیه در انتخاب یکی از اینها مخیر است.^۲

۱۰۰ شتر
۲۰۰ گاو
۱۰۰۰ گوسفند
۲۰۰ حله
۱۰۰۰ دینار
۱۰۰۰۰ درهم

دیه قتل

۱. دیه قتل عمد و شبه عمد، برعهده قاتل است و دیه قتل خطا برعهده عاقله

قاتل.

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۰۷، م ۱.

۲. همان، صص ۵۲۶ و ۵۲۸، م ۱ و م ۱۳.

عاقله یعنی برادران و خواهران قاتل، فرزندان و عم و عمه های او، و فرزندان و فرزندان او، که از طریق پدر و مادر یا پدر یا قاتل نسبت داشته باشند، ولی بستگان مادری وی را شامل نمی شود.^۱

۲. خون بهای زن، نصف موارد ذکر شده است، یعنی نصف دیه مرد.^۲

۳. در قتل عمد و خطا، کفار بر قاتل هم واجب می شود که بحث آن گذشت.^۳

دیه سقط جنین

اگر کسی کاری کند که زن، جنین خود را سقط کند، دیه آن بدین شرح است:

* نطفه: ۲۰ مثقال طلا؛

* علقه (خون بسته): ۴۰ مثقال؛

* مضغه (پاره گوشت): ۶۰ مثقال؛

* استخوان گوشت دار بدون روح: ۱۰۰ مثقال؛

* روح دمیده باشد: $\left. \begin{array}{l} ۱. پسر: ۱۰۰۰ مثقال؛ \\ ۲. دختر: ۵۰۰ مثقال. \end{array} \right\}$

در تمام موارد فوق، مثقال شرعی ملاک است که تقریباً چهار پنجم مثقال بازاری است و طلای سکه دار باید محاسبه شود.

دیه سقط جنین، برعهده کسی است که جنین را اسقاط کرده، چه پزشک باشد و چه غیر او.

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۵۲۷ و ۵۳۰، م ۱۲ و ۱۵ و ۲۲ و ص ۵۷۰، الثانی من اللواحق فی العاقله.

۲. همان، ص ۵۳۱، م ۲۶.

۳. همان، ص ۱۱۹، کتاب الکفارات.

و اگر زن خودش کاری کند که بچه اش سقط شود، مطابق آنچه گفته شده، باید دیه آن را به وارث طفل بدهد.^۱

دیه اعضا

هر یک از اعضای بدن مانند دست و پا و حواس پنج گانه نیز دیه خاصی دارد که در کتاب های مفصل فقهی آمده است. در اینجا تنها به بیان اعضایی که دیه آنها دیه قتل است، اکتفا می کنیم.

برخی از اعضای بدن که دیه آنها دیه قتل است:

- کور کردن هر دو چشم؛
- بریدن هر دو بینی، یا از کار انداختن آنها؛
- بریدن هر دو گوش، یا از کار انداختن آنها؛
- بریدن هر دو لب؛
- قطع زبان سالم؛
- از بین بردن تمام دندان ها؛
- شکستن گردن به طوری که خم شود و قد او کوتاه شود (بنابر احتیاط واجب)؛
- از بین بردن هر دو دست؛
- از بین بردن انگشتان هر دو دست یا انگشتان هر دو پا؛
- شکستن پشت؛
- قطع نخاع؛
- قطع پاها؛
- شکستن ترقوه (دو استخوان بالای سینه در زیر گردن)؛

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۵۶۸ و ۵۶۹.

- شکستن کمر؛
- کندن موی سر یا ریش به گونه‌ای که دیگر نروید؛
- بنابر احتیاط واجب در کندن موی تمام مژه هر دو چشم، اگر دیگر نروید.^۱

حکم کلی

دیه اعضای اصلی بدن انسان که جفت باشد، دیه کامل است و اگر یکی از آنها آسیب ببیند، نصف دیه کامل است؛ به جز دو بیضه که در مقدار دیه آن اختلاف است.^۲

پرسش

۱. تفاوت قتل شبه عمد با خطا چیست؟ برای هر کدام مثالی بزنید.
۲. اگر دو مرد در قتل یک زن مشارکت داشته باشند و ورثه مقتول درخواست قصاص کند، تکلیف چیست؟
۳. اگر دیوانه‌ای دو نفر را بکشد یا عاقلی دو دیوانه را بکشد و ورثه مقتول درخواست قصاص کنند، تکلیف چیست؟
۴. لزوم تساوی اعضا برای قصاص، در چه چیزهایی است؟
۵. اگر کسی در تصادف وسایل نقلیه کشته شود، دیه او چه مقدار است؟
۶. دیه کدام یک از اعضای غیر جفت بدن، مثل دیه قتل است؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۵۴۱ و ۵۵۸، المقصد الاول في دية الأعضاء.

۲. همان.

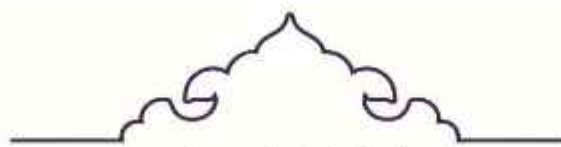
دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه



فصل سیزدهم :

احکام اموات

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه



احکام اموات (۱)

احکام محتضر^۱

محتضربه کسی گویند که در حال جان دادن باشد.

وظیفه دیگران در برابر محتضر

واجب است حاضران محتضر را به پشت طوری بخوابانند که کف پاهای او به سوی قبله باشد.

مستحبات

- شهادتین و اقرار به دوازده امام علیهم السلام و سایر عقاید حقه را برای او طوری بخوانند که بفهمد.
- آنچه گفته شد، تا وقت مرگ تکرار شود.
- کسی که سخت جان می دهد، اگر ناراحت نمی شود، او را به جایی که نماز می خوانده ببرند.

۱ بسیاری از مطالب این درس و درس بعدی را می توان به مطالعه شاگردان واگذار کرد.

- برای راحت شدن وی، بر بالین او سوره‌های «یس»، «صافات»، «احزاب»، «آیه‌الکرسی»، آیه ۵۴ سوره اعراف: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ...»، سه آیه آخر سوره بقره و هرچه از قرآن ممکن است، بخوانند.
- دعاهایی را که در این مورد وارد شده، برای او بخوانند.

مکروهات

- تنها گذاشتن او؛
- گذاشتن چیز سنگین بر شکم او؛
- حضور شخص جنب و زن حائض نزد او؛
- زیاد حرف زدن نزد او؛
- گریه کردن نزد او؛
- تنها گذاشتن زنان نزد او.^۱

مستحبات پس از مرگ

- دهان و چشمان میت را برهم بگذارند که باز نماند؛
- چانه او را ببندند؛
- دست و پای او را دراز کنند؛
- پارچه‌ای روی او بیندازند؛
- اگر در شب مرده، در محل وفات او چراغ روشن کنند؛
- برای تشییع جنازه او مؤمنان را خبر کنند؛
- در دفن او عجله کنند، ولی اگر یقین به مردن او نداشتند، باید صبر کنند تا معلوم شود؛

۱. توضیح المسائل، م ۵۳۳ و ۵۴۰.

- اگر میت حامله باشد و جنین در شکم او زنده باشد، باید به قدری دفن را تأخیر اندازند تا با عمل جراحی جنین را بیرون آورند و بدن مادر را بدوزند.^۱

واجبات پس از مرگ

۱. اگر زن یا مرد مسلمان دوازده امامی از دنیا برود، این کارها را باید برای او انجام داد:

- غسل؛

- حنوط؛

- کفن؛

- نماز؛

- دفن.

۲. اگر بچه‌ای از دنیا برود، حتی اگر کودک سقط شده‌ای که چهار ماه یا بیشتر دارد و پدر و مادر او یا یکی از آنها مسلمان دوازده امامی باشند، باید همین کارها را برایش انجام دهند، ولی نماز خواندن بر بچه‌ای که شش سالش تمام نشده واجب نیست.^۲
۳. اگر جنین سقط شده کمتر از چهار ماه داشته باشد، غسل و کفن و حنوط و نماز او واجب نیست، بلکه باید آن را در پارچه‌ای بپیچند و دفن کنند.^۳

غسل میت

۱. واجب است میت را با سه آب غسل بدهند:

الف. با آبی که با سدر مخلوط باشد؛

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۸۶، م ۷؛ توضیح المسائل، م ۵۴۱.

۲. توضیح المسائل، م ۵۴۲ و ۵۵۷ و ۵۵۸ و ۵۸۵، به فتوای برخی از فقها، این اعمال برای میت مسلمان واجب است.

۳. همان، م ۵۵۸.

ب. با آبی که با کافور مخلوط باشد؛

ج. با آب خالص.^۱

۲. کیفیت غسل میت با سایر غسل‌ها تفاوتی - به جز در نیت - ندارد و احتیاط واجب است که تا غسل ترتیبی ممکن است، میت را غسل از تماسی ندهند.^۲

۳. سدر و کافور نباید به اندازه‌ای زیاد باشد که آب را مضاف کند و به اندازه‌ای هم کم نباشد که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است.^۳

۴. اگر سدر و کافور یا یکی از اینها پیدا نشود، باید به جای هر کدام که ممکن نیست، میت را با آب خالص غسل بدهند.^۴

۵. برای غسل، کفن، نماز و دفن میت، باید از ولی او اجازه گرفت.^۵

۶. ولی زن که در غسل و کفن و دفن او دخالت می‌کند، شوهر اوست و پس از او مردهایی که از میت ارث می‌برند، مقدم بر زن‌های ایشانند و هر کدام که در ارث بردن مقدم هستند، در این امر نیز مقدم‌مند.^۶

۷. شرایط کسی که میت را غسل می‌دهد:

- • مسلمان دوازده امامی باشد.
- مسائل غسل را بداند.
- عاقل باشد.

۱. توضیح المسائل، م ۵۵۰.

۲. همان، م ۵۶۵.

۳. همان، م ۵۵۱.

۴. همان، م ۵۵۴.

۵. همان، م ۵۴۲.

۶. همان، م ۵۴۷.

- بنا بر احتیاط واجب بالغ باشد.
- اگر میت مرد است، مرد او را غسل دهد و اگر زن است، زن او را غسل دهد.^۱
- ۸. زن می تواند شوهر خود را غسل دهد، شوهر هم می تواند زن خود را غسل دهد، اگرچه احتیاط مستحب آن است که یکدیگر را غسل ندهند.^۲
- ۹. مرد می تواند دختر بچه ای را که بیش از سه سال ندارد، غسل دهد. زن هم می تواند پسر بچه ای را که سه سال بیشتر ندارد، غسل دهد.^۳
- ۱۰. نگاه کردن به عورت میت، حرام است و اگر غسل دهنده نگاه کند، معصیت کرده؛ ولی غسل باطل نمی شود.^۴
- ۱۱. برای غسل دادن میت مزد گرفتن جایز نیست، ولی مزد گرفتن برای کارهای مقدماتی غسل، حرام نیست.^۵
- ۱۲. اگر آب نباشد یا استعمال آن مانعی داشته باشد، باید عوض سه غسل، سه بار میت را تیمم دهند.^۶

۱. توضیح المسائل، م ۵۴۲ و ۵۵۷ و ۵۵۸. به فتوای برخی از فقها، کسی که میت را غسل می دهد، مسلمان

باشد، کافی است.

۲. همان، م ۵۵۹.

۳. همان، م ۵۶۰.

۴. همان، م ۵۶۳.

۵. همان، م ۵۶۷.

۶. توضیح المسائل، م ۵۶۸. به فتوای برخی از فقها، بنا بر احتیاط واجب یک تیمم دیگر نیز عوض هر سه غسل انجام بدهد؛ یعنی چهار تیمم و اگر کسی که تیمم می دهد در یکی از همان سه تیمم قصد ما فی الذمه کند؛ یعنی نیت کند این تیمم را برای آنکه به تکلیف عمل شده باشد انجام می دهم، تیمم چهارم لازم نیست.

غسل مَسِّ میت

۱. اگر کسی جایی از بدن خود را به بدن انسان مرده‌ای که سرد شده و غسلش نداده‌اند برساند، باید غسل مَسِّ میت کند.^۱

۲. در موارد ذیل مَسِّ بدن مرده سبب غسل نیست:

• رزمنده‌ای که در میدان نبرد به شهادت رسیده است، در صورتی که در میدان جان دهد.

• مرده‌ای که بدنش گرم است و هنوز سرد نشده است.

• مرده‌ای که غسلش داده‌اند (سه غسل او تمام شده است).^۲

۳. اگر چند میت را مَسِّ کند یا یک میت را چند بار مَسِّ کند، یک غسل کافی است.^۳

□ ۴. برای کسی که بعد از مَسِّ میت غسل نکرده است، توقف در مسجد و خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارد مانعی ندارد ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند و وضو بگیرد.^۴

کیفیت تیمم دادن میت

برای تیمم دادن، اگر ممکن است، دست میت را بر زمین می‌زنند و بر پیشانی و دستهایش می‌کشند و احتیاط مستحب است که یک بار هم، تیمم دهنده دست‌های خودش را بر زمین بزند و بر پیشانی و دست‌های میت بکشد. و اگر تیمم دادن میت با دست خودش ممکن نباشد، تیمم دهنده دست‌های خود را بر زمین می‌زند و او را تیمم می‌دهد.^۵

۱. همان، م ۵۲۱.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، فصل فی غسل المیت، ص ۶۳؛ توضیح المسائل، م ۵۲۲ و ۵۲۶ و استفتائات، ص ۱۷۹.

۳. توضیح المسائل، م ۵۳۱.

۴. همان، م ۵۳۲. به فتوای برخی از فقها، با غسل مَسِّ میت بدون وضو می‌توان نماز خواند.

۵. العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۹۵، م ۱۱.

حنوط

۱. □ پس از غسل، واجب است میت را حنوط کنند؛ یعنی به پیشانی و کف دست‌ها و سرزانونها و سردوانگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند.

۲. مستحب است برنوک بینی میت هم کافور بمالند.

۳. کافور باید ساییده و تازه باشد و اگر به سبب کهنگی بوی آن از بین رفته باشد،

کافی نیست.^۱

کفن میت

مقدار لازم کفن میت:

۱. لُنگ؛ که باید بدن را از ناف تا زانو بپوشاند و بهتر است از سینه تا روی پا برسد.

۲. پیراهن؛ بنابر احتیاط واجب باید از سرشانه تا نصف ساق پا، تمام بدن را

بپوشاند.

۳. سرتاسری؛ باید درازی آن به قدری باشد که بستن دوسر آن - از طرف سروپای میت -

ممکن باشد و پهنای آن باید به اندازه‌ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگری آید.^۲

شرایط کفن میت

- بنابر احتیاط واجب به قدری نازک نباشد که بدن میت از زیر آن پیدا باشد؛
- مباح باشد، اگر پارچه مباحی پیدا نشود، کفن کردن میت با پارچه غصبی جایز

نیست؛

۱. توضیح المسائل؛ م ۵۸۵، به فتوای برخی از فقها، ابتدا باید کافور را بر پیشانی بمالند و در بقیه اعضا ترتیب شرط نیست.

۲. توضیح المسائل، م ۵۷۰ و ۵۷۱.

- پاک باشد؛
 - از پوست مردار نباشد؛
 - از اجزاء حیوان حرام گوشت نباشد؛
 - پارچه ابریشمی خالص نباشد؛
 - بنابر احتیاط واجب پارچه طلا بافت نیز نباشد.
- تمام این شرایط، جز مباح بودن کفن، در حال اختیار است و در حال ناچاری مراعات آنها واجب نیست، مگر کفن غصبی که در حال اضطرار نیز جایز نیست.^۱
- نماز بر میت**
- پس از غسل و خنوط و کفن کردن میت، باید بر او نماز بخوانند و سپس او را دفن کنند. کیفیت و احکام نماز میت در درس ۳۶ گذشت.

کجه پرسش

۱. انجام دادن چه کارهایی برای حاضران نزد محتضر و میت واجب است؟
۲. غسل میت بر چه کسانی واجب نیست و بر چه کسانی حرام است؟
۳. چه کسی را باید یک بار با آب سدر و دو بار با آب خالص غسل داد؟
۴. در چه مواردی مرد می تواند زن را غسل دهد؟
۵. شرایط مشترک لباس نمازگزار و کفن میت کدام است؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۷۲ و ۷۴، القول فی تکفین المیت؛ توضیح المسائل، م ۵۷۸ و ۵۸۱.



احکام اموات (۲)

تشییع جنازه و آداب آن

تشییع جنازه مؤمن، مستحب است و ثواب بسیار دارد. تشییع جنازه آدابی دارد که برخی از آنها را در اینجا می آوریم:

مستحبات

۱. هنگام حمل جنازه بگویند: «بسم الله و بالله و صلى الله على محمد و آل محمد، اللهم اغفر للمؤمنين و المؤمنات»؛
۲. جنازه را بر شانه خود حمل کنند، نه بر حیوان و ماشین و امثال آن، مگر آنکه عذری مانند دوری مسافت وجود داشته باشد؛
۳. با خشوع و تفکر باشند؛
۴. پیاده بروند، سواره رفتن مکروه است، مگر با عذر؛ ولی در بازگشت مکروه نیست؛
۵. دو طرف جنازه یا پشت سر آن حرکت کنند و پشت سر جنازه افضل است.

مکروهات

۱. خندیدن و بازی کردن و سخن بیهوده گفتن؛
۲. تند رفتن، به خصوص دویدن، بلکه بهتر، حدّ وسط در حرکت است؛
۳. بهتر است که زنان جوان در تشییع جنازه شرکت نکنند.^۱

وظایف صاحبان عزا

۱. مستحب است انسان در مرگ خویشان، به خصوص در مرگ فرزند صبر کند؛
۲. مستحب است در تشییع جنازه، پابرهنه باشد و زدا را بردارد یا به گونه‌ای دیگر که مناسب مصیبت دیده باشد، تا بین دیگران شناخته شود؛
۳. مستحب است هر وقت به یاد میت می‌افتد، بگوید: «إِنَّ اللَّهَ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛
۴. مستحب است برای میت، قرآن بخوانند و سر قبر پدر و مادر از خداوند حاجت بخواهند؛
۵. پس از رفتن کسانی که تشییع جنازه کرده‌اند، مستحب است ولی میت یا کسی که از طرف ولی اجازه دارد، دعاهایی را که دستور داده شده، به میت تلقین کند؛
۶. احتیاط واجب است در گریه بر میت، صدا را خیلی بلند نکنند؛
۷. پاره کردن یقه در مرگ غیر پدر و برادر جایز نیست؛
۸. اگر مرد در مرگ زن یا فرزند یقه یا لباس خود را پاره کند یا زن در عزای میت، صورت خود را بخرشد، به طوری که خون بیاید یا موی خود را بکند، کفاره^۲ بر او واجب می‌شود؛^۳

۱. تحریر الوسیله: ج ۱، صص ۷۶ و ۷۸، القول فی تشییع الجنازة.

۲. کفاره آن در درس ۵۵ گذشت.

۳. تحریر الوسیله: ج ۱، ص ۷۷، القول فی تشییع الجنازة؛ توضیح المسائل، م ۶۳۱ و ۶۳۵ و ۶۳۶.

کیفیت دفن میت

۱. میت را باید طوری دفن کنند که بوی آن بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند؛

۲. میت را باید در قبر به پهلو راست، رو به قبله بخوابانند؛

۳. اگر دفن میت، در زمین ممکن نباشد، می‌توانند به جای دفن، آن را در بنا یا تابوت بگذارند؛

□ ۴. اگر کسی در کشتی بمیرد، چنانچه جسد فاسد نمی‌شود و بودن آن در کشتی مانعی ندارد، باید صبر کنند تا به خشکی برسند و آن را در زمین دفن کنند. وگرنه باید در کشتی غسل دهند و حنوط و کفن کنند و پس از نماز براو، چیز سنگینی به پایش ببندند و به دریا بیندازند یا او را در خمره بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیندازند و اگر ممکن است باید آن را در جایی رها کنند که فوراً طعمه حیوانات نشود؛

۵. اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد، باید در چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند و اگر چاه از خود او نیست، صاحب چاه را راضی کنند.^۱ مکان‌هایی که دفن میت در آنها جایز نیست؛

- دفن مسلمان در قبرستان کفار و دفن کافر در قبرستان مسلمانان؛
- دفن مسلمان در جایی که بی‌احترامی به او باشد؛ مثلاً در محل زباله و خاکروب؛
- در مکان غصبی؛
- در مسجد و مکانی که برای غیر دفن وقف شده است؛
- در قبر مرده دیگری که سبب نبش قبر شود.^۲

۱. توضیح المسائل، م ۶۱۳ و ۶۱۶ و ۶۲۵. به فتوای برخی از فقها، کسی که در کشتی بمیرد لازم نیست او را در خمره بگذارند؛ بلکه در هر چیزی که حیوان‌های دریایی نتوانند به بدن او دست یابند بگذارند و در آن را محکم ببندند و در دریا رها کنند.

۲. همان، م ۶۲۰ و ۶۲۳.

آداب دفن

آنچه در حفرو بنای قبر و محل آن مستحب است:

۱. قبر را به اندازه قد انسان متوسط گود کنند؛
۲. در زمین های سخت برای قبر، لُحْد در آورند، یعنی حفره ای به اندازه جسد در دیوار قبر، در سمت قبله در آورند؛
۳. قبر را مربع یا مستطیل بسازند؛
۴. به اندازه چهار انگشت، قبر را از زمین بالا آورند؛
۵. قبر را محکم بسازند که زود خراب نشود؛
۶. نشانه ای روی قبر بگذارند که اشتباه نشود؛
۷. اسم میت را بر سنگی یا لوحی بنویسند و بالای سر او روی قبر بگذارند؛
۸. میت را در نزدیک ترین قبرستان دفن کنند، مگر آنکه قبرستان دورتر، از جهتی بهتر باشد؛ مثل آنکه مردمان خوب در آنجا دفن شده باشند یا مردم برای فاتحه اهل قبور، بیشتر به آنجا بروند؛
۹. اقوام و خویشان را نزدیک هم دفن کنند.^۱

مستحبات دفن

۱. جنازه را در چند قدمی قبر بر زمین بگذارند و تا سه مرتبه کم بپرند و در هر مرتبه زمین بگذارند و بردارند و در نوبت چهارم وارد قبر کنند؛
۲. اگر میت مرد است، در دفعه سوم طوری آن را بر زمین بگذارند که سر او به طرف

۱. تحریر الوسیله: ج ۱، صص ۸۷ - ۹۰، القول فی مستحبات الدفن ومکروهاته: العروة الوثقی: صص ۲۲۲ - ۲۲۸، فصل فی المستحبات قبل الدفن وحینه وبعده.

پایین قبر باشد و در دفعه چهارم آن را از طرف سر وارد قبر کنند. اگر میت زن است، در دفعه سوم، آن را به سمت قبله قبر بگذارند و به پهنا وارد قبر کنند. در موقع وارد کردن جنازه، پارچه‌ای روی قبر بگیرند؛

۳. جنازه را به آرامی از تابوت بردارند و وارد قبر کنند؛

۴. بعد از گذاردن میت در لحد، گره‌های کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او درست کنند و پشت میت خشت خام یا کلوخی بگذارند که میت به پشت برنگردد؛

۵. غیر از خویشان میت، کسانی که حاضرند، با پشت دست، خاک بر قبر بریزند و بگویند: «إِنَّ اللَّهَ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ»؛

۶. دو چوب تر - که بهتر است از چوب نخل باشد - همراه میت در قبر بگذارند و یکی را در سمت راست و دیگری را سمت چپ وی قرار دهند؛

۷. دعا‌هایی را که برای دفن میت وارد شده است، بخوانند و عقاید حق را نیز به وی تلقین کنند؛^۱

۸. بر کسی که میت را در قبر می‌گذارد، چند چیز مستحب است:

- با طهارت، سر برهنه و پا برهنه باشد؛
- از طرف پای میت از قبر بیرون بیاید؛
- اگر میت زن است، شوهر یا یکی از محرمانش او را در قبر بگذارد و بند کفنش را باز کند.^۲

۱. تحریر الوسیله؛ ج ۱، ص ۷۶، القول فی الجریذین؛ توضیح المسائل؛ م ۶۲۸ و ۶۲۹.

۲. همان، ص ۸۷، القول فی مستحبات الدفن و مکروهاته.

احکام شهید

۱. کسی که به امر معصوم علیه السلام یا نایب او به جبهه جهاد برود و در میدان نبرد کشته شود، شهید است و غسل و حنوط و کفن از او ساقط است، بلکه با لباس خودش دفن می‌شود؛

۲. این حکم اختصاص به شهیدی دارد که در معرکه جان داده باشد، ولی در میدان نبرد مجروح شود و پشت جبهه به شهادت برسد، غسل و حنوط و کفن از او ساقط نیست؛

۳. اگر برتن شهید، لباس نباشد، باید او را کفن کنند؛^۱

دو مسأله

۱. بعد از دفن مستحب است صاحبان عزا را سر سلامتی دهند، ولی اگر مدتی گذشته است که با این کار، مصیبت یادشان می‌آید، ترک آن بهتر است؛
۲. مستحب است پس از دفن تا سه روز برای اهل خانه میت غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکروه است؛^۲

مخارج کفن و دفن

۱. اگر میت برای این مخارج وصیتی کرده باشد، با در نظر گرفتن شرایط وصیت، مطابق آن عمل می‌شود.
- اگر میت وصیتی ندارد:

- چنانچه میت، زنی است که شوهردار است، کفن و سایر مخارج تجهیز او بر عهده شوهر است؛ هرچند آن زن از خودش مالی داشته است؛

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۶۶، م ۱؛ استفتاآت، ج ۱، صص ۷۹ و ۸۳.

۲. توضیح المسائل، م ۶۳۲.

- اگر میت غیر زوجه است، کفن و سدر و کافور و قیمت زمین برای دفن (اگر برای زمین دفن پول گرفته می‌شود) و مزد حمال و قبر کن و سایر مخارج تجهیز میت از اموال میت برداشته می‌شود؛^۱

۲. کفن کردن میت واجب است، نه دادن کفن؛ اگرچه آن هم مستحب است؛^۲

نبش قبر

۱. نبش قبر مسلمان، یعنی شکافتن قبر او به حدی که جسد پیدا شود، اگرچه طفل یا دیوانه باشد، حرام است، مگر در این موارد:

- میت بدون غسل دفن شده باشد یا غسلش باطل بوده؛
- میت بدون کفن دفن شده باشد یا به غیر دستور شرع کفن شده باشد؛
- او را رو به قبله نگذاشته باشند. شکافتن قبر در موارد فوق اگر موجب بی‌احترامی به میت نشود، جایز است؛

- میت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالک زمین راضی نشود؛
- کفن یا چیز دیگری که با میت دفن شده غصبی باشد و صاحب آن راضی نشود که در قبر بماند؛

- چیزی از مال خود میت که به ورثه رسیده، با او دفن شده باشد و ورثه راضی نشوند که در قبر بماند، مگر چیز مختصری که ماندن آن در قبر اجحاف به ورثه نباشد که در این صورت احتیاط واجب است که نبش قبر نکنند؛
- برای ثابت شدن حقی، بخواهند بدن میت را ببینند؛

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۷۳ و ۷۴، م ۴ و ۵.

۲. همان، ص ۷۲.

- میت را در جایی که بی‌احترامی به اوست مثل قبرستان کفار یا جایی که خاکروبه می‌ریزند، دفن کرده باشند؛
 - برای امری که اهمیت آن از شکافتن قبر بیشتر است، قبر را نبش کنند، مثلاً بخواهند بچه زنده‌ای را از شکم زن مدفون، بیرون آورند؛
 - بترسند که دشمن یا درنده‌ای آن را بیرون آورد یا سیل آن را ببرد؛
 - بخواهند قسمتی از بدن میت را که با آن دفن نشده، دفن کنند؛ ولی بنابر احتیاط واجب آن قسمت را طوری در قبر بگذارند که بدن میت دیده نشود؛
 - • جسد میت از بین رفته و خاک شده باشد.^۱
۲. نبش قبر امامزاده‌ها و شهدا و علما و ضلحا، اگرچه سال‌ها بر آن گذشته باشد، در صورتی که زیارتگاه باشد، حرام است. بلکه اگر زیارتگاه هم نباشد، بنابر احتیاط واجب نباید آن را نبش کرد.^۲

کج پرسش

۱. آداب هندسی و معماری قبر چیست؟
۲. محرمات عزاداری بر میت کدام است؟
۳. مردی از دنیا رفته و برای مخارج کفن و دفن خود وصیتی ندارد. مخارج آن از کجا تأمین می‌شود؟
۴. چه کسانی را نباید حنوط کرد؟
۵. آیا قبرستان‌های ویران و متروک را می‌توان تبدیل به مدرسه یا فضای آموزشی کرد؟

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۷۲؛ توضیح المسائل؛ م ۶۴۱ و ۶۴۳. به فتوای برخی از فقها، در برخی از موارد که زمین یا کفن غصبی باشد یا چیز غصبی با میت دفن شده باشد، نمی‌توان قبر را نبش کرد.

۲. همان، م ۶۴۳.

ارث

«... لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيباً مَّفْرُوضاً»

برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان بر جای گذاشته‌اند سهمی است و برای زنان نیز از آنچه پدر و مادر و خویشان بر جای گذاشته‌اند سهمی خواهد بود، کم باشد یا زیاد، سهم هر کدام مشخص شده است^۱

با مرگ انسان، ملکیت او نیز زایل می‌شود و اموال وی به دیگران می‌رسد. اسلام با در نظر گرفتن مصالح فرد و اجتماع، سهم هریک از بازماندگان میت را مشخص کرده و به تمام نزاع‌ها و مشکلاتی که بر تقسیم اموال میت وجود داشته، خاتمه داده است.

مصارف ترکه (اموال) میت

ترکه میت در مصارف زیر به ترتیب مصرف می‌شود:

۱. پرداخت بدهی‌هایی که متعلق به عین ترکه است؛ مانند خمس و زکاتی که به مال موجود تعلق گرفته، ولی پرداخت نشده است.

۲. تجهیز میت، مانند مخارج کفن، دفن، خرید سدر و کافور، خرید زمین قبر و آنچه مربوط به دفن است. مگر آنکه میت، زنی است شوهر دار که در این صورت این گونه مخارج بر عهده شوهر اوست. یا در این مورد وصیت کرده باشد.

۳. دیونی که بر ذمه میت است؛ مانند خمس و زکاتی که بدهکار است، هر چند اموال موجود متعلق خمس نباشد و همچنین بدهکاری به افراد نیز از اصل ترکه میت پرداخته می شود.

۴. وصیت میت بر ثلث؛^۱ مثلاً میت وصیت کرده یک سوم اموال او یا بخشی از آن را به مصرفی برسانند، اما وصیت به بیش از یک سوم با اجازه ورثه قابل عمل است.

۵. آنچه پسر بزرگ تر، از پدر ارث می برد (قرآن، انگشتر، لباس).

۶. بقیه اموال میت مطابق قانون ارث به ورثه او می رسد.^۲

طبقات ارث

کسانی که با خویشاوندی نسبی از میت ارث می برند، به سه گروه (طبقه) تقسیم می شوند:

- گروه اول: $\left. \begin{array}{l} ۱. پدر و مادر \\ ۲. فرزندان \end{array} \right\}$
- گروه دوم: $\left. \begin{array}{l} ۱. جد و جدّه \\ ۲. برادر و خواهر \end{array} \right\}$
- گروه سوم: $\left. \begin{array}{l} ۱. عم و عمتّه \\ ۲. دایی و خاله \end{array} \right\}$

۱. بحث وصیت مالی در درس ۶۷ گذشت.

۲. رساله ارث، تألیف حاج ملا هاشم خراسانی با حواشی امام خمینی، ص ۳۱ به بعد. به فتوای برخی از فقها، سایر سلاح های میت مثل خنجر و تفنگ وی نیز به پسر بزرگ وی می رسد و نیز نسبت به کتاب های میت با سایر ورثه مصالحه کنند.

با وجود گروه اول، گروه دوم و سوم ارث نمی‌برند، حتی اگر یک نفر از آنها زنده باشد، و با وجود گروه دوم چیزی به گروه سوم نمی‌رسد.^۱

* زن و شوهر جزو هیچ کدام از این سه گروه به حساب نمی‌آیند و با وجود هریک از سه گروه نیز از یکدیگر ارث می‌برند و وجود هیچ یک از این طبقات، مانع تمام ارث آن دوازده یکدیگر نیست.^۲

سهام و رثه

سهام جمع سهم و سهم مقدار مالی است که وارث از میت ارث می‌برد.

انواع سهم

۱. بالفرض: مقدار سهمی است که در قرآن به صراحت بیان شده است.

۲. بالقرا به: سهمی که در قرآن به صراحت بیان نشده و ادله دیگر آن را بیان می‌کند.^۳

سهام مفروض در سوره نساء آمده است و آیات آن چنین است:

$$\frac{1}{4} \leftarrow \text{آیه های ۱۰ و ۱۲ و ۱۷۵} \quad \frac{1}{3} \leftarrow \text{آیه های ۱۱ و ۱۲}$$

$$\frac{1}{4} \leftarrow \text{آیه ۱۲} \quad \frac{1}{6} \leftarrow \text{آیه های ۱۱ و ۱۲}$$

$$\frac{1}{8} \leftarrow \text{آیه ۱۲} \quad \frac{2}{3} \leftarrow \text{آیه های ۱۱ و ۱۷۵}$$

چون بیان تمام سهام ارث و صاحبان آنها از گنجایش این کتاب بیرون است، تنها به بیان و گروه اول و مقدار سهامشان و توارث همسران اکتفا می‌کنیم و برای اطلاع گسترده در این باره می‌توان به رساله توضیح المسائل یا سایر کتب فقهی مراجعه کرد.

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الارث، ص ۳۷۸.

۲. همان، ص ۳۹۶، م ۱، توضیح المسائل، م ۲۷۳۰.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب الارث، الامر الثالث فی السهام، حصص ۳۷۳ و ۳۷۴.

توارث همسران^۱

۱. زن و شوهر زمانی از یکدیگر ارث می‌برند که عقد آنها دائمی باشد.^۲
۲. شوهر از تمام اموال همسر خود ارث می‌برد (چه منقول، چه غیر منقول) ولی اگر شوهر بمیرد، همسرش از زمین ارث نمی‌برد و از ساختمان و درخت و کشتزار نیز فقط از قیمت آنها ارث می‌برد نه از اصل آنها.^۳

۱. میت فرزندی ندارد: $\frac{1}{2}$ به همسر و $\frac{1}{3}$ به سایر ورثه می‌رسد.	شوهر بمیرد
۲. میت فرزندی دارد: $\frac{1}{8}$ به همسر و $\frac{7}{8}$ به سایر ورثه می‌رسد.	
۱. میت فرزندی ندارد: $\frac{1}{4}$ به شوهر و $\frac{3}{4}$ به سایر ورثه می‌رسد.	زن بمیرد
۲. میت فرزندی دارد: $\frac{1}{4}$ به شوهر و $\frac{3}{4}$ به سایر ورثه می‌رسد.	

ارث گروه اول

۱. پدر و مادر میت زنده‌اند:

۱. یک پسر: مادر، پدر و پسر	الف - میت فرزندی دارد
۲. چند پسر: پدر، مادر و پسران. (به طور مساوی)	
۳. یک دختر (میت برادر و خواهر دارد): پدر، مادر، دختر و باقیمانده را چهار قسمت کرده، پدر، دختر یعنی $\frac{2}{3}$ به دختر، $\frac{1}{3}$ به پدر و $\frac{1}{6}$ به مادر.	
۴. یک دختر (میت برادر و خواهر ندارد یا کمتر از تعدادی است که در پاورقی آمده است): پدر، مادر، دختر.	
۵. چند دختر: پدر، مادر و بین دختران به طور مساوی تقسیم می‌شود.	
۶. هم دختر و هم پسر: پدر، مادر، بین فرزندان تقسیم می‌شود (پسر دو برابر دختر)	

۱. تحریر الوسیله، ج ۱، الامر الثالث فی السهام، ص ۳۷۳.

۲. همان، ج ۲، ص ۳۹۶، م ۲.

۳. تحریر الوسیله، ج ۲، المقصد الثانی فی المیراث بسبب الزوجیه، ص ۳۹۷، م ۵.

۴ - اگر دو برادر یا چهار خواهر و یا یک برادر و دو خواهر پدری داشته باشند، مادر یک ششم می‌برد؛ ولی اگر برادر و خواهر ندارد یا به این تعداد نیستند، یک پنجم می‌برد.

۱. میت برادر و خواهر ندارد یا کمتر از تعدادی است که در فرض
 بعدی خواهد آمد $\frac{2}{3}$ پدر و $\frac{1}{3}$ مادر. } ب- میت فرزند ندارد
 ۲. میت برادر و خواهر دارد $\frac{2}{3}$ پدر و $\frac{1}{3}$ مادر (در صورتی که دو برادر یا چهار
 خواهر یا یک برادر و دو خواهر باشند و با میت پدر و مادری یا پدری باشند).

۲. یکی از آنها زنده و دیگری مرده است:

- یک پسر دارد $\frac{1}{2}$ پدر یا مادر، $\frac{2}{3}$ پسر.
 • چند پسر دارد $\frac{1}{2}$ پدر یا مادر و $\frac{2}{3}$ پسرها (به طور مساوی).
 • یک دختر دارد $\frac{1}{2}$ پدر یا مادر و $\frac{2}{3}$ دختر.
 • چند دختر دارد $\frac{1}{2}$ پدر یا مادر و $\frac{2}{3}$ دخترها (به طور مساوی).
 • هم دختر و هم پسر $\frac{1}{2}$ پدر یا مادر، $\frac{2}{3}$ دخترها و پسرها (پسر دو برابر دختر).

(ب) میت فرزند ندارد: همه اموال به پدر یا مادر می‌رسد.^۱

۳. پدر و مادر میت مرده‌اند:

- یک دختر یا یک پسر همه اموال به او می‌رسد.
 • چند پسر یا چند دختر همه اموال به طور مساوی بین آنها تقسیم می‌شود.
 • هم پسر و هم دختر همه اموال بین آنها تقسیم می‌شود (پسر دو برابر دختر).

(ب) میت فرزند ندارد به وارث دسته دوم می‌رسد.

۱. تحریر الوسیله، ج ۲، المقصد الاول في ميراث الانساب، ص ۳۶۰.

پرسش

۱. چه مقدار از مخارج کفن و دفن و مراسم سوگواری میت از ترکه او برداشته می‌شود؟
۲. آیه ۱۲ از سوره نساء کدام یک از سهام مفروض را بیان می‌کند؟
۳. فرزند میت مانع سهم بری کامل چه کسانی است؟
۴. تفاوت ارث بری زن و شوهر از یکدیگر در چیست؟
۵. اگر مردی بمیرد و همسرش زنده است و از گروه اول کسی وجود ندارد اموال او به چه کسی می‌رسد؟
۶. اگر زن بمیرد و وارث وی شوهرش و مادرش و سه دختر و یک پسر است، سهام هر کدام از آنها چقدر است؟



جدول تفاوت فتاوا

مطابق با نظریات ۱۳ تن از مراجع معظم تقلید

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

تفاوت فتاوی مراجع معظم تقلید، مسأله‌ای متداول و دارای سابقه بسیار است. برای متخصصان و صاحب نظران و اهل فن در رشته‌های گوناگون علمی واضح است که در صورت تعدّد عالمان و نظریه پردازان در علوم مختلف، تفاوت دیدگاه و رأی پیش خواهد آمد و هرگز دانشمندان یک رشته در تمام فروع مرتبط با آن دارای یک نظر نخواهند بود و چنانچه دیدگاه‌ها و نظریه‌ها و آراء مختلف هستند به دلیل و برهان باشد نه تنها مطرود و ناپسند نخواهد بود بلکه امری مقبول و مطلوب و پذیرفته شده و پسندیده است و موجب پویایی و پیشرفت آن علم خواهد شد.

بی شک علم فقه که رشته‌ای ویژه در بین دانش‌های دینی است از این قاعده مستثنی نیست، و فقیهان نیز ممکن است در فروع فقه، دارای تفاوت نظر و فتوا باشند، اما ناگفته نماند که تفاوت فتاوا با وجود مجتهدان متعدّد هر چند فی نفسه مطلوب است و دارای برکات زیادی است ولی چنانچه مکلفان در عمل به فتوا بر یک نظریه عمل کنند و پیرو مقلّد یک فقیه جامع شرایط باشند، برکات بیشتری خواهد داشت؛ ولی از آنجا که امروزه در حوزه‌های علمیه صدها مجتهد و فقیه صاحب نظر وجود دارد و بسیاری از آنها نیز دارای مقلّدانی نیز هستند و در برخی از مسایل جزئی فقهی نیز دارای فتاوی متفاوتی می‌باشند، آشنایی عالمان دینی و مبلغان و پاسخگویان به مسایل شرعی به آن فتاوا ضرورتی است اجتناب ناپذیر. ولی دستیابی و جمع بندی آنها نیز امری است دشوار؛ لذا بر آن شدیم تا اهمّ این تفاوت‌ها را از ابواب مختلف احکام دینی بر اساس کتاب «درسنامه فقه» سامان دهیم. ابتدا این کار توسط تعدادی از خواهران دانش‌پژوه حوزه علمیه علی بن موسی الرضا (ع) (تهران) انجام پذیرفت و چندین بار نیز جرح و تعدیل و اصلاح شد و اکنون به صورت جزوه حاضر به محضر عالمان و طلاب علوم دینی و مراکز پاسخگویی تقدیم می‌داریم. امید داریم راهنمای خوبی باشد؛ ولی از آنجا که تدوین چنین

جزواتی دقت وافرو صرف وقت زیادی می‌طلبد، بی‌شک عاری از نقص و عیب نخواهد بود که برای اصلاح و تکمیل آن از نظریات اهل فن استقبال می‌کنیم.

یادآوری چند نکته:

۱. فتاوی‌ای مراجع معظم تقلید. بجز تعداد اندکی. از کتاب شریف «توضیح المسایل مراجع»، چاپ و نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (چاپ هفدهم؛ ۱۳۸۸ هـ.ش) آورده شده است.
۲. ضمن احترام ویژه به مراجع معظم تقلید، اسامی آن بزرگواران جهت اختصار بدون القاب آورده شده است.
۳. در چندین مسأله فتاوی‌ای برخی از مراجع تقلید به دست نیامده که در آینده امیدواریم بتوانیم با استفاده از سایر تألیفات فقهی آنان یا استفتاء از محضر شریفشان در صورتی که تفاوت فتوایی وجود داشته باشد بر آن بیفزاییم.
۴. برای اطمینان بیشتر و در صورت نیاز مراجعه به اصل مسایل، مآخذ آنها نیز با علائم اختصاری: د= درستنامه فقه، ت= توضیح المسایل مراجع، ص= صفحه، م= مسأله، پ= پاورقی، آورده شده است.
۵. امیدواریم در آینده نزدیک بتوانیم فتاوی‌ای سایر مراجع تقلید را نیز بر آن بیفزاییم.
۶. در پایان از دانش پژوهان حوزه علمیه علی بن موسی الرضا (علیهما السلام) که در تنظیم و آماده‌سازی این نوشته ما را یاری دادند و همچنین حضرات آقایان سیدمحمدتقی محمدی و محمدجواد غفوری و محمدحسن دهقان که در تصحیح نهایی آن زحمت فراوانی را متحمل شدند، تشکر کرده و توفیق همگان را از خداوند بزرگ خواستاریم.

ربنا تقبل منا انک انت السميع العليم

حوزه علمیه قم - محمد حسین فلاح زاده

تابستان ۱۳۹۵ هـ. ش

تقلید

تقلید ابتدایی از مجتهد میت (د: ص ۵۱ پ ۱ ت: م ۹)	
جایز نیست.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
جایز است (به شرط آنکه در زمان حیات آن مجتهد متمیز بوده باشد هر چند که بالغ نبوده باشد).	آیت الله زنجانی
بنابر احتیاط جایز نیست.	آیت الله خامنه‌ای
عدول از مجتهد زنده به زنده مساوی (د: ص ۵۴ پ ۱ ت: پس از مسأله ۱۳، مسأله اختصاصی ۱۴)	
جایز نیست	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، (بنابر احتیاط واجب: آیت الله مکارم)
جایز است.	آیات عظام: بهجت، فاضل، تبریزی
جایز است، اگر علم اجمالی به مخالفت با واقع پیدا نشود.	آیت الله سیستانی
عدول از مجتهد مرده به زنده (د: ص ۵۴ پ ۳ ت: م ۱۰)	
عدول از مجتهد مرده به زنده جایز است.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، فاضل، گلپایگانی، نوری
عدول از مجتهد اعلم مرده جایز نیست مگر آنکه فتوای میت احتیاط باشد و عدول از احتیاط واجب به فتوای مجتهد زنده اشکال ندارد.	آیات عظام: بهجت، سیستانی، صافی، مکارم

طهارت؛ وضو

مقدار واجب مسح پا (د: ص ۷۴ پ ۲ و ص ۳۳ پ ۳ ت: م ۲۵۲)	
از نوک انگشت تا برآمدگی پا.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، زنجانی، مکارم، فاضل، نوری
بنابر احتیاط واجب از نوک انگشت تا مفصل.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی
باید از نوک انگشت تا مفصل مسح شود.	آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سیستانی

مسح سر یا دست راست (د: ص ۷۴ پ ۳ ت: م ۲۴۹)	
بنابر احتیاط واجب مسح با دست راست باشد.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
لازم نیست با دست راست باشد.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، سیستانی، فاضل
وجوب ترتیب در مسح پا (د: ص ۷۴ پ ۳ ت: شرایط وضو، شرط نهم)	
پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند مسح همزمان نیز صحیح است.	آیات عظام: اراکی، سیستانی، گلپایگانی، بهجت
پای راست را باید پیش از پای چپ مسح کند.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری
بنابر احتیاط واجب پای راست را پیش از پای چپ مسح کند.	آیات عظام: زنجانی، صافی، مکارم، خویی، فاضل، تبریزی
مسح پای راست با دست راست (د: ص ۷۴ پ ۳ ت: م ۲۵۲)	
لازم نیست پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح شود.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، خامنه‌ای، زنجانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
بنابر احتیاط واجب پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح شود.	آیت الله تبریزی، آیت الله خویی
نبودن رطوبت در دست برای مسح (د: ص ۷۵ پ ۱ ت: م ۲۵۷ و ۲۵۸)	
باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
باید از ریش خود رطوبت بگیرد.	آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی
بنابر احتیاط از ریش خود رطوبت بگیرد.	آیت الله بهجت، آیت الله زنجانی ملاحظه: منظور از ریش چانه است.
وضو گرفتن در نه‌های بزرگ در صورت نهی صاحبانش (د: ص ۸۰ پ ۲ ت: م ۲۷۱)	
بنابر احتیاط واجب جایز نیست.	آیات عظام: امام خمینی، مکارم، گلپایگانی، صافی، نوری، خامنه‌ای، فاضل، اراکی
جایز و صحیح است.	آیات عظام: تبریزی، سیستانی، زنجانی
اگر سیره مردم وضو گرفتن است جایز است.	آیت الله بهجت، آیت الله خویی

نیت وضوی نیابتی (د: ص ۸۲ پ ۱ ت: ۲۸۶)	
فقط وضو گیرنده نیت کند و نیت نایب لازم نیست.	آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، خویی، تبریزی، صافی، زنجانی، نوری، بهجت، مکارم، خامنه‌ای، اراکی
باید هر دو نیت کنند بنابر احتیاط واجب.	آیت الله فاضل
اگر نائب او را وضو می‌دهد و خودش مشارکتی ندارد احتیاط واجب هر دو نیت وضو کنند.	آیت الله سیستانی
زخم باز صورت یا دست که آب برای آن ضرر دارد (د: ص ۸۴ پ ۲ ت: م ۳۲۵)	
شستن اطراف زخم کافی است و گذاشتن جبیره احتیاط مستحب است.	آیات عظام: امام خمینی، خویی، خامنه‌ای، سیستانی، تبریزی، گلپایگانی، مکارم، نوری، صافی
دست تر بر آن بکشد و اگر ممکن نیست وضوی جبیره‌ای بگیرد، بنابر احتیاط واجب.	آیات عظام: اراکی، فاضل، بهجت (مستحب است جبیره بگذارد: آیت الله مکارم)
در شکستگی تیمم نیز لازم است.	آیت الله زنجانی (به احتیاط واجب: آیت الله صافی)
چیز پاک روی آن بکشد مانند پارچه یا پلاستیک و دست تر روی آن بکشد.	آیت الله زنجانی
در شکستگی باید تیمم کند.	آیت الله سیستانی، آیت الله خویی
فرا گرفتن جبیره تمام صورت یا تمام دست (د: ص ۸۵، ۵۹؛ ۱۵۹ ت: م ۳۳۰)	
باید وضو جبیره بگیرد و تیمم لازم نیست.	آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، اراکی، سیستانی، فاضل، خامنه‌ای، نوری
باید وضو جبیره بگیرد و بنابر احتیاط واجب تیمم نماید. به شرط آنکه جبیره تمام یا بعضی مواضع تیمم را نپوشانده باشد.	آیات عظام: بهجت، گلپایگانی، صافی
بنابر احتیاط باید تیمم کند و وضوی جبیره‌ای نیز بگیرد.	آیات عظام: تبریزی، خویی، مکارم

کفایت غسل از وضو (د: ص ۹۲ پ ۳: ت: م ۳۹۱)	
فقط غسل جنابت وضو ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، فاضل، خامنه‌ای، صافی، گلپایگانی، بهجت
با هر غسلی می‌توان نماز خواند به جز استحاضه متوسطه.	آیات عظام: تبریزی، سیستانی، خویی، نوری، (به جز استحاضه: آیت الله زنجانی)
با هر غسلی می‌توان بدون وضو نماز خواند.	آیت الله مکارم
پاک بودن بدن قبل از غسل ارتماسی (د: ص ۹۲ پ ۴: ت: م ۳۷۲)	
لازم نیست به شرط آنکه با آن آب که غسل می‌کند نجس نشود مثلاً با آب کر غسل کند.	آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، زنجانی
لازم و واجب است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، گلپایگانی، صافی، فاضل، نوری
بنابر احتیاط واجب لازم است پاک باشد.	آیت الله مکارم
نحوه غسل جبیره‌ای (د: ص ۹۲ پ ۵: ت: م ۳۳۹)	
بنابر احتیاط واجب ترتیبی باشد.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، مکارم، سیستانی، خامنه‌ای، صافی، فاضل
ارتماسی هم صحیح است.	آیات عظام: اراکی، گلپایگانی، زنجانی
باید ترتیبی باشد.	آیات عظام: نوری، تبریزی، خویی
پیش آمدن حدث اصغر بین غسل (د: ص ۹۳ پ ۱: ت: م ۳۸۶)	
غسل باطل نمی‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، نوری، صافی، سیستانی، زنجانی، خامنه‌ای، گلپایگانی، فاضل، مکارم
باطل است.	آیت الله بهجت، آیت الله خویی
بنابر احتیاط واجب دوباره غسل کند.	آیت الله تبریزی
این غسل کفایت از وضو نمی‌کند.	به نظر همه مراجع تقلید

قرائت سوره‌های سجده دار برای جنب (د: ص ۹۳ پ ۴ ت: م ۳۵۵)	
فقط خواندن آیه سجده دار حرام است.	آیات عظام: تبریزی، سیستانی، مکارم، خامنه‌ای، خویی، گلپایگانی، صافی
خواندن سوره سجده دار حرام است.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، فاضل، توری (خواندن آیه سجده دار حرام است و بنابر احتیاط آیات دیگر یا قسمتی از یک آیه نیز جایز نیست: آیت الله زنجانی)

طهارت؛ تیمم

کیفیت تیمم بدل از وضو و بدل از غسل (د: ص ۹۷ پ ۲ ت: م ۷۰۱)	
یک بار دست‌ها را بر زمین زده و بر پیشانی و پشت دست‌ها بکشد.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، اراکی، توری
یکبار دست‌ها را بر زمین زده و بر پیشانی و پشت دست‌ها بکشد و بنابر احتیاط واجب یکبار دیگر بر زمین بزند و بر دست‌ها بکشد.	آیت الله خامنه‌ای (بنابر احتیاط مستحب در تیمم بدل از غسل بار دیگر بر زمین بگذارد: آیت الله مکارم)
تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک (د: ص ۹۸ پ ۱ ت: م ۶۸۵)	
قبل از پخته شدن صحیح است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، توری
تیمم بر اقسام سنگ‌ها صحیح نیست مگر آنکه پودر شده باشد.	آیت الله زنجانی
پس از پخته شدن نیز صحیح است.	آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سیستانی: ولی احتیاط مستحب است بر گچ و آهک پخته تیمم نکند.

تیمم بر گل پخته مثل آجر و کوزه (د: ص ۹۸ پ ۱ ت: م ۶۸۴)	
صحيح نیست.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، مکارم، نوری، گلپایگانی، صافی، (بنابر احتیاط واجب: آیت الله مکارم)
صحيح است.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل
قبل از پخته شدن جایزه بعد از پخته شدن اگر چیز دیگری ندارد احتیاطاً هم بر اینها و هم بر گل یا غبار تیمم نماید	آیت الله بهجت
صحيح است به شرط بودن شدن.	آیت الله زنجانی
کفایت تیمم بدل از غسل از وضو (د: ص ۹۹ پ ۱ ت: م ۷۲۳)	
فقط تیمم بدل از غسل جنابت کفایت از وضو می‌کند.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی
تیمم بدل از هر غسلی (چه واجب چه مستحب) کفایت از وضو می‌کند.	آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم
تیمم بدل از هر غسلی کفایت از وضو می‌کند به غیر از استحاضه متوسطه که وضو لازم دارد.	آیت الله نوری
تیمم بدل از هر غسلی کفایت از وضو می‌کند به جز استحاضه که بنابر احتیاط واجب وضو لازم دارد.	آیت الله زنجانی
پیش آمدن مبطل وضو، پس از تیمم بدل از غسل (د: ص ۹۹ پ ۲ ت: م ۷۲۴)	
اگر نمی‌تواند غسل کند باید وضو بگیرد و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد باید بدل از وضو تیمم نماید.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، خامنه‌ای، زنجانی، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
باید بدل از غسل تیمم کند.	آیت الله تبریزی، آیت الله خویی
بنابر احتیاط واجب بدل از غسل تیمم کند و وضو هم بگیرد و اگر وضو نمی‌تواند بگیرد، تیمم کند یکی بدل از غسل و یکی بدل از وضو.	آیت الله صافی

طهارت؛ نجاسات

حکم فضله پرندگان حرام گوشت (د: ص ۱۰۲ پ ۴ ت: م ۸۵)	
نجس نیست.	آیات عظام: اراکی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، خویی، تبریزی، صافی
نجس است.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، نوری
بنابر احتیاط اجتناب شود.	آیت الله زنجانی
خون داخل تخم مرغ (د: ص ۱۰۶، پ ۱ ت: م ۹۸)	
بنابر احتیاط واجب باید از خوردن آن تخم مرغ اجتناب کرده ولی اگر خون در رده باشد و پوسته آن پاره نشده سفیده تخم مرغ پاک است.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، بهجت
نجس نیست ولی خوردنش حرام است. (احتیاط مستحب از زرده‌ای که خون در آن است اجتناب شود: آیت الله سیستانی)	آیات عظام: خامنه‌ای، سیستانی، مکارم
نجس نیست ولی احتیاط واجب از خوردن خون اجتناب کند ولی اگر با زدن تخم مرغ خون از بین برود خوردن زرده اشکال ندارد.	امام خمینی، آیت الله فاضل
بنابر احتیاط واجب نجس است و خوردن آن نیز حرام است.	آیت الله نوری
حکم آب انگور جوش آمده (د: ص ۱۰۷ پ ۷ ت: م ۱۱۳)	
پاک، ولی خوردن آن حرام است.	آیات عظام: خویی، فاضل، تبریزی، سیستانی، گلپایگانی، صافی
نجس و بنابر احتیاط خوردنش حرام است.	آیت الله بهجت (بنابر احتیاط نجس ولی خوردنش حرام است: آیت الله زنجانی)
مست کننده باشد نجس است. مست کننده نباشد پاک است ولی خوردنش حرام است.	امام خمینی، آیت الله خامنه‌ای
به خودی خود جوش بیاید حرام و نجس با حرارت جوش بیاید پاک ولی حرام است.	آیات عظام: مکارم، نوری، اراکی

حکم کشمش و خرماي پخته (د: ص ۱۰۷ پ ۸ ت: م ۱۱۴)	
نجس و حرام نیست هر چند بجوشد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، مکارم، صافی گلپایگانی، نوری، زنجانی، خویی، تبریزی، سیستانی، فاضل
بنابر احتیاط، نجس و حرام است.	آیت الله بهجت
خرما پاک است و حلال. ولی کشمش اگر خود بخود جوش آید نجس و حرام است والا پاکه اما خوردنش حرام است.	آیت الله اراکی
حکم متنجس سوم و چهارم (د: ص ۱۰۸ پ ۴ ت: م ۱۲۵)	
متنجس چهارم نجس کننده نیست.	امام خمینی، آیت الله نوری
متنجس سوم نجس کننده نیست.	آیات عظام: سیستانی، فاضل، خامنه‌ای، مکارم
بنابر احتیاط واجب اجتناب کنند.	آیت الله خویی
مطلقاً نجس کننده است.	آیات عظام: تبریزی، صافی، بهجت
مقدار آب کر (د: ص ۱۱۲ پ ۲ ت: م ۱۶)	
$\frac{3}{5} \times \frac{3}{5} \times \frac{3}{5}$ وجب	آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، زنجانی، سیستانی، مکارم، اراکی، خامنه‌ای، فاضل، نوری
$3 \times 3 \times 3$ وجب	آیت عظام: خویی، تبریزی، بهجت، صافی
نسبت به وزن آب کر نیز نظرات متفاوتی وجود دارد ولی نظر اکثر حدود ۴۱۹، ۳۷۷ کیلوگرم است.	

طهارت؛ مطهرات

تطهیر باطن حبوبات نجس (د: ص ۱۱۷ پ ۴ ت: م ۱۶۴)	
در داخل آب کر یا جاری قرار دهند و آب داخل آن نفوذ کند پاک می‌شود.	آیات عظام: گلپایگانی، بهجت، صافی، سیستانی، اراکي، خویی، تبریزی، زنجانی (خشک بودن قبل از تطهیر لازم است: آیت الله صافی، آیت الله بهجت)

پاک نمی‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، نوری، فاضل، خامنه‌ای
در داخل آب کر یا جاری قرار دهند و آب داخل آن نفوذ کند و از آن خارج شود پاک می‌شود.	آیت الله مکارم
پاک کنندگی آسفالت و موزایک (د: ص ۱۱۸ پ ۴ ت: م ۱۸۴)	
پاک کننده کف یا ته کفش نیست.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، خویی، اراکی، گلپایگانی، تبریزی، فاضل، نوری، سیستانی، صافی، بهجت
پاک کننده کف یا ته کفش است.	آیت الله زنجانی، آیت الله مکارم
پاک شدن دست و پای معلولان با راه رفتن (د: ص ۱۱۹ پ ۱ ت: م ۱۸۸)	
بنابر احتیاط، پاک نمی‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، خویی، اراکی، مکارم
پاک می‌شود.	آیات عظام: نوری، زنجانی، صافی، بهجت، گلپایگانی
پاک شدن ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چهارپایان و چرخ وسایل نقلیه با حرکت بر زمین (د: ص ۱۱۹، پ ۱ ت: م ۱۸۸)	
بنابر احتیاط واجب پاک نمی‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری، تبریزی، سیستانی، فاضل، مکارم، اراکی، خویی
پاک می‌شود.	آیات عظام: بهجت، زنجانی، صافی، گلپایگانی
نظر آیت الله صافی و آیت الله گلپایگانی نسبت به حکم چرخ وسیله نقلیه یافت نشد.	
تطهیر مخرج غائط یا غیر آب (د: ص ۱۲۵، پ ۳ ت: ۸۲، ۶۹)	
پاک می‌شود. (به نظر اکثر این مراجع بنابر احتیاط باید پارچه یا کلوخ سه قطعه باشد.)	آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم، اراکی، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی
بنابر احتیاط واجب پاک نمی‌شود ولی می‌توان نماز خواند.	امام خمینی، آیت الله فاضل

نماز؛ وقت

پایان وقت نماز عصر (د: ص ۱۳۱، پ ۵ ت: م ۷۳۰ و ۷۳۱)	
آیات عظام: امام خمینی، فاضل، نوری، زنجانی، گلپایگانی، صافی، اراکی، نوری	تا مغروب است.
آیات عظام: خویی، بهجت، خامنه‌ای، سیستانی، مکارم (بنابر احتیاط تا غروب آفتاب است: آیت الله تبریزی)	تا غروب آفتاب است.
نخواندن نماز مغرب و عشا در وقت مخصوص خود ۱. عمداً ۲. با عذر (د: ص ۱۳۲، پ ۴ ت: م ۷۴۰)	
آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، خویی، صافی، گلپایگانی، نوری (اگر به واسطه عذری: آیت الله فاضل) (اگر از روی اختیار: آیت الله سیستانی)	بنابر احتیاط تا اذان صبح بدون نیت ادا و قضا بجا آورد چه عمداً چه با عذر.
آیت الله زنجانی، آیت الله مکارم	۱. عمداً: نماز وی قضا شده. ۲. با عذر: نمازش قضا نشده و باید تا قبل از اذان صبح بخواند.

نماز؛ مکان

نماز خواندن بر مکانی که با پول خمس و زکات نداده خریده است (د: ص ۱۳۹، پ ۱ ت: م ۸۷۳)	
امام خمینی (و بنابر احتیاط واجب اگر به ذمه بخرد باطل است. آیت الله فاضل، آیت الله مکارم)	تصرف در آن ملک، حرام و نمازش باطل است. الف) با عین پول خمس نداده بخرد. ب) به ذمه بخرد و بخواهد پول خمس و زکات نداده بپردازد.
آیات عظام: اراکی، بهجت، خامنه‌ای	اگر به ذمه بخرد، نمازش صحیح است.
آیت الله زنجانی	الف) تصرف در آن حرام و بنابر احتیاط مستحب نمازش باطل است.
ب) نظر آیات عظام تبریزی، گلپایگانی، صافی، خویی و نوری یافت نشد.	آیت الله سیستانی: اگر با عین پول خمس نداده بخرد تصرف بدون اذن حاکم شرع حرام و نماز بنابر احتیاط واجب باطل است.

نماز خواندن جلوتر از قبر پیغمبر (ص) و امام (ع) (د: ص ۱۴۲، پ ۱ ت: م ۸۸۴)	
اگر بی احترامی باشد حرام است ولی نماز باطل نیست.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، مکارم، خامنه‌ای، بهجت، سیستانی، فاضل، زنجانی (نماز بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست: آیت الله نوری)
بنا بر احتیاط واجب باید جلوتر یا مساوی قبر پیغمبر (ص) و امام (ع) نماز نخوانند.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی، اراکی
در صورتی که مستلزم هتک باشد نماز نخوانند و الا عیبی ندارد.	آیت الله خویی
نماز خواندن زن جلوتر از مرد (د: ص ۱۴۲، پ ۲ ت: م ۸۸۶)	
احتیاط مستحب است زن عقب تر از مرد باشد.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، صافی، زنجانی، بهجت، نوری
حداقل باید جای سجده زن از جای ایستادن مرد یک وجب عقب تر باشد.	آیات عظام: تبریزی، خویی (بنا بر احتیاط واجب: آیت الله خامنه‌ای)
باید کمی عقب تر باشد و الا نماز باطل است.	آیت الله فاضل، آیت الله مکارم (بنا بر احتیاط مقداری که جای سجده او برابر جای دو زانوی مرد در حال سجده باشد: آیت الله سیستانی)
اعاده نماز بر فرض که زن مساوی مرد یا جلوتر از او نماز خوانده باشد (د: ص ۱۴۲، پ ۳ ت: م ۸۸۷)	
لازم نیست.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، صافی، زنجانی، بهجت، نوری
لازم است.	آیات عظام: خامنه‌ای، خویی، تبریزی، فاضل، مکارم
بنا بر احتیاط لازم است.	آیت الله سیستانی
نماز خواندن زن و مرد نامحرم در مکان خلوت (د: ص ۱۴۲، پ ۴ ت: م ۸۸۹)	
نماز باطل نیست.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، خویی، تبریزی، نوری، اراکی، سیستانی، بهجت
نماز باطل است.	آیت الله گلپایگانی، آیت الله صافی (بنا بر احتیاط واجب باطل است: آیت الله زنجانی)
نماز اشکال دارد.	آیت الله مکارم

نماز؛ قرائت

تعداد تسبیحات در رکعات ۳ و ۴ (د: ص ۱۵۴، پ ۲ ت: م ۱۰۰۵)	
یک مرتبه کافی است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
بنابر احتیاط واجب، سه مرتبه بخواند.	آیت الله فاضل
شرکت در نماز جماعت برای کسی که قرائتش صحیح نیست (د: ص ۱۵۶، پ ۲ ت: م ۹۹۷)	
احتیاط مستحب است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، فاضل، مکارم، نوری
احتیاط لازم است.	آیت الله گلپایگانی، آیت الله صافی
اگر از حمد مقداری را که صحیح می‌خواند معتنا به باشد، همان را بخواند ولی اگر ناچیز باشد باید بنا بر احتیاط واجب مقداری از بقیه قرآن را به طور صحیح بخواند و اگر آن هم نمی‌شود بخواند تسبیح به آن ضمیمه کند، ولی اگر نمی‌تواند به کلی سوره را صحیح بخواند، لازم نیست چیزی عوض آن بخواند.	آیت الله سیستانی
وقف به حرکت و وصل به سکون (د: ص ۱۵۶، پ ۳ ت: م ۱۰۰۴)	
اشکال ندارد ولی احتیاط مستحب است وقف به حرکت و وصل به سکون ننماید.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، زنجانی، فاضل
بنابر احتیاط واجب جایز نیست.	آیات عظام: اراکی، خویی، نوری، گلپایگانی، صافی
وقف به حرکت بنابر احتیاط واجب جایز نیست ولی وصل به سکون جایز است.	آیت الله مکارم
احتیاط آن است که عمداً و بدون عذر وقف به حرکت نکند و وصل به سکون نکند.	آیت الله بهجت

کلمه‌ای از نماز را صحیح می‌دانسته و متوجه شود غلط خوانده (د: ص ۱۵۶، پ ۴؛ ت: م ۱۰۰۱)	
اعاده ندارد.	آیات عظام: بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، امام خمینی، خوئی، سیستانی، زنجانی، فاضل، مکارم
باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا کند.	آیات عظام: اراکی، صافی، گلپایگانی (بنابر احتیاط واجب بخواند و اگر وقت گذشته قضا کند: آیت الله نوری)
گذاشتن دستها بر زانو در حال رکوع (د: ص ۱۵۶، پ ۵؛ ت: م ۱۰۲۲)	
گذاشتن دستها بر زانو لازم نیست.	آیات عظام: صافی، خوئی، فاضل، گلپایگانی، نوری، امام خمینی، زنجانی، سیستانی، اراکی، تبریزی، بهجت
بنابر احتیاط واجب باید دستها را بر زانوها بگذارد.	آیت الله خامنه‌ای، آیت الله مکارم

نماز؛ سجده

برداشتن یکی از اعضای سجده به جز پیشانی در حال ذکر (د: ص ۱۶۰، پ ۲؛ ت: م ۱۰۵۴)	
نماز باطل است.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، زنجانی، سیستانی، مکارم، اراکی، خوئی، فاضل، نوری
نماز باطل است و بنابر احتیاط دوباره ذکر را بگوید و نماز را تمام و اعاده کند.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی (باید ذکر را دوباره بگوید و نماز را تمام کند. آیت الله تبریزی)
در غیر حال ذکر نیز بنابر احتیاط نمازش باطل است.	آیت الله سیستانی
سجده بر گل پخته (د: ص ۱۶۰، پ ۵؛ ت: م ۱۰۸۱)	
جایز است.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، بهجت، تبریزی، سیستانی، خوئی، فاضل، مکارم، نوری
جایز نیست.	آیت الله اراکی، آیت الله گلپایگانی (بنابر احتیاط واجب جایز نیست: آیت الله صافی، آیت الله زنجانی)

سجده بر فرش و مانند آن در حال تقیّه (د: ص ۱۶۱، پ ۱ ت: م ۱۰۷۲)	
در صورت امکان باید به جایی برود که بر چیزی که سجده بر آن صحیح است سجده کند.	آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، فاضل، صافی، مکارم، (بنابر احتیاط واجب: آیت الله گلپایگانی)
می‌تواند بر فرش سجده کند و لازم نیست به جای دیگری برود.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، نوری
همان نظر اکثر ولی چنانچه بر فرش سجده کرد باید نماز را دوباره بخواند.	آیت الله زنجانی
سجده بر کاغذ (د: ص ۱۶۱، پ ۴ ت: م ۱۰۸۲)	
صحیح است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خویی، تبریزی، زنجانی، نوری، (صحیح است، مگر آنکه بدانیم از پنبه یا چیزهایی که سجده صحیح نیست ساخته شده باشد: آیت الله مکارم)
اگر نمی‌داند از چیزی که سجده بر آن صحیح است ساخته شده یا نه اشکال دارد.	آیت الله گلپایگانی، آیت الله صافی
صحیح است، مگر آنکه بداند از حریر و ابریشم ساخته شده است.	آیت الله سیستانی (بنابر احتیاط واجب صحیح نیست: آیت الله فاضل)، (اگر از چوب و گیاهان - غیر از پنبه و کتان ساخته شده، صحیح است: آیت الله خامنه‌ای)
اگر احتمال می‌دهد از چیزی که سجده صحیح نیست ساخته شده بنابر احتیاط واجب سجده ننماید.	آیت الله بهجت
الف) گفتن عمدی ذکر پیش از رسیدن پیشانی به زمین و آرام گرفتن بدن یا سر برداشتن از سجده پیش از اتمام ذکر (پ) اگر سهواً باشد (د: ص ۱۶۲، پ ۳ ت: م ۱۰۵۱ و ۱۰۵۲)	
الف) نماز باطل است.	الف) آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، مکارم، نوری، سیستانی
ب) نماز صحیح است ولی دوباره باید ذکر را در حال آرامش بدن بگوید.	ب) آیات عظام: خویی، امام خمینی، نوری، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم، سیستانی، زنجانی

الف) اگر پیش از رسیدن پیشانی به زمین، ذکر بگوید، باید مجدداً در حال آرامش ذکر را بگوید و بنابر احتیاط واجب نماز را اعاده کند، اگر عمداً پیش از ذکر سر از سجده بردارد نماز باطل است.	آیات عظام: تبریزی، صافی، گلپایگانی
چسبیدن مهر به پیشانی و بدون برداشتن مهر به سجده دوم رفتن (د: ص ۱۶۳، پ ۱: ت: م ۱۰۸۶)	
باید مهر را بردارد.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری، اراکی
اشکال ندارد و دو سجده محسوب می‌شود.	آیت الله فاضل
اشکال ندارد گرچه خلاف احتیاط است.	آیت الله بهجت
بلند شدن غیر ارادی پیشانی از محل سجده (د: ص ۱۶۳، پ ۱: ت: م ۱۰۷۱)	
در صورت امکان نباید بگذارد به محل سجده برگردد و یک سجده محسوب می‌شود هر چند ذکر نگفته باشد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، سیستانی، زنجانی، مکارم
سجده به حساب نمی‌آید و باید برگردد و سجده را به طور صحیح به جا آورد.	آیات عظام: بهجت، صافی، گلپایگانی
به یاد آوردن سجده فراموش شده قبل از رکوع رکعت بعد (د: ص ۱۶۳، پ ۱: ت: م ۱۲۴۴)	
برگردد و سجده را بجا آورد و نماز صحیح است. (سجده سهو واجب نیست).	آیات عظام: اراکی، خامنه‌ای، امام خمینی، سیستانی، زنجانی، فاضل، نوری
برگردد و بجا آورد و بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو بجا آورد.	آیات عظام: تبریزی، مکارم، خویی، صافی، گلپایگانی (و اگر قرائت یا تسبیحات را خوانده بنابر احتیاط واجب دو سجده سهو برای آنها بجا آورد: آیت الله بهجت)
شنیدن آیه سجده‌دار از ضبط صوت و امثال آن (د: ص ۱۶۵، پ ۳: ت: م ۱۰۹۶)	
سجده لازم نیست مگر آنکه صدا را به صورت مستقیم برساند.	آیات عظام: بهجت، تبریزی، امام خمینی، خویی، سیستانی، نوری
بنابر احتیاط واجب سجده لازم است.	آیات عظام: اراکی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم (سجده واجب است: آیت الله خامنه‌ای، آیت الله فاضل)

نماز؛ تشهد

الف) یادآوری تشهد فراموش شده پیش از رکوع (ب) یادآوری تشهد فراموش شده در رکوع یا سجده بعد از آن (د: ص ۱۶۶، پ ۱ ت: م ۱۱۰۲)	
الف) بنشیند و تشهد بخواند و ادامه نماز. ب) پس از اتمام نماز، تشهد را قضا نماید و بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو برای تشهد فراموش شده.	الف) آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، سیستانی، زنجانی، گلپایگانی، مکارم، نوری. ب) آیات عظام: امام خمینی، بهجت، زنجانی، مکارم، نوری (باید سجده سهو به جا آورد: آیات عظام: اراکی، فاضل، گلپایگانی، صافی)، (و بنا بر احتیاط، تشهد را قضا کند: آیت الله خامنه‌ای)
الف) بنشیند و تشهد بخواند و ادامه نماز و بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو به جا آورد. ب) بنا بر احتیاط واجب تشهد را قضا نماید و دو سجده سهو بجا آورد.	الف) آیات عظام: تبریزی، صافی، گلپایگانی، خویی ب) آیت الله خویی، آیت الله تبریزی
ب) بعد از سلام دو سجده سهو بجا آورد و با آن تشهد هم قضا می‌گردد.	آیت الله زنجانی، آیت الله سیستانی
الف) باید بنشیند و تشهد بخواند و ادامه نماز. و بعد از سلام دو سجده سهو برای قیام بی‌جا و دو سجده سهو برای قرائت یا تسبیحات زیادی اگر خوانده باشد.	آیت الله بهجت
سلام نماز مقدار واجب سلام نماز (د: ص ۱۶۶، پ ۲ ت: م ۱۱۰۵)	
یکی از دو سلام آخر است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، نوری، زنجانی، مکارم
اگر السلام علینا... یگوید بنا بر احتیاط واجب باید بعد از آن السلام علیکم... هم یگوید.	آیات عظام: صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، سیستانی

نماز؛ سجده سهو

سجده سهو برای هر زیاده و نقصان (د: ص ۱۶۷، پ ۲: ت: م ۱۲۳۶)	
واجب نیست.	آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، امام خمینی، خویی، سیستانی، فاضل، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
بنابراحتیاط واجب به جا آورد.	آیت الله اراکی، آیت الله بهجت

نماز؛ شکیات

شک بین ۴ و ۵ در حالت ایستاده (د: ص ۱۸۲، پ ۱: ت: م ۱۱۹۹، فرع ششم)	
پس از نماز سجده سهو واجب نیست.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، خویی، تبریزی، سیستانی، زنجانی، فاضل، نوری
بنابراحتیاط واجب است.	آیات عظام: بهجت، گلپایگانی، صافی
سجده سهو واجب نیست و بنابراحتیاط واجب نماز را اعاده کند.	آیت الله مکارم
موارد سجده سهو (د: ص ۱۹۱، پ ۱: ت: م ۱۲۳۶)	
۱- کلام بی جا (سهوی): الف) باید سجده سهو به جا آورد. ب) بنابراحتیاط واجب.	الف) آیات عظام: امام خمینی، اراکی، زنجانی، خامنه‌ای، بهجت، تبریزی، خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری ب) آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم
۲- یک سجده فراموش شده: الف) باید سجده سهو به جا آورد. ب) بنابراحتیاط واجب. ج) بجا آوردن سجده سهو، احتیاط مستحب است.	الف) آیات عظام: اراکی، بهجت، خامنه‌ای، امام خمینی، صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری، زنجانی ب) آیات عظام: تبریزی، خویی، مکارم ج) آیت الله سیستانی
۳- شک بین ۴ و ۵: باید سجده کند.	آیات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، امام خمینی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری

۴- سلام بی جا: الف) باید به جا آورد. ب) بنا بر احتیاط واجب:	الف) آیات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، خویی، سیستانی، زنجانی، فاضل، صافی، گلپایگانی ب) آیات عظام: خامنه‌ای، امام خمینی، مکارم، نوری
۵- تشهد فراموش شده: الف) باید به جا آورد. ب) بنا بر احتیاط واجب:	الف) آیات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی ب) آیات عظام: امام خمینی، نوری، مکارم
۶- قیام بی جا: الف) باید سجده کند. ب) بنا بر احتیاط واجب:	الف) آیت الله اراکی ب) آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی، نوری، مکارم

نماز؛ مبطلات

الف) گفتن عمدی کلمه‌ای یک حرفی در نماز یا قصد فهماندن مطلبی (چه معنا دار باشد چه نباشد) ب) گفتن عمدی کلمه‌ای دو حرفی در نماز یا قصد فهماندن مطلبی (چه معنا دار و چه بی معنی) ج) گفتن کلمه‌ای یک حرفی با معنا بدون قصد معنای آن کردن (د: ص ۱۷۵، پ ۳؛ ت: ششم از مبطلات نماز، م ۱۱۳۲؛ ت: ص ۶۱۸ و ۶۱۹)	
الف) بطلان نماز. ب) بطلان نماز. ج) اعاده نماز بنا بر احتیاط واجب.	الف) آیات عظام: تبریزی، امام خمینی، نوری، سیستانی، فاضل، مکارم (هر چند قصد فهماندن مطلبی نداشته باشند: آیت الله تبریزی، آیت الله خویی) ب) آیات عظام: اراکی، زنجانی، امام خمینی، بهجت، تبریزی، صافی، گلپایگانی، (بنا بر احتیاط نماز باطل است: آیت الله مکارم) ج) آیات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، امام خمینی، خویی، زنجانی، فاضل، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری (نماز باطل نیست: آیت الله سیستانی)

آیت الله زنجانی	اگر عمداً دو حرف تولید شود نماز باطل و اگر یک حرف تولید شود بنابر احتیاط واجب نماز باطل است.
آیت الله فاضل	ج) بیان کلمه‌ای یک حرفی با معنا بدون قصد معنای آن: نماز باطل نمی‌شود، ولی دو حرفی یا بیشتر بدون معنا و بدون استعمال در معنایش بنابر احتیاط نماز باطل می‌شود.
جواب سلام در نماز (الف) تطابق با سلام ب) تقدیم سلام بر ادامه‌اش (د ص ۱۷۵، پ ۵: ت م ۱۱۳۷)	
آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، نوری	جواب مطابق با سلام باشد و کلمه «سلام» مقدم باشد.
آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم (بنابر احتیاط واجب: آیت الله خویی، آیت الله تبریزی)	همان طور که سلام کرده جواب دهد و اگر «علیک» را در سلام مقدم داشت می‌تواند سلام را مقدم یا مؤخر بدارد.
آیت الله زنجانی	اگر کلمه «علیک» را مقدم داشت با صیغه‌های سلامی که در قرآن وارد شده مانند سلام علیک یا سلام علیکم به قصد اینکه از قرآن است جواب بگوید.
آیت الله زنجانی: احتیاط واجب با صیغه‌های سلام در قرآن جواب دهد	آیت الله بهجت: باید مثل سلام او جواب بدهد.
گریه عمدی بی‌صدا در نماز برای کار دنیا (د ص ۱۷۶، پ ۳: ت م ۲۷۷، هشتم از مبطلات نماز)	
آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری	بنابر احتیاط واجب، بی‌صدا هم گریه نکند.
آیات عظام: امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، زنجانی	اشکال ندارد.

شکستن نماز برای تطهیر مسجد در وسعت وقت (د: ص ۱۷۷، پ ۵: ت: م ۱۱۶۲)	
اگر بعد از نماز تطهیر مسجد ممکن باشد شکستن نماز جایز نیست.	آیات عظام: اراکی، خویی، صافی، گلپایگانی، مکارم
باید نماز را رها کند و مسجد را تطهیر کند و بعد نماز را بخواند.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، زنجانی، فاضل، توری
اگر بعد از نماز هم تطهیر مسجد ممکن باشد شکستن نماز جایز است.	آیت الله تبریزی، آیت الله سیستانی
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	

نماز مسافر

مقدار مسافت در رفت و برگشت (د: ص ۱۹۴، پ ۲: ت: م ۱۲۷۲)	
رفت و برگشت هیچ کدام کمتر از ۴ فرسخ نباشد.	آیات عظام: اراکی، خویی، صافی، توری، گلپایگانی
لزومی ندارد رفت ۴ فرسخ باشد بلکه رفت و برگشت مجموع ۸ فرسخ باشد.	آیات عظام: بهجت، سیستانی، مکارم، زنجانی
تنها رفتن کمتر از ۴ فرسخ نباشد و مجموع سفر حداقل هشت فرسخ باشد شکسته است.	امام خمینی، آیت الله خامنه‌ای
اگر رفتن یا برگشتن کمتر از ۴ فرسخ باشد بنابراین نماز جمع (هم شکسته هم تمام)	آیت الله صافی، آیت الله اراکی
حد ترخص (د: ص ۱۹۵، پ ۳: ت: م ۱۲۸۳)	
دیوار شهر دیده نشود و صدای اذان نیز شنیده نشود.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، خامنه‌ای، صافی، فاضل، گلپایگانی، توری
اهل آنجا او را نبینند و اذان آن جا را نشنود.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، مکارم
اهل آنجا او را نبینند و نشانه‌اش این است که او اهل آنجا را نبیند.	آیت الله سیستانی
حد ترخص برای وطن است ولی اگر از غیر وطن به مسافرت می‌رود همین که از محل اقامت خارج شود نمازش شکسته است.	آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی

حکم نماز پس از حدّ ترخص و پیش از رسیدن به محل قصد اقامت (د: ص ۱۹۷، پ: ۱ ت: م ۱۳۱۹)	
بنابر احتیاط واجب باید نماز را تمام و شکسته بخواند.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، بهجت، فاضل، نوری
باید نماز را تمام بخواند.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی، اراکی، زنجانی
باید شکسته بخواند.	آیات عظام: خویی، تبریزی، سیستانی
وظیفه کثیر السفر (د: ص ۱۹۹، پ: ۵ ت: م ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷)	
کسی که شغلش مسافرت است یا مقدمه شغلش مسافرت است در سفرهای شغلی باید نماز را تمام بخواند.	آیات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
عرفاً او را کثیر السفر بگویند هر چند برای کارش نباشد نیز باید نماز را تمام بخواند.	آیات عظام: بهجت، سیستانی، زنجانی، فاضل
تنها در صورتی که شغلش مسافرت باشد نمازش در سفر شغلی تمام است.	امام خمینی
اگر به مدت یک ماه در کمتر از ده روز یک سفر داشته باشد اعم از شغلی یا غیر شغلی، نماز تمام است.	آیت الله فاضل
قصد توطن (د: ص ۲۰۰، پ: ۵ ت: م ۱۳۳۱)	
قصد ماندن همیشگی شرط نیست، اگر ماندن خود را محدود به زمان نکند، کفایت می‌کند.	آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی، نوری، گلپایگانی
قصد ماندن همیشگی شرط است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، فاضل
قصد ماندن همیشگی شرط نیست بلکه اگر طوری باشد که عرف او را در آنجا مسافر نگویند.	آیات عظام: بهجت، سیستانی، زنجانی، مکارم
اگر برای سکونت به جایی رفته باشد و بنا دارد هفت، هشت سال بماند حکم وطن دارد. ولی اگر برای کار یا امر دیگری غیر از زندگی بخواند در آنجا مدتی بماند حکم وطن ندارد.	آیت الله خامنه‌ای

اختیار بیش از دو وطن (د: ص ۲۰۱، پ ۱ ت: م ۱۳۳۲)	
اشکال ندارد.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، بهجت، خویی، سیستانی، صافی، مکارم، نوری، گلپایگانی
اشکال دارد.	آیات عظام: خامنه‌ای، امام خمینی، زنجانی، فاضل
بیرون رفتن از محل قصد اقامه در بین ده روز (کمتر از مسافت شرعی) (د: ص ۲۰۴، پ ۲ ت: م ۱۳۳۸)	
۱. با قصد قبلی: الف) حداکثر دو ساعت. ب) اگر همان روز را برگردد و شب را در محل اقامت می‌ماند باید نماز را تمام بخواند. ج) حداکثر نصف روز. د) اگر به اندازه‌ای دور نیست که جزء مسافرت محسوب شود قصد صحیح است. هـ) قسمت عمده روز را در محل اقامت باشد نماز تمام است.	الف) آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خویی، نوری ب) آیت الله اراکی، آیت الله فاضل (اگر خوابگاهش در این محل باشد کافی است و لازم نیست تصمیم داشته باشد در روز یا اوائل شب برگردد: آیت الله زنجانی) ج) آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سیستانی د) آیت الله مکارم هـ) آیت الله بهجت
۲. بدون قصد قبلی: اگر پس از خواندن حداقل یک نماز چهار رکعتی با قصد اقامه ده روز بعد از آن اگر تصمیم بگیرد به اطراف (کمتر از مسافت شرعی) برود و برگردد، هرچند طولانی باشد.	به نظر همه مراجع ضرری ندارد و باید در تمام آن مدت نماز را تمام بخواند.
وظیفه مسافری که نمازش را تمام خوانده (د: ص ۲۰۵، پ ۲ و ۳ ت: م ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲)	
۱. به علت ندانستن حکم مسافر نمازش را شکسته خوانده.	نمازش صحیح است همه مراجع.
۲. دانستن حکم سفر و ندانستن برخی از جزئیات آن. الف) نمازش باطل است. ب) در وقت متوجه شود اعاده کند و اگر بعد از وقت متوجه شود قضا لازم نیست. ج) بنا بر احتیاط واجب اعاده نماز.	الف) آیات عظام: اراکی، امام خمینی، زنجانی، فاضل، نوری ب) آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی، گلپایگانی ج) آیت الله بهجت، آیت الله مکارم (اگر در وقت متوجه شد بنا بر احتیاط باید نماز را اعاده کند و پس از وقت متوجه شد قضا ندارد: آیت الله سیستانی)

۳. فراموش کند مسافر است.	اگر در وقت متوجه شود باید شکسته بجا آورد اما اگر بعد از وقت متوجه شد قضا واجب نیست. به فتوای همه مراجع بجز آیت الله فاضل: اگر به علیت نسیان حکم بوده احتیاط واجب قضا کند
نماز در مسجد الحرام مسجد النبی و مسجد کوفه برای مسافر (د: ص ۲۰۶، پ ۱ ت: م ۱۳۵۶ مناسک حج محشی، م ۱۳۱۶)	
۱. تخییر در تمام قسمتهای مساجد و حتی قسمتهای توسعه یافته.	آیات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، امام خمینی، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم (ولی در قسمتهای توسعه یافته مسجد کوفه بنا بر احتیاط شکسته بخواند. آیت الله نوری)
۲. تخییر در مکان قدیم مساجد و در قسمتهای توسعه یافته بنا بر احتیاط شکسته بخواند.	آیات عظام: اراکی، بهجت، گلپایگانی، صافی
۳. در تمام شهر قدیم مکه و مدینه.	آیت الله تبریزی، آیت الله خویی
۴. در تمام شهر جدید مکه و مدینه.	آیات عظام: خامنه‌ای، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
۵. در هیچ جا تخییر نیست.	آیت الله زنجانی
نماز در حرم امام حسین (ع) برای مسافر (د: ص ۲۰۶، پ ۱ ت: م ۱۳۵۶)	
۱. تنها در حائر حسینی مخیر است و در فاصله دورتر بنا بر احتیاط واجب شکسته بخواند.	آیات عظام: صافی، گلپایگانی، نوری
۲. در تمام حرم مخیر است.	آیات عظام: بهجت، اراکی، خویی، تبریزی، مکارم
۳. ۱/۵ متر اطراف قبر مقدس مخیر است.	آیت الله سیستانی
۴. زیر گنبد و در رواق و مسجد متصل به حرم مخیر است.	آیات عظام: امام خمینی، فاضل، خامنه‌ای
۵. مسافر در همه جا باید نماز شکسته بخواند.	آیت الله زنجانی

نماز قضا

وقت نماز قضا (د: ۲۰۷، پ: ۲، ت: م ۱۳۷۲)	
آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، فاضل، نوری، گلپایگانی، مکارم	نباید در خواندن کوتاهی شود، ولی وجوب فوری ندارد.
آیت الله مکارم	اگر یک یا دو نماز قبلی قضا شده بنا بر احتیاط واجب پیش از نماز همان روز، آن را قضا کند.
ترتیب نماز قضا (د: ص ۲۰۸، پ: ۱، ت: م ۱۳۷۵)	
آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، امام خمینی، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری	لازم نیست به ترتیب بخواند.
آیت الله اراکی، آیت الله بهجت	باید به ترتیب خوانده شود.
آیت الله فاضل	احتیاط واجب در رعایت ترتیب است.
نماز و روزه قضای پدر بر فرض نافرمانی (د: ص ۲۰۹، پ: ۲، ت: ص ۱۳۹۰)	
آیات عظام: خویی، صافی، فاضل، گلپایگانی، خامنه‌ای، بهجت	بنا بر احتیاط، بر پسر بزرگتر واجب است.
آیات عظام: امام خمینی، اراکی، زنجانی (تا مقداری که حرجی نباشد بنا بر احتیاط واجب است: آیت الله تبریزی)	واجب است.
آیات عظام: سیستانی، نوری، مکارم	واجب نیست.
وجوب نماز و روزه قضای مادر بر پسر بزرگ (د: ص ۲۰۹، پ: ۲، ت: م ۱۳۹۰)	
آیات عظام: اراکی، فاضل، مکارم، نوری	واجب است.
آیات عظام: خامنه‌ای، گلپایگانی، صافی	بنا بر احتیاط، واجب است.
آیات عظام: تبریزی، امام خمینی، خویی، سیستانی، زنجانی	واجب نیست.
آیت الله نوری	اگر از روی نافرمانی هم بوده بنا بر احتیاط واجب است.

مراعات ترتیب در نماز قضای میت بر فرض که بدانند به ترتیب قضا شده (د: ص ۲۱۱ پ ۵: م ۱۵۴۳)	
ترتیب لازم نیست.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، سیستانی، زنجانی، صافی، گلپایگانی، مکارم، نوری
باید به ترتیب خوانده شود.	آیت الله اراکی، آیت الله فاضل
اگر ترتیب را می‌دانند باید به ترتیب قضا شود والا اگر رعایت ترتیب مستلزم تکرار عمل باشد لازم نیست.	آیت الله بهجت
بر فرض که علم به ترتیب قضا نداشته باشند، مراعات ترتیب لازم نیست.	به فتوای همه مراجع تقلید

نماز جماعت

نماز جماعت با تأخیر افضل است یا فرادی اول وقت (د: ص ۲۱۴، پ ۱: م ۱۴۰۲)	
نماز جماعت هر چند اول وقت نباشد افضل است.	آیات عظام: امام خمینی و سایر مراجع
به شرط آنکه نماز جماعت بعد از وقت فضیلت نباشد.	آیات عظام: خویی، سیستانی، زنجانی
اعاده نماز در دو جماعت (د: ص ۲۱۴، پ ۲: م ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴)	
الف) اگر جماعت دوم و اشخاص آن غیر از اول باشند اشکال ندارد.	الف) آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، فاضل، گلپایگانی، صافی، سیستانی، زنجانی، نوری، مکارم
ب) اگر فردا خوانده می‌تواند به امام جماعت اقتدا کند و دوباره بخواند یا برای دو گروه جدا امام جماعت باشد، و در غیر این صورت وجهی ندارد.	ب) آیت الله خامنه‌ای
در هر دو نماز نمی‌تواند امام جماعت باشد.	آیت الله اراکی
اگر احتمال فساد آن نماز را ندهد اشکال دارد مگر این که اماماً اعاده نماید و در بین مأمومین کسی باشد که نماز واجب را نخوانده باشد.	آیت الله خویی، آیت الله تبریزی

جواز جماعت محل تأمل است ولی در صورتی که جماعت دوم دارای مزایایی باشد که در شرع رجحان دارد و بخواهد به امید مطلوب بودن دو مرتبه به جماعت بخواند، بنابر اظهر جایز است.	آیت الله بهجت
حکم نماز کسانی که پشت دیوار ایستاده‌اند و صف جلوی خود را نمی بینند (د: ص ۲۱۶، پ ۱ ت: م ۱۴۱۴ و ۱۴۱۳)	
اگر اتصال دارند نمازشان صحیح است.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، سیستانی، گلپایگانی، ثوری، مکارم
صحیح نیست.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای
بنابر احتیاط واجب صحیح نیست.	آیات عظام: زنجانی، صافی، فاضل
امامت زن برای زنان در نماز (د: ص ۲۱۶ ت: م ۱۴۵۳)	
بنابر احتیاط واجب صحیح نیست.	آیات عظام: امام خمینی، فاضل، گلپایگانی
صحیح است.	آیات عظام: خامنه‌ای، صافی، مکارم، ثوری، بهجت، سیستانی
امامت کودک ممیز در نماز (د: ص ۲۱۶ ت: م ۱۴۵۳)	
جایز نیست.	آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، سیستانی، خامنه‌ای (بنابر احتیاط واجب: آیت الله زنجانی، آیت الله مکارم)
مانعی ندارد.	آیات عظام: اراکی، صافی، فاضل، گلپایگانی
مانعی ندارد، هر چند آثار جماعت بر آن مترتب نیست.	آیات عظام: خویی، تبریزی، ثوری
اقتدا به کسی که به واسطه عذری یا لباس نجس نماز می خواند (د: ص ۲۱۷، پ ۵ ت: م ۱۴۵۷)	
بنابر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، بهجت، گلپایگانی، صافی، فاضل، مکارم، اراکی
اشکال ندارد.	آیات عظام: خویی، سیستانی، تبریزی، زنجانی، ثوری
اقتدا به امامی که بخشی از نماز را مأموم یوده (د: ۲۱۷، پ ۷)	
اشکال ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، سیستانی

اشکال دارد.	آیت الله اراکی، آیت الله گلپایگانی
نظر سایر مراجع باید پرسیده شود.	
نماز طواف به جماعت (د: ۲۲۰، پ: ۳ مناسک حج محتسب، م ۷۸۹ و ۸۰۰)	
کسی که نمی‌تواند نماز را به طور صحیح بخواند باید هر طور می‌تواند بخواند و به جماعت نیز بخواند.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی، خویی، تبریزی، فاضل، اراکی، نوری
مشروعیت نماز طواف به جماعت ثابت نیست.	آیت الله مکارم، آیت الله خامنه‌ای
کسی که می‌تواند باید به جماعت بخواند و گرنه هر طور می‌تواند خودش نیز بخواند.	آیت الله بهجت
برخی از مراجع به جماعت خواندن نماز طواف را صحیح می‌دانند ولی لازم نمی‌دانند و اکتفا به آن را نیز جایز نمی‌دانند.	آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، سیستانی
سلام دادن نماز پیش از امام جماعت (عمداً) (د: ص ۲۲۴، پ: ۲ ت: م ۱۴۶۸)	
نماز صحیح است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، زنجانی، سیستانی، صافی، خامنه‌ای، گلپایگانی، مکارم، نوری
اشکال دارد و بنابر احتیاط واجب نماز را اعاده کند مگر آنکه پیش از سلام دادن نیت فرادی کند.	آیت الله فاضل
اگر از اول نماز قصدش این بوده نماز اشکال دارد.	آیت الله خویی
حضور کودک ممیز در صف جماعت (د: ص ۲۲۶، پ: ۳ ت: م ۱۴۱۷)	
اگر نماز می‌خواند چنانچه نداند نماز او باطل است یا شک دارند می‌توانند اقتدا کنند.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، تبریزی، سیستانی، اراکی، فاضل، نوری
اگر شک داشته باشد که نمازش صحیح است یا نه اشکال دارد.	آیت الله صافی، آیت الله گلپایگانی
یک یا دو نفر هم که نماز نمی‌خوانند اشکال ندارد.	آیت الله مکارم
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	

نماز جمعه

کفایت نماز جمعه از ظهر (د: ص ۲۳۹، پ ۲ احکام نماز جمعه ص: ۱۷)	
کفایت می کند.	همه مراجع بجز آیت الله صافی
بنابر احتیاط خواندن نماز ظهر نیز لازم است.	آیت الله صافی

نماز آیات

اکتفا به بسم الله پیش از رکوع در نماز آیات (د: ص ۲۳۶، پ ۲ ت: م ۱۵۰۸)	
می تواند اکتفا به بسم الله کند.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، زنجانی، خویی، گلپایگانی، صافی، فاضل، نوری، مکارم
بنابر احتیاط واجب اکتفا به «بسم الله» نکند و بخشی از سوره را نیز بخواند.	آیات عظام: سیستانی، خامنه‌ای، تبریزی

نماز میت

نماز خواندن بر میت در محل غصبی (د: ص ۲۳۹، پ ۱ ت: م ۵۹۸)	
صحیح است.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری
صحیح نیست.	آیات عظام: صافی، گلپایگانی (بنابر احتیاط واجب صحیح نیست. آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی)
نماز خواندن شخص معین بر میت یا اجازه ولی میت (د: ص ۲۴۰، پ ۲ ت: م ۶۰۵)	
الف) اجازه گرفتن لازم است. ب) بر ولی هم اجازه دادن واجب است	الف) آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، فاضل (بنابر احتیاط واجب لازم است آیت الله بهجت، آیت الله صافی) ب) آیات عظام: زنجانی، اراکی، گلپایگانی، صافی، بهجت (بنابر احتیاط واجب امام خمینی، خامنه‌ای، فاضل)
لازم نیست.	آیات عظام: خویی، تبریزی، سیستانی، مکارم، نوری

روژه

روژه قضای پدر بر پسر یزرگتر (د: ص ۲۵۴، پ ۴ ت: م ۱۳۹۰)	
واجب است حتی اگر از روی نافرمانی ترک کرده باشد.	آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، صافی، اراکی، خویی، فاضل، زنجانی
از روی نافرمانی ترک کرده باشد واجب نیست.	آیات عظام: سیستانی، مکارم، نوری، خامنه‌ای
واجب است تا مقداری که خرجی نباشد.	آیت الله تبریزی
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	
تزریق آمپول در حال روژه (د: ص ۲۶۰، پ ۷ ت: م ۱۵۷۶)	
تزریق هیچ نوع آمپول مبطل روژه نیست.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، نوری
فقط آمپول تغذیه‌ای بنابر احتیاط واجب جایز نیست.	آیات عظام: امام خمینی، زنجانی، مکارم
باید از آمپول تغذیه‌ای اجتناب کند.	آیت الله بهجت، آیت الله فاضل
آمپول تغذیه‌ای و تقویتی و آمپولی که در رگ تزریق می‌شود بنابر احتیاط جایز نیست.	آیت الله خامنه‌ای
رساندن غبار غلیظ به حلق (د: ص ۲۶۱، پ ۱ ت: م ۱۶۰۳)	
غبار غیر غلیظ روژه را باطل نمی‌کند.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، فاضل، مکارم (غبار غلیظ بنابر احتیاط واجب مبطل است: آیت الله سیستانی)
غبار غلیظ یا غیر غلیظ روژه را باطل می‌کند.	آیت الله خویی (بنابر احتیاط واجب. آیات عظام: صافی، گلپایگانی، نوری، اراکی)
روژه را باطل نمی‌کند مگر آنکه عرفاً به فرو بردن آن خوردن بگویند بنابر احتیاط واجب.	آیت الله زنجانی
غبار غلیظ اگر در حلق تبدیل به گل شود و فرو رود روژه باطل می‌کند.	آیت الله مکارم

فرو بردن تمام سر در آب (د: ص ۲۶۲، پ ۴ ت: م ۱۶۰۸)	
بنابر احتیاط واجب روزه را باطل می کند.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری، اراکی
روزه را باطل می کند.	آیت الله خوئی، آیت الله بهجت
روزه را باطل نمی کند.	آیت الله سیستانی، (ولی معصیت کرده است آیت الله زنجانی)
روزه و فراموش کردن غسل یا تیمم (د: ص ۲۶۴، پ ۱ ت: م ۱۶۲۲)	
اگر بعد از یک یا چند روز یادش بیاید باید آن روزه‌ها را قضا نماید.	آیات عظام: امام خمینی و سایر مراجع
اگر در ماه رمضان یادش بیاید قضا واجب نیست.	آیت الله زنجانی
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	
روزه زن مستحاضه (د: ص ۲۶۴، پ ۵ ت: م ۱۶۴۳)	
مشتروط به انجام غسل‌هایی است که بر او واجب می باشد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری، بهجت، فاضل، مکارم، گلپایگانی، اراکی، صافی
مستحاضه متوسطه اگر غسل نکند روزه اش صحیح است.	آیت الله تبریزی، آیت الله خوئی
مستحاضه خواه متوسطه خواه کثیره اگر غسل نکند روزه اش صحیح است.	آیت الله زنجانی، آیت الله سیستانی
قی کردن عمدی روزه دار (د: ص ۲۶۸، پ ۱ ت: م ۱۶۸۵ و ۱۶۸۸)	
قضا واجب است ولی کفاره ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، سیستانی، فاضل، مکارم، گلپایگانی، صافی، بهجت، خامنه‌ای
قضا و کفاره واجب است.	آیات عظام: تبریزی، زنجانی، نوری، خوئی
قضا واجب و کفاره احتیاط واجب.	آیت الله اراکی
وظیفه کسی که چند ماه روزه قضا دارد (د: ص ۲۷۱، پ ۲ ت: م ۱۶۹۸)	
مستحب است اول قضای ماه رمضان آخر را بگیرد.	آیات عظام: تبریزی، خوئی، سیستانی، صافی، گلپایگانی، نوری
به احتیاط واجب اول قضای ماه رمضان آخر را بگیرد.	آیات عظام: اراکی، فاضل، مکارم
باید اول قضای ماه رمضان آخر را بگیرد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای (بنابر احتیاط واجب: آیت الله بهجت)
اگر قضای قبل را بگیرد معصیت کرده ولی روزه صحیح است.	آیت الله زنجانی

کفاره باطل کردن روزه یا کار حرام (د: ص ۲۷۲، پ ۱ ت: م ۱۶۶۵)	
بنابر احتیاط کفاره جمع واجب می‌شود و اگر ممکن نباشد و هر کدام که ممکن بود.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی خویی، فاضل، مکارم، نوری، بهجت
کفاره جمع بر او واجب است و اگر ممکن نباشد هر کدام که ممکن است.	آیات عظام: اراکی، صافی، گلپایگانی، (اگر جماع حرام و خوردن یا آشامیدن حرام باشد آیت الله زنجانی)
بنابر احتیاط مستحب کفاره جمع دارد.	آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سیستانی
وجوب روزه قضای مادر بر پسر بزرگتر (د: ص ۲۷۲، پ ۶ ت: م ۱۷۱۲ و ۱۳۹۰)	
بنابر احتیاط، واجب است.	آیات عظام: صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، بهجت، خامنه‌ای
واجب نیست.	آیات عظام: خویی، تبریزی، امام خمینی، سیستانی، زنجانی
واجب است.	آیت الله اراکی، آیت الله نوری

راه‌های ثابت شدن اول ماه

ثبوت اول ماه به حکم حاکم شرع (د: ص ۲۷۴، پ ۱ ت: م ۱۷۳۰ و ۱۷۳۱)	
اول ماه به حکم حاکم شرع نیز ثابت می‌شود.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری، بهجت
ثابت نمی‌شود.	آیت الله خویی، آیت الله سیستانی (محل اشکال است: آیت الله زنجانی)
به فتوای حضرات آیات: سیستانی، زنجانی، اگر حکم حاکم شرع موجب اطمینان شود کافی است.	
دیر غروب کردن ماه (د: ص ۲۷۴، پ ۳ ت: م ۱۷۳۲)	
دلیل بر اینکه شب پیش، شب اول ماه بوده نیست.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری، سیستانی
ثابت نمی‌شود، اما اگر ماه طوق داشته باشد، معلوم می‌شود که شب دوم ماه است.	آیات عظام: خویی، زنجانی، تبریزی
ولی اگر یقین داشته باشیم که در شب قبل، چنانچه هوا صاف هم می‌بود امکان رؤیت ماه نبود طوق داشتن ماه در شب بعد کفایت نمی‌کند.	آیت الله زنجانی

حکم ثبوت اول ماه در چند شهر یا کشور یا هم (د: ص ۲۷۴، پ ۴ ت: م ۱۷۳۵)	
باید شهرها به هم نزدیک یا هم افق باشند.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، سیستانی، مکارم (یا شهری که ماه در آن رؤیت شده در شرق آن باشد: آیت الله اراکی، آیت الله زنجانی)، (یا شهری که ماه زودتر از شهر خودش غروب کند: آیت الله گلپایگانی)
اگر در شب بودن آن اشتراک داشته باشند ثابت می‌شود.	آیات عظام: تبریزی، خویی، فاضل، نوری
بعید نیست کفایت رؤیت هلال ماه در هر محل برای سایر نقاط.	آیت الله صافی
در صورتی برای ساکنین شهر دیگر مفید است که یقین یا اطمینان کند اگر در آسمان یا زمین مانعی نبود در آنجا هم ماه دیده می‌شود چه در شرق یا غرب ولی اگر این یقین نباشد نمی‌توان به دیدن ماه در شهر دیگر اکتفا کند.	آیت الله بهجت

اعتکاف

اعتکاف در مسجد جامع و غیر آن (د: ص ۲۷۸، پ ۳ احکام اعتکاف ص ۲۹)	
در مسجد جامع نیز صحیح است و در غیر مسجد جامع جایز نیست.	آیات عظام: بهجت، تبریزی، خویی، اراکی، صافی، گلپایگانی، مکارم، فاضل، نوری
در مسجد جامع بنا بر احتیاط واجب به قصد رجاء اشکال ندارد و در غیر مسجد جامع جایز نیست.	امام خمینی
در غیر مسجد جامع نیز رجاء اشکال ندارد.	آیت الله خامنه‌ای
در مسجد جامع در صورتی که امام جماعت آن عادل باشد جایز است و الا بنا بر احتیاط واجب اعتکاف نکند.	آیت الله سیستانی

زکات غلات

کسر مخارج و حد نصاب (د: ص ۳۳۵، پ ۲: ت: م ۱۸۸۰)	
آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، مکارم، سیستانی، خویی (بنابر احتیاط: آیت الله زنجانی، آیت الله فاضل)	چنانچه پیش از کم کردن مخارج به حد نصاب برسد باید زکات آن را بدهد.
آیات عظام: اراکی، بهجت، صافی، گلپایگانی، نوری	چنانچه بعد از کم کردن مخارج به حد نصاب برسد باید زکات آن را بدهد.
زکات دامها (د: ص ۳۳۵، پ ۲: ت: م ۱۸۵۶)	
آیات عظام: اراکی، بهجت، تبریزی، سیستانی، خویی، زنجانی، فاضل، صافی، گلپایگانی (بنابر احتیاط واجب از اول ماه دوازدهم: آیت الله مکارم)	اگر یازده ماه مالک باشد باید زکات بدهد ولی اول سال بعد را باید بعد از تمام شدن ماه دوازدهم حساب کند.
آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری	بعد از دوازده ماه باید زکات بدهد.
شرط بی‌کار بودن حیوان در طول سال (د: ص ۳۳۶، پ ۱: ت: م ۱۹۰۸)	
امام خمینی و سایر مراجع	شرط است.
آیت الله سیستانی	شرط نیست و اگر بیکار نباشد بنابر احتیاط واجب زکات دارد.
بیابان چر بودن حیوان (د: ص ۳۳۶، پ ۲: ت: م ۱۹۰۸)	
امام خمینی و سایر مراجع	شرط است.
آیت الله مکارم	شرط نیست، و بنابر احتیاط واجب زکات دارد، چه بیابان چر باشد چه نباشد.
آیت الله زنجانی	اگر تنها در زمستان علف دستی می‌خورد، زکات واجب است.

زکات فطره

فطره مهمان (د: ص ۳۴۲، پ ۷ ت: م ۱۹۹۵)	
آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، فاضل، زنجانی، خامنه‌ای، مکارم، توری (و شب را نزد او مانده باشد: آیت الله سیستانی)	اگر پیش از غروب شب عید فطر وارد شده و نان خور او حساب شود واجب است.
آیت الله صافی، آیت الله گلپایگانی	اگر پیش از مغرب شب عید فطر با رضایت صاحب‌خانه وارد شود و بگویند امتب نان او را داده هرچند نان خور او محسوب نشود.
آیت الله بهجت (اگر بدون رضایت صاحب‌خانه آمده واجب نیست: آیت الله خویی)	پیش از برآمدن ماه شوال واجب است به شرط آن که برای خوردن غذا آمده باشد ولو بعداً نتواند بخورد.
به نظر آیات عظام: زنجانی، فاضل و مکارم، ولی اگر تنها همان شب را میهمان است زکات فطره وی بر میزبان واجب نیست.	
اگر میزبان فطره را نپذیرد (د: ص ۳۴۳، پ ۳ ت: م ۲۰۰۶)	
آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، خویی، خامنه‌ای، زنجانی، اراکی، فاضل، توری	بر خودش واجب نیست.
آیت الله صافی، آیت الله گلپایگانی	اگر شخص غنی نان خور فقیر باشد و فقیر فطره او را ندهد بنابر احتیاط واجب، غنی فطره خود را بدهد.
آیت الله مکارم، آیت الله سیستانی	بنابر احتیاط واجب اگر می‌تواند خودش بدهد.
دادن زکات به پسر خود برای خرید کتاب علمی - دینی (د: ص ۳۴۵، پ ۳ ت: م ۱۹۵۰)	
آیات عظام: امام خمینی و سایر مراجع	اگر به آن کتاب نیاز داشته باشد می‌تواند به او زکات بدهد.
آیت الله سیستانی	نمی‌تواند، مگر به مصلحت عام باشد و بنابر احتیاط از حاکم شرع اجازه بگیرد.
آیت الله خویی	پدر می‌تواند آن را از زکات بخرد و در معرض استفاده پسر قرار دهد.
نظر آیت الله بهجت یافت نشد.	

مصرف زکات فطره (د: ص ۳۴۵، پ ۶ ت: م ۲۰۱۴)	
مصارف هشت‌گانه زکات، ولی احتیاط مستحب است به فقرای شیعه داده شود.	آیات عظام: امام خمینی و سایر مراجع
مصرف هشت‌گانه زکات ولی احتیاط واجب است به فقرای شیعه دوازده امامی داده شود.	آیات عظام: سیستانی، صافی، گلپایگانی، مکارم

خمس

اثاثیه‌ای که از درآمد بین سال خریده و از آن رفع نیاز شده (د: ص ۳۵۰، پ ۳ ت: م ۱۷۸۱)	
خمس ندارد.	آیات عظام: تبریزی، خامنه‌ای، خویی، مکارم، سیستانی
خمس دارد.	امام خمینی، آیت الله بهجت (بنابر احتیاط واجب: آیت الله اراکی)
اگر با احتمال اینکه تا یک سال خرج زندگی شود، نگه داشت و خرج نشد خمس دارد.	آیت الله زنجانی
اگر تا آخر سال خمس بماند، خمس دارد.	آیات عظام: فاضل، گلپایگانی، نوری (بنابر احتیاط: آیت الله صافی)
خمس هبه و امثال آن (د: ص ۳۵۱، پ ۲ ت: م ۱۷۵۳)	
اگر از مخارج سال زیاد بپاید خمس دارد.	آیات عظام: اراکی، خویی، تبریزی، سیستانی، صافی، گلپایگانی
خمس دارد، بنابر احتیاط واجب	آیات عظام: بهجت، فاضل، مکارم (ارزشمند باشد خمس دارد، کم ارزش باشد بنابر احتیاط خمس دارد: آیت الله زنجانی)
خمس ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری

خمس سرمایه کودک نابالغ (د: ص ۳۵۰، پ ۵ ت: م ۱۷۹۴)	
ولی طفل باید خمس آن را بدهد و اگر نداد پس از بلوغ بر خودش واجب است.	آیات عظام: فاضل، سیستانی، زنجانی
بنا بر احتیاط واجب پس از بلوغ باید خمس آن را بدهد	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، مکارم، اراکی، بهجت
خمس ندارد و واجب نیست بعد از بلوغ خمس آن را بدهد	آیت الله تبریزی، آیت الله خویی
ولی طفل می‌تواند پیش از بلوغ خمس را بدهد و اگر بعد از سال، خمس را ندهد نمی‌تواند در آن تصرف نماید و در این صورت بعد از بلوغ خودش باید بپردازد.	آیات عظام: گلپایگانی، صافی، نوری
خمس مهریه و ارث (د: ص ۳۵۱، پ ۱ ت: م ۱۷۵۳ و ۱۷۵۴)	
مهریه و ارث خمس ندارد ولی اگر از کسی که خویشاوندی دوری داشته و نمی‌دانسته و از او ارث برده اگر از مخارج سالش زیاد بیاید بنا بر احتیاط واجب خمس دارد.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، فاضل، مکارم، سیستانی، صافی (و اگر مالی غیر از ارثی که بر اساس قواعد معتبر ارث مثل تعصیب به او ارث رسید باید خمس بدهد: آیت الله سیستانی)
ارث و مهریه خمس ندارد	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، نوری، گلپایگانی
ارث و مهریه ازدواج دائم خمس ندارد ولی مهریه ازدواج موقت اگر از مخارج سال اضافه بیاید بنا بر احتیاط واجب خمس دارد.	آیت الله زنجانی
مهری را که زن می‌گیرد و ارثی که به انسان از خویشاوندی می‌رسد که نمی‌داند یا او خویشاوند است؛ اگر از مخارج سال اضافه بیاید، بنا بر احتیاط واجب خمس دارد.	آیت الله بهجت
خمس سرمایه (د: ص ۳۵۱، پ ۲)	
سرمایه کسب و ابزار کار اگر از درآمد کسب و حقوق تهیه شده خمس دارد مگر آنکه اگر خمس آن را بدهد با بقیه آن نمی‌تواند زندگی کند.	آیات عظام: امام خمینی، تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، نوری، خویی (خمس دارد: آیت الله صافی)
سرمایه کسب در حدی که مورد نیاز است و با کمتر از آن زندگی او در حد آبرو و شأش اداره نمی‌شود، خمس ندارد.	آیات عظام: بهجت زنجانی، گلپایگانی، مکارم
اگر سرمایه مورد نیاز زندگی اوست و شغلی که نیاز به سرمایه نداشته باشد ندارد، خمس واجب نیست.	آیت الله اراکی

حکم خرید و فروش یا پول خمس نداده (د: ص ۳۵۵، پ ۵ ت: م ۱۷۶۰)	
بدون اجازه حاکم شرع معامله $\frac{1}{8}$ آن باطل است.	آیات عظام: امام خمینی، مکارم، گلپایگانی، صافی، نوری، زنجانی
معامله صحیح است ولی خمس آن را باید بپردازد و به این جنس خمس تعلق می‌گیرد ولی اجازه حاکم شرع نیاز نیست.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، سیستانی، خامنه‌ای (به شرط اینکه فروشنده مسلمان اثنی عشری باشد: آیت الله سیستانی، آیت الله تبریزی)
به فرض صحت معامله، نماز خواندن در آن نیز صحیح است و حکم پاورقی ۳ و ۴ کتاب آموزش فقه نیز روشن می‌شود.	

حج

حلق یا تقصیر برای مردی که سفر اول حج اوست (د: ص ۲۹۵، پ ۲ مناسک حج محشی، م ۱۱۴۳)	
تقصیر جایز است.	آیات عظام: بهجت، خویی، تبریزی، فاضل، مکارم، نوری
بنا بر احتیاط واجب باید حلق کند.	آیات عظام: امام خمینی، گلپایگانی، خامنه‌ای، سیستانی، صافی
مردی که حجة الاسلام خود را انجام می‌دهد واجب است حلق کند هر چند سفر اول او نباشد.	آیت الله زنجانی
بیتوته در منی (د: ص ۲۹۵، پ ۲ مناسک حج محشی، م ۱۲۲۰)	
واجب است نیمه اول یا دوم را بیتوته کند.	آیات عظام: خامنه‌ای، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، مکارم
بیتوته از غروب تا نیمه شب واجب است.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، گلپایگانی، صافی (از غروب شرعی: آیت الله اراکی، آیت الله نوری)

خيارات

فوریت حق فسخ (د: ص ۳۶۹، پ ۳ ت: م ۲۱۳۲)	
آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، بهجت، سیستانی (بنابر احتیاط حق او ساقط می‌شود ولی مقداری تأخیر برای فکر کردن مانعی ندارد. آیت الله مکارم)	اگر بعد از معامله عیب را فهمید فوری معامله را فسخ نکرد حق برهم زدن معامله را ندارد.
آیات عظام صافی، گلپایگانی، نوری (بنابر احتیاط واجب: آیت الله فاضل)	اگر فوری فسخ نکرد حق بهم زدن ندارد، مگر جاهل به مسأله باشد.
آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی	اگر فوری فسخ نکرد حق او از بین نمی‌رود و بعداً حق فسخ دارد.
نداشتن حق فسخ و گرفتن تفاوت قیمت (د: ص ۳۸۰، پ ۲ ت: م ۲۱۳۴)	
امام خمینی و سایر مراجع	۱. موقع خرید عیب مال را بداند و به عیب راضی باشد. ۲. وقت معامله بگوید عیب داشت مهم نیست. ۳. فروشنده وقت معامله بگوید با عیبی که دارد می‌فروشم.
آیت الله سیستانی	در دو صورت حق فسخ و گرفتن تفاوت قیمت را ندارد: ۱. موقع خرید عیب مال را بداند ۲. فروشنده وقت معامله با هر عیبی بفروشد.

ضمان

اگر طلبکار طلب خود را به ضامن ببخشد (د: ص ۳۹۵، پ ۱ ت: م ۲۳۱۵)	
امام خمینی و سایر مراجع	اگر طلبکار طلب خود یا مقداری از آن را به ضامن ببخشد ضامن نمی‌تواند از مقدار بخشیده شده از بدهکار چیزی بگیرد.
آیت الله سیستانی	ضامن می‌تواند مقدار بخشیده شده را از بدهکار مطالبه نماید.

وکالت و ولایت

دیوانگی مقطعی وکیل (د: ص ۴۰۱ پ ۲ ت: ۲۲۶۸)	
آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، گلپایگانی، مکارم، بهجت	اگر وکیل یا موکل گاه گاهی دیوانه یا بی‌هوش شود بنابر احتیاط واجب به معامله‌ای که انجام می‌دهد ترتیب اثر ندهد.
آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، فاضل، سیستانی، صافی	بطلان وکالت یا دیوانگی مقطعی محل اشکال است.
ولایت بر سفیه (د: ص ۴۰۲ پ ۲ ت: ۲۲۵۴)	
آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، نوری	اگر پس از بلوغ سفیه شده حاکم شرع بر او ولایت دارد.
آیات عظام: زنجانی، مکارم، سیستانی، بهجت	ولایت بر سفیه با پدر یا جد پدری است؛ هرچند پس از بلوغ سفیه شده باشد.
آیت الله فاضل	تصرفات باید زیر نظر ولی او باشد.

اشیاء گم شده

برداشتن کفش دیگری به جای کفش گمشده (د: ص ۴۰۷ پ ۱ ت: ۲۵۸۱)	
آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، زنجانی، گلپایگانی، مکارم، نوری	علم به رضایت صاحب کفش، شرط نیست.
آیات عظام: تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل	علم به رضایت صاحب کفش، شرط است
اگر قیمت آن کفش از کفش خودش بیشتر باشد باید هر وقت صاحبش را پیدا کرد زیادی قیمت را به او بدهد و اگر پیدا نشد، با اجازه حاکم شرع از طرف صاحبش صدقه بدهد.	

مزارعه

اگر زراعت به واسطه پیش آمدی به طور کامل ممکن نشد (د: ص ۴۱۱، پ ۲ ت: م ۲۲۳۲)	
چه اصلاً زراعت به دست نیاید چه مقداری به دست آید در هر دو صورت مزارعه باطل است.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، گلپایگانی
اگر مقدار زراعت به دست آمده همان مقدار مطابق قرارداد باشد از هر دو است و نسبت به بقیه مزارعه باطل است و اگر اصلاً زراعت به دست نیامده مزارعه باطل.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، فاضل، مکارم، خامنه‌ای، توری

مساقات

مورد مساقات (د: ص ۴۱۲، پ ۴ ت: م ۲۲۳۹)	
درخت میوه باشد یا از درختانی که از گل و برگ آنها استفاده شود.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم
در مورد درختان بی میوه مثل حنا که از برگ آنها استفاده می شود اشکال دارد.	آیات عظام: اراکی، تبریزی، خویی، (بنا بر احتیاط مساقات انجام ندهند: زنجانی)

وقف

متولی وقف خاص (د: ۴۲۰، پ ۵ ت: م ۲۶۸۵)	
در اموری که به مصلحت وقف و به نسل بعد مربوط است حاکم شرع است و در امور مربوط به منفعت طبقه موجود موقوف علیهم‌اند.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، خامنه‌ای، بهجت، سیستانی، توری
مطلقاً موقوف علیهم‌اند.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی
در اموری که به مصلحت وقف و نسل بعد مربوط است احتیاط آن است که نسل موجود و حاکم شرع با موافقت یکدیگر متولی را تعیین کنند.	آیت الله مکارم

نذر

نذر زن و اجازه شوهر (د: ص ۴۳۰، پ ۱ ت: م ۲۶۴۴)	
آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی، سیستانی، مکارم (بنا بر احتیاط واجب: آیت الله فاضل، آیت الله بهجت) و احتیاط آن است در امور مالی غیر از حج و زکات و احسان به پدر و مادر و صلہ رحمی نیز با اذن شوهر نذر کند: آیت الله صافی	اگر با حق شوهر منافات دارد بدون اجازه صحیح نیست
آیات عظام: امام خمینی، اراکی، نوری، گلپایگانی	نذر زن بدون اجازه شوهر باطل است.
آیت الله زنجانی، (اگر شوهر حضور دارد از او اجازه بگیرد وگرنه اجازه شرط نیست: آیت الله خامنه‌ای).	هر چند بنا بر مشهور نذر او صحیح نیست ولی بنا بر احتیاط حتی در صورت نهي شوهر به نذر عمل شود.
کفاره تخلف نذر (د: ص ۴۳۱، پ ۴ ت: م ۲۶۵۴)	
آیات عظام: امام خمینی، اراکی، گلپایگانی، صافی، فاضل، زنجانی، نوری، مکارم	کفاره تخلف نذر، همان کفاره افطار عمدی روزه ماه رمضان است.
آیات عظام: خویی، تبریزی، خامنه‌ای، بهجت (بنا بر احتیاط: آیت الله سیستانی)	کفاره تخلف نذر کفاره تخلف قسم است.

محرمیت

شیری که سبب محرمیت می شود (د: ص ۴۵۳، پ ۱ ت: م ۲۴۷۴)	
آیات عظام: اراکی، سیستانی، فاضل، مکارم	باید از ولادت کودک باشد.
سایر مراجع متعرض این شرط نشده‌اند.	
ریختن شیر در گلوئی کودک و محرمیت (د: ص ۴۵۳، پ ۱ ت: م ۲۴۷۴)	
آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی	سبب محرمیت نمی شود.
آیت الله نوری (احتیاط واجب آن است که با آن زن و محارم او ازدواج نکنند: آیت الله مکارم)	سبب محرمیت می شود.
آیت الله نوری	لازم است کسانی که محرم می شوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او نکنند.

نگاه

نگاه به صورت و دست زن نامحرم بدون قصد لذت (د: ص ۴۵۷، پ ۳ ت: م ۲۴۳۳)	
مانعی ندارد.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، نوری، خامنه‌ای، زنجانی، سیستانی، فاضل، مکارم
نباید نگاه کند.	آیت الله گلپایگانی (بنابر احتیاط واجب نباید نگاه کند. آیات عظام: تبریزی، خویی، صافی)
نگاه زن به سر و گردن مرد نامحرم بدون قصد لذت (د: ص ۴۵۷، پ ۳ ت: م ۲۴۳۳)	
به مقداری که بطور متعارف نمی‌پوشانند حرام نیست.	آیات عظام: بهجت، خامنه‌ای، خویی، تبریزی، زنجانی، سیستانی، مکارم
حرام است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، صافی، فاضل، نوری، گلپایگانی
نگاه مرد به بدن زن برای ازدواج (د: ص ۴۵۸، پ ۳ کتاب احکام روابط زن و مرد)	
بجز عورت جایز است.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، سیستانی، فاضل
بنابر احتیاط واجب فقط به صورت و دست‌ها نگاه کند.	آیت الله گلپایگانی
مطلقاً جایز نیست.	آیت الله اراکی
فقط می‌تواند به وجه و کفین، موها و گردن و مقدار کمی از اطراف آنها و یا به حجم بدن از روی لباس نگاه کنند.	آیت الله مکارم
مصافحه یا نامحرم از روی لباس (د: ص ۴۵۸، پ ۵ کتاب احکام روابط زن و مرد)	
با شرایطی جایز است.	آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، مکارم
نظرات دیگران یافت نشد.	

پوشش

پوشاندن دستها و صورت در برابر نامحرم (د: ص ۴۵۹، پ ۳ ت: م ۲۴۲۵)	
اگر زیور و آرایش نداشته باشد، لازم نیست.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، اراکی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، صافی، فاضل، مکارم، نوری
بنا بر احتیاط واجب لازم است.	آیت الله گلپایگانی
اگر بترسد یا نبوشاندن وجه و کفین به حرام می‌افتد باید بپوشاند.	آیت الله سیستانی

خوراکی‌ها

خوراندن متنجس به کودک (د: ص ۴۸۶، پ ۱ ت: م ۱۴۱)	
خورانیدن غذای متنجس به اطفال حرام نیست.	آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، تبریزی، خویی، سیستانی، فاضل، نوری، بهجت
خورانیدن غذای متنجس به کودکان بنا بر احتیاط واجب ترک شود.	آیت الله اراکی، آیت الله مکارم
خورانیدن غذای متنجس به کودکان اگر ضرر دارد حرام است.	آیات عظام: زنجانی، صافی، گلپایگانی
خورانیدن غذا متنجس به کودک حرام است ولی اگر خودش خورد جلوگیری واجب نیست.	آیت الله فاضل

شرایط ذبح حیوان

سریریدن حیوان یا استیل (د: ص ۴۸۹، پ ۱ ت: م ۲۵۹۴ مناسک حج محشی، م ۱۰۹۴)	
صحیح نیست.	آیات عظام: امام خمینی، صافی، گلپایگانی (بنا بر احتیاط واجب: آیت الله سیستانی)
صحیح است.	آیات عظام: خامنه‌ای، تبریزی، اراکی، بهجت، زنجانی، خویی، فاضل، مکارم، نوری

صید

صید ماهی (د: ص ۴۹۱، پ ۱ ت: م ۲۶۱۵)	
آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری.	اگر داخل تور صیادی در آب بمیرد حلال است.
آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، اراکی، بهجت	اگر در داخل تور صیادی در آب بمیرد حرام است.

احکام خوراکی‌ها

خوردن ماهی زنده (د: ص ۴۹۱، پ ۳ ت: م ۲۶۱۹)	
آیات عظام: امام خمینی، خامنه‌ای، تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، نوری، اراکی، فاضل	اشکال ندارد.
آیات عظام: بهجت، صافی، گلپایگانی، مکارم	بنابر احتیاط جایز نیست.

احکام اموات

مذهب غسل دهنده میت (د: ص ۵۳۹، پ ۱ ت: م ۵۵۵)	
آیات عظام: اراکی، امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، تبریزی، زنجانی، خویی، صافی، فاضل، نوری، گلپایگانی، (بنابر احتیاط واجب: آیت الله سیستانی)	باید دوازده امامی باشد.
آیت الله مکارم	باید مسلمان باشد.
تیمم چهارم بدل از هر سه غسل (د: ص ۵۳۹، پ ۶ ت: م ۵۶۸)	
آیات عظام: امام خمینی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، فاضل، مکارم، نوری (بنابر احتیاط واجب است، آیات عظام: اراکی، خویی، صافی، گلپایگانی).	سه تیمم واجب است ولی تیمم چهارم واجب نیست.
آیت الله زنجانی، آیت الله سیستانی	باید میت را یک تیمم بدهند و بنابر احتیاط مستحب عوض هر غسل، میت را یک تیمم بدهند.

کفایت غسل مسّ میت از وضو برای نماز و مانند آن (د: ص ۵۴۰ پ ۴ ت: م ۵۴۲)	
برای نماز و امثال آن باید وضو بگیرد.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، گلپایگانی
وضو لازم ندارد.	آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، سیستانی، مکارم، نوری
بنا بر احتیاط باید برای نماز و امثال آن وضو بگیرد.	آیت الله بهجت
ترتیب در گذاشتن کافور (د: ص ۵۴۱، پ ۶ ت: م ۵۸۶)	
رعایت ترتیب واجب نیست.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، زنجانی، سیستانی، فاضل، نوری
باید اول پیشانی را بگذارند ولی در سایر جاها ترتیب شرط نیست.	آیت الله اراکی (بنا بر احتیاط واجب است اول پیشانی: آیات عظام: خویی، تبریزی، صافی، گلپایگانی، مکارم)
کسی که در کشتی بمیرد (د: ص ۵۴۵، پ ۱ ت: م ۶۱۶)	
در صورت عدم امکان رساندن به خشکی، باید چیز سنگینی به پایش ببندند و یا او را در خمره بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیندازند.	آیات عظام: امام خمینی، بهجت، اراکی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، گلپایگانی، نوری (بنا بر احتیاط در صورت امکان در خمره بگذارند آیات عظام: تبریزی، خویی، زنجانی، صافی)
کسی که در کشتی بمیرد لازم نیست او را در خمره بگذارند، بلکه در هر چیزی که حیوانات آبی نتوانند به او دست یابند بگذارند.	آیت الله مکارم
نیش قبر میتی که بدون غسل یا کفن دفن شده (د: ص ۵۵۰، پ ۱ ت: م ۶۴۳)	
جایز است.	آیات عظام: امام خمینی، اراکی، بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، خویی، زنجانی، صافی، فاضل، گلپایگانی، مکارم، نوری
جایز است اگر بدون غسل یا کفن یا حنوط دفن شده است.	آیت الله بهجت (یا تیمم: آیت الله زنجانی)
بسیاری از مراجع، نیش قبر را در موارد جواز مشروط به عدم هتک میت می‌دانند.	
و در رساله آیات عظام: خویی، تبریزی، زنجانی، بهجت، صافی، فاضل، سیستانی، این مورد هم اضافه شده که اگر میت وصیت کرده باشد او را به یکی از مشاهد مشرفه منتقل کنند، نیش جایز است.	

دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیّه

واژه‌نامه

«الف»

- این السبیل:** مسافری که در سفر درمانده باشد.
- أَجْرَةُ الْيَمَل:** اجرت همانند، مقدار مزدی که برای همین کار به فردی که در همین سطح انجام دهد، باید پرداخت.
- أَجِير:** کسی که طبق قرار مشخص، در برابر کاری که انجام می‌دهد، اجرت دریافت می‌کند.
- إِحْرَاز:** به دست آوردن، فراهم آوردن، دریافتن.
- أَخَوَط:** مطابق با احتیاط.
- إِخْفَات:** آهسته خواندن به طوری که جوهر صدا آشکار نشود.
- إِذْن:** اجازه (قبل از عمل).
- أَرْبَاح مَكَّاسِب:** منافع کسب، هر نوع درآمدی که حاصل کار و تلاش انسان است.
- ارتفاع قیمت سوقی:** بالا رفتن قیمت جنس در بازار.
- إِشْتِرَاح:** ربح و سود جستن و فایده بردن.
- استفتاء:** درخواست فتوی، سؤال از نظر مجتهد درباره حکم شرعی مسأله.
- استطاعت:** توانایی انجام دادن فریضه حج از جهت بدن و مال و راه.
- استمنا:** انجام دادن کاری به قصد انزال (بیرون آمدن منی).
- إِعْرَاض از وطن:** تصمیم انسان بر اینکه برای همیشه وطنش را ترک کند.
- إِقْضَاء:** یکی شدن مجرای بول و حیض یا مجرای حیض و غائط یا هرسه.
- اقامه معروف:** به پا داشتن کار نیکی که از نظر شرعی به رسمیت شناخته شده است.
- امساک:** خوداری کردن، خود را بازداشتن از چیزی.
- اموال محترمه:** اموالی که بر اساس ضوابط اسلامی، دارای احترام است.
- امور حسبه:** کارهایی از قبیل رسیدگی به اموال یتیمان و غیر آن، که شارع مقدس راضی به وانهادن و رها کردن آنها نیست و متصدی آنها ولی فقیه یا نماینده اوست.
- انزال:** خروج منی.
- أَوْدَاج اربعه:** دو شاهرگ گردن و مری و نای.
- ایقاع:** هر نوع قراری که با تصمیم یک طرف انجام گیرد و نیاز به قبول دیگری نداشته باشد؛ مانند طلاق که احتیاج به قبول زن ندارد.
- اهل خبره:** کسانی که در موضوعی اهل اطلاع و تشخیص باشند.

اهل کتاب: غیر مسلمانانی که خود را تابع یکی از پیامبران صاحب کتاب می‌دانند، مانند یهود و نصارا.

«ب»

بدعت: چیزی را که جزء دین نیست، جزء آن دانستن.

برائت: رفع تکلیف شرعی در موارد شک با رعایت ضوابط آن.

بهمه: حیوان چهارپا.

«ت»

تجافی: نیم خیز نشستن مأموم در حال تشهد خواندن امام را گویند که مأموم به رکعت اول نماز جماعت نرسیده است.

تخت الحنک: زیر چانه، قسمتی از عمامه که زیر گلو آویخته می‌شود.

تخلی: خالی کردن، بول و غائط کردن.

تخمیس: خمس مال را خارج کردن، خمس مال را پرداختن.

تروی: تفکر در موارد مشکوک رکعات یا افعال نماز برای کشف حقیقت.

تلكیه: کشتن حیوان با رعایت موازین شرعی.

تسبی: خود را پوشانیدن.

تشمیه: اسم بردن، جاری کردن نام خدا بر زبان.

تشریح: پاره کردن بدن مردگان برای آگاهی‌های پزشکی و غیر آن.

تعذی: زیاده‌روی، ستم کردن، تجاوز.

تفریط: کوتاهی کردن، مسامحه.

تلقیح: نطفه مرد را با وسیله‌ای نظیر سرنگ به رحم زن وارد کردن یا نطفه مرد و زن را در آمیختن و به رحم زن منتقل کردن.

تَمَكُن: توانایی مالی.

تثقیه: اماله کردن، داخل کردن داروی مایع با ابزار مخصوص از طریق مخرج غائط به داخل بدن.

«ث»

ثُلثان: دو سوم، تبخیر شدن دو سوم آب انگور و کشمش جوشیده که مقدمه حلّیت آن است.

ثَمَن: بهای کالا.

«ج»

جاعل: کسی که در قرارداد جعاله انجام دادن کاری را درخواست می‌کند.

جاهل قاصر: جاهلی که در جهلش مقصر نیست؛ یعنی در شرایطی است که نمی‌تواند به حکم شرعی دست یابد یا اصلاً خود را جاهل نمی‌داند.

جاهل مقصّر: جاهلی که در جهلش مقصر است؛ یعنی امکان آموختن مسائل را داشته، ولی کوتاهی کرده است.

جلال: حیوانی که به خوردن مدفوع انسان عادت کرده است.

- جَهْر: صدای بلند، با صدای بلند چیزی را خواندن به طوری که جوهر صدا آشکار شود.
- «ح»
حاکم شرع: مجتهدی که بر اساس موازین شرعی، حکمش نافذ است.
حَدِّثِ اصْغَر: هرامری که موجب وضو برای نماز و مانند آن شود.
حَدِّثِ اکْبَر: هرامری که موجب غسل برای نماز و مانند آن شود؛ مانند احتلام و جماع.
حَدِّ ثَرْخُص: حدی از مسافت که در آن صدای اذان دیوار محل شروع سفر تشخیص داده نشود.
خَرَج: مشقت، سختی.
حِصَّة: سهم.
- «خ»
خارق العاده: خلاف عادت، غیر معمول.
خُبْره: کارشناس.
خَبَث: پلیدی، نجاست.
خُسوف: ماه گرفتگی.
خون جهنده دار: حیوانی که وقتی رگ آن را ببرند، خون از آن یا فشار بیرون می‌آید.
خیاره: اختیار بر هم زدن معامله.
- «د»
دُثْر: عقب، پشت، نشیمن گاه.
دیه: مالی که به جبران خون مسلمان یا نقص بدنی او پرداخت می‌شود.
- «ذ»
ذبح شرعی: سربردن حیوانات با رعایت ضوابط شرعی.
ذِمَّة: به عهده کسی در آمدن.
ذمی: غیر مسلمان اهل کتاب - مانند یهود و نصارا - که در سرزمین مسلمانان زندگی کند و در مقابل تعهدی که برای رعایت قوانین اجتماعی اسلام داده، از امنیت و حمایت حکومت اسلامی برخوردار است.
- «ر»
رَبِیع سَنَه: درآمد انسان در طول سال.
رضاعی: خویشاوندی و نسبتی که با شیردادن به وجود می‌آید.
رفع ضرورت: بر طرف شدن حالت اضطرار و ناچاری.
رِیْبَه: تردید، شبهه، بدگمانی.
- «ز»
زائد بر مَوْنَه: اضافه بر مخارج، بیشتر از هزینه زندگی.
- «س»
سال خمسی: یک سال تمام که با نخستین رسیدگی انسان به حساب اموال خود برای تخمیس آن شروع می‌شود و باید هر سال، همان تاریخ را مبدأ رسیدگی مجدد قرار دهد.

سقط شده: جنینی که نارس یا مرده از رحم خارج شده است.
شور: نیم خورده آب یا غذا.

«ش»

شاخص: چوب یا چیز دیگری که برای تعیین وقت ظهر در زمین نصب می کنند.

شارع: بنیان گذار شریعت اسلام، خداوند و پیامبر اکرم ﷺ.

شرایط ذمه: شرایطی که اگر اهل کتاب در بلاد مسلمین به آنها عمل کنند، جان و مالشان در پناه حکومت اسلامی محفوظ خواهد بود.

«ص»

صاع: پیمانه ای که در حدود سه کیلوگرم گنجایش داشته باشد.

صغیر: کودکی که به سن بلوغ نرسیده است.

«ض»

ضامن: عهده دار، بر عهده گیرند.

ضرورت: ناچاری، اضطرار، حتمیت.

ضعف مُفرط: ضعف شدید.

«ط»

طهارت: پاکی، حالتی معنوی که در نتیجه وضو، غسل یا تیمم در انسان حاصل می شود.

«ظ»

ظن: گمان.

ظهار: صیغه بیزاری اجرا کردن، در اصطلاح فقه یعنی مردی به زن خود بگوید: «ظَهَرَکَ کَظْهَرُأُنی» پشت تو مثل پشت مادر من است، کنایه از اینکه چنان که مادر بر من حرام است، تو هم از این پس جنینی.

«ع»

عاجز: ناتوان، درمانده.

عادت ماهیانه: حیض، قاعدگی.

عاصی: عصیان کننده، اطاعت نکردن از احکام الهی.

عامل: ۱. کسی که به قرارداد خاصی عمل می کند. (به بحث جعاله یا مضاربه مراجعه کنید).

۲. کسی که متصدی جمع آوری، حسابرسی، تقسیم و سایر امور مربوط به زکات است.
 ۳. اجیر.

عَرَقات: بیابانی است مسطح و وسیع در جنوب شرقی بیرون مکه که حاجیان باید روز نهم ذی حجه از ظهر تا مغرب در آن جا بمانند.

عَرَقِ جُثَب از حرام: عرقی که پس از آمیزش نامشروع یا استمنا از بدن انسان خارج می شود.

عَزَل: در لغت به معنای کنار گذاشتن است، اما اصطلاحاً دو معنا دارد: ۱. انزال کردن در خارج رحم برای جلوگیری از انعقاد نطفه. ۲. برکنار کردن وکیل یا مأمور خود از کار یا نظایر آن؛ مانند

را فجر صادق می‌گویند. وقتی که آن سفیده گسترده شد، فجر کاذب و اول وقت نماز صبح است.

قُرْاد: نمازی که انسان، به طور انفرادی و بدون جماعت به جامی آورد.

قُرْج: عورت زن (قُبُل و دُئِر).

قُرْض: امر واجب.

قُظَرِیه: زکات فطره.

قُقَاع: آب جو.

فقیر: کسی که مخارج سال خود و خانواده‌اش را نداشته باشد و چیزی هم ندارد که به طور روزانه بتواند هزینه زندگی را تأمین کند.

فی سبیل الله: در راه خدا، هر کار خیری که نفعش به عموم مسلمانان می‌رسد؛ مانند ساختن مسجد، پل، جاده.

«ق»

قُبُل: پیش، کنایه از اندام زنانه است.

قرار ضمنی: آنچه در ضمن قرارداد مورد قبول طرفین قرار گیرد.

قرار صوری: شکل ظاهری قرار داد که قصد جدی بر آن نباشد.

قُرُوح: دُمَلها.

قَرینَه: نشانه، علامت.

قصد اقامت: تصمیم مسافر به ماندن ده روز یا بیشتر در یک محل

برکناری وصی یا متولی خائن از سوی حاکم شرع.

عُشر: سختی، تنگدستی.

عقد: پیمان، قرارداد.

عمدا: از روی قصد انجام دادن کاری با علم و آگاهی.

عُتُف: کسی را به زور به کاری واداشتن.

عُتین: سردی که از عمل زناشویی ناتوان است.

عورت: آنچه انسان از ظاهر کردنش حیا می‌کند، کنایه از عضو جنسی زن و مرد.

عهد: تعهد انسان در برابر خداوند با لفظ مخصوص برای انجام کار پسندیده یا ترک ناپسند.

«غ»

غرض عقلایی: هدفی که از نظر عقلا قابل قبول و پسندیده باشد.

غَساله: آبی که معمولاً پس از تطهیر چیزی - خود به خود یا با فشار - از آن می‌ریزد.

غُسل: شستشوی بدن با کیفیت مخصوص.

غُش: مخلوط کردن پنهانی جنس کم بها با گران بها به منظور فریب مردم.

غصب: استیلاي ظالمانه بر مال یا حق دیگران.

«ف»

فَجَر: سپیده صبح.

فجر صادق و کاذب: نزدیک اذان صبح از طرف مشرق سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن

قصد انشاء: تصمیم به ایجاد یک امر اعتباری؛ مانند بیع و شراء و غیره، همراه با ادای کلمات مربوط.

قصد وجه: قصد عنوان حکم خاص عمل؛ مانند قصد وجوب نمازهای یومیه و استحباب نماز شب.

قیم: سرپرست، کسی که بر اساس وصیت یا حکم حاکم شرع، مسئول امور طفل یتیم و غیر آن می شود.

«ک»

کافر خزئی: کافری که با مسلمانان در حال جنگ است.

کافر ذمی: اهل کتابی که در بلاد اسلامی با شرایط مخصوص اهل ذمه در پناه حکومت اسلامی زندگی می کند.

کسوف: خورشید گرفتگی.

کشف خلاف شدن: معلوم شدن خلاف یک چیز.

کفالت: کفیل کسی شدن، در جای کسی عهده دار امری شدن.

«ل»

لازم الوفاء: آنچه باید به آن عمل کرد.

لغو: بی فایده، بی معنا، بیهوده.

«م»

مایه التفاوت: مقدار تفاوت بین دو چیز.

مائیک: آنچه از متوفاً باقی مانده؛ مانند پول و خانه و غیر آن.

مال الإجاره: مالی که باید مستأجر بابت اجاره بپردازد.

مؤونه: مخارج یا هزینه.

مُتَنَجِّس: هر چیزی که ذاتاً پاک است، ولی در اثر برخورد مستقیم یا غیر مستقیم با شیء نجس، آلوده شده است.

مُتَوَلّی: سرپرست.

مُتَهَنِّک: فرد بی پروا که از رسوایی پاک نداشته باشد.

مُثْمَن: کالایی که فروخته می شود.

مجهول المالک: مالی که صاحب آن معلوم نیست.

مُجْزئ: ساقط کننده تکلیف.

مُحاذی: ردیف، در کنار هم.

محتضر: کسی که در حال جان دادن است.

مُخْتَلِم: کسی که در خواب از او منی خارج شده است.

محدور: مانع.

محرم: چیزی که حرام است؛ اولین ماه از سال قمری.

مَحْرَم: بستگان نزدیک انسان که ازدواج با آنها حرمت ابدی دارد.

مُشْکِن: بیچاره، مفلوک، کسی که از فقیر هم سخت‌تر می‌گذراند و گاهی به معنای فقیر است. **مُشْکِر:** هر چیز مست‌کننده.

مَشْعَرُ الْحَرَام: وادی طویلی است میان «عرفات» و «منا» و به آن «مزدلفه» هم گفته می‌شود و حاجیان شب عید قربان را باید در آنجا بمانند.

مِصَالِحَه: سازش و توافق طرفین. **مِصُونِیت:** آسیب ناپذیری.

مُضْطَر: ناچار، ناگزیر.

مَضْمَنَه: چرخاندن آب در دهان.

مَضِیقَه: تنگدستی، تنگنایی و گرفتاری.

مِظَالَم: آنچه بر ذمه انسان است و صاحب آن معلوم نیست یا دسترسی به آن ممکن نباشد؛ مانند این که کسی بدهکار است و صاحب آن را نمی‌شناسد.

مُقَطَّر: چیزی که روزه را باطل می‌کند.

مُقَارَبَت: نزدیکی کردن، آمیزش جنسی.

مَقَررات شرعی: آنچه را که خداوند به عنوان تکلیف شرعی معین کرده است.

مُکَلَّف: هر انسانی که بالغ و عاقل است.

مُلاَعَبَه: بازی کردن، معاشقه کردن.

مُمَیز: بچه‌ای که خوب و بد را تشخیص می‌دهد، ولی به سن بلوغ نرسیده.

مِنی: سرزمینی میان دو رشته کوه و حد فاصل بین مزدلفه و مکه است که بخشی از اعمال حج

مُحَرِّم: کسی که در حال احرام حج یا عمره است. **مَخْجُور:** کسی که از تصرف در اموالش ممنوع است.

مَحْظُور: ممنوع.

مُحِل: بدهکاری که بدهی خود را به دیگری حواله می‌کند.

مُخْتَال: طلبکاری که برای دریافت طلبش به دیگری حواله می‌دهند.

مَحَال عَلَیْه: کسی که پرداخت بدهی او به او حواله شده تا بدهی را بپردازد.

مَخْرَج بُول و غَائِط: محل طبیعی خروج ادرار و مدفوع.

مُخْتَس: مالی که خمس آن خارج شده است.

مُد: پیمانه‌ای که تقریباً ده سیر ظرفیت دارد.

مُدَّعی: خواهان، کسی که برای خودش حقی قاتل است.

مُرْتَد: مسلمانی که کافر شده، مسلمانی که منکر خدا و رسول یا حکمی از ضروریات دین شده که انکارش به انکار خدا و رسول برمی‌گردد.

مُرْتَد فطری: کسی که از پدر یا مادر مسلمان متولد شده و خودش نیز مسلمان بوده و سپس کافر گردیده است.

مُرْتَد ملی: کسی که از پدر و مادر غیر مسلمان متولد شده، ولی خودش پس از اظهار کفر مسلمان گردیده و مجدداً کافر شده است.

مُسْتَهْلَك: از میان رفته، نابود و نیست شده.

از جمله رمی جمرات و قربانی در این وادی انجام می‌شود.

مُتَعَزِّل: خود به خود برکنار شده.

موالات: پشت سر هم، پی در پی انجام دادن.

مُوجِع: اجاره دهنده.

موقوفه: وقف شده.

مُؤَكَّل: وکیل کننده.

مَوْهُوبه: بخشیده شده.

میقات: مکان‌هایی که برای احرام عمره و حج مشخص شده است؛ مانند مسجد شجره، جُحُفَه و....

«ن»

نایسه: زنی که وقت عادت ماهیانه خود را فراموش کرده است.

نَافِلَه: نماز مستحب.

نوافل یومیه: نمازهای مستحب روزانه که در هر شبانه‌روز ۳۴ رکعت و در جمعه ۳۸ رکعت است.

نَبَشِ قَبْرِ: شکافتن قبر.

نَحْر: کشتن شتر یا فرو بردن نیزه یا خنجر یا وسیله آهنی دیگر در گودی بین گردن و سینه آن.

نِصَاب: حد مشخص، حد یا مقدار تعیین شده.

«و»

واجب اصلی (نفسی): واجبی که در وجوب اصالت دارد؛ مانند نماز. این اصطلاح در مقابل

واجب تبعی است.

واجب تَبَعی (غیری): واجبی که ذاتاً واجب

نیست، ولی به تَبَعِ واجب دیگر واجب می‌گردد؛

مانند غسل جنابت که ذاتاً واجب نیست، ولی

به تَبَعِ وجوب نماز واجب می‌گردد.

واجب تَعَبُدی: واجبی که در انجام دادن آن قصد

قربت لازم است (عبادات). این اصطلاح در

مقابل واجب توصیلی است.

واجب تَوْصُلی: واجبی که قصد قربت لازم ندارد؛

مانند اداء دین و جواب سلام.

واجب تعیینی: واجبی که به طور مشخص

وجوب به آن تعلق گرفته است؛ مانند روزه و نماز

در مقابل واجب تخییری.

واجب تخییری: کاری که وجوب بین آن و

دیگری دوران دارد؛ مانند کفاره روزه که مخیر

است بین سه کار: ۱. آزاد کردن برده، ۲. شصت

روز روزه گرفتن، ۳. طعام دادن به شصت فقیر.

واجب عینی: واجبی که هر فرد مکلف باید آن را

انجام دهد و چنانچه دیگران هم انجام دهند،

تکلیف از اوساقط نمی‌شود. این اصطلاح در

مقابل واجب کفایی است.

واجب کفایی: واجبی که اگر به اندازه کافی

کسانی به آن اقدام کنند، از دیگران ساقط

می‌شود؛ مانند غسل میت که بر همه واجب

است، ولی اگر عده‌ای به آن اقدام کنند، از

- دیگران** ساقط می‌شود. این اصطلاح در مقابل واجب عینی است.
- واجب مُعَلَّق**: واجبی که زمان وجوب آن «حال» و زمان واجب «آینده» است، یعنی وجوبش فعلی است، ولی واجب را باید در شرایط مشخصی انجام داد؛ مانند وجوب حج پس از تحقق شرایط استطاعت که اگر کسی که مستطیع شود، حج بر او واجب است، ولی باید صبر کند تا ایام مخصوص حج فرا رسد و آن‌گاه آن را به جای آورد. این اصطلاح در مقابل واجب منجز است.
- واجب منجز**: واجبی که زمان وجوب واجب یکی است؛ مانند روزه که در همان وقتی که واجب می‌شود، در همان وقت باید آن را انجام داد.
- واجب مطلق**: واجبی که در هر شرایطی وجوب دارد؛ مانند نماز. این اصطلاح در مقابل واجب مشروط است.
- واجب مشروط**: واجبی که تنها در شرایط خاصی واجب می‌شود؛ مانند حج که تنها با شرط استطاعت واجب می‌شود.
- واجب موسع**: واجبی است که وقت انجام دادن آن وسیع‌تر از زمانی است که واجب به آن نیاز دارد؛ مانند نماز ظهر و عصر که از ظهر تا غروب وقت دارد. در مقابل آن، واجب مُضَيِّق است.
- واجب مُضَيِّق**: واجبی است که در وقت معینی باید به جا آورده شود؛ مانند روزه ماه رمضان.
- ورثه**: جمع وارث، کسانی که ارث می‌برند.
- واقف**: وقف کننده.
- وَدَی**: رطوبتی که گاهی پس از خروج بول مشاهده می‌شود.
- ودیعه**: امانت.
- وَدَی**: رطوبتی که گاهی پس از خروج منی مشاهده می‌شود.
- وَضَلْ به سکون**: حرکت آخر کلمه‌ای را انداختن و بدون توقف آن را به کلمه بعد چسبانیدن.
- وصی**: کسی که مسئول انجام دادن وصیتی شده است.
- وَضَی**: لگدمال کردن، کنایه از آمیزش است.
- وَقْف به حرکت**: در عین ادای حرکت آخرین حرف یک کلمه بین آن و کلمه بعد فاصله انداختن.
- وکیل**: کسی که به وکالت از طرف دیگری متصدی انجام کاری می‌شود.
- ولایت**: سرپرستی.
- ولی**: کسی که به دستور شارع مقدس سرپرست دیگری است؛ مانند پدر و پدر بزرگ و حاکم شرع.
- هبه**: بخشش.
- هدم**: ویرانی.

احکام فقه، مجموعه قوانین عملی اسلام است که از وحی الهی سرچشمه گرفته و با بیان معصومین علیهم السلام تفسیر و تبیین شده و با تلاش مستمر فقهای بزرگوار، از منابع آنها استخراج گردیده است. روشن است که دانش فقه در طول تاریخ حوزه‌های علمیه، یکی از درس‌های زنده و اساسی بوده و هست و عالمانی برای تعلیم و تعلم آن، کتاب‌های بسیاری در سطوح مختلف نگاشته‌اند. نوشته حاضر نیز یکی از آنهاست که برای طلاب پذیرفته شده در آزمون‌های ورودی حوزه‌های علمیه نگاشته شد و دربردارنده عموم ابواب فقهی است. امید است مورد استفاده و بهره‌برداری آن عزیزان قرار گیرد.

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۰۲۵-۳۲۹۱۰۹۷۰

WWW.TMD.IR